با مقدمه آیت الله العظمی مکارم شیرازی

حلیة المتقین

محدث کبیر علامه محمد باقر مجلسی



حليه المتقين

مشخصات کتاب

سرشناسه : مجلسی، محمد باقربن محمدتقی، 1037 - 1110ق.

عنوان و نام پدیدآور : حلیه المتقین/ مولف محمدتقی مجلسی؛ با مقدمه مکارم شیرازی؛ بازنگری و تحقیق ابوالقاسم علیان نژادی.

مشخصات نشر : قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع)، 1392.

مشخصات ظاهری : 821 ص.

شابک : 240000 ریال 978-964-533-180-9 :

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتاب حاضر در سال های مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.

یادداشت : کتابنامه: ص. [813] - 821؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : اخلاق شیعی

موضوع : Shiite ethics*

موضوع : احادیث اخلاقی

موضوع : Hadiths - Ethics

موضوع : احادیث شیعه -- قرن 11ق.

موضوع : Hadith (Shiites) -- Texts -- 17th century

موضوع : رستاخیز

موضوع : Resurrection

موضوع : شیعه -- دفاعیه ها و ردیه ها

موضوع : Shi'ah -- Controversial literature

شناسه افزوده : مکارم شیرازی، ناصر، 1305 -، مقدمه نویس

شناسه افزوده : علیان نژادی، ابوالقاسم، 1343 -

رده بندی کنگره : BP247/65/م3ح8 1392

رده بندی دیویی : 297/61

شماره کتابشناسی ملی : 4305255

ص:1

اشاره

فهرست مطالب

ص:6

ص:10

ص:11

ص:17

ص:23

ص:24

ص:28

ص:30

ص:34

ص:35

ص:38

مقدّمه حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مدّظلّه)

بسم الله الرحمن الرحیم

نگاهی به کتاب ارزشمند حلیه المتّقین

علّامه عالیقدر مجلسی رحمه الله

از افتخارات شیعه در اختیار داشتن گنجینه ای پربار از احادیث پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وروایات اهل بیت علیهم السلام است که آن هم عموماً منتهی به روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می شود. (1)

در همه ابواب علوم اسلامی اعمّ از عبادات، معاملات، سیاسات، عرفان واخلاق اسلامی - بحمدالله - دست پری از روایات معصومین علیهم السلام داریم، در حالی که دیگران از این نظر بسیار در تنگنا قرار دارند تا آنجا که معروف است «ابوحنیفه» در تمام ابواب فقه به بیش از هفده حدیث از احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست نیافت. (2)

این سخن خواه حقیقت باشد یا مبالغه، نشان از تهی بودن دست کسانی دارد که از مکتب اهل بیت علیهم السلام فاصله گرفته و به «حدیث ثقلین» پشت کرده اند.

1- جامع احادیث الشّیعه، ج 1، ص 179 به بعد، باب 4.

2- تاریخ ابن خلدون، ج 2، ص 796.

ومی توان گفت یکی از عوامل پناه بردن به «قیاس» و«استحسان» و«ظنون غیر معتبر»، همین دست مایه ناچیز روایی است.

از کسانی که از گنجینه علوم محمّد وآل محمّد علیهم السلام بهره کافی ووافی برده اند، علّامه مجلسی است که عالم بزرگ روزگار خود ودارای ابتکارات فراوان در علوم اسلامی، به ویژه «علم الحدیث» بود.

کتاب بحارالأنوار او که اقیانوسی عظیم از روایات اهل بیت علیهم السلام است، دلیل روشن این معناست. درست است که اراده علّامه مجلسی بر این بوده که در این کتاب تمام احادیث را اعمّ از صحیح وضعیف، گرد آورَد ونقّادی آن را به کتاب های دیگرش واگذارد، هرچه هست دائره المعارف عجیب وپرارزشی است.

نشانه اهتمام علّامه مجلسی رحمه الله به اَسناد روایات در کتاب ارزشمندش مرآه العقول آشکار می شود که موشکافی ودقّت بسیار فوق العاده در نقّادی احادیث کتاب کافی - آن کتاب بسیار پراهمیّت - به خرج داده است.

*

به هر حال، این مرد بزرگ وپرمایه ومؤیّد به تأییدات الهی وآگاه به نیازهای مختلف پیروان این مکتب، کتاب های گوناگون هر کدام را برای هدف خاصّی ویا صحیح تر، پر کردن خلأ معیّنی نگاشته است.

از جمله همین کتاب پربار حلیه المتّقین است که با زبان فارسی روان وساده عصر خود، آداب زندگی را در تمام زمینه ها از دیدگاه اسلام وائمّه اهل بیت علیهم السلام در چهارده باب به رشته تحریر درآورده ودر هر باب هر چه را مناسب وباارزش یافته ذکر کرده است؛ به گونه ای که تمام زندگی فردی واجتماعی ومادّی ومعنوی انسان را پوشش می دهد.

ولی چون با گذشت زمان (حدود چهارصد سال)، ادبیّات فارسی ونیازها

ص:43

تغییر یافته، لازم بود ویرایش دقیقی در آن صورت گیرد وپاره ای از مسائل را که در زمان ما خارج از محدوده نیازهای مردم است کنار گذاشته شود وکتاب مزبور، با حفظ اصالت محتوا، در لباس تازه ای عرضه شود که همگان از آن بهره ببرند.

*

اینجانب مدّت ها پیش این نیاز را احساس کرده بودم تا اینکه تصمیم گرفتم انجام دادن آن را بر عهده دانشمند محترم حجّه الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ ابوالقاسم علیان نژادی که عالمی خوش ذوق وپرکار وهوشیار است بگذارم وایشان با صرف وقت فراوان - بحمدالله - این کار را به سامان رساند.

امیدوارم روح مقدّس علّامه مجلسی - رضوان الله تعالی علیه - از این کار خشنود باشد وهمگان توفیق یابند از زحمات آن مرد بزرگ بهره مند شوند.

درود خداوند بر روان پاکش باد.

والحمدلله ربّ العالمین

اوّل ربیع الثّانی 1433

ناصر مکارم شیرازی

ضرورت ویرایش و تحقیق کتاب حلیه المتّقین

هرچند از قبل با این کتاب نفیس آشنایی داشتم، امّا هر چه مطالعاتم درباره آن بیشتر شد وکار تحقیق وبررسی روایات کتاب جلوتر می رفت، اهمّیّت وارزش مطالب کتاب ومقام علمی نویسنده عالیقدر آن بر من روشن تر می شد.

با مطالعه این کتاب انسان درمی یابد که در هر موضوعی به طور جامع سخن رفته است واین دلیل بر احاطه وسیع علّامه مجلسی بر روایات ائمّه اهل بیت علیهم السلام است.

موضوع این کتاب چندان ارزشمند وکاربردی است که بر همه خانواده ها لازم وضروری است این کتاب را در کنار قرآن مجید، نهج البلاغه، مفاتیح الجنان ورساله توضیح المسائل قرار دهند وهر از چندی از آن بهره ببرند.

در اهمّیّت این کتاب همین بس است که علّامه بحرالعلوم؛ (1) گفته :

ای کاش ثواب تمام تألیفات من در دیوان علّامه مجلسی نوشته شود ودر برابر آن، ثواب یکی از کتاب های فارسی او (مانند همین کتاب حلیه المتّقین) که

1- مهدی بن المرتضی بن محمّد الحسینی البروجردی، معروف به علّامه بحرالعلوم، در یکی از شب هایجمعه ماه شوّال سال 1155 ه . ق در کربلای معلّی دیده به جهان گشود ودر سال 1212 در نجف اشرفرخت از جهان بربست ودر جوار شیخ طوسی رحمه الله آرام گرفت. از جمله کتاب های وی می توان به دوره سهجلدی مصابیح در فقه، فوائد رجالیه، الفوائد فی الاصول اشاره کرد. شرح بیشتر را در اعیان الشّیعه، (ج 10،ص 158 به بعد) مطالعه فرمایید.

ترجمه احادیث ائمّه اهل بیت علیهم السلام است و در دسترس همگان قرار دارد، در نامه عمل من نوشته شود. (1)

از سوی دیگر با توجّه به گذشت 352 سال از تألیف این کتاب گرانسنگ وتغییر وتحوّلات فراوانی که از جهات مختلف در زندگی بشر ایجاد شده است نیاز به بازنگری در کتاب مزبور احساس می شد.

نکته دیگر اینکه جلسات استفتاءِ مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی - مدّظلّه - که این حقیر توفیق شرکت در آن را دارم، تنها پاسخگوی پرسش های فقهی نیست، بلکه به شبهه هایی که برای پرسشگران در مسائل مختلف به وجود می آید در این جلسات پاسخ داده می شود.

افزون بر این، اگر احساس شود شبهه یا مشکلی فراگیر شده است، اقدام عملی وسیع نظیر تألیف کتاب یا کتاب ها در آن زمینه، نامه نگاری با مسؤولین ذی ربط، طرح آن مسائل وراهکارهای آن در سخنرانی ها وخطابه ها ودادن بیانیه ورهنمود به رسانه ها وجز آن انجام می شود.

در این میان برخی احادیث کتاب ارزشمند حلیه المتّقین برای بعضی از مردم سؤال برانگیز بود و نامه های مختلفی در مورد آن به جلسه استفتاءِ معظّم له می رسید و ایشان پاسخ می دادند تا اینکه در یکی از جلسات، حضرت استاد فرمودند: «ای کاش کتاب حلیه المتّقین بازنگری می شد». بنده برای این کار اعلام آمادگی کردم وپس از موافقت استاد، با توکّل بر خداوند متعال واستعانت از ذات پاکش در تاریخ 3/12/1382 کار را شروع کردم و در تاریخ 30/12/1388 به پایان رسید، سپس تمام کتاب را با اصلاحات انجام شده به نظر استاد رساندم وراهنمایی ها وارشادات معظّم له را به کار بستم، آن گاه کتاب را برای ویرایش فنّی به دست ویراستار محترم جناب حجّه الاسلام احمد علی بابائی سپردم

1- فوائد الرضويّه، ج 2، ص 669.

وایشان افزون بر ویرایش متن، برخی ترجمه ها را با متن روایت تطبیق وآن را اصلاح کردند واکنون این کتاب با مزایای ذیل در اختیار خوانندگان قرار می گیرد.

نکاتی درباره کارهای انجام شده

هرچند در مورد کتاب حلیه المتّقین، پیش از این کارهای متعدّدی از سوی نویسندگان محترم صورت گرفته، امّا ندیدیم در حدّ وسیع که شرح آن خواهد آمد، کسی روی این کتاب ارزشمند کار کرده باشد.

کارهایی که انجام گرفته را می توان در ده بند به شرح زیر بیان کرد :

1. تبدیل نثر کتاب به نثر روز (با حفظ اصالت کتاب).

2. حذف احادیثی که در عصر ما محلّ ابتلا نیست.

3. نوشتن آدرس آیات قرآن و منابع روایات معصومان علیهم السلام و مدرک دیگر مطالبی که علّامه بزرگوار مجلسی از جای دیگر نقل کرده است.

4. شرح و توضیح روایاتی که در ابتدای نظر با هم تعارض دارد.

5. ترجمه آیات و دعاها.

6. موضوع بندی روایات هر فصل در زیر شاخه های محدودتر وانتخاب عنوان ها وتیترهای مناسب و آموزنده برای آن.

7. تقطیع برخی روایات طولانی که مشتمل بر موضوعات مختلف بود و قرار دادن هر قسمت در جایگاه خاصّ خود.

8. ویرایش کامل و گسترده.

9. تطبیق برخی روایات با متن اصلی و اصلاح و ترجمه آن بر اساس متن اصلی.

10. شرح و توضیح کلماتی که نیاز به توضیح داشته، در پاورقی کتاب.

امید است این خدمت مورد رضای درگاه خداوند متعال قرار گیرد ومایه

خشنودی روح نویسنده عالی مقام کتاب حلیه المتّقین را فراهم کند.

در پایان از همه کسانی که به نوعی در تکمیل این کار نقش داشته اند، به ویژه حجج اسلام آقایان عبدالمجید شفقّت، سیّدمحمّدجواد بنی سعید، وحید علیان نژاد وبعضی اعضای خانواده تشکّر می کنم وبرای همه آنها خیر دنیا وآخرت را آرزو دارم.

خدایا، توفیق مطالعه آثار اهل بیت علیهم السلام وبه کار بستن دستورهای آن بزرگواران را به همه ما عطا فرما!

آمین یا ربّ العالمین

قم - حوزه مقدّسه علمیّه

ابوالقاسم علیان نژادی

1390 /10/11

نگاهی گذرا به زندگی علّامه مجلسی رحمه الله

ولادت وخاندان

نام او محمّدباقر وپدرش محمّدتقی وجدّش مقصودعلی است. مادرش از نزدیکان شیخ عبدالله بن جابر عاملی ودختر صدرالدّین محمّد عاشوری است که خود از پرورش یافتگان خاندان علم وفضیلت بود. (1)

وی که به علّامه مجلسی شهرت یافته، (2) در سال 1037 (وبه گفته برخی سال

1038 وبه گفته علّامه سیّدمحسن امین در سال 1027) دیده به جهان گشود. (3)

محمّدباقر آخرین فرزند پسر خانواده بود. پدرش در سال 1070، یعنی 67 سالگی، از دنیا رفت. (4) برادر بزرگ او مولا عزیزالله در سال 1159 وبرادر دوم وی

مولا عبدالله در سال 1084 دار فانی را وداع گفتند. (5)

1- گلشن ابرار، ج 1، ص 249.

2- در مورد شهرت یافتن محمّدباقر وپدرش محمّدتقی به صفت «مجلسی»، در شرح حال پدرش آمده استکه وی به ذوق وقریحه شعرا شهرت داشت وبه «مجلسی» تخلّص می کرد؛ گویی از همین رو، مجلسی نامگرفته بود. (گلشن ابرار، ج 1، ص 218).

3- بحارالأنوار، ج 0، ص 62.

4- بحارالأنوار، ج 0، ص 66.

5- سفینه البحار، ج 1، ص 632.

خداوند به علّامه مجلسی چهار پسر وپنج دختر عنایت فرمود. نام پسرانش محمّدصادق ومحمّدرضا ومیرزا جعفر ومیرزا عبدالله است. (1)

دوران تحصیل

وی از چهار سالگی نزد پدر درس خواند ودر دوران تحصیل در درس بیش از بیست استاد شرکت جست که در فصل بعد به آن اشاره می کنیم.

او در اندک زمانی بر علم صرف ونحو ومعانی وبیان ولغت وریاضیّات وتاریخ وفلسفه وحدیث ورجال ودرایه واصول وفقه وکلام، احاطه کامل یافت. (2)

وی در چهارده سالگی از فیلسوف بزرگ اسلام، ملّاصدرا، اجازه روایت گرفت.

اساتید و شیوخ اجازه

علّامه مجلسی سال ها نزد علمای بزرگ درس خواند وشاگردی کرد و از بعضی از آنها اجازه نقل روایت گرفت که از جمله می توان به دانشمندان زیر اشاره کرد :

1. شیخ المحدّثین محمّد بن الحسن الحرّ العاملی، نویسنده کتاب ارزشمند وسائل الشیعه.

2. عالم فاضل ومحدّث عارف، فیض کاشانی، نویسنده کتاب های وافی وتفسیر صافی ومفاتیح الشرایع.

3. پدر بزرگوارش، عالم گرانسنگ علّامه محمّدتقی مجلسی، نویسنده کتاب

1- سفینه البحار، ج 1، ص 635.

2- گلشن ابرار، ج 1، ص 250.

ارزشمند روضه المتّقین.

4. فیلسوف نامدار ملّاصدرا.

5. ملّا صالح مازندرانی، شارح اصول کافی. (1)

جانشینی پدر

علّامه مجلسی در مدرسه ملّاعبدالله اقامه نماز وتدریس می کرد وپس از رحلت پدر بزرگوارش در مسجد جامع اصفهان این دو کار مهم را ادامه داد.

سیّد نعمت الله جزایری رحمه الله که از نامورترین شاگردان اوست، درباره علّامه مجلسی رحمه الله می گوید :

با آنکه جوان بود چنان در علوم تتبّع کرده بود که کسی از علمای زمانش به آن پایه نرسیده بود. هنگامی که در مسجد جامع اصفهان به مردم پند می داد هیچ کس را فصیح تر وخوش کلام تر از او نیافتم. حدیثی که شب مطالعه می کردم چون صبح از او می شنیدم چنان بیان می کرد که گویی هرگز آن را نشنیده ام. (2)

شاگردان وراویان

جمعی از بزرگان وعلمای شیعه در محضر علّامه مجلسی رحمه الله شاگردی کرده، یا از وی روایت نقل کرده اند.

در مجلس درس او، بنابر نقلی، هزار تن یا بیشتر شرکت می کرده اند که علّامه نوری در کتاب فیض قدس نام آنها را ذکر کرده ودر جلد صفر بحارالأنوار نام پنجاه تن از شاگردانش آمده است که به ذکر پنج تن از آنان بسنده می کنیم :

1. صدرالدّین سیّد علی خان شیرازی، شارح کتاب صحیفه سجّادیّه.

1- بحارالأنوار، ج 0، ص 52 - 55.

2- گلشن ابرار، ج 1، ص 250.

2. آغا میرزا عبدالله بن عیسی بن محمّد صالح مشهور به آفندی، نویسنده کتاب ریاض العلماء وصحیفه ثالثه.

3. محمّد بن علی الأردبیلی مؤلّف کتاب جامع الرّواه.

4. میرزا محمّد مشهدی صاحب تفسیر کنز العرفان.

5. محدّث نبیل، سیّد نعمت الله جزایری. (1)

تألیفات

علّامه مجلسی رحمه الله از بزرگ ترین نویسندگان جهان اسلام است. وی کتاب های فراوانی در علوم مختلف به عربی وفارسی به رشته تحریر درآورده که معروف ترین ومهم ترین وارزشمندترین آنها کتاب بحارالأنوار الجامعه لدرر اخبار الائمّه الأطهار است ومی توان آن را بزرگ ترین موسوعه حدیثی شیعه، بلکه جهان اسلام شمرد.

نیز از ایشان سیزده کتاب به زبان عربی به ثبت رسیده که علاوه بر بحارالأنوار الجامعه لدرر اخبار الائمّه الأطهار می توان به مرآه العقول فی شرح اخبار آل الرّسول اشاره کرد که از کتاب های مشهور است.

نخستین کتابی که این مرد بزرگ نگاشته، رساله الأوزان نام دارد که آن هم به زبان عربی است.

کتاب تاریخ تشیّع اصفهان، مجموع کتاب های علّامه مجلسی را بالغ بر 245 جلد شمرده است. (2)

تعداد کتاب هایی که علّامه مجلسی به زبان فارسی نوشته است تا پنجاه وسه جلد نوشته اند؛ البتّه برخی معتقدند تعداد تألیفات فارسی او بیش از اینهاست.

1- بحارالأنوار، ج 0، ص 56 - 61.

2- تاريخ تشيّع اصفهان، ص 370.

از جمله کتاب های فارسی ایشان می توان به عین الحیاه، حیاه القلوب، زادالمعاد، حلیه المتّقین وحقّ الیقین اشاره کرد؛ حقّ الیقین، آخرین کتاب علّامه مجلسی رحمه الله است. (1)

حلیه المتّقین

حلیه المتّقین از کتاب های بسیار ارزشمند وپرمنفعت علّامه مجلسی است که احتمالا بیش از سایر کتاب هایش چاپ ومنتشر شده است.

علّامه آقا بزرگ تهرانی معتقد است که علّامه مجلسی در 26 ذوالحجّه سال 1081، در 44 سالگی، تألیف این کتاب ارزشمند را به پایان رساند واین کتاب به زبان هندی وعربی نیز ترجمه شده است. (2)

سیّدمقبول احمد دهلوی، کتاب حلیه المتّقین را به زبان اردو ترجمه کرد ونام آن را تهذیب الإسلام نهاد. (3) وشیخ خلیل رزق عاملی وعلی عبدالحسین

شبستری نیز آن را تعریب کردند. (4)

گزیده حلیه المتّقین به نام مختصر الأبواب فی السّنن والآداب، به وسیله حاج شیخ عبّاس قمی (5) ، وچکیده آن به نام آداب الشریعه به وسیله ملّا محمّدباقر فشارکی اصفهانی تنظیم شده است. (6)

علّامه در سفر

علّامه هیچ گاه قلم را حتّی در سفر از خود جدا نمی کرد وجلد بیست ودوم

1- بحارالأنوار، ج 0، ص 46.

2- الذریعه إلی تصانیف الشّیعه، ج 7، ص 83.

3- الذریعه إلی تصانیف الشّیعه، ج 4، ص 508.

4- مجله مبلّغان، شماره 124، ص 160 به بعد.

5- الذریعه إلی تصانیف الشّیعه، ج 20، ص 176.

6- الذریعه إلی تصانیف الشّیعه، ج 1، ص 21.

بحارالأنوار را پس از مراجعت از سفر حج در نجف اشرف تأليف كرد ودر بازگشت از سفر خراسان در بين راه، ترجمه خطبه امام رضا عليه السلام ورساله وجيزه رجب را نگاشت.

در روزهايى كه اين محدّث شهير به منظور زيارت در مشهد مقدّس به سر مى برد، جمعى از علما وفضلا وطلّاب براى استفاده از دانش او تقاضاى درس حديث كردند واو چهل حديث (اربعون حديث) را نگاشت.

هنگامى كه شرح اربعين را به انجام رساند يكى از فضلاى اهل سنّت بعد از ديدن كتاب از راه انصاف ومحبّت گفت :

گمان مى كردم پايه علمى علّامه مجلسى منحصر به ترجمه كتاب عربى به فارسى است تا آن كه كتاب السماء والعالم بحار وشرح اربعين او را ديدم، دانستم علّامه مجلسى دانايى است كه مافوق او در علم متصوّر نيست. (1)

علّامه مجلسى وسياست

علّامه پس از درگذشت ملّا محمّدباقر سبزوارى در سال 1090 ه‍ ق، به منصب «شيخ الاسلام» دست يافت (2) ودر اين مسند خدمات بسيارى در

زمينه هاى گوناگون سياسى واجتماعى به ايران وتشيّع كرد.

بزرگ ترين كار علّامه مجلسى رحمه الله در صحنه سياست كه به نفع مكتب تشيّع منتهى شد، مبارزه با صوفيان بود. علّامه در دواير دولتى ونيز نظام هاى مختلف ادارى از قدرت آنها كاست. او در خصوص اين گروه كه فقط در اصفهان بيست ويک تكيه وخانقاه وزاويه داشتند، در رساله اعتقادات مى نويسد :

اينک اجمالاً براى شما مى نويسم وبيان مى كنم چيزهايى را كه براى خودم از

1- گلشن ابرار، ج 1، ص 254.

2- زندگینامه علّامه مجلسی، ج 1، ص 161، به نقل از گلشن ابرار، ج 1، ص 255.

اصول مذهب به وسیله اخبار کثیره ومتواتره ظاهر شده، تا گمراه نشوید وبه خدعه ها وفریب ها وغرورهای صوفیه فریب داده نشوید وحجّت خدا را بر شما تمام می کنم. (1)

علّامه علاوه بر صوفیان، کشیشان دربار، بیگانگان، نمایندگان مؤسّسات وشرکت های غربی به مبارزه با بت پرستان پرداخت. روزی به وی خبر دادند که بت پرستان در شهر اصفهان در خانه ای بتی قرار داده وبرای نیایش آن بت به آن خانه می روند. وی بعد از تحقیق وآگاهی از محلّ بت، فتوای خراب کردن آن را صادر کرد. (2)

علّامه از منظر اهل نظر

دانشمندان مطالب ارزشمندی در مورد شخصیّت علّامه مجلسی گفته اند که به منظور رعایت اختصار به سه نمونه آن بسنده می کنیم :

1. محدّث شهیر شیخ حرّ عاملی رحمه الله شخصیّت آن عالم بزرگوار را چنین وصف کرده است :

آقا محمّدباقر مجلسی عالم فاضل، محقّق ماهر، علّامه مدقّق، اندیشمند فقیه، متکلّم برجسته، محدّث مورد اعتماد، دربردارنده محاسن وفضائل، استاد جلیل القدر وعظیم الشأن، دارای تألیفات بسیار وسودمند است. بحارالأنوار فی أخبار الأئمّه الأطهار، جلاء العیون، حیاه القلوب، عین الحیاه، مشکاه الأنوار وحلیه المتّقین از جمله آثار اوست. (3)

2. علّامه سیّد محسن امین رحمه الله می گوید :

1- ترجمه رساله اعتقادات علّامه مجلسی، ص 78، به نقل از گلشن ابرار، ج 1، ص 255.

2- روضات الجنّات، ج 2، ص 79، به نقل از گلشن ابرار، ج 1، ص 255.

3- اعيان الشيعه، ج 9، ص 182 و 183.

ملّا محمّدباقر اصفهانی معروف به مجلسی ثانی، فرزند ملّا محمّدتقی (مجلسی اوّل)، از عالمان موفّقی است که در عالم اسلام کسی به درجه توفیقات ایشان نایل نگشته است. خدمات علّامه به مذهب تشیّع در آن پایه است که عالِم متعصّب اهل سنّت، عبدالعزیز دهلوی صاحب التحفه الاثنی عشریه فی الردّ علی الامامیه گفته است: اگر شیعیان را مجلسی مذهب بنامند جا دارد، زیرا این مرد در رونق این مذهب نقش بسزایی داشته است. (1)

3. معمار کبیر انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی قدس سره، همکاری علّامه مجلسی با سلاطین عصر را برای کنترل زمامداران دانسته، می فرماید :

مرحوم مجلسی که در دستگاه صفویّه بود، صفویّه را آخوند کرد؛ نه خودش را صفویّه کرد؛ آنها را کشاند توی مدرسه وتوی علم وتوی دانش واینها، تا آن اندازه ای که البتّه توانستند. (2)

وفات علّامه مجلسی رحمه الله

طبق آنچه در کتاب وقایع الأیّام ولؤلؤه آمده، علّامه مجلسی در روز 27 ماه رمضان سال 1111 در 73 سالگی از دنیا رفت. (3)

علّامه سیّدمحسن امین معتقد است که علّامه مجلسی در 1027 متولّد شد ودر سال 1110 رحلت یافت؛ بنابراین، عمر شریفشان 83 سال بوده است. (4)

شاعر در مورد تاریخ وفاتش چنین گفته است :

1- امل الآمل، ج 2، ص 248، شماره 733.

2- صحیفه نور، ج 8، ص 8.

3- بحارالأنوار، ج 0، ص 62. البتّه نویسنده کتاب الروضات از کتاب حدائق المقرّبین نقل کرده که تاریخدرگذشت ایشان 27 رمضان سال 1110 بوده است.

4- اعیان الشّیعه، ج 9، ص 182.

ماه رمضان چو بیست وهفتش کم شد تاریخ وفات باقر اعلم شد

پیکر پاک علّامه مجلسی در مقبره ای که پدرش وجمعی دیگر از علمای بزرگ مدفون بودند آرام گرفت، تا قبرستان عتیق اصفهان به نور این بزرگان

منوّر شود.

عاش سعیدآ ومات سعیدآ

وسوف یبعث إن شاء اللّه سعیدآ

مقدّمه علّامه مجلسی

حمد وسپاس مخصوص خداوندی است که پیامبران ورسولانش را به زیباترین چیزی که متّقین خود را به آن می آرایند، آراست وگل سرسبد برگزیدگانش حضرت محمّد صلی الله علیه و آله را به منظور تکمیل اخلاق مؤمنین مبعوث کرد وبرترین خصلت های اخلاقی پیامبران را در اوصیا وامامان انتخاب شده، به اکمال رساند. پس صلوات ودرود خداوند به تعداد نفس های تسبیح کنندگان از همه ملائکه وتمامی انسان ها بر محمّد واوصیایش باد ونفرین خدا به قدری که تمام آسمان ها وزمین ها را پُر کند بر دشمنان محمّد وآل محمّد علیهم السلام. (1)

از آنجا که مهم ترین امتیاز انسان بر سایر موجودات، آراستگی وی به اخلاق پسندیده واستفاده از آداب وخلق وخوی نیکوست وبه مقتضای حدیث نورانی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله که فرمود: بُعِثْتُ لِاُتَمِّمَ مَکارِمَ الْاَخْلاقِ (2) ، تمام خلق وخوهای

نیکو واخلاق پسندیده در آیین اسلام جمع شده است. وچون بخشی از مکارم اخلاق را در کتاب عین الحیاه ذکر کرده ام، بدین رو جمعی از دوستداران راه سعادت وعلاقه مندان به پیروی از اهل بیت رسالت از اینجانب درخواست

1- متن مزبور خطبه علّامه مجلسی به زبان عربی است که ترجمه شده.

2- ترجمه: «مبعوث شدم تا اصول اخلاقی را کامل کنم». بحارالأنوار، ج 16، ص 210؛ میزان الحکمه، ج 3،باب 1176، ح 5457.

کردند که کتابی در مورد آداب اسلامی که با اسناد معتبر از حضرات معصومین علیهم السلام به من رسیده، گردآوری کنم وبرای این که همه مردم بتوانند از آن استفاده کنند به فارسی باشد. پس، علی رغم کمبود وقت واشتغالات فراوان، چون اجابت این دعوت را لازم وانجام دادن آن را حقّی بر گردن خود می دانستم وبه امید آنکه مصداق حدیث شریف]نبوی[: اَلدّالُّ عَلَی الْخَیْرِ کَفاعِلِه (1) شوم،

کتابی را که پیش روی شما خوانندگان محترم است، در چهارده فصل ویک خاتمه نوشتم :

فصل اوّل: آداب لباس پوشیدن.

فصل دوم: آداب پوشیدن زیورآلات وسرمه کشیدن ورنگ کردن ونگاه کردن در آینه.

فصل سوم: آداب خوردن وآشامیدن.

فصل چهارم: فضیلت ازدواج وآداب آمیزش ومعاشرت با زنان وچگونگی تربیت فرزندان ورفتار با آنها.

فصل پنجم: آداب مسواک زدن وناخن گرفتن وکوتاه کردن شارب واصلاح سر وصورت وشانه کردن ومانند آن.

فصل ششم: آداب استعمال بوی خوش وبوییدن گل خوش وروغن مالیدن.

فصل هفتم: آداب حمّام رفتن ودارو کشیدن ومانند آن.

فصل هشتم: آداب خوابیدن وبیدار شدن ورفتن به حاجتگاه.

فصل نهم: آداب حجامت کردن وتنقیه وذکر برخی دعاها وحرزها وخواصّ برخی داروها وچگونگی معالجه برخی بیماری ها.

1- ترجمه: «هر که دیگران را به کارهای خیر راهنمایی کند، همانند انجام دهنده آن است». بحارالأنوار، ج 96،ص 119، ح 20؛ میزان الحکمه، ج 3، باب 1176، ح 5457.

فصل دهم: آداب معاشرت با مؤمنین وحقوق واصناف مؤمنان.

فصل یازدهم: آداب مجالس وسلام وعطسه ومصافحه ومعانقه کردن ومانند آن.

فصل دوازدهم: آداب وارد شدن به خانه وبیرون رفتن از آن.

فصل سیزدهم: آداب سوار شدن وراه رفتن وبه بازار رفتن وتجارت وزراعت کردن ونگهداری حیوانات.

فصل چهاردهم: آداب سفر.

خاتمه: بیان برخی فواید (وروایات) متفرقه.

وهر فصل دوازده بخش دارد.

این کتاب را «حلیه المتّقین» نامیدم، به امید آنکه خوانندگان این کتاب ارزشمند وعمل کنندگان به روایاتش، نویسنده را از دعای خیر فراموش نکنند.

والله الموفّق والمعین

محمّد باقر بن محمّد تقی مجلسی

فصل اوّل: آداب پوشیدن لباس و کفش

اشاره

1. فضیلت آراستن
2. لباس های حرام
3. بهترین لباس
4. رنگ لباس
5. برخی آداب لباس پوشیدن
6. حرمت پوشیدن لباس مخصوص زنان یا کافران
7. عِمامه بستن و کلاه پوشیدن
8. آداب پوشیدن پاجامه
9. آداب لباس نو بریدن و پوشیدن
10. دیگر آداب پوشیدن و بیرون آوردن لباس
11. رنگ کفش وویژگی های آن
12. آداب پوشیدن کفش

فضیلت آراستن

اشاره

(مقدّمه:) از احادیث معتبر وفراوان استفاده می شود که پوشیدن لباس تمیز وخوب وآراستن وزینت کردن مناسب خویش، در صورتی که هزینه آن از راه حلال به دست آمده ودر شأن انسان باشد، مستحب وموجب خشنودی پروردگار عالمیان است. امّا اگر از راه حلال ممکن نباشد باید به قدر امکان بسنده کرد، تا زیاده خواهی های پوشاک مانع بندگی وعبادت نشود وچنانچه خداوند متعال درهای روزی را بر کسی گشود، هم خود او از آن به شایستگی بهره برد وهم دیگران را در آن سهیم کند واگر بر او تنگ گرفت، قناعت پیشه سازد وخود را به حرام وحتّی اموال مشتبه آلوده نکند. (به روایاتی در این زمینه توجّه فرمایید:)

اظهار نعمت های پروردگار

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه خداوند نعمتی به بنده خود دهد وآثار آن نعمت بر آن بنده آشکار شود، او ذاکر (وشاکر) نعمت پروردگار ودوست خداوندنامیده می شود،امّااگرآثارنعمت در(گفتار وکردار) او ظاهر نشود، دشمن خدا وتکذیب کننده نعمت پروردگار شمرده خواهد شد». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هرگاه خداوند نعمتی به بنده اش کرامت کند،

1- کافی، ج 6، ص 438، ح 2؛ میزان الحکمه، ج 10، باب 3911، ح 20431.

دوست دارد اثر آن نعمت را بر او ببیند». (1)

3. نیز در سخنی فرمود: «خداوند متعال زینت واظهار وابراز نعمت را دوست دارد واز ترک زینت واظهار فقر وبدحالی بیزار است. دوست دارد آثار نعمت را در بنده اش ببیند. (مثل اینکه) لباس خود را خوشبو سازد، از منزلش به خوبی نگهداری کند، خانه اش را جاروب کرده، آن را تمیز نگاه دارد وحتّی روشن کردن خانه پیش از غروب آفتاب (2) ، فقر را زایل می کند وبر روزی می افزاید». (3)

خود را برای خودی ها بیارایید

از امیر مؤمنان علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «همان گونه که به هنگام ملاقات با غریبه ها خود را می آرایید تا شما را در بهترین حال ببینند، برای برادران مؤمن نیز خود را بیارایید». (4)

لباس خوب از مال حلال

یوسف بن ابراهیم، از راویان حدیث، می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم در حالی که لباس هایی خوب (از خز) (5) پوشیده بودم. پرسیدم: نظرتان در مورد

این لباس ها چیست؟ فرمود: اشکالی ندارد زیرا امام حسین علیه السلام به هنگام شهادت از همین لباس بر تن داشت وهنگامی که حضرت علی علیه السلام به عبداللّه بن عبّاس

1- کافی، ج 6، ص 43، ح 1 و4؛ مکارم الأخلاق، ص 98.

2- البتّه این بخش از روایت مربوط به زمان های گذشته است که مردم از نعمت برق محروم بودند ولازم بودپیش از تاریکی هوا وسایل روشن کننده را آماده سازند.

3- مکارم الأخلاق، ص 41؛ میزان الحکمه، ج 10، باب 3911، ح 20433.

4- کافی، ج 6، ص 439، ح 10؛ مکارم الأخلاق، ص 98.

5- خز، پوست حیواناتی است که موهایی بلند ونرم ولطیف وپرپشت دارند. برخی حیوانات غیر اهلی نیز خزدارند. چنین حیواناتی در زمان های گذشته فراوان بود ولی امروزه بر اثر صید بی رویّه، کمیاب یا نایاب است.

مأموریّت داد تا با خوارج نهروان مذاکره کند، بهترین لباس ها را پوشید وبا بهترین عطرها خود را خوشبو ساخت وبر بهترین اسبان سوار شد ورو به آنها رفت. خوارج چون او را در آن حال دیدند، گفتند: تو از بهترین مردمانی، پس چرا لباس جبّاران بر تن داری وبر مرکب آنان سوار شده ای؟ ابن عبّاس آیه زیر را تلاوت کرد: (قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِینَهَ اللَّهِ الَّتِی أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّیِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ): «بگو : چه کسی زینت های الهی را که برای بندگان خود آفریده وروزی های پاکیزه را حرام کرده است؟» (1) (وآنها جوابی در برابر او نداشتند).

سپس امام صادق علیه السلام به یوسف بن ابراهیم فرمود: لباس های خوب وارزشمند بپوش وخود را پیرایش کن که خداوند زیباست وزیبایی ها را دوست می دارد؛ البتّه مشروط بر آنکه از راه حلال به دست آمده باشد (ودر حدّ اسراف نباشد)». (2)

لباس زیرین وروبین

در روایتی معتبر آمده است که روزی سفیان ثوری از سران متصوّفه به مسجدالحرام رفت. امام صادق علیه السلام را دید که در گوشه ای از مسجد نشسته ولباس هایی زیبا و ارزشمند بر تن دارد. با خود گفت: به خدا سوگند باید به نزدش بروم واو را به خاطر این لباس ها سرزنش کنم. سپس خدمت حضرت رسید وبا سخنی اعتراض آمیز عرض کرد: ای فرزند رسول خدا، به خدا قسم پیامبر وهیچ یک از پدرانت چنین لباسی نپوشیده اند.

امام فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله در روزگاری زندگی می کرد که عموم مردم در فقر وتنگدستی به سر می بردند (وبه همین علّت چنین لباس هایی

1- سوره اعراف، آیه 32.

2- کافی، ج 6، ص 442، ح 8؛ بحارالأنوار، ج 65، ص 125.

نمی پوشید)، امّا امروز وضعیّت مالی شان بهتر است وسزاوارترین مردم به استفاده از نعمت های پروردگار، انسان های نیکوکار وپرهیزگاران هستند». سپس آیه 32 سوره اعراف را که در روایت پیشین گذشت، تلاوت کرد. آن گاه فرمود : «ما سزاوارترین مردم برای استفاده از نعمت های پروردگار هستیم». ودر ادامه فرمود: «ای ثوری، این جامه رویین را که می بینی برای (حفظ آبرو در برابر) مردم پوشیده ام»، سپس دامن لباس را بالا زد ولباس زیرین را که لباس بسیار ساده وکم ارزش بود به وی نشان داد وفرمود: «این لباس را برای خود پوشیده ام». بعد حضرت لباس رویین سفیان ثوری را بالا زد و او لباس زیبا وارزشمندی در زیر ولباس ساده وکم ارزشی روی آن پوشیده بود! حضرت فرمود: «ثوری، لباس زیرین را برای لذّت نفس ولباس رویین را برای فریب دادن مردم پوشیده ای». (1)

آراسته بودن در بیرون خانه

در روایتی معتبر می خوانیم که امام رضا علیه السلام در فصل تابستان بر روی حصیر ودر زمستان بر روی پلاس (2) می نشست ودر خانه لباس گشاد می پوشید، امّا در

بیرون خانه ودر برابر مردم، آراسته ظاهر می شد. (3)

فلسفه سختی های دنیا

از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال بر اثر علاقه ای که به برخی بندگانش دارد، دنیا را بر آنها تنگ گرفته ومحبّت دنیا را از دل آنها برداشته است. ازاین رو آنان بر تنگی خوردنی ها وآشامیدنی ها

1- کافی، ج 6، ص 442، ح 7؛ دعائم الاسلام، ج 2، ص 151، ح 544.

2- گلیم، فرشی از پشم (که) به رنگ های مختلف می بافند وپرز ندارد (فرهنگ عمید).

3- عیون اخبار الرّضا، ج 2، باب 44، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 117.

وسختی های دنیا شکیبایی ورزیده وبه جهان آخرت وآنچه از کرامت ابدی که نزد خداست مشتاق وراغب اند وجان خود را در راه رضای خدایشان بر کف گرفته وسرانجام به شهادت می رسند وهنگام کوچیدن به جهان دیگر، خداوند از آنان خشنود است. چنین بندگانی نیک می دانند که مرگ دامنگیر همه می شود (وباید دنیا وهر آنچه را در آن است بگذارند وبگذرند)؛ به همین علّت، به فکر تهیّه زاد وتوشه برای جهان دیگرند. آنها به فکر گردآوری طلا ونقره نیستند، لباس های ساده می پوشند وبیش از ضرورت ونیاز غذا نمی خورند واضافه بر آن را در راه خدا هزینه می کنند، تا توشه آخرتشان باشد. آنان برای جلب رضای خدا، با انسان های خوب دست دوستی داده وبا دشمنان خدا قطع رابطه می کنند. این بندگان خوب خدا، چراغ های هدایت وغرق در نعمت های جهان آخرتند». (1)

یادآوری :بسیاری ازروایات مناسب این فصل رادرکتاب عین الحیاه آورده ام. (2)

لباس های حرام

اشاره

(مقدّمه:) برخی لباس هایی که پوشیدن آن حرام است به شرح زیر است :

(اوّل:) پوشیدن لباس هایی که از ابریشم خالص است وهمچنین لباس های طلاباف (وهر آنچه زینت طلا دارد)، بر مردان حرام است. ونیز احتیاط آن است که عرقچین وکیف دستی وچیزهای کوچکی که نمی توان با آن عورت را پوشاند از ابریشم خالص نباشد. همان گونه که احتیاط آن است که اجزای لباس، حتّی نوارهایی را که در حاشیه لباس می دوزند از ابریشم خالص نباشد. وچنانچه کسانی بخواهند لباس حریر بپوشند، بهترین راه آن

است که چیزی با ابریشم مخلوط کنند؛ به هر نسبتی که باشد ولی سزاوار است نسبت آن ده به یک یا بیشتر

1- معانی الأخبار، ص 199؛ امالی طوسی، ج 2، ص 51.

2- عین الحیاه، ص 286، لمعه ششم.

باشد. واگر مجموع تار یا مجموع پود (1) آن غیر ابریشم باشد بهتر است. وسزاوار است که ولیّ، پسران نابالغ خود را از پوشیدن لباس های ابریشمین وطلاباف منع کند.

(دوم:) لباس هایی که از پوست حیوان مرده تهیّه شده، هر چند آن را دبّاغی کرده باشند.

(سوم:) لباس هایی که از پوست حیوانات حرام گوشت تهیّه شده، هر چند حیوان را به طریق شرعی ذبح کرده باشند. حتّی اگر یک تار موی حیوان حرام گوشت (مانند گربه) در لباس یا بدن نمازگزار باشد حرام است. (در این زمینه به روایات زیر توجّه کنید:)

لباس ابریشمین

1. در روایت معتبری آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود : «انگشتر طلا در دست نکن ولباس ابریشمین نپوش که این هر دو، زینت وپوشش تو در بهشت است». (2)

2. ودر سخنی دیگر، به آن حضرت فرمود: «لباس ابریشمین نپوش که اگر بپوشی، خداوند پوست تو را به آتش می سوزانَد». (3)

زیورآلات طلا ونقره

1. در حدیث است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا بر مرد جایز است خانواده اش را با زیورآلات طلا بیاراید؟ حضرت فرمود: «برای زنان ودختران

1- نخ های عمودی پارچه «تار» ونخ های افقی آن «پود» نامیده می شود.

2- خصال، ج 2، ص 375؛ بحارالأنوار، ج 83، ص 248، ح 8.

3- علل الشرايع، ج 2، ص 348، باب 57، ح 3؛ كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 164، ح 774.

اشکال ندارد، ولی برای پسران جایز نیست». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پدرم امام باقر علیه السلام فرزندان (دختر) وهمسران خود را به زیورآلات طلا ونقره می آراست ومی فرمود : اشکالی ندارد». (2)

بهترین لباس

اشاره

(مقدّمه:) بهترین لباس آن است که از پنبه بافته شده باشد وبعد از آن کتان است وکراهت دارد همواره لباس پشمین بپوشند، امّا پوشیدن آن در برخی اوقات به منظور حفاظت از سرما وصرفه جویی در هزینه ومانند آن خوب است. (به روایاتی در این زمینه توجّه کنید:)

لباس پنبه ای وپشمین

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «لباس های پنبه ای بپوشید که پوشش حضرت رسول صلی الله علیه و آله وما اهل بیت است وپیامبر خدا صلی الله علیه و آله لباسی را که از مو یا پشم تهیّه شده بود جز در موارد ضرورت نمی پوشید». (3)

2. امام صادق علیه السلام در سخنی فرمود: «لباسی که از مو یا پشم بافته شده، جز در موارد ضرورت نپوشید». (4)

3. حسین بن کثیر می گوید: امام صادق علیه السلام را دیدم که پیراهنی گشاد بر تن داشت وجامه پشمینه ای بر روی آن پوشیده بود. عرض کردم: فدایت شوم، مردم

1- سرائر، ج 3، ص 636؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 412، ح 1. هدف اسلام از این کار، مبارزه با تجمّل پرستیوخوی اشرافیگری است.

2- کافی، ج 6، ص 475، ح 2؛ بحارالأنوار، ج 66، ص 539، ح 49.

3- کافی، ج 6، ص 450، ح 2؛ دعائم الاسلام، ج 2، ص 153، ح 551.

4- کافی، ج 6، ص 449، ح 1؛ دعائم الاسلام، ج 2، ص 153، ح 551.

از پوشیدن لباس پشمین خودداری می ورزند شما چرا می پوشید؟ حضرت فرمود: «پدرم امام باقر وپدرش امام سجّاد علیهما السلام چنین لباسی می پوشیدند وهرگاه به نماز می ایستادند گشادترین (وساده ترین) لباس های خود را می پوشیدند وما به پیروی از آنان چنین می کنیم». (1)

4. در روایتی آمده است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «چند کار را تا پایان عمر ترک نخواهم کرد تا پس از من سنّت شود: هم غذا شدن با مستخدمان در حال نشسته بر روی زمین، سوار شدن بر مرکب ساده، دوشیدن شیر از حیوان با دستان خود، سلام کردن بر کودکان، پوشیدن لباس پشمین». (2)

(سؤال:) در برخی روایات، پوشیدن لباس پشمین مکروه شمرده شده وطبق برخی روایات دیگر، برخی امامان معصوم آن را می پوشیدند. چگونه این روایات با هم سازگار است؟

(جواب:) اگر از لباس پشمی برای همیشه وبه منظور خودنمایی وجلوه گری استفاده شود کار مذموم وناپسندی است، امّا اگر به منظور قناعت در هزینه های زندگی، یا تواضع وفروتنی، یا حفاظت از سرما پوشیده شود اشکال ندارد. روایت زیر پاسخ بالا را تأیید می کند. توجّه فرمایید :

5. طبق آنچه ابوذر غِفاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده، آن حضرت فرمودند : «در آخرالزّمان گروهی در تابستان وزمستان لباس های پشمی می پوشند، به گمان آنکه با این کار بر دیگران فضیلت وبرتری خواهند داشت. ملائکه آسمان ها وزمین آنها را لعنت می کنند». (3) (وشاید نامیدن آنها به صوفیّه به علّت پوشیدن همین

لباس های پشمی بوده که عرب به آن صوف می گوید. در ضمن لباس پشمی بر دو گونه

1- كافى، ج 6، ص 450، ح 4.

2- خصال، ج 1، ص 246؛ مكارم الأخلاق، ص 115.

3- امالى طوسى، ج 2، ص 152؛ مكارم الأخلاق، ص 471.

است: بخشی از آن نرم ولطیف که غالباً اشراف می پوشیدند وبخشی دیگر، خشن ودرشت که زاهدان واقعی وگاهی ریاکاران می پوشیدند).

لباس کتان وخز

1. در حدیثی آمده است که امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «پوشش پیامبران لباس کتان بوده است». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «لباس کتان انسان را فربه (ودارای تناسب اندام) می کند». (2)

3. در روایت دیگری می خوانیم که امام سجّاد علیه السلام برای خرید لباس خز (3) هزار یا هزار وپانصد درهم می پرداخت وآن را در زمستان می پوشید وهنگام فصل بهار آن را فروخته، قیمتش را به فقرا صدقه می دادند. (4)

رنگ لباس

اشاره

(مقدّمه:) بهترین رنگ برای لباس، سفید وسپس زرد، بعد سبز وپس از آن قرمز کم رنگ (صورتی) است. وپوشیدن لباس به رنگ کبود وعدسی وقرمز پررنگ، به ویژه هنگام نماز کراهت دارد. وپوشیدن لباس سیاه در همه حال کراهت شدید دارد؛ البتّه عِمامه وعبا وکفش سیاه (5) از این حکم مستثناست،

هرچند که عبا وعمامه سیاه نباشد بهتر است. (به روایاتی در این زمینه توجّه کنید:)

1- مکارم الأخلاق، ص 104؛ کافی، ج 6، ص 449، باب کتان، ح 1.

2- کافی، ج 6، ص 449، باب کتان، ح 1؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 357، باب 16، ح 1.

3- خز را پیشتر تفسیر کردیم.

4- مکارم الأخلاق، ص 106، ودعائم الاسلام، ج 2، ص 154، ح 552.

5- ونیز عبا وچادر زنان.

لباس سفید وزرد

1. در احادیثی معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «لباس سفید بپوشید که نیکوترین وپاکیزه ترین رنگ هاست. ومردگان خود را با کفن سفید دفن کنید». (1)

2. امام صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت علی علیه السلام در بیشتر اوقات، لباس سفید می پوشید. (2)

3. حفص مؤذّن می گوید: امام صادق علیه السلام را در مسجد پیامبر در بین قبر ومنبر در حال نماز دیدم. آن حضرت لباسی زرد همچون رنگ بِه بر تن داشت. (3)

4. زراره می گوید: امام باقر علیه السلام را دیدم که لباسی گشاد وعبایی زردرنگ از خز پوشیده بود. (4)

لباس قرمز وکبود

1. در حدیثی معتبر آمده است که حَکَم بن عیینه خدمت امام باقر علیه السلام رسید. حضرت لباس سرخ تیره که با گل کافشه (5) رنگ شده بود بر تن داشت. به حَکم

فرمود: نظر تو در مورد این لباس چیست؟ عرض کرد: چه گویم در مورد لباسی که اگر جوانان شوخ بپوشند ما آن را عیب می دانیم. حضرت فرمود: «چه کسی زینت الهی را بر بندگانش حرام کرده است؟» سپس فرمود: «چون تازه دامادم چنین لباسی پوشیده ام». (6)

1- کافی، ج 6، ص 445، ح 1 و2؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 355، ح 1.

2- قرب الإسناد، ص 134؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 356، ح 6.

3- کافی، ج 6، ص 452، ح 10؛ قرب الإسناد، ص 30، ح 37.

4- کافی، ج 6، ص 450، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 104.

5- گیاهی است با برگ های بیضی شکل وگل های زرد رنگ که گل های آن را پس از خشک کردن نرم می کنندوروی نان می ریزند وگاه به جای زعفران به کار می برند (فرهنگ عمید).

6- کافی، ج 6، ص 446، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 105.

2. در روایت دیگری آمده است که پوشیدن لباس قرمز تیره، جز برای تازه داماد، کراهت دارد. (1)

3. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم که فرمود: «جبرئیل در روز آخر ماه رمضان بعد از نماز عصر بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل شد. چون به آسمان رفت، پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را خواند که با شوهرت نزد من آیید. هنگامی که خدمت حضرت رسیدند علی علیه السلام را در جانب راست وفاطمه علیها السلام را در جانب چپ خود نشانید ودست آنها را گرفت وبر دامان خویش نهاد. سپس فرمود: دوست دارید آنچه را که جبرئیل به من گفت به شما بگویم؟ عرض کردند: آری ای رسول خدا. فرمود: جبرئیل گفت: در روز قیامت من در جانب راست عرش خواهم بود وخداوند دو لباس بر من می پوشانَد که یکی به رنگ سبز ودیگری سرخ همچون رنگ گل است وتو ای علی، در جانب راست عرش خواهی بود وبر تو نیز دو لباس همانند لباس های من می پوشانَد». راوی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: مردم رنگ سرخ را نمی پسندند. امام فرمود: «هنگامی که خداوند حضرت عیسی را به آسمان برد، آن حضرت دو لباس به همین رنگ بر تن داشت». (2)

4. در روایتی معتبر آمده است که یونس می گوید: امام رضا علیه السلام را دیدم که لباسی گشاد وبلند وکبودرنگ بر تن داشت. (3)

لباس سبز سیر وسیاه

1. محمّد بن علی می گوید: امام هفتم علیه السلام را در لباس عدسی رنگ دیدم. (4)

1- کافی، ج 6، ص 447، ح 5؛ مکارم الأخلاق، ص 105.

2- مکارم الأخلاق، ص 106؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 360، ح 16.

3- کافی، ج 6، ص 448، ح 11؛ مکارم الأخلاق، ص 106.

4- کافی، ج 6، ص 448، ح 12؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 359، ح 9.

2. ابوالعلا می گوید: حضرت صادق علیه السلام را در حال اِحرام با بُرد یمنی سبزرنگ دیدم. (1)

3. در حدیث است که کسی از امام صادق علیه السلام پرسید: با کلاه سیاه نماز بخوانم؟ فرمود: «لباس سیاه لباس اهل جهنّم است با آن نماز نخوان». (2)

4. از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «لباس سیاه کراهت دارد، مگر در سه چیز: عبا وعِمامه وکفش». (3)

برخی آداب لباس پوشیدن

(مقدّمه:) پیراهن های دراز وبلند پوشیدن وآستین پیراهن را بلند کردن ولباس را برای تکبّر بر روی زمین کشیدن، مکروه وناپسند است. (به روایاتی در این زمینه توجّه فرمایید:)

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت امیر مؤمنان علیه السلام به بازار رفت وبا یک دینار (اشرفی) سه قطعه لباس خرید: پیراهنی که بلندای آن تا نزدیک بند پا بود، لنگی که طول آن تا نیمه ساق پا بود، ازاری که از جلو تا روی سینه ها واز عقب تا پایین تر از کمر را می پوشاند. حضرت پس از خرید، دست به آسمان بلند کرد وپیوسته خدا را بر این نعمت شکر می کرد تا به خانه بازگشت». (4)

2. ودر حدیثی دیگر فرمود: «آنچه از بلندای پیراهن از قوزک پا می گذرد در آتش جهنّم است». (5)

1- مکارم الأخلاق، ص 105؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 215، ح 978.

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 162؛ تهذیب الاحکام، ج 2، ص 227.

3- کافی، ج 6، ص 449، ح 1؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 163.گفتنی است که چادر زنان در میان عرب، نوعی عبا محسوب می شود.

4- کافی، ج 6، ص 455، ح 2؛ مکارم الأخلاق، ص 113.

5- کافی، ج 6، ص 456، ح 3؛ مکارم الأخلاق، ص 109.

3. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند به پیامبرش فرمود : (وَثِیَابَکَ فَطَهِّرْ)؛ ولباست را پاکیزه دار. (1) لباس های پیامبر صلی الله علیه و آله پاک وپاکیزه بود،

منظور خدا این بود که پیراهنت را کوتاه کن تا آلوده نشود». (2)

ودر روایت دیگری آمده است که آن را بالا بزن تا به زمین کشیده نشود. (3)

4. در روایت حسنه ای از امام باقر علیه السلام نقل شده است که: «حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به مردی از بنی تمیم چنین وصیّت کرد: مبادا پیراهن ولنگ خود را بلند ودراز کنی که نشانه تکبّر است وخداوند متکبّران را دوست نمی دارد». (4)

5. در روایتی معتبر آمده است که امیر مؤمنان علی علیه السلام هرگاه پیراهن می پوشید آستین آن را می کشید وآنچه را که از سر انگشتانش می گذشت می بُرید. (5)

6. در حدیث آمده است که: «حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به ابوذر فرمود: هر که از روی تکبّر، جامه اش را بر زمین بکشد خداوند در قیامت نظر رحمت به او نمی کند. واِزار مرد تا نیمه ساق پاست؛ البتّه تا بند پا هم جایز است، امّا افزون بر آن در آتش است». (6)

(یادآوری: به طور کلّی همواره باید اهداف پوشش لباس را در نظر داشته باشیم ومطابق آن، لباس های خود را تهیّه کنیم.

هدف از پوشیدن لباس سه چیز است :

نخست حفظ تن از سرما وگرما وصدمات احتمالی ناشی از برخورد با موانع طبیعی وغیر طبیعی؛ این هدف مربوط به جسم انسان است.

هدف دیگر، حفظ حرمت وکرامت انسانی در برابر دیدگان دیگر انسان هاست، زیرا

1- سوره مدّثّر، آیه 4.

2- کافی، ج 6، ص 456، ح 4.

3- کافی،ج 6، ص 455، ح 2؛ مکارم الأخلاق، ص 103.

4- کافی، ج 6، ص 456، ح 5؛ مکارم الأخلاق، ص 109.

5- کافی، ج 6، ص 457، ح 7؛ مکارم الأخلاق، ص 111.

6- امالی طوسی، ج 2، ص 152؛ مکارم الأخلاق، ص 110.

اگر آدمی به صورت برهنه، همچون حیوانات، در برابر همنوعان خود حاضر شود، از چشم آنان می افتد وحرمتش شکسته وکرامتش لکّه دار می شود؛ این هدف مربوط به روح انسان است.

وهدف سوم، کمک به حفظ پاکدامنی وعفّت همنوعان در سطح جامعه وحتّی خانواده است که این هدف بر خلاف دو هدف اوّل، مربوط به دیگران است؛ بنابراین، آنچه به هنگام تهیّه لباس مهمّ است رعایت سه هدف مزبور است؛ ازاین رو لباس های تنگ وچسبان هر چند تمام بدن را بپوشاند، پسندیده نیست زیرا نه مایه آرامش جسم انسان است ونه روح ونه افراد جامعه.

همان گونه که لباس های آستین کوتاه که بیش از حدّ متعارف، آستین آن کوتاه است در انظار عمومی پسندیده نیست.

مختصر اینکه، لباس های واجد اهداف سه گانه بالا مورد تأیید اسلام است وآنچه فاقد آن سه هدف، یا برخی از آنها باشد در اسلام سفارش نشده است).

حرمت پوشیدن لباس مخصوص زنان یا کافران

(مقدّمه:) پوشیدن لباس ویژه بانوان، مانند روسری، مقنعه، چادر وبرخی از لباس های زیر، بر مردان حرام است. چنانکه بر بانوان حرام است پوشیدن لباس های مخصوص مردان، مانند قبا، عِمامه ودیگر لباس های ویژه آنان. وبر مرد وزن جایز نیست پوشیدن لباس های مخصوص کافران. (به دو روایت در این زمینه توجّه کنید:)

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «جایز نیست زنان شبیه مردان شوند، زیرا رسول خدا زنانی را که شبیه به مردان می شوند ومردانی را که شبیه به زنان می شوند نفرین کرده است». (1)

1- خصال، ج 2، ص 374؛ بحارالأنوار، ج 103، ص 256.

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال به پیامبری از پیامبرانش فرمود: به مؤمنین بگو: لباس های مخصوص دشمنان مرا را نپوشید واز غذای آنان نخورید وخود را شبیه آنان نکنید، وگرنه شما هم دشمن من خواهید بود». (1)

عِمامه بستن وکلاه پوشیدن

اشاره

(مقدّمه:) به دو روش می توان عِمامه بست: بر سر وزانو. بستن عمامه بر روی سر مستحبّ است، چنانکه تحت الحنک (2) نهادن برای عِمامه هم مستحبّ است. (3)

شهید اوّل رحمه الله اعتقاد دارد که ایستاده عمامه پیچیدن مستحبّ است. (4) (به روایاتی در این زمینه توجّه فرمایید:)

عِمامه بر سر گذاشتن

1. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس عمامه بر سر بپیچد وتحت الحنک (5) نبندد وبه درد بی درمانی مبتلا شود، کسی را جز خودش

سرزنش نکند». (6)

2. ودر روایتی دیگر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله با دست (مبارک) خود بر سر حضرت امیرمؤمنان علیه السلام عِمامه بست. یک

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 163، ح 769؛ مشکاه الأنوار، ص 325.

2- پیچی از عمامه که از زیر چانه می گذرانند و روی شانه می اندازند.
3- روایات مربوط به استحباب تحت الحنک فراوان است، ولی ظاهرآ همه آنها مربوط به تمام حالات است ودرخصوص حال نماز، فقط یک روایت داریم که آن هم ضعیف است. رک:اصول کافی، ج6،ص460، باب العمائم.
4- دروس، ج 1، ص 152.
5- باید توجّه داشت که «تحت الحنک» در گذشته در همه حال معمول بود، ولی اکنون متعارف نیست وگاهممکن است لباس شهرت به شمار آید.
6- کافی، ج 6، ص 461، باب العمائم، ح 1؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 291، ح 1.

طرف عمامه را از پیش صورت وطرف دیگر آن را چهار انگشت کوتاه تر، از پشت سر آویخت، سپس به علی علیه السلام فرمود: برو! رفت وفرمود: بیا! آمد وبعد فرمود: به خدا قسم، تاج ملائکه وفرشتگان چنین است». (1)

3. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله عمامه را بر سر بست ویک طرف آن را به جلو وطرف دیگر آن را به پشت سر انداخت. چنانکه جبرئیل (در هیأتی که در برابر پیامبر آشکار می شد) نیز به این صورت عمامه می بست». (2)

4. واز امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «فرشتگان در جنگ بدر عمامه های سفید بر سر داشتند». (3)

5. در کتاب فقه الرّضا خواندن این دعا به هنگام گذاشتن عمامه بر سر سفارش شده است: بِسْمِ اللهِ اَللّهُمَّ ارْفَعْ ذِکْری وَاَعْلِ شَأْنی وَاَعِزَّنی بِعِزَّتِکَ وَأَکْرِمْنی بَکَرَمِکَ بَیْنَ یَدَیْکَ وَبَیْنَ خَلْقِکَ اَللّهُمَّ تَوِّجْنی بِتاجِ الْکَرامَهِ وَالْعِزِّ وَالْقَبُولِ. (4)

6. در کتاب مکارم الأخلاق از کتاب نجات نقل کرده است که به هنگام گذاشتن عِمامه این دعا خوانده شود: اَللّهُمَّ سَوِّمْنی بِسیماءِ الاْیمانِ وَتَوِّجْنی بِتاجِ الْکَرامَهِ وَقَلِّدنی حَبْلَ الاْسْلامِ وَلا تَخْلَعْ رَبْقَهَ الاْیمانِ مِنْ عُنُقی (5) وافزوده است که عمامه را باید در حال ایستاده پیچید. (6)

1- کافی، ج 6، ص 461، ح 4؛ مکارم الأخلاق، ص 120.

2- کافی، ج 6، ص 461؛ مکارم الأخلاق، ص 460.

3- کافی، ج 6، ص 461؛ مکارم الأخلاق، ص 119.

4- ترجمه: «به نام خدا، پروردگارا، ذکر مرا بالا بر ورتبه ام را بلند گردان ومرا در پیشگاه خود ودر میانمخلوقاتت گرامی بدار. بار خدایا، تاج کرامت

وعزّت وپذيرش (اعمال) را بر سرم نِه». فقه الرّضا، ص 395؛مستدرک الوسائل، ج 3، ص 277، ح 8 .

5- ترجمه: «خدايا، مرا به نشانه ايمان نشانه گذار وتاج كرامت بر سرم نِه وبند اسلام و ايمان بر گردنم افکنوآن را از گردنم بيرون مياور».

6- مكارم الأخلاق، ص 120.

کلاه پوشیدن

در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله کلاه های متعدّدی داشت که بر سر می نهاد. (1)

علما پوشیدن کلاه های دراز وبلند را که به آن «بُرطُل» گویند ویهودیان بر سر می گذاشتند، مکروه شمرده اند. (2) واز برخی روایات استفاده می شود که شکستن

پایین کلاه وبرگردانیدن آن مکروه است. (3)

آداب پوشیدن پاجامه (شلوار راحتی)

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند به حضرت ابراهیم وحی کرد که زمین به سبب دیدن عورت تو به من شکایت می کند، میان زمین وعورت خود حجابی قرار ده تا زمین ناراحت نباشد (4) ، سپس حضرت ابراهیم پاجامه را اختراع کرد وپوشید». (5)

2. در کتاب جامع بزنطی روایت شده است که هر که پاجامه را ایستاده بپوشد، تا سه روز حاجتش برآورده نشود. (6)

3. از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پوشیدن پاجامه در حال ایستاده، موجب اندوه است». (7)

1- بحارالأنوار، ج 16، ص 121 و122 و125.

2- مکارم الأخلاق، ص 120 (با اندکی تفاوت).

3- بحارالأنوار، ج 47، ص 45، ح 62.

4- گفتنی است که عرب ها زیر پیراهن بلند (دشداشه) پاجامه نمی پوشیدند. اکنون هم کم وبیش برخیعرب ها چنین می کنند. روایت مزبور

ناظر به پوشش پاجامه برای چنین کسانی است، زیرا در حرکاتوحالات مختلف، ممکن است قسمت هایی از بدن انسان نمایان شود.

5- علل الشرایع، ج 2، ص 585، ح 29؛ بحارالأنوار، ج 12، ص 77، ح 3.

6- السرائر، ج 3، ص 581؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 417، ابواب احکام الملابس، باب 68، ح 5.

7- مکارم الأخلاق، ص 101؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 416، ابواب احکام الملابس، باب 68، ح 2. (شاید بهاین خاطر که گاه ممکن است خطرهایی پیش آید).

4. در حدیثی دیگر فرمود: «پاجامه را ایستاده ورو به قبله ورو به انسان دیگری نپوشید». (1)

5. ودر سخنی دیگر فرمود: «پیامبران پیراهن را پیش از پاجامه می پوشیدند». (2)

6. در کتاب فقه الرّضا آمده است: پاجامه را ایستاده نپوشید که موجب هلاکت وزردآب وغم ودرد می شود، بلکه نشسته بپوشید ودر وقت پوشیدن این دعا را بخوانید: بِسْمِ اللهِ اَللّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَتی وَلا تَهْتِکْنی فی عَرَصاتِ الْقِیامَهِ وَاعْفُ فَرْجی وَلا تَخْلَعْ عَنّی زینَهَ الْایمانِ. (3)

7. کتاب مکارم الأخلاق از کتاب نجات نقل کرده است که به هنگام پوشیدن پاجامه این دعا خوانده شود: اللّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَتِی وَآمِنْ رَوْعَتِی وَاعْفُ فَرْجِی وَلا تَجْعَلْ لِلشَّیْطَانِ فِی ذلِکَ نَصِیباً وَلا لَهُ إلی ذلِکَ وُصُولاً فَیَصْنَعَ لِیَ الْمَکایِدَ وَیُهَیِّجَنی لاِرْتِکابِ الْمَحارِمِ. (4)

آداب لباس نو بریدن وپوشیدن

دعاهای هنگام بریدن وپوشیدن لباس نو

1. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر که لباس نو ببُرد وظرفی را پر از آب کند وسی وشش مرتبه سوره قدر بر آن بخواند وهر مرتبه که به آیه (تَنَزَّلُ الْمَلاَئِکَهُ) می رسد اندکی از آب را آرام بر پارچه بپاشد، سپس دو

1- مکارم الأخلاق، ص 101؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 416، ابواب احکام الملابس، باب 68، ح 4.

2- مکارم الأخلاق، ص 101؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 416، ابواب احکام الملابس، باب 68، ح 3.

3- ترجمه: «به نام خدا، پروردگارا، عیوبم را بپوشان ودر روز قیامت مرا رسوا مگردان ومرا پاکدامن قرار دهوزینت ایمان را از من سلب نفرما».
فقه الرّضا، ص 395، باب الزیّ والزّینه ؛ مستدرک الوسائل، ج3، ص 313،باب 44، ح 1.

4- ترجمه: «بار خدایا، عیوبم را بپوشان وهراسم را برطرف کن ومرا پاکدامن قرار ده واز برای شیطان در آنبهره ای وبرای رسیدن به آن راهی قرار مده، تا برای من حیله ها سازد وبر گناهان تحریک ام کند».مکارم الأخلاق، ص 101.

رکعت نماز بخواند ودعا کند وبگوید: اَلْحَمْدُ للهِ الَّذی رَزَقَنی ما اَتَجَمَّلُ بِهِ فِی النّاسِ وَاُواری بِهِ عَوْرَتی وَاُصَلّی فِیهِ لِرَبِّی (1) وآن گاه خدا را شکر کند، پیوسته در

وفور نعمت باشد تا آن لباس کهنه شود». (2)

2. در روایتی صحیح می خوانیم که امام محمّد باقر علیه السلام، خواندن این دعا را به هنگام پوشیدن لباس نو سفارش کرد: اَللّهُمَّ اجْعَلْهُ ثَوْبَ یُمْنٍ وَتُقی وَبَرَکَهٍ اَللّهُمَّ ارْزُقْنی فِیهِ حُسْنَ عِبادَتِکَ وَعَمَلاً بِطاعَتِکَ وَاَداءَ شُکْرِ نِعْمَتِکَ، اَلْحَمْدُ للهِ الَّذی کَسانی ما اُواری بِهِ عَوْرَتی وَاَتَجَمَّلُ بِهِ فِی النّاسِ. (3)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که در ظرفی نو آب کند وبر آن سی ودو مرتبه سوره قدر بخواند وبر لباس نو بپاشد، با پوشیدن آن لباس همواره در وفور نعمت باشد تا وقتی که تاری از آن لباس باقی باشد». (4)

4. در روایتی معتبر آمده است که: «حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود: به هنگام پوشیدن لباس نو این دعا را بخوان: اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِی کَسانِی مِنَ اللِّباسِ ما اَتَجَمَّلُ بِهِ فِی النَّاسِ. اللّهُمَّ اجْعَلْها ثِیابَ بَرَکَهٍ، أَسْعی فِیها لِمَرْضاتِکَ وَأَعْمُرُ فِیها مَساجِدَکَ». (5) سپس فرمود: «ای علی، هر که این دعا را بخواند سپس لباس نو را بپوشد، خداوند او را می آمرزد». (6)

1- ترجمه: «سپاس مخصوص خداوندی است که چیزی (لباسی) روزی ام کرد که با آن بتوانم خود را در میانمردم زینت کنم وبا آن خود را بپوشانم ودر آن برای پروردگارم نماز بگذارم».

2- ثواب الأعمال، ص 44؛ مکارم الأخلاق، ص 99.

3- ترجمه: «پروردگارا، این لباس نو را لباس میمنت وپرهیزگاری وبرکت قرار ده. بار خدایا، پرستش نیکووانجام دادن دستورهایت وادای شکر نعمتت را در این لباس روزی ام کن. حمد وسپاس مخصوص خداییاست که لباسی به من عنایت کرد که خود را با آن بپوشانم ودر میان مردم خود را زینت کنم». کافی، ج 6،ص 458، ح 1.

4- کافی، ج 6، ص 459، ح 4؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 371، ابواب احکام الملابس، باب 26، ح 2.

5- ترجمه: «سپاس مخصوص خداوندی است که بر اندام من لباسی پوشاند که با آن در میان مردم خود رامی آرایم. خدایا، آن را مایه برکت قرار ده تا در آن به سوی خشنودیت حرکت کنم ودر مساجدت حضور یابم».

6- کافی، ج 6، ص 458، ح 2.

5. از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شایسته است هر که لباس نو می پوشد دست بر آن بکشد وبگوید: اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذی کَسانِی ما أُوارِی بِهِ عَوْرَتِی وَأَتَجَمَّلُ بِهِ فِی النّاسِ وَأَتَزَیَّنُ بِهِ بَیْنَهُم». (1)

6. در روایتی معتبر آمده است که امام رضا علیه السلام هرگاه می خواست لباس نو بپوشد، لباس ها را در طرف راست خود می نهاد وپس از پوشیدن لباس، ظرفی آب می طلبید وهر یک از سوره های توحید وکافرون وآیه الکرسی (2) را ده مرتبه

بر آن می خواند، سپس آب را بر لباس می پاشید ومی فرمود: «هر که چنین کند، همواره در وفور نعمت باشد تا وقتی که تار نخی از آن لباس باقی باشد». (3)

پوشیدن لباس نو ورهایی یافتن از آفات

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «به هنگام پوشیدن لباس نو

«لا اِلهَ إلّا اللّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّه» بگو، تا از آفت ها نجات یابی. وچیزی را که بسیار دوست داری فراوان یاد نکن که تو را در هم می شکند واگر با کسی کاری داشتی در غیابش به او دشنام نده که در دلش اثر می کند». (4)

شکرانه پوشیدن لباس نو

در روایتی معتبر آمده است که حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود: «هرگاه خداوند لباس نو نصیب کسی کند، شایسته است وضو

بگیرد ودو رکعت نماز (شکر) بگزارد ودر هر رکعت سوره حمد وآیه الکرسی وسوره های توحید

1- ترجمه: «حمد وسپاس مخصوص خداوندی است که لباسی بر اندام من پوشاند که به وسیله آن عیوبم راپنهان کنم وبا آن خود را در میان مردم زینت وآرایش دهم». کافی، ج 6، ص 459، ح 3.

2- سوره بقره، آیه 255.

3- عیون اخبار الرّضا، ج 1، ص 351؛ مکارم الأخلاق، ص 102.

4- کافی، ج 6، ص 459، ح 6؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 373، ابواب احکام الملابس، باب 27، ح 4.

وقدر بخواند، سپس از خداوندی که تن او را پوشانده ودر میان مردم زینتش داده، تشکّر کند وحمد وستایش او را به جا آورد وبسیار ذکر «لا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ إلّا بِاللّهِ» بگوید. هر که چنین کند، در آن لباس معصیت نکند. وپروردگار به عدد هر نخی که در آن لباس است، فرشته ای می آفریند که خداوند را به پاکی یاد کند وبرای او استغفار کند وبر او ترحّم کند». (1)

دیگر آداب پوشیدن وبیرون آوردن لباس

هیچ گاه به طور کامل برهنه نشوید

1. در حدیث است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله از برهنه شدن (به طور کامل) در روز وشب نهی کردند. (2)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه مردی (کاملاً) عریان شود، شیطان به او نظر کرده وطمع می کند که او را به گناه بکشاند». ونیز فرمود: «هنگامی که انسان در جمعی نشسته، سزاوار نیست که ران های خود را برهنه سازد». (3)

3. ودر حدیثی دیگر فرمود: «هرگاه لباس خود را از تن بیرون می آورید، «بسم الله» بگویید». (4)

ویژگی های پوشش بانوان

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای زن مسلمان شایسته نیست که روسری یا پیراهن بدن نما بپوشد». (5)

1- کافی، ج 6، ص 459؛ خصال، ج 2، ص 416.

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 5.

3- خصال، ج 2، ص 423؛ بحارالأنوار، ج 10، ص 108.

4- علل الشرایع، ج 2، ص 583؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 415، باب 67، ح 1.

5- مکارم الأخلاق، ص 93؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 281، باب 21، ح 2.

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «عرض مقنعه حضرت فاطمه علیها السلام به قدری بود که تا نصف بازوی آن حضرت می رسید وزنان باید

چنین کنند». (1)

اسراف در پوشش

1. در حدیثی می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «کمترین حدّ اسراف آن است که لباس داخل وبیرون از خانه یکی باشد». (2)

2. در حدیث است که از امام کاظم علیه السلام پرسیدند: اگر کسی ده پیراهن داشته باشد اسراف است؟ فرمود: «نه، بلکه به منظور حفاظت از لباس این کار بهتر است؛ اسراف آن است که جامه نگاه داشتنی را در جاهای کثیف بپوشی». (3) (واین

برای آن است که پیراهن ها دوام بیشتری پیدا می کند).

پاکیزگی ونظافت لباس

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پوشیدن لباس نو، دشمن را منکوب می کند». (4)

2. در حدیثی می خوانیم که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هر لباسی که می پوشید باید پاکیزه باشد». (5)

3. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شست وشوی لباس،

1- مکارم الأخلاق، ص 93.

2- زیرا لباس بیرون منزل معمولاً قیمت بیشتری دارد واگر در داخل منزل همان پوشیده شود هزینه لباسانسان سنگین خواهد شد. کافی، ج 6، ص 460، ح 1 و2؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 103.

3- مکارم الأخلاق، ص 98.

4- مکارم الأخلاق، ص 103.

5- کافی، ج 6، ص 441، ح 3؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 346، باب 6، ح 3.

اندوه را می زداید وموجب قبولی نماز می شود». (1)

4. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کوتاه کردن پیراهن(های بلند)، سبب راحتی پوشیدن ودوام آن می شود». (2)

وصله زدن به لباس

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آن قدر بر لباس خود وصله زدم که از وصله کننده آن خجالت کشیدم». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که یقه پیراهنش را وصله کند وکفش خود را پینه زند وآنچه برای خانه اش خریده با دست خود به خانه ببرد، از تکبّر وخودبرتربینی در امان می مانَد». (4)

3. در حدیث است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید دید حضرت یقه لباسش را وصله زده، با تعجّب به حضرت نگاه کرد. حضرت فرمود: «چرا تعجّب می کنی؟» گفت: از وصله لباس شما شگفت زده شدم. کتابی در پیش روی حضرت بود، به او فرمود: «این جملات را بخوان». نوشته بود: هر که حیا ندارد ایمان ندارد وکسی که به اندازه خرج نمی کند سرمایه ای برایش نمی ماند وهر که جامه کهنه ندارد لباس نو نخواهد داشت. (5)

رنگ کفش وویژگی های دیگر آن

اشاره

(مقدّمه:) بهترین رنگ برای نعلین ودیگر کفش ها، رنگ زرد است وسپس

1- خصال، ج 2، ص 402؛ مکارم الأخلاق، ص 103.

2- مکارم الأخلاق، ص 103.

3- نهج البلاغه، خطبه 160؛ بحارالأنوار، ج 40، ص 346. این در زمانی است که مردم مشکلات مادّی دارند.

4- خصال، ج 1، ص 127، ح 68.

5- کافی، ج 6، ص 460، ح 3.

سفید. وبهترین رنگ برای چکمه، رنگ سیاه است. رنگ قرمز در سفر سفارش شده، ولی در وطن کراهت دارد. ودر مورد نعلین سفارش شده است که جلو وعقبش بلند وقسمت میانی آن کوتاه وتهی باشد وتمام آن بر زمین نچسبد وغیر آن کراهت دارد؛ ظاهراً کفش نیز همین حکم را دارد. و(پوشیدن) کفش سرپایی (در بیرون از منزل) مکروه است. (به روایاتی در این زمینه توجّه فرمایید:)

اهمیّت پوشیدن کفش

1. در روایتی معتبر آمده است که حضرت علی علیه السلام فرمود: «پوشیدن کفش خوب، تن را از بلاها حفظ کرده، به انسان کمک می کند که وضو ونمازش را به صورت کامل به جا آورَد». (1)

2. آن حضرت در حدیثی دیگر فرمود: «هر که دوست دارد عمرش طولانی شود، باید چهار کار کند: صبحانه را نزدیک طلوع آفتاب بخورد، کفش خوب بپوشد، لباس سبک بپوشد، کمتر آمیزش جنسی کند». (2)

چه کفشی بپوشیم

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پوشیدن نعل هموار وصاف که همه اش بر روی زمین برسد، پوشش یهودیان است». (3)

وروایات فراوانی در مذمّت چنین کفشی وارد شده است. (4)

2. در احادیث معتبر آمده است: «کفش سیاه نپوشید که: چشم را ضعیف می کند، از قدرت شهوت می کاهد، موجب اندوه می شود. وکفش زرد بپوشید که :

1- کافی، ج 6، ص 462، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 122.

2- امالی طوسی، ج 2، ص 279؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 381، باب 32، ح 5.

3- کافی، ج 6، ص 463، ح 6.

4- برخی از این روایات در وسائل الشیعه، ج 3، ص 382، باب 33، باب کیفیّه النعل، آمده است.

چشم را جلا می دهد، بر قدرت شهوت می افزاید، اندوه را برطرف می سازد وپوشش پیامبران است». (1)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پوشیدن کفش سیاه موجب غرور وتکبّر است». (2)

4. در حدیثی می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر که کفش زرد رنگ بپوشد، تا وقتی در پای اوست در شادی وسرور باشد زیرا خداوند متعال در وصف گاو بنی اسرائیل می فرماید: (صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاظِرِينَ) (3) ». (4)

5. سُدیر صرّاف می گوید: با کفشی سفید رنگ خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم. حضرت فرمود: آیا دانسته چنین رنگی را انتخاب کرده ای؟ سپس فرمود: «هر که کفشی سفید از بازار بخرد کهنه نمی شود، مگر اینکه از جایی که گمان نمی بَرد مالی به او می رسد». سدیر می گوید: هنوز آن کفش سفید کهنه نشده بود که صد اشرفی از جایی که گمان نداشتم به دستم رسید. (5)

6. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که کفش سفید یا زردرنگ بپوشد، مال وفرزندانی نصیب او شود». (6)

7. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «پوشیدن چکمه بر نور چشم می افزاید». (7)

8. ودر روایتی دیگر فرمود: «مداومت بر پوشیدن چکمه، انسان را از مرگ بد

1- کافی، ج 6، ص 465، مکارم الأخلاق، ص 125.

2- کافی، ج6، ص465، دنباله حدیث 1و4 با کمی تفاوت ؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 385، باب 38، ح 1 و2 و3.

3- ترجمه: «گاوی باشد زرد یکدست که بینندگان را شاد ومسرور سازد».
سوره بقره، آیه 69.

4- کافی، ج 6، ص 466، ح 6؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 387، باب 40، ح 2 و4.

5- کافی، ج 6، ص 465؛ ثواب الأعمال، ص 43.

6- کافی، ج 6، ص 466، ح 7؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 388، باب 40، ح 5.

7- کافی، ج 6، ص 466، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 121.

وبیماری سل می رهاند». (1)

9. در حدیث است که داوود رقّی می گوید: امام صادق علیه السلام را در سفر دیدم که چکمه سرخی پوشیده بود. پرسیدم: این چکمه سرخ چیست؟ فرمود: «این کفش را برای سفر گرفته ام وبرای گِل وباران خوب است، امّا در وطن هیچ رنگی بهتر از سیاه نیست». (2)

10. و در روایتی می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت ابراهیم علیه السلام اوّل کسی بود که نعلین (3) پوشید». (4)

آداب پوشیدن کفش

اشاره

1. در روایاتی معتبر که از امام باقر وامام صادق علیهما السلام نقل شده است، سفارش کرده اند به هنگام پوشیدن کفش از پای راست وبیرون آوردن آن از پای چپ

آغاز شود.

ونیز فرموده اند: «هر که یک پا در کفش کند وپای دیگرش برهنه باشد وبا این حال راه رود، شیطان بر او دست می یابد». (5)

2. در حدیث است که عبدالرّحمن بن کثیر می گوید: همراه امام صادق علیه السلام به جایی می رفتیم، بند کفش امام پاره شد. من بند دیگری که همراه داشتم درآوردم وجایگزین بند پاره کردم. حضرت که در این هنگام دست بر شانه من نهاده بود، فرمود: «هر کس کفش مؤمنی را اصلاح (ومشکل او را حل) کند، هنگامی که از قبر بیرون آید خداوند او را بر شتر پرسرعت سوار کند تا درِ بهشت را بکوبد». (6)

1- کافی، ج 6، ص 466، ح 2 و3 وص 467، ح 6؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 388، باب 41، ح 1 و2 و3.

2- محاسن، ص 378، ح 5؛ کافی، ج 6، ص 466، ح 4.

3- «نعلین» کفشی است که پشت ندارد و روی پا را به طور کامل نمی پوشاند.

4- کافی، ج 6، ص 462، ح 2؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 381، باب 32، ح 1.

5- کافی، ج 6، ص 467، ح 1 - 4؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 390، باب 43، ح 1-4 و باب 44، ح 1-4.

6- کافی، ج 6، ص 464، ح 13؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 384، باب 35، ح 1.

3. در حدیث است که یعقوب سرّاج می گوید: در سفری در خدمت امام صادق علیه السلام بودم. بند کفش حضرت پاره شد وبه اجبار با پای برهنه به راه خود ادامه داد. عبداللّه بن ابی یعفور بند کفش خود را درآورد وبه حضرت داد، امّا آن حضرت قبول نکرد وفرمود: «هر که گرفتار مشکلی شده، سزاوار است که بر مشکل خود صبر کند». (1)

استراحت دادن به پاها

1. در حدیث است که عبدالرّحمن بن ابی عبدالله می گوید: همراه امام صادق علیه السلام به دیدن کسی رفتم. چون حضرت بر او وارد شد (گویا جمعی با کفش نشسته بودند)، کفش خود را از پا بیرون آورد وفرمود: «کفش هایتان را بیرون آورید که این کار موجب استراحت پا می شود». (2)

دعای پوشیدن کفش

1. در کتاب مکارم الأخلاق (3) به نقل از کتاب نجات آمده است: کفش را نشسته

بپوش ودر وقت پوشیدن آن بگو: بِسْمِ اللهِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَوَطِّیءْ قَدَمَیَّ فِی الدُّنْیا وَالْاٰخِرَهِ وَثَبِّتْهُما عَلَی الصِّراطِ یَوْمَ تَزِلُّ فِیهِ الْاَقْدامُ. (4)

ودر وقت بیرون آوردن، ایستاده کفش ها را درآور وبگو: بِسْمِ اللهِ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی رَزَقَنی ما اَقی بِهِ قَدَمَیَّ مِنَ الْاَذی اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْهُما عَلی صِراطِکَ وَلا تَزِلَّهُما

1- کافی، ج 6، ص 464، ح 14؛ مکارم الأخلاق، ص 123.

2- کافی، ج 6، ص 464، ح 15؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 385، باب 37، ح 1.

3- مکارم الأخلاق، ص 123؛ الامان من اخطار الاسفار والازمان، ص 63.

4- ترجمه: «به نام خدا. پروردگارا، بر محمّد و خاندان پاکش درود بفرست وگام هایم را در دنیا وجهان آخرتاستوار گردان و در روزی که همه قدم ها می لغزند، آنها را بر پل صراط محکم وثابت گردان».

عَنْ صِراطِکَ السَّوِیِّ. (1)

2. در کتاب فقه الرّضا آمده است: (2) هرگاه بخواهی کفش یا چکمه بپوشی از

پای راست شروع کن وبگو: بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَللّهُمَّ وَطِّئْ قَدَمَیَّ فِی الدُّنْیا وَالْاخِرَهِ وَثَبِّتْهُما عَلَی الْایمانِ وَلا تُزِلْزِلْهُما یَوْمَ زَلْزَلَهِ الاْقْدامُ اللّهُمَّ وَقِنِی مِنْ جَمِیعِ الاْفاتِ وَالْعاهاتِ وَمِنَ الاْذی. (3)

وهنگام بیرون آوردن کفش از پای چپ شروع کن وبگو: اللّهُمَّ فَرِّجْ عَنِّی مِنْ کُلِّ هَمٍّ وَغَمٍّ وَلا تَنْزَعْ عَنّی حُلَّهَ الاْیمانِ. (4)

1- ترجمه: «به نام خدا. حمد وثنا مخصوص خداوندی است که نعمتی به من داد تا بتوانم با آن پاهایم را از آزارواذیّت حفظ کنم. بار خدایا، پاهایم را بر صراط خود پایدار کن واز راه راست خود نلغزان».

2- فقه الرضا، ص 397 و 398.

3- ترجمه: «به نام خدا وبه ذات (پاک) خدا (آغاز می کنم.) وحمد وستایش مخصوص خداست. بار خدایا !بر محمّد وآل محمّد درود بفرست. بار خدایا ! قدم های مرا در دنیا وآخرت ثابت گردان، ودر پیمودن راهایمان پایدارشان کن، ودر روزی که قدم ها می لغزد آنها را ملغزان. خدایا ! مرا از تمام آسیب ها وآفات وآزارهاحفظ کن».

4- ترجمه: «خدایا، هر اندوهی را از من برطرف کن وجامه ایمان را از تنم بیرون مکن».

فصل دوم: زیورآلات ونوع زینت مردان وزنان

اشاره

1. فضیلت انگشتر به دست کردن وآداب آن
2. جنس انگشتر
3. فضیلت عقیق
4. فضیلت یاقوت وزبرجد وزمرّد
5. فضیلت فیروزه وجزع یمانی
6. فضیلت درّ نجف و حدید چینی و بلور ودیگر نگین ها
7. نقش نگین
8. پوشیدن طلا و نقره برای زنان وکودکان
9. آداب سرمه کشیدن
10. آداب نگاه کردن در آیینه
11. رنگ کردن موها
12. چگونگی و آثار رنگ کردن

فضیلت انگشتر به دست کردن وآداب آن

اشاره

(مقدّمه:) تأکید شده است که مردان وزنان انگشتر را در دست راست کنند. هر چند در برخی روایات، انگشتر در دست چپ کردن هم تجویز شده است. واگر نقش نگین یا خود نگین، شریف وباعظمت باشد باید به هنگام تطهیر کردن در حاجتگاه، آن را بیرون آورد. (به روایاتی در این زمینه توجّه فرمایید:)

استحباب انگشتر در دست راست کردن

1. در روایتی معتبر آمده است که حضرت علی علیه السلام فرمود: «حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله انگشتر را در دست راست می کرد». (1)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: حضرت رسول صلی الله علیه و آله انگشتر را در دست راست می کرد. (2)

3. در حدیث است که سلمان فارسی - که رضوان خدا بر او باد - می گوید : «حضرت رسول صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: ای علی، انگشتر را در دست راست کن تا از مقرّبان باشی. حضرت علی علیه السلام عرض کرد: ای رسول خدا، مقرّبان کیانند؟ فرمود: جبرئیل ومیکائیل. علی علیه السلام پرسید: چه انگشتری در دست کنم؟ فرمود :

1- عیون اخبار الرّضا، ج 2، ص 63، ح 268؛ علل الشرایع، ج 1، ص 158، باب 127، ح 2.

2- مستدرک الوسائل، ج 3، ص 285، ح 1؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 397، ح 4 و6.

عقیق سرخ، زیرا عقیق سرخ بر یگانگی خدا وپیامبری من وامامت ووصایت تو وامامت یازده فرزند از تو واستحقاق دوستان تو به بهشت واختصاص جنّت الفردوس به شیعیان تو اقرار کرده است». (1)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انگشتر در دست راست کردن از سنّت پیامبران است». (2)

5. در روایتی معتبر آمده است که از امام هفتم علیه السلام پرسیدند: چرا حضرت علی علیه السلام انگشتر را در دست راست می کرد؟ فرمود: «زیرا آن حضرت در روز قیامت پیشوای اصحاب یمین است که نامه هایشان را به دست راستشان می دهند. افزون بر این، رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین می کرد. افزون بر آنکه این کار نشانه ای برای شیعیان است که بدین سبب وبه پنج عمل زیر بر دیگران امتیاز دارند: مراقبت کردن بر وقت نمازهای پنجگانه، پرداختن زکات اموال (ووجوهات شرعیّه)، تقسیم کردن اموال وامکانات خود با برادران مؤمن، امر به معروف ونیکی ها کردن، نهی از منکر وزشتی ها کردن». (3)

6. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «جبرئیل به حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله گفت: هر که انگشتر در دست راست کند وهدفش از این کار، پیروی از تو وسنّت تو باشد، چنانچه او را در قیامت سرگردان ببینم دستش را گرفته وبه تو وامیر مؤمنان می رسانم». (4)

1- علل الشرایع، ج 1، ص 158، باب 127، ح 3؛ بحارالأنوار، ج 27، ص 280، ح 1.

2- دعائم الاسلام، ج 2، ص 164، ح 591؛ مستدرک الوسائل، ج 3، ص 289، باب 30، ح 7، به نقل از پیامبراکرم صلی الله علیه و آله. البتّه از

برخی روایات هم استفاده می شود که انگشتر به دست چپ کردن اشکال ندارد.

3- علل الشرایع، ج 1، ص 158، باب 127، ح 3؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 396، باب 49، ح 3.

4- مناقب ابن شهر آشوب، ج3، ص 303.

انگشتر در کدام دست کنیم

در حدیثی معتبر آمده که حضرت رضا علیه السلام فرمود: «اگر بخواهی انگشتر را در دست راست کن واگر دوست داری در دست چپ، تفاوتی ندارد». (1)

ولی از برخی روایات استفاده می شود که هر کس انگشتری در دست چپ کند که نام خداوند بر آن نقش بسته، برای تطهیر کردن در حاجتگاه آن را به دست دیگر کند». (2)

انگشتر در کدام انگشت نکنیم

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که آن حضرت از اینکه انگشتر را در انگشت شهادت یا انگشت میانی کنند نهی فرمود». (3)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «انگشتر را به بند پایین انگشت برسانید». (4)

3. شیخ صدوق از ابو سعید آدمی روایت کرده است: انگشتر به سر انگشتان کردن از کارهای قوم لوط است. (5)

دعای انگشتر در دست کردن

در کتاب فقه الرّضا آمده است که هنگام انگشتر در دست کردن این دعا را بخوانید: اَللّٰهُمَّ سُمْنی بِسیماءِ الْایمانِ وَاخْتِمْ لی بِخَیْرٍ وَاجْعَلْ عاقِبَتی اِلی خَیْرٍ، اِنَّکَ

1- السرائر، ج 3، ص 574؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 395، باب 48، ح 6.
2- خصال، ج 2، ص 401؛ بحارالأنوار، ج 10، ص 91.

3- مکارم الأخلاق، ص 93؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 408، باب 59، ح 1 و2.

4- خصال، ج 1، ص 237، ح 120؛ بحارالأنوار، ج 1، ص 212، ذیل روایت شماره 7.

5- خصال، ج 1، ص 237، ادامه حدیث 120؛ بحارالأنوار، ج 1، ص 212، ذیل روایت 7.

اَنْتَ الْعَزیزُ الاْکْرَمُ. (1)

سیّد بن طاووس سفارش کرده است که به هنگام انگشتر در دست کردن این دعا را بخوانید: اَللّهُمَّ سَوِّمْنی بِسیماءِ الاِْیْمانِ وَتَوِّجْنی بِتاجِ الْکَرامَهِ وَقَلِّدْنی حَبْلَ الاِْسْلامِ وَلا تَخْلَعْ رِبْقَهَ الاْیمانِ مِنْ عُنُقی. (2)

جنس انگشتر

اشاره

(مقدّمه:) انگشتر نقره در دست کردن مستحب وانگشتر طلا بر مردان حرام است. وانگشتر ساخته شده از آهن وبرنج (برنز) وفولاد برای مردان وزنان کراهت دارد. (به روایاتی در این زمینه توجّه فرمایید:)

چگونگی انگشتر

1. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «انگشتر پیامبر صلی الله علیه و آله از نقره بود». (3)

2. در روایتی دیگر فرمود: «انگشتر حضرت رسول صلی الله علیه و آله از نقره بود، نگین نداشت وبر آن جمله «مُحَمَّدٌ رَسُولُ الله» نقش بسته بود». (4)

انگشترهای نامناسب

1. در چندین روایت معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام

1- ترجمه: «پروردگارا، بر من نشان ایمان بگذار وبرایم به نیکی پایان ده وعاقبتم را ختم به خیر کن، زیرا توعزیز وکریم هستی». فقه الرّضا، ص

395؛ مستدرک الوسائل، ج 3، ص 324، ح 25.

2- ترجمه: «بار خدایا، بر من نشان ایمان بگذار وتاج کرامت بر سرم نِه وریسمان اسلام بر گردنم افکن وبندایمان را از گردنم برمدار». الامان من اخطار الاسفار والازمان، ص 35؛ مکارم الأخلاق، ص 93.

3- کافی، ج 6، ص 468، ح 1؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 393، باب 46، ح 1 و2.

4- مکارم الأخلاق، ص 85؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 394، باب 46، ح 5.

فرمود: «انگشتر طلا در دست نکن که زینت تو در آخرت است». (1)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انگشتری جز نقره در دست نکنید، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دستی که انگشتری از جنس آهن در آن باشد آلوده است». (2)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «خداوند دستی را که انگشتر آهنی در آن باشد پاک نخواهد کرد». (3)

4. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «به هنگام نماز، انگشتر آهنی در دست نکنید ودر هیچ حال، انگشتر برنز نپوشید». (4)

فضیلت عقیق

اهمیّت عقیق در دست کردن

1. در حدیثی از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می خوانیم که فرمود: «انگشتر عقیق با خود داشته باشید زیرا عقیق، نخستین کوهی است که به یگانگی خداوند ورسالت من وامامت علیّ بن ابی طالب اقرار کرد». (5)

2. در حدیثی معتبر آمده است که بشیر دهان می گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم چه نگینی بر انگشترم بنشانم؟

فرمود: «چرا از عقیق سرخ وزرد وسفید غافلی؟ اینها سه کوه هستند در بهشت؛ عقیق سرخ نام کوهی است که مُشرف بر خانه رسول صلی الله علیه و آله است. کوه عقیق زرد مُشرف بر خانه فاطمه زهرا علیها السلام وعقیق سفید مُشرف بر خانه حضرت

1- کافی، ج 6، ص 468، ح 5؛ مکارم الأخلاق، ص 86.

2- کافی، ج 6، ص 468، ح 6؛ خصال، ج 2، ص 401.

3- کتاب من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 164، ح 772؛ مكارم الأخلاق، ص 86.

4- مكارم الأخلاق، ص 85؛ بحارالأنوار، ج 83، ص 252، ح 16 و ج 76، ص 331.

5- مكارم الأخلاق، ج 1، ص 200؛ عيون اخبار الرّضا، ج 2، ص 70، ح 324.

علی علیه السلام است وهمه اینها یک خانه است. واز زیر هر کوهی نهری جاری است که آب آن از برف سردتر واز شیر سفیدتر است وهر سه نهر از کوثر سرچشمه می گیرد وبه یک جا می ریزد. وجز آل محمّد وشیعیانش از این نهرها نمی نوشند. این سه کوه (همواره) تسبیح وتقدیس وتمجید پروردگار کرده وبرای محبّان آل محمّد آمرزش می طلبند. پس هر کس از شیعیان آل محمّد یکی از این عقیق ها را در دست داشته باشد، جز نیکی ووسعت روزی وسلامتی از بلاها وامان از شرّ پادشاهان وهر آنچه انسان از آن بیم دارد، به او نرسد». (1)

3. در حدیث است که ربیعه الرأی می گوید: انگشتر عقیقی در دست امام سجّاد دیدم، پرسیدم: این چه نگینی است؟ فرمود: «این عقیق رومی است». (2)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دستی که در آن انگشتر عقیق باشد، از تمام دست هایی که به آسمان بلند می شود در نزد پروردگار محبوب تر است». (3)

5. آن حضرت در حدیثی دیگر فرمود: «انگشتر عقیق در دست کردن مستحبّ است». (4)

آثار وخواصّ عقیق در دست کردن

1. از امام حسین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت موسی علیه السلام در کوه طور به هنگام مناجات با خداوند نگاهی به زمین کرد، خداوند عقیق را از نور صورت او آفرید، سپس فرمود: به ذاتم قسم، دستی را که انگشتر عقیق در آن

1- امالى طوسى، ج 1، ص 36 و37؛ وسائل الشيعه، ج 3، ص 401، باب 52، ح 1.

2- كافى، ج 6، ص 470، ح 4؛ وسائل الشيعه، ج 3، ص 399، باب 51، ح 4 و5.

3- ثواب الأعمال، ص 208، ح 9؛ عدّه الدّاعى، ص 118.

4- ثواب الأعمال، ص 209، ح 11؛ عدّه الدّاعى، ص 119.

باشد عذاب نمی کنم، مشروط بر اینکه به ولایت علیّ بن ابی طالب اقرار داشته باشد». (1)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نماز (جماعت) کسی که انگشتر عقیق در دست دارد، نسبت به نماز جماعتی که غیر عقیق در دست داشته باشد چهل درجه برتری دارد». (2)

3. از امام صادق روایت شده است که فرمود: «دو رکعت نماز با انگشتر عقیق، بسیار بهتر از نماز بدون آن است». (3)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «انگشتر عقیق در سفر، پیام آور امنیّت است». (4)

5. در حدیث است که کسی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید واز اینکه دزد در بین راه اموالش را برده بود شکایت کرد. حضرت فرمود: «چرا انگشتر عقیق در دست نداشتی که انسان را از بدی نگاه می دارد؟». (5)

6. در روایتی آمده است که حاکمی حکم جلب شخص بیگناهی را صادر کرد. امام صادق علیه السلام فرمود: «انگشتر عقیق به او برسانید» این کار را کردند وگزندی به او نرسید. (6)

7. در حدیث است که مردی را از مقابل چشمان مبارک امام باقر علیه السلام عبور دادند که بسی تازیانه بر بدنش زده بودند. حضرت فرمود: «انگشتر عقیق او کجاست؟ اگر همراهش بود شلّاق نمی خورد». (7)

1- ثواب الأعمال، ص 209، ح 11؛ عدّه الدّاعی، ص 119.

2- مکارم الأخلاق، ص 87؛ مستدرک الوسائل، ج 3، ص 297، باب 34، ح 1. در مستدرک الوسائل به جایچهل، عدد هفتاد ذکر شده ودر هیچ یک از این دو کتاب، سخنی از نماز جماعت نیست.

3- عدّه الدّاعى، ص 119؛ وسائل الشيعه، ج 3، ص 403، باب 53، ح 10.

4- كافى، ج 6، ص 470، ح 5؛ الامان من اخطار الاسفار والازمان، ص 39.

5- كافى، ج 6، ص 471، ح 8؛ مكارم الأخلاق، ص 88.

6- كافى، ج 6، ص 471، ح 7؛ مكارم الأخلاق، ص 89.

7- ثواب الأعمال، ص 207، ح 3؛ وسائل الشيعه، ج 3، ص 402، باب 53، ح 4.

8. سلیمان اعمش می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم کسی را که تازیانه خورده بود از قصر منصور عبّاسی بیرون آوردند. حضرت فرمود: «سلیمان، ببین نگین انگشترش چیست؟» عرض کردم: ای فرزند رسول خدا، نگین آن عقیق نیست. فرمود: «ای سلیمان، اگر عقیق بود تازیانه اش نمی زدند». عرض کردم : شرح بیشتری در مورد عقیق بفرمایید. فرمود: «نگین عقیق از قطع شدن دست انسان جلوگیری می کند». عرض کردم: دیگر چه؟ فرمود: «انگشتر عقیق از خون انسان محافظت می کند». عرض کردم: دیگر چه؟ فرمود: «خداوند دوست دارد دستی را که به سوی او برای دعا بلند می شود انگشتر عقیق در آن باشد». عرض کردم: دیگر چه؟ فرمود: «تعجّب می کنم دستی که انگشتر عقیق در آن باشد، چطور از دینار ودرهم خالی شود».

عرض کردم: دیگر چه؟ فرمود: «انگشتر عقیق انسان را از هر بلایی نگاه می دارد». عرض کردم: دیگر چه؟ فرمود: «انسان را از فقر نگاه می دارد». عرض کردم: اجازه می فرمایید این حدیث را به نقل از جدّت امام حسین علیه السلام از پدرش امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل کنم؟ فرمود: «مانعی ندارد». (1)

9. در روایتی معتبر آمده است که امام رضا علیه السلام فرمود: «انگشتر عقیق، فقر ونداری را برطرف ونفاق ودورویی را زایل می کند». (2)

10. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس قرعه بزند در حالی که انگشتر عقیق در دست دارد، شانس بیشتری خواهد داشت». (3)

11. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «انگشتر عقیق در دست کنید که میمون ومبارک است وامید می رود که دارنده آن، عاقبت به خیر شود». (4)

1- مکارم الأخلاق، ص 88؛ وسائل الشيعه، ج 3، ص 403، باب 53، ح 12.

2- كافى، ج 6، ص 470، ح 1؛ وسائل الشيعه، ج 3، ص 399، باب 51، ح 1.

3- كافى، ج 6، ص 470، ح 2؛ ثواب الأعمال، ص 208، ح 10.

4- كافى، ج 6، ص 470، ح 3؛ وسائل الشيعه، ج 3، ص 399، باب 51، ح 3.

12. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس انگشتر عقیق به دست کند، پریشان خاطر نگردد وبی شک عاقبت به خیر می شود». (1)

13. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس انگشتر عقیق در دست داشته باشد، حاجتش برآورده می شود». (2)

14. در حدیثی دیگر فرمود: «انگشتر عقیق به دست کنید، زیرا تا زمانی که در دست است اندوهی به صاحبش نمی رسد». (3)

15. در حدیث است که حضرت امیرمؤمنان علیه السلام چهار انگشتر در دست می کردند: انگشتر یاقوت برای شرافت وزینتش، فیروزه برای نصرت ویاری اش، حدید چینی برای قوّتش، عقیق برای حرز ودفع دشمنان وبلاها. (4)

فضیلت یاقوت وزبرجد وزمرّد

انگشتر یاقوت ورفع فقر وپریشانی

1. در روایتی معتبر می خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «انگشتر یاقوت پریشانی را زایل می کند». (5)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انگشتر یاقوت در دست داشتن سنّت است». (6)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس یاقوت زرد در دست کند فقیر نشود». (7)

1- کافی، ج 6، ص 471، ح 6؛ ثواب الأعمال، ص 207، ح 1.
2- کافی، ج 6، ص 470، ح 4؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 399، باب 51، ح 4 و5.

3- عيون اخبار الرّضا، ج 2، ص 47، ح 180؛ وسائل الشيعه، ج 3، ص 400، باب 51، ح 7.

4- علل الشرايع، ج 1، ص 157، باب 126، ح 1؛ مكارم الأخلاق، ص 86.

5- كافى، ج 6، ص 471، ح 4؛ ثواب الأعمال، ص 210، ح 1.

6- كافى، ج 6، ص 471، ح 5؛ وسائل الشيعه، ج 3، ص 404، باب 54، ح 2.

7- مكارم الأخلاق، ص 89؛ وسائل الشيعه، ج 3، ص 404، باب 54، ح 1 و3 و4. البتّه در روايات وسائلالشيعه، كلمه «زرد» وجود ندارد.

انگشتر زمرّد وراحتی وتوانگری

1. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انگشتر زمرّد به دست کردن چنان سهولت وآسانی به دنبال خواهد داشت که هیچ سختی در آن نباشد». (1)

2. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انگشتر زمرّد در دست داشتن، فقر را به توانگری مبدّل می سازد». (2)

انگشتر زبرجد در دست کردن

در حدیثی می خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «در دست کردن انگشتر زبرجد، چنان سهولت وآسانی به دنبال دارد که هیچ سختی در آن نباشد». (3)

فضیلت فیروزه وجزع

اشاره

فضیلت فیروزه وجزع(4) یمانی

خواصّ انگشتر فیروزه

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که انگشتر فیروزه در دست کند، فقیر نمی شود». (5)

2. در حدیث است که حسن بن علی بن مهران می گوید: خدمت امام هفتم علیه السلام رسیدم، آن حضرت انگشتری در دست داشت که نگینش فیروزه ونقش آن «اللهُ الْمَلِکُ» بود. به انگشترش خیره شدم. امام فرمود:

«به چه نگاه می کنی؟» عرض کردم: امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز انگشتر فیروزه ای داشته که نقش آن «اللهُ الْمَلِکُ»

1- کافی، ج 6، ص 471؛ ثواب الأعمال، ص 210، ح 1.

2- مکارم الأخلاق، ص 89؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 405، باب 55، ح 1.

3- کافی، ج 6، ص 471، ح 3؛ ثواب الأعمال، ص 210، ح 1.

4- «جَزْع» مهره یمانی، سنگی است سیاه وسفید دارای خال های سفید وزرد وسرخ وسیاه، که در معدنعقیق یافت می شود (فرهنگ عمید).

5- کافی، ج 6، ص 472، باب الفیروزج، ح 1؛ ثواب الأعمال ص 209، باب التختم بالفیروزج، ح 1.

بوده، امام فرمود: «آن را می شناسی؟» عرض کردم: نه. فرمود: «این همان انگشتر است که جبرئیل آن را از بهشت برای رسول خدا هدیه آورد وحضرت رسول صلی الله علیه و آله آن را به حضرت علی علیه السلام بخشید». (1)

3. علی بن محمّد صیمری می گوید: با دختر جعفر بن محمود کاتب (2) ازدواج

کردم واو را بسیار دوست می داشتم، لیکن فرزندی از او به دنیا نیامد. خدمت امام هشتم علیه السلام رسیدم ومشکل را گفتم. حضرت تبسّمی کرد وفرمود: «انگشتر فیروزه ای تهیّه وآیه شریفه (رَبِّ لاَ تَذَرْنِی فَرْداً وَأَنْتَ خَیْرُ الْوَارِثِینَ) (3) را بر آن

نقش کن تا مشکل حل شود. به فرمایش حضرت عمل کردم ویک سال نگذشت که از آن زن، پسری نصیبم شد. (4)

4. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال می فرماید: شرم می کنم از دستی که انگشتر فیروزه در آن است وبرای دعا به سوی من بلند می شود، آن را ناامید برگردانم». (5)

خواصّ انگشتر جزع یمانی

1. از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انگشتر جزع یمانی در دست کنید که شیاطین سرکش را دور می سازد». (6)

2. در روایتی از امام رضا علیه السلام نقل شده است که حضرت علی علیه السلام فرمود :

1- مکارم الأخلاق، ص 89؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 405، باب 56، ح 1.

2- جعفر بن محمود الکاتب در دمشق مصاحب وهمنشین متوکّل عبّاسی بود ودر سال 284 ه ق وزیرالمستعین وسپس وزیر المعتزّ بالله شد ودر سال 286 ه ق از دنیا رفت (مختصر تاریخ دمشق، ج 6، ص 95).

3- .ترجمه:«پروردگارا،مراتنهامگذاروفرزندبرومندی به من عطاکن وتوبهترین وارثانی».سوره انبیاء،آیه 89.

4- امالی طوسی، ص 84، ح 30؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 406، باب 56، ح 4.

5- عدّه الدّاعی، ص 117؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 406، باب 56، ح 5.

6- کافی، ج 6، ص 471، باب الجزع الیمانی، ح 1؛ ثواب الأعمال، ص 210، ح 1.

«رسول خدا صلی الله علیه و آله با ما نماز خواند، در حالی که انگشتر یمانی در دست داشت. پس از نماز، انگشترش را به من داد وفرمود: این انگشتر را در دست کن وبا آن نماز بخوان که نماز در جزع یمانی برابر با هفتاد نماز است. واین انگشتر تسبیح واستغفار می کند وثوابش برای صاحبش نوشته می شود». (1)

فضیلت دُرّ نجف وحدید چینی وبلور ودیگر نگین ها

1. در حدیث است که مفضّل بن عمر می گوید: روزی خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم، در حالی که انگشتر فیروزه ای در دست داشتم. حضرت فرمود: «ای مفضّل، فیروزه دورکننده دردها از دیدگان مؤمنان است. دوست دارم هر مؤمن پنج انگشتر در دست داشته باشد :

انگشتر یاقوت که فاخرترین همه است.

انگشتر عقیق که خالص ترین نوع انگشتر برای جلب رضایت خدا واهل بیت است.

انگشتر فیروزه که نور چشم را زیاد وسینه را گشاده وبر قوّت دل می افزاید واگر کسی که در پی انجام دادن کاری است آن را در دست کند به هدف می رسد.

انگشتر حدید چینی که دوست ندارم همیشه آن را در دست کند ولی بد نیست هنگامی که به دیدن کسی می رود که از شرّ او می ترسد آن را در دست کند تا از شرّ او در امان باشد. افزون بر اینکه این نگین، شیاطین را از انسان دور می کند وبرای همین دوست دارم که مؤمن آن را داشته باشد.

درّی که خداوند آن را در نجف اشرف ظاهر می سازد چرا که هر کس آن را در

1- عيون اخبار الرّضا، ج 2، ص 132، ح 18؛ وسائل الشيعه، ج 3، ص 407، باب 57، ح 2.

دست کند در مقابل هر بار که به آن نگاه کند، خداوند ثواب زیارت حج یا عمره در نامه عمل او می نویسد که ثوابش ثواب پیامبران وصالحان باشد. واگر خدا بر شیعیان ما رحم نمی کرد، هر نگین آن به قیمت گرانی خرید وفروش می شد. لیکن آن را ارزان کرده تا ثروتمند وفقیر بتوانند از آن استفاده کنند». (1)

2. ابوطاهر می گوید: این حدیث را برای امام حسن عسکری علیه السلام نقل کردم. حضرت فرمود: «این حدیث جدّم حضرت صادق علیه السلام است». عرض کردم: چرا شما هیچ انگشتری را بر عقیق سرخ ترجیح نمی دهید؟ فرمود: «فضایل فراوانی در مورد آن وارد شده است؛ جدّم (امام محمّد تقی علیه السلام) فرمود: اوّل کسی که انگشتر عقیق در دست کرد حضرت آدم علیه السلام بود. او دید که در عرش نوشته شده است: «اَنَا اللهُ لا اِلهَ اِلّا اَنَا وَحْدی، مُحَمَّدٌ صَفْوَتی مِنْ خَلْقی، اَیَّدْتُهُ بِأَخِیهِ عَلیٍّ وَنَصَرْتُهُ (2) تا آخر نام های پنجگانه آل عبا» پس چون حضرت را از بهشت راندند

وبه زمین آمد وبه آن نام های پنجگانه به خداوند توسّل جست وخداوند به برکت آن نام ها او را بخشود، حضرت انگشتری از نقره ساخت، نگینش را عقیق سرخ قرار داد ونام های پنجگانه مزبور را بر آن حک کرد وآن انگشتر را در دست راست خود نمود واز آن پس، انگشتر عقیق در دست راست کردن سنّتی شد که پرهیزگاران از فرزندانش به آن عمل کردند». (3)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نگین بلور، نگین نیک وخوبی است». (4)

1- تهذیب، ج 6، ص 42، ح 75؛ فرحه الغری، ص 86 و87.

2- ترجمه: «منم آن خدای یگانه ای که جز من خدایی نیست، محمّد برگزیده من از میان مخلوقات است، او رابه وسیله برادرش علی علیه السلام تأیید کرده ویاری اش نمودم».

3- فرحه الغرى، ص 87 - 89.

4- كافى، ج 6، ص 472، باب الجزع اليمانى، ح 2؛ ثواب الأعمال، ص 210 و211.

نقش نگین

اهمیّت نقش نگین انگشتر

1. در روایتی می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «عقل مردان را در سه چیز می توان آزمود: بلندی ریش، نقش انگشتر، کنیه آنها (1) ». (2)

2. در حدیث است که حسین بن خالد از امام رضا علیه السلام پرسید: آیا کسی که نقش نگین انگشترش «لا إلهَ إلّا الله» است جایز است با آن حال خود را تطهیر کند؟ حضرت فرمود: «این کار را برای او خوب نمی دانم». (3)

3. در روایتی معتبر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور دادند مسلمانان شکل حیوانات را بر نگین انگشتر خود حک نکنند. (4)

نقش نگین انگشتر پیامبران

1. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: نقش نگین انگشتر حضرت آدم علیه السلام «لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ» بود که از بهشت همراه خود آورده بود». (5)

2. در حدیث است هنگامی که حضرت نوح سوار بر کشتی شد خداوند به او وحی کرد: «هرگاه از غرق شدن ترسیدی هزار مرتبه «لا اِلهَ اِلّا الله» بگو، سپس دعا کن تا تو ومؤمنین را از غرق شدن نجات دهم». کشتی حرکت کرد، باد تندی وزیدن گرفت، حضرت نوح از غرق شدن ترسید وفرصت پیدا نکرد هزار مرتبه

1- اشاره به اینکه اگر نقش نگین اش پرمعنا باشد وکنیه خوب انتخاب کند وریش او بیش از حد بلند نباشد،دلیل بر عقلانیّت اوست.

2- بحارالأنوار، ج 1، ص 107، ح 2؛ سفینه البحار، ج 7، ص 584.

3- عیون اخبار الرّضا، ج 2، ص 54، ح 206؛ امالی صدوق، ص 457، ح 5.

4- کتاب من لایحضره الفقیه،ج3،ص5؛ وسائل الشیعه، ج4، ص 443، ح5667؛ امالی صدوق، ص426، ح1.

5- عیون اخبار الرّضا، ج 2، ص 54، ح 206؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 411، باب 62، ح 9.

«لا اِلهَ اِلّا الله» بگوید، پس به زبان سریانی گفت: «هَلُو لیا اَلْفاً یا مارا ثَقَنْ» سپس طوفان فرو نشست وکشتی به حرکت خود ادامه داد. آن گاه با خود گفت: «سخنی که خداوند مرا با آن نجات داد سزاوار است همیشه همراه من باشد». ازاین رو، جمله «لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ اَلْفَ مَرَّهٍ یا رَبِّ اَصْلِحْنی» (1) را به زبان عربی بر نگین انگشتر

خویش حک کرد. (2)

3. در حدیث است هنگامی که نمرودیان ابراهیم علیه السلام را در کفّه منجنیق (3) نهاده

تا در آتش افکنند، جبرئیل به خشم آمد. خداوند از جبرئیل پرسید: چه چیز تو را خشمگین ساخته است؟ عرض کرد: پروردگارا، ابراهیم خلیل (دوست) تو است چطور دشمن مشترکمان را بر وی که تنها یکتاپرست است مسلّط فرموده ای؟ خداوند فرمود: ساکت باش، کسی در امور عجله می کند که همچون تو بنده است. من هر زمان اراده کنم او را از کام خطر نجات می دهم. جبرئیل خیالش راحت شد وبه جانب ابراهیم رفت. از او پرسید: آیا در این هنگامه خطر حاجتی داری؟ حضرت فرمود: با تو کاری ندارم واز تو حاجتی نمی طلبم. پس از آن خداوند متعال انگشتری برای آن حضرت فرستاد که جملات زیر بر نگین آن نقش بسته بود: «لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ، لا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ اِلاَّ بِاللهِ، فَوَّضْتُ اَمْری اِلَی اللهِ، اَسْنَدْتُ ظَهْری اِلَی اللهِ، حَسْبِیَ اللهُ» (4) ، سپس به او وحی کرد: «این انگشتر را در

دستت کن تا آتش را بر تو سرد وسالم گردانم». (5)

1- ترجمه: «هزار بار لا اله الا الله و گفتن یارب اصلحنی (پروردگارا کار مرا سامان بخش)».

2- عیون اخبار الرّضا، ج 2، ص 54، ح 206؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 411، باب 69، ح 9.

3- «مَنْجَنیق» آلتی است که در جنگهای قدیم برای پرتاب کردن سنگ یا گلوله های آتش به کار می رفت... درعربی منجلیق نیز می گویند. ودر فارسی منجنیک هم گفته شده است. (فرهنگ عمید)

4- ترجمه: «خدایی جز الله نیست، محمّد رسول اوست، هیچ پناهگاه وقدرتی جز به ذات خداوند نیست،اموراتم را به خدا واگذار کردم، تکیه گاهم خداست واو برای من بس است».

5- همان ؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 411، باب 62، ح 9.

نقش نگین انگشتر حضرت موسی علیه السلام دو جمله برگرفته از تورات بود: «إصْبِرْ تُوجَرْ اُصْدُقْ تَنْجَحْ» (صبر کن تا پاداشت دهند وراستگو باش تا نجات یابی). (1)

5. نقش نگین انگشتر حضرت سلیمان علیه السلام این جمله بود: «سُبْحانَ مَنْ اَلْجَمَ الجِنَّ بِکَلِماتِهِ» (منزّه است خداوندی که جنّ را با کلماتش مسخّر وتحت فرمان گرفت). (2)

6. در حدیث است که نقش نگین انگشتر حضرت مسیح دو جمله برگرفته از انجیل بود: «طُوبی لِعَبْدٍ ذُکِرَ اللهُ مِنْ اَجْلِهِ وَوَیْلٌ لِعَبْدٍ نُسِیَ اللهُ مِنْ اَجْلِهِ» (خوشا به حال بنده ای که منشأ یاد خداست وبدا به حال بنده ای که سبب فراموشی یاد خداست). (3)

7. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین حضرت رسول صلی الله علیه و آله «مُحَمَّدٌ رَسُولُ الله» بود». (4)

8. در حدیث است که عبداللّه بن سنان گوید: حضرت صادق علیه السلام انگشتر رسول خدا صلی الله علیه و آله را به من نشان داد. نگین انگشتر آن حضرت سیاه وجمله «مُحَمَّدٌ رَسُولُ الله» در دو سطر بر آن حک شده بود. (5)

9. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین رسول خدا صلی الله علیه و آله

«لا إلهَ إلّا الله، مُحَمَّدٌ رَسُولُ الله» بود». (6)

نقش نگین انگشتر امامان علیهم السلام

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین حضرت علی علیه السلام «اللهُ المَلِک» بود». (7)

1- عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 54، ح 206؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 411، باب 62، ح 9.

2- عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 54، ح 206؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 411، باب 62، ح 9.

3- عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 54، ح 206؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 411، باب 62، ح 9.

4- کافی، ج 6، ص 473، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 89.

5- کافی، ج 6، ص 474، ح 7؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 394، باب 47، ح 2.

6- عیون اخبار الرّضا، ج 2، ص 54، ح 206؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 409، باب 62، ح 1.

7- کافی، ج 6، ص 473، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 89.

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انگشتر حضرت امیر مؤمنان علیه السلام از نقره ونقش آن «نِعمَ الْقادِرُ اللهُ» بود». (1)

3. در برخی روایات نیز نقش آن «اَلْمُلْکُ لِلّهِ» ذکر شده است. (2)

4. در روایتی دیگر آمده است که حضرت علی علیه السلام انگشتری از حدید چینی صاف داشت که جملات زیر در هفت سطر بر آن نقش بسته بود وآن را هنگام جنگ ها وکارهای سخت به دست می کرد :

اَعْدَدْتُ لِکُلِّ هَوْلٍ «لاإلهَ إلّااللهُ» وَلِکُلِّ کَرْبٍ «لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِالله» وَلِکُلِّ مُصیبَهٍ نازِلَهٍ «حَسْبِیَ اللهُ» وَلِکُلِّ ذَنْبٍ کَبیرَهٍ «اَسْتَغْفِرُ اللهَ» وَلِکُلِّ هَمٍّ وَغَمٍّ قادِحٍ «ماشاءَ اللهُ» وَلِکُلِّ نِعْمَهٍ مُتَجَدِّدَهٍ «الْحَمْدُ للهِ» ما بِعَلِیِّ بْنِ اَبی طالِبٍ مِنْ نِعَمِ اللهِ

فَمِنَ اللهِ». (3)

5. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین امام حسن علیه السلام «العِزّهُ لِلّهِ» بود». (4)

6. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین امام حسن علیه السلام «حَسبِیَ الله» بود». (5)

7. در حدیثی دیگر فرمود: «نقش نگین امام حسین علیه السلام «حَسبِیَ الله» بود». (6)

1- مکارم الأخلاق، ص 90.

2- الامان من اخطار الاسفار والازمان، ص 34؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 412، باب 62، ح 9.

3- ترجمه: «برای هر ترسی ذکر «لاإله إلّاالله» وبرای هر اندوهی ذکر «لا حول ولا قوّه إلّا بالله» وبرای هرمصیبتی که نازل می شود ذکر «حسبی الله» وبرای هر گناه بزرگی ذکر «استغفر الله» وبرای هر اندوه

زیانباریذکر «ما شاء الله» وبرای هر نعمت تازه ای ذکر «الحمد لله» را آماده کرده ام؛ هر نعمتی که به علیّ ابن ابی طالبرسیده از ناحیه خداست». مکارم الأخلاق، ص 91.علّامه مجلسی مطابق آنچه در بحار الأنوار، (ج 43، ص 19) نقل کرده، معتقد است که نقش نگین حضرتفاطمه علیها السلام «أمن المتوکّلون» بوده است.

4- عیون اخبار الرّضا، ج 2، ص 54، ح 206؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 412، باب 62، ح 9.

5- کافی، ج 6، ص 473، ح 2؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 408، باب 60، ح 1.

6- کافی، ج 6، ص 473، ح 2؛ وسائل الشیعه، ج 3، ص 408، باب 60، ح 1.

8. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین امام حسین علیه السلام

«اِنَّ اللهَ بالِغُ اَمْرِهِ» بود». (1)

9. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: نقش نگین امام علیّ بن الحسین علیهما السلام «الْحَمْدُ لِلّهِ الْعَلِی» بود». (2)

10. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین امام زین العابدین، همچون پدر بزرگوارش، «اِنَّ اللهَ بالِغُ اَمْرِه» بود». (3)

11. در حدیثی دیگر فرمود: «نقش نگین امام سجّاد علیه السلام، جمله «خَزِیٌّ وَشَقِیٌّ قاتِلُ حُسَینِ بْنِ عَلیٍّ» بود». (4)

12. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین پدرم «اَلْعِزَّةُ لِلّهِ» بود». (5)

13. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین امام باقر علیه السلام همچون جدّش امام حسین علیه السلام، «اِنَّ اللهَ بالِغُ اَمْرِهِ» بود». (6)

14. در حدیثی دیگر فرمود: «نقش نگین امام باقر علیه السلام جمله «ظَنّی بِاللهِ حَسَنٌ وَبِالنَّبِیِّ الْمُؤْتَمَنْ وَبِالْوَصِیِّ ذِی الْمِنَنَ وَبِالْحُسَیْنِ وَالْحَسَن» بود». (7)

15. در حدیث است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا کراهت دارد که انسان در نگین انگشترش غیر از نام خود وپدرش، چیز دیگری حک کند؟ فرمود :

1- عیون اخبار الرّضا، ج 2، ص 54، ح 206.

2- کافی، ج 6، ص 473، ح 2.

3- عيون اخبار الرّضا، ج 2، ص 54، ح 206.

4- كافى، ج 6، ص 473، ح 6؛ عيون اخبار الرّضا، ج 2، ص 56.

5- كافى، ج 6، ص 473، ح 1.

6- عيون اخبار الرّضا، ج 2، ص 54، ح 206.

7- ترجمه: «گمانم به خداوند وپيامبر امين اش وجانشين پربركت پيامبرش وبه امام حسن وامامحسين :، خوب ونيكوست». عيون اخبار الرّضا، ج 2، ص 27، ح 15، مكارم الأخلاق، ص 92.

نقش نگین انگشتر من، جمله «اللهُ خالِقُ کُلِّ شَیْءٍ» است». (1)

16. در حدیثی معتبر آمده است که نقش نگین امام صادق علیه السلام جمله «اَللّهُمَّ اَنْتَ ثِقَتی فَقِنی شَرَّ خَلْقِکَ» بوده است. (2)

17. در حدیثی صحیح ومعتبر می خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «نقش نگین انگشتر امام جعفر صادق علیه السلام «اَنْتَ ثِقَتی فَاعْصِمْنی مِنَ النّاسِ» بوده است». (3)

18. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین انگشتر امام صادق علیه السلام جمله «اَللّهُ وَلِیّی وَعِصْمَتی مِنْ خَلْقی» بود». (4)

19. اسماعیل بن موسی می گوید: انگشتر امام صادق علیه السلام به طور کامل از نقره بود وبر نگین آن، جمله «یا ثِقَتی قِنی شَرَّ جَمیعِ خَلْقِکَ» نقش بسته بود». (5)

20. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین حضرت کاظم علیه السلام «حَسْبِیَ الله» بودودر زیر آن گُل ودر بالایش هلالی نیز نقش بسته بود». (6)

21. در حدیث است که حسین بن خالد می گوید: امام رضا علیه السلام فرمود: «نقش نگین امام کاظم علیه السلام «حَسبِیَ الله» بود». حسین بن خالد ادامه می دهد: سپس امام رضا علیه السلام دست مبارک را دراز کرد وانگشتر پدرش را که در دست داشت به من نشان داد. (7)

22. در روایتی صحیح ومعتبر می خوانیم که نقش نگین امام رضا علیه السلام، جمله «ما شاءَ اللهُ لا قُوَّةَ إلّا بِالله» بود. (8)

1- کافی، ج 6، ص 473، ح 2.

2- کافی، ج 6، 473، ح 3، دعائم الاسلام، ج 2، ص 163، ح 592.

3- کافی، ج 6، ص 473، ح 4.

4- عیون اخبار الرّضا، ج 2، ص 54، ح 206.

5- مکارم الأخلاق، ص 91.

6- کافی، ج 6، ص 473، ح 4، مکارم الأخلاق، ص 90.

7- عیون اخبار الرّضا، ج 2، ص 54، ح 206.

8- کافی، ج 6، ص 473، ح 5.نقش نگین امام جواد علیه السلام «نعم القادر الله» (سفینه البحار، ج 2، ص 354) ونقش نگین امام هادی علیه السلام «حفظالعهود من اخلاق المعبود» (بحارالأنوار، ج 50، ص 117) ونقش نگین امام حسن عسکری علیه السلام «إنّ اللهشهید» (بحارالأنوار، ج 50، ص 238) بود.گفتنی است که برخی از آن بزرگواران، دو یا چند انگشتر با نقش ها ونگین های متفاوت داشتند.

آثار وخواصّ نقش نگین

1. سیّد بن طاووس به نقل از قاسم بن العلا از صافی، خادم امام هادی علیه السلام چنین نقل می کند: از امام محمّد نقی علیه السلام اجازه گرفتم که به زیارت جدّش امام رضا علیه السلام (در خراسان) بروم. حضرت فرمود: «انگشتری با نگین عقیق زرد که جمله «ما شاءَ اللهُ لا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، اَسْتَغْفِرُ الله» بر آن نقش بسته وبر روی دیگر نگین، نام های محمّد وعلی حک شده باشد همراه داشته باش، زیرا اگر چنین انگشتری با خود ببری از شرّ دزدان وراهزنان در امان خواهی بود وبرای سلامتی ات مؤثّر واز دین تو حفاظت می کند».

صافی خادم می گوید: از خدمت حضرت بیرون شدم وانگشتری که وصف فرمودند تهیّه کردم وبرای خداحافظی نزد آن حضرت رفتم. پس از خداحافظی، مقداری از آن حضرت دور شدم، مرا صدا زد، خدمتشان رسیدم، فرمودند: «لازم است انگشتر فیروزه نیز همراه داشته باشی، زیرا در بین راه طوس ونیشابور، شیری سدّ راه تو وکاروان همراهت می شود. انگشتر فیروزه ات را به شیر نشان بده وبگو مولایم می گوید: از جلوی راه ما دور شو! بر یک روی نگین فیروزه جمله «اللّهُ الْمَلِکُ» وبر روی دیگر آن جمله «اَلْمُلْکُ لِلّهِ الْواحِدِ الْقَهّار» را حک کن، چرا که نقش نگین حضرت علی علیه السلام «اَللهُ الْمَلِک» بود وچون خلافت آن حضرت برگشت، جمله «اَلْمُلْکُ للهِ الْواحِدِ الْقَهّار» را بر نگین انگشترش که از فیروزه بود حک کرد. وچنین نگینی انسان را از حیوانات درنده در امان می دارد وموجب پیروزی در جنگ ها می شود».

صافی خادم می گوید: به سفر رفتم. به خدا سوگند، در همان مکانی که

حضرت فرموده بود شیری بر سر راه ما ظاهر شد. به فرمایش حضرت عمل کردم وشیر بازگشت. هنگامی که از سفر برگشتم آنچه بر من گذشته بود خدمت حضرت گزارش دادم. حضرت فرمود: «مطلبی را نقل نکردی، می خواهی من بگویم؟» عرض کردم: شاید فراموش کرده باشم. حضرت فرمود: «شبی که در طوس نزدیک ضریح مطهّر امام رضا علیه السلام خوابیده بودی، گروهی از جنّیان به زیارت قبر آن حضرت می رفتند. آن نگین را در دست تو دیدند ونقش آن را خواندند، آن را از دست تو درآوردند، نزد بیماری که همراه داشتند بردند وآن را در آبی شسته، آب را به بیمار خود نوشاندند وبیمارشان شفا پیدا کرد. سپس انگشتر را بازگردانده وآن را در دست چپ شما کردند، در حالی که شما آن را در دست راست خود کرده بودید. هنگامی که از خواب برخاستی، از این مطلب تعجّب کردی ولی علّت آن را نفهمیدی وبر بالین خود یاقوتی یافتی وآن را برداشتی که اکنون همراه تو است، آن هدیّه جنّیان است که برای تو آورده اند. آن را به بازار ببر که به هشتاد اشرفی از تو خواهند خرید».

صافی خادم می گوید: آن را به بازار بردم وبه فرمایش حضرت به هشتاد دینار فروختم. (1)

2. سیّد بن طاووس می گوید: در حدیث است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید وعرض کرد: می ترسم دشمنانم خشم حاکم شهرمان را علیه من برافروزند ودر نتیجه جانم به خطر افتد. حضرت فرمود: انگشتری که نگین آن حدید چینی باشد تهیّه کن وبر روی نگین آن سه جمله در سه سطر حک کن: در سطر اوّل «اُعُوذُ بِجَلالِ الله» ودر سطر دوم «اَعُوذُ بِكَلِماتِ الله» ودر سطر سوم «اَعُوذُ بِرَسُولِ الله» ودر زیر نگین نیز سه جمله به ترتیب زیر حک کن: «آمَنْتُ بِاللّهِ وَكُتُبِه»، «اِنّی واثِقٌ بِاللهِ وَرُسُلِه»، «اَشْهَدُ اَنْ لا إلهَ إلّا اللهُ مُخْلِصاً» وآن را هنگامی که حاجتی

1- الامان من اخطار الاسفار والازمان، ص 34 و35.

داری واز دشمن ترسان هستی در دست کن که حاجات تو برآورده وترس تو به آرامش وامنیّت تبدیل می شود. واگر آن انگشتر را در دست زنی که زایمان بر او سخت شده کنید، به خواست خدا به زودی وضع حمل می کند. همچنین اثر چشم زخم را از بین می برد. امّا مراقب باش که نجاست وچربی به نگین آن نرسد وآن را همراه خود به حمّام وحاجتگاه نبر وآن را به خوبی حفظ کن که از اسرار خداست. وشما شیعیان که از دشمنان خود ترسان هستید لازم است هماره این انگشتر را همراه داشته باشید وآن را از دشمنان خود پنهان سازید وآن را جز به کسانی که به آنها اعتماد دارید تعلیم ندهید». راوی می گوید: من تجربه کردم وآثار آن را دیدم. (1)

3. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که شب را به صبح برساند در حالی که انگشتر عقیق در دست راست داشته باشد وپیش از آنکه نگاهش به کسی بیفتد نگین آن را به سمت کف دست بچرخاند ودر حالی که به آن نگاه می کند سوره قدر را تا آخر بخواند، سپس بگوید: «آمَنْتُ بِاللهِ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَکَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطّاغُوتِ وَآمَنْتُ بِسِرِّ آلِ مُحَمّدٍ وَعَلانِیَتِهِمْ وَظاهِرِهِمْ وَباطِنِهِمْ وَاَوَّلِهِمْ وَآخِرِهِمْ» (2) خداوند دو جهان او را از شرّ آنچه در زمین

وآسمان است در آن روز نگه می دارد و تا شب در حمایت پروردگار باشد». (3)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس آیه ای از قرآن بر نگین انگشتر خود حک کند آمرزیده می شود». (4)

1- الامان من اخطار الاسفار والازمان، ص 37 و38.

2- ترجمه: «به خداوند یگانه ای که همتا ندارد ایمان آوردم وبه جبت وطاغوت کافر شدم وبه پنهان و آشکارآل محمّد وظاهر وباطنشان واوّل وآخرشان ایمان آوردم».

3- الامان من اخطار الاسفار والازمان، ص 39؛ عدّه الدّاعى، ص 118.
4- مكارم الأخلاق، ص 91.

5. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که انگشتری از عقیق بسازد وجمله «مُحَمَّدٌ نَبِیُّ اللهِ وَعَلِیٌّ وَلیُّ اللهِ» را بر نگین آن حک کند، خداوند او را از مرگ بد حفظ می کند وجز بر دین حق نمی میرد». (1)

6. در حدیثی دیگر فرمود: «هر که جمله «ما شاءَ اللهُ لا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ اَسْتَغْفِرُ اللهَ» را بر نگین انگشترش حک کند از فقر در امان خواهد بود». (2)

پوشیدن طلا ونقره برای زنان وکودکان

زیور کودکان

1. در روایتی معتبر آمده است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا می توان بر پسران نابالغ زیور وطلا پوشاند؟ حضرت فرمود: «امام زین العابدین علیه السلام زنان وکودکان (دختر) خویش را به زیور طلا ونقره سفارش می کرد». (3)

2. در روایت معتبر دیگری آمده است که امام صادق در پاسخ به این پرسش فرمود: «پدرم امام باقر علیه السلام به زنان وفرزندان (دختر) خویش اجازه می داد از زیور طلا ونقره استفاده کنند». (4)

زیور زنان

1. نیز در روایتی معتبر آمده است که از آن حضرت پرسیدند: آیا زنان می توانند زیورآلات طلا ونقره بپوشند؟ حضرت فرمود: «اشکال ندارد». (5)

1- ثواب الأعمال، ص 208، ح 8.

2- ثواب الأعمال، ص 214، ح 1.

3- کافی، ج 6، ص 475، ح 1.

4- کافی، ج 6، ص 475، ح 2؛ دعائم الاسلام، ج 2، ص 163، ح 584.

5- کافی، ج 6، ص 475، ح 3.

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زنان همواره زیور (طلا) می پوشیده اند». (1)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سزاوار نیست زن بدون زینت باشد، هر چند به گردنبندی (ساده) که بر گردن بیاویزد. وشایسته نیست دستش بدون رنگ باشد». (2)

آراستن دیگر چیزها با طلا

1. در روایتی معتبر آمده است که امام رضا علیه السلام فرمود: «زینت کردن قرآن ها وشمشیرها به طلا ونقره، اشکال ندارد». (3)

2. نیز در روایتی معتبر آمده است: «جایز است دندان ها را با طلا به یکدیگر ببندند». (4)

3. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام در وصف شمشیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «سر غلاف شمشیر آن حضرت ودسته اش از نقره بود. وبر روی غلاف، حلقه هایی از نقره وجود داشت. وزره آن حضرت سه حلقه نقره از جلو ودو حلقه در قسمت پشت سر داشت». (5)

4. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ذوالفقار را که جبرئیل از آسمان برای رسول خدا آورد، با نقره تزیین شده بود». (6)

5. در حدیثی معتبر می خوانیم که آن حضرت فرمود: «زینت کردن شمشیر با

1- کافی، ج 6، ص 475، ح 8.

2- مکارم الأخلاق، ص 94.

3- کافی، ج 6، ص 475، ح 7.

4- مكارم الأخلاق، ص 95.

5- كافى، ج 6، ص 475، ح 4.

6- كافى، ج 1، ص 234، ح 5؛ عيون اخبار الرّضا، ج 2، ص 50، ح 195.

طلا ونقره، اشکال ندارد». (1)

6. در روایتی دیگر فرمود: «زیور شمشیر حضرت رسول صلی الله علیه و آله از نقره بود، هم دسته اش وهم سر دسته اش». (2)

7. در حدیثی معتبر آمده است که فضیل بن یسار از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا در خانه می توان کرسی ای که با طلا زینت شده، نگه داشت؟ حضرت فرمود: «اگر از طلا باشد جایز نیست، امّا چنانچه آب طلا داده باشند اشکال ندارد». (3)

(یادآوری :) سزاوار است مردان مطلقآ از طلا برای زینت استفاده نکنند؛ هر چند در شمشیر وقرآن باشد (وآنچه در بالا آمد مسأله جواز بود، نه استحباب).

آداب سرمه کشیدن

اهمیّت سرمه کشیدن

1. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به خدا وروز قیامت ایمان دارد، باید سرمه بکشد». (4)

2. در حدیثی معتبر آمده است که حسن بن جهم می گوید: امام رضا علیه السلام میل وسرمه دانی به من داد وفرمود: این (یادگاری) از امام کاظم علیه السلام است، با آن سرمه بکش». (5)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سرمه کشیدن در شب برای چشم سودمند ودر روز زینت است». (6)

1- کافی، ج 6، ص 475، ح 5.

2- کافی، ج 6، ص 475، ح 6.

3- کافی، ج 6، ص 476، ح 10.

4- ثواب الأعمال، ص 40، ح 3؛ مکارم الأخلاق، ص 46.

5- کافی، ج 6، ص 494، ح 2.

6- کافی، ج 6، ص 494، ح 3.

4. و در حدیثی دیگر فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله سرمه سنگ به چشم می کشید ودر وقت خواب به پشت می خوابید». (1)

5. در روایتی معتبر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش از خواب، سرمه می کشید؛ چهار میل بر چشم راست وسه میل بر چشم چپ. (2)

6. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که سرمه می کشد تعداد سرمه کشیدن را فرد قرار دهد؛ هر چند این کار واجب نیست». (3)

دعای هنگام سرمه کشیدن

1. در کتاب فقه الرّضا آمده است که هرگاه بخواهی سرمه بکشی میل را به دست راست بگیر ودر سرمه دان بزن وبسم الله بگو وهنگامی که میل را بر چشم می کشی بگو: اَللّٰهُمَّ نَوِّرْ بَصَری وَاجْعَلْ فِیهِ نُوراً اَبْصُرُ بِهِ حَقَّکَ وَاهْدِنی اِلی طَریقِ الْحَقِّ وَاَرْشِدْنی اِلی سَبیلِ الرَّشادِ. اَللّٰهُمَّ نَوِّرْ عَلَیَّ دُنْیایَ وَآخِرَتی. (4)

2. در کتاب مکارم الأخلاق خواندن این دعا به هنگام سرمه کشیدن روایت شده است: اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْاَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فی بَصَری وَالْبَصیرَةَ فی دینی وَالْیَقینَ فی قَلْبی وَالْاِخْلاصَ فی عَمَلی وَالسَّلامَةَ فی نَفْسی وَالسَّعَةَ فی رِزْقی وَالشُّکْرَ لَکَ اَبَداً ما اَبْقَیْتَنِی. (5)

1- کافی، ج 6، ص 493، ح 1.

2- کافی، ج 6، ص 495، ح 12.

3- کافی، ج 6، ص 494، ح 9.

4- ترجمه: «بار خدایا، دیده ام را روشن گردان ودر آن نوری قرار ده که به حقّ تو بینا باشم ومرا به راه حقرهنمون ساز وبه راه راست ارشاد کن. بار

خدایا، دنیا وآخرتم را بر من روشن فرما». فقه الرّضا، ص 397.

5- ترجمه: «بار خدایا، به حقّ محمّد وآل محمّد از تو می خواهم که در دیده ام روشنایی ودر دین ام بینایی ودردلم یقین ودر کارم اخلاص ودر بدنم سلامتی وبه روزی ام وسعت بخشی وتا وقتی زنده ام توفیق سپاسگزاری عنایت فرمایی». مکارم الأخلاق، ص 47.

آثار وفواید سرمه کشیدن

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «چهار چیز سیمای انسان را نورانی می کند: نگاه کردن به چهره انسان های خوش چهره، نگاه کردن به آب جاری، نگاه کردن به سبزه زار وسرمه کشیدن به هنگام خواب». (1)

2. در روایتی دیگر فرمود: «سرمه کشیدن به هنگام خواب، از آب آوردن چشم جلوگیری می کند». (2)

3. ودر گفته ای دیگر فرمود: «هر که هر شب از سرمه سنگ بدون مُشک استفاده کند، هرگز چشمش آب سیاه نمی آورد». (3)

در روایتی معتبر آمده است که سرمه کشیدن دهان را شیرین می کند. (4)

4. در روایتی معتبر آمده است که امام محمّد باقر علیه السلام فرمود: «استفاده از سرمه سنگ، دهان را خوشبو ومژگان را محکم می کند». (5)

5. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سرمه کشیدن، موی

مژگان را می رویاند وبینایی را قوی می کند وبر طولانی شدن سجده کمک می نماید». (6)

6. در حدیثی دیگر فرمود: «سرمه سنگ چشم را جلا می دهد وموی مژه را می رویاند وآب ریختن چشم را شفا می دهد». (7)

1- خصال، ج 1، ص 221، ح 73؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 94، ح 2.

2- ثواب الأعمال، ص 40، ح 3، مکارم الأخلاق، ص 46.

3- کافی، ج 6، ص 494، ح 9.

4- کافی، ج 6، ص 494، ح 5؛ مکارم الأخلاق، ص 46.

5- کافی، ج 6، ص 494، ح 4.

6- کافی، ج 6، ص 494، ح 6.

7- کافی، ج 6، ص 494، ح 7.

آداب نگاه کردن در آیینه

اهمیّت وفواید نگاه کردن در آیینه

1. در حدیثی معتبر آمده که امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است : «خداوند عالمیان بهشت را واجب می کند بر جوانی که بسی در آیینه نگاه کند وحمد (وشکر) خدا بسیار گوید. و(نیز) بر کسی که خداوند او را به صورت نیکو آفرید واو را معیوب نگردانید». (1)

2. در برخی روایات آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله خود را در آیینه نگاه می کرد وبر موی سر وصورتش شانه می زد. وخویش را برای هنگام روبه رو شدن با اصحاب یا همسرانش می آراست ومی فرمود: «خداوند دوست می دارد بنده اش هنگام ملاقات با برادران مؤمن، خود را بیاراید». (2)

دعاهای هنگام نگاه کردن در آیینه

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه در آیینه نگاه کنی بگو: اَلْحَمْدُ للهِ الَّذی خَلَقَنی فَاَحْسَنَ خَلْقی وَصَوَّرَنی فَاَحْسَنَ صُورَتی وَزانَ مِنّی ما شانَ مِنْ غَیْری وَاَکْرَمَنی بِالْاِسْلامِ». (3)

2. در کتاب فقه الرّضا آمده است که: «هرگاه بخواهی در آیینه نگاه کنی، آیینه را به دست چپ بگیر وبسم الله بگو وهنگامی که در آن نگاه کردی دست راست را بر پیش سر بگذار وبر صورت بکش ومحاسن خود را به دست راست بگیر ودر آیینه نگاه کن وبگو: اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذی خَلَقَنی بَشَراً سَوِیّاً وَزَیَّنَنی وَلَمْ یَشِنّی

1- ثواب الأعمال، ص 44، ح 1.

2- مکارم الأخلاق، ص 34.

3- ترجمه: «سپاس مخصوص خداوندی است که مرا آفرید وچهره ای زیبا وخلقتی نیکو به من بخشید وآنچهرا که در دیگران زشت است در من نیکو گردانید ومرا به نعمت اسلام گرامی داشت». مکارم الأخلاق، ص 69به نقل از امام صادق علیه السلام.

وَفَضَّلَنی عَلی کَثیرٍ مِنْ خَلْقِهِ وَمَنَّ عَلَیَّ بِالْاِسْلامِ وَرَضِیَهُ لی دیناً (1) ، سپس آیینه را

بر زمین بگذار وبگو: اَللّٰهُمَّ لا تُغَیِّرْ ما بِنا مِنْ نِعَمِکَ وَاجْعَلْنا لِاَنْعُمِکَ مِنَ الشّاکِرینَ وَلِالائِکَ مِنَ الذّاکِرینَ». (2)

3. در حدیث دیگری آمده است: «آیینه را به دست چپ بگیر وهنگامی که چهره ات را در آن دیدی بگو: اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذی اَحْسَنَ وَاَکْمَلَ خَلْقی وَحَسَّنَ خُلْقی وَخَلَقَنی خَلْقاً سَوِیّاً وَلَمْ یَجْعَلْنی جَبّاراً شَقِیّاً. اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذی زَیَّنَ مِنّی ما شانَ مِنْ غَیْری اَللّٰهُمَّ کَما اَحْسَنْتَ خَلْقی فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَسِّنْ خُلْقی وَتَمِّمْ نِعْمَتَکَ عَلَیَّ وَزَیِّنّی فی عُیُونِ خَلْقِکَ وَجَمِّلْنی فی عُیُونِ بَرِیَّتِکَ وَارْزُقْنِی الْقَبُولَ وَالْمَهابَهَ وَالرَّأْفَهَ وَالرَّحْمَهَ، یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ». (3)

4. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «یا علی، هرگاه در آیینه نظر کنی بگو: اللّٰهُمَّ کَما حَسَّنْتَ خَلْقی فَحَسِّنْ خُلْقی وَرِزْقی». (4)

1- ترجمه: «سپاس مخصوص خداوندی است که مرا بشری سالم وکامل آفرید ومرا آراسته ساخت وخوارنگردانید وبر بسیاری از مخلوقاتش برتری داد وبه (گرویدنم به) اسلام بر من منّت نهاد وخشنود شد کهاسلام دین من باشد».

2- ترجمه: «بار خدایا، نعمت هایی را که بر ما ارزانی داشتی تغییر نده وما را نسبت به نعمت هایت از شکرگزارانویادکنندگان قرار ده». فقه الرّضا، ص 395؛ مکارم الأخلاق، ص 69.

3- ترجمه: «سپاس ویژه خداوندی است که مرا نیکو وکامل آفرید واخلاق مرا خوب ونیکو گرداند ومرامخلوقی سالم وکامل آفرید وستمکار وبدبخت قرارم نداد وعیوبی که در بعضی مردم است در من قرار نداد.بار خدایا، همچنان که آفرینش مرا نیکو گردانیدی بر محمّد وخاندان محمّد صلی الله

علیه و آله درود بفرست واخلاق مرانیز نیکو گردان ونعمتت را بر من تمام کن ومرا در چشم مردم نیکو (وبا آبرو) گردان ودر دیدگاه دیگران مرازیبا قرار ده وپذیرش وهیبت ومهربانی ورحمت را روزی ام گردان، ای مهربان ترین مهربانان».الامان من اخطار الاسفار والازمان، ص 24.

4- ترجمه: «بار خدایا، همان گونه که آفرینش مرا نیکو قرار دادی، اخلاق وروزی ام را نیکو گردان».مکارم الأخلاق، ص 69.

رنگ کردن موها

اشاره

(مقدّمه:) رنگ کردن موی سر وصورت برای مردان وموی سر برای زنان، مستحبّ مؤکّد است. (به روایات زیر توجّه کنید:)

اهمیّت رنگ کردن با حنا

1. در احادیثی معتبر آمده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «چهار چیز از سنّت های پیامبران است: بوی خوش، آمیزش با همسر، مسواک زدن، رنگ کردن با حنا». (1)

2.درروایتی معتبرمی خوانیم که ازامام صادق علیه السلامپرسیدند:آیارنگ کردن موی سروصورت مستحبّ است؟حضرت فرمود:«آری،(ولی)حضرت امیرمؤمنان علیه السلام خضاب نمی کرد، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: یا علی، محاسن تو از خون سر تو خضاب خواهد شد. پس حضرت علی در انتظار آن خضاب بود». (2)

3. در حدیث است که حضرت امام حسین علیه السلام وحضرت امام باقر علیه السلام خضاب می کردند. (3)

4. در حدیث است که حضرت علی علیه السلام در مورد علّت ترک خضاب کردن چنین فرمود: «به خاطر اندوه از دست دادن پیامبر صلی الله علیه و آله خضاب نمی کنم». (4)

5. ابوالصباح می گوید: اثر حنا را در دست امام محمّد باقر علیه السلام دیدم. (5)

6. در روایات بسیاری آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله موهای خود را

رنگ می کرد. (6)

1- خصال، ج 1، ص 224، ح 84؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 127، ح 9.

2- کافی، ج 6، ص 481، ح 5.

3- کافی، ج 6، ص 481، ح 7-9.

4- نهج البلاغه، کوتاه سخنِ 473.

5- مکارم الأخلاق، ص 80.

6- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 69، ح 277؛ علل الشرایع، ج 1، ص 173، باب 138، ح 1.

فواید و آثار رنگ کردن

1. در حدیثی می خوانیم: «خضاب کردن چهارده اثر دارد: باد را از گوش ها بیرون می کند، غبار از چشم برطرف ساخته وآن را جلا می دهد، بینی را نرم می کند، دهان را خوشبو می سازد، ریشه دندان ها را محکم می کند، بوی بد زیر بغل را از بین می برد، از وسوسه شیطان می کاهد، ملائکه با آن شاد می شوند، سبب شادی مؤمنان وخشم کافران می شود، هم زینت محسوب می شود وهم بوی خوش است، موجب خلاصی از عذاب قبر می شود، نکیر ومنکر از آن

شرم می کنند». (1)

2. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «برای مداوای تَرَک هایی که گاه در دست وپا پیدا می شود، در حمّام بر آنها خلوق بمالید؛ امّا دوست ندارم که همیشه این کار انجام شود». (2)

«خلوق»، گیاهی است خوشبو که آن را با زعفران می آمیزند ورنگ آن بر بدن باقی می مانَد.

فلسفه رنگ کردن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «موی سفید خود را رنگ کنید وشبیه دشمنان نشوید». (3)

2. در روایتی معتبر آمده است که جمعی خدمت امام حسین علیه السلام رسیدند دیدند حضرت موهایش را رنگ مشکی کرده است. از علّت آن پرسیدند. حضرت دست بر محاسن خویش نهاد وفرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در یکی از

1- خصال، ج 2، ص 270، ح 1؛ مكارم الأخلاق، ص 78.

2- كافى، ج 6، ص 517، ح 2.

3- خصال، ج 2، ص 271، ادامه ح 1؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 98، ح 3.

جنگ ها به مسلمان ها دستور داد که موهایشان را رنگ مشکی کنند، تا سبب غلبه آنها بر دشمنان شود». (1)

3. در حدیث است که حسن بن جهم می گوید: خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم، حضرت محاسن (ریش) خود را رنگ مشکی کرده بود. حضرت فرمود : «خضاب کردن پاداشی عظیم دارد. وآراستگی موجب بیشتر شدن عفّت زنان می شود. وعلّت اینکه جمعی از زنان به بی عفّتی گرایش پیدا کرده اند این است که شوهرانشان خود را برای همسرانشان نمی آراستند».

حسن بن جهم می گوید عرض کردم: شنیده ام که حنا بر موی های سفید می افزاید. حضرت فرمود: «موی سفید خود (به طور طبیعی) زیاد می شود، هر چند حنا نکنید». (2)

4. در حدیث است که کسی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسید حضرت نگاهی به چهره اش کرد، موی سفیدی در محاسن او دید. فرمود: «هر که در اسلام یک موی سفید در ریش او پیدا شود، بسان نوری در روز قیامت برای وی باشد». آن شخص پس از مدّتی در حالی که موی صورت خود را خضاب کرده بود خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید. حضرت فرمود: «هم نور است وهم اسلام». آن شخص از خدمت حضرت مرخّص شد ومحاسن خود را به رنگ دیگری خضاب کرد وبازگشت. حضرت فرمود: «نور است واسلام وایمان واین کار، شما را نزد زنانتان محبوب می کند وترس را در دل دشمنانتان می افکند». (3)

1- کافی، ج 6، ص 481، ح 4.از آنجا که در آن زمان تعداد مسلمانان کم بود، دستور داده شد موهایشان را رنگ کنند تا جوان به نظر برسندودر برابر دشمن، باشکوه جلوه کنند.

2- كافى، ج 6، ص 480، ح 1؛ كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 69، ح 276.

3- كافى، ج 6، ص 480، ح 4؛ مكارم الأخلاق، ص 79.

چگونگی وآثار رنگ کردن

(مقدّمه:) در روایات اسلامی اقسام خضاب کردن وآثار آن بیان شده وبر رنگ های نیلی، قرمز، مشکی وخصوص حنا بیشتر تأکید شده است، وبه برخی از آثار خضاب در ضمن روایاتی که خواهد آمد اشاره شده است.

1. در حدیثی معتبر وصحیح از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «رنگ کردن به وَسمَه (1) برای سالخوردگان اشکال ندارد». (2)

2. در چند روایت معتبر آمده است که به هنگام شهادت امام حسین علیه السلام، آثار خضاب به وسمه در محاسن آن حضرت آشکار بود. (3)

3. در روایتی معتبر وصحیح آمده است که امام باقر علیه السلام با حنا خضاب می کرد؛ خضاب به رنگ سرخ. (4)

4. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خضاب به حنا بوهای بد را

از بین می بَرد وبر آبرو می افزاید ودهان را خوشبو می سازد وفرزند را نیکو می کند». (5)

5. از امام موسی کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر زنی که حیض نمی شود، سرش را به حنا خضاب کند که حیضش برخواهد گشت». (6)

6. در حدیث آمده است که امام حسین علیه السلام وامام باقر علیه السلام با ترکیبی از حنا ووسمه خضاب می کردند. (7)

1- «وَسْمَه»، برگ نیل یا رنگی شبیه نیل است که زنان در آب خیسانده وبه ابروانشان می کشند. فرهنگ عمید

2- کافی، ج 6، ص 482، ح 2.

3- کافی، ج 6، ص 483، ح 5 و6.

4- کافی، ج 6، ص 481، ح 10.

5- کافی، ج 6، ص 484، ح 5؛ مكارم الأخلاق، ص 78.

6- کافی، ج 6، ص 484، ح 6.

7- کافی، ج 6، ص 481، ح 9.

7. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «بهترین رنگ ها نزد خداوند، مشکی است». (1)

8. امام صادق علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است که آن حضرت به زنان اجازه داد موهای سرشان را با رنگ مشکی رنگ کنند. (2)

شایان ذکر است که میان علما مشهور این است که رنگ کردن در حال عادت ماهیانه (3) وجنابت (4) کراهت دارد، همان گونه که در حال خضاب کردن، جنب

شدن مکروه است. (5) البتّه از برخی روایات معتبر استفاده می شود هرگاه حنا اثر

خود را گذاشت، کراهت جنابت برطرف می گردد. (6)

1- ثواب الأعمال، ص 37، ح 2.

2- مکارم الأخلاق، ص 82.

3- مهذّب الاحکام فی بیان الحلال والحرام، ج 3، ص 262.

4- جواهر الکلام، ج 3، ص 77.

5- جواهر الکلام، ج 3، ص 78.

6- وسائل الشیعه، ج 1، ابواب الجنابه، باب 22، ح 4.

فصل سوم: آداب خوردن وآشامیدن

اشاره

1. ظرف خوردن وآشامیدن
2. غذاهای مجاز و افراط در غذا
3. پاره ای از آداب واوقات غذا خوردن
4. سایر آداب غذا خوردن
5. دعای سفره و آثار آن
6. آداب پس از غذا خوردن
7. در فضیلت برخی غذاها
8. سبزی ها ومیوه ها ودیگر خوراکی ها
9. فضیلت ضیافت مؤمنین و آداب آن
10. فضیلت خلال کردن وآداب آن
11. فضیلت نوشیدن آب وانواع آن
12. آداب خوردن آب

ظرف خوردن وآشامیدن

(مقدّمه:) خوردن وآشامیدن در ظرف طلا ونقره حرام است. ودر مورد استفاده از چنین ظروفی در غیر خوردن وآشامیدن اختلاف نظر وجود دارد واحتیاط آن است که برای تزیین نیز نگهداری نشود. وضو گرفتن از ظروف طلا ونقره حرام است. وخوردن وآشامیدن از ظروف نقره کوب وطلاکوب کراهت دارد. استفاده از ظرفی که از پوست حیوان حلال گوشت که به روش شرعی ذبح شده، اشکال ندارد، امّا اگر از پوست حیوان مرده باشد جایز نیست. (به روایاتی در این باره توجّه کنید:)

1. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر که در دنیا از ظرف طلا ونقره آب بنوشد، در بهشت از این ظروف محروم خواهد شد». (1)

2. در روایتی معتبر آمده است که محمّد بن اسماعیل بن بزیع از امام رضا علیه السلام درباره استفاده از ظروف طلا ونقره پرسید. حضرت فرمود: «کراهت دارد». راوی عرض کرد: شنیده ایم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام آیینه ای داشت که پوشش آن از نقره بود. امام فرمود: «خدا را سپاس، نه چنین نیست. آن آیینه اکنون نزد من است وتنها حلقه ای از نقره بر آن است». سپس اضافه فرمود: «هنگامی که عبّاس را ختنه کردند برایش عصایی ساختند که پوشش آن از نقره بود، از قبیل چیزهایی

1- خصال، ج 2، ص 93، ح 2؛ بحارالأنوار، ج 66، ص 527، ح 4.

که برای کودکان می سازند که نقره آن در حدود ده درهم بود. چون پدرم آن را دید دستور داد آن را شکستند». (1)

3. عمرو بن ابی المقدام می گوید: ظرفی آب خدمت امام صادق آوردند که نقره ای بر آن چسبانده بودند. آن حضرت تکّه نقره را از ظرف جدا کرد، سپس آب نوشید. (2)

4. در حدیثی معتبر آمده است که امام کاظم علیه السلام فرمود: «ظروف طلا ونقره کالای کسانی است که به جهان آخرت یقین ندارند». (3)

5. در حدیثی موثّق از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «آب خوردن از ظرفی که نقره کوب باشد یا قسمتی از آن نقره باشد کراهت دارد. روغن مالیدن از چنین روغن دانی وشانه کردن با چنین شانه ای نیز مکروه است». (4)

غذاهای مجاز وافراط در غذا

اشاره

(مقدّمه:) از احادیث وروایات معصومین علیهم السلام استفاده می شود که خوردن غذاهای لذیذ وخوراندن آن به مردم وبه زحمت افتادن در پاکیزگی وخوبی غذا شایسته است. وسزاوار نیست انسان غذاهای لذیذ را بر خود حرام کند. البتّه بی شک، غذا باید حلال باشد وآن قدر نخورد که او را از عبادت وپرستش پروردگار بازدارد ونباید همانند حیوانات، پیوسته برای خوردن وآشامیدن بکوشد، بلکه باید هدفش از خوردن وآشامیدن، آمادگی برای اطاعت خداوند باشد وبه گونه ای خرج کند که نسبت به شأن وجایگاه وی اسراف محسوب نشود که خداوند اسرافکاران را دوست نمی دارد. (به روایات زیر توجّه کنید:)

1- محاسن، ص 582، ح 67؛ كافى، ج 6، ص 267، ح 2.

2- محاسن، ص 582، ح 64؛ كافى، ج 6، ص 267، ح 6.

3- محاسن، ص 582، ح 62؛ كافى، ج 6، ص 268، ح 7.

4- محاسن، ص 582، ح 66؛ كافى، ج 6، ص 267، ح 5.

شریک کردن دیگران در غذای خود

1. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام بسی نان وغذای لذیذ

به مردم می داد تا بخورند ومی فرمود: «هرگاه خداوند بر ما توسعه دهد وامکانات ما را وسیع گرداند، ما نیز بر مردم توسعه می دهیم. وچون خداوند بر ما تنگ

گیرد وامکانات محدود شود، ما نیز (به ناچار) دایره کمک به مردم را

محدود می کنیم». (1)

2. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «غذا را طبخ کن ویارانت را دعوت نما وبا آنها بخور». (2)

از غذای حلال نمی پرسند

1. نیز در روایتی معتبر آمده است که آن حضرت فرمود: «سه چیز است که خداوند متعال در قیامت مؤمن را در مورد آن بازخواست نمی کند: غذایی که می خورد، لباسی که می پوشد، همسر شایسته ای که یاور اوست واو را از آلودگی ها بازمی دارد». (3)

2. در حدیث است که ابوخالد کابلی می گوید: خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم. حضرت دستور داد صبحانه آوردند. با حضرت غذایی خوردم که پاکیزه تر وبهتر از آن نخورده بودم. حضرت فرمود: «نظر تو در مورد غذای ما چیست؟» عرض کردم جانم به فدایت، هرگز غذایی به این خوبی نخورده بودم لیکن به یاد این آیه شریفه افتادم که می فرماید: (ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ): «سپس در آن روز (همه شما) از نعمت هایی که داشته اید بازپرسی خواهید شد». (4) حضرت فرمود :

1- محاسن، ص 400، ح 84؛ کافی، ج 6، ص 279، ح 1.

2- محاسن، ص 410، ح 137؛ کافی، ج 6، ص 280، ح 6.

3- محاسن، ص 399، ح 80؛ کافی، ج 6، ص 280، ح 2.

4- سوره تکاثر، آیه 8.

«منظور از نعیم در آیه شریفه، ولایت اهل بیت علیهم السلام است که در روز قیامت از شما می پرسند». (1)

3. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند متعال کریم تر از آن است که از مؤمن در مورد خوردنی ها ونوشیدنی هایی که در دنیا بر او حلال کرده سؤال کند». (2)

غذا خوردن در حال سیری

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «غذا خوردن در حال سیری، عامل بیماری پیسی (برص) است». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند صاحب سه چیز را دشمن می دارد: خواب (بسیار) بدون شب زنده داری، خندیدن در غیر محل تعجّب، خوردن به هنگام سیری». (4)

3. در حدیث است که ابوجحیفه خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسید در حالی که از سیری، آروغ می زد. حضرت فرمود: «از آروغ زدن بپرهیز (کمتر بخور تا آروغ نزنی)، زیرا هر که در دنیا سیرتر است در قیامت گرسنه تر است». پس از این فرمایش رسول خدا، ابوجحیفه سیر غذا نخورد تا از دنیا رفت. (5)

4. در روایتی آمده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند هیچ چیز را همچون شکم پر از غذا، دشمن نمی دارد». (6)

1- محاسن، ص 399، ح 82؛ کافی، ج 6، ص 280، ح 5.

2- محاسن، ص 399، ح 81؛ کافی، ج 6، ص 280، ح 3.

3- خصال، ج 1، ص 245، ح 8؛ بحارالأنوار، ج 66، ص 334، ح 16.

4- خصال، ج 1، ص 114، ح 21؛ بحارالأنوار، ج 66، ص 332، ح 9.

5- عيون اخبار الرّضا، ج 2، ص 38، ح 113.
6- عيون اخبار الرّضا، ج 2، ص 36، ح 89.

5. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه شکم سیر شود، موجب طغیان وفساد می گردد». (1)

6. در حدیثی دیگر فرمود: «ریشه هر درد وبیماری پرخوری است، جز تب که ناگهانی ظاهر می شود». (2)

7. در روایتی آمده است که حضرت عیسی علیه السلام فرمود: «ای بنی اسرائیل، تا گرسنه نشوید چیزی نخورید وچون گرسنه شدید سیر نخورید، زیرا هرگاه سیر بخورید فربه می شوید وپروردگارتان را به دست فراموشی می سپارید». (3)

8. در حدیث است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله پنج کار را موجب بیماری برص وپیسی برشمرده است: «نوره کشیدن در روزهای جمعه وچهارشنبه، وضو گرفتن وغسل کردن با آبی که در آفتاب گرم شده باشد، خوردن در حال جنابت، آمیزش با زوجه حائض، غذا خوردن در حال سیری». (4)

9. در حدیثی دیگر فرمود: «خداوند هیچ چیز را مانند شکم پر از غذا دشمن نمی دارد». (5)

کم خوری وسلامت تن

1. از حضرت امیر مؤمنان علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت عیسی علیه السلام به شهری رسید که مرد وزنی با هم درگیر بودند وفریاد می کشیدند. جویای سبب آن شد. مرد گفت: این همسرم وزنی شایسته است وهیچ عیبی ندارد، امّا او را دوست ندارم ومی خواهم طلاقش دهم. حضرت پرسید: چرا؟

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 225، ح 1052.

2- محاسن، ص 447، ح 341؛ کافی، ج 6، ص 269، ح 8.

3- محاسن، ص 447، ح 342.

4- خصال، ج 1، ص 245، ح 8.

5- عیون اخبار الرّضا، ج 2، ص 36، ح89.

عرض کرد: چون صورتش طراوت ندارد، با آنکه پیر نشده است. حضرت عیسی رو به آن زن فرمود: می خواهی طراوت صورت تو بازگردد؟ زن گفت : آری. حضرت فرمود: شکم را از غذا پر نکن، زیرا طعام بسیار، آب صورت را از بین می برد وچهره را بی طراوت می سازد. آن زن به دستور حضرت عیسی عمل کرد وطراوت چهره اش بازگشت ومحبوب شوهرش شد». (1)

2. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر مردم در غذا خوردن زیاده روی نکنند بلکه میانه رو باشند، همیشه بدنشان سالم خواهد بود». (2)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کفران نعمت الهی است اینکه کسی بگوید: فلان غذا را خوردم مرا آزار داد» (شاید این زیان بر اثر زیاده روی در خوردن غذا بوده نه خود غذا). (3)

4. در حدیث است که روزی برای رسول خدا صلی الله علیه و آله شیر وعسل آوردند. حضرت اندکی از آن تناول کرد وباقی را بر زمین نهاد. پرسیدند: ای رسول خدا، آیا خوردن این غذا حرام است؟ فرمود: «نه، امّا برای رضای خدا فروتنی می کنم (وکم می خورم)». (4)

5. در حدیث است که پالوده خوشبویی نزد امیر مؤمنان علی علیه السلام آوردند. حضرت از آن اندکی خورد، سپس فرمود: «خوردن آن حرام نیست، امّا نمی خواهم خود را به چیزی که به آن عادت نکرده ام، عادت دهم».

ودر روایتی دیگر فرمود: «خوردن آن حرام نیست، ولی هرگز چیزی را که رسول خدا صلی الله علیه و آله نخورده، نمی خورم». (5)

1- علل الشرایع، ج 2، ص 497، باب 252، ح 1.

2- محاسن، ص 439، ح 296.

3- محاسن، ص 450، ح 362.

4- محاسن، ص 409، ح 133؛ دعائم الاسلام، ج 2، ص 114، ح 384.

5- محاسن، ص 409، ح 134.

6. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انسان برای کسب نیرو وتجدید قوا ناگزیر است غذا بخورد، ولی لازم است بخشی از شکم را به غذا وبخشی دیگر را به آب اختصاص دهد وبخش سوم را برای تنفّس، خالی بگذارد. وبرای فربه کردن خود نکوشید چنانکه حیوانات را برای کشتن،

فربه می کنند». (1)

کمترین اسراف در غذا خوردن

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سرکه نانِ خورش خوبی است. وکمترین اسراف آن است غذایی را که نزد انسان می آورند (با بی اعتنایی) نخورد». (2)

پاره ای از آداب واوقات غذا خوردن

اشاره

(مقدّمه:) مستحبّ است صبحانه را نزدیک طلوع آفتاب بخورد وناهار نخورد وپس از نماز خفتن (نماز عشا)، بار دیگر غذا بخورد. ونیز مستحبّ است لقمه کوچک بگیرد وآن را خوب بجود وهنگام غذا خوردن، به چهره هم سفره ای ها نگاه نکند وغذای بسیار داغ نخورد ودر غذای داغ فوت نکند، بلکه صبر کند تا سرد شود سپس آن را تناول کند. ونان را با کارد نبرّد واستخوان را (کاملاً) پاک نکند وبا کمتر از سه انگشت چیزی نخورد واز غذایی که جلوی دیگران است نخورد. خوردن و نوشیدن در حال جنابت کراهت دارد، ولی اگر پیش از آن وضو بگیرد، یا دست هایش را بشوید ومضمضه واستنشاق کند، یا دست وصورتش را بشوید ومضمضه کند، یا دست هایش را بشوید ومضمضه کند، کراهتش

1- محاسن، ص 440، ح 298؛ کافی، ج 6، ص 269، ح 9.

2- محاسن، ص 441، ح 303.

برطرف می شود. فلسفه این حکم، مطابق آنچه در حدیث آمده، این است که : «اگر در حال جنابت چیزی بخورد بی آنکه یکی از اعمال مزبور را انجام دهد، بیم آن می رود که مبتلا به بیماری برص شود». (1) (به روایات زیر توجّه فرمایید:)

وعده های غذایی

1. در روایتی معتبر آمده است که کسی از درد سوءِ هاضمه به سبب پر بودن معده به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «صبح وشام غذا بخور ودر میان آنها چیز دیگری نخور، زیرا خداوند دو جهان در وصف غذای بهشتیان می فرماید: (وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا): وهر صبح وشام، روزی آنان در بهشت مقرّر است. (2) » (3)

2. در روایتی معتبر آمده است که امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «پیامبران غذای آخر روز را پس از نماز عشا می خوردند؛ پس غذا خوردن در آن وقت را ترک نکنید که ترک آن موجب بیماری تن می شود». (4)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «شام نخوردن انسان را پیر می کند». (5)

4. نیز در گفتاری فرمود: «چون انسان پیر شد لازم است پیش از خواب شبانه چیزی بخورد که با این کار، بهتر خواب می رود ودهانش خوشبو یا خُلقش

نیکو می شود». (6)

5. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «غذای شب را ترک نکنید، هر

1- کافی، ج 3، ص 51، ح 12؛ کتاب من لا یحضره الفقیه ج 1، ص 46، باب 19.

2- سوره مریم، آیه 61.

3- محاسن، ص 42، ح 196؛ کافی، ج 6، ص 288، ح 2.

4- کافی، ج 6، ص 288، ح 1؛ خصال، ج 2، ص 411، ح 132.

5- کافی ج 6، ص 288 ح 3؛ دعائم الاسلام، ج 2، ص 142، ح 505.

6- محاسن، ص 422، ح 208؛ کافی، ج 6، ص 288، ح 4.

چند به پاره نان خشکی باشد، که موجب قوّت بدن ونیروی آمیزش می شود». (1)

6. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در بدن رگی است به نام عشا، هر که در شب چیزی نخورد آن رگ او را تا صبح نفرین می کند ومی گوید : خداوند تو را گرسنه وتشنه بدارد که مرا تا صبح گرسنه وتشنه نگاه داشتی؛ پس غذای شب را ترک نکنید، هر چند به لقمه نان ولیوانی آب باشد». (2)

7. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شایسته نیست مؤمن از خانه بیرون رود، مگر آنکه صبحانه خورده باشد که این کار بر قدرتش می افزاید». (3)

غذای داغ نخورید

1. از امام امیر مؤمنان علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «غذای گرم را بگذارید تا سرد شود (سپس آن را بخورید) زیرا غذایی گرم برای رسول خدا آوردند، حضرت فرمود: بگذارید تا سرد شود که خداوند، آتش را غذای ما قرار نداده وبرکت در غذای سرد است». (4)

2. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «غذای داغ برکت ندارد وشیطان در آن بهره ونصیبی دارد». (5)

3. در حدیثی معتبر آمده است که سلیمان خالد می گوید: در یکی از شب های تابستان بر سر سفره امام جعفر صادق علیه السلام حاضر شدم. سفره گستردند، مقداری

1- محاسن، ص 423، ح 211؛ کافی، ج 6، ص 288، ح 5.

2- محاسن، ص 423، ح 12.

3- محاسن، ص 397، ح 72.

4- كافى، ج 6، ص 321، باب الطعام الحار، ح 1؛ خصال، ج 2، ص 403، ح 48.

5- محاسن، ص 406، ح 117.

نان وکاسه ای آبگوشت آوردند که در آن نان وگوشت بود. حضرت دست بر کاسه برد وبرداشت، سپس فرمود: «امان می طلبم از خدا از آتش جهنّم، پناه می برم به خدا از آتش جهنّم، خدایا تاب حرارت وگرمای این غذا را نداریم وبر آن صبر نمی توانیم کرد، چگونه بر آتش جهنّم تاب آوریم وصبر کنیم؟» حضرت این جملات را چندان تکرار کرد که غذا سرد وآماده خوردن شد، سپس غذا را تناول فرمود وما هم غذایمان را خوردیم». (1)

در غذا فوت نکنید

1. در حدیث است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از دمیدن در خوردنی ها وآشامیدنی ها نهی کرد. (2)

2. در حدیث است که امام صادق علیه السلام سه نوع دمیدن را مکروه شمرده است : «دمیدن در گره ها برای افسون کردن، دمیدن در غذا، دمیدن در محلّ سجده». (3)

3. ودر حدیثی دیگر آمده است که حضرت فرمود: «فوت کردن غذای داغ اشکال ندارد». این روایت مربوط به حال ضرورت وزمانی است که شخص عجله دارد. (4)

از جلوی خود شروع به خوردن کنید

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از بالای غذا شروع نکنید، بلکه از کناره غذا (قسمتی که در جلوی شماست) آغاز کنید که برکت غذا

1- محاسن، ص 407، ح 122؛ کافی، ج 6، ص 322، ح 5.

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 5؛ مکارم الأخلاق، ص 427.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 198؛ خصال، ج 1، ص 163، ح 175.

4- علل الشرایع، ج 2، ص 518، باب 29، ح 1.

در بالای طعام است» (وبا خوردن بالای طعام در ابتدای کار، برکت را از سفره نبرید). (1)

2. در روایتی معتبر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرگاه بخواهید غذا بخورید از جلوی خود شروع به خوردن کنید». (2)

روش غذا خوردن پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

1. از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که آن حضرت به هنگام غذا خوردن دوزانو نشسته ویک دست بر زمین گذاشته وبا دست دیگر وبا سه انگشت، غذا تناول می کرد ومی فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین غذا تناول می کردند، نه با دو انگشت که روش متکبّران وجبّاران است». (3)

2. در حدیثی دیگر از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که آن حضرت به هنگام صرف غذا بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ می گفت واز پیش دیگران چیزی برنمی داشت وپیش از میهمانان شروع به خوردن نمی کرد وبا سه انگشت وگاه چهار انگشت وگاه با تمام انگشتان غذا می خورد وهرگز با دو انگشت غذا نمی خورد ومی فرمود: «با دو انگشت غذا خوردن، روش غذا خوردن شیطان است». (4)

بهترین راه جلوگیری از ضررهای غذا خوردن

1. از حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که بخواهد غذا زیانی به او نزند چهار کار کند: تا گرسنه نشده ومعده اش پاک نگشته

1- محاسن، ص 403، ح 101؛ کافی ج 6، ص 296، ح 1، وص 318، ح 9.

2- محاسن، ص 448، ح 348؛ کافی، ج 6، ص 297، ح 3.

3- محاسن، ص 441، ح 307؛ کافی، ج 6، ص 297، ح 6.

4- مکارم الأخلاق، ص 28.

چیزی نخورَد، هنگام شروع به غذا خوردن بسم الله الرّحمن الرّحیم بگوید، غذا را خوب بجود، پیش از آنکه کاملاً سیر شود دست از غذا خوردن بکشد». (1)

2. در روایتی معتبر آمده است که حضرت علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام فرمود : «دوست داری چهار مطلب به تو بیاموزم که اگر انجام دهی نیاز به طبیب نداشته باشی؟ عرض کرد: آری ای امیر مؤمنان. فرمود: تا گرسنه نشدی بر سر سفره نشین، پیش از سیر شدن کامل برخیز، خوب جویدن غذا را فراموش نکن، پیش از خواب به حاجتگاه برو». (2)

سفارشات امام حسن علیه السلام در مورد غذا خوردن

1. از امام حسن علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بر سر هر سفره ای دوازده ویژگی لازم است که مسلمان نباید از آن غافل باشد. چهار ویژگی آن بسیار مهم وچهار ویژگی دیگر آن مهم تر وچهارتای باقی مانده مهمّ است. امّا چهار ویژگی بسیار مهم عبارتند از :

کسی که این نعمت ها را به وی داده بشناسد وبداند که از جانب پروردگار است، به آنچه خداوند به وی ارزانی داشته راضی باشد، در آغاز بسم الله بگوید ودر پایان خدا را شکر کند.

وویژگی های مهم تر به شرح زیر است: پیش از غذا دستانش را بشوید، بر طرف چپ بنشیند، با سه انگشت غذا بخورد، (هرگاه با دست غذا می خورد) به طور کامل غذا را از دست ها برگیرد.

وچهار ویژگی دیگر عبارتند از: از پیش خود غذا بخورد، لقمه را کوچک بردارد، غذا را بسیار بجود، به صورت دیگران نگاه نکند». (3)

1- طبّ الائمّه، ص 29.

2- خصال، ج 1، ص 215، ح 60؛ بحارالأنوار، ج 66، ص 415، ح 15.

3- خصال، ج 2، ص 255، ح 12؛ بحارالأنوار، ج 66، ص 413، ح 13.

سایر آداب غذا خوردن

اشاره

(مقدّمه:) مستحبّ است با دست راست غذا بخورد ودوزانو بنشیند وخوابیده چیزی نخورد، امّا اگر به دست چپ تکیه کند اشکال ندارد. وچهار زانو نشستن به هنگام غذا خوردن مکروه است واگر پا را بر روی زانو بگذارد کراهت آن شدیدتر است. تنها غذا خوردن کراهت دارد ومستحبّ است با خدمتکاران وبر روی زمین غذا بخورد. غذا خوردن به هنگام راه رفتن کراهت دارد. وشستن دست پیش وپس از غذا سفارش شده است. غذا خوردن بر سفره ای که شراب در آن خورده اند حرام است، بلکه برخی معتقدند غذا خوردن بر سر سفره ای که در آن مجلس، گناه مرتکب شده نیز حرام است. حتّی غذا خوردن بر سفره جمعی که غیبت مسلمانان را کرده اند حرام است. ومستحبّ است با نمک، غذای خود را آغاز کند وبه پایان برساند. (به روایاتی در این زمینه توجّه فرمایید:)

تنها غذا خوردن

1. در روایتی معتبر آمده که امام موسی کاظم علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است که آن حضرت سه کس را نفرین کرد: «کسی که تنهاخور باشد، کسی که تنها سفر کند، کسی که در خانه تنها بخوابد». (1)

2. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «غذایی کامل است که چهار چیز در آن جمع باشد: از راه حلال تهیّه شده باشد، دست های بسیاری در آن سفره برود (جمع فراوانی از آن غذا

استفاده کنند)، در ابتدای آن نام خدا گفته شود ودر پایان، حمد الهی گویند». (2)

1- محاسن، ج 398، ح 76؛ خصال، ج 1، 117، ح 34.

2- محاسن، ص 398، ح 74؛ کافی، ج 6، ص 273، ح 2.

سهم نیازمندان از غذاها

1. در روایتی معتبر می خوانیم که هرگاه ظرف غذایی خدمت امام رضا علیه السلام می آوردند، دستور می داد یک ظرف خالی هم بیاورند واز هر یک از بهترین غذاها، مقداری در آن ظرف می ریخت ودستور می داد به مساکین وبیچارگان بدهند. (1)

2. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «علّت ابتلای حضرت یعقوب علیه السلام به جدایی از فرزندش حضرت یوسف علیه السلام این بود که روزی گوسفندی چاق کشت وبریان کرد. مرد نیکوکار روزه داری در همسایگی آن حضرت بود وبوی آن غذا را استشمام کرد. حضرت یعقوب علیه السلام غافل شد وچیزی از آن غذا به وی نداد. جبرئیل همان شب بر حضرت نازل شد وگفت : آماده بلایی (در برابر این ترک اَولی) از سوی خدا باش ودر همان شب، حضرت یوسف علیه السلام آن خواب را دید (وپس از آن، داستان حضرت یوسف اتّفاق افتاد). پس از این حادثه، حضرت یعقوب به هنگام صبحانه تا یک فرسخ راه اعلان می کرد که هر کس اشتهای به غذا دارد بر سر سفره یعقوب حاضر شود. واین کار را در شب هم تکرار می کرد». (2)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «هرگاه سفره بگسترند، هر نیازمندی آمد او را دست خالی رد نکنید». (3)

موارد ممنوع یا مکروه، هنگام غذا خوردن

1. در روایتی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «ملعون است آن

1- محاسن، ص 392، ح 39.

2- علل الشرايع، ج 1، ص 45، باب 41، ح 1.

3- محاسن، 423، ح 213.

که بر سفره ای بنشیند که در آن شراب می نوشند (هر چند خودش ننوشد)». (1)

2. در حدیثی دیگر می خوانیم که فرمود: «هر که به خدا وروز قیامت ایمان داشته باشد، از سفره ای که بر آن شراب می نوشند غذا نمی خورد». (2)

3. در فقه الرضا علیه السلام آمده است: از سفره ای که پس از رفتن تو بر آن شراب می نوشند غذا نخور. (3)

4. در چندین حدیث آمده است که خوردن در حال جنابت، سبب فقر وتنگدستی می شود. (4)

5. در روایات فراوانی آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از خوردن وآشامیدن با دست چپ، جز در حال اضطرار، نهی کردند. (5)

6. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که توانایی استفاده از دست راست خویش دارد مکروه است با دست چپ غذا بخورد، یا چیزی بیاشامد، یا چیزی بردارد». (6)

7. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «در حال راه رفتن چیزی نخور، مگر اینکه مجبور باشی». (7)

8. در حدیثی دیگر فرمود: «در حالی که تکیه کرده اید، یا به رو خوابیده اید، چیزی نخورید». (8)

1- محاسن، ص 584، ح 76؛ کافی، ج 6، ص 268، ح 1.

2- کافی، ج 6، ص 268، ح 2؛ تهذیب، ج 9، ص 113، ح 420.

3- فقه الرّضا، ص 281.

4- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 47، ح 178.

5- دعائم الاسلام، ج 2، ص 117، ح 399. از امام صادق علیه السلام.

6- محاسن، ص 358، ح 397؛ کافی، ج 6، ص 273، ح 2.

7- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 223، ح 1044؛ مكارم الأخلاق، ص 145.

8- كافى، ج 6، ص 271، ح ؛ محاسن، ص 458، ح 393.

سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در غذا خوردن

1. در روایات معتبر آمده است که حضرت صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرد که: «آن حضرت هرگز در حال تکیه بر پهلوی چپ یا راست، چیزی نمی خورد وبه هنگام غذا خوردن، دوزانو نشسته وبا فروتنی غذا می خورد». (1)

2. در حدیث است که روزی عباد بصری که از مشایخ متصوّفه وعلمای اهل سنّت است درحضور امام صادق علیه السلام نشسته بود. حضرت در حالی که دست چپ خویش را بر زمین گذاشته بود غذا می خورد. عباد به عنوان اعتراض به حضرت گفت:مگرنمی دانیدکه رسول خدا صلی الله علیه و آله از این کار نهی کرده است؟ حضرت دست را برداشت ودوباره روی زمین گذاشت. دوباره عباد اعتراض کرد وامام همان کار را کرد واین سه بار تکرار شد. سپس حضرت فرمود: «واللّه رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز از این کار نهی نکرد (آنچه از آن نهی شده، خوردن در حال خوابیدن بر پهلوی راست یا چپ است، همان گونه که روش برخی مستکبران است)». (2)

3. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله پس از خوردن غذا، دستان مبارک را می شست، آب در دهان می کرد و مضمضه می فرمود». (3)

4. از امام جواد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله پس از صبحانه، دست های خود را می شست وپیش از آنکه با حوله خشک کند به سر وصورت می مالید ومی فرمود: اَللّهُمَّ اجْعَلْنی مِمّنْ لا یُرْهِقُ وَجْهَهُ قَتَرٌ وَلا ذِلَّه». (4)

1- محاسن، 457، ح 390؛ کافی، ج 6، ص 270، ح 1.

2- کافی، ج 6، ص 271، ح 5.

3- تهذیب الاحکام، تحقیق غفّاری، ج 1، ص 350.

4- ترجمه: «پروردگارا، مرا از کسانی قرار ده که گَرد تنگی وخواری بر چهره اش نمی نشیند». محاسن،ص426، ح 234.

5. در روایتی دیگر در مورد چگونگی غذا خوردن رسول خدا صلی الله علیه و آله می خوانیم : «هرگاه بر سر سفره می نشست از پیش خود غذا می خورد وهمانند حالت تشهّد نماز می نشست ومی فرمود: من بنده ام، به روش بردگان غذا می خورم وهمچون آنان می نشینم». (1)

6. در حدیثی دیگر آمده است: «هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله از شستن دستان خویش پس از غذا فارغ می شد، دست بر صورت کشیده واین دعا را می خواند : اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذی هَدانا واَطْعَمَنا وَسَقانا وکُلَّ بَلاءٍ صالِحٍ اَوْلانا». (2)

آداب غذا خوردن

شستن دست ها پیش از غذا خوردن

1. در روایات متعدّدی از امیر مؤمنان علی علیه السلام وائمّه طاهرین علیهم السلام نقل شده است که هر که بخواهد خیر وبرکت خانه اش افزون شود، دست خود را پیش از غذا خوردن بشوید. (3)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شستن دست ها پیش از

غذا خوردن وپس از آن فقر را برطرف، روزی را بسیار، لباس انسان را پاکیزه ودردها را از بدن دور می کند وچشم را جلا می دهد». (4)

3. در حدیث است که مرازم از یاران امام کاظم علیه السلام می گوید دیدم که امام پیش از غذا خوردن دستانش را می شست وآن را با دستمال خشک نمی کرد، ولی پس

1- مکارم الأخلاق، ص 27.

2- ترجمه: «سپاس مخصوص خداوندی است که ما را هدایت کرد وبه ما آب و غذا داد وهر نعمت خوبی را به مابخشید». مکارم الأخلاق، ص 140؛ بحارالأنوار، ج 66، ص 363، ح 38.

3- محاسن، 424، ح 217؛ کافی، ج 6، ص 290، ح 4.

4- محاسن، ص 424، ح 217؛ کافی، 6، ص 290، ح 2 و3.

از غذا خوردن دستانش را می شست وآن را با دستمال خشک می کرد». (1)

4. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگام غذا خوردن دست ها را بشوی وآن را خشک نکن، زیرا تا زمانی که رطوبت آن موجود است برکت در غذا خواهد بود. (2) وپس از شستن دست ها آن را بر صورت مالیدن،

کَلَف (3) را از چهره برطرف می کند وبر روزی می افزاید». (4)

5. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که دستش پاکیزه است لازم نیست پیش از غذا خوردن آن را بشوید». (5)

شستن دست ها پس از غذا خوردن

1. در حدیث است که مفضّل بن عمر از یاران ارزشمند امام صادق علیه السلام می گوید از درد چشم به حضرت شکایت کردم. فرمود: «پس از غذا خوردن دستان را بشوی واین جمله را سه بار بگو: «اَلْحَمْدُ لِلّهِ الْمُحْسِنِ الْمُجْمِلِ

الْمُنعِمِ الْمُفْضِلِ»». (6) راوی می گوید: به دستور امام عمل کردم وپس از آن هرگز

چشمانم درد نگرفت. (7)

2. در حدیث است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه پس از غذا دست ها را بشویی وبارطوبت آن دیدگان رامسح کنی،این کارجلوی چشم درد را می گیرد». (8)

1- کافی، ج 6، ص 291؛ مکارم الأخلاق، ص 140.

2- کافی، ج 6، ص 291؛ مکارم الأخلاق، ص 139.

3- «کَلَف» لکّه ای است که در چهره انسان پیدا می شود وآن را در فارسی کک مک می گویند (فرهنگ عمید).

4- کافی، ج 6، ص 291.

5- محاسن، ص 428، ح 242؛ کافی، ج 6، ص 298، ح 13.

6- ترجمه: «سپاس مخصوص خداوندی است که احسان کننده، نیکوکار، نعمت دهنده وفضیلت بخش است».

7- کافی، ج 6، ص 292، ح 5.

8- مکارم الأخلاق، ص 140.

3. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه پس از غذا خوردن دست ها را شستی، پیش از آنکه با دستمال خشک کنی بر دیدگان بکش واین دعا را بخوان: اَللّهُمَّ اِنِّی اَسْاَلُکَ الزِّینَةَ وَالْمَحَبَّةَ وَاَعُوذُ بِکَ مِنَ الْمَقْتِ وَالْبَغْضَهِ». (1)

شستن دهان پس از غذا خوردن

از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله دست ها را پس از خوردن غذا می شست، سپس آب در دهان کرده وآن را می شست». (2)

کیفیّت نشستن هنگام غذا خوردن

در روایتی معتبر آمده است که حضرت علی علیه السلام فرمود: «هنگام غذا خوردن دوزانو بنشینید ویک پا را روی پای دیگر نیندازید وچهار زانو ننشینید، زیرا خداوند از چنین نشستنی وصاحب آن بیزار است».

توجّه: ظاهر روایت این است که منظور از چهار زانو نشستن آن است که به روش جبّاران باشد، یعنی یک پا را بر روی ران پای دیگر بگذارد. (3)

با چه چیز غذا خوردن را شروع وتمام کنیم؟

1. در روایتی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «در ابتدا وانتهای غذای خوردن مقداری نمک بخور که هر که چنین کند خدا او را از هفتاد بلا که آسان ترین آن بیماری جُذام است، حفظ می کند». (4)

1- ترجمه: «بار خدایا، من از تو زینت ودوستی می خواهم واز گناه ودشمنی به تو پناه می برم». محاسن،ص 426، ح 234.

2- بحارالأنوار، ج 66، ص 355، ح 12.

3- کافی، ج 6، ص 272، ح 10؛ مکارم الأخلاق، ص 141.

4- محاسن، ص 593، ح 109؛ کافی، ج 6، ص 351، ح 1.

2. در حدیثی دیگر آمده است که این کار انسان را از هفتاد ودو نوع بیماری که از جمله آن دیوانگی وجذام وبیماری پیسی است حفظ می کند. (1)

3. ودر حدیثی دیگر آمده است که این کار از درد گلو ودندان درد ودرد شکم جلوگیری می کند. (2)

4. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند به حضرت موسی علیه السلام امر کرد که به قومش بگوید: غذای خود را با نمک آغاز کنند وبا آن پایان دهند وگرنه (چنانچه به بلایی مبتلا شوند)، کسی را جز خود سرزنش نکنند». (3)

5. در حدیثی معتبر آمده است که آن حضرت فرمود: «نمک شفای هفتاد نوع از انواع دردهاست واگر مردم بدانند چه آثار ومنافعی در نمک هست، جز با آن امراض خود را مداوا نمی کنند». (4)

6. در روایتی معتبر می خوانیم که هنگام غذا خوردن، ابتدا به سرکه خوب است. (5)

7. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم که فرمود: «ما غذا را با نمک شروع وبا سرکه ختم می کنیم». (6)

8. در سخنی دیگر فرمود: «هر که بر نخستین لقمه ای که می خورد نمک بپاشد، رو به توانگری خواهد آورد». (7)

1- محاسن، ص 593، ح 108؛ کافی، ج 6، ص 326، ح 3.

2- محاسن، ص 593، ح 110 و111؛ مکارم الأخلاق، ص 142.

3- محاسن، ص 592، ح 103؛ کافی، 6، ص 326، ح 6.

4- محاسن، ص 590، ح 96؛ کافی، ج 6، ص 326، ح 3. این روایت اشاره به شروع غذا با اندکی نمک است.

5- محاسن، ص 487، ح 554؛ کافی، ج 6، ص 329، ح 4.

6- کافی، ج 6، ص 330، ح 12؛ مکارم الأخلاق، 142.

7- محاسن، ص 594، ح 113.

پای بر سفره نگذارید

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روزی به مجلس سفاح از خلفای بنی عبّاس رفتم. سفره غذایشان گسترده بود. دست مرا گرفت وبه سوی خود کشید. (ناخودآگاه) پای من بر کناره سفره قرار گرفت. آن قدر غمگین شدم که خدا می داند، زیرا این کار کفران نعمت پروردگار است». (1)

نشستن طولانی بر سر سفره

در حدیثی دیگر فرمود: «نشستن بر سر سفره را طولانی کنید (وغذا را آهسته بخورید) که این مدّت جزءِ عمر شما به حساب نمی آید». (2)

غذا خوردن با زیردستان

در حدیث است که یاسر، خادم امام رضا علیه السلام در مورد سیره آن حضرت هنگام غذا خوردن چنین گوید: هرگاه آن حضرت بر سر سفره می نشست، کوچک وبزرگ، حتّی حجامت کننده وبزرگ قوم را دعوت می کرد که بر سر سفره نشینند. (3)

ابراهیم بن عبّاس نیز در این باره می گوید: آن حضرت چون خلوت می شد وغذا می آوردند، همه دربانان وخدمتکاران را بر سفره ای که خود نشسته بود می نشاند». (4)

1- محاسن، ص 588، ح 88.

2- الاختصاص، 253؛ مکارم الأخلاق، ص 141.

3- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 159، ح 24.

4- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 184، ح 7.

بیرون کردن کفش به هنگام غذا خوردن

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هنگام خوردن غذا، کفش خود را از پا بیرون کنید که سنّت نیکو است وموجب استراحت بیشتر پاهای شماست». (1)

غذا خوردن با دست

در روایاتی معتبر آمده که یکی از امتیازات انسان بر حیوان آن است که غذایش را با دست می خورد؛ پس انسان باید غذای خود را با کمک دستانش بخورد. (2)

صاحبخانه پیش از میهمان شروع به غذا خوردن کند

در روایاتی معتبر آمده است که هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله با جمعی از میهمانانش غذا می خورد، پیش از همه شروع می کرد وپس از همه دست می کشید، تا میهمانان غذای بیشتری بخورند. (3)

اوّل نماز خواندن یا غذا خوردن

در حدیث است که سماعه بن مهران می گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم: وقت نماز رسیده وغذا حاضر است به کدام بپردازیم؟ امام فرمود: «اگر ابتدای وقت نماز است اوّل غذا بخورید واگر بخشی از وقت نماز گذشته وبیم آن می رود که وقت فضیلت نماز بگذرد، نماز بخوانید». (4)

1- محاسن، ص 449، ح 351.

2- امالی طوسی، ج 2، ص 103 و 104.

3- محاسن، ص 448، ح 349؛ كافى، ج 6، ص 285، باب الأكل مع الضّيف، ح 1.

4- محاسن، ص 423، ح 212؛ كافى، ج 6، ص 298، ح 9.

دعای سفره وآثار آن

آغاز وانجام غذا با نام وحمد خدا

1. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه سفره بگسترند بگو: بسم الله وچون شروع به غذا کردی بگو: بِسْمِ اللهِ عَلی اَوَّلِهِ وَآخِرِهِ وچون سفره را جمع کردند بگو: اَلْحَمْدُ لِلّهِ». (1)

2. ودر حدیثی معتبر آمده است که آن حضرت فرمود: «هنگامی که ملائکه نزد حضرت ابراهیم علیه السلام آمدند واو برای آنها گوساله ای بریان شده آورد وگفت بخورید! گفتند: نمی خوریم تا بگویی ارزش این نعمت الهی چقدر است؟ حضرت فرمود: (قیمت آن این است که) چون شروع به خوردن کنید بسم الله بگویید وهنگامی که غذا تمام شد اَلْحَمْدُ لله بگویید. جبرئیل رو به سه فرشته دیگر کرد وگفت: می سزد که پروردگار چنین بنده ای را خلیل خود گردانَد». (2)

3. و در سخنی دیگر فرمود: «هرگاه چند نوع غذا بر سر سفره باشد برای هر کدام یک بسم الله بگویید». راوی پرسید: اگر فراموش شود چه کنم؟ حضرت فرمود: «بگو بِسْمِ اللهِ عَلی اَوَّلِهِ وَآخِرِهِ». (3)

4. در روایتی صحیح ومعتبر آمده است که حضرت علی علیه السلام فرمود: «هرگاه غذاحاضرشود،چنانچه یکی ازحاضران بسم الله بگویدازدیگران کفایت می کند». (4)

5. در سخنی دیگر فرمود: «به هنگام خوردن غذا خدا را یاد کنید وبسیار سخن نگویید که آن طعام، نعمت وروزی خداست وبر شما لازم است که در وقت غذا خوردن یاد خدا، سپاس او وشکرش را به جا آورید». (5)

1- کافی، ج 6، ص 292، ح 2.

2- علل الشرایع، ج 1، ص 35، باب 32، ح 6.

3- کافی، ج 6، ص 259، ح 20؛ مکارم الأخلاق، ص 143.

4- کافی، ج 6، ص 293، ح 9.

5- کافی، ج 6، ص 296، ح 23.

6. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «غذا خورنده ای که شکر پروردگار را به جا می آورَد، از روزه دار خاموش بهتر است». (1)

7. در حدیث است که امام صادق علیه السلام به سماعه فرمود: «ای سماعه، بخور وسپاس خدا کن ونخور که خاموش (از یاد خدا) باشی». (2)

آثار شروع به «بسم الله» وختم به «الحمد لله»

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه سفره گسترده شود، چهار هزار فرشته آن را احاطه می کنند. اگر کسانی که می خواهند غذا بخورند بسم الله بگویند ملائکه می گویند: خداوند برکاتش را بر شما وغذای شما نازل کند. سپس به شیطان می گویند: ای فاسق، از اینجا خارج شو که تو بر این افراد سلطه ای نداری. وچنانچه پس از فراغت از غذا الحمد لله بگویند، فرشتگان می گویند: اینها بندگانی هستند که خداوند به آنها نعمت داده وشکر نعمت پروردگار را به جا آورده اند. واگر غذای خود را با بسم الله آغاز نکنند

ملائکه به شیطان می گویند: ای فاسق، جلو بیا وبا اینها غذا بخور وچنانچه در پایان غذا حمد وسپاس الهی را به جا نیاورند، ملائکه می گویند: اینان گروهی هستند که خداوند به آنها نعمت داده، ولی پروردگار خویش را فراموش کردند». (3)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده که فرمود: «هر که نام خدا را در اوّل طعام ببردودرپایان سپاس خدای رابه جاآورد،هرگزازآن طعام ازاو سؤال نمی کنند». (4)

3. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه مسلمانی به هنگام شروع غذا بگوید: «بِسْمِ اللّهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمینَ»

پیش از آنکه لقمه به

1- محاسن، ص 435، ح 271.

2- محاسن، ص 435، ح 275؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 224، ح 1049.

3- کافی، ج 6، ص 292، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 142.

4- کافی، ج 6، ص 294، ح 14؛ ثواب الأعمال، ص 219.

دهانش برسد، خداوند متعال گناهانش را می آمرزد». (1)

4. امام صادق علیه السلام روایت کرده است که: «روزی حضرت امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: هر کس غذای خود را با بسم الله شروع کند، من ضمانت می کنم که آن غذا زیانی به او نرساند. ابن کوا گفت: دیشب غذا خوردم وبسم الله گفتم وغذا مرا اذیّت کرد. حضرت فرمود: شاید چند نوع غذا خورده ای وبر برخی بسم الله گفته وبر برخی نگفته ای». (2)

5. در روایتی صحیح ومعتبر آمده است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام عرض کرد: هرگاه غذا بخورم مرا اذیّت می کند. امام فرمود: «مگر بسم الله نمی گویی؟» عرض کرد: آری می گویم، ولی باز غذا آزارم می دهد. امام فرمود: «پس از آنکه در وسط غذا سخن می گویی، بسم الله را تکرار می کنی؟» عرض کرد: نه. امام فرمود : «علّت ناراحتی تو همین است؛ هرگاه سخنانت تمام شد دوباره بسم الله بگو وبه خوردن ادامه بده». (3)

آثار دعا خواندن هنگام غذا خوردن

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر که این دعا را هنگام خوردن غذا بخواند، ضمانت می کنم که آن غذا آسیبی به او نرساند: اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ خَیْرِ الْأَسْماءِ مِلأْ الْأَرْضِ وَالسَّماءِ، الرَّحْمنِ الرَّحیمِ، الَّذی

لا یَضُرُّ مَعَهُ داءٌ». (4)

2. در حدیث است که کسی از ضعف معده به امام صادق علیه السلام شکایت کرد.

1- محاسن، ص 435، ح 273؛ کافی، ج 6، ص 293، ح 7.

2- کافی، ج 6، ص 259، ح 18؛ مکارم الأخلاق، ص 142.

3- محاسن، ص 438، ح 287؛ کافی، ج 6، ص 259، ح 19.

4- ترجمه: «بار خدایا، از تو به بهترین نام های تو که زمین وآسمان را پر کرده وبه بخشندگی ومهربانی ات که باآن هیچ دردی زیان نمی رساند، تو را مسئلت می کنم». محاسن، 438، ح 289.

حضرت فرمود: «هرگاه از غذا خوردن فارغ شدی، دست بر شکم بکش واین دعا را بخوان: اَللّهُمَّ هَنِّئْنِیهِ، اَللّهُمَّ سَوِّغْنِیهِ، اَللّهُمَّ امْرَأْنِیهِ». (1)

دعای سفره حضرت رسول صلی الله علیه و آله وائمّه اطهار علیهم السلام

1. در روایتی آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله پس از خوردن غذا می فرمود: «اَللّهُمَّ اَکثَرْتَ وَاَطَبْتَ وَبارَکْتَ ما شَبِعْتُ وَاَرْوَیْتُ اَلْحَمْدُلِلّهِ الَّذی یُطْعِمُ وَلا یُطْعَمْ». (2)

2. در روایتی آمده است که هرگاه سفره را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله می گستراندند چنین دعا می کرد: «سُبْحانَکَ اللّهُمَّ ما اَحْسَنَ ما تَبْتَلینا سُبْحانَکَ ما اَکْثَرَ ما تُعْطینا، سُبْحانَکَ ما اکْثَرَ ما تُعافینا. اَللّهُمَّ اَوْسِعْ عَلَیْنا وَعَلی فُقَراءِ الْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ وَالْمُسْلِمینَ وَالْمُسْلِماتِ». (3)

3. در روایتی معتبر آمده است که امام سجّاد علیه السلام غذا خوردن را با این دعا

آغاز می کرد: «اَللّهُمَّ هذا مِنْکَ وَمِنْ فَضْلِکَ وَعَطائِکَ، فَبارِکْ لَنا فیهِ وَسَوِّغْناهُ وَارْزُقْنا خَلَفاً اِذا اَکَلْناهُ وَرُبَّ مُحْتاجٍ اِلَیْهِ رَزَقْتَ فَاَحْسَنْتَ. اَللّهُمَّ اجْعَلْنا

مِنَ الشّاکِرینَ». (4) وپس از غذا خوردن می فرمود: «اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذی حَمَلَنا فِی الْبَرِّ

وَالْبَحْرِ وَرَزَقَنا مِنَ الطَّیِّباتِ وَفَضَّلَنا عَلی کَثیرٍ مِنْ خَلْقِهِ مِمَّنْ خَلَقَ تَفْضیلاً». (5)

1- ترجمه: «بار خدایا، آن را بر من گوارا وکامل وخوش گردان». محاسن، ص 439، ح 291.

2- ترجمه: «بار خدایا، افزودی وپاکیزه گرداندی وبرکت دادی آن چنان که سیر وسیراب شدم. سپاس ویژهخداوندی است که اطعام می کند ونیاز به غذا ندارد». محاسن، ص 436، ح 277؛ کافی، ج 6، ص 294، ح 15.

3- ترجمه: «بار خدایا، تو منزّهی، چه نیک ما را می آزمایی، منزّهی تو چه بسیار به ما عطا می کنی، منزّهی توچه بسیار از ما درمی گذری. بار خدایا، بر ما وبر نیازمندان از مؤمنین ومؤمنات ومسلمین ومسلمات وسعتوگشایش ده». کافی، ج 6، ص 293، ح 2.

4- ترجمه: «بار خدایا، این (غذا) از تو واز فضل وبخشش تو است، پس برای ما در آن برکت ده وکامل گردانوچون آن را خوردیم به جای آن به ما روزی ده وچه بسیار نیازمندانی که به آنها روزی دادی ونیکی کردی.بار خدایا، ما را از شکرگزاران قرار ده». محاسن، ص 433، ح 263؛ کافی، ج 6، ص 294، ح 12.

5- ترجمه: «سپاس مخصوص خداوندی است که ما را در خشکی ودریا بر مرکب سوار کرد واز چیزهای پاکیزهبه ما روزی داد وما را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری وفضیلت بخشید».

4. در حدیث است که امام صادق علیه السلام فرمود: «پدرم امام باقر علیه السلام پس از غذا خوردن چنین دعا می کرد: اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذی اَشْبَعَنا فی جائِعینَ وَاَرْوانا فی ظامِئینَ وَآوانا فی ضاحینَ وَحَمَلَنا فی راجِلینَ وَآمَنَنا فی خائِفینَ وَاَخْدَمَنا فی عانینَ». (1)

5. در روایتی معتبر می خوانیم که امام سجّاد علیه السلام پس از غذا خوردن چنین دعا می کرد: «اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذی اَطْعَمَنا وَسَقانا وَکَفانا وَاَیَّدَنا وَآوانا وَاَنْعَمَ عَلَیْنا وَاَفْضَلَ. اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذی یُطْعِمُ وَلا یُطْعَمُ». (2)

6. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در ابتدای خوردن غذا نام خدا را ببرید وپس غذا خوردن بگویید: اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذی یُطْعِمُ وَلا یُطْعَمُ». (3)

7. در روایتی معتبر آمده است که امام محمّدباقر علیه السلام بعد از خوردن غذا چنین دعا می کرد: «اَللّهُمَّ هذا مِنْکَ وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولِکَ صلی الله علیه و آله اَللّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ». (4)

8. در روایتی معتبر آمده است که زراره می گوید با امام صادق علیه السلام

غذا می خوردم وحضرت جمله «اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذی جَعَلَنی اَشْتَهِیهِ» را بسیار تکرار می کرد. (5)

1- ترجمه: «حمد وسپاس مخصوص خداوندی است که ما را در میان گرسنگان سیر کرد ودر میان تشنگانسیراب گردانید ودر میان گرفتاران پناه داد ودر میان پیادگان سوار کرد ودر میان خائفان امنیّت داد ودرمیان ضعیفان و زحمتکشان کمک کار برای ما قرار داد». محاسن، ص436، ح280؛ کافی، ج6، ص295، ح12.

2- ترجمه: «حمد وسپاس مخصوص خداوندی است که به ما آب و غذا داد و ما را کفایت و تأیید نمود وما رامأوی داد ونعمت بخشید وتفضّل کرد. حمد وسپاس مخصوص خداوندی است که اطعام می کند و نیاز بهغذا ندارد». محاسن، ص 435، ح 277؛ مکارم الأخلاق، ص 143.

3- ترجمه: «حمد وسپاس مخصوص خداوندی است که اطعام می کند و نیاز به غذا ندارد». محاسن، ص434،ح 268؛ کافی، ج 6، ص 294، ح 13.

4- ترجمه: «بار خدایا، طعامی که تناول کردیم از سوی تو وبه واسطه محمّد رسول تو است. بار خدایا، حمدوثنا مخصوص تو است، بر محمّد وآل محمّد درود بفرست». کافی، ج 6، ص 296، ح 22.

5- ترجمه: «حمد وسپاس مخصوص خداوندی است که میل به چنین غذایی را در من ایجاد کرد». محاسن،ص 437، ح 283؛ کافی، ج 6، ص 259، ح 12.

آداب پس از غذا خوردن

غذاهای ریخته شده اطراف سفره

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «غذایی را که از سفره بیرون می افتد بخورید که خوردن آن به اذن خدا شفای هر دردی است». (1) (البته با حفظ نظافت آن، این نهایت صرفه جویی در موادّ غذایی است به

عکس این همه مواد غذایی که امروز به زباله دان ها ریخته می شود).

2. در حدیث است که کسی از درد به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «آنچه را که از سفره بر زمین می افتد بخور». او به فرمایش امام عمل کرد وناراحتی اش از بین رفت. (2)

3. در حدیث است که معاویه بن وهب می گوید: در محضر امام صادق علیه السلام غذا خوردیم وچون سفره را جمع کردند، حضرت آنچه را که از سفره بر روی زمین ریخته بود برمی داشت وتناول می کرد، سپس فرمود: «خوردن اینها فقر ونداری را برطرف می کند وبر فرزندان می افزاید». (3)

4. در حیث است که عبدالله ارجایی می گوید در خدمت امام صادق علیه السلام بودم دیدم آن حضرت جست وجو می کند تا آنچه را که از غذا بر روی زمین افتاده بردارد وبخورد، حتّی کنجد وامثال آن. عرض کردم: فدایت شوم اینها را هم برمی دارید؟ فرمود: «اینها روزی تو است، آن را برای دیگری وانگذار که شفای دردهاست». (4)

5. در روایتی دیگر، اثر این کار برطرف شدن فقر از خورنده آن وفرزندان او تا هفت نسل بیان شده است. (5)

1- کافى، ج 6، ص 299، باب أكل ما يسقط عن الخوان، ح 1.
2- محاسن، ص 444، ح 325؛ كافى، ج 6، ص 300، ح 5.
3- محاسن، ص 444، ح 326؛ كافى، ج 6، ص 300، ح 4.
4- محاسن، ص 444، ح 321؛ كافى، ج 6، ص 301، ح 9.
5- محاسن، ص 445، ح 329؛ دعائم الاسلام، ج 2، ص 115.

6. در حدیثی دیگر آمده است: «هر که غذای اطراف سفره را بخورد از دیوانگی، خوره، پیسی، زردآب وحماقت مصون می مانَد». (1)

7. در روایات معتبر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آنچه از سفره می ریزد مَهر حورالعین است». (2)

8. در حدیثی صحیح ومعتبر آمده است که امام رضا علیه السلام فرمود: «هرگاه در خانه غذا می خورید وچیزی از غذا بیرون سفره می ریزد آن را بردارید وبخورید، امّا اگر در صحرا باشید آن را برای پرندگان وحیوانات رها کنید». (3)

9. از امام جواد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر در صحرا باشید برنداريد، هر چند ران گوسفند باشد». (4)

حرمت نان وآثار کفران نعمت

علّامه مجلسی در اینجا روایات بسیاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وائمّه معصومین علیهم السلام نقل کرده است که غذاهایی را که از سفره بیرون می افتد (هرگاه آلوده نباشد وقابل خوردن باشد) بردارند وتناول کنند وبرای آن آثار وفواید بسیاری ذکر شده است. ولی اگر در بیابان باشد برای پرندگان وحیوانات باقی بگذارد. همچنین در مورد غذاهایی که بر اثر سهل انگاری بر روی زمین افتاده، روایات فراوانی ذکر کرده است که باید آن را برداشت وپس از تمیز کردن، تناول کرد واین نشان می دهد که اسلام در مورد استفاده کردن از موادّ غذایی واسراف نکردن، اهمّیّت بسیاری قائل است.

1- دعوات راوندی، ص 138، ح 343؛ مکارم الأخلاق، ص 146.

2- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 34، ح 68.

3- محاسن، ص 445، ح 327؛ کافی، ج 6، ص 300، ح 8.

4- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 225، ح 1054.

خوابیدن بعد از غذا

در حدیثی معتبر می خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «پس از غذا بر پشت بخواب وپای راست را بر روی پای چپ بگذار». (1)

ترک خدمت کردن به احترام غذا

1. در روایتی معتبر آمده است که امام رضا علیه السلام به خادمان خود، یاسر ونادر، فرمود: «اگر به هنگام غذا خوردن من بالای سرتان ایستاده باشم، تا پایان غذا خوردن برنخیزید» وبسیار اتّفاق می افتاد که یکی از ما را صدا می زد، وقتی

گفته می شد مشغول خوردن غذاست، می فرمود: «رهایش کنید تا غذایش را بخورد». (2)

2. در روایتی دیگر، همان دو خادم امام رضا علیه السلام گویند: سیره امام رضا علیه السلام این بود که هرگاه یکی از ما مشغول غذا خوردن بودیم دستوری به ما نمی داد تا غذایمان را کامل بخوریم. (3)

در فضیلت برخی غذاها

موادّ غذایی

نان

1. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «نان را گرامی بدارید که برای آماده شدن آن، فرشتگان پروردگار از عرش تا زمین وهمچنین بسیاری از اهل زمین تلاش کرده اند. سپس فرمود: روزی حضرت دانیال نزد

1- كافى، ج 6، ص 299، ح 21؛ مكارم الأخلاق، ص 147.

2- كافى، ج 6، ص 298، ح 10.

3- كافى، ج 6، ص 298، ح 11.

ناخدای کشتی ای رفت ونانی به او داد تا وی را از آب بگذراند. کشتی بان نان را به دور انداخت وگفت: این نان را چه کنم؛ نزد ما آن قدر نان فراوان است که در زیر دست وپای مردم افتاده ومردم بر آن پا می نهند. حضرت دانیال دست به آسمان برد وعرض کرد: «پروردگارا، تو آگاهی این بنده ات با نان چه کرد ودر مورد آن چه گفت. خدایا، نان را گرامی دار». خداوند به آسمان دستور داد که بر آن مردم باران نبارد وبر زمین وحی کرد که برای آنها گیاهی نرویاند (بر اثر قطع برکات آسمان وزمین) کار آن مردم به جایی رسید که از گرسنگی گوشت مردگانشان را می خوردند. هنگامی که حضرت دانیال علیه السلام از این مطلب باخبر شد دست به سوی آسمان برد وعرض کرد: «پروردگارا، فضل ورحمت وبرکات خود را بر این مردم بازگردان واطفال وبیگناهانشان را به گناه کشتی بان مجازات نکن». خداوند متعال دعای پیامبرش را اجابت کرد. به آسمان دستور باریدن وبه زمین فرمان روییدن داد وحتّی دستور جبران گذشته را صادر کرد وفرمود: بر این قوم واطفال صغیر آنها رحم کردم». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نان را گرامی بدارید». پرسیدند: گرامی داشتن نان چگونه است؟ فرمود: «چون نان بر سر سفره حاضر شد بخورید ومنتظر غذای دیگری نباشید». (2)

3. در حدیثی آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوندا، نان ما را پربرکت کن ومیان ما ونان جدایی نینداز که اگر نان نباشد نمی توانیم نماز بخوانیم وروزه بگیریم ودیگر فرائض خدا را به جا آوریم». (3)

4. و در روایتی دیگر فرمود: «هرگاه بر سر سفره نان وگوشت حاضر شود،

1- کافی، ج 6، ص 302، ح 2.

2- کافى، ج 6، ص 303، ح 2؛ مكارم الأخلاق، ص 154.

3- کافى، ج 6، ص 287، ح 6؛ مكارم الأخلاق، ص 154.

ابتدا نان بخورید تا گرسنگی شما برطرف گردد، سپس گوشت بخورید». (1)

5. در روایتی صحیح ومعتبر آمده که امام رضا علیه السلام نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اندازه نان ها را کوچک بگیرید که با هر قطعه نانی برکتی است». (2)

6. در حدیث است که امام صادق علیه السلام فرمود: «نان را زیر کاسه نگذارید». (3)

7. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «نان را به روش درندگان بو نکنید که نان مبارک است. به کمک آن نماز می خوانید وروزه می گیرید وحجّ خانه خدا به جا می آورید». (4)

8. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نان را با کارد نبرید، بلکه آن را با دست تکّه کنید» (مگر در مواردی که نبریدن نان، موجب اسراف ودور ریختن قسمت هایی از آن شود). (5)

نان جو

1. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که در مورد نان جو فرمود: «فضیلت نان جو بر نان گندم، مانند فضیلت ما اهل بیت بر سایر مردم است. وهیچ پیامبری نیست مگر اینکه برای خورنده نان جو وآش جو دعا کرده وخداوند بر آن برکت فرستاده است. ووارد شکم هر که شود، دردهای درون وجودش را بیرون می کند. نان جو غذای پیامبران وطعام نیکان است. خداوند غذای پیامبرانش را نان جو قرار داده است». (6)

1- الجعفریّات، ص 160؛ کافی، ج 6، ص 303، ح 7.

2- کافی، ج 6، ص 303، ح 8.

3- محاسن، ص 589، ح 91؛ کافی، ج 6، ص 303، ح 3 و4 وص 304، ح 12.

4- کافی، ج 6، ص 303، ح 6.

5- محاسن، ص 589، ح 92؛ کافی، ج 6، ص 304، ح 13 و14.

6- کافی، ج 6، ص 304، باب خبز الشعیر، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 154.

2. از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوراک حضرت رسول صلی الله علیه و آله هماره نان جو بود تا از دنیا رفت». (1)

نان برنجی

1. و در حدیثی دیگر فرمود: «نان برنجی برای مبتلایان به اسهال وسل مفید است. نان برنجی دردها را از بدن می کشد». (2)

2. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای مبتلایان به بیماری سل، چیزی نافع تر ومفیدتر از نان برنجی نیست». (3)

سویق یا آرد تافته شده

1. در حدیثی صحیح ومعتبر آمده است که امام رضا علیه السلام فرمود: «سویق (آرد تافته شده) غذای نیکویی است. گرسنه را سیر وغذا را هضم می کند». (4)

2. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سویق به وحی الهی ساخته شده است. گوشت بدن را می رویاند، استخوان را محکم می کند وخوراک پیامبران است. واگر مبتلایان به بلغم وصفرا، صبح ناشتا سه کف از سویق خشک بخورند بلغم وصفرای آنها برطرف می شود».

سپس در مورد قاووت (5) فرمود: «قاووتِ خشک، پیسی را برطرف می کند

واگر همراه با روغن زیتون خورده شود، گوشت بدن را می رویاند واستخوان را

1- مکارم الأخلاق، ص 29.

2- کافی، ج 6، ص 305، باب خبز الارز، ح 2.

3- کافی، ج 6، ص 305، باب خبز الأُرز، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 154.

4- کافی، ج 6، ص 305، باب الأسوقه، ح 1.

5- «قاوُوت» یا «قاوُت» واژه ای است ترکی، به معنای آرد نخود که با قهوه وشکر، یا قند کوبیده ومخلوطمی کنند وبیشتر آن را در سوگواری ها می خورند (فرهنگ عمید).

محکم وپوست را لطیف ونازک وقدرت آمیزش را زیاد می کند». (1)

3. در سخنی دیگر فرمود: «سویق هفتاد بلا را از بین می برد وهر که چهل صبح آن را بخورد بازوانش پرقدرت خواهد شد». (2)

4. و در گفتاری دیگر فرمود: «سویق عطش تشنگی را زایل ومعده را پرقدرت وپاک می کند وصفرا را فرو می نشاند وهیجان خون وحرارت را برطرف کرده ودرمان هفتاد درد است». (3)

5. در روایتی صحیح آمده است که امام محمّد تقی علیه السلام فرمود: «زنی که خون عادت ماهیانه اش قطع نمی شود سویق بخورد تا خون قطع گردد». (4)

گوشت وانواع آن

اشاره

1. در روایتی صحیح ومعتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «بهترین غذاها در دنیا وآخرت گوشت (مخصوصاً گوشت سفید) است. مگر نشینده ای که خداوند در وصف بهشت فرماید: وَلَحْمِ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ؛ وگوشت پرنده از هر نوع که بخواهند». (5)

2. در روایتی دیگر آمده است که عبدالأعلی ومسمع به امام صادق علیه السلام عرض کردند: از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که خداوند دشمن می دارد خانه ای را که پر از گوشت است! حضرت فرمود: «روایت صحیح است، ولی معنای آن این نیست که فهمیده اند، بلکه منظور حضرت این است که خداوند دشمن می دارد خانه ای که گوشت مردم را به سبب غیبت کردن بخورند». (6)

1- محاسن، ص 488، ح 555، 557 و559؛ کافی، ج 6، ص 305، باب الاسوقه، ح 2 الی 4؛ ص 306، ح 6-8.

2- محاسن، ص 489، ح 564؛ کافی، ج 6، ص 306، ح 11 و12.

3- کافی، ج 6، ص 307، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 193.

4- کافی، ج 6، ص 307، ح 2؛ مکارم الأخلاق، ص 193.

5- سوره واقعه، آیه 21. محاسن، ص 460، ح 405؛ کافی، ج 6، ص 308، ح 1.

6- محاسن، ص 460، ح 410؛ کافی، ج 6، ص 308، ح 5.

3. و در حدیث است که امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله بسیار گوشت می خورد وآن را بسی دوست می داشت». (1)

4. ونیز در روایتی فرمود: «پدرم گوشت را بسیار دوست داشت وروزی که از دنیا رفت، سی درهم برای خریدن گوشت جدا کرده بود». (2)

5. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ما قریشیان، گوشت را دوست می داریم». (3)

6. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «خوردن گوشت موجب رویش گوشت در بدن می شود وهر که چهل روز گوشت نخورَد بداخلاق می شود وهر که بد اخلاق شود باید در گوشش اذان بگویند». (4)

7. در روایتی دیگر فرمود: «هر که چهل روز بر او بگذرد وگوشت نخورد، بر خدا توکّل کند وقرض بگیرد وگوشت بخورد که قرضش ادا می شود». (5)

گوشت گوسفند

1. در روایتی صحیح ومعتبر آمده است که کسی خدمت امام رضا علیه السلام عرض کرد: اهل خانه ما گوشت گوسفند نمی خورند زیرا معتقدند سودا را به حرکت درمی آورد وبر اثر آن، سردرد ودردهای دیگری تولید می شود. حضرت فرمود : «اگر گوشتی بهتر از گوشت گوسفند وجود داشت، خداوند فِدای اسماعیل را گوسفند قرار نمی داد». (6)

1- محاسن، ص 461، ح 412؛ کافی، ج 6، ص 309، ح 7.

2- محاسن، ص 461، ح 411؛ کافی، ج 6، ص 309، ح 8.

3- محاسن، ص 461، ح 413؛ کافی، ج 6، ص 309، ح 9.

4- محاسن، ص 465، ح 433؛ کافی، ج 6، ص 309، ح 1.

5- کافی، ج 6، ص 309، ح 3؛ مکارم الأخلاق، ص 159.

6- کافی، ج 6، ص 310، ح 2؛ مکارم الأخلاق، ص 159.

2. در احادیث فراوانی آمده است که: حضرت رسول صلی الله علیه و آله گوشت دست وکتف گوسفند را دوست می داشت واز گوشت ران گوسفند کراهت داشت، زیرا نزدیک محلّ بول گوسفند است. (1)

3. در چندین روایت آمده است که: حضرت آدم علیه السلام گوسفندی برای پیامبران از فرزندان خود قربانی کرد. هر عضوی از گوسفند را به پیامبری اختصاص داد ودست آن را برای پیامبر آخرالزّمان برگزید. بدین علّت رسول مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله دست گوسفند را دوست می داشت وبر دیگر اعضای آن ترجیح می داد. (2)

گوشت گاو و گاومیش

1. از امام محمّد باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بنی اسرائیل از بیماری پیسی که درمیان آنهاشایع شده بود به حضرت موسی علیه السلام شکایت کردند. خداوند به پیامبرش وحی کرد که به آنها دستور بده گوشت گاو را با چغندر بخورند». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آبگوشت گاو پیسی را از بین می برد. (4) وشیر گاو دوا وروغن گاو شفا وگوشت گاو درد است» (شاید

منظور، زیاده روی در خوردن گوشت گاو است). (5)

3. از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن گوشت وشیر وروغن به دست آمده از گاومیش اشکالی ندارد». (6)

1- کافی، ج 6، ص 315، ح 3.

2- محاسن، ص 470، ح 459؛ کافی، ج 6، ص 315، ح 1.

3- كافى، ج 6، ص 310، باب لحم البقر، ح 1؛ مكارم الأخلاق، ص 160.
4- كافى، ج 6، ص 311، ح 2؛ مكارم الأخلاق، ص 160.
5- كافى، ج 6، ص 311، ح 3؛ مكارم الأخلاق، ص 159.
6- كافى، ج 6، ص 313، باب لحوم الجواميس، ح 1.

گوشت کبوتر، درّاج وکبک

1. از حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چرا از کبوتری که تازه به دنیا آمده باشد وفرد خوش سلیقه ای آن را خوب تربیت کرده باشد استفاده نمی کنید». (1)

2. در احادیث معتبر آمده است: «هر که می خواهد خشمش کم واندوهش زایل شود، گوشت درّاج بخورد». (2)

3. از امام موسی کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گوشت کبک، ساق پا را قوی وتب را از انسان دور می کند». (3)

گوشت اِسفَرود، هَوبَرَه وگورخر

1. در روایتی صحیح می خوانیم که امام محمّد تقی علیه السلام فرمود: «گوشت اسفرود (4) مبارک است وپدرم آن را دوست می داشت ومی فرمود: برای هر که

زردی دارد بریان کنید وبه او بخورانید». (5)

2. از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن گوشت هوبره (6) اشکال ندارد وبرای درمان بواسیر ودرد پشت سودمند است وبر قدرت

آمیزش می افزاید». (7)

1- محاسن، ص 474، ح 475؛ کافی، ج 6، ص 312، ح 1.

2- کافی، ج 6، ص 312، ح 3؛ مکارم الأخلاق، ص 161.

3- کافی، ج 6، ص 312، ح 4؛ مکارم الأخلاق، ص 161.

4- «اِسْفَرود» پرنده ای است کوچک وسیاهرنگ که آن را سنگخوار هم می گویند، به عربی «قطاه» گفته می شود(فرهنگ عمید).

5- کافی، ج 6، ص 312، ح 5؛ مکارم الأخلاق، ص 161.

6- «هَوْبَرَ» پرنده ای است وحشی وحلال گوشت، بزرگ تر از مرغ خانگی، دارای گردن دراز وبال های زرد رنگخالدار که در عربی به آن «حباری» گویند ودر بلاهت به آن مثل می زنند. در فارسی ابره، تودره، جرز، چرز،وجرد هم گفته شده وآن را برای گوشتش شکار می کنند (فرهنگ عمید).

7- کافی، ج 6، ص 313، ح 6؛ مکارم الأخلاق، ص 161.

3. در حدیث است که از حضرت امام رضا علیه السلام در مورد گوشت گورخر پرسیدند. حضرت فرمود: «چون وحشی است (1) خوردن آن جایز، ولی نخوردنش بهتر است». (2)

گوشت خام

1. در حدیثی می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از خوردن گوشت خام نهی کرد وفرمود: «این، کار حیوانات درنده است وتا با آفتاب یا آتش پخته نشده، نباید آن را خورد». (3)

2. در حدیثی صحیح ومعتبر آمده است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: خوردن گوشت خام چه حکمی دارد؟ فرمود: «غذای درندگان است». (4)

گوشت خشک

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سه چیز خوردنی نیست، ولی انسان را فربه می کند: پوشیدن پیراهن کتان، استعمال بوی خوش، استفاده از نوره برای ازاله موهای زاید بدن. وسه چیز خوردنی است، ولی انسان را لاغر می کند: گوشت خشک، پنیر، شکوفه خرما. ودو چیز است که به همه چیز نفع می رساند وبه هیچ چیز ضرر نمی زند: آب نیم گرم وانار». (5)

2. در روایات بسیاری از گوشت قدید که در سایه خشک کرده باشند نهی شده، چرا که دردها را به حرکت درآورده ومعده را سست می کند. (6) هر چند در

1- یعنی مانند الاغ اهلی نیست که گوشت آن مکروه باشد.

2- کافی، ج 6، ص 313، ح 1.

3- کافی، ج 6، ص 313، ح 1.

4- کافی، ج 6، ص 314، ح 2.

5- محاسن، ص 463، ح 426؛ کافی، ج 6، ص 315، ح 7.

6- کافی، ج 6، ص 314، ح 3 و4.

برخی روایات خوردن آن جایز شمرده شده است. (1)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سه چیز بدن انسان را فاسد کرده وبسا موجب مرگ انسان شود: خوردن گوشت قدید بدبو، حمّام رفتن با شکم پر وآمیزش با زنان پیر». (2)

گوشت ماهی ومرغ

1. از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گوشت ماهی بخوریدکه اگربدون نان خورده شود کافی است واگر با نان بخورید گواراست». (3)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «ماهی تازه چربی بدن را آب می کند». (4)

3. در حدیث است که کسی به امام حسن عسکری علیه السلام نوشت: اگر حجامت کنم صفرا به هیجان می آید واگر آن را ترک کنم خون بدن آزارم می دهد چه کنم؟ فرمود: «حجامت کن وپس از آن ماهی تازه که با آب ونمک کباب کرده باشند بخور». او به دستور امام عمل کرد وهمواره در عافیت وتندرستی بود. (5)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که هر شب ماهی بخورد وپس از آن خرما یا عسل نخورد، رگ فالج در بدنش تا صبح متحرّک است». (6)

5. در حدیثی دیگر فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله هرگاه ماهی تناول می کرد، می فرمود: اللّهُمَّ بارِکْ لَنا فِیهِ وَاَبْدِلْنا بِهِ خَیْرآ مِنْهُ». (7)

1- محاسن، ص 463، ح 423؛ کافی، ج 6، ص 314، ح 1 و2.

2- کافی، ج 6، ص 314، ح 6؛ مکارم الأخلاق، ص 160.

3- محاسن، ص 475، ح 479؛ کافی، ج 6، ص 323، ح 4.

4- کافی، ج 6، ص 323؛ مکارم الأخلاق، ص 161.

5- کافی، ج 6، ص 323، ح 5.

6- محاسن، ص 477، ح 490؛ کافی، ج 6، ص 323، ح 1.

7- ترجمه: «پروردگارا، برکاتت را در این طعام (ماهی) بر ما نازل فرما وبهتر از آن به ما عنایت کن». کافی، ج 6،ص 323، ح 2؛ مکارم الأخلاق، ص 162.

6. در حدیث است که عبدالأعلی می گوید: روزی خدمت حضرت صادق علیه السلام غذا می خوردم، مرغی آوردند که شکمش را از خرما وروغن پر کرده بودند. (1)

غذاهای گوشتی

شیر گوشت وآبگوشت

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گوشتی که با شیر پخته باشند آبگوشت پیامبران است». (2)

2. از حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه ضعف بر مسلمانی غلبه کند، گوشت را با شیر بپزد وبخورد». (3)

3. پیامبری از ضعف وسستی بدنش به خداوند متعال شکایت کرد، به او وحی رسید که: «گوشت را با شیر طبخ کن وبخور که بدن را قوی می کند». (4)

4. آبگوشتی که نان در آن ترید کنند در روایات بسیاری ستوده شده است. (5)

کباب وخوراک کلّه

1. احادیث معتبر بسیاری در مدح کباب آمده است که ضعف را زایل ورنگ بدن را سرخ می کند وتب را از بین می برد. (6)

2. در روایتی معتبر آمده است که روزی اصبغ بن نباته خدمت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام رسید. گوشت بریانی نزد آن حضرت نهاده بودند. فرمود :

1- محاسن، ص 408، ح 127؛ کافی، ج 6، ص 321، باب الحلواء، ح 1.

2- محاسن، ص 468، ح 447؛ کافی، ج 6، ص 316، ح 1 و3.

3- محاسن، ص 467، ح 444؛ کافی، ج 6، ص 316، ح 2.

4- کافی، ج 6، ص 316، ح 4؛ مکارم الأخلاق، ص 159.

5- کافی، ج 6، ص 317، ح 3 و4 و5 وص 318، ح 8؛ مکارم الأخلاق، ص 164.

6- کافی، ج 6، ص 318، ح 2، ص 319، ح 3 و4؛ مکارم الأخلاق، ص 164.

«نزدیک بیا واز این گوشت بخور». عرض کرد: یا امیرالمؤمنین برای من ضرر دارد. حضرت فرمود: «دعایی به تو تعلیم می دهم که اگر آن دعا را بخوانی هیچ چیز به تو ضرر نمی رساند. بگو: بِسْمِ اللّهِ خَیْرِ الاْسْماءِ مِلأْ الأرْضِ وَالسَّماءِ، اَلرَّحْمنِ الرَّحیمِ، الَّذی لا یَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَیْءٌ وَلا داءٌ». (1)

3. مدح کلّه نیز در احادیث وارد شده، چرا که محلّ تذکیه وقربانی است واز همه اعضای بدن حیوان به چراگاه نزدیک تر واز کثافات دورتر است. (2)

غذاهای غیر گوشتی

آش انار وحلیم

1. در روایتی معتبر آمده است که: محبوب ترین غذاها نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله، آش انار بود. (3)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حلیم بخورید که تا چهل روز قوّت وقدرت بر عبادت می دهد واز جمله غذاهایی است که خداوند جهانیان بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرو فرستاد». (4)

3. از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یکی از پیامبران از ضعف قدرت آمیزش به خداوند شکایت کرد. خداوند برای برطرف شدن این مشکل، به وی سفارش کرد حلیم بخورد». (5)

1- ترجمه: «به نام خدایی که نامش بهترین نامهاست؛ به اندازه ظرفیّت زمین و آسمان. (خدای) بخشندهومهربانی که با نام او هیچ درد وچیز دیگری به انسان زیان نمی رساند». محاسن، ص 469، ح 452؛ کافی،ج6، ص 318، ح 1.

2- کافی، ج 6، ص 319، ح 5؛ مکارم الأخلاق، ص 163.

3- محاسن، ص 401، ح 91؛ کافی، ج 6، ص 316، ح 5.

4- محاسن، ص 404، ح 804؛ کافی، ج 6، ص 319، ح 1.

5- محاسن، ص 403، ح 102؛ کافی، ج 6، ص 319، ح 2.

مثلثه وحلوا وپالوده

1. «مثلثه» غذایی است که از یک پیمانه برنج ویک پیمانه نخود ویک پیمانه باقلا تهیّه می شود؛ به این ترتیب که این هر سه را می کوبند وسپس می پزند وگاه به جای باقلا، دانه دیگری می نهادند؛ چنین غذایی در روایات اسلامی مدح

شده است. (1)

2. در حدیث است که هارون بن موفّق می گوید: روزی امام موسی بن جعفر علیهما السلام مرا فراخواند تا در خدمتش غذا بخورم. حلوای فراوانی آورده بودند. گفتم: چقدر حلوا! حضرت فرمود: «ما وشیعیان ما از شیرینی آفریده شده ایم، لذا حلوا را دوست داریم». (2)

3. «تلبین» نیز در روایات ستوده شده است وآن حلوای رومی است که از آرد وشیر وعسل ساخته می شود. (3)

4. در حدیث است که یونس بن یعقوب می گوید: ما در مدینه سکونت داشتیم. حضرت صادق علیه السلام کسی را نزد ما فرستاد که برای حضرتش پالوده درست کنیم وفرمود: «مقدار کمی بفرستید». ما ظرفی کوچک درست کردیم وبرای حضرت فرستادیم. (4)

تخم مرغ

1. از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تخم (مرغ) سبک است وخواصّ گوشت را دارد وضررهای آن را ندارد». (5)

1- کافی، ج 6، ص 320، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 163.

2- محاسن، ص 408، ح 126؛ کافی، ج 6، ص 321، ح 1.

3- محاسن، ص 405، ح 110؛ کافی، ج 6، ص 320، ح 2.

4- محاسن، ص 408، ح 830؛ کافی، ج 6، ص 321، ح 4.

5- محاسن، ص 481، ح 512 و513؛ کافی، ج 6، ص 324، ح 1.

2. کسی به امام رضا علیه السلام از کمی فرزند شکایت کرد. حضرت فرمود: «استغفار کن وتخم مرغ را با پیاز بخور». (1)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پیامبری از پیامبران الهی از کمی فرزندبه خداشکایت کرد.به اووحی رسیدکه تخم (مرغ) با گوشت بخور». (2)

4. در سخنی دیگر فرمود: «زرده تخم (مرغ) سبک وسفیده اش سنگین است». (3)

5. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زیاد تخم مرغ خوردن، فرزند را زیاد می کند». (4)

لبنیات

شیر

1. کسی به امام باقر علیه السلام از ضعف بدن شکایت کرد. حضرت فرمود: «شیر بخور که گوشت را می رویاند واستخوان را محکم می کند». (5)

2. از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس صاحب فرزند نمی شود شیر با عسل بخورد». (6)

3. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شیر خوراک پیامبران است». (7)

4. کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید وعرض کرد: با خوردن شیر اذیّت شدم.

1- محاسن، ص 481، ح 509؛ کافی، ج 6، ص 324، ح 2.

2- محاسن، ص 481، ح 508؛ کافی، ج 6، ص 324، ح 3.

3- محاسن، ص 481، ح 514؛ کافی، ج 6، ص 325، ح 5.

4- محاسن، ص 481، ح 510؛ کافی، ج 6، ص 325، ح 4.

5- محاسن، ص 492، ح 582؛ کافی، ج 6، ص 336، ح 7.

6- محاسن، ص 492، ح 583؛ کافی، ج 6، ص 337، ح 8.

7- محاسن، ص 491، ح 575؛ کافی، ج 6، ص 336، ح 6.

حضرت فرمود: «شیر آسیبی به بدن انسان نمی رساند، (شاید) با شیر چیز دیگری خورده ای که آن باعث آزار تو شده است». (1)

شیر گاو وشتر

1. در روایتی معتبر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «از شیر گاو استفاده کنید که از همه درختان تغذیه می کند وخاصیّت همه گیاهان در شیر آن هست». (2)

2.ازحضرت امیرالمؤمنین علیه السلامروایت شده است که فرمود:«شیرگاودواست». (3)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «شیر گاو برای ناراحتی های معده مفید است». (4)

4. از حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شیر شتر شفای همه دردهاست». (5)

5. در حدیثی آمده است که هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله شیر می خورد می فرمود : «اَللّٰهُمَّ بارِکْ لَنا وَزِدْنا مِنْهُ». (6)

ماست وپنیر

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس می خواهد ماست به او آسیبی نرساند آن را با زنیان (7) تناول کند». (8)

1- کافی، ج 6، ص 336، ح 4؛ مکارم الأخلاق، ص 193.
2- محاسن، ص 493، ح 588؛ کافی، ج 6، ص 337، ح 3.
3- کافی، ج 6، ص 337، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 193.

4- کافی، ج 6، ص 337، ح 2.

5- محاسن، ص 493، ح 587؛ کافی، ج 6، ص 338، ح 2.

6- ترجمه: «خدایا، آنچه را آشامیدیم بر ما مبارک گردان واز آن نعمت بر ما بیفزا». محاسن، ص 491، ح 576؛کافی، ج 6، ص 336، ح 1.

7- «زنیان» تخمی است زرد رنگ وخوشبو وطعم آن اندکی تند وتلخ است. گاه آن را روی نان می ریزند.جوانی، نانخواه، زینان، زینیان وساسم هم گفته شده است (فرهنگ عمید).

8- کافی، ج 6، ص 338، باب الماست، ح 1.

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پنیر را دوست می دارم». (1)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «خوردن پنیر به هنگام صبح مضرّ است، امّا در شب نافع وسودمند است وموجب تولّد فرزند می شود». (2)

4. در چندین حدیث آمده که: اگر پنیر ومغز گردو را با هم بخورید دواست، ولی هر یک به تنهایی درد است. (3)

دیگر موادّ غذایی

سرکه

1. روایات بسیاری در مدح سرکه وارد شده (4) ، از جمله این که: سرکه خوراک

پیامبران است. وروایت شده است که: بهترین نان خورش ها برای رسول خدا صلی الله علیه و آله سرکه بود؛ به همین علّت فرمود: «خانه ای که در آن سرکه باشد خالی از نان خورش نیست». (5)

2. از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سرکه نان خورش نیکویی است، صفرا را فرو می نشاند ودل را زنده می کند». (6)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سرکه ای که از شراب درست شده (یعنی شراب به سرکه تبدیل شده) باشد، کرم معده را می کشد وریشه دندان را محکم وعقل را قوی وشهوت را قطع می کند». (7)

1- محاسن، ص 495، ح 596؛ کافی، ج 6، ص 339، ح 1.

2- کافی، ج 6، ص 340، ح 3.

3- کافی، ج 6، ص 340، باب الجِبن وَالجَوز، ح 3؛ مکارم الأخلاق، ص 189.

4- کافی، ج 6، ص 329، ح 1 - 4؛ مکارم الأخلاق، ص 189.

5- کافی، ج 6، ص 329، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 189.

6- محاسن، ص 486، ح 547؛ کافی، ج 6، ص 329، ح 7.

7- انگور معمولاً نخست تبدیل به شراب وپس از مدّتی تبدیل به سرکه می شود. محاسن، ص 487، ح 550؛کافی، ج 6، ص 330، ح 9.

4. و در حدیثی دیگر فرمود: «بنی اسرائیل در ابتدا وانتهای غذای خود سرکه می خوردند وما در اوّل غذا مقداری نمک ودر آخر آن سرکه می خوریم». (1)

روغن زیتون

1. در احادیث بسیار، خوردن روغن زیتون ومالیدن آن بر بدن سفارش شده است. (2)

2. در روایتی آمده است که: «زیتون نان خورش پیامبران وبرگزیدگان است». (3)

3. مدح وستایش میوه زیتون نیز در روایات بسیاری وارد شده است که میوه زیتون بادهای بدن را بیرون می کند. (4)

روغن گاو وعسل

1. در مدح روغن، به خصوص روغن گاو، احادیث بسیار است ولی برای بزرگسالان بالای پنجاه سال منع شده است. (5)

2. ونقل شده است که روغن گاو شفاست. (6)

3. به چند سند از ائمّه طاهرین علیهم السلام روایت شده است که فرمودند: «هیچ چیز مانند عسل شفابخش نیست. عسل شفای هر دردی است. خوردن عسل وتلاوت قرآن وجویدن کُندر، بلغم را می گدازد». (7)

1- کافی، ج 6، ص 320، ح 12.

2- محاسن، ص 484، ح 531، وص 485، ح 532؛ کافی، ج 6، ص 331، ح 1.

3- کافی، ج 6، ص 331، ح 4، ص 332، ح 6؛ مکارم الأخلاق، ص 191.

4- محاسن، ص 483، ح 526 وص 484، ح 527؛ کافی، ج 6، ص 331، ح 5.

5- کافی، ج 6، ص 335، ح 4.

6- محاسن، ص 498، ح 608؛ کافی، ج 6، ص 335، ح 1.

7- محاسن، ص 498، ح 610؛ کافی، ج 6، ص 332، ح 2.

شکر وگردو

احادیث فراوانی در مدح ووصف شکر وارد شده است. (1) منظور از شکر هر چیزی است که از شکر درست کنند مانند قند، نبات، نقل وجز اینها (البتّه شکر در زمان قدیم به صورتی سالم تر از امروز تهیّه می شد).

1. روایت شده است که امام کاظم علیه السلام هنگام خواب، شکر تناول می فرمود. (2)

2. و در روایت آمده است که شکر برای هر چیزی سودمند است وبلغم را برطرف می کند. (3)

3. در حدیث آمده است که اگر کسی هزار درهم داشته باشد وجز آن چیزی نداشته باشد وهمه را شکر خریداری کند، اسرافکار شمرده نمی شود. (4)

از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مغز گردو در تابستان، حرارت درونی انسان را به حرکت درآورده وباعث ایجاد دمل می شود ودر زمستان، کلیه ها را گرم وسرما را از بین می برد». (5)

دعای پس از خوردن وآشامیدن

1. در روایتی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله پس از هر خوردن ونوشیدنی به پیشگاه خدا عرض می کرد: «اَللّٰهُمَّ بارِکْ لَنا وَاَبْدِلْنا خَیْرآ مِنْهُ». (6)

1- کافی، ج 6، ص 333، ح 2 و3؛ مکارم الأخلاق، ص 167.

2- محاسن، ص 501، ح 624؛ کافی، ج 6، ص 332، باب السکر، ح 1.

3- محاسن، ص 501، ح 627؛ کافی، ج 6، ص 333، ح 4، ص 334، ح 10.

4- کافی، ج 6، ص 334، ح 8؛ مکارم الأخلاق، ص 168.

5- محاسن، ص 497، ح 603؛ کافی، ج 6، ص 340، ح 1.

6- ترجمه: «خداوندا، آنچه را خوردیم بر ما مبارک گردان وبهتر از آن را به ما عطا فرما». محاسن، ص 491،ح 576؛ کافی، ج 6، ص 336، ح 1.

سبزی ها ومیوه ها ودیگر خوراکی ها

سبزی ها

اشاره

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگز غذایی نزد حضرت علی علیه السلام ننهادند مگر اینکه سبزی خوردن در کنار آن بود». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «دل های مؤمنان سبز است وبه سبزی علاقه مند». (2)

کاسنی

1. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس شب بخوابد وهفت برگ کاسنی در معده اش باشد، آن شب از قولنج در امان است». (3)

2. نیز در سخنی فرمود: «کسی که دوست دارد مال وفرزندش زیاد شود، برگ کاسنی زیاد بخورد». (4)

3. در گفتاری دیگر فرمود: «کاسنی سبزی نیکویی است. هیچ برگی از کاسنی نیست مگر اینکه قطره ای از آب بهشت بر روی آن هست؛ پس، در هنگام خوردن آن را فشار ندهید که قطراتش بریزد». (5)

4. نیز در حدیثی فرمود: «کاسنی بهترین سبزی هاست. فرزندان را بسیار نیکو می کند وپسر می آورد». (6)

5. در گفته ای دیگر فرمود: «فضیلت کاسنی بر دیگر سبزی ها، مانند فضیلت ما بر سایر مخلوقات است». (7)

1- كافى، ج 6، ص 362، باب البقول، ح 2.

2- محاسن، ص 507، ح 652؛ كافى، ج 6، ص 362، باب البقول، ح 2.

3- محاسن، ص 509، ح 668؛ كافى، ج 6، ص 362، باب ما جاء فى الهندباء، ح 1.

4- كافى، ج 6، ص 363، ح 3؛ مكارم الأخلاق، ص 177.

5- كافى، ج 6، ص 363، ح 4؛ مكارم الأخلاق، ص 177.

6- كافى، ج 6، ص 363، ح 6؛ مكارم الأخلاق، ص 178.

7- محاسن، ص 509، ح 670؛ كافى، ج 6، ص 363، ح 7.

6. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کاسنی شفای همه دردهاست. هیچ دردی در بدن انسان نیست مگر اینکه کاسنی آن را از بیخ وبن قطع می کند». (1)

7. در حدیث است که حضرت رضا علیه السلام در مورد کسی که تب وسردرد داشت فرمود: «کاسنی را بکوبند وبر کاغذی پهن کنند وبر روی آن روغن بنفشه بریزند، سپس بر پیشانی اش بگذارند که تب وسردرد را قطع می کند». (2)

بادروج

1. از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کاسنی سبزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله وبادروج (3) سبزی امیرالمؤمنین علیه السلام وبرگ خرفه سبزی

حضرت فاطمه علیها السلام بوده است». (4)

2. در روایتی دیگر فرمود: «کاسنی وبادروج از ماست». (5)

3. در مورد بادروج احادیث بسیاری وارد شده است که باید اوّلِ غذا خورده شود و«سُدَّه» (6) را باز می کند وبر اشتها می افزاید وسل را از بین می برد وآروغ را

خوشبو می کند وانسان را نسبت به خوره، ایمن می سازد وچون در شکم قرار گیرد همه دردها را برطرف می کند. (7)

1- کافی، ج 6، ص 365، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 178.

2- کافی، ج 6، ص 363 ادامه حدیث 9؛ مکارم الأخلاق، ص 178.

3- «باذْروج» ریحان کوهی، نوعی ریحان، گیاهی است دارای برگ های ریز وگل های سرخ رنگ. به معنای گلبستان افروز هم گفته اند. بادرویه وبورنگ

وبوینگ هم گفته شده است (فرهنگ عمید).

4- کافی، ج 6، ص 363، ح 10.

5- کافی، ج 6، ص 368.

6- «سُدَّه» در اصطلاح طب به چیزی گفته می شود که در روده گیر کرده وسدّ راه می شود (فرهنگ عمید).

7- کافی، ج 6، ص 364، ح 3 و4؛ مکارم الأخلاق، ص 179.

تره

1. در روایتی معتبر آمده است که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در مورد کسی که طحالش دچار عارضه شده بود فرمود: «سه روز به او تره بخورانید خوب می شود». به فرمایش امام عمل کردند واو بهبود یافت. (1)

2. از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تره بخورید

که چهار خاصیّت در آن است: بوی بد دهان را برطرف، بادهای بدن را

بیرون، بواسیر را قطع می کند وهر کس مداومت بر آن کند از خوره در امان خواهد بود». (2)

3. در روایت آمده است که: حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام تره را با نمکِ ساییده تناول می فرمود. (3)

تره تیزک (سبزی شاهی) وکرفس

1. در حدیث است که خادم امام کاظم علیه السلام می گوید: هرگاه حضرت دستور می داد سبزی بخریم می فرمود تره تیزک هم بخرید ومی فرمود: «برخی مردم چقدر احمق اند که می گویند تره تیزک در کنار رودخانه جهنّم می روید، در حالی که خداوند فرماید: آتش افروز جهنّم، مردم وسنگ بت ها یا سنگ کبریت است (4) ،

پس چگونه ممکن است سبزی در جهنّم بروید». (5)

2. در روایتی معتبر آمده، امام صادق علیه السلام از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آورده

1- کافی، ج 6، ص 365، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 178.

2- محاسن، ص 510، ح 678؛ کافی، ج 6، ص 365، ح 4.

3- کافی، ج 6، ص 336، ح 8؛ مکارم الأخلاق، ص 178.

4- سوره بقره، آیه 24؛ سوره تحریم، آیه 6.

5- برخی این روایت را حمل بر تقیّه کرده اند. محاسن، ص 518، ح 719؛ کافی ،ج 6، ص 368، ح 4.

است که فرمود: «کرفس بخورید که خوراک حضرت الیاس ویسع ویوشع بن نون : بوده است». (1)

گشنیز وبرگ خرفه

1. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن سیب ترش وگشنیز حافظه را کم می کند». (2)

2. از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سبزی ای شریف تر وسودمندتر از خرفه بر روی زمین نیست وآن سبزی حضرت فاطمه علیها السلام است». (3)

کاهو وبرگ چغندر

1. در حدیثی دیگر فرمود: «کاهو بخورید که خون را صاف می کند». (4)

2. از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «به بیمارانتان برگ چغندر بخورانید که در آن شفاست. دردی در آن نیست وضرری ندارد. بیمار را به خوابِ راحت می برد وریشه چغندر، سودا را به حرکت درمی آورد». (5)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «چیزی مانند برگ چغندر وارد شکم صاحب ذاتُ الْجَنب (6) نشده است». (7)

1- محاسن، ص 515، ح 705؛ کافی، ج 6، ص 366، باب الکرفس، ح 1.

2- کافی، ج 6، ص 366، باب الکزبره، ح 1.

3- کافی، ج 6، ص 367، باب الفرفخ، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 180.

4- محاسن، ص 514، ح 703؛ کافی، ج 6، ص 367، باب الخس، ح 1.

5- کافی، ج 6، ص 369، ح 4.

6- به ورم پرده درونی پهلو که باعث درد پهلو وتب وتنگی نفس وسرفه می شود، ذات الجنب می گویند(فرهنگ عمید) ودر فارسی امروز به آن سینه پهلو گفته می شود.

7- کافی، ج 6، ص 369، ح 5؛ مکارم الأخلاق، ص 181.

چغندر

1. از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند بیماری خوره را از یهودیان با خوردن چغندر وبیرون آوردن رگ های گوشت دور کرد». (1)

2. از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چغندر، سبزی نیکویی است». (2)

کدو و ترب

1. در چندین روایت آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله کدو را دوست می داشت (3) وبه همسرانش سفارش می کرد که در غذا بسیار کدو بریزند». (4)

2. ودر حدیثی آمده است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام سفارش کرد: «کدو فراوان بخور که عقل انسان را بسیار می کند». (5)

3. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ترب سه خاصیّت دارد : برگش بادهای بدن را بیرون وتخمش غذا را هضم وریشه اش بلغم را قطع می کند». (6)

4. ودر حدیثی دیگر فرمود: «برگش مدرّ است». (7)

5. ودر سخنی دیگر فرمود: «تخمش (نیز) مدرّ است». (8)

1- کافی، ج 6، ص 369، باب السلق، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 181.

2- محاسن، ص 520، ح 726؛ کافی، ج 6، ص 369، ح 2.

3- محاسن، ص 521، ح 734؛ کافی، ج 6، ص 370، باب الکماه، ح 2.

4- محاسن، ص 521، ح 736؛ كافى، ج 6، ص 371، ح 6.

5- محاسن، ص 521، ح 732؛ كافى، ج 6، ص 371، ح 7.

6- كافى، ج 6، ص 371، باب الفجل، ح 2؛ مكارم الأخلاق، ص 182.

7- محاسن، ص 524، ح 748؛ كافى، ج 6، ص 371، دنباله ح 2.

8- كافى، ج 6، ص 371، ح 1.

گزر (هویج، زردک) وشلغم

1. در روایتی معتبر از امام ششم وهفتم علیهما السلام آمده است که فرمودند: «خوردن هویج بر قدرت آمیزش می افزاید واز قولنج امان می دهد وبواسیر را درمان می کند». (1)

2. در چهار حدیث صحیح ومعتبر آمده است که: شلغم بخورید وبر آن مداومت کنید، زیرا شلغم زمینه بیماری خوره را که در همه هست از بین می برد. (2)

خیار وبادمجان

1. در حدیثی معتبر آمده است که: حضرت رسول صلی الله علیه و آله خیار را با نمک

تناول می کرد. (3)

2. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خیار را از ته آن بخورید که باعث برکت می شود». (4)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «بادمجان بخورید که درد را می برد وبا آن

دردی نیست». (5)

احادیث فراوانی در مدح بادمجان ومنافع آن وارد شده است. (6)

پیاز

1. در چندین روایت از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود: «پیاز بوی بد دهان را از بین می برد، بلغم را زایل می کند، سستی ودرماندگی را برطرف می سازد،

1- كافى، ج 6، ص 372، باب الجزر، ح 2؛ مكارم الأخلاق، ص 184.
2- كافى، ج 6، ص 372، باب السلجم، ح 1 - 4؛ مكارم الأخلاق، ص 181.
3- كافى، ج 6، ص 373، باب القثاء، ح 1؛ مكارم الأخلاق، ص 185.
4- كافى، ج 6، ص 373، باب القثاء، ح 2؛ مكارم الأخلاق، ص 185.
5- محاسن، ص 526، ح 757؛ كافى، ج 6، ص 373، باب الباذنجان، ح 1.
6- كافى، ج 6، ص 373، باب الباذنجان، ح 2 و3؛ مكارم الأخلاق، ص 183 و 184.

ریشه دندان ها را محکم می کند، بر قدرت آمیزش می افزاید، نسل را زیاد می کند، تب را قطع وپوست را لطیف می کند». (1)

2. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «به هر شهری سفر کردید پیاز همان شهر را بخورید که طاعون آن شهر را از شما دور می کند». (2)

3. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پیاز وتره را خام وپخته خوردن اشکالی ندارد، امّا هر که آن را می خورد وارد مسجد نشود که کراهت دارد، زیرا کسی که نزد او می نشیند (از بوی دهانش) اذیّت می شود». (3)

سیر وآویشن

1. در حدیثی امام محمّد باقر علیه السلام آورده است که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود : «هر کس سیر بخورد به خاطر بوی بد آن به مسجد نرود. امّا کسی که قصد ندارد به مسجد برود می تواند سیر بخورد». (4)

2. در احادیث در مدح آویشن آمده که: معده را تقویت می کند واگر صبح ناشتاآن رانرم کنندوبرروی زبان بریزندوبخورندرطوبت معده رااززبین می برد. (5)

قارچ

در روایتی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «قارچ جزءِ منّ (ترنجبین) است که بر بنی اسرائیل نازل شد. (6) ومنّ (ترنجبین) از بهشت آمده

وآبش شفای چشم است». (7)

1- کافی، ج 6، ص 374، باب البصل، ح 1 - 4؛ مکارم الأخلاق، ص 182.

2- کافی، ج 6، ص 374، باب البصل، ح 5؛ مکارم الأخلاق، ص 182.

3- کافی، ج 6، ص 375، باب الثوم، ح 2.

4- کافی، ج 6، ص 374، باب الثوم، ح 1.

5- کافی، ج 6، ص 375، باب اسعته، ح 1 و2.

6- در آیه 57 سوره بقره به این موضوع اشاره شده است.

7- کافی، ج 6، ص 370، باب الکماه، ح 2؛ محاسن، ص 527، ح 761.

میوه ها

انگور

1. در روایتی آمده است که یکی از پیامبران از اندوه به خدا شکایت کرد. وحی آمد که انگور بخور. (1)

2. در احادیث معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که حضرت نوح علیه السلام از کشتی فرود آمد مشاهده استخوان مرده ها، اندوهی بزرگ در وجودش پدید آورد. از این غم به خدا شکایت کرد. به او وحی رسید که انگور سیاه بخور تا اندوه تو زایل شود». (2)

3. در روایتی آمده است که امام سجّاد انگور را بسیار دوست می داشت. روزی روزه بود، هنگام افطار همسرش خوشه ای انگور برای آن حضرت آورد، در حالی که ابتدای فصل انگور بود. فقیری رسید وحضرت انگور را به او داد. زن به دنبال فقیر رفت وخوشه انگور را از وی خرید ونزد حضرت گذاشت. نیازمند دیگری از راه رسید وحضرت انگور را به او داد. بار دیگر آن زن در پی سائل رفت وانگور را از وی خرید ونزد حضرت نهاد. این کار چهار بار تکرار شد، تا امام در مرتبه چهارم انگور را تناول فرمود. (3)

4. در حدیث است که ابو عکاشه خدمت امام باقر علیه السلام رسید، انگوری نزد وی نهادند. حضرت فرمود: «کهنسالان وکودکان انگور را دانه دانه بخورند وهر که بترسد سیر نشود سه دانه وچهار دانه بخورد وتو دو دانه دو دانه بخور که مستحبّ است». (4)

1- کافی، ج 6، ص 351، ح 4؛ مکارم الأخلاق، ص 174.

2- محاسن، ص 548، ح 870، کافی، ج 6، ص 350، ح 2.

3- کافی، ج 6، ص 350، ح 3؛ مکارم الأخلاق، ص 174.

4- کافی، ج 6، ص 351، ح 6.

مویز (کشمش)

1. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس صبح ناشتا (پیش از صبحانه) بیست ویک دانه مویز سرخ بخورد، تمام بیماری هایش درمان می شود، جز مرگ». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کشمشِ طائف، عصب های بدن را محکم وانسان را شاد می کند وملالت وضعف را از بین می برد». (2)

انار

1. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «میوه صد وبیست نوع دارد وبهتر از همه انار است». (3)

2. در روایتی دیگر فرمود: «انار بخورید که گرسنه را سیر وغذای انسان سیر را هضم می کند». (4)

3. در سخنی دیگر فرمود: «هیچ میوه ای نزد پیامبر محبوب تر از انار نبود». (5)

4. در حدیثی صحیح ومعتبر می خوانیم که امام صادق فرمود: «انار شیرین بخورید که هیچ دانه ای از آن وارد معده مؤمن نمی شود مگر اینکه دردی را برطرف ووسوسه شیطان را از وی دور می کند». (6)

5. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس ناشتا (پیش از صبحانه) یک انار بخورد دلش تا چهل روز روشن باشد». (7)

1- محاسن، ص 548، ح 871؛ کافی، ج 6، ص 351، ح 1.

2- کافی، ج 6، ص 352، ح 4.

3- محاسن، ص 539، ح 821؛ کافی، ج 6، ص 352، ح 2.

4- محاسن، ص 540، ح 823؛ کافی، ج 6، ص 352، ح 1.

5- محاسن، ص 541، ح 833؛ کافی، ج 6، ص 352، ح 3.

6- محاسن، ص 545، ح 853؛ کافی، ج 6، ص 354، ح 10.

7- محاسن، ص 545، ح 847؛ کافی، ج 6، ص 353، ح 11.

6. در سخنی دیگر فرمود: «انار را با پیه آن (برگ نازکی که میان انبوه دانه های انار است) بخورید که معده را دبّاغی می کند وبر شعور آدمی می افزاید». (1)

7. ودر گفتاری دیگر فرمود: «انار ترش وشیرین برای بدن شایسته تر است». (2)

سیب

1. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «سیب معده را

جلا می دهد». (3)

2. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سیب برای از بین بردن

اثر زهر، سحر، استیلای اجنّه، غلبه بلغم مؤثّر است وهیچ چیز نفعش از آن

بیشتر نیست». (4)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «سه چیز است که ضرری نمی رساند: انگور رازقی، نیشکر، سیب». (5)

4. در روایات معتبر آمده است که خوردن سیب، تب ورعاف (خون دماغ) وطاعون را درمان می کند. (6)

5. نیز در حدیثی معتبر آمده است که سویقِ سیبِ خشک، خون دماغ را

قطع می کند. (7)

6. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هیچ دوایی در از بین بردن

1- محاسن، ص 542، ح 839؛ کافی، ج 6، ص 354، ح 12.

2- محاسن، ص 543، ح 841؛ کافی، ج 6، ص 354، ح 14.

3- محاسن، ص 553، ح 900؛ کافی، ج 6، ص 355، ح 1.

4- محاسن، ص 553، ح 898؛ کافی، ج 6، ص 355، ح 2.

5- مکارم الأخلاق، ص 168.

6- محاسن، ص 551، ح 889 و552؛ کافی، ج 6، ص 355، ح 3 وص 356، ح 4.

7- کافی، ج 6، ص 356، ح 6.

زهر، بهتر از خوراک آرد سیب نیست». (1)

7. در سخنی دیگر فرمود: «اگر مردم بدانند چه منفعت هایی در سیب است بیماران خود را جز با آن معالجه نمی کنند». (2)

8. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سیب بخورید که معده را دبّاغی می کند». (3)

بِه

1. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن بِه، دل ضعیف را قوی، معده را پاکیزه وآدمی را زیرک ومرد ترسو را شجاع می کند». (4)

2. از حضرت صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: «بِه، رنگ را صاف وفرزند را نیکو می کند». (5)

3. در حدیثی معتبر آمده است که آن حضرت فرمود: «هر کس یک بِه بخورد، حق تعالی تا چهل روز حکمت را بر زبانش جاری می سازد». (6)

4. در سخنی دیگر فرمود: «خداوند هیچ پیامبری را نفرستاد مگر آنکه بوی بِه با او بوده است». (7)

ودر ادامه فرمود: «بِه، اندوه اندوهگین را می برد همان گونه که دست، عرق جبین را می گیرد». (8)

1- کافی، ج 6، ص 356، ح 7.

2- محاسن، ص 551، ح 891، کافی، ج 6، ص 356، ح 10.

3- کافی، ج 6، ص 357، ح 11.

4- محاسن، ص 550، ح 883؛ کافی، ج 6، ص 357، ح 1.

5- محاسن، ص 549، ح 873، کافی، ج 6، ص 357، ح 2.

6- محاسن، ص 548، ح 875؛ كافى، ج 6، ص 357، ح 5.

7- كافى، ج 6، ص 358، ح 6؛ مكارم الأخلاق، ص 172.

8- محاسن، ص 550، ح 884؛ كافى، ج 6، ص 358، ح 7.

5. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس ناشتا (پیش از صبحانه) بِهْ بخورد، نطفه اش پاکیزه وفرزندش خوشرو می شود». (1)

انجیر

1. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انجیر بوی بد دهان را برطرف واستخوان را محکم می کند ومو را می رویاند. وبا وجود آن، نیاز به داروی دیگری نیست وشبیه ترین میوه به میوه های بهشت است». (2)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انجیر، گرفتگی روده ها را درمان می کند وبرای بادهای قولنج، سودمند است. در روز بسیار بخورید ولی در شب زیاد نخورید». (3)

3. نیز روایت شده است که: «انجیر، بواسیر (4) ونقرس (5) را درمان می کند وبرقوّت آمیزش می افزاید». (6)

گلابی وآلو

1. در حدیثی با سند معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «گلابی بخورید که دل را جلا می دهد ودردهای درونی بدن را به امر وفرمان پروردگار ساکت می کند». (7)

1- محاسن، ص 549، ح 879؛ کافی، ج 6، ص 357، ح 3.

2- محاسن، ص 544، ح 903؛ کافی، ج 6، ص 358، ح 1.

3- طبّ الائمّه، ص 137.

4- «بواسیر» ورم دردناک رگ های مقعد است که گاه از آن خون می آید وبیشتر به سبب یبوست مزمن، یانشستن زیاد، به خصوص نشستن سر پا

تولید می شود وبا عمل جرّاحی معالجه می شود (فرهنگ عمید).

5- «نِقْرِس» ورم وآماس ودرد شدیدی است که در پا وبند انگشتان به خصوص شست پا بروز می کند (فرهنگعمید).

6- مکارم الأخلاق، ص 174.

7- کافی، ج 6، ص 358، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 175.

2. در حدیث معتبر دیگری آمده است که حضرت صادق علیه السلام فرمود: «گلابی معده را دبّاغی می کند وبه آن قوّت وقدرت می دهد وپس از غذا، نافع تر است از ناشتا خوردن». (1)

3. در روایتی دیگر فرمود: «گلابی برای درمان قولنج نافع است». (2)

4. در حدیث است که زیاد قندی می گوید خدمت امام موسی کاظم علیه السلام رسیدم. ظرفی آب نزد حضرت بود که در آن آلوی سیاه ریخته شده بود. حضرت فرمود: «حرارتی بر من مستولی وغالب شده بود. آلوی تازه، حرارت را فرو می نشاند وصفرا را ساکن می کند. وآلوی خشک، خون را ساکن کرده ودردهای کهنه را از بدن می کشد». (3)

ترنج وسنجد

1. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام از کسی پرسید: «اطبّای شما در مورد ترنج چه می گویند؟» عرض کرد: می گویند باید پیش از غذا خورد. حضرت فرمود: «من می گویم پس از غذا بخورید». (4)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «ترنج بخورید که آل محمّد آن را می خورند. (5)

ونان خشک، ترنج را هضم می کند». (6)

3. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله نگاه

1- کافی، ج 6، ص 358، ح 2.

2- روایتی به این مضمون یافت نشد؛ امّا در کافی (ج 6، ص 358) حدیثی به شرح زیر هست که قابل تطبیق برمضمون بالاست. امام صادق علیه

السلام فرمود: گلابى بخوريد كه قلب را جلا مى دهد وبيمارى ها ودردهاى داخليرا تسكين مى بخشد».

3- كافى، ج 6، ص 359، ح 1؛ مكارم الأخلاق، ص 175.

4- محاسن، ص 555، ح 909؛ كافى، ج 6، ص 359، ح 2.

5- محاسن، ص 555، ح 907؛ كافى، ج 6، ص 360، ح 3.

6- كافى، ج 6، ص 360، ح 4.

کردن به ترنج سبز وسیب سرخ را دوست می داشت». (1)

نکته: عرب به لیمو ونارنج هم ترنج می گوید.

4. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن مغز سنجد گوشت، پوستش پوست واستخوانش استخوان را می رویاند. خوردن سنجد کلیه ها را گرم ومعده را دبّاغی می کند. وانسان را از بواسیر وریزش بول حفظ می کند وساق پا را قوّت می دهد وریشه خوره را قطع می کند». (2)

خرما

1. در احادیث معتبر نقل شده که: «پنج میوه از بهشت آمده است: انار ملس، سیب شامی، بِهْ، انگور رازقی، رطب مشان». (3)

2. در روایتی معتبر آمده است که هرگاه چند نوع غذا برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله می آوردند که در میان آنها خرما بود، خوردن را از خرما آغاز می کرد. (4)

3.درحدیث است که حضرت علیّبن الحسین علیه السلام خرما را دوست می داشت. (5)

4. در حدیث است که سلیمان بن جعفر می گوید خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم. ظرفی از خرمایِ برنی نزد آن حضرت بود وامام با اشتها واشتیاق از آن تناول می کرد. فرمود: «سلیمان، نزدیک بیا واز این خرما بخور». عرض کردم: فدایت شوم بسیار جدّی واز روی اشتها تناول می کنید! فرمود: «آری، دوست دارم چرا که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وامیرالمؤمنین وامام حسن وامام حسین وامام زین العابدین وامام محمّد باقر وامام جعفر صادق وپدرم امام کاظم : همگی

1- کافی، ج 6، ص 360، ح 6.

2- کافی، ج 6، ص 361، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 176.

3- کافی، ج 6، ص 349، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 170.

4- محاسن، ص 531، ح 780؛ کافی، ج 6، ص 345، باب التمر، ح 2.

5- محاسن، ص 531، ح 784؛ کافی، ج 6، ص 345، ح 3.

خرما را دوست داشتند. من نیز خرما را دوست دارم وشیعیان ما هم دوست دارند، زیرا شیعیان ما از طینت ما خلق شده اند. ودشمنان ما شراب را دوست دارند، زیرا آنها از آتش خلق شده اند». (1)

5. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس روزی هفت دانه خرمای عجوه که از خرماهای اطراف مدینه است، ناشتا (پیش از صبحانه) بخورد، هیچ زهر وسِحر وشیطانی به او آسیب نمی رسانَد». (2)

6. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس به هنگام خواب، هفت دانه خرمای عجوه بخورد، کرم های شکمش از بین می رود». (3)

7. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دود چوب درخت خرما، حشرات وگزندگان زمین را دور می کند». (4)

خربزه

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خربزه بخورید که دارای ده ویژگی است: زیانی ندارد، خوردنی است (جنبه غذایی دارد)، آشامیدنی است (مایع مورد نیاز بدن را تأمین می کند)، میوه است، گل است (خاصیّت میوه وگل را دارد)، نوعی موادّ شوینده محسوب می شود ودهان را پاک می کند، نانِ خورش است، بر قدرت آمیزش می افزاید، مثانه را شسته وسنگ مثانه را از طریق ادرار دفع می کند». (5)

2. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن خربزه پیش از

1- کافی، ج 6، ص 345، ح 6.

2- محاسن، ص 532، ح 789؛ کافی، ج 6، ص 349، ح 19.

3- محاسن، ص 533، ح 791؛ کافی، ج 6، ص 349، ح 20.

4- محاسن، ص 545، ح 857؛ کافی، ج 6، ص 355، ح 18.

5- خصال، ج 2، ص 210، ح 26؛ مکارم الأخلاق، ص 185.

صبحانه موجب فلج شدن است». (1)

3. در حدیثی آمده است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، خربزه را با رطب تناول می کرد واین کار را دوست می داشت. (2)

آداب میوه خوردن

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام میوه خوردن بسم الله بگوید آسیبی به وی نمی رسد». (3)

2. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله میوه تازه (نوبر) می دید، آن را می بوسید وبر هر دو دیده می نهاد ومی فرمود: اَللّٰهُمَّ کَما اَرَیْتَنا اَوَّلَها فی عافِیَهٍ فَاَرِنا آخِرَها فی عافِیَهٍ». (4)

3. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «کندن پوست میوه ها(یی که با پوست قابل خوردن است) کراهت دارد». (5)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «بر روی هر میوه ای زهری است، آن را پیش از خوردن بشویید». (6)

5. در روایتی معتبر آمده است که از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام پرسیدند : انجیر وخرما ودیگر میوه ها(ی مانند آن) را دو تا دو تا خوردن چه حکمی دارد؟ فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله از این کار نهی کرد؛ پس اگر تنها باشید به هر صورت که بخواهید بخورید واگر با جمعی از مسلمانان می خورید چنین نکنید

1- کافی، ج 6، ص 361، باب البطیخ، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 185.

2- کافی، ج 6، ص 361، باب البطیخ، ح 1 - 5؛ مکارم الأخلاق، ص 185.

3- مکارم الأخلاق، ص 170.

4- ترجمه: «پروردگارا، همان گونه که در ابتدای فصل، این میوه را در حال عافیت به ما دادی، تا انتهای فصل آنرا در حال عافیت به ما عنایت فرما». مکارم الأخلاق، ص 146 و170.

5- محاسن، ص 556، ح 912؛ کافی، ج 6، ص 350، ح 3.

6- محاسن، ص 556، ح 913؛ کافی، ج 6، ص 350، ح 4.

ویک دانه یک دانه بخورید». (1)

6. در روایتی معتبر آمده است که روزی حضرت رضا علیه السلام دید خادمانش میوه ای را نیم خورده، دور انداخته اند. فرمود: «سبحان الله، اگر شما بی نیاز شده اید، دیگران بی نیاز نیستند، آن را به کسی که نیاز دارد بدهید». (2)

7. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «باید انگور وانار را با دو دست خورد». (با یک دست بگیرند وبا دست دیگر بخورند). (3)

حبوبات

برنج

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برنج غذای نیکو وخوبی است. روده ها را باز وبواسیر را درمان می کند». (4)

2. در چند حدیث آمده است که: ما بیماران خود را با برنج مداوا می کنیم. (5)

3. در حدیث است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید واز درد شکم شکایت کرد. حضرت فرمود: «برنج را بشوی ودر سایه خشک کن واندکی از آن را بریان کن ونرم بکوب وهر صبح یک کف دست از آن بخور». (6)

4. در روایتی دیگر آمده است که: آن حضرت دل درد داشت، دستور داد برنج را با سماق بپزند وچون تناول کرد، درد برطرف شد. (7)

1- محاسن، ص 442، ح 311؛ علل الشرایع، ج 2، ص 519، باب 294، ح 1.

2- محاسن، ص 441، ح 304؛ كافى، ج 6، ص 297، ح 8.

3- محاسن، ص 556، ح 914؛ مكارم الأخلاق، ص 174.

4- محاسن، ص 503، ح 634؛ كافى، ج 6، ص 341، ح 2.

5- كافى، ج 6، ص 342، ح 5.

6- محاسن، ص 503، ح 633؛ كافى، ج 6، ص 342، ح 6.

7- كافى، ج 6، ص 342، ح 7.

5. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای سل چیزی سودمندتر از نان برنج نیست». (1)

6. از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نان برنج برای مبتلایان به اسهال وسل مفید است ودردهارا از بدن می کشد». (2)

نخود بریان وعدس

1. در روایتی معتبر آمده است که حضرت رضا علیه السلام قبل وبعد از غذا، نخود بریان تناول می فرمود. (3)

2. در روایات معتبر وبسیاری آمده است که: خوردن عدس، دل را نرم واشک را جاری می کند. (4)

باقلا و لوبیا وماش

1. در حدیثی معتبر آمده است که: باقلا ساق پاها را پرمغز وقدرت مغز را زیاد وخون تازه تولید می کند. (5)

2. در روایتی دیگر آمده است که: باقلا را با پوست بخورید که معده را

دبّاغی می کند. (6)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن لوبیا بادهای درونی را بیرون می کند». (7)

1- کافی، ج 6، ص 305، ح 1.

2- کافی، ج 6، ص 305، ح 2.

3- محاسن، ص 505، ح 644؛ کافی، ج 6، ص 342، ح 1.

4- کافی، ج 6، ص 343، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 188.

5- محاسن، ص 506، ح 647، كافى، ج 6، ص 344، باب الباقلى واللوبيا، ح 1.

6- محاسن، ص 506، ح 650؛ كافى، ج 6، ص 344، باب الباقلى واللوبيا، ح 3.

7- كافى، ج 6، ص 344، ح 4.

4. کسی از بهق (1) به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود :

«ماش را پخته وبه غذایت اضافه کن وآن را بخور». (2)

خوردن خاک وگِل

1. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس گِل بخورد وبمیرد، در خون خود شریک است». (3)

2. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند حضرت

آدم علیه السلامراازخاک آفرید،به همین علّت خوردن خاک را بر فرزندان او حرام کرد». (4)

3. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بزرگ ترین دام های شیطان، خوردن خاک وگل است که دردهایی در بدن ایجاد می کند وموجب خارش بدن وبواسیر می شود ودردهای سوداوی معلول آن است وقوّت را از ساق پا می بَرد وهر چه از قوّتش به سبب خوردن خاک وگل کم شده ودر نتیجه از اعمال خیرش کاسته شده، در قیامت بازخواست خواهد شد وسپس عذاب می شود». (5)

4. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چهار چیز از وسوسه های شیطان است: خوردن گِل، خرد کردن گِل خشک شده با دست، گرفتن ناخن با دندان، به دندان گرفتن ریش». (6)

5. در احادیث معتبر آمده است که: «خوردن هر گِلی حرام است (همان گونه

1- «بهق» لکّه سفیدی است که بر اثر علّتی غیر از برص، روی پوست بدن پیدا می شود ودر فارسی آن را بهکمی گویند (فرهنگ عمید).

2- کافی، ج 6، ص 314، باب الماش، ح 1.

3- دعائم الاسلام، ج 2، ص 148، ح 538.

4- کافی، ج 6، ص 265، ح 4؛ علل الشرایع، ج 2، ص 532، باب 317، ح 1.

5- کافی، ج 6، ص 266، ح 6؛ تهذیب، ج 9، ص 103، ح 377.

6- خصال، ج 1، ص 209، ح 40؛ بحارالأنوار، ج 10، ص 246، ح 10.

که مردار وخون وگوشت خوک حرام است) مگر گِل قبر امام حسین علیه السلام که خوردن آن به اندازه یک عدس، شفای هر درد وامان از هر ترسی است». (1)

(بهتر است آن را در استکان کوچکی از آب بریزند و میل کنند).

فضیلت ضیافت مؤمنین وآداب آن

میهمانداری وفضیلت آن

1. در احادیث معتبر وبسیار آمده است که: هر کس به خدا وروز قیامت ایمان دارد، باید میهمان خود را گرامی بدارد. (2)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر کسی هزار درهم برای تهیّه غذایی هزینه کند ومؤمنی از آن بخورد، اسراف نکرده است». (3)

3. در روایات متعدّدی آمده است: هرگاه میهمان بیاید روزی اش همراهش می آید وهنگامی که غذا بخورد، خدا صاحب خانه را می آمرزد. (4)

4. ودر روایتی دیگر می خوانیم: «چون میهمان بیرون رود، خداوند گناه تو وعیالت را بیرون می برد». (5)

5. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «یک لقمه غذایی که برادر مؤمن نزد من بخورد، از آزاد کردن برده ای نزد من محبوب تر است». (6)

6. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر مؤمنی که صدای میهمانی را بشنود وبا آن شاد گردد، گناهانش بخشوده می شود». (7)

1- كافى، ج 6، ص 266، ح 9؛ تهذيب، ج 9، ص 103، ح 376.

2- كافى، ج 6، ص 285، باب حقّ الضّيف وإكرامه، ح 1 و2.

3- مكارم الأخلاق، ص 134.

4- كافى، ج 6، ص 284، ح 1.

5- محاسن، ص 390، ح 28؛ كافى، ج 2، ص 201، ح 8.

6- محاسن، ص 393، ح 46؛ كافى، ج 2، ص 203، ح 13.

7- جامع الأخبار، ص 136.

7. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر خانه ای که میهمان به آن نرود، فرشتگان وارد آن نمی شوند». (1)

8. از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه به برادر مؤمنی برادری کنم واو را سیر سازم، این کار برای من بهتر است از آنکه شکم ده مسکین را سیر کنم». (2)

9. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کسی را به سفره خود دعوت کن که برای رضای خدا او را دوست می داری». (3)

قبول کردن دعوت مؤمنین

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از حقوق واجب مؤمن بر مؤمن آن است که اگر او را به میهمانی دعوت کرد قبول کند». (4)

2. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سفارش می کنم به حاضران وغایبان از امّتم که دعوت مسلمانان را قبول کنند، هر چند پنج میل (5)

فاصله باشد، چرا که پذیرش دعوت از نظر دین لازم است». (6)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «اگر مؤمنی مرا برای دست گوسفندی (که اندکی گوشت بر آن باشد) دعوت کند اجابت می کنم». (7)

4. ودر سخنی دیگر فرمود: «بدترین عجزها آن است که شخصی برادرش را به غذایی دعوت کند واو قبول نکند». (8)

1- جامع الأخبار، ص 136.

2- محاسن، ص 392، ح 35.

3- محاسن، ص 391، ح 29.

4- محاسن، ص 391، ح 29.

5- هر «میل» یک سوم فرسخ است؛ پس پنج میل حدود دو فرسخ است.

6- محاسن، ص 411، ح 142؛ کافی، ج 6، ص 274، ح 4.

7- محاسن، ص 411، ح 143؛ کافی، ج 6، ص 274، ح 1.

8- محاسن، ص 411، ح 146.

ولیمه ومیهمانی دادن

1. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ولیمه ومیهمانی دادن در پنج چیز سنّت است: عروسی، عقیقه، ختنه کردن پسر، خریدن یا ساختن خانه نو، بازگشت از سفر». (1)

2. در حدیثی دیگر می خوانیم که فرمود: «در وقتی که از سفر حج بازگردد». (2)

3. در روایتی آمده است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نهی کردند از اینکه ولیمه مخصوص ثروتمندان باشد وفقرا حضور نداشته باشند. (3)

بی دعوت به میهمانی رفتن

1. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هشت کس اگر خوار وذلیل شود، جز خود کسی را سرزنش نکند: آن که بدون دعوت سر سفره ای حاضر شود، میهمانی که به صاحب خانه زور بگوید، کسی که از دشمن خود طلب خیر کند، کسی که از انسان های پست وبخیل فضل واحسان بطلبد، کسی که خود را داخل در رازی کند که بین دو تن بوده است؛ البتّه بدون رضایت آنها، آن که به بزرگان توهین کند، کسی که در محلّی از مجلس بنشیند که سزاوار آن مجلس نباشد، هر که با کسی سخن گوید که به سخنش گوش فرا ندهد». (4)

آداب پذیرایی از میهمان

1. در روایتی صحیح ومعتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه برادر مؤمن به خانه ات آمد از او نپرس که چیزی خورده ای یا نه، بلکه هر چه در خانه

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 257؛ خصال، ج 1، ص 280، ح 84.

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 257؛ خصال، ج 1، ص 280، ح 84.

3- کافی، ج 6، ص 282، ح 4.

4- خصال، ج 2، ص 175، ح 9؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 256.

داری برایش بیاور که جواد وجوانمرد آن است که هر چه دارد برای میهمانش حاضر کند». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چون برادر مؤمن میهمان تو شد او را دعوت به خوردن کن، اگر نخورد دعوت به نوشیدنی کن، اگر نپذیرفت دعوت به شست وشوی دست وصورت با آب کن، یا او را معطّر ساز». (2)

3. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «از جمله گرامی داشتن برادر مؤمن آن است که تحفه او را قبول کند وآنچه حاضر داشته برایش هدیه بیاورد ونسبت به چیزی که نداشته باشد بر او تکلیف نکند». (3)

4. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که امکانات موجود خود را در پذیرایی از میهمانی که برایش آمده کوچک بشمرد، به زحمت می افتد وهر کس هدیه ای را که مؤمن برایش می آورد کوچک وناچیز بشمرد هلاک می شود». (4)

وظایف میزبان

میهمان سرزده ودعوت نشده

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه برادر مؤمن بدون دعوت وسرزده میهمان تو شد، آنچه در خانه داری برایش بیاور وخود را به زحمت نینداز. واگر با دعوت قبلی آمد در پذیرایی از او تلاش کن». (5)

1- کافی، ج 6، ص 285، باب حقّ الضّیف وإکرامه، ح 1 و2.
2- محاسن، ص 417، ح 179؛ کافی، ج 6، ص 275، ح 2.

3- کافی، ج 6، ص 275، باب انس الرّجل فی منزل أخیه، ح 1.

4- محاسن، ص 415، ح 167؛ کافی، ج 6، ص 276، دنباله حدیث 3.

5- تکلیف یعنی اضافه بر آنچه در خانه دارد از بیرون برای او چیزی فراهم کند؛ یعنی خود را به رنج انداختن.محاسن، ص 410، ح 138؛ کافی، ج 6، ص 276، ح 6.

به خدمت گرفتن میهمان

1. ابن ابی یعفور می گوید: میهمانی را در خانه امام صادق علیه السلام دیدم که برای انجام دادن کاری برخاست، حضرت او را منع کرد وخود برخاست وآن کار را انجام داد وفرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله از خدمت کردن میهمان برای میزبان

نهی کرد». (1)

2. در حدیثی دیگر آمده است که میهمانی در حضور امام رضا علیه السلام خواست چراغ را تمیز کند. حضرت او را از این کار نهی کرد وخود به اصلاح

چراغ پرداخت وفرمود: «ما اهل بیت اجازه نمی دهیم میهمان در خانه به ما خدمت کند». (2)

وظایف میزبان در سر سفره

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله میهمان داشت پیش از همه شروع به خوردن غذا می کرد وبعد از همه دست از غذا خوردن می کشید». (3)

2. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر که به جماعتی آب دهد، باید خودش پس از همه آب بنوشد». (4)

3. از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «از جمله حقوق میهمان آن است که او را گرامی داشته و(حتّی) برایش خِلال حاضر سازد». (5)

1- کافی، ج 6، ص 283، باب کراهیه استخدام الضّیف، ح 1.

2- کافى، ج 6، ص 283، باب كراهيه استخدام الضيف، ح 2.

3- محاسن، ص 268، ح 349، کافى، ج 6، ص 285، باب الأكل مع الضّيف، ح 1 و2.

4- محاسن، ص 452، ح 368.

5- محاسن، ص 564، ح 964؛ کافى، ج 6، ص 285، ح 3.

استقبال وبدرقه میهمان

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از جمله موارد ضعف وسستی انسان آن است که کسی به تو احسان کند وتو پاسخ احسان او را ندهی. وخدمت کردن میهمان به صاحب خانه بر خلاف آداب است، بلکه هرگاه میهمانی بر انسان وارد می شود باید به او (برای آوردن اسبابش) کمک کند وهنگامی که می خواهد برود به او کمک نکند که این کار دلیل بر خسّت نفس است. ودر تهیّه توشه همراهی اش کنید وتوشه خوشبو ونیکویی برای وی فراهم آورید که این کار دلیل بر جوانمردی است». (1)

2. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «از جمله حقوق میهمان آن است که تا درِ خانه همراهش بروید». (2)

وظایف میهمان

اشاره

1. در حدیث است که ابن ابی یعفور می گوید میهمان امام صادق علیه السلام شدم. حضرت دستور داد غذا حاضر کنند. یکی دیگر از میهمانان به نام هشام گفت: من کمتر چیزی می خورم. حضرت فرمود: «مگر نمی دانی که محبّت مؤمن بر مؤمن به مقدار غذایی است که از او می خورد». این مطلب در احادیث فراوانی

آمده است. (3)

2. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سخاوتمند وبلندهمّت از طعام مردم می خورد تا مردم نیز از غذایش بخورند. وبخیل

غذای مردم را نمی خورد تا از غذایش نخورند». (4)

1- کافی، ج 6، ص 283، ح 3.

2- کافی، ج 2، ص 659، ح 1؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 69، ح 323.

3- محاسن، ص 413، ح 160؛ کافی، ج 6، ص 278، ح 1.

4- کافی، ج 4، ص 41، ح 10؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 12، ح 26.

3. در احادیث معتبر آمده است که: هر کس وارد شهری شود میهمان برادران مؤمن وهمکیشان خود در آن شهر است. وسزاوار نیست میهمان بدون اجازه صاحب خانه روزه بگیرد، مبادا صاحب خانه غذایی تهیّه کند وخورده نشود. همان گونه که میزبان نباید بدون اجازه صاحب خانه روزه بگیرد، مبادا میهمان شرم کند وغذا نخورد. (1)

4. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی میهمان دیگری شود، هر کجا که صاحب خانه امر کند بنشیند، زیرا صاحب خانه از امور پنهانی خانه اش بهتر خبر دارد». (2)

اندازه میهمانی

1. در روایتی معتبر آمده است که حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «حدّ ضیافت ومیهمانی سه روز است وپس از سه روز، صدقه ای است که میزبان به میهمان می دهد». (3)

2. ودر سخنی دیگر فرمود: «آن قدر نزد میزبان نمانید که او را در هم شکنید». عرض شد: ای رسول خدا، چگونه در هم می شکند؟ فرمود: «آن قدر بمانید که برای پذیرایی از شما به زحمت بیفتد». (4)

فضیلت خلال کردن وآداب آن

فضیلت وفایده خلال کردن

اشاره

1. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ملائکه هیچ چیز

1- کافی، ج 6، ص 282، ح 1 و2.

2- قرب الإسناد، ص 73، ح 212.

3- کافی، ج 6، ص 283، ح 2.

4- کافی، ج 6، ص 283، باب انّ الضّیافه ثلاثه ایّام، ح 2.

را دشمن ندارند مانند آنکه ببینند در دندان بنده ای طعامی مانده (وخلال نکرده وسبب بدبویی دهانش شده) است». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «جبرئیل برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله مسواک وخلال وحجامت آورد وفرمود: خلال ریشه دندان را اصلاح می کند وبر روزی می افزاید». (2)

چوب خلال

1. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با چوب گل وچوب درخت انار خلال نکنید که محرّک بیماری خوره اند». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با «نی» خلال نکنید که تا شش روز حاجاتتان برآورده نمی شود». (4)

3. نیز در سخنی فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله با هر چوبی خلال می کرد، جز برگ درخت خرما ونی». (5)

4. در حدیثی آمده است که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله از خلال کردن با چوب درخت انار ودرخت مورد ونی نهی کرد وفرمود: اینها زمینه ساز بیماری خوره هستند». (6)

5. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خلال کردن با چوب گز موجب فقر وبی چیزی است». (7)

1- مکارم الأخلاق، ص 152.

2- کافی، ج 6، ص 376، ح 4؛ مکارم الأخلاق، ص 153.

3- کافی، ج 6، ص 377، ح 7؛ مکارم الأخلاق، ص 152.

4- محاسن، ص 564، ح 968؛ کافی، ج 6، ص 377، ح 8.

5- کافی، ج 6، ص 377، ح 10؛ مکارم الأخلاق، ص 153.

6- محاسن، ص 564، ح 968؛ کافی، ج 6، ص 377، ح 8.

7- مکارم الأخلاق، ص 152.

آداب خلال کردن

1. از امام صادق روایت شده است که فرمود: «آنچه با خلال بیرون می آوری فرو نبر که موجب جراحت های داخلی می شود». (1)

2. در احادیث دیگر آمده است: «آنچه را با خلال بیرون می آوری (نخور، بلکه) بیرون بینداز». (2)

3. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه خلال می کنید آب نخورید، مگر اینکه سه نوبت مضمضه کنید وآب دهان را بیرون بریزید». (3)

4. در احادیث معتبر وارد شده است که داخل وخارج از دهان را بعد از غذا با «سُعد» (4) و«اشنان» (5) بشویید. (6)

فضیلت نوشیدن آب وانواع آن

فضیلت نوشیدن آب و خواصّ آن

1. در احادیث معتبر آمده است که بهترین آشامیدنی های دنیا وآخرت،

آب است. (7)

2. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس از آشامیدن آب دنیا لذّت ببرد، خداوند متعال در آخرت او را از آشامیدنی های بهشت

1- کافی، ج 6، ص 378، ح 4.

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 226، ح 1059.

3- مکارم الأخلاق، ص 153، از امیرالمؤمنین علیه السلام.

4- «سُعد» گیاهی از تیره جگن ها که قسمتی از ساقه های زیرزمینی آن غدّه ای شکل ودارای موادّ غذایی چربوشیرین است که به مصرف خوراکی می رسد (لغت نامه متوسّط دهخدا).

5- «اشنان» یا «اشنیان» یک مادّه شوینده قدیمی است.

6- کافی، ج 6، ص 378، ح 1 و3 وص 379، ح 4؛ مکارم الأخلاق، ص 191.

7- محاسن، ص 570، ح 2؛ کافی، ج 6، ص 380، ح 1.

بهره مند می سازد تا از آنها هم لذّت ببرد». (1)

3. در حدیث است که کسی از امام صادق علیه السلام پرسید: آب چه طعمی دارد؟ حضرت فرمود: «طعم حیات، زیرا خداوند متعال در قرآن کریم فرماید: وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ أَفَلاَ یُؤْمِنُونَ». (2)

4. در حدیث دیگری می خوانیم که کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید، در حالی که حضرت خرما تناول می کرد وپس از آن آب نوشید. عرض کرد: اگر بعد از خرما آب نخورید بهتر است. حضرت فرمود: «برای این خرما می خورم که لذّت نوشیدن آب را ببرم». (3)

5. در حدیث است که ابن ابی طیفور خدمت امام کاظم علیه السلام رسید (ظاهراً این شخص طبیب بود وحضرت کسالتی داشت). حضرت را از نوشیدن آب برحذر داشت. حضرت فرمود: «نوشیدن آب اشکالی ندارد، زیرا غذا را در معده جابه جا می کند وغضب را فرو می نشاند وبر عقل می افزاید واز صفرا می کاهد». (4)

آب هایی که نوشیدن آن سفارش شده

آب زمزم

1. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بهترین آب روی زمین آب زمزم وبدترین آن آب برهوت است؛ برهوت سرزمینی است در یمن که ارواح کافران را شبانه به آنجا می برند ودر عذاب هستند». (5)

1- کافی، ج 6، ص 381، ح 6؛ ثواب الأعمال، ص 219.

2- ترجمه: «وهر موجود زنده ای را از آب قرار دادیم، آیا ایمان نمی آورند؟» (سوره انبیاء، آیه 30) کافی، ج 6،ص 381، ح 7؛ مکارم الأخلاق،

ص 151.

3- محاسن، ص 571، ح 7؛ کافی، ج 6، ص 381، ح 3.

4- محاسن، ص 572، ح 15؛ کافی، ج 6، ص 381، ح 2.

5- محاسن، ص 573، ح 18؛ کافی، ج 6، ص 386، ح 3.

2. در حدیثی دیگر فرمود: «آب زمزم دوای هر دردی است». (1)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آب زمزم درمان هر بیماری است». (2)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «آب زمزم را برای هر حاجتی بنوشند آن حاجت برآورده می شود». (3)

آب فرات

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گمان نمی کنم کام کودکی را با آب فرات بردارند مگر اینکه دوستدار ما اهل بیت شود». (4)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «پیوسته دو ناودان از آب بهشت در آب فرات فرو می ریزد». (5)

3. در سخنی دیگر فرمود: «اگر هم فاصله بین من وآب فرات بسیار باشد، برای شفا به آنجا می روم واز آب فرات می نوشم». (6)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «اگر نزدیک آب فرات بودم دوست می داشتم صبح وشام نزد آن بروم». (7)

5. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر اهل کوفه کام فرزندان خود را از آب فرات بردارند، همه آنها شیعه ما خواهند شد». (8)

1- محاسن، ص 573، ح 19؛ کافی، ج 6، ص 387، ح 5.

2- محاسن، ص 573، ح 20؛ کافی، ج 6، ص 386، ح 4.

3- بحارالأنوار، ج 57، ص 45، ح 17 از درّ المنثور.

4- کافی، ج 6، ص 388، باب فضل ماء الفرات، ح 1.

5- کافی، ج 6، ص 388، باب فضل ماء الفرات، ح 1.

6- محاسن، ص 575، ح 26؛ کافی، ج 6، ص 388، باب فضل ماء الفرات، ح 1.

7- کافی، ج 6، ص 388، ح 4.

8- کافی، ج 6، ص 389، ح 5.

6. از امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «فرشته ای هر شب سه مثقال از مشک بهشتی در آب فرات می ریزد. وهیچ نهری در شرق وغرب عالم پربرکت تر از نهر فرات نیست». (1)

آب باران وآب ناودان کعبه

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از آب باران بنوشید که بدن را پاک ودردها وبیماری ها را از بدن بیرون می کند». (2)

2. در حدیث است که مصادف از یاران حضرت صادق علیه السلام می گوید: یکی از دوستان ما در مکّه بیمار شد، بیماریش چندان شدّت گرفت که به حال احتضار افتاد. وضعیّت او را به امام صادق علیه السلام عرض کردم. حضرت فرمود: «اگر من جای شما بودم از آب ناودان کعبه به او می دادم». ما در شهر مکّه در جست وجوی آب ناودان کعبه رفتیم ولی نیافتیم. به ناگاه ابری در آسمان ظاهر وصدای رعد وبرق بلند شد وباران شروع به باریدن کرد. ظرفی را زیر ناودان کعبه نهادیم، سپس ظرف پر از آب را نزد بیمار بردیم. از آن آب نوشید وهمان ساعت شفا یافت. (3)

آب خنک

1. در روایتی آمده است که حضرت علی علیه السلام در تفسیر آیه شریفه (ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیمِ) (4) فرمود: «منظور از آن نعمت ها، رطب وآب سرد است». (5)

2. از حضرت کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن آب سرد

1- کافی، ج 6، ص 389، ح 6؛ کامل الزّیارات، ص 48 و49.

2- کافی، ج 6، ص 387، ح 2.

3- محاسن، ص 574، ح 24؛ کافی، ج 6، ص 387، ح 6.

4- ترجمه: «سپس در آن روز (همه شما) از نعمت هایی که داشته اید بازپرسی خواهید شد». سوره تکاثر، آیه 8.

5- مکارم الأخلاق، ص 157.

لذّت بیشتری دارد». (1)

3.ازامام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آب سرد حرارت بدن را فرو می نشاندوصفراراساکن می کندوغذارادرمعده می گدازدوتب راپایین می آورد». (2)

آب جوشیده

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آب جوشیده برای همه دردها سودمند است وهیچ ضرری ندارد». (3)

2. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آب جوشیده ای که هفت بار بجوشد واز ظرفی به ظرف دیگر برگردانده شود، تب را زایل کرده وساق پا وقدم ها را قوّت می بخشد». (4)

آب هایی که نوشیدن آن مذموم است

1. در احادیث فراوانی آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از شفا طلبیدن از آب های گرم که بوی گوگرد می دهد واز کوه ها می جوشد نهی کرد وفرمود : «گرمی آن آب ها از گرمی جهنّم است». (5)

2. در حدیث است که امام باقر علیه السلام از اینکه کسی از آب تلخ وآبی که بوی گوگرد می دهد طلب شفا کند، کراهت داشت ومی فرمود: «حضرت نوح علیه السلام به هنگام طوفان، آب ها را طلبید، همه اجابت کردند جز آب تلخ وآب گوگرد، پس هر دو را نفرین کرد». (6)

1- کافی، ج 6، ص 382، ح 1.

2- مکارم الأخلاق، ص 156.

3- مکارم الأخلاق، ص 157.

4- مكارم الأخلاق، ص 157.

5- كافى، ج 6، ص 389، ح 1؛ كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 13.

6- كافى، ج 6، ص 390، ح 4.

فلسفه شیرین یا تلخ بودن آب

از امام حسن وامام حسین علیهما السلام روایت شده است که فرمودند: «ولایت ودوستی ما را بر همه آب ها عرضه کردند، هر آبی که آن را پذیرفت شیرین وگوارا شد وهر آبی که نپذیرفت تلخ وشور شد». (1)

آداب خوردن آب

طرز نوشیدن آب

(مقدّمه:) در احادیث بسیاری آمده است که ایستاده آب خوردن خوب وآب را به یک نفس خوردن نیکو است، ولی بهتر است که به سه نفس خورده شود ودر روز ایستاده ودر شب نشسته بخورد. (به روایاتی در این باره توجّه کنید:)

آب خوردن در حال ایستاده یا نشسته

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ایستاده آب خوردن باعث غلبه زرداب وصفرا می شود». (2)

2. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ایستاده آب نخورید، زیرا موجب دردی می شود که درمان نداشته باشد، مگر آنکه خدا عافیت دهد». (3)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ایستاده آب نخور وبر گِرد هیچ قبری نگرد ودر آب راکد ادرار نکن، زیرا هر کس این کارها را انجام دهد وبلایی به او برسد، کسی جز خود را سرزنش نکند». (4)

1- کافی، ج 6، ص 389، دنباله حدیث 3.

2- کافی، ج 6، ص 383، دنباله ح 2؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 223.

3- خصال، ج 2، ص 429، ح 335؛ بحارالأنوار، ج 66، ص 458، ح 1.

4- علل الشرایع، ج 1، ص 283، باب 200، ح 1.

صدوق رحمه الله فرمود: روایاتی که از آب خوردن در حال ایستاده نهی می کند منظور، آب خوردن در شب است.

4. در حدیثی دیگر از امام صادق علیه السلام می خوانیم که فرمود: «ایستاده آب خوردن باعث قوّت وصحّت بیشتر بدن می شود». (1)

این روایت ومانند آن مربوط به آب خوردن در روز است؛ بنابراین، همان گونه که مراجع تقلید فرموده اند: ایستاده آب خوردن در روز اشکال ندارد، ولی در شب مکروه است.

چگونگی آب خوردن

1. در روایتی که با دو سند صحیح به امام صادق علیه السلام می رسد آمده است که حضرت فرمود: «آب را به سه نفس خوردن بهتر از یک نفس خوردن است». (2)

2. در حدیث آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله از دمیدن در آب با دهان نهی کرد. (3)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در صورتی دمیدن در آب مکروه است که کس دیگری بخواهد از آن آب بخورد، مبادا که او از این کار ناراحت شود». (4)

4. در روایتی آمده است که حضرت صادق علیه السلام از خوردن آب با دست چپ نهی کرد. (5) ودر سخنی دیگر فرمود: «آب را بمکید واندک اندک بنوشید ودهان را

پر نکنید که باعث درد جگر می شود». (6)

1- محاسن، ص 581، ح 57.

2- کافی، ج 6، ص 383، ح 7 و8؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 223، ح 1040.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 5؛ مکارم الأخلاق، ص 427.

4- علل الشرایع، ج 2، ص 518، باب 290، ح 1.

5- محاسن، ص 455، ح 381؛ کافی، ج 6، ص 272، ح 1.

6- محاسن، ص 575، ح 27.

ظرف آب

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله آب خوردن در «قدح شامی» را دوست می داشت ومی فرمود: پاکیزه ترین ظرف های شما قدح های شامی است». (1) ولذا برای آن حضرت این گونه ظروف را از شام هدیه

می آوردند. (2)

2. در حدیث آمده است که حضرت باقر علیه السلام از کوزه سفالی آب می نوشید. (3)

3. در حدیث آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله گاه در قدح های آبگینه که از شام می آوردند وگاه در قدح چوبی آب می آشامید. (4)

4. در روایتی آمده است: حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر گروهی گذشت که (به خاطر نداشتن ظرف) دهان بر آب گذاشته ومی خوردند، فرمود: «با دست آب بخورید که بهترین ظرف های شماست». (5)

دعاهای قبل وبعد از نوشیدن آب

ابتدا به نام خدا وانتها به حمد او

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آداب آشامیدن آب به این شرح است: گفتن بسم الله در ابتدا والحمد لله در پایان وننوشیدن آب از جای دسته کوزه وجایی که شکسته یا رخنه داشته باشد که این دو موضع جای شیطان است». (6) (ممکن است اشاره به جمع شدن میکروب ها در این گونه جاها باشد).

1- محاسن، ص 577، ح 38؛ کافی ج 6، ص 386، ح 8.

2- محاسن، ص 577، ح 40؛ کافی، ج 6، ص 385، ح 1.

3- محاسن، ص 583، ح 71؛ کافی، ج 6، ص 385، ح 2.

4- مکارم الأخلاق، ص 31.

5- محاسن، ص 577، ح 37؛ کافی، ج 6، ص 385، ح 7.

6- محاسن، ص 577، ح 41.

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی پیش از آب خوردن بسم الله بگوید ودمی بخورد والحمد لله بگوید، سپس بسم الله بگوید ومقداری بخورد والحمد لله بگوید واین کار را سه بار تکرار کند، مادام که آن آب در شکم او باشد تسبیح خدا گوید وثوابش از آنِ او باشد». (1)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «گاه شخصی با یک نوبت آب خوردن بهشتی می شود، بدین ترتیب که آب بخورد وهنوز سیراب نشده آب را از لب جدا کند وحمد خدای به جا آورد، سپس آب خوردن را ادامه دهد وهنوز سیراب نشده، آب را از لب جدا کند وحمد خدای گوید سپس آب بنوشد. خداوند به سبب این کار او را بهشتی می کند». (2)

4. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه حضرت رسول صلی الله علیه و آله آب می آشامید این دعا را می خواند: اَلْحَمْدُ للهِ الَّذی سَقانا عَذْباً زُلالاً وَلَمْ یَسْقِنا مِلْحاً اُجاجاً وَلَمْ یُؤاخِذْنا بِذُنُوبِنا». (3)

5. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در وقت نوشیدن آب این دعا را بخوانید: اَلْحَمْدُ للهِ الَّذی سَقانی فَاَرْوانی وَاَعْطانی فَاَرْضانی وَعافانی وَکَفانی. اَللّهُمَّ اجْعَلْنی مِمَّنْ تَسْقِیَهُ فِی الْمَعادِ مِنْ حَوْضِ مُحَمَّد صلی الله علیه و آله وَتُسْعِدَهُ بِمُرافَقَتِهِ بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ». (4)

1- محاسن، ص 578، ح 45؛ کافی، ج 6، ص 384، ح 3.

2- کافی، ج 6، ص 384، ح 1؛ معانی الأخبار، ص 385.

3- ترجمه: «حمد وسپاس مخصوص خداوندی است که به ما آبی گوارا وزلال نوشانید، نه شور و ناگوار وما رابه گناهانمان نگرفت (ومؤاخذه نکرد)». قرب الإسناد، ص 36، ح 66؛ کافی، ج 6، ص 384، ح 2.

4- ترجمه: «حمد وسپاس ویژه خداوندی است که آب داد وسیرابم کرد وعطا کرد وراضی ام نمود وعافیتمبخشید وکفایتم کرد. بار خدایا، مرا از کسانی قرار ده که در قیامت از حوض (کوثر) محمّد صلی الله علیه و آله به همراه آنحضرت به آنان آب می دهی وبا همنشینی آن حضرت آنها را سعادتمند می کنی، به مهربانی خودت ایمهربان ترین مهربانان». مکارم الأخلاق، ص 151؛ بحارالأنوار، ج 66، ص 475.

سلام بر حسین شهید

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس آب بنوشد واز تشنگی امام حسین علیه السلام واهل بیت آن حضرت یاد کند وقاتلین آن حضرت را نفرین نماید، خداوند متعال پاداش های بسیار زیادی برایش خواهد نوشت ودر روز قیامت او را خوشحال خواهد کرد وبا خیالی آسوده محشور می گرداند». (1) واگر

چنین بگوید خوب است: «صَلَواتُ اللهِ عَلَى الْحُسَيْنِ وَاَهْلِ بَيْتِهِ وَاَصْحابِهِ وَلَعْنَةُ اللهِ عَلى قَتَلَهِ الْحُسَيْنِ وَاَعْدائِهِ». (2)

دعا برای دفع ضرر نوشیدن آب در شب

1. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه بخواهی در شب آب بنوشی ظرف آب را بردار وآن را حرکت بده وبگو: يا ماءُ، ماءُ زَمْزَمٍ وَماءُ فُراتٍ يُقْرِآنِكَ السَّلامَ». (3)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس در شب آب بنوشد وسه مرتبه بگوید : «عَلَيْكَ السَّلامُ مِنْ ماءِ زَمْزَمٍ وَماءِ الْفُراتِ» آب به او ضرر نمی زند». (4)

مقدار نوشیدن آب

1. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زیاد آب نخور که هر دردی را به سوی تو جذب می کند وتا وقتی که طاقت درد داری از دارو استفاده

1- کافی، ج 6، ص 391، ح 6 ؛ کامل الزیّارات، ص 106.

2- ترجمه: «درود وسلام خداوند بر حسین علیه السلام وخاندان ویارانش ولعنت خداوند بر کشندگان حسین علیه السلامودشمنانش».

3- ترجمه: «ای آب، آب زمزم وفرات بر تو درود می فرستند». کافی، ج 6، ص 384، ح 4.

4- ترجمه: «درود وسلام آب زمزم وفرات بر تو باد». مکارم الأخلاق، ص 157.

نکن». (1) (تا بدن با قدرت خود، بیماری را بیرون کند که گرفتار ضایعات داروها نشود).

2. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آب خوردن زیاد پس از غذا ضرر ندارد، امّا در غیر آن زمان زیاد آب نخور». (2)

1- کافی، ج 6، ص 382، ح 2.

2- محاسن، ص 572، ح 16؛ کافی، ج 6، ص 382، ح 3.

فصل چهارم: ازدواج، آداب ازدواج، تربیت فرزندان

اشاره

فضیلت ازدواج کردن ونهی از رهبانیّت

ازدواج ودینداری

1. در حدیثی امام صادق علیه السلام آورده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس زنی را به عقد خود درآورد نصف دینش را حفظ کرده است، پس باید تقوای الهی را برای حفظ نصف دیگر آن به کار بندد». (1)

2. در روایتی دیگر فرمود: «بدترین مردان شما بی زن ها هستند. چه چیز مانع شما از ازدواج می شود؟ شاید خداوند فرزندی به شما بدهد که زمین را به گفتن لاإله إلّاالله سنگین کند». (2)

3. ودر حدیثی دیگر فرمود: «هر کس می خواهد از سنّت من پیروی کند، ازدواج کند». (3)

4. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوش ندارم دنیا وآنچه در دنیاست را داشته باشم ویک شب بدون همسر بخوابم». سپس فرمود: «دو رکعت نماز شخص متأهل بهتر از عبادات شخص مجرّدی است که تمام شب ها

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 241، ح 1141 و1142؛ مکارم الأخلاق، ص 196.

2- مکارم الأخلاق، ص 196.

3- کافی، ج 5، ص 329، ح 5؛ مکارم الأخلاق، ص 196.

نماز بخواند وروزها را روزه باشد». (1)

5. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دو رکعت نماز شخص متأهل برابر با هفتاد رکعت نماز شخص مجرّد است». (2)

6. به سندهای معتبر از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: «از دنیای شما همسران وبوی خوش را اختیار کردم وروشنی دیده من در نماز است». (3)

ترک ازدواج برای مسائل مالی

از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس ازدواج را برای ترس از فقر ترک کند به خداوند بدگمان است، زیرا خداوند متعال در قرآن مجید فرماید: (إِنْ یَکُونُوا فُقَرَاءَ یُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ)». (4)

دوست داشتن همسر

1. در حدیثی به سند معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «دوست داشتن همسر از اخلاق پیامبران است». (5)

2. ودر روایتی فرمود: «گمان نمی کنم ایمان کسی بالا رود، مگر اینکه محبّتش به همسرش زیاد شود». (6)

1- تهذیب، ج 7، ص 467، ح 576؛ مکارم الأخلاق، ص 197.

2- کافی، ج 5، ص 328، باب کراهیه العزبه، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 197.

3- خصال، ج 1، ص 167، ح 189؛ بحارالأنوار، ج 103، ص 218، ح 7.

4- ترجمه: «اگر فقیر وتنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد». (سوره نور، آیه 32)کافی، ج 5، ص 330، ح 5؛ مکارم

الأخلاق، ص 196.

5- کافى، ج 5، ص 320، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 197.

6- کافى، ج 5، ص 321، ح 5؛ کتاب من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 242، ح 1151.

لزوم آمیزش با همسر

1. در روایتی صحیح ومعتبر آمده است که حضرت رضا علیه السلام فرمود: «سه چیز از سنّت پیامبران است: بوی خوش، ازاله موهای زاید بدن وهمخوابی با همسر». (1)

2. زنی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید واز شوهرش که نزد او نمی رفت شکایت کرد. حضرت فرمود: «خود را خوشبو ساز تا نزد تو آید». زن گفت: به هر عطری که داشتم خود را خوشبو ساختم ولی باز از من دوری می کند. حضرت فرمود: «اگر می دانست این کار چه ثوابی دارد از تو دوری نمی کرد». سپس فرمود : «هرگاه به سوی تو حرکت کند دو فرشته او را همراهی می کند وثوابش چونان کسی است که سلاح به دست گرفته، در راه خدا جهاد می کند وزمانی که با تو درآمیزد گناهانش می ریزد همچون ریزش برگ درختان وهرگاه غسل کند از گناهان خارج می شود». (2)

رهبانیّت ممنوع

1. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «همسر عثمان بن مظعون خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید وعرض کرد: ای رسول خدا، شوهرم روزها را روزه می گیرد وشب ها به عبادت می پردازد ونزد من نمی آید. حضرت خشمناک شد وبا همان حال نزد عثمان بن مظعون رفت وفرمود: «ای عثمان، خداوند مرا به رهبانیّت نفرستاده، بلکه به دین مستقیم وآسان مبعوث کرده است. من نماز می خوانم، روزه می گیرم وبا همسرانم نزدیکی می کنم؛ پس هر که مرا دوست دارد باید طبق سنّت وروش من عمل کند وآمیزش با همسران از

1- کافی، ج 5، ص 320، ح 3؛ تهذیب، ج 7، ص 66، ح 568.

2- کافی، ج 5، ص 496، ح 4.

سنّت من است». (1)

2. در روایتی دیگر از آن حضرت می خوانیم که فرمود: «سه زن خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدند. یکی گفت: شوهرم گوشت نمی خورد. دیگری گفت: شوهرم بوی خوش استعمال نمی کند. وسومی گفت: شوهرم نزد همسرانش نمی رود. حضرت به سوی مسجد حرکت کرد، در حالی که از شدّت خشم عبای وی بر زمین کشیده می شد. بر فراز منبر رفت، حمد وثنای الهی گفت وفرمود: چرا جماعتی از اصحاب من گوشت نمی خورند وبوی خوش استعمال نمی کنند ونزد همسرانشان نمی روند؟ در حالی که من گوشت می خورم وبوی خوش می بویم ونزد همسرانم می روم. هر کس از سنّت من پیروی نکند از من نیست». (2)

3. در روایتی معتبر آمده است که سکین نخعی بوی خوش وغذاهای لذیذ وآمیزش با همسرانش را ترک کرده وبه عبادت پرداخته بود. در این موضوع نامه ای به حضرت صادق علیه السلام نوشت وآن حضرت در پاسخ نوشتند: «امّا در مورد زنان، می دانی حضرت رسول چند همسر داشت ونزد آنها می رفت. وامّا غذای لذیذ، حضرت رسول گوشت وعسل تناول می کرد». (3)

صفات پسندیده وناپسند زنان

اهمیّت همسر

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زن همچون گردنبند (وقلّاده ای) است که به گردن خود می افکنی، دقّت کن که چگونه گردنبندی برای خود انتخاب می کنی». (4)

1- کافی، ج 5، ص 494، باب کراهیه الرّهبانیه وترک الباه، ح 1.

2- کافی، ج 5، ص 496، ح 5.

3- کافی، ج 5، ص 320، ح 4.

4- کافی، ج 5، ص 332، باب اختیار الزّوجه، ح 1، تهذیب، ج 7، ص 464، ح 561.

2. ودر حدیثی دیگر فرمود: «زنان صالحه وغیر صالحه هیچ یک قابل قیمت گذاری نیستند. اگر زن صالحه باشد هیچ طلا ونقره ای معادل ارزش او نخواهد بود، بلکه از طلا ونقره بهتر است. واگر غیر صالحه باشد به خاک هم نمی ارزد، بلکه خاک از او بهتر است». (1)

3. در روایتی معتبر آمده است که حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند جهانیان فرماید: هرگاه اراده کنم که خوبی های دنیا وآخرت را به کسی دهم این نعمت ها را نصیبش می کنم: دلِ شکسته خاشع، زبان ذاکر، بدن صبور بر بلا، زنِ مؤمن که هرگاه به او نگاه کند شاد شود وچون شوهر غایب شود خود را نگاه دارد واموال شوهر را ضایع نکند». (2)

4. در روایتی صحیح آمده است که امام باقر علیه السلام فرمود: «شخص عاقل وبسیار ثروتمندی در بنی اسرائیل زندگی می کرد که دارای دو همسر بود. یک فرزند از همسر عفیفه اش داشت که در شکل وشمایل شبیه پدر بود ودو فرزند از همسر دیگر که عفّتی نداشت. به هنگام مرگ وصیّت کرد که همه اموال من از آنِ یکی از شماهاست. چون پدر مرد هر کدام ادّعا کرد که تمام اموال به وی می رسد. نزد قاضی رفتند، گفت: نزد آن سه برادر که به عقل ودرایت در بین مردم مشهورند بروید تا در میان شما حکم کنند. نزد یکی از آنها رفتند که ظاهراً از همه بزرگ تر بود وآثار پیری در چهره اش نمایان بود. او گفت: نزد فلان برادرم که از من بزرگ تر است بروید. هنگامی که نزد او رفتند وی نه پیر ونه جوان بود، بلکه میانسال به نظر می رسید. او گفت: نزد برادر سوم که از من بزرگ تر است بروید. هنگامی که او را ملاقات کردند با کمال تعجّب دیدند او از همه آنها جوان تر است. پرسیدند: چطور برادر کوچک تر از همه پیرتر وتو که از همه بزرگ تری از

1- کافی، ج 5، ص 332، باب اختیار الزّوجه، ح 1؛ تهذیب، ج 7، ص 464، ح 561.

2- کافی، ج 5، ص 327، ح 2.

آنها جوان تری؟ پاسخ داد: امّا برادر کوچک تر ما، همسر بسیار بدی دارد که برادرمان بر بدی های او صبر می کند، مبادا که به بلای دیگری مبتلا شود که نتواند صبر کند، بدین جهت از همه پیرتر نشان می دهد. وامّا برادر دیگر همسری دارد که گاه خوشحالش می کند، بدین جهت میانسال مانده است. وامّا من، همسری دارم که همواره مرا خوشحال می کند وهرگز خاطرم را نمی آزارد، بدین سبب جوان مانده ام. به هر حال آن سه برادر داستان خود را نقل کردند واز او داوری خواستند. وی گفت: نخست بروید استخوان های پدر را از قبر خارج کرده وآتش بزنید، سپس بیایید تا در میان شما حکم کنم. چون از نزد آن شخص رفتند پسر کوچک شمشیری برداشت وبرادرانش کلنگ برداشتند. هنگامی که به سر قبر رسیدند وقصد داشتند قبر پدر را با کلنگ بشکافند، پسر کوچک در مقابل آنها شمشیر کشید وگفت: اجازه نمی دهم قبر پدرم را بشکافید، من از سهم خود گذشتم واموال پدر را به شما واگذار کردم. آنها نزد قاضی بازگشته وماجرا را شرح دادند. قاضی اموال را به پسر کوچک واگذار کرد وخطاب به آن دو گفت : اگر شماها هم فرزند او بودید، مهر وعاطفه فرزندی مانع بیرون آوردن استخوان های پدرتان می شد». (1)

معیارهای معنوی همسر خوب

1. در روایتی معتبر آمده است که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «هر کس زنی را برای زیبایی یا اموالش بخواهد از هر دو محروم خواهد شد. واگر به خاطر دین وایمانش با وی ازدواج کند، خداوند زیبایی وثروت نیز روزی او کند». (2)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «به کفو وهم شأن خود

1- راوندی، قصص الانبیاء، ص 182.

2- کافی، ج 5، ص 333، باب مَن تزوّج ذات دین، ح 3؛ مکارم الأخلاق، ص 203.

دختر بدهید واز کفو وهم شأن خود دختر بگیرید. وبرای نطفه خود زنی پیدا کنید که شایسته فرزنددار شدن باشد». (1)

معیارهای جسمی همسر شایسته

1. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «با دختر باکره ازدواج کنید که فرزند بسیار آورد. وبه سراغ زنی که از هر جهت مورد قبول شماست ولی فرزند نمی آورد نروید که من به تعداد مسلمانان نسبت به امّت های دیگر در روز قیامت مباهات می کنم. مگر نمی دانید که فرزندان در زیر عرش الهی برای پدران خود طلب آمرزش می کنند. وحضرت ابراهیم علیه السلام از آنها نگهداری کرده وحضرت ساره آنها را بر فراز کوهی از مشک وعنبر وزعفران تربیت می کند». (2)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «با دختران باکره ازدواج کنید که دهانشان خوشبوتر ورحم هایشان خشک تر وپستان هایشان پرشیرتر وفرزندان بیشتری می آورند. مگر نمی دانید که من در روز قیامت به فزونی جمعیّت مسلمانان افتخار می کنم؟ حتّی فرزندی که پیش از موعد سقط شده باشد خشمناک بر در بهشت می ایستد. خداوند فرماید: وارد شو، می گوید: نمی روم تا پدر ومادرم پیش از من وارد بهشت شوند. سپس خداوند به فرشتگان دستور می دهد که

پدر ومادرش را وارد بهشت کنید. پس از ورود آنها به بهشت، به آن طفل می فرماید: به خاطر رحمت زیادی که نسبت به تو داشتم پدر ومادر تو را هم وارد بهشت کردم». (3)

1- کافی، ج 5، ص 332، ح 3؛ دعائم الاسلام، ج 2، ص 192، ح 704.

2- کافی، ج 5، ص 334، ح 4.

3- کافی، ج 5، ص 334، باب فضل الأبکار، ح 1؛ تهذیب، ج 7، ص 462، ح 555.

3. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از سعادت انسان است که زنی سفیدرو داشته باشد». (1)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که قصد خواستگاری از زنی داشتید از موهایش بپرسید، همان گونه که از چهره اش

سؤال می کنید». (2)

5. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زنی را خواستگاری کن که گندمگون، فراخ چشم، سیاه چشم، بزرگ سر، میانه بالا باشد. اگر نپسندید بیایید مَهر او را از من بگیرید». (3)

6. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوبی زن آن است که مَهرش کم وزاییدنش آسان باشد. وشومی زن آن است که مَهرش سنگین وزاییدنش دشوار باشد». (4)

بهترین وبدترین زنان

1. در روایتی با سند معتبر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بهترین زنان شما زنی است که: فرزند بسیار آورد، شوهردوست، عفیف، در میان خویشاوندانش عزیز، نزد شوهرش فروتن باشد، برای شوهرش زینت کند، از دیگران شرم کرده وعفّت پیشه سازد، هر چه شوهرش گوید اطاعت کند، با شوهر گلاویز نشود واو را وادار بر آمیزش نکند». (5) سپس فرمود: «بدترین زنان

1- کافی، ج 5، ص 335، ح 7.

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 245، ح 1164 از امیرالمؤمنین علیه السلام؛ مکارم الأخلاق، ص 200 ازامام سجّاد علیه السلام.

3- کافی، ج 5، ص 335، ح 2؛ مکارم الأخلاق، ص 199.

4- کافی، ج 5 ص 564، ح 37؛ مکارم الأخلاق، ص 198.

5- کافی، ج 5، ص 324، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 200.

شما زنی است که: در میان قومش خوار، بر شوهر مسلّط باشد، فرزند نیاورد، کینه توز باشد، از کارهای زشت وقبیح اجتناب نورزد، هنگامی که شوهرش نیست آرایش کند، خود را به دیگران عرضه نماید، هرگاه شوهر به منزل می آید خود را از وی پنهان سازد، از شوهر اطاعت نکند، در خلوت با شوهر از او مضایقه کند، از تقصیر شوهر درنگذرد». (1)

2. در روایتی دیگر فرمود: «زنان قریش بهترین زنان مسلمان ومهربان ترین زنان نسبت به شوهران وفرزندانشان وامین ترین همسران نسبت به شوهران وباعفّت ترین زنان نسبت به غیر شوهرانشان هستند». (2)

ومصداق قریش در روزگار ما سادات هستند.

3. ودر حدیثی دیگر فرمود: «بهترین زنان امّت من زنی است که از دیگران خوش روتر ومَهرش سبک تر باشد». (3)

زنی که از کارکنان خداست

در حدیث است که کسی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسید وعرض کرد: زنی دارم که هرگاه به خانه روم از من استقبال وچون بیرون آیم بدرقه ام می کند وهنگامی که مرا غمگین بیند می گوید: چرا ناخوشی؟ اگر برای رزق وروزی غمگین هستی خداوند متکفّل روزی ما ودیگران است واگر برای آخرت محزونی، دعا می کنم که خدا اندوه تو را بزداید. حضرت فرمود: «خداوند کارکنانی دارد واین زن از کارکنان خداست ونیمی از ثواب شهید را دارد». (4)

1- کافی، ج 5، ص 325، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 202.

2- کافی، ج 5، ص 326، باب فضل نساء قریش، ح 2؛ تهذیب، ج 7، ص 466، ح 573 از امیرالمؤمنین علیه السلام.

3- کافی، ج 5، ص 324، ح 4؛ مکارم الأخلاق، ص 201.

4- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 246، ح 1169؛ مکارم الأخلاق، ص 200.

آداب خواستگاری وزمان مناسب آن

خواستگاری

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه بخواهی به خواستگاری بروی دو رکعت نماز بگزار وحمد وستایش پروردگار را به جا آور، سپس این دعا را بخوان: اَللّٰهُمَّ اِنّی اُریدُ اَنْ اَتَزَوَّجَ فَقَدِّرْ لی مِنَ النِّساءِ اَعَفَّهُنَّ فَرْجاً وَاَحْفَظَهُنَّ لی فی نَفْسِها وَمالی وَاَوْسَعَهُنَّ رِزْقاً وَاَعْظَمَهُنَّ بَرَکَةً وَقَدِّرْ لی وَلَداً طَیِّباً تَجْعَلَهُ خَلَفاً صالِحاً فی حَیاتی وَبَعْدَ مَوْتی». (1)

2. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روز جمعه روز خواستگاری ونکاح است». (2)

3. در حدیث است که به حضرت باقر علیه السلام خبر رسید شخصی در گرمای هوا ودر وسط روز به خواستگاری زنی رفته است. حضرت فرمود: «گمان نمی کنم محبّت والفت در میان آنها استوار شود». آنها به زودی از هم جدا شدند. (3)

زمان عقد وزفاف

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس عقد یا زفاف کند در حالی که قمر در عقرب باشد، عاقبت به خیر نمی شود». (4)

1- ترجمه: «بار خدایا، می خواهم ازدواج کنم. همسری برایم مقدّر کن که پاکدامن ترین زنان ونگاه دارنده ترینآنها در حفظ ونگهداری خود ومالم، از نظر روزی گسترده تر واز جهت برکت عظیم تر باشد وفرزندی پاکروزی

ام گردان که جانشین شایسته ای در حیات وپس از مرگ من باشد». کافی، ج 5، ص 501، ح 3؛ مکارمالأخلاق، ص 205.

2- علل الشرایع، ج 3، ص 598.

3- کافی، ج 5، ص 366، باب الوقت الّذی یکره فیه التّزویج، ح 1.

4- تهذیب، ج 7، ص 470، ح 585؛ مکارم الأخلاق، ص 198.

2. در روایتی معتبر آمده است که عقد کردن در ماه شوّال خوب است. (1)

3. در حدیثی معتبر آمده است که ازدواج در شب مستحبّ است. (2)

ولیمه ازدواج

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «غذا دادن به هنگام ازدواج از سنّت پیامبران است». (3)

2. در روایتی آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله چون با میمونه ازدواج کرد به مردم ولیمه داد وغذای آن روز چیزی به نام «حلس» بود که از خرما وروغن وکشک تهیّه می شد. (4)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ولیمه روز اوّل ازدواج لازم ودر روز دوم نیک ودر روز سوم، ریا وسمعه است». (5)

خواندن خطبه عقد

در روایتی آمده است که امام جواد علیه السلام برای عقد کردن دختر مأمون چنین خطبه خواند: «اَلْحَمْدُ للهِ اِقْراراً بِنِعْمَتِهِ وَلا اِلهَ اِلاَّ اللهُ اِخْلاصاً لِوَحْدانِیَّتِهِ وَصَلَّی اللهُ عَلی سَیِّدِ بَرِیَّتِهِ وَالاْصْفِیاءِ مِنْ عِتْرَتِهِ. اَمّا بَعْدُ، فَقَدْ کانَ مِنْ فَضْلِ اللهِ عَلَی الاْنامِ اَنْ اَغْناهُمْ بِالْحَلالِ عَنِ الْحَرامِ فَقالَ سُبْحانَهُ: (وَأَنکِحُوا الأَیَامَی مِنْکُمْ وَالصَّالِحِینَ مِنْ عِبَادِکُمْ وَإِمَائِکُمْ إِنْ یَکُونُوا فُقَرَاءَ یُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِیمٌ)». (6)

1- کافی، ج 5، ص 563، ح 29.

2- کافی، ج 5، ص 366، باب ما یستحبّ من التّزویج باللیل، ح 1؛ تهذیب، ج 7، ص 482، ح 632.

3- کافی، ج 5، ص 367، ح 1؛ تهذیب، ج 7، ص 472، ح 590.

4- کافی، ج 5، ص 368، باب الإطعام عند التّزويج، ح 2؛ تهذیب، ج 7، ص 471، ح 589.

5- الجعفریّات، ص 164؛ کافی، ج 5، ص 368، ح 4.

6- ترجمه: «حمد وسپاس مخصوص خداوندی است که به نعمت او اعتراف دارم وخدایی جز الله که خالصانهبه وحدانیّت او اعتراف می کنم وجود ندارد ودرود خداوند بر سرور مخلوقاتش وبرگزیدگان از ذرّیّه اش. امّابعد، از فضل خداوند بر مردم این است که آنان را با حلال از حرام بی نیاز گردانید وفرمود: مردان وزنانبی همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان وکنیزان صالح ودرستکارتان را؛ اگر فقیر وتنگدستباشند، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد؛ (فضل) خداوند واسع و(از نیازهای بندگان) آگاه است».(سوره نور، آیه 32) مکارم الأخلاق، ص 206.

سایر خطبه های طولانی در کتاب های مبسوط ومفصّل ذکر شده است (1) واین کتاب گنجایش آن را ندارد ودر مورد آداب صیغه نکاح کتابی جداگانه نوشته ام.

آداب زفاف وآمیزش

اشاره

(مقدّمه:) انجام دادن مراسم عروسی (زفاف) به هنگامی که قمر در عقرب است، یا تحت الشعاع (2) باشد، کراهت دارد. وآمیزش در حال عادت ماهیانه، یا

هنگامی که زن خون نفاس دیده حرام است، امّا تمتّعات دیگر (غیر از آمیزش) جایز است هر چند نسبت به بین ناف وزانو کراهت دارد. وبرخی فقها آمیزش پس از پاک شدن وپیش از غسل را حرام دانسته اند واحتیاط در اجتناب است مگر اینکه ضرورتی باشد وزن مستحاضه اگر غسل ودیگر وظایفش را انجام دهد آمیزش اشکال ندارد. آنچه گفته شد در مورد آمیزش از طریق متعارف بود، امّا در آمیزش با همسر از طریق غیر متعارف (از پشت) بین فقها اختلاف نظر است؛ عدّه ای آن را حرام وبیشتر علما آن را مکروه می دانند واحوط اجتناب است وبهتر است به هنگام آمیزش با همسر، نطفه را بیرون نریزد وبرخی علما این کار را بدون اجازه همسر حرام می دانند.

1- به کتاب بحارالانوار، ج 103، ص 263، باب 6 مراجعه فرمایید.

2- کنایه از دو یا سه روز آخر هر ماه که جرم قمر (ماه) در آن ایّام بر اثر باریکی زیاد، دیده نمی شود. (لغت نامهدهخدا).

اوقات مکروه آمیزش

شب چهارشنبه وهنگام تحت الشعاع

1. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مرد نباید در شب چهارشنبه با همسرش آمیزش کند». (1)

2. از حضرت کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس در تحت الشعاع با همسرش آمیزش کند، (بیم آن می رود که) موجب سقط جنین شود». (2)

آمیزش در اوّل ووسط وآخر ماه

1. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در اوّل ووسط وآخر ماه آمیزش نکن که موجب سقط فرزند می شود. واگر سقط نشود دیوانه به دنیا می آید، یا مبتلا به بیماری صرع خواهد شد. ونطفه کسانی که بیماری صرع دارند اکثر در اوّل یا آخر ماه منعقد شده است». (3)

2. در حدیثی آمده است که حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود: «ای علی، در اوّل ووسط ماه آمیزش نکن که زمینه بیماری های جنون، خوره وفساد عقل را در همسر وفرزندت به وجود می آورد». (4)

3. همچنین فرمود: «ای علی، در شب نیمه شعبان آمیزش نکن که اگر فرزندی به وجود آید شوم ونامیمون باشد. ودر روز آخر ماه شعبان نیز این کار را ترک کن، چرا که اگر فرزندی به وجود آید یاور ستمکاران شود». (5)

1- كافى، ج 5، ص 366، باب الوقت الّذى يكره فيه التّزويج، ح 3.

2- كافى، ج 5، ص 499، ح 2؛ تهذيب، ج 7، ص 474، ح 60.

3- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 255، ح 1208.

4- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 358، ح 1712؛ مكارم الأخلاق، ص 209.

5- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 358، ح 1712؛ مكارم الأخلاق، ص 209.

آمیزش هنگام طلوع وغروب آفتاب

1. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «جنب شدن به هنگام طلوع آفتاب ونیز هنگام زردی آفتاب که خورشید غروب می کند کراهت دارد». (1)

2. در حدیثی معتبر آمده است که: «آمیزش میان سپیده صبح تا طلوع آفتاب واز هنگام غروب آفتاب تا برطرف شدن سرخی مغرب ودر روزی که آفتاب می گیرد ودر شبی که ماه می گیرد ودر شب یا روزی که باد سیاه یا سرخ یا زرد می وزد کراهت دارد. به خدا قسم، اگر در این اوقات آمیزش کنند وفرزندی به دنیا آید آنچه را دوست دارند در آن فرزند نخواهند یافت، زیرا نشانه های خشم الهی را سبک شمرده اند». (2)

آمیزش در شب عید فطر وعید قربان ودر برابر آفتاب

1. در حدیث است که حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود : «ای علی، در شب عید فطر با همسر خود هم بستر نشو که اگر نطفه فرزندی در آن شب منعقد شود، منشأ شرور فراوانی خواهد شد». (3)

2. نیز فرمود: «ای علی، در شب عید قربان با زوجه خود آمیزش نکن که اگر فرزندی منعقد شود، نقص عضو خواهد داشت». (4)

3. نیز فرمود: «ای علی، در برابر تابش مستقیم نور آفتاب آمیزش نکن، مگر اینکه پرده ای میان خود وآفتاب قرار دهی، زیرا اگر در چنان حالتی فرزندی به وجود آید همواره پریشان وبدحال باشد». (5)

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 47، ح 182، ج 3، ص 255، ح 1209.

2- محاسن، ص 311، ح 26؛ کافی، ج 5، ص 498، ح 1.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 358، ح 1712؛ مکارم الأخلاق، ص 209.

4- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 358، ح 1712؛ مکارم الأخلاق، ص 209.

5- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 358، ح 1712؛ مکارم الأخلاق، ص 209.

اوقات حرام آمیزش

(مقدّمه:) آمیزش با همسر در پاره ای از اوقات حرام است که علّامه مجلسی رحمه الله فقط به یک مورد آن اشاره کرده است. (توجّه کنید:)

در حدیثی از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می خوانیم که فرمود: «هر کس با همسرش در حال حیض همبستر گردد ونطفه فرزندی در آن حال بسته شود، سپس آن فرزند به دنیا آید در حالی که مبتلا به بیماری پیسی باشد، جز خود هیچ کس را سرزنش نکند». (1)

اوقات مستحبّ آمیزش

1. از حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آمیزش در شب اوّل ماه مبارک رمضان مستحبّ است». (2)

2. در حدیثی آمده است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «ای علی، در شب دوشنبه آمیزش کن که اگر فرزندی به وجود آید، (امید است) حافظ قرآن وراضی به قسمت خدا باشد». (3)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ای علی، اگر در شب سه شنبه آمیزش کنی وخداوند فرزندی نصیب تو کند، سعادت اسلام نصیب وی شود ودهانش خوشبو ودلش مهربان ودستش سخاوتمند وزبانش از غیبت وتهمت پاک باشد». (4)

4. در سخنی دیگر فرمود: «ای علی، اگر در شب پنجشنبه آمیزش کنی ونطفه

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 256، ح 1213.

2- كافى، ج 4، ص 108، ح 3؛ كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 112، ح 481.

3- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 358، ح 1712؛ مكارم الأخلاق، ص 209.

4- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 358، ح 1712؛ مكارم الأخلاق، ص 209.

فرزندی منعقد شود، حاکمی از حاکمان دینی، یا دانشمندی از دانشمندان خواهد شد». (1)

5. نیز در سخنی فرمود: «ای علی، اگر در شب جمعه آمیزش کنی وفرزندی از آن به وجود آید، خطیب وسخنگو باشد. وچنانچه در شب جمعه بعد از نماز عشا باشد، امید است که آن فرزند از ابدال (شریف وصالح ونیکوکار) باشد». (2)

6. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی زنی را ببیند واز او خوشش بیاید، با همسرش آمیزش کند زیرا او هم زنی است مانند آن زن؛ شیطان را بر دل خود مسلّط نکند. واگر همسری ندارد دو رکعت نماز بگزارد وحمد وستایش خدا فراوان گوید وبر محمّد وآل محمّد صلوات فرستد، سپس از خداوند تقاضای همسر کند تا او را از حرام بی نیاز سازد». (3)

7. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ای علی، هرگاه در عصر جمعه آمیزش کنی وفرزندی به وجود آید، از دانایان مشهور خواهد بود». (4)

مکان هایی که آمیزش در آن مکروه است

1. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ای علی، زیر درخت دارای میوه آمیزش نکن که اگر فرزندی به وجود آید، (بیم آن می رود که) جلّاد وقاتل مردم، یا رئیس وسرکرده ستمکاران باشد». (5)

2. در سخنی دیگر فرمود: «ای علی، بر پشت بام آمیزش نکن که اگر فرزندی

1- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 358، ح 1712؛ مكارم الأخلاق، ص 209.

2- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 358، ح 1712؛ مكارم الأخلاق، ص 209.

3- خصال، ج 2، ص 433؛ بحارالأنوار، ج 103، ص 287، ح 19.

4- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 385، ح 1712؛ مكارم الأخلاق، ص 209.

5- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 385، ح 1712؛ مكارم الأخلاق، ص 209.

به وجود آید، (بیم آن می رود که) منافق وریاکار وبدعتگذار باشد». (1)

3. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دوست ندارم کسی که در سفر برای غسل کردن آب در اختیار ندارد آمیزش کند، مگر اینکه بترسد

به او زیانی برسد». (2)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در اتاقی که کودکی در آن باشد آمیزش نکنید که آن کودک یا فرزندی که از آن آمیزش به وجود می آید، عفیف نباشد». (3)

5. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «به حقّ خداوندی که جانم در دست اوست، هرگاه کسی با همسر خود آمیزش کند ودر آنجا کسی بیدار باشد که ایشان را ببیند، یا سخن ونفس آنها را بشنود، فرزندی که از این آمیزش به وجود آید رستگار نشود وعفیف نباشد». (4)

کارهای مکروه به هنگام آمیزش

1. در حدیثی معتبر وصحیح آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «به هنگام آمیزش سخن نگویید، زیرا بیم آن می رود که اگر فرزندی به وجود آید لال باشد. (5) وشوهر در آن وقت به عورت زوجه نگاه نکند، زیرا بیم نابینایی فرزند می رود». (6)

توجّه: این سخن در روایت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله خطاب به حضرت

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 385، ح 1712؛ مکارم الأخلاق، ص 209.

2- تهذیب، ج 7، ص 482، ح 634.

3- کافی، ج 5، ص 499، ح 1؛ تهذیب، ج 7، ص 476، ح 612.

4- کافی، ج 5، ص 500، ح 2.

5- کافی، ج 5، ص 498، ح 7؛ تهذیب، ج 7، ص 476، ح 608.

6- تهذیب، ج 7، ص 477، ح 613.

علی علیه السلام نیز آمده است. البتّه نگاه کردن به عورت زوجه، در برخی دیگر از روایات جایز شمرده شده است. (1) واین نشان می دهد که آنچه در روایت بالا

آمده، حکم تحریم نیست بلکه دلالت بر کراهت این کار دارد.

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ای علی، با علاقه زن دیگر با همسر خود آمیزش نکن که اگر در این حال فرزندی نصیب تو شود، (بیم آن می رود که) آلوده دامن باشد». (2)

3. در گفته ای دیگر فرمود: «ای علی، هنگامی که همسرت حامله است، بدون وضو با او آمیزش نکن که اگر فرزندی به وجود آید، کوردل وبخیل باشد». (3)

4. در روایتی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «زن وشوهر به هنگام آمیزش کاملاً عریان نشوند، زیرا این کار موجب دوری فرشتگان از آنها می شود». (4)

حالت های مکروه به هنگام آمیزش

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کسی که محتلم شده، پیش از آنکه غسل جنابت کند با همسر خود آمیزش نکند واگر آمیزش کرد وفرزند عقب افتاده ای نصیبش شد، جز خود کسی را سرزنش نکند». (5)

2. در چندین روایت معتبر آمده است که زن وشوهر در حالتی که خضاب به حنا یا غیر آن بسته باشند، آمیزش نکنند. (6)

1- کافی، ج 5، ص 497، ح 5؛ تهذیب، ج 7، ص 476، ح 608.

2- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 358، ح 1712؛ مكارم الأخلاق، ص 209.

3- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 385، ح 1712؛ مكارم الأخلاق، ص 209.

4- علل الشرايع، ج 2، ص 518، ح 8.

5- طبّ الائمّه، ص 138.

6- كافى، ج 5، ص 498، ح 8؛ تهذيب، ج 7، ص 476، ح 611.

3. در روایتی آمده است که اگر کسی انگشتری در دست داشته باشد که نام خدا در آن باشد، جماع نکند. (1)

4. در حدیثی امام رضا علیه السلام از جدّ بزرگوارش امام صادق علیه السلام آورده است که : «هر کس پس از آمیزش وپیش از غسل بخواهد بار دیگر آمیزش کند، وضو بگیرد». (2)

آداب پیش از آمیزش

1. در چندین روایت معتبر آمده است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «هرگاه بخواهید با همسر خود آمیزش کنید به روش مرغان نزد او نروید، بلکه نخست با زبان ودست وبا گفتار ولمس، او را آماده سازید سپس آمیزش کنید». (3)

2. در روایتی می خوانیم که: «هرگاه امام زین العابدین علیه السلام می خواست با همسرش آمیزش کند، خدمتکاران را از آن محل دور می کرد ودرها را می بست وپرده ها را می انداخت». (4)

3. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سه کار را از کلاغ بیاموزید: آمیزش کاملاً پنهانی وبه دور از چشم دیگران، بامداد به سراغ کار وکسب رفتن، و احتیاط فراوان». (5)

4. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مردان به هنگام آمیزش عجله نکنند،زیرازنان پیش ازآمیزش کارهایی دارند که می خواهند انجام دهند». (6)

1- استبصار، ج 1، ص 48، ح 133.

2- کشف الغمّه، ج 2، ص 822؛ بحارالانوار، ج 49، ص 63، ح 80 .

3- کافی، ج 5، ص 497، ح 2؛ تهذیب، ج 7، ص 475، ح 65.

4- کافی، ج 5، ص 500، ح 2.

5- عيون اخبار الرضا عليه السلام، ج 1، ص 257، ح 10؛ خصال، ج 1، ص 121، ح 47.

6- خصال، ج 2، ص 433.

آداب عروسی

1. در حدیثی معتبر آمده است: «خداوند متعال در روز عقد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به سدره المنتهی دستور داد که آنچه داری برای نثار فاطمه فرو ریز! سدره المنتهی آنچه از مروارید ومرجان وجواهر داشت بر اهل بهشت نثار کرد. حوریان بهشتی آنها را بردند وتا روز قیامت به آن افتخار می کنند وبرای یکدیگر هدیه می فرستند ومی گویند: این نثار (هدیه شب عروسی) فاطمه (به حاضران) است». (1)

2. در حدیث آمده است که: «در شب عروسی حضرت زهرا علیها السلام، مرکب حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله را آوردند وقطیفه ای بر روی آن انداختند، سپس حضرت به دخترش فاطمه فرمود: «سوار شو!» سلمان افسار آن را می کشید وپیامبر از پشت سر حرکت می کرد. در اثنای راه، صدای ملائکه به گوش حضرت رسید. جبرئیل با هزار فرشته ومیکائیل با هزار فرشته فرود آمدند وبه حضرت عرض کردند: خداوند ما را برای عروسی فاطمه فرستاده است. سپس جبرئیل ومیکائیل تکبیر گفتند وملائکه نیز الله اکبر گفتند واز آنجا سنّت شد که در شب زفاف، الله اکبر بگویند». (2)

3. در احادیث وروایات معتبر در مورد عروسی در شب سفارش شده، ازاین رو عروسی در شب سنّت است، همان گونه که پختن غذا در صبحگاهان. (3)

4. در برخی احادیث معتبر آمده است که نثار (4) عروسی را می توان برداشت،

امّا چون از یکدیگر غارت می کنند ومی ربایند کراهت دارد.

1- کتاب من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 253، ح 1202.

2- کتاب من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 253، ح 1202.

3- کافی، ج 5، ص 366، باب ما يستحبّ مِن التّزويج بِالْلَيل، ح 1؛ تهذيب، ج 7، ص 482، ح 633.

4- «نثار» چيزی است که شب عروسی بر سر عروس می ريزند.

وعلما فرموده اند: در صورتی برداشتن آن جایز است که از قراین وشواهد معلوم شود که صاحبان آن رضایت دارند. (1)

5. در حدیث است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: ما غذاهای بسیار خوب وخوشبویی درست می کنیم، ولی بوی غذای عروسی در هیچ غذایی یافت نمی شود. حضرت فرمود: «علّت آن این است که نسیم بهشتی بر طعام عروسی می وزد، زیرا غذایی است که برای کار حلالی آماده می شود». (2)

6. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه به عروسی دعوت شدید دیر بروید، زیرا شما را به یاد دنیا می اندازد. وچون به تشییع جنازه دعوتتان کردند زودتر بروید که شما را به یاد آخرت می اندازد». (3)

آمیزش در حمّام یا بدون رو‌انداز

1. در روایتی صحیح آمده است که از امام رضا علیه السلام سؤال شد: آمیزش با همسر در حمّام چه حکمی دارد؟ فرمود: «جایز است». (4)

2. در روایتی آمده است که از امام کاظم علیه السلام پرسیدند: اگر در حال آمیزش، روانداز از روی زن وشوهر کنار رود چه حکمی دارد؟ فرمود: «اشکال ندارد». (5)

دعا ونماز در شب زفاف وهنگام آمیزش

آداب شب زفاف

1. در حدیثی صحیح ومعتبر آمده است که امام محمّد باقر علیه السلام فرمود: «پیش از

1- جواهر الكلام، ج 29، ص 51.

2- محاسن، ص 418، ح 186؛ كافى، ج 6، ص 282، ح 6.

3- قرب الإسناد، ص 87، ح 268؛ تهذيب، ج 1، ص 490، ح 1510.

4- تهذيب الأحكام، ج 1، ص 394، ح 1135.

5- كافى، ج 5، ص 497، ح 3؛ تهذيب الأحكام، ج 7، ص 475، ح 606.

آنکه عروس را نزد تو آورند بگو وضو بگیرد، تو نیز وضو بگیر، سپس هر کدام دو رکعت نماز بگزارید. بعد حمد وثنای الهی را به جا آورده، بر محمّد وآل محمّد صلوات بفرست ودعا کن واز زنانی که همراه عروس آمده اند تقاضا کن که آمین بگویند. آن گاه این دعا را بخوان: اَللّهُمَّ ارْزُقْنی إلْفَها وَوُدَّها وَرِضاها وَارْضِنی بِها وَاجْمَعْ بَیْنَنا بِاَحْسَنِ اِجْتِماعٍ وَآنَسَ ائْتِلافٍ، فَاِنَّکَ تُحِبُّ الْحَلالَ وَتَکْرَهُ الْحَرامَ». (1) سپس فرمود: «الفت ومحبّت از سوی خدا ودشمنی از جانب

شیطان است واو می خواهد آنچه را خدا حلال کرده، در نظر مردم زشت جلوه دهد». (2)

2. در روایتی حسنه آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که در شب زفاف نزد عروس رفتی، موی پیشانی اش را بگیر واو را رو به قبله کن وبگو :

اَللّهُمَّ بِأمانَتِکَ أخَذْتُها وَبِکَلِماتِکَ اسْتَحْلَلْتُها فَإنْ قَضَیْتَ لی مِنْها وَلَداً فَاجْعَلْهُ مُبارَکاً تَقِیّاً مِنْ شِیعَهِ آلِ مُحَمَّدٍ وَلا تَجْعَلْ لِلشَّیْطانِ فِیهِ شِرْکاً وَلا نَصِیباً». (3)

3. در حدیثی آمده است که امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «داماد در شب زفاف این دعا را بخواند: اَللّهُمَّ بِکَلِماتِکَ اسْتَحْلَلْتُها وَبِأمانَتِکَ أخَذْتُها اللّهُمَّ اجْعَلْها وَلُوداً وَدُوداً لا تَفْرَکُ تَأْکُلُ مِمّا راحَ وَلا تَسْألُ عَمَّا سَرَحَ». (4)

4. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود این دعا را بخواند :

1- ترجمه: «بار خدایا، الفت ودوستی وخشنودیش را روزی ام کن ومرا (نیز) با او خشنود ساز ومیان ما بهبهترین سازگاری وخو گرفتن وهمدم بودن جمع کن، زیرا تو حلال را دوست وحرام را دشمن می داری».

2- کافی، ج 5، ص 500، ح 1؛ تهذیب، ج 7، ص 472، ح 593.

3- ترجمه: «بار خدایا، به امانت تو او را به همسری گرفتم وبا کلمات تو وی را بر خود حلال کردم، پس اگر برایمن از او فرزندی مقدّر کرده ای او را مبارک وپرهیزگار واز شیعیان آل محمّد قرار ده واز برای شیطان در اوشراکت وبهره ای قرار مده». کافی، ج 5، ص 500، ح 2.

4- ترجمه: «بار خدایا، او را با کلمات تو بر خود حلال کردم وبه امانت تو وی را به همسری گرفتم. بار خدایا، از اوفرزندان بسیاری به من عطا کن وبر محبّتش بیفزا، به گونه ای که دشمنی نکند وبه آنچه برایش آوردهمی شود قناعت کند واز آنچه ندارد نپرسد». کافی، ج 5، ص 501، ح 4.

«بِكَلِماتِ اللّهِ اسْتَحْلَلْتُ فَرْجَها وَفِی أمانَهِ اللّهِ أَخَذْتُها اَللّهُمَّ إنْ قَضَیْتَ لِی فِی رَحِمِها شَیْئاً فَاجْعَلْهُ بَارّاً تَقِیّاً وَاجْعَلْهُ مُسْلِماً سَوِیّاً وَلا تَجْعَلْ فِیهِ شِرْکاً لِلشَّیْطَانِ». (1)

چگونه شیطان شریک نطفه می شود

1. در روایتی معتبر از امام صادق علیه السلام می خوانیم که در مورد دعای شب زفاف فرمود: «دست بر بالای پیشانی اش بگذار وبگو: اَللّهُمَّ عَلی کِتابِکَ تَزَوَّجْتُها وَفی اَمانَتِکَ اَخَذْتُها وَبِکَلِماتِکَ اسْتَحْلَلْتُ فَرْجَها، فَاِنْ قَضَیْتَ لی فی رَحِمِها شَیْئاً فَاجْعَلْهُ سَوِیّاً وَلا تَجْعَلْهُ شِرْکَ شَیْطانٍ». (2)

راوی پرسید: چگونه شیطان شریک نطفه می شود؟ امام فرمود: «اگر به هنگام آمیزش، نام خدا را ببرند شیطان دور می شود واگر نبرند شریک نطفه می شود». آن شخص پرسید: چگونه می توان فهمید شیطان در نطفه کسی شریک شده است؟ فرمود: «هر کس ما اهل بیت را دوست بدارد شیطان در نطفه اش شریک نشده وهر کس دشمن ما باشد شیطان در نطفه اش شرکت جسته است». (3)

وبه این مضمون، احادیث بسیاری در منابع شیعه واهل سنّت وجود دارد.

2. در حدیثی دیگر از امام صادق علیه السلام می خوانیم که فرمود: «هر کس بخواهد شیطان در نطفه اش شریک نشود، بسم الله بگوید وسپس از شرّ شیطان به خداوند پناه ببرد». (4)

1- ترجمه: «با کلمات خدا او را بر خود حلال وبر امانت خدا با وی ازدواج کردم. بار خدایا، اگر در رحم اوفرزندی برای من مقدّر کرده ای او را نیکوکار وپرهیزگار قرار ده ومسلمانی راست اندام (وسالم) گردان وازبرای شیطان در او شراکتی قرار مده». کافی، ج 5، ص 502، ح 2.

2- ترجمه: «بار خدایا، بر طبق کتاب تو او را به ازدواج خود درآوردم وبا امانت تو او را به همسری گرفتم وباکلمات تو او را بر خود حلال کردم. اگر در رحم او فرزندی برای من مقدّر کرده ای خلقتش را کامل گردانوبرای شیطان در آن شراکتی قرار مده». کافی، ج 5، ص 501، ح 3؛ تهذیب، ج 7، ص 470، ح 584.

3- کافی، ج 5، ص 501، ح 3؛ تهذیب، ج 7، ص 407، ح 584.

4- کافی، ج 5، ص 502، ح 1.

3. در حدیثی دیگر آمده است که امام صادق علیه السلام چگونگی شرکت شیطان در نطفه انسان را بیان فرمود وآن را بسیار مهم شمرد. راوی پرسید: چه باید کرد که این اتّفاق نیفتد؟ حضرت فرمود: «هرگاه بخواهی آمیزش کنی بگو: بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ الَّذِی لا إلهَ إلاَّ هُوَ بَدِیعُ السَّماواتِ وَالاْرْضِ اللّهُمَّ إِنْ قَضَیْتَ مِنِّی فِی هذِهِ اللَّیْلَهِ خَلِیفَهً فَلا تَجْعَلْ لِلشَّیْطانِ فِیهِ شِرْکاً وَلا نَصِیباً وَلا حَظّاً وَاجْعَلْهُ مُؤْمِناً مُخْلِصاً مُصَفًّی مِنَ الشَّیْطانِ وَرِجْزِهِ جَلَّ ثَناؤُکَ». (1)

دعای هنگام آمیزش

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه بخواهی با همسرت آمیزش کنی این دعا را بخوان. اَللّهُمَّ ارْزُقْنی وَلَداً وَاجْعَلْهُ تَقِیّاً زَکِیّاً لَیْسَ فی خَلْقِهِ زِیادَهٌ وَلا نُقْصانٌ وَاجْعَلْ عاقِبَتَهُ اِلی خَیْرٍ». (2)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی بخواهد آمیزش کند این دعا را بخواند: «بِسْمِ اللّهِ وَبِاللّهِ اللّهُمَّ جَنِّبْنِی الشَّیْطانَ وَجَنِّبِ الشَّیْطانَ ما رَزَقْتَنِی. در این صورت اگر فرزندی نصیبش شود، شیطان هرگز به او ضرری نمی رساند». (3)

1- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. خدایی که جز او خدایی نیست. همو که آفریننده آسمان ها وزمیناست. بار خدایا، اگر در این شب برای من فرزندی مقدّر کردی، برای شیطان در او شراکت وبهره ای قرار مدهواو را مؤمنی با اخلاص وپاکیزه از شیطان وپلیدی شیطان قرار ده، تو مستحقّ ستایش بزرگی». کافی، ج 5،ص503، ح 4؛ تفسیر عیّاشی، ج 2، ص 300، ح 106.

2- ترجمه: «بار خدایا، فرزندی روزی ام کن واو را پرهیزگار وپاک قرار ده، در خلقتش زیاد وکمی نباشدوعاقبت او را نیک گردان». تهذیب، ج 7، ص

473، ح 598.

3- ترجمه: «به نام خدا وبه ذات (پاک) خدا (آغاز می کنم). بار خدایا، شیطان را از من وفرزندی که نصیب منمی کنی دور کن». کافی، ج 5، ص 503، ح 598.

حقوق زن وشوهر بر یکدیگر

حقوق شوهر بر زن

1. در روایتی معتبر می خوانیم که امام محمّد باقر علیه السلام فرمود: «زنی خدمت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمد وعرض کرد: حقّ شوهر بر زن چیست؟ حضرت فرمود: لازم است از شوهرش اطاعت کند ونافرمانی نکند، بدون اجازه شوهر از اموالش صدقه ندهد، بدون رضایت شوهر روزه مستحبّی نگیرد، هرگاه نیاز به آمیزش داشت مضایقه نکند، بی اجازه شوهر (جز برای کار ضروری) از خانه بیرون نرود که اگر چنین کند تا زمانی که به خانه بازگردد ملائکه آسمان وزمین وملائکه غضب ورحمت همگی او را نفرین می کنند. آن زن دوباره پرسید: حقّ چه کسی بر مرد از همه عظیم تر است؟ فرمود: حقّ پدر. عرض کرد: حقّ چه کسی بر زن از همه عظیم تر است؟ فرمود: حقّ شوهر».

2. در روایتی دیگر می خوانیم: «زنی خدمت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله رسید واز حقّ شوهر بر زن پرسید. حضرت فرمود: بیش از آن است که بتوان گفت، از جمله

اینکه بدون اجازه اش روزه مستحبّی نگیرد واز خانه بیرون نرود، به بهترین بوها خود را خوشبو سازد، زیباترین لباس ها را برای او بپوشد، خود را به بهترین صورت برای شوهر بیاراید». (1)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «بی اجازه شوهر چیزی از اموالش را به کسی ندهد که اگر چنین کند گناهش برای زن وثوابش برای شوهر است. وهیچ شب سر بر بالین نگذارد مگر اینکه شوهر از او راضی باشد». (2)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر زنی شب را به صبح برد

1- کافی، ج 5، ص 508، ح 7.

2- کافی، ج 5، ص 508، ح 8.

در حالی که شوهرش از او آزرده خاطر باشد، نمازش قبول نمی شود تا شوهر از او راضی گردد. وهر زنی که برای غیر شوهر بوی خوش استفاده کند نمازش قبول نیست تا آنکه بوی خوش را از خود بزداید». (1)

5. در حدیثی دیگر فرمود: «عمل سه گروه به آسمان بالا نمی رود؛ یک گروه زنانی اند که شوهرانشان از آنها راضی نباشند». (2)

6. در احادیث معتبر آمده است: «جهاد مردان آن است که جان ومال خود را در راه خدا صرف کنند تا کشته (یا پیروز) شوند وجهاد زنان آن است که با شوهر خود مدارا کنند». (3)

7. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر زنی به شوهرش بگوید: من هرگز از تو نیکی ندیده ام، ثواب اعمالش از بین می رود». (4)

حقوق زن بر شوهر

1. در روایاتی معتبر وبسیار آمده است: «حقّ زن بر مرد این است که نیازهای او را در تغذیه ولباس تأمین کند واگر بدی کرد او را ببخشاید». (5)

2. در حدیثی دیگر در مورد (بخشی از) حقوق زن، علاوه بر آنچه در بالا

ذکر شد، چنین آمده است: «با وی بداخلاقی نکند، به مقدار نیاز برایش موادّ آرایشی وغذایی ولباس تهیّه کند، خانه اش را از موادّ مورد نیاز خالی نگذارد، میوه های فصل را برایش بخرد، در اعیاد بیش از ایّام دیگر برایش موادّ خوراکی

1- کافی، ج 5، ص 507، ح 2؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 278، ح 1320 و1322.

2- کافی، ج 5، ص 507، ح 3.

3- کافی، ج 5، ص 507، ح 3.

4- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 278، ح 1325؛ مکارم الأخلاق، ص 215.

5- کافی، ج 5، ص 510، ح 1؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 279، ح 1327.

تهیّه کند». (1)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از خدا درباره حقّ دو گروه بترسید: یتیمان وزنان». (2)

4. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «بهترین شما کسی است که با همسر خود رفتار بهتری داشته باشد». (3)

5. امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: «خلاف مروّت است که انسان در شهری که همسرش آنجاست، شب را نزد همسرش نرود وجای دیگر بخوابد». (4)

6. حضرت رسول صلی الله علیه و آله در حدیثی فرمود: «اگر مردی به همسر خود بگوید دوستت دارم، همسرش هرگز آن را فراموش نمی کند». (5)

دعاهای طلب فرزند وفضیلت آن

فرزندان در کلام معصومان علیهم السلام

اهمیّت وتعداد فرزند

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «فرزند صالح گلی از گل های بهشت است». (6)

2. ودر حدیثی دیگر فرمود: «فرزند صالح از سعادت انسان است». (7)

3. ودر روایتی دیگر فرمود: «هر که بدون فرزند بمیرد گویا هرگز در میان

1- کافی، ج 5، ص 511، ح 5.

2- کافى، ج 5، ص 511، ح 3؛ كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 248، ح 1179.
3- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 281، ح 1339.
4- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 362، ح 1719.
5- کافى، ج 5، ص 569، ح 59.
6- کافى، ج 6، ص 3، ح 10؛ مكارم الأخلاق، ص 218.
7- کافى، ج 6، ص 3، ح 11.

مردم نبوده وکسی که از خود فرزندی به جا گذاشته، گویی نمرده است». (1)

4. و در سخنی دیگر فرمود: «فرزند بسیار داشته باشید که من به جمعیّت فراوان مسلمانان در روز قیامت مباهات می کنم». (2)

تأثیر اعمال فرزند در کارنامه والدین

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «حضرت عیسی از کنار قبری گذشت که صاحبش را عذاب می کردند. سال دیگر از کنار همان قبر عبور کرد امّا خبری از عذاب نبود. در این مورد از پروردگار سؤال کرد. وحی رسید: امسال فرزند صاحب قبر به سنّ بلوغ رسید وجادّه ای را اصلاح کرد ویتیمی را پناه داد، بدین سبب او را آمرزیدم. سپس فرمود: میراثی که از برای خدا از بنده می ماند، فرزندی است که پس از او خدا را عبادت کند». (3)

پاداش زحمات پدر ومادر

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چون بیماری گریبانگیر فرزند می شود، کفّاره گناهان والدین اوست». (4)

2. در حدیثی صحیح می خوانیم: «روزی جبرئیل نازل شد ودید حضرت رسول وعلی علیهما السلام ناله می کنند. علّت را پرسید. حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: دو طفل ما گریه کردند وبر اثر گریه آنها ما اذیّت شدیم. جبرئیل گفت: خداوند متعال فرموده است: گریه کودکان تا هفت سال همچون ذکر «لااِلهَ اِلّاالله» واز هفت تا

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 309، ح 1493.

2- کافی، ج 6، ص 2، ح 3.

3- کافی، ج 6، ص 3، ح 12؛ عدّه الدّاعی، ص 77.

4- کافی، ج 6، ص 52، ح 1؛ ثواب الأعمال، ص 230، ثواب مرض الصّبی، ح 1.

چهارده سالگی، طلب آمرزش برای پدر ومادر است وچون به سنّ بلوغ برسند، پدر ومادر در ثواب اعمال آنها شریک اند ودر گناهانشان شریک نیستند». (1)

ثواب دوران بارداری وشیردهی

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «از هنگامی که زن باردار می شود تا زمانی که وضع حمل کند وفرزندش را از شیر می گیرد، مانند کسی است که در مرزهای کشور اسلامی با کافران جهاد کرده وشرّ آنها را از سر مسلمانان کوتاه می کند. واگر در این بین بمیرد، ثواب شهیدان را دارد». (2)

دختر یا پسر

1. در روایتی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند بر دختران مهربان تر از پسران است. وهر مردی که شاد کند زنی را که با او خویشاوندی دارد ومحرم اوست، خداوند او را در قیامت شاد می گرداند». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دختران حسنات هستند وپسران نعمت وخداوند بر حسنه ثواب می دهد واز نعمت سؤال می کند». (4)

3. امام صادق علیه السلام به یکی از اصحابش فرمود: «شنیده ام خداوند دختری به

تو عنایت کرده ولی او را نمی خواهی؟ مگر چه ضرری برای تو دارد؟ دختر

گلی است که اورامی بویی وروزیش راخدا می دهد وپیامبر پدر دختران بود». (5)

1- كافى، ج 6، ص 52، ح 5.

2- مكارم الأخلاق، ص 234.

3- كافى، ج 6، ص 6، ح 7.

4- كافى، ج 6، ص 6، ح 8؛ ثواب الأعمال، ص 239، ثواب اب البنات، ح 1.

5- كافى، ج 6، ص 6، ح 9.

4. ودر سخنی دیگر فرمود: «هر کس آرزوی مرگ دختران را کند وآنها بمیرند، ثوابی در کارنامه اعمالش نخواهد بود ودر روز قیامت نزد خداوند گناهکار باشد». (1)

5. در حدیثی دیگر آمده است: «کسی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بود، به وی خبر دادند خداوند دختری به تو داد، رنگش تغییر کرد. حضرت فرمود: زمین گهواره او وآسمان سایبانش وخداوند روزیش را می دهد. وگلی است که او را می بویی (از چه چیز ناراحتی؟) سپس رو به یارانش کرد ودر مورد کسانی که یک یا چند دختر دارند سفارش هایی فرمود». (2)

6. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس نفقه سه دختر یا سه خواهر را دهد بهشت بر او واجب می شود. سپس فرمود: بلکه هر کس دو یا یک تن از آنان را نفقه دهد، بهشت بر او واجب می شود». (3)

دعا برای فرزنددار شدن

دعاهای مخصوص

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسانی که دیرهنگام صاحب فرزند می شوند این دعا را بخوانند: اَللّهُمَّ لا تَذَرْنِی فَرْداً وَاَنْتَ خَیْرُ الْوارِثینَ وَحیداً وَحْشاً، فَیَقْصُرُ شُکْری عَنْ تَفَکُّری بَلْ هَبْ لی عاقِبَةَ صِدْقٍ ذُکُوراً وَاِناثاً، آنَسُ بِهِمْ مِنَ الْوَحْدَهِ وَاَسْکُنُ اِلَیْهِمْ مِنَ الْوَحْدَهِ وَاَشْکُرُکَ عِنْدَ تَمامِ النِّعْمَهِ، یا وَهّابُ یا عَظیمُ یا مُعْظِمُ. ثُمَّ اَعْطِنی فی کُلِّ عافِیَهٍ شُکْراً حَتّی تُبَلِّغَنی مِنْها رِضْوانَکَ

1- کافی، ج 6، ص 5، ح 4؛ مکارم الأخلاق، ص 219.

2- کافی، ج 6، ص 5، ح 6؛ مکارم الأخلاق، ص 219.

3- کافی، ج 6، ص 6، ح 10؛ مکارم الأخلاق، ص 219.

فی صِدْقِ الْحَدیثِ وَاَداءِ الْاَمانَهِ وَوَفاءٍ بِالْعَهْدِ». (1)

2. از امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس این دعا را بخواند، خداوند دعاهایش را در مورد ثروت وفرزند وخیر دنیا وآخرت مستجاب می کند: رَبِّ لا تَذَرْنی فَرْداً وَاَنْتَ خَیْرُ الْوارِثینَ وَاجْعَلْ لی مِنْ لَدُنْکَ وَلِیّاً یَرِثُنی فی حَیاتی وَیَسْتَغْفِرُ لی بَعْدَ مَوْتی وَاجْعَلْهُ خَلْقاً سَوِیّاً وَلا تَجْعَلْ لِلشَّیْطانِ فیهِ نَصیباً. اَللّهُمَّ اِنّی اَسْتَغْفِرُکَ وَاَتُوبُ اِلَیْکَ، اِنَّکَ اَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحیمُ (2) وبرای فرزنددار

شدن، هفتاد مرتبه آن را بخواند». (3)

3. در حدیث است که کسی از نداشتن فرزند به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «هرگاه بخواهی با همسر خود آمیزش کنی این دعا را بخوان : اَللّهُمَّ اِنْ رَزَقْتَنی ذَکَراً سَمَّیْتُهُ مُحَمّداً». (4)

استغفار

1. ابرش کلبی به امام محمّد باقر علیه السلام عرض کرد: صاحب فرزند نمی شوم.

1- ترجمه: «بار خدایا، مرا تنها وامگذار وتویی بهترین وارثان، تنهای ترس آوری که تفکّرم از شکرگزاریممی کاهد، بلکه مرا عاقبتی صادقانه با پسران ودخترانی ببخش که از تنهایی به آنان مأنوس بوده وآرام گیرمودر هنگام کامل شدن، نعمت تو را شکر کنم ای بخشنده، ای بزرگ، ای بزرگ کننده. سپس در هر عافیتیتوفیق شکر وسپاس به من عطا کن تا مرا در راستگویی وادای امانت ووفای به پیمان، به خشنودی وبهشتتو برساند». کافی، ج 6، ص 7، ح 1.

2- ترجمه: «پروردگارا، مرا تنها وامگذار. وتویی بهترین وارثان واز نزد خود برای من یاوری (فرزندی) قرار دهکه در زندگی به من کمک کند وپس از مرگ برایم طلب مغفرت نماید واو را خلقتی موزون قرار ده واز برایشیطان در او بهره ای قرار مده ! بار خدایا، من از تو طلب مغفرت می کنم وبه سوی تو بازمی گردم، زیرا توبخشنده ومهربانی».

3- مکارم الأخلاق، ص 224.

4- ترجمه: «خدایا، اگر فرزند پسری روزی ام کنی او را محمّد نامیدم».

کافی، ج 6، ص 11، ح 1؛ مکارمالأخلاق، ص 225.

حضرت فرمود: «هر روز یا هر شب صد مرتبه استغفار کن». (1)

وبهتر آن است که «اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّی وَاَتُوبُ اِلَیْهِ» بگوید.

2. در روایتی دیگر از آن حضرت آمده است که برای حلّ مشکل نداشتن فرزند چنین بگوید: هر صبح وشام هفتاد بار «سُبْحانَ اللهِ»، سپس ده بار «اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبّی وَاَتُوبُ إِلَیْهِ»، بعد نُه بار «سُبْحانَ اللهِ» وبه دنبال آن، یک بار «اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبّی وَاَتُوبُ إِلَیْهِ». راوی می گوید: جمع بسیاری به این دستور عمل کردند وبر آن مداومت نمودند وفرزندان فراوانی روزی آنها شد. ودر هر یک از اینها می توان به یک «اَسْتَغْفِرُ اللهَ» اکتفا کرد. (2)

3. در حدیث است که کسی خدمت امام باقر علیه السلام رسید واز کمی فرزند شکایت کرد. حضرت فرمود: «سه روز پس از نماز صبح وعشا هفتاد مرتبه «سُبْحانَ الله» وهفتاد مرتبه «اَسْتَغْفِرُ الله» بگو وپس از آن این آیات شریفه را تلاوت کن: (إِسْتَغْفِرُوا رَبَّکُمْ إِنَّهُ کَانَ غَفَّارًا * یُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَیْکُمْ مِّدْرَارًا * وَیُمْدِدْکُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِینَ وَیَجْعَلْ لَّکُمْ جَنَّاتٍ وَیَجْعَلْ لَکُمْ أَنْهَارًا). (3) سپس در شب سوم با همسر خود آمیزش کن، خداوند پسری سالم به تو خواهد داد». (4)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که برای فرزنددار شدن سفارش کرد : «هر شب سحر صد بار استغفار کن واگر شبی فراموش شد در وقت دیگر قضای آن را به جا آور». (5)

1- کافی، ج 6، ص 8، ح 4.

2- کافی، ج 6، ص 8، ح 5؛ مکارم الأخلاق، ص 224.

3- ترجمه: «از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است - تا باران های پربرکت آسمان را پیدر پی بر شما فرو فرستد - وشما را با

اموال وفرزندان فراوان کمک کند وباغ های سرسبز ونهرهای جاری دراختیارتان قرار دهد». سوره نوح، آیات 10 - 12.

4- طبّ الائمّه، ص 129.

5- کافی، ج 6، ص 9، ح 6.

5. از امام حسن مجتبی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس فرزند بخواهد، بسیار استغفار کند». (1)

تلاوت آیاتی از قرآن برای زاد و ولد

1. در حدیث است که حارث نصری می گوید به امام صادق علیه السلام گفتم از خاندانی هستم که منقرض شدند وفرزند ندارم. حضرت فرمود: «در حال سجود چنین دعا کن: رَبِّ هَبْ لِی مِنْ لَّدُنْکَ ذُرِّیَّةً طَیِّبَةً إِنَّکَ سَمِیعُ الدُّعَاءِ. (2) رَبِّ لاَ تَذَرْنِی

فَرْدًا وَأَنْتَ خَیْرُ الْوَارِثِینَ». (3) این کار را کردم وخداوند متعال به من علی و حسین

را عطا فرمود. (4)

2. مردی از اینکه صاحب فرزند نمی شد به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «هرگاه بخواهی با همسر خود آمیزش کنی، این سه آیه را از قرآن بخوان، إن شاء الله خداوند فرزندی روزی تو کند: (وَذَاالنُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ

أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَیْهِ فَنَادَی فِی الظُّلُمَاتِ أَنْ لاَّ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ سُبْحَانَکَ إِنِّی کُنتُ مِنَ الظَّالِمِینَ * فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّیْنَاهُ مِنْ الْغَمِّ وَکَذلِکَ نُنْجِی الْمُؤْمِنِینَ * وَزَکَرِیَّا إِذْ نَادَی رَبَّهُ رَبِّ

لاَ تَذَرْنِی فَرْدًا وَأَنْتَ خَیْرُ الْوَارِثِینَ)». (5)

1- مکارم الأخلاق، ص 226.

2- ترجمه: «پروردگارا، از نزد خود نسلی پاکیزه به من ببخش، که تو شنونده دعایی». سوره آل عمران، آیه 38.

3- ترجمه: «پروردگارا، مرا تنها وامگذار (وفرزندی برومند به من عطا کن)؛ وتو بهترین وارثانی». سوره انبیاء،آیه 89.
4- کافی، ج 6، ص 8، ح 2.
5- ترجمه: «و(به یاد آر) صاحب ماهی (یونس) را در آن هنگام که خشمگین (از میان قوم خود) رفت وچنینمی پنداشت که ما بر او تنگ نخواهیم گرفت ؛ (امّا وقتی که در کام نهنگ فرو رفت،) در آن ظلمت ها(یمتراکم) صدا زد: «(خداوندا،) جز تو معبودی نیست ؛ منزّهی تو ! من از ستمکاران بودم». ما دعای او را بهاجابت رساندیم ؛ واز آن اندوه نجاتش بخشیدیم ؛ واین گونه مؤمنان را نجات می دهیم. و(به یاد آر) زکریّا رادر آن هنگام که پروردگارش را خواند (وعرض کرد): «پروردگار من، مرا تنها مگذار (وفرزندی برومند به منعطا کن)؛ وتو بهترین وارثانی». (سوره انبیاء، آیات 87 - 89) کافی، ج 6، ص 10، ح 10.

نماز مخصوص، اذان ونام علی

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس بخواهد همسرش حامله شود، پس از نماز جمعه دو رکعت نماز بخواند ورکوع وسجودش را طولانی کند وپس از نماز بگوید : اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْاَلُکَ بِما سَأَلَکَ بِهِ زَکَرِیّا : «رَبِّ

لاَ تَذَرْنِی فَرْدًا وَأَنْتَ خَیْرُ الْوَارِثینَ، رَبِّ هَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ ذُرِّیَّةً طَیِّبَةً إِنَّکَ سَمِیعُ الدُّعَاءِ» اَللّٰهُمَّ بِاسْمِکَ اِسْتَحْلَلْتُها وَفی اَماناتِکَ اَخَذْتُها، فَاِنْ قَضَیْتَ فی رَحِمِها وَلَداً فَاجْعَلْهُ غُلاماً مُبارَکاً زَکیّاً وَلا تَجْعَلْ لِلشَّیْطانِ فِیهِ شِرْکاً وَلا نَصیباً». (1)

2. در حدیث است که کسی خدمت امام رضا علیه السلام رسید وعرض کرد: همواره بیمارم وصاحب فرزند نمی شوم. حضرت فرمود: «در خانه ات با صدای بلند اذان بگو» آن شخص به دستور امام عمل کرد، بیماریش برطرف وفرزندان بسیاری نصیبش شد. (2)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس فرزندی روزی اش نشده،اگرنیّت کندکه نام فرزندش راعلی بگذارد، خداوند پسری به او عطا کند». (3)

4. در روایت دیگری می خوانیم: «نام فرزند را علی بگذارید تا عمرش درازتر شود». (4)

1- ترجمه: «بار خدایا، از تو می خواهم آنچه را که زکریّا از تو خواست «پروردگارا، مرا تنها وامگذار وتو بهترینوارثانی. بار خدایا، از نزد خود نسلی پاکیزه به من ببخش زیرا تو شنونده دعایی»، بار خدایا، با نام تو او را برخود حلال کردم وبه امانت تو او را گرفتم، پس اگر در رحم او فرزندی

مقدّر کرده ای او را مبارک وپاک گردانواز برای شیطان در او شریک وبهره ای قرار مده». کافی، ج 6، ص 8، ح 3؛ تهذیب، ج 3، ص 348، ح 974.

2- کافی، ج 6، ص 9، ح 9؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 189، ح 903.

3- کافی، ج 6، ص 10، ح 11.

4- کافی، ج 6، ص 11، ح 2.

احکام دوران حمل وزایمان وپس از آن

پیش از زایمان

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «به زن حامله بِه بخورانید تا فرزندش خوشبوتر ورنگش صاف تر شود». (1)

2. از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «به زنان حامله کُندُر بخورانید که اگر کندر غذای جنین شود، دلش محکم وعقلش زیاد می شود؛ اگر پسر باشد شجاع می شود واگر دختر باشد نزد شوهرش عزیز است». (2)

3. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نام فرزندتان را پیش از ولادت انتخاب کنید. اگر نمی دانید پسر است یا دختر از نامی مشترک بین پسر ودختر بگذارید، زیرا اگر این کار را نکنید وفرزند سقط شود، در روز قیامت به شما گوید: چرا بر من نام نگذاشتید؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله، محسن فرزند فاطمه علیها السلام را هنگامی که در شکم مادر بود نام نهاد». (3)

هنگام زایمان

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه بر زن حامله درد زایمان سخت شود، این آیات را بر روی پوستی نوشته، بر ران راستش ببندید وپس از زایمان آن را باز کنید: (بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلاَّ سَاعَةً مِنْ نَّهَارٍ (4) كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلاَّ عَشِيَّةً أَوْ ضُحَيهَا (5) إِذْ

1- کافی، ج 6، ص 22، ح 1؛ تهذیب، ج 7، ص 506، ح 711.

2- کافی، ج 6، ص 23، ح 6.

3- کافی، ج 6، ص 18، ح 2.

4- ترجمه: «هنگامی که وعده ای را که به آنها داده می شود ببینند، احساس می کنند که گویی فقط ساعتی ازیک روز (در دنیا) توقّف داشتند». سوره احقاف، آیه 35.

5- ترجمه: «آنها در آن روز که قیام قیامت را می بینند چنین احساس می کنند که گویی توقّفشان (در دنیاوبرزخ) جز شامگاهی یا صبح آن بیشتر نبوده است». سوره نازعات، آیه 46.

قَالَتْ اِمْرَأَةُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّی نَذَرْتُ لَکَ مَا فِی بَطْنِی مُحَرَّرًا)». (1)

2. نویسنده کتاب طبّ الائمّه می گوید: «کسی خدمت امام باقر علیه السلام رسید وگفت: همسرم بر اثر شدّت درد زایمان نزدیک است بمیرد. حضرت فرمود: این آیات را بر او بخوان : (فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَی جِذْعِ النَّخْلَهِ قَالَتْ یَا لَیْتَنِی مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَکُنْتُ نَسْیًا مَنْسِیًّا * فَنَادَیهَا مِنْ تَحْتِهَا أَنْ لاَ تَحْزَنِی قَدْ جَعَلَ رَبُّکِ تَحْتَکِ سَرِیًّا * وَهُزِّی إِلَیْکِ بِجِذْعِ النَّخْلَهِ تُسَاقِطْ عَلَیْکِ رُطَبًا جَنِیًّا) (2) سپس با صدای بلند این آیه را بخوان :

(وَاللَّهُ أَخْرَجَکُمْ مِّنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِکُمْ لاَ تَعْلَمُونَ شَیْئًا وَجَعَلَ لَکُمُ السَّمْعَ وَالأَبْصَارَ وَالأَفْئِدَهَ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ) (3) کَذلِکَ أَیُّهَا الطَّلِقُ أُخْرُجْ بِإِذْنِ اللَّهِ. (4) اگر آنچه را که گفته

شد بخوانی، به یاری خداوند فوراً زن نجات می یابد». (5)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه زن حامله وارد ماه وضع حمل شد این آیات را در کاغذی بنویسید و چیزی بر آن بپیچید (امّا گره نزنید) وبر کمر آن زن ببندید. در این صورت درد زایمان او را نیازارد وپس از وضع حمل آن را باز کنید وبیش از یک ساعت همراهش نباشد.

(أَوَ لَمْ یَرَی الَّذِینَ کَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضَ کَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ

1- ترجمه: «(به یاد آرید) آن گاه که همسر عِمران گفت: خداوندا، آنچه را در رحم دارم، برای تو نذر کردم، کهمحرّر (وآزاد، برای خدمت خانه تو) باشد». (سوره آل عمران، آیه 35) السرائر، ج 3، ص 598.

2- ترجمه: «درد زایمان او را به کنار تنه درخت خرمایی کشاند؛ (آن قدر ناراحت شد که) گفت: «ای کاش پیشاز این مرده بودم وبه کلّی فراموش

می شدم». ناگهان از طرف پایین پایش او را صدا زد که: «غمگین مباش! پروردگارت زیر پای تو چشمه آبی (گوارا) قرار داده است. واین تنه نخل را به طرف خود تکان ده، رطبتازه ای بر تو فرو می ریزد». سوره مریم، آیات 23 - 25.

3- ترجمه: «وخداوند شما را از شکم مادرانتان خارج کرد در حالی که هیچ چیز نمی دانستید؛ و برای شماگوش و چشم و عقل قرار داد، تا شکر نعمت او را به جا آورید». سوره نحل، آیه 78.

4- ترجمه: «ای درد، به اذن خداوند این چنین خارج شو».

5- طبّ الأئمّه، ص 69.

الْمَاءِ كُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ أَفَلاَ یُؤْمِنُونَ). (1) (وَآیَهٌ لَّهُمُ الَّیْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُّظْلِمُونَ *

وَالشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا ذلِکَ تَقْدِیرُ الْعَزِیزِ الْعَلِیمِ * وَالْقَمَرَ قَدَّرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّی عَادَ کَالْعُرْجُونِ الْقَدِیمِ * لاَ الشَّمْسُ یَنْبَغِی لَهَا أَنْ تُدْرِکَ الْقَمَرَ وَلاَ الَّیْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَکُلٌّ فِی فَلَکٍ یَسْبَحُونَ * وَآیَهٌ لَّهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّیَّتَهُمْ فِی الْفُلْکِ الْمَشْحُونِ * وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِّنْ مِّثْلِهِ مَا یَرْکَبُونَ * وَإِنْ نَّشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلاَ صَرِیخَ لَهُمْ وَلاَ هُمْ یُنقَذُونَ * إِلاَّ رَحْمَهً مِّنَّا وَمَتَاعًا إِلَی حِینٍ). (2) (وَنُفِخَ فِی الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِّنَ الاْجْدَاثِ إِلَی رَبِّهِمْ یَنسِلُونَ). (3)

ودر پشت کاغذ این آیات زیر را بنویسید: (کَأَنَّهُمْ یَوْمَ یَرَوْنَ مَا یُوعَدُونَ لَمْ یَلْبَثُوا إِلاَّ سَاعَهً مِنْ نَّهَارٍ بَلاَغٌ فَهَلْ یُهْلَکُ إِلاَّ الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ). (4) (کَأَنَّهُمْ یَوْمَ یَرَوْنَهَا لَمْ

یَلْبَثُوا إِلاَّ عَشِیَّهً أَوْ ضُحَاهَا)». (5)

1- ترجمه: «آیا کافران ندیدند که آسمان ها وزمین به هم پیوسته بودند وما آنها را از یکدیگر باز کردیم وهرچیز زنده ای را از آب قرار دادیم، آیا ایمان نمی آورند؟ !» سوره انبیاء، آیه 30.

2- ترجمه: «شب (نیز) برای آنها نشانه ای است (از عظمت خدا)؛ ما روز را از آن برمی گیریم، ناگهان تاریکیآنان را فرا می گیرد. وخورشید (نیز برای آنها آیتی است) که پیوسته به سوی قرارگاهش در حرکت است ؛ اینتقدیر خداوند توانا وداناست. وبرای ماه منزلگاه هایی قرار دادیم، (وهنگامی که این منازل را طی کرد)سرانجام به صورت «شاخه کهنه قوسی شکل وزردرنگ خرما» درمی آید. نه خورشید را سزاست که به ماهبرسد ونه شب بر روز پیشی می گیرد؛ وهر کدام در مسیر خود شناورند. نشانه(ای دیگر از عظمت پروردگار)برای آنان این است که ما فرزندانشان را در کشتی هایی پر (از وسایل وبارها) حمل کردیم. وبرای

آنهامرکب های دیگری همانند آن آفریدیم. واگر بخواهیم غرقشان می کنیم به طوری که نه فریادرسی داشتهباشند ونه نجات داده شوند. مگر اینکه رحمت ما (شامل آنان شود)، وتا زمانی معیّن از این زندگی بهرهگیرند». سوره یس، آیات 37 - 44.

3- ترجمه: «(بار دیگر) در صور دمیده می شود، ناگهان آنها از قبرها، شتابان به سوی (دادگاه) پروردگارشانمی روند». سوره یس، آیه 51.

4- ترجمه: «هرگاه وعده ای را که به آنها داده می شود ببینند، احساس می کنند که گویی فقط ساعتی از یک روز(در دنیا) توقّف داشتند». سوره احقاف، آیه 35.

5- ترجمه: «آنها در آن روز که قیام قیامت را می بینند چنین احساس می کنند که گویی توقّفشان (در دنیاوبرزخ) جز شامگاهی یا صبح آن بیشتر نبوده است». (سوره نازعات، آیه 46) طبّ الأئمّه، ص 95.

پس از وضع حمل

غذای مادر

1. در روایتی معتبر آمده است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «اوّل چیزی که زن پس از وضع حمل باید بخورد رطب است، همان گونه که خداوند متعال به حضرت مریم علیها السلام پس از وضع حمل دستور داد رطب بخورد. واگر فصل رطب نباشد (یا رطب در دسترس نباشد) نُه عدد از خرماهای مدینه بخورد. واگر آن هم موجود نبود، نُه عدد از خرماهای دیگر که در اختیار دارد بخورد، زیرا خداوند متعال می فرماید: به عزّت وجلالم سوگند، اگر هر زنی که تازه زاییده رطب بخورد فرزندش را بردبار می گردانم». (1)

2. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «بهترین میوه های شما خرمای برنی است؛ پس به زنانتان بعد از وضع حمل، خرمای برنی بخورانید تا فرزندش زیرک وبردبار شود». (2)

3. در روایتی آمده است که هرگاه به حضرت سجّاد علیه السلام بشارت ولادت فرزند می دادند نمی پرسید پسر است یا دختر، بلکه از سلامتی مولود سؤال می کرد

وهنگامی که خبر سلامتی اش را می دادند، می فرمود: «اَلْحَمْدُ للهِ الَّذی لَمْ یَخْلُقْ مِنّی شَیْئاً مُشَوَّهاً». (3)

تبریک ولادت ورنگ لباس نوزاد

1. در حدیثی می خوانیم امام صادق علیه السلام به کسی که خداوند به وی پسر داده

1- کافی، ج 6، ص 22، ح 4.

2- محاسن، ص 534، ح 800؛ کافی، ج 6، ص 22، ح 3.

3- ترجمه: «حمد وسپاس مخصوص خداوندی است که از من، فرزند معیوب وزشتی نیافرید». کافی، ج 6،ص21، ح 1؛ تهذیب، ج 7، ص 506، ح 710.

بود چنین تبریک گفت: «رَزَقَکَ اللهُ شُکْرَ الْواهِبِ وَبارَکَ لَکَ فِی الْمَوْهُوبِ وَبَلَغَ بِهِ اَشُدَّهُ وَرَزَقَکَ بِرَّهُ». (1)

2. از حدیث هایی که در مورد ولادت امام حسن وامام حسین علیهما السلام وارد شده است استفاده می شود که پیچیدن نوزاد در پارچه زرد، کراهت دارد ودر پارچه سفید مستحبّ است. (2)

برداشتن کام طفل

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کام طفل خود را با تربت امام حسین علیه السلام بردارید که این کار، نوزاد را در برابر دردها وبلاها بیمه می کند». (3)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کام طفل را با آب فرات بردارید ودر گوشش اقامه بگویید». (4)

3. در روایتی دیگر از آن حضرت می خوانیم که فرمود: «کام نوزاد را با آب

فرات وتربت امام حسین علیه السلام بردارید واگر آب فرات نباشد با آب باران». (5)

4. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کام فرزندان خود را با خرما بردارید، زیرا حضرت رسول صلی الله علیه و آله با امام حسن وحسین علیهما السلام چنین کرد». (6)

1- ترجمه: «خداوند توفیق شکر کسی که این فرزند را به تو بخشیده عنایت فرماید ودر آن فرزند به تو برکت دهد واو را به کمال قوّت برساند وخوبی های او را روزی تو کند». کافی، ج 6، ص 17، باب التهیه بالولد، ح 1؛تهذیب، ج 7، ص 503، ح 699.

2- صحیفه الرضا علیه السلام، ص 73، ح 145.

3- كامل الزّيارات، ص 278، ح 2؛ تهذيب، ج 6، ص 84، ح 142 و143.

4- كافى، ج 6، ص 24، ح 3؛ تهذيب، ج 7، ص 502، ح 696.

5- كافى، ج 6، ص 24، ح 4؛ مكارم الأخلاق، ص 229.

6- كافى، ج 6، ص 24، ح 5؛ تهذيب، ج 7، ص 503، ح 697.

قطره ریختن در بینی، اذان واقامه گفتن در گوش وغسل دادن نوزاد

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه نوزاد به دنیا آمد به مقدار یک عدس از جاوشیر (1) در آب حل کنید، سپس دو قطره از آن را در بینی

راست ویک قطره را در بینی چپ نوزاد بریزید». (2)

2. از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پیش از آنکه ناف نوزاد را قطع کنید، در گوش راستش اذان ودر گوش چپش اقامه بگویید، در این صورت ترسی بر آن فرزند نیست وامّالصّبیان (نوعی بیماری کودکان) به او

ضرر نمی زند». (3)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس فرزندی از او متولّد شود باید در گوش راستش اذان ودر گوش چپش اقامه بگوید که او را از شرّ شیطان حفظ می کند». (4)

4. از جمله اعمال مستحب در وقت ولادت، غسل دادن نوزاد است (5) ، حتّی

برخی علما آن را واجب می دانند. (6) واحتیاط آن است که چنین نیّت کند: غسل

می دهم این طفل را برای رضای خدا، سپس سرش را بشوید وبعد سمت راست ودر آخر سمت چپ بدنش را بشوید.

1- «جاوشیر» صمغی است بدبو به رنگ سرخ تیره که از بیخ وساقه گیاهی گرفته می شود. گیاه آن دارای ساقهبلند وپرزدار وبرگ هایش شبیه برگ انجیر وگل های آن زرد وخوشبو است. گاوشیر وجواشیر وکوشیر همگفته شده است (فرهنگ عمید).

2- کافی، ج 6، ص 23، ح 1؛ تهذیب، ج 7، ص 502، ح 695.

3- کافی، ج 6، ص 23، ح 1؛ تهذیب، ج 7، ص 502، ح 695.

4- کافی، ج 6، ص 24، ح 6؛ تهذیب، ج 7، ص 503، ح 698.

5- وسائل الشیعه، ج 2، ص 937، ح 3.

6- جواهر الکلام، ج 31، ص 251.

نامگذاری

اشاره

1. در فقه الرّضا آمده است که: «نام نوزاد را در روز هفتم تعیین کنید». (1)

2. از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نخستین نیکی پدر به فرزند، انتخاب نام نیک است». (2)

نام های نیک

1. از امام محمّد باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «راست ترین نام ها نامی است که دلالت بر بندگی خدا کند، مانند عبدالله وبهترین نام ها نام پیامبران است». (3)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس چهار فرزند نصیبش شود وهیچ یک را به نام من ننهد، بر من جفا کرده است». (4)

3. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خانه ای که در آن نام محمّد یا احمد یا علی یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب یا عبدالله یا فاطمه بوده باشد، فقر وبینوایی وارد آن خانه نمی شود». (5)

4. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه گروهی برای مشورت جمع شوند ودر میان آنها کسی باشد که نامش محمّد یا حامد یا محمود یا احمد باشد، رأی آنها بر آنچه خیر است قرار می گیرد». (6)

5. ودر حدیثی دیگر فرمود: «فرزندی که نام محمّد را برای او انتخاب

1- فقه الرضا علیه السلام، ص 239.

2- کافی، ج 6، ص 18، ح 3؛ تهذیب، ج 7، ص 503، ح 701.

3- کافی، ج 6، ص 18، ح 1؛ تهذیب، ج 7، ص 504، ح 703.

4- کافی، ج 6، ص 19، ح 6؛ عدّه الدّاعی، ص 77.

5- کافی، ج 6، ص 19، ح 8؛ تهذیب، ج 7، ص 504، ح 704.

6- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 29، ح 30؛ مکارم الأخلاق، ص 220.

کرده اید، گرامی بدارید ودر مجلس برایش جا باز کنید وبر او رو ترش نکنید». (1)

6. ودر روایتی دیگر فرمود: «هر خانواده ای که نام پیامبری در میان آنها باشد، خداوند متعال هر صبح وشام فرشته ای می فرستد که برایشان به قداست وپاکی دعا کند». (2)

7. در روایتی می خوانیم که کسی به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد: خداوند به من پسری داده است. امام فرمود: «مبارک باشد چه نامی برایش انتخاب کرده ای؟» عرض کرد: محمّد. امام سر را به پایین خم کرد، نام محمّد را تکرار می کرد به حدّی که صورت ایشان به زمین نزدیک شد. سپس فرمود: «جان خود وفرزندان وهمسران وپدر ومادر وتمام ساکنان زمین فدای حضرت رسول صلی الله علیه و آله باد! اکنون که چنین نام مبارکی برایش انتخاب کرده ای به او دشنام نده واو را کتک نزن ودر حقّش بدی نکن وتوجّه داشته باش که هیچ خانه ای نیست که در آن نام محمّد باشد مگر آنکه هر روز آن خانه را تطهیر وتقدیس می کنند». (3)

8. در حدیث است که جابر می گوید همراه امام باقر علیه السلام به منزل یکی از شیعیان برای عیادت از وی رفتم. کودکی بیرون آمد. حضرت پرسید: «نام تو چیست؟» گفت: محمّد. فرمود: «کنیه ات چیست؟» عرض کرد: ابوعلی. فرمود : «خود را در برابر شیطان در قلعه محکمی قرار داده ای؛ هرگاه شیطان بشنود کسی این کودک را به نام محمّد یا علی صدا می زند دور می شود واگر نام کسی همنام دشمنان ما باشد واو را با آن نام صدا زنند شیطان شاد می شود». (4)

9. در روایتی معتبر آمده است که کسی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید وعرض کرد :

1- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 29، ح 29.

2- امالی طوسی، ج 2، ص 69.

3- کافی، ج 6، ص 39، ح 2.

4- کافی، ج 6، ص 20، ح 12.

خداوند پسری به من داده است چه نامی بر او بگذارم؟ حضرت فرمود: «بهترین نام ها نزد من حمزه است، این نام را برایش انتخاب کن». (1)

نام های نامناسب

1. در چندین حدیث آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از انتخاب نام های حکم، حکیم، خالد، مالک نهی کرد وفرمود: «دشمن ترین نام ها نزد خدا، حارث ومالک وخالد است». (2) ونیز از کنیه های ابوعیسی، ابوالحکم، ابومالک وهمچنین

ابوالقاسم برای کسی که نامش محمّد است نهی کرد، تا نام وکنیه یک شخص هر دو همسان نام وکنیه حضرت محمّد صلی الله علیه و آله نباشد. (3)

2. در حدیثی دیگر می خوانیم: نام «یاسین» را برای فرزندانتان انتخاب نکنید که مخصوص حضرت محمّد صلی الله علیه و آله است. (4)

عقیقه کردن و سر تراشیدن نوزاد وآداب آن

عقیقه

(مقدّمه:) عقیقه برای فرزند مستحبّ مؤکّد است، البتّه برای کسانی که قادر بر آن باشند وبعضی از علما آن را واجب می دانند وبهتر آن است که در هفتمین روز تولّد فرزند انجام شود واگر انجام نشود تا زمان بلوغ فرزند بر پدر وبعد از بلوغ تا آخر عمر بر خودش مستحبّ است.

1- کافی، ج 6، ص 19، ح 9؛ تهذیب، ج 7، ص 504، ح 705.

2- علّت عدم انتخاب این نام ها ظاهرآ این است که موجب غفلت انسان از موقعیّت خویش وگاه از خدا می شود.کافی، ج 6، ص 20، ح 14؛ تهذیب، ج

7، ص 505، ح 702.

3- کافی، ج 6، ص 21، ح 15؛ تهذیب، ج 7، ص 505، ح 708.

4- کافی، ج 6، ص 20، ح 13.

اهمّيّت عقیقه

در احادیث معتبر فراوانی آمده است که: عقیقه بر کسی که صاحب فرزندی شود واجب است (1) (ولی حق آن است که جزءِ مستحبّات مؤکّد است).

فلسفه وزمان عقیقه

1. در احادیث بسیاری آمده است که فرزند در گرو ورهن عقیقه است. (2) یعنی

اگر عقیقه نشود در معرض انواع بلاها خواهد بود.

2. در حدیثی معتبر از امام صادق علیه السلام می خوانیم که فرمود: «هرگاه پسر یا دختری متولّد شد روز هفتم برایش گوسفند یا شتری عقیقه کن وهمان روز برایش نام (نیکی) انتخاب بنما وموهای سرش را بتراش وبه وزن موهایش طلا یا نقره صدقه بده». (3)

3. حضرت رضا علیه السلام فرمود: «پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله در روز ولادت امام حسن و امام حسین علیهما السلام در گوش آنان اذان گفت و حضرت فاطمه علیها السلام در روز هفتم ولادت آن بزرگواران برایشان عقیقه کرد و ران گوسفند را به همراه یک اشرفی به قابله داد». (4)

عقیقه برای بزرگسالان

در روایتی معتبر آمده است که عمر بن یزید می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: نمی دانم پدرم برایم عقیقه کرده است یا نه، (چه کنم؟) امام فرمود : «عقیقه کن». سپس عمر بن یزید در پیری برای خود عقیقه کرد. (5)

1- كافى، ج 6، ح 1؛ مكارم الأخلاق، ص 226.

2- كافى، ج 6، ص 24، ح 2 وص 25، ح 4؛ مكارم الأخلاق، ص 226.

3- كافى، ج 6، ص 28، ح 7.

4- عيون اخبار الرضا عليه السلام، ج2، ص 46، ح 170.

5- كافى، ج 6، ص 25، ح 3؛ تهذيب، ج 7، ص 508، ح 719.

صدقه یا قربانی به جای عقیقه

1. در حدیثی آمده است که کسی از امام صادق علیه السلام پرسید: گوسفندی برای عقیقه نیافتم آیا می توانم قیمتش را صدقه دهم؟ امام علیه السلام فرمود: «کفایت نمی کند، جست وجو کن تا گوسفندی بیابی، زیرا خداوند دوست دارد گوسفندی قربانی واطعام داده شود». (1)

2. در روایتی می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «عقیقه برای کسانی که غنی هستند لازم است وکسی که فقیر باشد هرگاه توانایی یافت انجام می دهد واگر توانایی نیافت چیزی بر او نیست. واگر عقیقه نکرد تا زمانی که قربانی برای او کنند همان قربانی برای او کافی است». (2)

عقیقه کودک هفت روزه

1. در حدیثی آمده است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا فرزندی که روز هفتم می میرد عقیقه دارد؟ فرمود: «چنانچه قبل از ظهر بمیرد عقیقه ندارد واگر بعد از ظهر از دنیا برود عقیقه دارد». (3)

شرایط عقیقه

(مقدّمه:) عقیقه اگر شتر باشد باید پنج ساله یا بیشتر واگر بز باشد یک ساله یا بیشتر واگر گوسفند باشد حدّاقل شش ماهه یا بیشتر واگر هفت ماه تمام باشد بهتر است ومی بایست بیضه اش را نکشیده بلکه نکوبیده باشند. ومغز شاخش شکسته نباشد وگوشش را نبریده باشند وکور وزیاد لاغر نباشد ولنگ نباشد به

1- کافی، ج 6، ص 25، ح 6 و8؛ تهذیب، ج 7، ص 508، ح 720.

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 312، ح 1517؛ مکارم الأخلاق، ص 226.

3- کافی، ج 6، ص 39، ح 1؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 314، ح 1525.

حدّی که راه رفتن برایش مشکل باشد.

(ولی) در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «عقیقه همچون قربانی نیست وشرایط آن را ندارد، بنابراین هر گوسفندی باشد کفایت می کند (1) ،

زیرا هدف گوشت آن است هر چند اگر چاق تر باشد بهتر است». (واین نشان می دهد که بیان اوّل به جنبه های مستحبّی نظر دارد). (2)

دعای هنگام ذبح گوسفند

1. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «به هنگام ذبح گوسفند این دعا را بخوانید: بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ، اَللّهُمَّ عَقیقَهٌ عَنْ فُلانٍ (به جای فلان، نام کسی را بگوید که برایش عقیقه می کنند) لَحْمُها بِلَحْمِهِ وَدَمُها بِدَمِهِ وَعَظْمُها بِعَظْمِهِ اَللّهُمَّ اجْعَلْها وِقاءَ آلِ مُحَمَّدٍ». (3)

2. در حدیثی دیگر آمده است که خواندن این دعا را سفارش فرمود: «بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَالْحَمْدُ للهِ وَاللهُ اَکْبَرُ، ایماناً بِاللهِ، وَثَناءً عَلی رَسُولِ اللهِ، وَالْعِصْمَهُ لاِمْرِهِ، والشُّکْرُ لِرِزْقِهِ، وَالْمَعْرِفَهُ بِفَضْلِهِ عَلَیْنا اَهْلَ الْبَیْتِ». (4)

سپس اگر فرزند پسر باشد بگوید: «اَللّهُمَّ اِنَّکَ وَهَبْتَ لَنا ذَکَراً وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِما

1- کافی، ج 6، ص 29، باب أنّ العقیقه لیست بمنزله الأُضحیه، ح 1.

2- کافی، ج 6، ص 29، باب أنّ العقیقه لیست بمنزله الأُضحیه، ح 2.

3- ترجمه: «به نام خدا وبه ذات (پاک) خدا (آغاز می کنم.) بار خدایا این عقیقه از طرف فلانی است، گوشتش رادر برابر گوشت او وخونش را در برابر خون او واستخوانش را در برابر استخوان او (حفظ کن) بار خدایا، آن

رامایه حفظ خاندان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله قرار ده». کافی، ج 6، ص 30، باب القول علی العقیقه، ح 1.

4- ترجمه: «به نام خدا وبه ذات (پاک) خدا (آغاز می کنم.) وحمد وثنا مخصوص خداست وخداوند بزرگ تر ازآن است که به وصف آید (این عقیقه را همراه با) ایمان به خدا وستایش بر رسول خدا وگردن نهادن به فرماناو وسپاس برای روزی دادن او وشناختن فضل خداوند بر ما اهل بیت (انجام می دهم)». کافی، ج 6، ص 30،باب القول علی العقیقه، ح 2؛ تهذیب، ج 7، ص 511، ح 730.

وَهَبْتَ وَمِنْکَ ما اَعْطَیْتَ وَکُلُّ ما صَنَعْنا فَتَقَبَّلْهُ مِنّا عَلی سُنَّتِکَ وَسُنَّهِ نَبِیِّکَ وَرَسُولِکَ صلی الله علیه و آله وَاخْسَأْ عَنَّا الشَّیْطانَ الرَّجیمِ لَکَ سَفَکْتُ الدِّماءَ لا شَریکَ لَکَ وَالْحَمْدُ للهِ رَبِّ الْعالَمینَ. اَللّهُمَّ لَحْمُها بِلَحْمِهِ وَدَمُها بِدَمَهِ وَعَظْمُها بِعَظْمِهِ وَشَعْرُها بِشَعْرِهِ وَجِلْدُها بِجِلْدِهِ اَللّهُمَّ اجْعَلْها وِقاءً لِفُلانِ بْنِ فُلانٍ وبه جای فلان بن فلان نام کسی که برایش عقیقه شده وپدرش را ببرد». (1)

3. در روایت معتبر دیگری آمده است که امام صادق علیه السلام این دعا را به هنگام ذبح کردن عقیقه سفارش کرد: «یَا قَوْمِ اِنِّی بَرِیءٌ مِمَّا تُشْرِکُونَ اِنِّی وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذِی فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضَ حَنِیفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِکِینَ (2) إِنَّ صَلاَتِی

وَنُسُکِی وَمَحْیَایَ وَمَمَاتِی لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ لاَ شَرِیکَ لَهُ وَبِذلِکَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِینَ (3) اَللّهُمَّ مِنْکَ وَلَکَ، بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَاللهُ اَکْبَرُ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنْ فُلانٍ وبه جای فلان، نام فرزند را ببرد سپس گوسفند را

سر ببرد». (4)

1- ترجمه: «بار خدایا، تو پسری به ما دادی در حالی که تو داناتری به آنچه داده ای واین بخشش از جانب تواست وآنچه را که ما انجام داده ایم بر سنّت تو وپیامبر تو است از ما بپذیر وشیطان رانده شده را از ما دور کن،از برای (فرمان) تو عقیقه کردم، تو شریکی نداری وحمد وثنا مخصوص خداوندی است که پروردگارجهانیان است. بار خدایا، گوشتش را در برابر گوشت او وخونش را در برابر خون او واستخوانش را در برابراستخوان او ومویش را در مقابل موی او وپوستش را در برابر پوست او (حفظ کن). پروردگارا، این عقیقه رامایه حفظ وسلامتی فلان کس فرزند فلان کس قرار بده».

2- ترجمه: «ای قوم، من از شریکانی که شما (برای خدا) می سازید بیزارم. من روی خود را به سوی کسی کردمکه آسمان ها وزمین را آفریده، من در ایمان خود خالصم واز مشرکان نیستم». سوره انعام، آیات 78 و79.

3- ترجمه: «نماز وتمام عبادات من وزندگی ومرگ من، همه برای خداوند پروردگار جهانیان است. همتاییبرای او نیست ؛ وبه همین مأمور شده ام ؛ ومن نخستین مسلمانم». سوره انعام، آیات 162 و163.

4- ترجمه: «بار خدایا، از تو وبرای تو است، به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (آغاز می کنم) و خدا بزرگ تر از آناست که وصف شود. بار خدایا، بر محمّد وآل محمّد درود فرست واز فلانی بپذیر». کافی، ج 6، ص 31، ح 4؛ مکارم الأخلاق، ص227.

حکم مالیدن خون عقیقه بر نوزاد وهدیه دادن به قابله

1. در احادیث بسیار از مالیدن خون عقیقه بر سر نوزاد نهی شده واین کار از خرافات جاهلیّت شمرده شده است. (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک چهارم گوسفند عقیقه را به قابله بدهید واگر زایمان بدون قابله صورت گرفته، آن را به مادر نوزاد دهید تا به هر که بخواهد بدهد ولااقل ده فقیر مسلمان را با آن اطعام کنید وهر چه زیادتر باشد بهتر است. وخود مادر از آن نخورَد». (2)

3. در روایت دیگری آمده است که یک سوم گوسفند را به قابله بدهند. (3)

آداب طبخ کردن وخوردن عقیقه

مستحبّ است که استخوان ها را نشکنند بلکه از بندها جدا سازند (4) ، چنانکه مستحبّ است آن را نپخته وخام تقسیم نکنند وحدّاقل با آب ونمک بپزند. (5)

بلکه این روش احتمالاً روش خوبی باشد واگر خام هم صدقه دهند خوب است ولازم نیست کسانی را که برای خوردن عقیقه دعوت می کنند فقیر باشند، هر چند بهتر است صالحان وفقیران دعوت شوند. ومشهور آن است که اوّل سر نوزاد را بتراشند سپس برای او عقیقه کنند. (6)

1- کافی، ج 6، ص 33، ح 2 و3؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 25، ح 5.

2- کافی، ج 6، ص 28، ح 9؛ تهذیب، ج 7، ص 510، ح 727.

3- کافی، ج 6، ص 32، ح 2.

4- کافی، ج 6، ص 29، ح 11.

5- وسائل الشيعه، ج 15، ابواب احكام الأولاد، باب 44، ح 16.

6- وسائل الشيعه، ج 15، ابواب احكام الأولاد، باب 44، ح 4.

چه کسانی از گوشت عقیقه نخورند؟

مستحبّ است پدر و مادر از گوشت عقیقه نخورند. و نیز بهتر است از غذایی که با گوشت عقیقه پخته شده نخورند و خوردن مادر کراهتش بیشتر است وبهتر آنکه عیال و نانخور پدر و مادر نیز که در خانه ایشان هستند از آن گوشت و طعام نخورند. (1)

تراشیدن موی سر نوزاد

1. در حدیثی آمده است که: «عقیقه کردن وتراشیدن موی سر وصدقه دادن طلا یا نقره هموزن آن، همه در یک زمان ومکان باشد». (2)

2. در مورد تراشیدن سر مستحبّ است که همه سر را بتراشند وزلف وکاکل نگذارند. (3)

3. در روایتی آمده است که مستحبّ است پس از تراشیدن سر نوزاد، بر سرش زعفران بمالند. (4)

ختنه کردن

زمان ختنه کردن

1. در حدیثی صحیح ومعتبر آمده است که امام کاظم علیه السلام فرمود: «مستحبّ است پسران را در روز هفتم ولادتشان ختنه کنند واگر قبل از آن باشد نیز

اشکال ندارد». (5)

1- وسائل الشیعه، ج 15، ابواب احکام الأولاد، باب 47، ح 1 و2 و3.

2- کافی، ج 6، ص 27، ح 2.

3- کافی، ج 6، ص 40، باب کراهیه القنازع، ح 1 و2؛ تهذیب، ج 7، ص 515، ح 746.

4- مکارم الأخلاق، ص 228.

5- کافی، ج 6، ص 36، ح 7؛ تهذیب، ج 7، ص 513، ح 736.

2. در روایتی حضرت علی علیه السلام فرمود: «کسی که مسلمان شود ختنه اش می کنند، هر چند هشتاد سال داشته باشد». (1)

فلسفه ختنه کردن

1. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «فرزندانتان را در روز هفتم ختنه کنید که باعث پاکیزگی بیشتر بدن ورویش بهتر گوشت آنها می شود. وزمین از ادرار کسی که ختنه نشده باشد ناراحت می شود». (2)

در حدیثی می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «زمین از ادرار کسی که ختنه نکرده، تا چهل روز نجس می شود». (3)

ودر حدیثی دیگر فرمود: «زمین از ادرار کسی که ختنه نکرده، به خدا شکایت می کند». (4)

دعای ختنه کردن، تکرار ختنه واحکام ترک ختنه

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «به هنگام ختنه کردن پسر این دعا را بخوانید واگر آن زمان خوانده نشد، تا زمان بلوغ هر زمان امکان داشت بخوانید که حرارت وصدمات ناشی از آهن، مانند کشته شدن وجز آن را از وی دور می کند وآن دعا این است: اَللّهُمَّ هذِهِ سُنَّتُکَ وَسُنَّةُ نَبِیِّکَ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ

وَآلِهِ وَاتِّباعٌ مِنّا لَکَ وَلِنَبِیِّکَ، بِمَشِیَّتِکَ وَبِإِرادَتِکَ وَقَضائِکَ لاِمْرٍ اَرَدْتَهُ وَقَضاءٍ حَتَمْتَهُ وَاَمْرٍ اَنْفَذْتَهُ وَاَذَقْتَهُ حَرَّ الْحَدیدِ فی خِتانِهِ وَحِجامَتِهِ، بِاَمْرٍ اَنْتَ اَعْرَفُ بِهِ

1- کافی، ج 6، ص 37، ح 10؛ تهذیب، ج 7، ص 513، ح 737.

2- کافی، ج 6، ص 34، باب التطهیر، ح 1؛ تهذیب، ج 7، ص 512، ح 733.

3- کافی، ج 6، ص 35، ح 2؛ مکارم الأخلاق، ص 230.

4- کافی، ج 6، ص 35، ح 3؛ مکارم الأخلاق، ص 229.

مِنّی. اَللّهُمَّ فَطَهِّرْهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَزِدْ فی عُمْرِهِ وَادْفَعِ الْافاتَ عَنْ بَدَنِهِ وَالْأَوْجاعَ عَنْ جِسْمِهِ وَزِدْهُ مِنَ الْغِنی وَادْفَعْ عَنْهُ الْفَقْرَ، فَاِنَّکَ تَعْلَمُ وَلا نَعْلَمُ». (1)

2. از حضرت امام زمان علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر پسری را ختنه کنند ودوباره قسمت بریده شده بروید به طوری که سر حشفه پنهان شود، باید دوباره ختنه کنند زیرا زمین از ادرار کسی که ختنه (کامل) نکرده باشد تا چهل روز ناله می کند». (2)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که ختنه نکرده امام جماعت نشود، شهادتش قبول نیست وهر زمان مرد بر او نماز نخوانید، زیرا بزرگ ترین سنّت های پیامبر را ترک کرده است، مگر اینکه به خاطر (عذری مثلاً ترس از) مرگ آن را ترک کرده باشد». (3)

آداب شیر دادن وتربیت فرزند

اشاره

(مقدّمه:) انتهای شیر دادن پایان دو سالگی است. (4) وبرخی علما معتقدند که بدون عذر بیش از دو سال شیر دادن جایز نیست (5) ، مگر آنکه باعث اذیّت وآزار

1- ترجمه: «بار خدایا، این سنّت تو وسنّت پیامبر تو است که درود تو بر او وبر آل او باد، (واین مراسم) پیرویما از تو واز پیامبرت به خواست واراده وقضای تو برای امری که اراده کردی وقضایی که واجب کردی وامریکه انفاذ نمودی ودر ختنه کردن وحجامت او سوزش آهن را به او چشانیدی، به خاطر مصالحی که تو از من بهآن عارف تری. بار خدایا، او را از گناهان پاک گردان وبر عمرش بیفزا، آسیب را از بدنش ودردها را از جسمشبازدار وبر

توانگریش بیفزا وتنگدستی را از او بازدار، زیرا تو می دانی وما نمی دانیم». کتاب من لا یحضرهالفقیه، ج 3، ص 315، ح 1530؛ مکارم الأخلاق، ص 229.

2- کمال الدّین، ج 2، ص 520؛ احتجاج، ج 2، ص 559.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه ج 1، ص 248، ح 1107 از امیرالمؤمنین علیه السلام.

4- جواهر الکلام، ج 31، ص 276.

5- جواهر الکلام، ج 31، ص 277.

کودک گردد وحالت اضطراری ایجاد شود.

از سوی دیگر، کمتر از بیست ویک ماه شیر ندهند، مگر در صورت ضرورت، مثل اینکه مادر شیر نداشته باشد، یا شیر مادر برای کودک مضر باشد، یا دایه ای یافت نشود، یا قادر بر پرداخت اجرت دایه نباشد. وجمعی از علما معتقدند که برمادر واجب است نخستین شیری که به پستانش می آید به نوزادش بخوراند (1) ، شیری که اگر به بچّه ندهد زنده نخواهد ماند، یا قدرت کافی نخواهد

داشت.

آداب شیر دادن

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سودمندترین ومبارک ترین شیرها برای فرزند، شیر مادر است». (2)

2. در حدیث است که روزی امام صادق علیه السلام مشاهده کرد امّ اسحاق به فرزندش شیر می دهد، به او فرمود: «ای مادر اسحاق، از یک پستان به کودک شیر نده بلکه از هر دو پستان بده که یکی به جای غذا ودیگری به جای آب است». (3)

3. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دایه ای انتخاب کنید که هم صورتی زیبا وهم سیرتی نیک داشته باشد، زیرا در نوزاد تأثیر دارد وکودک در صورت وسیرت شبیه به دایه می شود». (4)

1- جواهر الکلام، ج 31، ص 277.

2- کافی، ج 6، ص 40، باب الرضاع، ح 1؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 305، ح 1465.

3- کافی، ج 6، ص 40، باب الرضاع، ح 2؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 305، ح 1466.

4- کافی، ج 6، ص 44، ح 12 و13؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 307، ح 1479.

شیرهای ممنوع

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: اگر به حکم ضرورت فرزند خود را به دایه یهودی یا مسیحی سپردید (اوّلاً:) اجازه ندهید که فرزندتان

رابه خانه خودببرد و(ثانیاً:) سفارش کنید از خوردن شراب وگوشت خوک ودیگرچیزهایی که درآیین آنهاحلال (ولی دراسلام حرام)است اجتناب ورزد». (1)

2. در احادیث معتبر استفاده کردن از شیری که از زنا به وجود آمده نهی

شده است. (2)

3. (نیز) در احادیث از شیر زنی که خود متولّد از زناست نهی شده است. (3)

4. حضرت رسول صلی الله علیه و آله از شیر زن احمق وهمچنین زنی که چشمش معیوب است نهی کرد، زیرا شیر در شیرخوار اثر می کند. (4)

حدّاقل مدّت شیردهی

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مدّت شیر دادن به نوزاد بیست ویک ماه است وهر چه کمتر باشد ظلم بر نوزاد است». (5)

تعلیم وتربیت فرزند

اهمیّت تربیت فرزند وسنّ بازی وتربیت

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «خدا

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 308، ح 1482؛ تهذیب، ج 8، ص 191، ح 397.

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 307، ح 1480.

3- کافی، ج 6، ص 44، ح 11؛ الاستبصار، ج 3، ص 321، ح 1144.

4- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 34، ح 67.

5- کافی، ج 6، ص 40، باب الرّضاع، ح 3؛ تهذیب الاحکام، ج 8، ص 178، ح 353.

رحم کند کسی که به فرزندش بر نیکی ها کمک کند. راوی سؤال کرد: چگونه؟ فرمود: کار آسانی که از او برمی آید قبول کند وکارهایی که برایش دشوار باشد وانجام نمی دهد از او درگذرد. وکارهای سخت از او نخواهد وبا وی سفاهت وتندی نکند». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «فرزندت را تا هفت سالگی رها کن که بازی کند وپس از آن تا هفت سال دوم در مورد تربیتش تلاش کن». (2)

3. ودر حدیثی دیگر فرمود: «هفت سال اوّل برای بازی، هفت سال دوم برای تعلیم علم وهفت سال سوم برای آموختن احکام حلال وحرام خداست». (3)

4. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کودک تا هفت سالگی به تربیت بدنش بپردازد وهفت سال دوم آداب را بیاموزد وباید هفت سال سوم به او خدمت کرد وتا بیست وسه سال قدّش بلند می شود وتا سی وپنج سال عقلش رشد می کند وپس از آن تجربه هایش اندوخته می گردد». (4)

آموختن حدیث ومراحل تربیت فرزند

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «احادیث ما را زود به فرزندانتان تعلیم دهید، تا مخالفان آنها را گمراه نکنند». (5)

2. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که پسر سه ساله شود به او می گویند هفت بار «لا إله إلّا الله» بگو. چون سه سال وهفت ماه وبیست روز از عمرش بگذرد به او می گویند هفت مرتبه «محمّد رسول الله» بگو.

1- کافی، ج 6، ص 50، ح 6؛ تهذیب، ج 8، ص 187، ح 386.

2- کافی، ج 6، ص 46، باب تأدیب الولد، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 222.

3- کافی، ج 6، ص 47، ح 3؛ تهذیب، ج 8، ص 184، ح 375.

4- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، 319، ح 1551؛ مکارم الأخلاق، ص 223.

5- کافی، ج 6، ص 47، ح 5؛ تهذیب، ج 8، ص 185، ح 377.

وزمانی که چهار سالش تمام شود به او می گویند هفت بار «صلّی الله علی محمّد وآله» بگو. وپس از تمام شدن پنج سالگی او را وادار بر سجده می کنند. با تکمیل پنج سالگی وورود به شش سال به وی نماز بیاموزند وسفارش به انجام دادن آن کنند. وچون نُه سالش کامل شد وضو ونماز را به خوبی به وی تعلیم دهند وچنانچه نماز را ترک کرد او را تنبیه کنند. هنگامی که وضو ونماز را فرا گرفت خداوند پدر ومادرش را بیامرزد». (1)

رختخواب مستقل ونظافت شبانه

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پسران که شش ساله شدند نباید در رختخواب مشترک وزیر یک پتو بخوابند». (2)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چربی وچرک های دست وصورت اطفال را پیش از خواب بشویید که شیطان به هنگام خواب او را می بوید وکودک در خواب می ترسد وفرشتگان نویسنده اعمال (پدر ومادر) اذیّت می شوند». (3)

اجتناب کردن از خرافات

حضرت علی علیه السلام مشاهده کرد زیر سر کودکی تیغی گذارده اند (گویا خرافه ای برای حفظ کودک بوده است)، حضرت آن را برداشت وبه کناری انداخت. سیره امام علی علیه السلام این بود که گذاردن تیغ را در اختیار کودکان ناپسند می شمرد. (4)

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 182، ح 863.

2- مکارم الأخلاق، ص 223.

3- مکارم الأخلاق، ص 223.

4- قرب الإسناد، ص 127، ح 492.

حقوق فرزند بر والدین

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «پدر ومادر ممکن است عاقّ فرزندان خود شوند، چنانکه امکان دارد فرزندان عاقّ والدین گردند». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «خدا رحم کند به پدر ومادری که فرزندان خود را بر نیکی کردن به ایشان یاری کنند». (2)

3. کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید وپرسید: به چه کسی نیکی کنم؟

امام فرمود: «به پدر ومادرت». عرض کرد: آنها از دنیا رفته اند. فرمود :

«به فرزندانت». (3)

4. در احادیث معتبر آمده است که فرزندان خود را بر محبّت علیّ بن ابی طالب علیه السلام تربیت کنید. (4)

5. از حضرت کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند غضب نمی کند برای چیزی مانند غضب برای ظلم به زنان وکودکان». (5)

6. در روایتی آمده است که سکونی خدمت امام صادق علیه السلام رسید وعرض کرد : غمگین ام. امام فرمود: «چرا؟» عرض کرد: خداوند به من دختری داده است. امام فرمود: «زمین بستر زندگی اوست وروزیش بر خداست وعمری جدا از عمر تو دارد وروزی تو را نمی خورد (پس جای نگرانی نیست)». سپس فرمود: «چه نامش گذارده ای؟» عرض کرد: فاطمه. فرمود: «آه آه» (گویا حضرت به یاد جدّه اش فاطمه زهرا علیها السلام ومصائب او افتاد)، سپس دست بر پیشانی نهاد وفرمود : «رسول

خدا صلى الله عليه و آله فرمود: فرزند اگر پسر باشد حقّش بر پدر آن است كه به مادرش

1- كافى، ج 6، ص 48، ح 5؛ مكارم الأخلاق، ص 220.

2- كافى، ج 6، ص 48، ح 3؛ تهذيب، ج 8، ص 186، ح 381.

3- كافى، ج 6، ص 49، ح 2.

4- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 319، ح 1551؛ مكارم الأخلاق، ص 323.

5- كافى، ج 6، ص 50، ح 8.

احترام بگذارد ونام نیکی برایش انتخاب کند وقرآن به او بیاموزد وختنه اش کند وبه او شنا آموزش دهد واگر دختر باشد به مادرش نیکی کند ونام نیکی بر او بگذارد وسوره نور را به او بیاموزد و... واو را زود به خانه شوهر بفرستد». سپس فرمود: «به فرزندی که نامش را فاطمه نهاده ای دشنام نده ونفرینش نکن واو را کتک نزن». (1)

7. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «حقّ فرزند بر پدر آن است که برایش نام نیکی انتخاب کند ونیکو تربیتش نماید واو را به کسب شایسته ای بگمارد». (2)

8. در حدیثی می خوانیم که حضرت علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله آورده است : «شنا کردن وتیراندازی را به فرزندانتان تعلیم دهید». (3)

9. از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کودکان خود را دوست بدارید وبه آنها رحم کنید واگر وعده ای دادید وفا کنید، زیرا آنها گمان می کنند که شما روزی رسان آنها هستید». (4)

10. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس کودکی داشته باشد باید با او همچون کودکان بازی کند». (5)

11. در حدیثی صحیح ومعتبر از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین نقل شده است: «هر کس فرزند خود را ببوسد خداوند حسنه ای برای او می نویسد وهر کس فرزندش را شاد کند خدا او را در قیامت شاد می کند وهر کس به فرزند خود قرآن

1- کافی، ج 6، ص 48، ح 6؛ تهذیب، ج 8، ص 186، ح 383.

2- کافی، ج 6، ص 48، ح 1؛ تهذیب، ج 8، ص 186، ح 380.

3- کافی، ج 6، ص 47، ح 4.

4- کافی، ج 6، ص 49، ح 3؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 311، ح 1505.

5- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 312، ح 1510.

بیاموزد، در قیامت پدر ومادر او را می طلبند ودو لباس فاخر بر آنها می پوشانند که از نور آن دو لباس، سیمای اهل بهشت روشن گردد». (1)

12. در حدیث است که کسی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسید وعرض کرد : هرگز فرزندان خود را نبوسیده ام. حضرت فرمود: «به نظر من این مرد جهنّمی است (چرا که قلب او از محبّت وعاطفه خالی است)». (2)

13. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند به بنده ای که فرزند خود را بسیار دوست داشته باشد رحم می کند». (3)

14. روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله شخصی را دید که یک پسرش را بوسید ودیگری را نبوسید. فرمود: «چرا نسبت به هر دو یکسان مهربانی نکردی؟» (4)

بهتر آن است که در میان فرزندان تبعیض قائل نشود، مگر آنکه یکی عالم تر وصالح تر باشد وبه این علّت او را بر دیگری ترجیح دهد.

15. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کسی که به بازار برود وهدیه ای برای خانواده اش بخرد وبه خانه ببرد، همچون کسی است که به جمعی از فقرا صدقه داده است. وباید هدیه دختران را پیش از پسران بدهد، چرا که هر کس دختری را شاد وخوشحال کند گویا بنده ای از فرزندان اسماعیل پیامبر را آزاد کرده است. وشخصی که دیده پسری را روشن سازد واو را شاد کند، همچون کسی است که از ترس خدا گریسته باشد وهر کس از خوف خدا گریان شود خدا او را وارد بهشت می کند». (5)

1- کافی، ج 6، ص 49، ح 1.

2- کافی، ج 6، ص 50، ح 7؛ تهذیب، ج 8، ص 188، ح 387.

3- کافی، ج 6، ص 50، ح 5؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 380، ح 1498.

4- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 311، ح 1507؛ مکارم الأخلاق، ص 220.

5- مکارم الأخلاق، ص 221.

نفقه فرزندان

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نفقه پنج کس بر انسان واجب است: فرزند، پدر، مادر، زوجه، برده». (1)

وفرزند شامل فرزند فرزندان (نوه ها) هر قدر که پایین روند می شود وپدر ومادر نیز شامل جدّ وجدّه پدری ومادری هر چند بالا روند می شود (ولی بعضی از مراجع بزرگ واجب النفقه را فقط پدر ومادر وفرزندان بی واسطه می دانند).

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «درجه ای در بهشت وجود دارد که کسی به آن دست نمی یابد مگر سه گروه: امام عادل، کسی که به خویشان خود احسان کند، کسی که بر هزینه خانواده وآزار آنها صبر کند». (2)

3. از حضرت امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «عیال انسان همچون اسیران اویند؛ پس هرگاه خداوند نعمتی به او داد بر اسیران خود توسعه دهد که اگر چنین نکند، به زودی آن نعمت از وی زایل می شود». (3)

4. در حدیثی معتبر آمده است: «کسی که عیال خود را ضایع کند وخرج آنها را (علی رغم توانایی مالی) ندهد، رانده درگاه خداست». (4)

5. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس خرج دو دختر یا دو خواهر یا دو خاله یا دو عمّه را بدهد، این کار سپری در برابر آتش جهنّم خواهد بود». (5)

1- تحف العقول، ص 336؛ بحارالأنوار، ج 96، ص 167.

2- خصال، ج 1، ص 117، ح 35؛ بحارالأنوار، ج 74، ص 90، ح 9.

3- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 4، ص 287، ح 863؛ مكارم الأخلاق، ص 287.

4- كافى، ج 4، ص 12، ح 9؛ كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 103، ح 487.

5- خصال، ج 1، ص 81، ح 12؛ بحارالأنوار، ج 104، ص 70، ح 3.

6. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «به کودکان خویش قاووت (1)

بخورانید که باعث رشد گوشت واستحکام استخوان های آنها می شود». (2)

7. در روایت دیگری فرمود: «به کودکان انار بخورانید که زودتر به جوانی وقوّت وقدرت می رسند». (3)

چگونه آرامش پیدا کنیم

در کتاب طبّ الائمّه از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده است که هرگاه کودکی بسیار بگرید، یا زنی در خواب بترسد، یا کسی از درد به خواب نرود، این آیات شریفه را تلاوت کند :

(فَضَرَبْنَا عَلَى ءَاذَانِهِمْ فِى الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا * ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَىُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَى لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا). (4)

سنّ نامحرم شدن دختران و پسران

1. در حدیثی آمده است که: چنانچه دختر شش ساله شود، نباید مرد نامحرم او را ببوسد وبر دامن خود بنشاند. (5)

2. در حدیثی دیگر آمده است: دختری که شش ساله شد پسران او را نبوسند

1- «قاووت» واژه ای ترکی است. آرد نخود که با قهوه وشکر یا قند کوبیده مخلوط کنند وبیشتر در عزاداری هامی خورند (فرهنگ عمید).

2- محاسن، ص 489، ح 564؛ مکارم الأخلاق، ص 192.

3- محاسن، ص 546، ح 760.

4- ترجمه: «ما (پرده خواب را) در غار بر گوششان زدیم وسال ها در خواب فرو رفتند. - سپس آنان رابرانگیختیم تا بدانیم (واین امر آشکار شود که) کدام یک از آن دو گروه، مدّت خواب خود را بهتر حسابکرده اند». (سوره کهف، آیات 11 و12) طبّ الأئمّه، ص 36.

5- کافی، ج 5، ص 533، ح 1 و2؛ مکارم الأخلاق، ص 223.

وپسر که از هفت سال بگذرد زنان او را نبوسند. (1)

3. در روایتی دیگر می خوانیم که: امام رضا علیه السلام در مجلسی بودند که دختر بچّه ای را به آن مجلس آوردند. حاضران در مجلس یکی پس از دیگری او را به دامن نشانده ومی بوسیدند. چون نوبت به حضرت رسید از سنّ وی پرسید. گفتند: پنج سال دارد. حضرت او را نبوسید ودر دامن ننشاند. (2)

4. در روایت دیگری آمده است که هرگاه شش سال دختر تمام شد، مادر او را در رختخواب خود برهنه نخواباند. (3)

شیطنت در کودکی، نشانه بردباری در بزرگسالی

از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شوخی وشیطنت وکج خلقی کودک در خردسالی نشانه آن است که در بزرگی، دانا وبردبار می شود». (4)

رعایت کردن حرمت والدین وحقوق آنها بر فرزندان

اشاره

(مقدّمه:) رعایت کردن حرمت پدر ومادر از مهم ترین دستورهای دینی وجلب رضایت آنها از اشرف طاعات وعبادات وعاقّ والدین شدن وآزرده خاطر ساختن آنها از جمله گناهان کبیره است. خداوند متعال در قرآن مجید فرموده است که: «اگر پدر ومادرت کافر باشند وبه تو دستور دهند که کافر شو، در این مسأله از آنها اطاعت نکن، ولی در دنیا با آنها رفتار ومصاحبت نیکو داشته باش». (5) (به روایاتی در این زمینه توجّه فرمایید:)

1- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 276، ح 1311؛ مكارم الأخلاق، ص 223.

2- كافى، ج 5، ص 533، ح 3.

3- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 275، ح 1306؛ مكارم الأخلاق، ص 223.

4- كافى، ج 6، ص 51، ح 2؛ كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 319، ح 1553.

5- سوره لقمان، آيه 15.

بخشی از حقوق والدین

احترام به والدین

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ساده ترین مرحله عاقّ والدین، اُف گفتن به آنهاست (کمترین اهانتی به آنها روا ندارید)». (1)

2. در روایتی معتبر آمده است که کسی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید وعرض کرد : مرا نصیحت فرمایید. حضرت فرمود: «تو را سفارش می کنم که به خدا شرک نورزی هر چند تو را به آتش بسوزانند، مگر اینکه به زبان سخنی بگویی ولی قلبت بر ایمان ثابت واستوار باشد. وتو را به اطاعت از پدر ومادر ونیکی به آنها سفارش می کنم؛ زنده باشند یا مرده... که این نشانه ایمان است». (2)

احسان ونیکی به والدین

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند در مورد سه چیز به هیچ وجه اجازه مخالفت نداده است: پس دادن امانت از هر که باشد خواه نیکوکار یا بدکار، وفای به عهد وپیمان خواه از نیکوکاران باشد یا بدکاران، نیکی به پدر ومادر خواه نیکوکار باشند یا بدکار». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شخصی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسید وعرض کرد: ای رسول خدا، علاقه فراوانی به جهاد در راه خدا دارم. حضرت فرمود: در راه خدا جهاد کن که اگر شهید شوی نزد خدا زنده خواهی بود ودر بهشت روزی خواهی داشت واگر بمیری پاداش تو با خداست. واگر زنده برگردی همانند روزی که از مادر متولّد شدی از گناه پاک می شوی.

1- کافی، ج 2، ص 349، ح 9؛ تفسیر عیاشی، ج 2، ص 285، ح 38 به نقل از امام صادق علیه السلام.

2- کافی، ج 2، ص 158، ح 2؛ مشکاه الأنوار، ص 159.

3- کافی، ج 2، ص 162، ح 15؛ خصال، ج 1، ص 139، ح 98.

عرض کرد: ای رسول خدا، پدر ومادر پیری دارم که به من انس گرفته اند ونمی خواهند از آنها جدا شوم (آنها سخت به زحمت می افتند، چه کنم؟) فرمود : در خدمت پدر ومادر خود باش؛ قسم به حقّ خداوندی که جانم به دست قدرت اوست، انسی که آنها (در آن وضعیّت) یک شبانه روز با تو داشته باشند از یک سال جهاد در راه خدا بهتر است». (1)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چه مانعی دارد که به پدر ومادر خود چه در حالت حیات وچه پس از مرگ، احسان کنید؛ به این گونه که پس از مرگ برایشان نماز بخوانید وبه نیابت از آنان حج به جا آورید وبرایشان روزه بگیرید که هم ثوابش به آنها می رسد وهم خداوند ثواب این اعمال را به خودتان می دهد». (2)

نیکی به مادر وحقّ پدر

1. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید وعرض کرد: ای رسول خدا به چه کسی نیکی کنم؟ فرمود: به مادرت. راوی سه مرتبه این سؤال را تکرار کرد وپیامبر صلی الله علیه و آله نیز همان جواب را تکرار فرمود ودر مرتبه چهارم فرمود: به پدرت». (3)

2. در حدیث است که کسی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله پرسید: حقّ پدر بر فرزند چیست؟ فرمود: او را به اسم صدا نزند (بلکه او را پدر خطاب کند)، جلوتر از او راه نرود، قبل از پدر ننشیند، کاری نکند که مردم به پدرش دشنام دهند». (4)

1- کافی، ج 2، ص 160، ح 10.

2- کافی، ج 2، ص 159، ح 7؛ عدّه الدّاعی، ص 76.

3- کافی، ج 2، ص 159، ح 9؛ مشکاه الأنوار، ص 159.

4- کافی، ج 2، ص 158، ح 5؛ مشکاه الأنوار، ص 158 و159.

پرداخت هزینه های والدین

1. در روایتی صحیح ومعتبر آمده است که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر مؤمنی واجد چهار خصلت باشد خداوند او را در بلندترین غرفه های عزّت وشرف بهشت جای می دهد: کسی که یتیمی را پناه دهد ومراقب احوال او باشد وبرایش پدری کند، کسی که بر شخص ضعیف ودل شکسته ای رحم کند واو را یاری دهد وعهده دار کارهای وی شود، کسی که هزینه زندگی پدر ومادر (ازکارافتاده اش) را بدهد وبا آنها مدارا کند وبه ایشان نیکی نماید وهرگز آنها را آزرده خاطر نسازد، کسی که خادم خود را یاری کند وبا او تندی نکند ودر مورد وظایفش به او کمک کند وکاری که بر او دشوار است به عهده اش نگذارد». (1)

عاقّ والدین

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نگاه تند به پدر ومادر موجب عقوق (2) والدین می شود». (3)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «گاه کسی در حیات والدین خود به آنها خدمت ووظیفه اش را ادا کرده، ولی پس از مرگشان قرض آنها را ادا نمی کند وبرایشان آمرزش نمی طلبد، لذا خداوند او را عاقّ والدین محسوب می کند. وگاه کسی در زمان حیات پدر ومادر عاقّ والدین است، ولی پس از مرگ (از خواب غفلت

1- ثواب الأعمال، ص 161. حدیث را به طور اختصار نقل کرده است.
2- منظور از «عقوق» والدین آن است که فرزند، ادب را در محضر آنها رعایت نکند وسخنی بگوید یا کاری کندکه موجب ناراحتی آنها شود ودر مسائلی که از نظر عقل یا شرع مشروع ومجاز است با آنها مخالفت

کند.عقوق والدین از گناهان کبیره است وقرآن وروایات دلالت بر حرمت آن دارد وتمام علمای اسلام از شیعهواهل سنّت، بر حرمت آن اتّفاق نظر دارند (مرآت العقول، ج 10، ص 371).

3- کافی، ج 2، ص 349، ح 7، مشکاه الأنوار، ص 164.

بیدار می شود و) قرض های آنان را ادا می کند وبرایشان استغفار می نماید وخداوند او را نسبت به والدین نیکوکار محسوب می کند». (1)

آثار وپاداش احسان به والدین

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با پدرانتان نیکی کنید تا فرزندانتان نیز به شما نیکی کنند واز زنان دیگران چشم بپوشید تا دیگران نیز از زنان شما چشم بپوشند». (2)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس بخواهد خداوند سکرات مرگ (سختی های لحظات جان دادن) را بر وی آسان سازد، باید بر خویشان خود وبه پدر ومادرش نیکی کند؛ در این صورت، خداوند سختی های مرگ را بر وی آسان سازد وهرگز در زندگی دچار پریشانی نشود». (3)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «سه دعا قطعاً مستجاب می شود: دعای پدر ومادر

برای فرزند نیکوکار ونفرین آنها به فرزندی که عاق شده است، نفرین مظلوم بر ظالم ودعای مظلوم برای کسی که انتقامش را از ظالم بگیرد، دعای مؤمن در حقّ مؤمنی که به خاطر ما اهل بیت برادر مؤمنش را در مالش شریک کرده است ونفرین مؤمن بر کسی که برادر مؤمنش به او احتیاج پیدا کرده ومی توانسته کمک کند ونکرده است». (4)

4. از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر فرزند نیکوکاری که از روی شفقت ومهربانی به پدر ومادر نگاه کند، برای هر نگاهش

1- کافی، ج 2، ص 163، ح 21.

2- کافی، ج 5، ص 554، ح 5؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 13، ح 18.

3- مشکاه الأنوار، ص 162.

4- امالی طوسی، ج 1، ص 286.

ثواب یک حجّ مقبول نوشته می شود. گفتند: ای رسول خدا، هر چند روزی صد مرتبه نگاه کند؟ فرمود: خداوند بزرگ تر وکریم تر است». (1)

5. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «نگاه به چهره سه گروه عبادت است: عالِم، پدر ومادر از روی مهربانی ومؤمنی که برای خدا دوستش داری». (2)

مجازات بی حرمتی به والدین

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که روز قیامت برپا شود پرده ای از پرده های بهشت را بگشایند (عطر خوش بهشت همه جا را فرا گیرد به گونه ای که) هر جانداری بوی آن را از پانصد سال راه استشمام می کند، مگر کسی که عاقّ پدر ومادر باشد». (3)

2. در حدیث دیگری فرمود: «کسی که از روی خشم به پدر ومادرش نظر کند به هنگامی که بر او ظلم می کنند، خداوند هیچ نمازی از او قبول نمی کند». (4)

3. در حدیثی معتبر آمده است که امام باقر علیه السلام فرمود: «پدرم امام سجّاد علیه السلام شخصی را مشاهده کرد که با پسرش راه می رود وپسر بر دست پدر تکیه زده بود. پدرم تا زنده بود با آن پسر سخن نگفت». (5)

4. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سه گناه است که عقوبتش در دنیا به سرعت دامنگیر صاحبش می شود: عقوق والدین، ظلم بر مردم، کفران نعمت خدا وخلق خدا». (6)

1- مستدرک الوسائل، ج 15، ص 204، ح 23.

2- امالی طوسی، ج 2، ص 71.

3- کافی، ج 2، ص 348، ح 3؛ مشكاه الأنوار، ص 164.

4- کافی، ج 2، ص 349، ح 5؛ مشكاه الأنوار، ص 164.

5- کافی، ج 2، ص 349، ح 8؛ مشكاه الأنوار، ص 165.

6- امالی مفید، ص 237، ح 1

5. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی به نام جریح از عابدان بنی اسرائیل پیوسته در صومعه اش در حال عبادت بود. روزی مادرش به دیدن او آمد وجریح مشغول نماز بود. او را صدا زد ولی عابد پاسخ مادرش را نداد. سه روز این داستان تکرار شد. پس از آن، مادر دست به نفرین بلند کرد وگفت: از خدای بنی اسرائیل می خواهم که تو را به این گناه بگیرد. روز بعد زنی زناکار کنار صومعه آن عابد زایمان کرد وفرزندش را به عابد نسبت داد ومدّعی شد که با وی زنا کرده است. این شایعه در میان بنی اسرائیل پخش شد که: آن کس که مردم را بر زنا سرزنش می کرد خود مرتکب آن شده است. پادشاه دستور داد او را به دار بیاویزند. مادر عابد از این حادثه ناراحت شد وبر سر وصورت خود می زد. جریح گفت: مادر خود را کنترل کن این بلایی است که بر اثر نفرین تو دامنگیر من شده است. هنگامی که مردم این سخن را شنیدند از چگونگی آن پرسیدند وجریح تمام داستان را بیان کرد. گفتند: از کجا بدانیم راست می گویی؟ گفت: آن کودک را بیاورید. جریح از کودک پرسید: تو فرزند کیستی؟ طفل به فرمان پروردگار به سخن آمد وگفت: من فرزند فلان کس هستم که چوپانی گوسفندان می کند. وبدین ترتیب جریح از مرگ نجات یافت وسوگند یاد کرد که تا زنده است به مادرش خدمت کند واز او جدا نشود». (1)

1- راوندی، قصص الانبیاء، ص 177.

فصل پنجم: مسواک زدن، شانه کردن، ناخن گرفتن، کوتاه کردن شارب وتراشیدن سر

اشاره

مسواک زدن

فضیلت مسواک زدن

سنّت پیامبران

1. در احادیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «مسواک زدن از سنّت پیامبران است». (1)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «چهار چیز از سنّت پیامبران است: بوی خوش، آمیزش با همسر، مسواک زدن وخضاب کردن

با حنا». (2)

3. در روایتی معتبر آمده است که امام کاظم وامام رضا علیهما السلام فرمودند : «سنّت های حنفیّه حضرت ابراهیم علیه السلام ده چیز است که پنج قسمت آن مربوط به سر وپنج قسمت دیگر آن در بدن است. آنچه مربوط به سر است عبارتند از : مسواک زدن، کوتاه کردن شارب، موی سر را دو قسمت کردن تا جای مسح گشوده شود، مضمضه کردن (آب در دهان گرداندن وبیرون ریختن)، استنشاق (آب در بینی کردن وبیرون ریختن). وآنچه مربوط به بدن است عبارتند از: ختنه کردن، تراشیدن موهای بالای عورت، ازاله کردن موهای زیر بغل، استنجا (3) کردن،

1- کافی، ج 6، ص 495، ح 2.

2- خصال، ج 1، ص 224، ح 84؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 142، ح 10.

3- «استنجا» یعنی پاک کردن محلّ ادرار یا غائط (فرهنگ عمید).

گرفتن ناخن». (1)

4. در حدیثی دیگر می خوانیم که سنّت های مربوط به سر عبارتند از: کوتاه کردن شارب، نتراشیدن ریش، تراشیدن موی سر، مسواک زدن، خلال کردن، وسنّت های مربوط به بدن عبارتند از: از بین بردن موهای زاید بدن، ختنه کردن، ناخن گرفتن، غسل جنابت، استنجا با آب. (2)

سفارش جبرئیل

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «جبرئیل پیوسته به مسواک زدن سفارش کرد، تا آنجا که ترسیدم دندان هایم ساییده شود یا بریزد». (3)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «جبرئیل آن قدر به مسواک زدن سفارش کرد که گمان کردم آن را بر امّت من واجب خواهد کرد». (4)

مسواک ونماز

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «دو رکعت نماز که با مسواک باشد، بهتر از هفتاد رکعت نماز بی مسواک است». (5)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «اگر بر امّتم سخت ودشوار نبود، واجب می کردم که قبل از هر نماز مسواک بزنند». (6)

1- فقه الرضا علیه السلام، ص 66.

2- خصال، ج 1، ص 246، ح 10؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 67، ح 1، با اندکی تفاوت.

3- کافی، ج 6، ص 495، ح 3؛ مکارم الأخلاق، ص 48.

4- مستدرک الوسائل، ج 1، ص 360، باب 1، ح 5.

5- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 33، ح 118؛ مکارم الأخلاق، ص 50، از امام باقر وامامصادق 8.

6- علل الشرایع، ج 1، ص 293، باب 221، ح 1.

سرزنش ترک کننده مسواک

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «چرا دندان های شما را زرد می بینم؟ چرا مسواک نمی زنید؟». (1)

فلسفه مسواک زدن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چون برای نماز شب برمی خیزید مسواک بزنید، زیرا فرشته ای فرود می آید ودهان بر دهانتان می گذارد وهر چه از قرآن ودعا وذکر خدا بخوانید به آسمان می برد، پس باید دهانتان خوشبو باشد». (2)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خانه کعبه از نفس بدبوی کافران به خداوند شکایت کرد. خداوند به او وحی کرد که: ای کعبه، نگران نباش به جای این کافران که دهانشان بدبو است، جماعتی را به سوی تو خواهم فرستاد که دهانشان را با چوب درختان پاک کنند. هنگامی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله مبعوث شد جبرئیل برای آن حضرت مسواک وخلال آورد». (3)

3. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر کسی همراه با وضو مسواک بزند وبه نماز بایستد، فرشته ای می آید ودهان بر دهانش می گذارد وآنچه را می گوید به خاطر می سپارد. واگر مسواک نزند در کناری می ایستد وقرائت نمازش را می شنود». (4)

1- محاسن، ص 561، ح 934؛ کافی، ج 6، ص 496، ح 9.

2- کافی، ج 3، ص 22، ح 1؛ علل الشرایع، ج 1، ص 293، باب 222، ح 1.

3- محاسن، ص 558، ح 924؛ کافی، ج 4، ص 546، ح 32.

4- محاسن، ص 561، ح 948.

آثار وفواید مسواک زدن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دوازده ویژگی در مسواک زدن وجود دارد: سنّت پیامبران است، پاک کننده دهان، جلادهنده چشم، مایه خشنودی پروردگار، دفع کننده بلغم، تقویت کننده حافظه، سفیدکننده دندان ها، مضاعف کننده حسنات، مانع پوست انداختن وپوسیدن دندان می شود، ریشه دندان ها را محکم می سازد، بر اشتها می افزاید، ملائکه به آن خشنود می شوند». (1)

1. در روایت دیگری فرمود: «مسواک از آبریزش چشم جلوگیری می کند وبر نور آن می افزاید». (2)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سه چیز حافظه را زیاد ودردهای بدن را زایل می کند: جویدن کندر، مسواک زدن، قرآن خواندن». (3)

زمان ومکان مسواک زدن

1. در حدیثی می خوانیم که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «برای هر نمازی مسواک بزن». (4)

2. در حدیثی معتبر آمده است که کسی از امام جعفر صادق علیه السلام در مورد مسواک زدن بعد از وضو پرسید. حضرت فرمود: «باید پیش از وضو مسواک زد واگر کسی فراموش کند، پس از وضو مسواک بزنند وبعد سه مرتبه دهان

را بشوید». (5)

3. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مسواک زدن در حمّام باعث

1- کافی، ج 6، ص 495، ح 6؛ مکارم الأخلاق، ص 50.

2- کافی، ج 6، ص 496، ص 7.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 264؛ مکارم الأخلاق، ص 440.

4- محاسن، ص 561، ح 945؛ کافی، ج 6، ص 496، ح 10.

5- محاسن، ص 561، ح 947؛ کافی، ج 3، ص 23، ح 6.

ریزش دندان ها می شود». (1)

4. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مسواک زدن در حاجتگاه موجب بدبو شدن دهان است». (2)

چگونگی مسواک زدن

1. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله مسواک را به عرض دندان ها می کشید. (3)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مسواک را در هر سه روز ترک نکن، اگرچه به یک بار کشیدن باشد». (4)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس مسواک بزند، پس از آن باید دهانش را با آب بشوید». (5)

4. در حدیثی آمده است که علیّ بن جعفر از برادرش امام کاظم علیه السلام پرسید : کسی که برای نماز شب برمی خیزد آیا می تواند با انگشت مسواک بزند، در حالی که وسایل کافی مسواک در اختیار دارد؟ حضرت فرمود: «اگر می ترسد وقت نماز شب بگذرد اشکال ندارد». (6)

ترک کردن مسواک

در حدیث آمده است که امام صادق علیه السلام دو سال پیش از شهادتش مسواک را

1- مکارم الأخلاق، ص 49.

2- مکارم الأخلاق، ص48.

3- مکارم الأخلاق، ص 35.

4- کافی، ج 3، ص 23، ح 4؛ مکارم الأخلاق، ص 50.

5- محاسن، ص 563، ح 961.

6- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 34، ح 122؛ مكارم الأخلاق، ص 50.

ترک کرد، زیرا دندان های مبارک آن حضرت بسیار ضعیف شده بود (وتاب مسواک نداشت). (1)

تراشیدن موی سر

اهمّیّت تراشیدن موی سر وفواید آن

1. از حضرت کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سه چیز است که هر کس لذّت آن را بچشد ترک نخواهد کرد، یکی از آنها تراشیدن (موی سر) است». (2)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «موی سر را بتراشید تا چرک نگیرد، جانوران در آن جا خوش نکنند، گردن انسان چاق شود، چشم جلا یابد، بدن استراحت کند». (3)

3. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چون موی سر بلند شود چشم راضعیف ونورش را کم می کند وتراشیدن موی سر دیده را جلا می دهد». (4)

زمان تراشیدن موی سر وآداب آن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «من سرم را هر جمعه می تراشم». (5)

2. در کتاب فقه الرّضا آمده است: «هنگام تراشیدن سر رو به قبله شو واز جلوی سر (از پیشانی) شروع کن وبه نزدیکی گوش ها که رسیدی این دعا را بخوان: بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَعَلی مِلَّهِ رَسُولِ اللهِ، سُنَّهً حَنیفاً مُسْلِماً وَما اَنَا مِنَ

1- علل الشرایع، ج 1، ص 295، باب 228، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 50.

2- کافی، ج 6، ص 484، ح 1؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 75، ح 326.

3- کافی، ج 6، ص 485، ح 8.

4- السرائر، ج 3، ص 575.

5- کافی، ج 6، ص 485، ح 7؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 71، ح 286.

الْمُشْرِكينَ. اَللّٰهُمَّ اَعْطِنی بِکُلِّ شَعْرَهٍ نُوراً ساطِعاً یَوْمَ الْقِیامَهِ (1) وپس از تراشیدن

تمام موی سر بگو: اَللّٰهُمَّ زَیِّنّی بِالتُّقی وَجَنِّبْنِی الرَّدی وَجَنِّبْ شَعْری وَبَشَری الْمَعاصی وَجَمیعَ ما تَکْرَهُ مِنّی، فَإنّی لا اَمْلِکُ لِنَفْسی نَفْعاً وَلا ضَرّاً». (2)

3. در روایت دیگری آمده است که: «هنگام تراشیدن سر این دعا خوانده شود: بِسْمِ اللهِ وَعَلی مِلَّهِ رَسُولِ اللهِ، صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ. اَللّٰهُمَّ اَعْطِنی بِکُلِّ شَعْرَهٍ نُوراً یَوْمَ الْقِیامَهِ (3) وپس از اتمام بگوید: اَللّٰهُمَّ زَیِّنّی بِالتَّقْوی وَجَنِّبْنِی الرَّدی». (4)

آداب نگهداری موی سر

اشاره

(مقدّمه:) بر زنان حرام است بدون عذر وضرورت، موی سرشان را بتراشند ولی در مورد مردان مستحبّ است به یکی از دو روش عمل کنند: موی سرشان را بتراشند واین کار بهتر است، موی سرشان را نتراشند ولی از آن نگهداری کنند؛ آن را به وقت بشویند وشانه بزنند ودو قسمت کنند به گونه ای که بیخ موهای میانه جلوی سر ظاهر شود. وچون در صدر اسلام تراشیدن سر در میان عرب عیب بزرگی محسوب می شد وپیامبر وامام نباید کاری کنند که در نظر مردم زشت جلوه کند، حضرت رسول صلی الله علیه و آله موی خویش را به مقدار چهار انگشت بلند می کرد ودر حج وعمره می تراشید. (به روایاتی در این زمینه توجّه فرمایید:)

1- ترجمه: «به نام خدا وبه ذات (پاک) خدا (شروع می کنم.) وبر آیین رسول خدا وبر سنّت وروش او ودر دینخود خالص ومسلمانم واز مشرکان

نیستم. بار خدایا، در مقابل هر تار مویی در قیامت نوری آشکار به منعطا کن».

2- ترجمه: «بار خدایا، مرا به تقوا زینت ده واز هلاکت حفظ کن ومو وپوست مرا از گناهان واز تمام آنچه کهبرای من نمی پسندی دور نگاه دار، زیرا من از برای خود مالک هیچ سود وزیانی نیستم». فقه الرضا علیه السلام،ص394؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 85، ح 9.

3- ترجمه: «به نام خدا وبه ذات (پاک) خدا (شروع می کنم.) وبر آیین رسول خدا، که درود خدا بر او وآلش باد(سرم را می تراشم). بار خدایا، در مقابل هر تار مویی در روز قیامت نوری به من عنایت فرما».

4- ترجمه: «بار خدایا، مرا با تقوا زینت بخش واز پستی ها دورم بدار». بحار الأنوار، ج 76، ص 83.

آداب نگهداری موی سر مردان

1. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس موی سرش را بلند می کند باید نیکو نگاه بدارد، یا آن را از ته بتراشد وبلند نکند». (1)

2. از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا رسول اکرم صلی الله علیه و آله موی سر خویش را دو قسمت کرده ووسط سر را باز می کرد؟ حضرت فرمود: «آن حضرت موی سر خویش را به حدّی بلند نمی کرد که احتیاج به این کار شود، بلکه به اندازه ای بلند می کرد که به نرمه گوش می رسید وهیچ یک از پیامبران موی سر را زیاد بلند نمی کردند». (2)

آداب نگهداری موی سر زنان

1. در حدیثی می خوانیم که حضرت علی علیه السلام از کاکل گذاشتن ومو را در جلو سر گره زدن وکف دست را با حنا رنگین ساختن نهی کرد. (3)

2. در حدیث است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: زنی که موی صورت وبالای پیشانی خود را می زداید چه حکمی دارد؟ امام فرمود: «اشکال ندارد». (4)

3. از امام صادق علیه السلام در مورد زنی که موی دیگری را به موی می بافت پرسیدند؟ فرمود: «اشکال ندارد». (5)

4. در حدیث دیگری فرمود: «اگر با پشم یا موی حیوانات یا موی همان زن باشد اشکال ندارد، امّا با موی زن دیگر نبافد وموی زن دیگر را به موی خود پیوندنکند». (6) (باتوجّه به این دوخبرمعلوم می شود این کار جایز است ولی کراهت دارد).

1- کافی، ج 6، ص 485، ح 2؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 75، ح 328.

2- کافی، ج 6، ص 485، ح 3، ص 486، ح 4.

3- کافی، ج 5، ص 519، ح 1؛ السرائر، ج 3، ص 610، از امیرالمؤمنین علیه السلام.

4- مکارم الأخلاق، ص 85.

5- مکارم الأخلاق، ص 85.

6- مکارم الأخلاق، ص 85.

فضیلت تراشیدن سبیل

فلسفه تراشیدن سبیل وفواید آن

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «شارب (1) را کوتاه کنید

وریش را بلند کنید تا شبیه یهودیان وزردشتیان نشوید». (2)

2. در حدیث دیگری فرمود: «هر که شارب خود را نگیرد از ما نیست». (3)

3. در روایت دیگری فرمود: «شارب خود را بلند نکنید که شیطان در آن جا خوش می کند وپنهان می شود». (4)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گرفتن شارب، رفع غم ووسواس را به ارمغان می آورد». (5)

5. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس در روز شنبه وپنجشنبه شارب وناخن خود را بگیرد، از درد دندان وچشم عافیت یابد». (6)

وقت و مقدار گرفتن شارب

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «مستحبّ است موی شارب را به قدری کوتاه کند که به جلوی لب بالا برسد». (7)

2. در حدیث آمده است که امام صادق علیه السلام شارب خود را از ته می تراشید. (8)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گرفتن شارب وناخن از

1- «شارب» قسمت بلند سبیل است که روی لب را می پوشاند وهنگام نوشیدن آب وارد ظرف آب می شود.

2- معانی الأخبار، ص 291؛ مکارم الأخلاق، ص 67.

3- مکارم الأخلاق، ص 67.

4- کافی، ج 6، ص 487، ح 11؛ مکارم الأخلاق، ص 67.

5- الخصائص الفاطمیّه، ج 2، ص 255.

6- ثواب الأعمال، ص 41، ح 2؛ مکارم الأخلاق، ص 65.

7- کافی، ج 3، ص 418، ح 6؛ مکارم الأخلاق، ص 67.

8- کافی، ج 6، ص 487، ح 9؛ مکارم الأخلاق، ص 67.

جمعه تا جمعه بعد، انسان را از بیماری خوره حفظ می کند». (1)

4. در حدیث است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید واز آن حضرت دعایی خواست که باعث فزونی رزق وروزی اش شود. حضرت فرمود: «شارب وناخن خود را در روز جمعه بگیر». (2)

دعای هنگام گرفتن شارب

در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس هر جمعه ناخن وشاربش را بگیرد ودر هنگام گرفتن بگوید: بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَعَلی سُنَّهِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، خداوند به تعداد هر تار مو وقطعه ناخن، ثواب آزاد کردن یک برده ازفرزندان حضرت اسماعیل علیه السلام را به او می دهد وجز در آخر عمر بیمار نشود». (3)

آداب ریش گذاشتن

اشاره

(مقدّمه:) میان علما مشهور است که تراشیدن ریش حرام است، امّا تراشیدن روی گونه ها ودو سمت لب پایین اشکال ندارد. ونیز احتیاط آن است که محاسن را بسیار کوتاه که شبیه تراشیدن است نکند. ضمناً مستحبّ است ریش را نه بسیار بلند ونه کوتاه کنند، بلکه در حدّ میانه بگذارند. وبلند کردن آن بیش از یک قبضه، کراهت دارد بلکه احتمال حرمت می رود. (به روایاتی در این زمینه

توجّه فرمایید:)

درازای ریش

1. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آن مقدار از ریش که

1- کافی، ج 3، ص 418، ح 7؛ مکارم الأخلاق، ص 64.

2- کافی، ج 6، ص 491، ح 11؛ مکارم الأخلاق، ص 65.

3- کافی، ج 3، ص 417، ح 2؛ خصال، ج 2، ص 153.

بیش از یک قبضه باشد در آتش است». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «دست بر ریش خود بگذار وآنچه اضافه بر یک قبضه است را کوتاه کن». (2)

3. در روایتی دیگر فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر شخصی گذشت که ریش درازی داشت. فرمود: چه می شد اگر این مرد ریش خود را اصلاح می کرد؟» چون این خبر به آن شخص رسید ریش خود را اصلاح وآن را به شکل متعادلی کوتاه کرد، سپس خدمت حضرت رسید. حضرت فرمود: «ریش خود را چنین اصلاح کنید». (3)

چگونگی اصلاح ریش

1. در حدیث است که محمّد بن مسلم می گوید دیدم آرایشگر ریش حضرت باقر علیه السلام را اصلاح می کرد. حضرت به او فرمود: «ریشم را مدوّر کن». (4)

2. در حدیث دیگری آمده است که آن حضرت ریش را باریک می کرد وانبوه نمی گذاشت. (5)

3. در حدیث است که علیّ بن جعفر از امام کاظم علیه السلام پرسید: آیا از روی ریش می توان گرفت؟ حضرت فرمود: «از پهلوهای صورت مانعی ندارد، امّا از جلوی صورت نه». (6) (از این روایات استفاده می شود که مردم در میان این اَشکال مختلف مخیّر هستند).

1- کافی، ج 6، ص 486، ح 2؛ مکارم الأخلاق، ص 68.

2- کافی، ج 6، ص 487، ح 3؛ مکارم الأخلاق، ص 68.

3- کافی، ج 6، ص 488، ح 12؛ مکارم الأخلاق، ص 67.

4- کافی، ج 6، ص 487، ح 5؛ مکارم الأخلاق، ص 68.

5- کافی، ج 6، ص 487، ح 4؛ مکارم الأخلاق، ص 68.

6- مکارم الأخلاق، ص 48.

محاسن سبب زیبایی است

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هنگامی که خداوند توبه حضرت آدم علیه السلام را پذیرفت سر به سجده نهاد وچون سر برداشت رو به آسمان کرد وگفت: پروردگارا، بر حُسن وجمال من بیفزا. پس از آن ریش بسیار سیاهی بر صورتش ظاهر شد وچون تا آن وقت ریش نداشت از خداوند پرسید : این چیست؟ وحی آمد: این زینت تو وزینت مردان فرزندان تو تا قیامت است». (1)

مجازات تراشیدن ریش

از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در زمان های گذشته گروهی بودند که ریش خود را تراشیده وسبیلشان را می تابیدند. خداوند آنها را مسخ کرد». (2)

فضیلت موی سفید

نخستین موی سفید وفلسفه آن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اوّل کسی که موی سفید در محاسنش ظاهر شد حضرت ابراهیم علیه السلام بود. به ریش سفید خود نگاهی کرد وگفت: پروردگارا، این چیست؟ وحی آمد که این باعث وقار انسان است. عرض کرد: پروردگارا، بر وقار من بیفزا». (3)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که حضرت ابراهیم علیه السلام موی سفید در محاسن خود دید گفت: حمد

وسپاس شایسته خداوندی است که مرا به این سن رساند، در حالی که به اندازه یک چشم

1- علل الشرایع، ج 2، ص 380.

2- کمال الدّین و تمام النّعمه، ج 2، ص 536، باب 49، ح 1.

3- کافی، ج 6، ص 492، ح 4 و5؛ مکارم الأخلاق، ص 68.

برهم زدن معصیت او را نکردم». (1)

3. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پیش از زمان حضرت ابراهیم علیه السلام موی سر وصورت سفید نمی شد؛ ازاین رو، هرگاه پدر وفرزندی در مجلسی حضور داشتند کسی متوجّه نمی شد کدام فرزند وکدام یک پدر است، پس ناچار بود بپرسد. حضرت ابراهیم علیه السلام چنین دعا کرد: «خداوندا، برای من موی سپیدی قرار ده که از فرزندان خود ممتاز شوم» خداوند دعایش را اجابت کرد وموی سر وصورتش (تدریجاً) سفید شد». (2)

فایده موی سفید وحکم کندن آن

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «موی سفید را نکَنید که نور مسلمانی است. هر مسلمانی موی سفیدی در ریش او پیدا شود، همچون نوری برای او در قیامت باشد». (3)

2. در حدیثی امام رضا علیه السلام از حضرت رسول صلی الله علیه و آله آورده است که فرمود: «موی سفید در پیش سر میمون ومبارک است ودر عارض ها علامت سخاوت وجوانمردی ودر جای زلف علامت شجاعت ودر پشت سر شوم است». (4)

(ظاهراً منظور شروع وابتدای سفید شدن است).

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند در روز قیامت با سه کس سخن نمی گوید وبه آنها نگاه رحمت نمی افکند واعمالشان را نمی پذیرد وعذابی دردناک برایشان آماده کرده است: کسی که موی سفید (سر وصورتش)

1- مکارم الأخلاق، ص 68.

2- علل الشرایع، ج 1، ص 104، باب 95، ح 3.

3- خصال، ج 2، ص 402؛ بحارالأنوار، ج 10، ص 91.

4- کافی، ج 6، ص 493، ح 6؛ مکارم الأخلاق، ص 68.

را بکَند، هر که استمنا کند، هر کس که دیگران با او لواط کنند». (1)

توضیح: شاید منظور از گروه اوّل کسانی است که برای هدف نامشروعی، مثلاً تدلیس وفریب در ازدواج وجوان نشان دادن خود (برای مقاصد نامشروع) چنین کاری می کنند، زیرا در حدیثی معتبر از امام رضا علیه السلام می خوانیم که فرمود : «چیدن وکندن موی سفید جایز است، امّا چیدن آن را بیشتر از کندنش دوست می دارم». ودر حدیث دیگری از آن حضرت آمده است که: «کندن وچیدن موی سفید هر دو جایز است». (2) ودر روایت سوم از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل

شده که آن حضرت چیدن موی سفید را جایز وکندنش را مکروه دانسته است. (3)

(از مجموع این روایات استفاده می شود که باقی ماندن موی سفید از همه بهتر وچیدن آن مکروه واز آن مکروه تر کندن آن است).

بازی کردن با ریش وکندن موی بینی

1. در روایتی معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله می خوانیم که فرمود: «مسلمان باید موی شارب وموی بینی را بگیرد وبه احوال بدن خود بپردازد که این امور باعث زیبایی او می شود». (4)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گرفتن موی بینی، صورت را زیبا می کند». (5)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «زیاد دست بر ریش خود نگذارید که صورت را معیوب وبدنما می کند». (6)

1- خصال، ج 1، ص 125، ح 61.

2- کافی، ج 6، ص 492، ح 1؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 77، ح 343، از امام صادق علیه السلام.

3- کافی، ج 6، ص 492، ح 3؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 77، ح 342.

4- قرب الإسناد، ص 71، ح 205.

5- کافی، ج 6، ص 488، باب أخذ الشّعر مِن الأنف، ح 1؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 71، ح 289.

6- علل الشرایع، ج 2، ص 559، باب 351، ح 1.

4. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چهار چیز از وسوسه های شیطان است: خوردن گِل، خُرد کردن گِل خشک شده، گرفتن ناخن با دندان، به دندان گرفتن ریش وجویدن آن». (1)

فضیلت ناخن گرفتن

1. در روایتی آمده است که مدّتی وحی بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل نشد، علّت آن را پرسیدند. حضرت فرمود: «چگونه وحی قطع نشود در حالی که شما ناخن های خود را نمی گیرید وچرک انگشتانتان را برطرف نمی کنید». (2)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ناخن گرفتن مستحبّ

مؤكّد است». (3)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «مردان ناخن خود را از ته بگیرند وزنان اندکی بلندتر بگذارند که زینت آنهاست». (4)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «ناخن گرفتن دردهای بزرگ را دور می کند وبر روزی انسان می افزاید». (5)

5. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «علّت وفلسفه گرفتن ناخن آن است که چون بلند شود شیطان در آن لانه می کند وموجب فراموشی است». (6)

1- خصال، ج 1، ص 209، ح 40؛ بحارالأنوار، ج 10، ص 246، ح 10.

2- کافی، ج 6، ص 492، ح 17.

3- کافی، ج 6، ص 490، ح 5.

4- كافى، ج 6، ص 491، ح 15؛ كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 74، ح 316.

5- كافى، ج 6، ص 490، ح 1؛ ثواب الأعمال، ص 42، ح 4.

6- كافى، ج 6، ص 490، ح 6.

آداب واوقات ناخن گرفتن

زمان ناخن گرفتن

روز جمعه

1. در حدیث است که کسی به امام کاظم علیه السلام عرض کرد: اصحاب ودوستان ما معتقدند ناخن را باید در روز جمعه گرفت. حضرت فرمود: «اگر بخواهید در روز جمعه بگیرید واگر نمی توانید تا جمعه صبر کنید، هرگاه بلند شد بگیرید». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ناخن گرفتن در روز جمعه انسان را در برابر بیماری های خوره، کوری وپیسی بیمه می کند. واگر در روز جمعه نیاز به گرفتن ناخن ها نباشد آن را سوهان بکش تا ریزه هایی از آن

جدا شود». (2)

3. در چند حدیث دیگر فرمود: «هر جمعه شارب وناخن خود را بگیرید واگر ناخن هایتان کوتاه است در روز جمعه آن را سوهان بکشید، تا مبتلا به دیوانگی وخوره وپیسی نشوید». (3)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس در هر جمعه ناخن وشارب خود را بگیرد، تا جمعه دیگر پیوسته با طهارت باشد». (4)

5. در روایتی دیگر فرمود: «گرفتن ناخن وشارب در هر جمعه وشستن سر با گیاه خطمی (5) در جمعه، فقر را برطرف وروزی را زیاد می کند». (6)

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 74، ح 314؛ تهذیب، ج 3، ص 260، ح 626.

2- کافی، ج 6، ص 490، ح 2؛ ثواب الأعمال، ص 42، ح 5.

3- کافی، ج 6، ص 490، ح 3؛ تهذیب، ج 3، ص 260، ح 628.

4- کافی، ج 6، ص 490، ح 8؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 73، ح 307.

5- «خطمی» (به کسر خاء ومیم وتشدید یاء) گیاهی است دارای ساقه ضخیم وبلند وبرگ های پهن وستبروگل های شیپوری به رنگ سفید یا سرخ که گل وریشه آن در علم پزشکی به کار می رود (فرهنگ عمید).

6- کافی، ج 6، ص 491، ح 10.

6. در حدیث است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: شنیده ام اشتغال به تعقیبات نماز صبح تا هنگام طلوع آفتاب، سودمندتر از سفر به شهرها برای گشایش وافزایش رزق وروزی است. فرمود: «دوست داری چیزی به تو بیاموزم که از همه اینها نافع تر باشد؟» گفت: آری. فرمود: «ناخن وشارب خود را در هر جمعه بگیر، هر چند به ساییدن باشد». (1)

7. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس ناخن های خود را در روز جمعه بگیرد، خداوند دردهایش را از سر انگشتانش بیرون کرده، دوای درد را جایگزین آن می کند». (2)

8. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس روز جمعه ناخن بگیرد، ناراحتی ریشه ناخن ها از وی برطرف می شود». (3)

9. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گرفتن ناخن در روز جمعه هر دردی را برطرف می کند». (4)

روز پنجشنبه

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس ناخن های خود را روز پنجشنبه بگیرد ویک ناخن را برای روز جمعه بگذارد، خداوند پریشانی را از وی زایل می کند». (5)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ناخن گرفتن در روز پنجشنبه بر روزی می افزاید». (6)

1- کافی، ج 6، ص 491، ح 11 و12.

2- ثواب الأعمال، ص 41، ح 1.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 73، ح 309.

4- طبّ الأئمّه، ص 138.

5- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 74، ح 310؛ ثواب الأعمال، ص 41، ح 3.

6- طبّ الأئمّه، ص 138.

3. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس پنجشنبه ناخن بگیرد، فرزندانش بسیار شوند ودرد چشم نبیند». (1)

واگر بخواهد ثواب پنجشنبه وجمعه هر دو را ببرد، در روز پنجشنبه ناخن ها را بگیرد ویکی را برای جمعه نگاه دارد، یا همه را در روز پنجشنبه بگیرد ودر روز جمعه سوهانی بر آن بکشد که ریزه هایی از آن جدا شود.

4. در حدیث است که امام رضا علیه السلام کسی را دید که مبتلا به چشم درد بود. فرمود: «می خواهی چیزی به تو بیاموزم که با انجام دادن آن هرگز چشم درد نگیری؟» گفت: آری. فرمود: «هر پنجشنبه ناخن هایت را بگیر». آن شخص به دستور حضرت عمل کرد وهرگز به درد چشم مبتلا نشد. (2)

5. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس همواره در روز پنجشنبه ناخن های خود را بگیرد هرگز چشم درد نگیرد». (3)

سایر روزهای هفته

1. در روایتی آمده است که هر کس روز چهارشنبه ناخن بگیرد واز انگشت کوچک دست راست شروع کرده وبه انگشت کوچک دست چپ ختم کند، این کار او را از چشم درد حفظ می کند. (4)

2. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روز سه شنبه ناخن بگیرید». (5)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس روز شنبه یا پنجشنبه ناخن وشارب خود را بگیرد از درد دندان وچشم عافیت پیدا می کند». (6)

1- کافی، ج 6، ص 491، ح 14؛ بسیاری فرزندان در مصدر نیست.

2- کافی، ج 6، ص 491، ح 13.

3- کافی، ج 6، ص 491، ح 14.

4- مستدرک الوسائل، ج 1، ص 437، ح 1104.

5- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 279، ح 20.

6- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 74، ح 313؛ ثواب الأعمال، ص 41، ح 2.

(از مجموع این روایات استفاده می شود که هر هفته باید ناخن ها را گرفت. روز جمعه افضل است، سپس روز پنجشنبه وبعد سایر روزهای هفته. در ضمن باید توجّه داشت هرگاه ناخن ها بلند شود انواع میکروب ها زیر آن لانه می کند؛ میکروب هایی که سرچشمه بسیاری از بیماری هاست).

چگونه ناخن بگیریم؟

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که هنگام ناخن گرفتن از انگشت کوچک دست چپ شروع کرده وبه انگشت کوچک دست راست ختم کنید. (1)

2. در روایت دیگر چنین آمده است: اگر روز پنجشنبه از ناخن انگشت کوچک دست راست شروع وبه انگشت بزرگ آن دست ختم کرده وسپس از انگشت کوچک دست چپ شروع وبه انگشت بزرگ همان دست ختم کند، از درد چشم امان خواهد یافت. (2)

وبعید نیست اگر روز چهارشنبه ناخن بگیرد بهتر است از انگشت دست چپ شروع کند واگر در روز پنجشنبه ناخن بگیرد در هر دستی با انگشت کوچک آن دست شروع کند. (3) واگر روز جمعه یا دیگر روزها باشد از انگشت کوچک

دست چپ شروع وبه انگشت کوچک دست راست ختم کند. (4) وبه طور کلّی هر

زمان از انگشت کوچک دست چپ شروع کند خوب است همان گونه که صدوق، علیّ بن بابویه گفته است. (5)

3. در اخبار اهل سنّت چگونگی ناخن گرفتن به این شرح است: در دست

1- کافی، ج 6، ص 492، ح 16.

2- طبّ الأئمّه، ص 84.

3- طبّ الأئمّه، ص 84.

4- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 73، ح 81.

5- المقنع، ص 145.

راست اوّل انگشت شهادت، سپس انگشت کوچک وبعد انگشت بزرگ وپس از آن انگشت وسط ودر آخر انگشت دیگر را می گیرد ودر دست چپ با انگشت پس از انگشت کوچک شروع می کند، سپس انگشت وسط را می گیرد وسوم به سراغ انگشت بزرگ می رود، سپس انگشت کوچک را می گیرد ودر آخر ناخن انگشت شهادت را خواهد گرفت. (1)

ولی توجّه داشته باشید که عمل به آنچه در روایات قبل ذکر کردیم که از منابع اهل بیت علیهم السلام نقل شد، سزاوارتر است.

4. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از گرفتن ناخن با دندان نهی کرد. (2)

دعای هنگام ناخن گرفتن

در روایتی آمده است که به هنگام گرفتن ناخن وشارب این دعا را بخوانید : «بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَعَلی سُنَّهِ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ». (3)

دفن مو وناخن

1. از امام صادق علیه السلامروایت شده که در تفسیر آیه (أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ کِفَاتًا * أَحْیَاءً وَأَمْوَاتًا) (4) فرمود: «منظور از دفن کردن در حال زندگی، دفن مو وناخن است». (5)

2. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «حضرت

1- المغنی، ج 1، ص 102، فصل 104. البتّه آنچه در این روایت آمده با آنچه علّامه مجلسی رحمه الله از اهل سنّتنقل کرده متفاوت است.

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ح 2؛ مکارم الأخلاق، ص 424.

3- کافی، ج 3، ص 417، ح 2؛ خصال، ج 2، ص 53.

4- ترجمه: «آیا زمین را مرکز اجتماع انسان ها قرار ندادیم، هم در حال حیاتشان وهم مرگشان؟ !» سورهمرسلات، آیات 25 و26.

5- کافی، ج 6، ص 493، باب دفن الشّعر والظفر، ح 1.

رسول صلی الله علیه و آلهامرکردندکه چهارچیزرادرخاک پنهان کنیم:مو،ناخن،دندان،خون». (1)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هفت چیز است که هرگاه از انسان جدا شود باید دفن کنند: مو، ناخن، خون، خون عادت ماهیانه، بچّه دان، دندان، نطفه که تبدیل به خون شده باشد». (2)

فضیلت شانه کردن موی سر وصورت

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سر را بسیار شانه کنید که تب را دور وروزی را زیاد می کند وبر قدرت آمیزش می افزاید». (3)

2. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «پوشیدن لباس پاکیزه دشمن را منکوب ومالیدن روغن بر بدن پریشانی وبدحالی را زایل وشانه کردن سر تب را برطرف وشانه کردن محاسن دندان ها را محکم می کند». (4)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «شانه کردن فقر را برطرف ودردها را درمان می کند». (5)

4. در روایت دیگری فرمود: «شانه زدن روزی را زیاد، مو را نیکو وشاداب، حاجت را روا، پشت را محکم وبلغم را قطع می کند». (6)

5. در سخنی دیگر از آن حضرت آمده است که این کار موجب فزونی فرزند می شود. (7)

1- خصال، ج 1، ص 231، ح 107؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 125، ح 1.

2- خصال، ج 2، ص 93، ح 1؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 125، ح 2.

3- کافی، ج 6، ص 489، ح 6؛ ثواب الأعمال، ص 40، باب ثواب تسريح الرأس، ح 3، از رسول خدا صلی الله علیه و آله.

4- کافی، ج 6، ص 488، باب التمشط، ح 1.

5- مکارم الأخلاق، ص 71.

6- خصال، ج 1، ص 244، ح 3؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 117، ح 4 و6.

7- بحارالأنوار، ج 76، ص 117، ح 4 و6.

6. ودر گفته ای فرمود: «شانه کردن دو طرف موی صورت، دندان ها را محکم وشانه کردن پایین محاسن، طاعون را دور وشانه کردن پیش، وسواس سینه را دور وشانه کردن پشت سر، بلغم را قطع می کند». (1)

آداب واوقات شانه کردن

وقت شانه کردن

1. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که در تفسیر آیه (خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ) (2) فرمود: «شانه کردن قبل از هر نماز، جزءِ همین زینت محسوب

می شود». (3)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «به هنگام هر نماز واجب ومستحبّی، جزءِ زینت مذکور در آیه است». (4)

3. در حدیثی معتبر آمده است که: در سجّاده امام صادق علیه السلام شانه ای بود که هرگاه نمازشان تمام می شد از آن استفاده می کردند. (5)

چگونگی شانه کردن

1. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ایستاده شانه نکن که باعث ضعف دل می شود، نشسته شانه کن که دل را قوی وپوست را محکم می کند». (6)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس ایستاده شانه

1- طبّ الأئمّه، ص 19.

2- ترجمه: «زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید». سوره اعراف، آیه 31.

3- کافی، ج 6، ص 489، ح 7.

4- تفسیر عیّاشی، ج 2، ص 13، ح 25.

5- تفسیر عیّاشی، ج 2، ص 13، ح 26؛ کافی، ج 6، ص 488، ح 2.

6- مکارم الأخلاق، ص 72.

کند بدهکار می شود». (1)

3. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ایستاده شانه کردن موجب فقر وپریشانی می شود». (2)

4.ازامام علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله همواره موهای خود را شانه می کرد وبیشتر اوقات به هنگام شانه کردن، موهایش را تر می کرد». (3)

دعای هنگام شانه کردن

1. مستحبّ است به هنگام شانه کردن این دعا خوانده شود :

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاکْسِنی جَمالاً فی خَلْقِکَ وَزینَةً فی عِبادِکَ وَحَسِّنْ شَعْری وَبَصَری وَلا تَبْتَلِنی بِالنِّفاقِ وَارْزُقْنِی الْمَهابَةَ بَیْنَ بَرِیَّتِکَ وَالرَّحْمَةَ مِنْ عِبادِکَ، یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ. (4)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس می خواهد شانه کند، شانه را به دست راست گرفته، در حالی که نشسته، آن را بر بالای سر بگذارد وجلوی سر را شانه کند وبگوید: اَللّٰهُمَّ حَسِّنْ شَعْری وَبَشَری وَطَیِّبْهُما وَاصْرِفْ عَنِّی الْوَباءَ (5) ، سپس پشت سر را شانه کند وبگوید: اَللّٰهُمَّ لا تَرُدَّنی عَلی عَقِبی

1- مکارم الأخلاق، ص 70، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله.

2- خصال، ج 2، ص 277؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 117، ح 5.

3- مکارم الأخلاق، ص 96؛ جامع احادیث الشیعه، ج 16، ص 617، ح 156.

4- ترجمه: «بار خدایا، بر محمّد وآل محمّد درود فرست ودر میان خلق خود بر من زیبایی ودر میان بندگانتزینتی بپوشان ومو ودیده مرا نیکو گردان ومرا به نفاق ودورویی دچار مکن وهیبت در میان مخلوقتورحمت از ناحیه

بندگانت را روزی من کن، ای مهربان ترین مهربانان». الأمان من اخطار الأسفار والأزمان،ص 24.

5- ترجمه: «بار خدایا، مو و پوست مرا نیکو گردان و آنها را پاکیزه کن و بیماری های واگیردار را از مندور گردان».

وَاصْرِفْ عَنّی کَیْدَ الشَّیْطانِ وَلا تُمَکِّنْهُ مِنْ قِیادی فَیَرُدَّنی عَلی عَقِبی (1) ، بعد ابروها

را شانه کند وبگوید: اَللّهُمَّ زَیِّنّی بِزینَهِ الْهُدی (2) آن گاه ریش را از بالا به پایین شانه

کند، سپس شانه را بر سینه بمالد وبگوید: اللّهُمَّ سَرِّحْ عَنِّی الْغُمُومَ وَالْهُمُومَ وَوَحْشَهَ الصُّدُورِ وَوَسْوَسَهَ الشَّیْطانِ (3) ، سپس ریش را از پایین به بالا شانه کند

وسوره (إِنَّا أَنزَلْنَاهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ) را تلاوت کند». (4)

1- ترجمه: «بار خدایا، مرا به عقب برمگردان ومکر وحیله شیطان را از من دور کن وبه او فرصت نده که مرا بهبند پیروی خود درآورد وبه عقب بازگرداند».

2- ترجمه: «بار خدایا، مرا به زینت هدایت، زینت بخش».

3- ترجمه: «بار خدایا، غم ها ووحشت ها ووسوسه شیطان را از من برطرف کن».

4- مکارم الأخلاق، ص 71.

فصل ششم: آداب استفاده از بوی خوش وگل ها وکرم ها وروغن ها

اشاره

1. سبب پیدایش بوهای خوش در زمین
2. فضیلت بوی خوش وآداب آن
3. کراهت ردّ عطریات
4. فضیلت مشک وعنبر وزعفران
5. فضیلت غالیه
6. فضیلت وآداب روغن زدن
7. روغن بنفشه
8. روغن بان وزنبق
9. فواید سایر روغن ها
10. بخور وانواع وآداب آن
11. فضیلت گلاب، گل سرخ ودیگر گل ها
12. آداب بوییدن گل

سبب پیدایش بوهای خوش در زمین

1. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که آدم وحوّا از بهشت به زمین آمدند، حضرت آدم بر کوه صفا وحضرت حوّا بر کوه مروه قرار گرفت. حوّا هنگامی که در بهشت بود از بوی خوش آنجا به موهای خود زده بود وگیسویش را شانه کرده وبسته بود. هنگامی که به زمین آمد با خود گفت: حال که خدا از من در خشم است، آرایش وزینتی که در بهشت کرده ام چه سودی دارد؟ سپس گیسوان خود را باز کرد. آن گاه بوی خوشی را که از موهای او منتشر شد نسیم باد به مشرق ومغرب برد؛ البتّه بیشتر آن به سرزمین هند ریخت، لذا بیشتر بوهای خوش در آن دیار است». (1)

2. در روایت دیگری فرمود: «هنگامی که حضرت آدم از درخت ممنوع استفاده کرد وتمام لباس ها وزیورهای بهشتی اش فرو ریخت، برگی از برگ های بهشتی را گرفت وبا آن خویش را پوشاند. هنگامی که به زمین آمد باد جنوب بوی خوش آن برگ بهشتی را به سرزمین هند رساند. بدین جهت گیاهان خوشبو در هندوستان فراوان است. واوّل حیوانی که از آن برگ بهشتی یا از آن گیاهان خوشبو خورد، آهوی مشک بود که با این کار بوی خوش در گوشت وخونش جاری وسپس در پیش نافش گرد آمد واز آن مشک تولید شد». (2)

1- کافی، ج 6، ص 513، باب اصل الطّیب، ح 1.

2- کافی، ج 6، ص 514، ح 3.

فضیلت بوی خوش وآداب آن

فضیلت بوی خوش

1. در احادیث معتبر آمده است که استعمال عطر وبوی خوش از جمله اخلاق پسندیده پیامبران است. (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند به پیامبرانش سه چیز داده است: بوی خوش وهمسر ومسواک». (2)

3. در حدیثی می خوانیم که هرگاه امام صادق علیه السلام بر موضعی سجده می کرد، مردم جای سجده امام را از بوی خوش آن حضرت که در آنجا مانده بود می شناختند. (3)

4. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سه خصلت در حضرت رسول صلی الله علیه و آله وجود داشت که در دیگران نبود: سایه نداشت، از هر مسیری عبور می کرد تا مدّتی بوی خوش آن حضرت در آن مسیر بود به گونه ای که هر کس از آنجا عبور می کرد درمی یافت که پیامبر صلی الله علیه و آله از آن راه عبور کرده است، از کنار هر سنگ ودرختی که می گذشت برای آن حضرت تعظیم می کردند». (4)

5. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوشبو کردن خود وزدن شارب از اخلاق پیامبران وگرامی داشتن ملائکه ای است که اعمال انسان را می نویسند، زیرا آنها از بوی خوش، خوششان می آید». (5)

6. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله برای بوی خوش بیش از غذا

هزینه می کرد. (6)

1- کافی، ج 6، ص 510، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 42.

2- کافی، ج 6، ص 511، ح 9؛ دعائم الاسلام، ج 1، ص 119.

3- کافی، ج 6، ص 511، ح 11؛ مکارم الأخلاق، ص 42.

4- مکارم الأخلاق، ص 34.

5- کافی، ج 6، ص 510، ح 5؛ مکارم الأخلاق، ص 42.

6- کافی، ج 6، ص 512، ح 18؛ مکارم الأخلاق، ص 43.

وقت استفاده از بوی خوش

1. در حدیث صحیح ومعتبری آمده است که امام رضا علیه السلام فرمود: «سزاوار مردان نیست هر روز بوی خوش را ترک کنند. واگر قادر نباشند یک روز در

میان عطر بزنند. واگر این هم ممکن نباشد هر جمعه این کار را انجام داده وآن را ترک نکنند». (1)

2. از حضرت رسول روایت شده که فرمود: «جبرئیل گفت: یک روز در میان خود را خوشبو ساز واین کار را در روز جمعه حتماً انجام بده وترک نکن». (2)

3. و در روایتی دیگر فرمود: «روز جمعه حتماً خود را خوشبو کنید، اگرچه از بوی خوش متعلّق به زنان باشد». (3)

4. در حدیث است که روزی عثمان بن مظعون خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد : می خواهم بوی خوش وچند چیز دیگر از لذّت ها را ترک کنم. حضرت فرمود : «بوی خوش را ترک نکن که ملائکه بوی خوش مؤمن را می بویند و(لااقل) هر جمعه این کار را انجام بده (4) که هر چه صرف بوی خوش کنی اسراف نیست». (5)

5. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بر هر انسان بالغی لازم است هر جمعه شارب وناخن خود را بگیرد وچیزی از بوی خوش استفاده کند وهر زمان جمعه فرا می رسید وبوی خوش نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله نبود، دستمال برخی همسرانش را که معطّر بود می طلبید وآن را مرطوب کرده وبر سر وصورت خویش می مالید». (6)

1- کافی، ج 6، ص 510، ح 4؛ مکارم الأخلاق، ص 43.

2- کافی، ج 6، ص 511، ح 12 و13؛ دعائم الاسلام، ج 1، ص 181.
3- کافی، ج 6، ص 510، ح 12 و13؛ دعائم الاسلام، ج 1، ص 181.
4- کافی، ج 6، ص 511، ح 14.
5- کافی، ج 6، ص 512، ح 16؛ مکارم الأخلاق، ص 41.
6- کافی، ج 6، ص 11، ح 10.

6. از امام کاظم روایت شده است که فرمود: «روز سه شنبه ناخن بگیرید، روز چهارشنبه حمّام بروید، روز پنجشنبه حجامت کنید وروز جمعه به بهترین بوها خود را معطّر سازید». (1)

بوی خوش برای زنان

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «باید رنگ بوی خوش زنان، آشکار وبویش پنهان باشد. ودر مورد مردان باید بویش آشکار ورنگش پنهان باشد». (2)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زن مسلمان باید پیوسته خود را برای شوهرش خوشبو کند». (3) (ولی در بیرون خانه در برابر نامحرمان از بوی

خوش بپرهیزد).

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر زنی که خود را معطّر سازد واز خانه بیرون رود، پیوسته مشمول نفرین الهی باشد تا به خانه بازگردد». (4)

فواید بوی خوش

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بوی خوش قلب را قوی می کند وبر قدرت آمیزش می افزاید». (5)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس هر روز از بوی خوش استفاده کند تا شب

1- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 279، ح 20؛ خصال، ج 2، ص 153.

2- کافی، ج 6، ص 512، ح 17؛ دعائم الاسلام، ج 2، ص 166.

3- خصال، ج 2، ص 413، ح 172؛ بحارالأنوار، ج 103، ص 245، ح 23.

4- مکارم الأخلاق، ص 43.

5- کافی، ج 6، ص 510، ح 3.

عقلش با او باشد». (1)

3. ودر روایتی دیگر فرمود: «یک نماز با بوی خوش بهتر است از هفتاد نماز بدون بوی خوش». (2)

4. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چهار چیز دل را می گشاید وغم را زایل می کند: بوی خوش، خوردن عسل، سواری کردن، نگاه به سبزه». (3)

کراهت ردّ عطریات

1. در حدیث است که حضرت رسول بوی خوش وشیرینی که برایش هدیه می آوردند، رد نمی کرد. (4)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روغن خوشبویی را برای امیرالمؤمنین علیه السلام هدیه آوردند، حضرت آن را گرفت وبا اینکه آن روز بر بدنش روغن مالیده بود، از آن روغن هم بر بدن خود مالید. سپس فرمود: هرگز بوی خوش را رد نمی کنم». (5)

3. در حدیث است که کسی از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا کسی که بوی خوشی برای او آورده اند می تواند آن را رد کند؟ فرمود: «سزاوار نیست که انسان کرامت را نپذیرد وآن را رد کند». (6)

4. در حدیث است که حسن بن جهم گوید: خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم. حضرت ظرفی را که در آن مشک بود برایم آورد وفرمود: «بردار وبه خود بمال»

1- کافی، ج 6، ص 510، ح 7.

2- کافی، ج 6، ص 510، ح 7.

3- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 40، ح 126؛ مکارم الأخلاق، ص 42، با اندکی تفاوت.

4- کافی، ج 6، ص 513، ح 4.

5- کافی، ج 6، ص 512، ح 2.

6- کافی، ج 6، ص 512، ح 1.

قدری برداشتم وخود را معطّر ساختم. حضرت فرمود: «مقداری دیگر بردار ودر گودی پایین گردنت بمال» این کار را کردم. مقداری دیگر ماند. حضرت فرمود : «این را هم به همان جا بمال» مالیدم. سپس فرمود: «حضرت علی علیه السلام فرمود : کرامت را جز درازگوش رد نمی کند». پرسیدم کرامت چیست؟ فرمود: «بوی خوش وبالشی که برای تکیه زدن ونشستن می دهند ومانند آن». (1)

فضیلت مشک وعنبر وزعفران

مشک

1. در حدیثی آمده است که: حضرت رسول صلی الله علیه و آله آن قدر مشک بر خود می مالید که رنگ آن بر فرق مبارک حضرت آشکار بود. (2)

2. در حدیثی صحیح می خوانیم: حضرت مشک دانی داشت که هرگاه وضو می ساخت با دست تر آن را می گرفت وهنگامی که بیرون می آمد از بوی خوش آن می فهمیدند که پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است. (3)

3. در حدیثی معتبر آمده است که امام زین العابدین علیه السلام مشک دانی از جنس قلع داشت، هرگاه می خواست لباس بپوشد آن را می طلبید وخود را معطّر می ساخت. (4)

4. در حدیثی دیگر آمده است که آن حضرت شیشه ای از مشک داشت که در سجّاده اش می گذاشت وهرگاه به نماز می ایستاد به خود می مالید. (5)

5. در حدیث است که علیّ بن جعفر از برادرش امام کاظم علیه السلام پرسید: آیا

1- کافی، ج 6، ص 512، ح 3.

2- کافی، ج 6، ص 514، باب المسک، ح 2؛ مکارم الأخلاق، ص 33.

3- کافی، ج 6، ص 515، ح 3؛ مکارم الأخلاق، ص 42.

4- کافی، ج 6، ص 514، باب المسک، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 42.

5- کافی، ج 6، ص 515، ح 6.

می توان مشک را با روغنی که به بدن می مالند مخلوط کرد؟ فرمود: «اشکالی ندارد ومن این کار را انجام می دهم». (1)

6. در حدیثی دیگر فرمود: «اشکال ندارد که مشک را با غذا مخلوط کنند». (2)

7. در روایتی می خوانیم: امام رضا علیه السلام قوطی کوچکی که از چوب درخت آبنوس (3) ساخته شده ودارای خانه های متعدّدی بود از جیب خود بیرون آورد که

در هر خانه آن بوی خوشی بود ویکی از آنها مشک بود. (4)

فضیلت عنبر وزعفران وعود

1. در روایتی آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله خود را به مشک وعنبر معطّر وخوشبو می کردند. (5)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بوی خوش عبارت است از : مشک وعنبر وزعفران وعود». (6)

خلوق

احادیث متعدّدی در وصف وفضیلت «خلوق» (7) وارد شده است. (8) وآن بوی

1- کافی، ج 6، ص 515، ح 8.

2- کافی، ج 6، ص 515، دنباله حدیث 8.

3- «آبنوس» از کلمه یونانی ابانس گرفته شده ونام درختی است که در هند وحبشه می روید ومانند درختگردو، بزرگ وتناور می شود. چوب آن سنگین وسخت ودارای لکّه های سیاه است وآن را پس از بریدنمدّتی در

آب می اندازند تا سیاه شود. در عربی نیز به آن آبنوس می گویند ودر فارسی «شیز» هم گفته شدهاست (فرهنگ عمید).

4- کافی، ج 6، ص 515، ح 4.

5- مکارم الأخلاق، ص 33 و34.

6- کافی، ج 6، ص 513، باب انواع الطّیب، ح 1.

7- «خَلُوق» بوی خوش، ترکیبی خوشبو که قسمت عمده آن زعفران است. خِلاق هم می گویند (فرهنگعمید).

8- کافی، ج 6، ص 517، ح 4.

خوشی است که از چند چیز به عمل می آید که یک جزءِ آن زعفران است. البتّه در بعضی روایات سفارش شده که مداومت بر استفاده از خلوق نکنید، بلکه گاه از آن استفاده نمایید.

ودر روایتی آمده است که شب تا به صبح آن را بر بدن نگذارید (1) وشاید علّت آن این باشد که رنگش بر بدن زیاد نماند.

فضیلت غالیه

فضیلت غالیه (2)

1. در روایتی موثّق ومعتبر آمده است که اسحاق بن عمّار خدمت امام صادق علیه السلام رسید وعرض کرد: من با تاجران داد وستد دارم وبرای اینکه مرا فقیر نپندارند غالیه بر خود می مالم. حضرت فرمود: «غالیه کم وزیادش مساوی است. کسی که گاهی اندکی غالیه بر خود بمالد کافی است».

اسحاق می گوید: به فرموده حضرت عمل کردم وسالی ده درهم غالیه می خرم وتمام سال خود را با آن خوشبو می کنم. (3)

2. در حدیث دیگری می خوانیم: حضرت سجّاد علیه السلام شبی از خانه بیرون آمد، در حالی که لباس خز پوشیده وریش خود را به غالیه خوشبو کرده بود. پرسیدند : در این وقت شب با این وضعیّت به چه منظور بیرون آمده اید؟ فرمود : «می خواهم عبادت کرده وحوریان بهشتی را از خدا خواستگاری کنم». (4) یعنی زینت وبوی خوش برای عبادت، مستحبّ است.

1- کافی، ج 6، ص 518، ح 6.

2- «غالیه» دارویی است بسیار خوشبو که از ترکیب مشک وعنبر وحصی لبان (حسن لبه) می ساخته اند.«حَصِی لُبان» نوعی صمغ سقزی شبیه به کندر که بسیار خوشبو وبه رنگ سرخ یا مایل به سیاهی است. ازدرختی که در نواحی گرم می روید به دست می آورند ودر طبّ قدیم برای تقویت مغز ومعده ومعالجه امراضسینه به کار می رفته ودر فارس حسن لبه می گویند (فرهنگ عمید).

3- کافی، ج 6، ص 516، ح 1.

4- کافی، ج 6، ص 516، ح 3.

3. در حدیثی صحیح می خوانیم: امام رضا علیه السلام دستور داد روغنی برای آن حضرت تهیّه کنند که در آن مشک وعنبر مخلوط شده بود ودستور داد در کاغذی آیه الکرسی وسوره ناس وفلق وچند آیه دیگر از آیات حفظ ومحافظت را نوشتند ودر میان غلاف آن شیشه روغن گذاشت وپیوسته از آن بر محاسن خود می مالید. (1)

فضیلت وآداب روغن زدن

زمان روغن زدن

1. در روایتی آمده است که (مردان) ماهی یک بار روغن بزنند (2) ودر حدیث دیگر، هفته ای یک یا دو مرتبه سفارش شده است. (3) امّا این کار برای زنان هر روز

خوب است. (4)

2. در چند روایت از مداومت بر روغن زدن در هر روز (برای مردان) نهی شده است. (5)

فواید روغن زدن

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روغن زدن پوست را نرم، عقل را زیاد ومجاری آب بدن را آسان، خشونت وسختی پوست وبدحالی وتنگی روزی را برطرف وصورت را نورانی می کند». (6)

1- کافی، ج 6، ص 516، ح 2.

2- کافی، ج 6، ص 520، ح 3.

3- کافی، ج 6، ص 520، ح 2.

4- کافی، ج 6، ص 520، ح 1.

5- کافی، ج 6، ص 520، ح 1.

6- کافی، ج 6، ص 519، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 47.

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روغن زدن توانگری وبی نیازی را آشکار می کند». (1)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «فقر را زایل می کند». (2)

4. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روغن زدن در شب، عروق بدن را باز وپوست را سیراب وصورت را سفید می کند». (3)

5. در حدیثی دیگر فرمود: «هر مؤمنی که روغن بزند، حق تعالی به عدد هر مویی برای او نوری بنویسد که در قیامت به او عطا کند». (4)

آداب روغن زدن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که روغن را بر کف دست می ریزی بگو: اَللّهُمَّ اِنِّی اَسْأَلُکَ الزَّیْنَ وَالزِّینَةَ وَالْمَحَبَّةَ وَاَعُوذُ بِکَ مِنَ الشَّیْنِ وَالشَّنانِ وَالْمَقْتِ (5) ، سپس از بالای سر شروع به مالیدن آن کن». (6)

2. در روایتی دیگر آمده است که حضرت فرمود: «چون روغن را بر کف دست ریختی بگو: اَللّهُمَّ اِنِّی اَسْأَلُکَ الزّینَةَ فِی الدُّنْیا وَاَعُوذُ بِکَ مِنَ الشَّینِ وَالشَّنانِ فِی الدُّنْیا وَالاْخِرَهِ». (7)

1- کافی، ج 6، ص 519، ح 3.

2- کافی، ج 6، ص 519، ح 2.

3- کافی، ج 6، ص 519، ح 5.

4- کافی، ج 6، ص 520، ح 7؛ مکارم الأخلاق، ص 48، وبه جای مؤمن، مسلم وارد شده است.

5- ترجمه: «بار خدایا، من از تو آراستن و زینت و دوستی می طلبم و از زشتی و خواری و گناه به تو پناه می برم».

6- کافی، ج 6، ص 519، ح 6.

7- ترجمه: «پروردگارا، زینت در دنیا را از تو می خواهم واز زشتی وخواری در دنیا وآخرت به تو پناه می برم».مکارم الأخلاق، ص 47.

روغن بنفشه

فضیلت روغن بنفشه

در چندین روایت می خوانیم که امام صادق علیه السلام در مورد روغن بنفشه فرمود :

1. «روغن بنفشه بهترین روغن های شماست». (1)

2. «فضیلت روغن بنفشه بر سایر روغن ها مثل فضیلت ما (اهل بیت) بر سایر مردم است». (2)

3. «فضیلت روغن بنفشه بر سایر روغن ها مانند فضیلت شیعیان بر دیگر مردم است». (3)

4. «دوست داشتنی ترین هدیه ای که از شما به ما می رسد روغن بنفشه است». (4)

فواید روغن بنفشه

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روغن بنفشه روغن خوبی است، از آن بر بدن بمالید که درد را از سر وچشم زایل می کند». (5)

2. در حدیث است که کسی به نام عقبه از قاطر افتاد وبینی اش صدمه دید. امام صادق علیه السلام فرمود: «روغن بنفشه در بینی اش بچکانید». این کار را کردند وشفا یافت. سپس به عقبه فرمود: «روغن بنفشه در زمستان گرم ودر تابستان خنک.... اگر مردم فضیلت آن را بدانند یک اوقیه (6) از آن یک دینار (یک مثقال شرعی طلا)

قیمت پیدا می کرد». (7)

1- کافی، ج 6، ص 521، ح 1؛ طبّ الأئمّه، ص 93.
2- طبّ الأئمّه، ص 93.
3- کافی، ج 6، ص 522، ح 10، با تفاوت در عبارت.
4- کافی، ج 6، ص 521، ح 3.
5- کافی، ج 6، ص 521، ادامه حدیث 5.
6- «اوقیه» معادل هفت مثقال است (فرهنگ عمید).
7- کافی، ج 6، ص 521، ح 2.

3. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روغن بنفشه را در بینی بچکانید که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: اگر مردم فواید آن را بدانند همواره از آن استفاده کنند». (1)

4. ودر حدیث دیگر فرمود: «حرارت تب را با روغن بنفشه بشکنید». (2)

5. ودر حدیث سوم فرمود: «روغن بنفشه سردرد را زایل می کند وباعث آرامش مغز سر است». (3)

روغن بان وزنبق

فضیلت روغن بان

فضیلت روغن بان (4)

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روغن بان روغن خوبی است». (5)

2. در حدیث است که کسی از ترک هایی که در دست وپایش به وجود آمده بود به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «مقداری پنبه را با روغن بان آغشته کن وبر نافت بگذار، یا مقداری روغن در ناف بریز». آن شخص یک مرتبه چنین کرد، آن آزار از او زایل شد. (6)

3. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روغن بان انسان از هر دردی حفظ می کند، از آن به خود بمالید که پیامبر صلی الله علیه و آله از آن استفاده می کرد». (7)

1- کافی، ج 6، ص 522، ح 7.

2- کافی، ج 6، ص 522، ح 11؛ خصال، ج 2، ص 411، ح 136.

3- کافی، ج 6، ص 522، ح 8 و9.

4- «بان» درختی است دارای برگ های سبز ولطیف وخوشبو که از دانه هایش که شبیه پسته است، روغنیمعطّر می گیرند ودانه اش را حبّ البان می گویند (فرهنگ عمید).

5- کافی، ج 6، ص 523، ح 3.

6- کافی، ج 6، ص 523، ح 2.

7- طبّ الأئمّه، ص 94.

4. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس روغن بان بر خود بمالد، حتّی اگر پیش روی شیطان بخوابد، به قدرت پروردگار شیطان نمی تواند ضرری به او برساند». (1)

فضیلت روغن زنبق

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هیچ چیز برای بدن بهتر از روغن زنبق نیست». (2)

2. در حدیث است که امام کاظم وامام رضا علیهما السلام روغن زنبق را در بینی می چکاندند. (3)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «روغن زنبق منافع فراوانی دارد وشفای هفتاد درد است». (4)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روغن زنبق شفای هفتاد درد است». (5)

نکته: ظاهراً مراد، زنبق سفید باشد که آن را رازقی می گویند ودر بسیاری از روایات به لفظ رازقی وارد شده است. (6) از کلام برخی استفاده می شود که زنبق، یاسمن سفید است.

1- طبّ الأئمّه، ص 94.

2- کافی، ج 6، ص 523، باب دهن الزنبق، ح 1.

3- کافی، ج 6، ص 524، باب دهن الزنبق، ح 2.

4- طبّ الأئمّه، ص 94.

5- طبّ الأئمّه، ص 94.

6- طبّ الأئمّه، ص 86.

فواید سایر روغن ها

روغن زیتون وگل خیری

1. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «ای علی، روغن زیتون بخور وبر بدنت بمال، زیرا شیطان تا چهل روز به کسی که این کار را کند نزدیک نمی شود». (1)

2. در برخی روایات آمده است که روغن گل خیری، روغن لطیفی است. (2)

3. در حدیثی می خوانیم که حضرت امام کاظم علیه السلام روغن گل خیری بر بدن خود می مالید. (3)

روغن کنجد

1. در حدیثی معتبر آمده است که هرگاه پیامبر صلی الله علیه و آله مبتلا به سردرد می شد، روغن کنجد در بینی خود می چکاند. (4)

2. نیز در حدیث معتبر دیگری نقل شده است که آن حضرت دوست داشت روغن کنجد در بینی خود بچکاند. (5)

بخور وانواع وآداب آن

فضیلت بخور

1. در روایتی آمده است که مردم از حضرت رضا علیه السلام بسیار بوی بخور استشمام می کردند. (6)

1- مکارم الأخلاق، ص 48.

2- کافی، ج 6، ص 522، ح 1.
3- کافی، ج 6، ص 522، ح 2.
4- کافی، ج 6، ص 524، باب دهن الحل، ح 1.
5- کافی، ج 6، ص 524، باب دهن الحل، ح 2.
6- کافی، ج 6، ص 518، ح 3.

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سزاوار است که مرد هرگاه توانست لباس خود را با بخور کردن خوشبو سازد». (1)

3. در روایت دیگری از آن حضرت می خوانیم: «تحفه مرد روزه دار آن است که ریشش را روغن بمالند ولباسش را بخور دهند وتحفه زن روزه دار آن است که موهایش را شانه کرده ولباسش را بخور دهند». (2)

بخور با عود

1. در حدیث است که مرازم می گوید با امام کاظم علیه السلام به حمّام رفتم. هنگامی که حضرت از حمّام بیرون آمد در رختکن عودسوز طلبید وخود را خوشبو کرد، سپس فرمود: «مرازم را نیز خوشبو کنید». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بوی عود خالص تا چهل روزوبوی عودی که بابوهای دیگرترکیب شده باشدتابیست روزدربدن می مانَد». (4)

3. در روایتی آمده است که امام رضا علیه السلام با عود هندی خالص بخور کرده، سپس گلاب ومشک بر خود می مالید. (5)

4. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «از عود هندی استفاده کنید که هفت نوع شفا در آن است». (6)

5. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله با عود قماری (7) بخور می کرد. (8)

1- کافی، ج 6، ص 518، ح 2؛ مکارم الأخلاق، ص 43.

2- مکارم الأخلاق، ص 43.

3- کافی، ج 6، ص 518، ح 4؛ مکارم الأخلاق، ص 43.

4- کافی، ج 6، ص 518، ح 1.

5- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 179، ح 3؛ مکارم الأخلاق، ص 43.

6- مکارم الأخلاق، ص 43.

7- «عود قُماری» نوعی عود است منسوب به شهری در هندوستان به نام قمار یا کُمار (فرهنگ عمید).

8- مکارم الأخلاق، ص 34.

آداب ودعای بخور دادن

1. در روایتی می خوانیم: هرگاه همسران امام کاظم علیه السلام می خواستند بخور کنند اوّل هسته خرمای صیحانی را که نوعی از خرماهای مدینه است می گرفتند، سپس در آتش می انداختند وچون اندکی دود می کرد بوی خوش را درون آتش می ریختند ولباسشان را بخور می دادند ومعتقد بودند این کار باعث خوشبویی بیشتر می شود. (1)

2. سیّد بن طاووس نقل کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به هنگام بخور کردن این دعا را می خواند :

«اَلْحَمْدُ للهِ الَّذی بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصّالِحاتِ. اَللّهُمَّ طَیِّبْ عَرَقَنا وَزَکِّ رَوایِحَنا وَاَحْسِنْ مُنْقَلَبَنا وَاجْعَلِ التَّقْوی زادَنا وَالْجَنَّهَ مَعادَنا وَلا تُفَرِّقْ بَیْنَنا وَبَیْنَ عافِیَتِکَ اِیّانا وَکَرامَتِکَ لَنا، اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ». (2)

3. سیّد بن طاووس گفته است در روایت دیگری این دعا به هنگام بخور دادن وبوی خوش استعمال کردن آمده است :

«اَلْحَمْدُ للهِ رَبِّ الْعالَمینَ. اَللّهُمَّ اَمْتِعْنی بِما رَزَقْتَنی، فَلا تَسْلُبْنی ما خَوَّلْتَنی، وَاجْعَلْ ذلِکَ رَحْمَهً وَلا تَجْعَلْهُ وَبالاً عَلَیَّ. اَللّهُمَّ طَیِّبْ ذِکْری بَیْنَ خَلْقِکَ، کَما طَیَّبْتَ بَشَری وَنَشْوایَ بِفَضْلِ نِعْمَتِکَ عِنْدی». (3)

1- کافی، ج 6، ص 518، باب البخور، ح 5.

2- ترجمه: «حمد وسپاس مخصوص خداوندی است که با نعمت او نیکی ها کامل می شود. بار خدایا، عرق ما راپاکیزه وبوی ما را پاک وبازگشت ما را (به سوی خود) نیکو کن وتقوا را توشه ما وبهشت را منزلگاه آخرت ماقرار ده ومیان ما وعافیتی که از سوی تو است جدایی مینداز وکرامتت را از ما

دریغ مدار که تو بر هر چیزیتوانایی». الأمان من أخطار الأسفار والأزمان، ص 23.

3- ترجمه: «حمد وسپاس مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است. بار خدایا، به آنچه مرا روزیداده ای بهره مند گردان وآنچه را عطا کرده ای از من مگیر وآن را مایه رحمت قرار ده وبر من سخت ودشوارمگردان. بار خدایا، مرا در میان بندگانت خوشنام کن، همان گونه که جسم وزندگی ام را به فزونی نعمتت برمن پاکیزه گردانیدی». الامان من اخطار الاسفار والازمان، ص 23.

فضیلت گلاب، گل سرخ ودیگر گل ها

خواصّ گلاب

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ریختن گلاب به صورت، آبرو را زیاد وپریشانی را برطرف می کند». (1)

2. در روایت دیگری از آن حضرت می خوانیم که فرمود: «هر کس به صورت خود گلاب بپاشد، در آن روز پریشانی وبدحالی به او نمی رسد. وهنگام مالیدن گلاب بر صورت ودست ها، حمد وثنای خدا را گوید وبر محمّد وآل محمّد صلوات بفرستد». (2)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس در روز اوّل ماه مبارک رمضان به اندازه یک کف دست گلاب بر صورت خود بریزد، (امید است) در آن روز از خواری وپریشانی در امان باشد. وهر کس در آن روز مقداری گلاب برسرش ریزددرآن سال از بیماری سرسام (3) وذات الجنب در امان باشد». (4)

گل نرگس وگل مورد

گل نرگس وگل مورد (5)

1. در حدیث است که بوییدن گل نرگس ومالیدن روغنش آثار فراوانی دارد. وهنگامی که حضرت ابراهیم علیه السلام را در آتش انداختند وخداوند آتش را بر او سرد کرد، در میان آتش گل نرگس را برای آن حضرت رویانید. از آن پس گل

1- مکارم الأخلاق، ص 44.

2- مکارم الأخلاق، ص 44 و45.

3- «سَرسام»، به فتح سین، ورم سر یا دماغ، همچنین حالت آشفتگی شبیه دیوانگی است. در عربی نیزسِرسام (به کسر سین) می گویند (فرهنگ عمید).

4- الأمان من أخطار الأسفار والأزمان، ص 22.

5- «مُوْرْد» (به ضمّ میم وسکون واو وراء) درختی است شبیه به درخت انار، برگ هایش سبز وضخیم وخوشبووهمیشه سبز است (فرهنگ عمید).

نرگس در میان مردم فراوان شد. (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بیست ویک نوع گل داریم که بهتر از همه گل مورد است». (2)

گل سرخ

در روایتی معتبر آمده است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله دو کف دست خود را پر از گل سرخ کرد وبه من داد. وچون نزدیک مشام خود برد فرمود: پس از گل مورد، این بهترین گل های بهشت است». (3)

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هنگامی که مرا به آسمان بردند چند قطره از عرق من بر روی زمین ریخت وگل سرخ از آن رویید. سپس آن گل به دریا افتاد. ماهی ودعموص (4) برای خوردن آن با هم درگیر شدند،

خداوند فرشته ای را فرستاد تا در میان آنها قضاوت کند. آن فرشته نصف گل سرخ را به ماهی ونصف دیگر را به دعموص داد. بدین جهت پنج برگ سبزی که در زیر گل وجود دارد، دو برگ آن به شکل دم ماهی است که از هر طرف پری دارد ودو تای دیگر به شکل دم دعموص باریک است واز هیچ طرف پری ندارد ویک عدد دیگر یک طرفش پری دارد وطرف دیگر ندارد که نصف آن به شکل دم ماهی ونصف دیگر به شکل دم دعموص است». (5)

1- مکارم الأخلاق، ص 45.

2- کافی، ج 6، ص 525، ح 3.

3- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 40، ح 128.

4- «دعموص» جانور یا کرمی است سیاه(رنگ) که در غدیرها هنگام خشک شدن آب آن به وجود می آید.برخی می گویند کرمی است دو سر که هنگام اندک شدن آب دیده می شود. به فارسی «کفلچیز» گفته می شود(فرهنگ عمید).

5- علل الشرایع، ج 2، ص 601، ح 58.

3. در حدیثی می خوانیم هنگامی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله را به معراج بردند زمین از رفتن آن حضرت محزون شد وبدین جهت «کَبَر» (1) در زمین رویید.

وچون برگشت، زمین شاد شد وگل سرخ در آن رویید. بدین جهت هر کس بخواهد بوی پیامبر را استشمام کند گل سرخ را ببوید. (2)

گل مَرْزنگوش

گل مَرْزنگوش (3)

1. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «گل مرزنگوش نیکو گلی است، در زیر عرش می روید وآب آن باعث شفای چشم است». (4)

2. در حدیث است که گل مرزنگوش را فراوان ببویید که حسّ بویایی را تقویت می کند. (5)

آداب بوییدن گل

1. در روایتی صحیح ومعتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه گلی به شما دادند آن را ببویید وبر دیدگان خود نهید که از بهشت آمده است». (6)

1- «کَبَر» گیاهی است خاردار وپرشاخ وبرگ که بیشتر شاخه های آن روی زمین گسترده می شود. برگ هایشپهن، گل هایش سفید ودر وسط آن تارهایی قرار دارد. میوه آن به اندازه خیار کوچکی است که بعد از رسیدنمی شکفد ومغز آن سرخ رنگ است؛ بیشتر در ویرانه ها وسنگلاخ ها می روید (فرهنگ عمید).

2- مکارم الأخلاق، ص 44.

3- «مرزنگوش» گیاهی است خوشبو ودارای شاخه های بلند. برگ های آن باریک وشبیه گوش موش وتخم آنشبیه تخم ریحان ودر طب از آن استفاده می شود. در عربی آن را «آذان الفار» می گویند ودر فارسی«مرزنجوش»، «مرزه گوش» و«انجرک» هم گفته شده است (فرهنگ عمید).

4- مکارم الأخلاق، ص 45.

5- مکارم الأخلاق، ص 45.

6- کافی، ج 6، ص 524، باب الریاحین، ح 1 و 2.

حدیث مزبور طبق سند معتبری از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز نقل شده است.

2. در روایتی معتبر آمده است که مالک جهنی گوید: به حضرت صادق علیه السلام گلی دادم. حضرت گل را گرفته، بویید وبر دیدگان خود نهاد. سپس فرمود: «هر کس گلی را بگیرد وببوید وبر دیده اش نهد وبگوید: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، قبل از آنکه گل را بر زمین بگذارد گناهانش آمرزیده می شود». (1)

3. از امام هادی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس گلی را ببوید وبر دیدگان خود بگذارد، سپس بر محمّد وآل محمّد صلوات بفرستد، خداوند متعال برایش حسنه فراوان می نویسد و گناهانش را محو می کند». (2)

1- امالی صدوق، ص 266، ح 7.

2- کافی، ج 6، ص 525، ح 5.

فصل هفتم: نظافت شخصی

اشاره

1. فضیلت حمّام کردن
2. آداب ورود وخروج ودعاهای حمّام
3. بایدها ونبایدهای حمّام
4. فضیلت شستن سر و بدن وزدودن بوهای بد
5. فضیلت شستن سر با سدر وگل خطمی
6. فضیلت برطرف کردن موهای زاید (زهار)
7. ازاله کردن موی زیر بغل
8. وقت دارو کشیدن
9. دعاهای هنگام دارو کشیدن
10. وقت دارو کشیدن ودیگر آداب آن
11. فضیلت حنا مالیدن بعد از نوره
12. آداب غسل جمعه ودیگر غسل ها

فضیلت حمّام کردن

اهمیّت حمّام رفتن

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حمّام، خانه نیکی است زیرا جهنّم را به یاد می آورد وچرک را از بدن می زداید».

وعمر گفت: حمّام جای بدی است، زیرا عورت را ظاهر وحیا را می درد. (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بهترین درمان برای شما حقنه (اماله کردن)، حجامت، ریختن دارو در بینی وحمّام کردن است». (2)

فواید حمّام کردن

1. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک روز در میان حمّام کردن، گوشت بدن را زیاد می کند. وهر روز حمّام رفتن، چربی های بدن را گداخته وانسان را لاغر می کند». (3)

2. در حدیث است که سلیمان جعفری گوید: بیمار شدم به حدّی که همه گوشت بدنم تحلیل رفت. خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم. فرمود: «دوست داری

1- کافی، ج 6، ص 496، ح 1.

2- طبّ الأئمّه، ص 55.

3- کافی، ج 6، ص 496، ح 2؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 65، ح 247.

گوشت بدنت برگردد؟» عرض کردم: آری. فرمود: «یک روز در میان حمّام برو ومبادا هر روز حمّام بروی که زمینه ساز بیماری سل است». (1)

3. در روایت دیگری می خوانیم که حضرت رضا علیه السلام فرمود: «کسی که می خواهد چاق شود یک روز در میان حمّام رود وهر کس گوشت بدنش زیاد است وعلاقه دارد لاغر شود هر روز به حمّام رود». (2)

آداب ورود وخروج ودعاهای حمّام

وقت حمّام رفتن

1. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روز چهارشنبه به حمّام بروید». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر زمان اندک غذایی در معده تو باشد به حمّام برو که حرارت معده را فرو می نشاند وموجب قوّت بیشتر بدن است. وهرگاه معده پر از غذاست حمّام نرو». (4)

3. در حدیث دیگری می خوانیم که هرگاه امام صادق علیه السلام قصد حمّام رفتن داشت اندک چیزی می خورد. راوی عرض کرد: می گویند حمّام رفتن با شکم خالی بهتر است. فرمود: «باید اندک چیزی بخوری که صفرا را فرو نشاند وحرارت درون بدن را ساکن سازد». (5)

4. در روایت دیگری فرمود: «ناشتا حمّام رفتن بلغم را پاک می کند وحمّام رفتن پس از خوردن مقداری غذا، صفرا وسودا را پاک می سازد». (6)

1- کافی، ج 6، ص 497، ح 4؛ تهذیب، ج 1، ص 399، ح 1162.

2- کافی، ج 6، ص 499، ح 11.

3- خصال، ج 2، ص 153؛ مكارم الأخلاق، ص 55.

4- كافى، ج 6 ، ص 497، ح 5؛ مكارم الأخلاق، ص 53.

5- كافى، ج 6 ، ص 497، ح 6.

6- طبّ الأئمّه، ص 66.

5. نیز فرمود: اگر بخواهی به گوشت بدنت اضافه شود، پس از خوردن مقداری غذا حمّام برو واگر بخواهی از وزن خود کم کنی ناشتا حمّام برو. (1)

پوشش عورتین

1. در احادیث معتبر آمده است که هر کس به خدا وروز قیامت ایمان دارد، نباید بدون لنگ وارد حمّام شود. (2)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس با لنگ حمّام رود، خداوند گناهانش را می پوشاند». (3)

3. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از چند کار نهی کرد: «غسل کردن در زیر آسمان بدون لنگ، بدون لنگ وارد شدن در نهر آب زیرا نهرها ساکنانی از ملائکه دارند، وارد شدن در حمّام بدون لنگ». (4)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس وارد حمّام شود ونگاه خود را از عورت دیگران بازدارد، خداوند او را از حمیم جهنّم حفظ می کند». (5)

شستن پا به هنگام خروج از حمّام

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه از حمّام بیرون آمدی (قبل از پوشیدن لباس)، آب سرد بر پایت بریز که درد را از بدنت می کشد». (6)

1- کافی، ج 6، ص 499، ح 11.

2- کافی، ج 6، ص 497، ح 3؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 60، ح 325.

3- ثواب الأعمال، ص 35، ثواب دخول الحمّام بمئزر، ح 1.

4- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 4، ص 258.

5- بحارالأنوار، ج 76، ص 74، ح 15.

6- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 62، ح 232؛ مكارم الأخلاق، ص 52.

2. در حدیثی دیگر فرمود: «پس از خارج شدن از حمّام پاها را بشویید که درد شقیقه را زایل می کند». (1)

پوشش سر

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگام خروج از حمّام عِمامه بر سر ببندید». (2)

2. در حدیث دیگری آمده است که هرگاه امام باقر وامام صادق علیهما السلام از حمّام بیرون می آمدند، در زمستان وتابستان، عِمامه بر سر می بستند ومی فرمودند: «این کار از سر درد جلوگیری می کند». (3)

دعاها واذکار حمّام رفتن

1. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که در رختکن حمّام لباس را درمی آوری بگو: اَللّٰهُمَّ إنْزَعْ عَنِّی رِبْقَةَ النِّفاقِ وَثَبِّتْنی عَلَی الْایمانِ (4) وهنگامی که از حمّام خارج شدی به هنگام پوشیدن لباس بگو: اَللّٰهُمَّ

اَلْبِسْنِی التَّقْوی وَجَنِّبْنِی الرَّدی». (5)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که از حمّام خارج شدی کسی که تو را می بیند بگوید: طابَ حَمّامُکَ وَحَمیمُکَ (6) وتو در

1- مکارم الأخلاق، ص 55.
2- کافی، ج 6، ص 500، ح 17.
3- مکارم الأخلاق، ص 55.

4- ترجمه: «بار خدایا، ریسمان نفاق ودورویی را از من برکن ومرا بر ایمان ثابت قدم بدار».

5- ترجمه: «بار خدایا، جامه تقوا را بر من بپوشان ومرا از هلاکت دور گردان». کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1،ص 62، ح 232؛ مکارم الأخلاق، ص 52.

6- ترجمه: «خوش باد حمّام وگرمابه ات».

جوابش بگو: اَنْعَمَ اللهُ بالَکَ». (1)

3. در حدیث دیگری می خوانیم: «به کسی که از حمّام بیرون می آید بگویید : اَنْقَی اللهُ غُسْلَکَ (2) واو در جواب بگوید: طَهَّرَکُمُ اللهُ». (3)

4. در حدیث است که روزی امام حسن علیه السلام از حمّام خارج شد. شخصی به آن حضرت عرض کرد: طابَ اِسْتِحْمامُکَ. حضرت او را از گفتن این جمله منع کرد. وی گفت: طابَ حَمَّامُکَ. حضرت این جمله را نیز نپسندید. آن شخص برای بار سوم گفت: طابَ حَمیمُکَ. حضرت فرمود: «چنین نگو». گفت: پس چه بگویم؟ فرمود: «بگو: طابَ ما طَهُرَ مِنْکَ وَطَهُرَ ما طابَ مِنْکَ». (4) یعنی خداوند پاکیزه

ونیکو گرداند به نیکی معنوی به سبب مغفرت گناهان وتوفیق طاعات، آنچه در حمّام از اعضای بدن تو پاک شده است واز لوث گناهان وجهالت وضلالت آنچه پاکیزه ونیکو است از تو پاک گرداند که آن دل ونفس وعقل وسایر قوا واعضای شریفه است.

(ظاهراً نهی حضرت از سه مورد گذشته برای آن است که در دو مورد اوّل، دعا به شخص نیست بلکه دعا به حمّام است ودر مورد سوم واژه «حمیم» به کار رفته که آب سوزان جهنّم را تداعی می کند. ضمناً نهی مزبور نهی کراهتی است وبا روایتی که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام گذشت منافاتی ندارد).

بایدها ونبایدهای حمّام

نبایدها

1. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود :

1- ترجمه: «آسوده خاطر باش». خصال، ج 2، ص 430، ح 349.

2- ترجمه: «خداوند شست وشویت را پاکیزه گرداند».

3- ترجمه: «خداوند شما را پاک گرداند». کافی، ج 6، ص 500، ح 20.

4- کافی، ج 6، ص 500، ح 21؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 72، ح 297.

«در حمّام بر پشت نخوابید که پیه گرده ها را آب می کند». (1)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ادرار کردن در حمّام پیام آور فقر وپریشانی است». (2)

3. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای پدر ومادر جایز نیست که به عورت فرزند خود نگاه کنند، همان گونه که برای فرزند جایز نیست به عورت پدر ومادر نگاه کند». (3)

4. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله لعنت کرد کسی را که در حمّام به عورت دیگری نگاه کند، یا بدون لنگ به حمّام رود تا دیگران به عورتش

نگاه کنند. (4)

5. در روایتی معتبر آمده است که روزی امام صادق علیه السلام به حمّام رفت. حمّامی گفت: اگر بخواهید حمّام را برای شما خلوت کنم. امام علیه السلام فرمود: «نیازی به این کار نیست، مؤمن کارش سبک تر از این است که حمّام را برای او قرق کنند». (5)

6. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در حمّام بر پهلو نخواب که پیه گرده ها را آب وانسان را لاغر می کند. وموهایت را شانه نکن که کم پشت می شود». (6)

7. در حدیثی دیگر فرمود: «مبادا در حمّام موهایت را شانه کنی که می ریزد ومسواک نزن که دندان ها را می ریزد». (7)

1- کافی، ج 6، ص 500، ح 19.

2- خصال، ج 2، ص 277؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 74، ح 13.

3- کافی، ج 6، ص 503، ح 36.

4- کافی، ج 6، ص 503، دنباله حدیث 36.

5- کافی، ج 6، ص 503، ح 37؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 65، ح 249.

6- کافی، ج 6، ص 501، ح 24.

7- علل الشرایع، ج 1، ح 24؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 64، ح 243.

کارهای مجاز

1. در حدیث است که از امام باقر علیه السلام پرسیدند: آیا حضرت علی علیه السلام از قرآن خواندن در حمّام نهی کرد؟ حضرت فرمود: «نه، زمانی نهی می کرد که کسی عریان باشد. اگر لنگ بسته باشد اشکالی ندارد». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر کسی برای رضای خدا، نه تمرین صدا، در حمّام قرآن بخواند اشکال ندارد». (2)

3. در روایتی صحیح ومعتبر آمده است که از امام کاظم علیه السلام پرسیدند: قرآن خواندن وآمیزش کردن در حمّام چه حکمی دارد؟ فرمود: «اشکالی ندارد». (3)

4. در روایتی آمده است که هرگاه کسی وارد حمّام شد وحرارت بر او غلبه کرد، آب سرد بر خود بریزد تا حرارتش فرو نشیند. (4)

فضیلت شستن سر وبدن وزدودن بوهای بد

شستن وخوشبو کردن بدن

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «برای خوشبو کردن بدن، آب کافی است». (5)

2. از امام علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با آب خود را از بوی بد که مردم را می آزارد، پاکیزه کنید ودر پی اصلاح بدن خود باشید، زیرا خداوند کسانی از بندگانش را که کثیف وبدبو هستند واگر کسی نزد آنها بنشیند اذیّت می شود دشمن می دارد». (6)

1- کافی، ج 6، ص 502، ح 32.

2- كافى، ج 6، ص 505، ح 33.

3- كافى، ج 6، ص 502، ح 31.

4- مكارم الأخلاق، ص 55.

5- قرب الإسناد، ص 71، ح 206.

6- خصال، ج 2، ص 411، ح 142؛ بحارالأنوار، ج 10، ص 99.

3. از امام علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آب را سبب خوشبویی خود قرار دهید (وبوهای بد را با آن از خود دور کنید)». (1)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «شستن سر، چرک آن را زایل وبیماری چشم را برطرف می کند». (2)

شستن لباس

1. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس لباسی می پوشد، باید تمیز وپاکیزه باشد». (3)

2. از امام علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شستن لباس، اندوه را از میان می برد وسبب پاکیزگی است». (4)

درمان کچلی

1. در حدیث آمده است که جابر جعفی از ریزش موهایش که باعث کثیفی لباس هایش هم می شد به امام باقر علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «(برگ) درخت مورد (5) را بکوب وآبش را بگیر وبا سرکه ای که از شراب ساخته شده

وبسیار تند باشد مخلوط کن وآن قدر به هم بزن که کف کند، پس سر وریش را با قدرت تمام بمال وبشوی، سپس با روغن شیر تازه، سر وریش را چرب کن که آن مرض زایل شود». (6)

1- خصال، ج 2، ص 427، ح 306؛ بحارالأنوار، ج 10، ص 110.
2- خصال، ج 2، ص 400؛ بحارالأنوار، ج 10، ص 90.
3- کافی، ج 6، ص 441، ح 142.
4- خصال، ج 2، ص 402؛ بحارالأنوار، ج 10، ص 90.

5- «مورد» درختی است شبیه درخت انار که برگ هایش سبز وضخیم وخوشبو وهمیشه سبز است (فرهنگعمید).

6- مکارم الأخلاق، ص 61.

فضیلت شستن سر با سدر وگل خطمی

فواید شست وشو با گل خطمی

1.ازامام صادق علیه السلامروایت شده است که فرمود: «گرفتن ناخن وشارب (سبیل) وشستن سر با گل خطمی، فقر وناداری را زایل می کند وبر روزی می افزاید». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «شستن سر با خطمی، دل را می گشاید وسودا واندوه را برطرف می سازد». (2)

3. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شستن سر با خطمی، باعث برطرف شدن چرک وحشرات موجود در سر می شود». (3)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شستن سر با خطمی (سه فایده دارد): سر را از سردرد حفظ می کند، پریشانی را از انسان دور می سازد، کچلی را از بین می برد». (4)

5. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس سر خود را در روز جمعه با گل خطمی بشوید، از پیسی ودیوانگی در امان خواهد بود». (5)

6. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس در روز جمعه ناخن وشارب خود را بگیرد وسرش را با گل خطمی بشوید، ثواب آزاد کردن یک برده را می برد». (6)

شست وشوی سر با سدر

1. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شست وشوی سر با سدر،

1- کافى، ج 6، ص 504، ح 1؛ مكارم الأخلاق، ص 64.

2- مستدرک سفينه البحار، ج 3، ص 305.

3- كافى، ج 6، ص 504، ح 3؛ مكارم الأخلاق، ص 61.

4- ثواب الأعمال، ص 36، ثواب غسل رأس بالخطمى، ح 1.

5- كافى، ج 6، ص 504، ح 2؛ كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 71، ح 290.

6- كافى، ج 6، ص 504، ح 4؛ مكارم الأخلاق، ص 61.

رزق وروزی را فراوان می کند». (1)

2. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت علی علیه السلام فرمود: «هنگامی

که خداوند متعال به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله دستور داد دعوت خود را آشکار کند، حضرت تعداد اندک مسلمانان وجمعیّت انبوه کافران را دید وبسیار غمگین شد. خداوند متعال جبرئیل را با یک برگ سدر از درخت سدره المنتهی به سوی وی فرستاد، تا سر مبارک حضرت را با آن بشوید. با این کار اندوه آن حضرت برطرف شد». (2)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله سر خود را با برگ سدر می شست ومی فرمود: سر خود را با برگ سدر بشویید که هر ملک مقرّب وپیامبر مرسلی از آن به نیکی یاد کرده است. هر کس سرش را با آن بشوید، خداوند متعال هفتاد روز وسوسه شیطان را از وی دور می کند. وهر کس هفتاد روز وسوسه شیطان از او دور باشد، معصیت نمی کند وهر کس گناه نکند، به بهشت می رود». (3)

فضیلت برطرف کردن موهای زاید (زهار)

اهمیّت وفواید دارو کشیدن

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دارو کشیدن پاک کننده بدن است». (4)

2. در روایتی صحیح آمده است که عبدالرّحمان بن ابی عبدالله گوید: همراه امام صادق علیه السلام به حمّام رفتم. حضرت فرمود: «دارو بکش!» عرض کردم: چند

1- کافی، ج 6، ص 504، ح 6؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 72، ح 295.

2- کافی، ج 6، ص 505، ح 7.

3- ثواب الأعمال، ص 36، ثواب غسل الرأس بورق السدر، ح 1.

4- کافی، ج 6، ص 505، ح 1؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 67، ح 254.

روز پیش کشیدم. فرمود: «بار دیگر این کار را تکرار کن که دارو کشیدن، پاک کننده بدن است». (1)

روایات دیگری نیز به این مضمون آمده است.

3. در حدیثی دیگر آمده است که حضرت به کسی دستور استفاده از داروی نظافت حمّام داد. عرض کرد: سه روز پیش کشیده ام. فرمود: «تکرار کن که تو را پاک می کند». (2)

4. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دارو کشیدن، دلگیری وپریشانی خاطر را برطرف کرده وبدن را پاک می کند». (3)

5. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: چهار چیز از اخلاق پیامبران است: «بوی خوش، تراشیدن سر، دارو کشیدن، آمیزش با همسر». (4)

فلسفه دارو کشیدن

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «موی شارب (سبیل) وزهار (زیر شکم) وزیر بغل را بلند نگذارید که جایگاه شیطان است». (5)

2. در روایتی صحیح می خوانیم که امام کاظم علیه السلام فرمود: «هرگاه موی بدن بلند شود آب پشت را قطع می کند (یعنی فرزندی به وجود نمی آید) وبندها را سست می کند وضعف وتنبلی به دنبال می آورد. ودارو کشیدن، آب پشت را فراوان وبدن را قوی وپیه گرده ها را بسیار وبدن را فربه می کند». (6)

1- کافی، ج 6، ص 505، ح 2.

2- كافى، ج 6، ص 505، ح 4.

3- كافى، ج 6، ص 506، ح 7؛ ثواب الأعمال، ص 39، ثواب التنور، ح 1.

4- مكارم الأخلاق، ص 63.

5- علل الشرايع، ج 2، ص 519، باب 292، ح 1.

6- السرائر، ج 3، ص 575.

3. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «موهای زاید بدن را برطرف کنید که سبب آلودگی است». (1)

ازاله کردن موی زیر بغل

1. در روایتی آمده است: بسیار اتّفاق می افتاد که امام صادق علیه السلام برای ازاله کردن موی زیر بغل به حمّام می رفت وآن موضع را دارو می کشید وسپس از حمّام بیرون می آمد. (2)

2. در حدیث است که امام صادق علیه السلام بر زیر بغل دارو می گذاشت ومی فرمود : «کندن موی زیر بغل، شانه ها را سست می کند». (3)

3. در حدیثی دیگر می خوانیم: «دارو کشیدن زیر بغل بهتر از تراشیدن وتراشیدن بهتر از کندن آن است». (4)

4. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ازاله کردن موی زیر بغل، بوی بد آن موضع را برطرف می کند وپاک کننده وسنّت رسول خداست». (5)

5. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «موهای زیر بغل را بلند نکنید که محلّ پرورش میکروب هاست». (6)

وقت دارو کشیدن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله هر هفته

1- کافی، ج 6، ص 505، ح 5؛ تهذیب الأحکام، ج 1، ص 398، ح 1158.
2- کافی، ج 6، ص 508، ح 6 و7؛ مکارم الأخلاق، ص 63.

3- کافی، ج 6، ص 507؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 67، ح 262.

4- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 68، ح 263.

5- خصال، ج 2، ص 400، ح 11؛ بحارالأنوار، ج 10، ص 90.

6- کافی، ج 6، ص 507، ح 1؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 68، ح 265.

روز جمعه، موهای زیر شکم ومیان پاها را با دارو زایل می کرد». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «موهای زیر شکم را بیش از یک هفته رها نکنید وهر کس دارو کشیدن را بیش از یک ماه ترک کند، نمازش مقبول نیست». (2)

(معنای این حدیث باطل بودن نماز نیست، بلکه به معنای کم شدن ثواب آن است).

3. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دوست دارم مؤمن هر پانزده روز یک بار موهای زاید بدن را زایل کند». (3)

4. در حدیثی صحیح آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «سنّت در دارو کشیدن آن است که هر پانزده روز یک مرتبه انجام شود. واگر کسی بیست ویک روز (وطبق روایتی بیست روز) بر او بگذرد ودارو نکشد، پول قرض کند واین کار را انجام دهد». (4)

5. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس به خدا وروز قیامت ایمان دارد، بیش از چهل روز موهای زاید بدن را رها نکند واگر چهل روز گذشت وپولی نداشت قرض کند واین کار را تأخیر نیندازد». (5)

6. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که چهل روز بر او بگذرد وموهای زاید را زایل نکند، مؤمن ومسلمان (واقعی) نیست ودر نزد خدا کرامتی ندارد». (6)

7. در روایتی معتبر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر مردی که ایمان به

1- کافی، ج 6، ص 507، ح 14.

2- مکارم الأخلاق، ص 59.

3- کافى، ج 6، ص 506، ح 8؛ كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 67، ح 258.

4- خصال، ج 2، ص 275، ح 5؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 89، ح 3.

5- خصال، ج 2، ص 316، ح 5؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 89، ح 4.

6- خصال، ج 2، ص 275، ح 5؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 89، ح 3.

خدا وروز قیامت دارد نباید موهای زاید بدن را بیش از چهل روز رها کند. وبرای زن مؤمنِ به خدا وروز قیامت حلال نیست که ازاله کردن موهای زاید بدن را بیش از بیست روز ترک کند». (1) (روشن است که تعیین زمان های مختلف برای این

کار، در واقع ناظر به درجات مختلف استحباب است).

دعاهای هنگام دارو کشیدن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس پیش از آنکه موهای زاید را زایل کند، اندکی دارو بردارد وببوید... وبگوید: صَلَّی اللهُ عَلی سُلَیْمانِ بْنِ داوُدَ کَما اَمَرَنا بِالنُّورَهِ (2) در این صورت، دارو وی را نسوزاند». (3)

2. از امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام استفاده از داروی نظافت دعا بخواند، خداوند وی را از چرک ها وکثافت های دنیوی وگناهان پاک می کند ودر مقابل موهایی که زایل می شود، موهایی به او کرامت می کند که با آن گناه نکند وبه تعداد موهای بدنش فرشتگانی خلق می کند که تا روز قیامت برای او حمد وتسبیح الهی گویند ویک تسبیح ملائکه معادل هزار تسبیح زمینیان است وآن دعا این است :

اَللّٰهُمَّ طَیِّبْ ما طَهُرَ مِنّی وَطَهِّر ما طابَ مِنّی وَاَبْدِلْنی شَعْرآ طاهِرآ لا یَعْصیکَ. اَللّٰهُمَّ اِنّی تَطَهَّرْتُ اِبْتِغاءَ سُنَّهِ الْمُرْسَلینَ وَابْتِغاءَ رِضْوانِکَ وَمَغْفِرَتِکَ، فَحَرِّمْ شَعْری وَبَشَری عَلَی النّارِ وَطَهِّرْ خَلْقی وَطَیِّبْ خُلْقی وَزَکِّ عَمَلی وَاجْعَلْنی مِمَّنْ یَلْقاکَ عَلَی الْحَنَفِیَّهِ السَّمْحَهِ، مِلَّهِ اِبْراهیمَ خَلیلِکَ وَدینِ مُحَمَّد صلی الله علیه و آله حَبیبِکَ وَرَسُولِکَ، عامِلاً بِشَرایِعِکَ، تابِعآ لِسُنَّهِ نَبِیِّکَ صَلَّی الله عَلَیهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، آخِذآ بِهِ، مُتأَبِّدآ

1- کافی، ج 6، ص 506، ح 11؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 67، ح 260.

2- ترجمه: «درود خداوند بر حضرت سلیمان بن داوود علیهما السلام، همان گونه که او ما را امر به استفاده از دارویننظافت کرد».

3- کافی، ج 6، ص 506، ح 13.

بِتَأْديبِکَ وَتَأْديبِ رَسُولِکَ صلی الله علیه و آله وَتأْديبِ اَوْلِيائِکَ، الَّذينَ غَذَّوْتَهُمْ بِاَدَبِکَ وَزَرَعْتَ الْحِکْمَةَ فی صُدُورِهِمْ وَجَعَلْتَهُمْ مَعادِنَ عِلْمِکَ، صَلَواتُکَ عَلَيْهِمْ». (1)

وقت دارو کشیدن ودیگر آداب آن

اوقات مناسب ونامناسب

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک مرتبه دارو کشیدن در تابستان، ده برابر انجام دادن این کار در زمستان فضیلت دارد». (2)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روز چهارشنبه از داروی نظافت استفاده نکنید که روز نحس مستمر است (3) ؛ جهنّم در روز چهارشنبه آفریده شده است». (4)

3. در حدیثی معتبر می خوانیم که به امام صادق علیه السلام عرض شد: مردم می گویند استفاده از داروی نظافت در روز جمعه مکروه است. حضرت فرمود: «این سخن صحیح نیست؛ چه چیز پاک کننده تر از داروی نظافت در روز جمعه است؟ !». (5)

1- ترجمه: «بار خدایا، پاکیزه گردان آنچه را که از من پاک شد وپاک گردان آنچه را که از من پاکیزه شد وبه جایآن، مویی عنایت کن که معصیت تو را نکند. بار خدایا، به خاطر پیروی از سنّت پیامبران ودرخواست بهشتوآمرزش تو، خود را پاکیزه کردم، پس مو وپوست مرا بر آتش حرام وخلقتم را پاک واخلاقم را پاکیزه وعملمرا ستوده گردان ومرا از کسانی قرار ده که بر آیین ابراهیم علیه السلام ودین محمّد صلی الله علیه و آله حبیب ورسولت، تو راملاقات کند، در حالی که به دستورهای تو عمل کرده

باشد وپیرو سنّت پیامبرت (ص) وگیرنده آن باشد.ومؤدّب به آداب تو ورسول واولیایت شده باشد. همان کسانی را که با آداب خود مؤدّب نمودی و بذرحکمتت را در سینه هایشان کاشتی وآنها را گنجینه های دانش خود قرار دادی، درود تو بر ایشان باد». کافی،ج 6، ص 507، ح 15.

2- کافی، ج 6، ص 506، ح 12.

3- اشاره به آیه 19 سوره قمر دارد.

4- خصال، ج 2، ص 434، ح 9؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 88، ح 2.

5- کافی، ج 6، ص 506، ح 10.

دارو کشیدن در حال جنابت ونشسته

1. در حدیث است که علی بن یقطین در ضمنِ نامه ای که خدمت امام کاظم علیه السلام نوشت می خواست بپرسد آیا می توان در حال جنابت از داروی نظافت استفاده کرد، ولی فراموش کرد. حضرت در جواب نامه اش پاسخ این پرسش نانوشته را چنین نگاشتند: «اشکالی ندارد. نوره باعث پاکیزگی بیشتر انسان

جنب است». (1)

2. نیز در حدیث است که امام صادق علیه السلام در پاسخ این پرسش فرمود: «اشکالی ندارد». (2)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که در وقت دارو کشیدن بنشیند، بیم آن می رود که به بیماری فتق (3) مبتلا شود». (4)

روش برطرف کردن بوی ناپسند دارو

1. در حدیث است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا می توان بعد از دارو کشیدن مقداری آرد با روغن زیتون مخلوط کرد وبر آن محل مالید تا بوی دارو برطرف شود؟ حضرت فرمود: «اشکالی ندارد». (5)

2. در روایتی آمده است که امام کاظم علیه السلام چنین می کرد. (6)

3. نیز در حدیثی می خوانیم که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا می توان بعد از دارو کشیدن مقداری آرد بر آن محل مالید؟ فرمود: «اشکالی ندارد». راوی گفت :

1- تهذیب، ج 1، ص 399، ح 1164.

2- کافی، ج 3، ص 51، ح 12؛ الإستبصار، ج 1، ص 116، ح 391.

3- «فتق» نوعی بیماری است که بر اثر پاره شدن پرده صفاق وریختن پیه شکم یا بعضی از امعا به پایین تولیدمی شود (فرهنگ عمید).

4- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 67، ح 257؛ مکارم الأخلاق، ص 62.

5- کافی، ج 6، ص 499، ح 12.

6- کافی، ج 6، ص 505، ح 13.

مردم می گویند این کار اسراف است. حضرت فرمود: «چیزی که بدن را اصلاح کند وفایده ای برای جسم داشته باشد اسراف نیست، لذا بسیار اتّفاق می افتد که سفارش می کنم مقداری آرد پخته شده را با روغن زیتون مخلوط کنند وبر بدنم می مالم؛ اسراف در جایی است که مالی تلف شود وبه بدن ضرر برساند». (1)

فضیلت حنا مالیدن بعد از نوره

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حنا بوی بد را برطرف، آبرو را زیاد، دهان را خوشبو وفرزندان را نیکو می کند. (2) وهر کس بعد از دارو کشیدن

تمام بدن خود را حنا بمالد، فقر وپریشانی از وی برطرف می شود». (3)

2. در حدیث است که حسین بن موسی، فرزند امام موسی کاظم علیه السلام، می گوید : هرگاه پدرم می خواست به حمّام برود دستور می داد آن را بسیار گرم کنند ونمد بر زمین حمّام بیندازند، سپس وارد حمّام می شد. روزی از حمّام بیرون آمد، شخصی از آل زبیر به آن حضرت رسید وآثار حنا را در دست ایشان دید. پرسید : این چه رنگی است که در دستان شماست؟ حضرت فرمود: «رنگ حنا است، پدرانم از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که هر کس به حمّام رود وداروی نظافت بزند وسپس از سر تا قدم حنا بمالد، تا نوبت بعد که حمّام برود از دیوانگی، خوره، پیسی وآکله (4) در امان باشد». (5)

3. در حدیثی معتبر آمده است که حکم بن عیتبه گوید: حضرت صادق علیه السلام را دیدم که بر ناخن های خود حنا گذاشته بود. پرسید: حَکَم، نظر تو چیست؟

1- کافی، ج 6، ص 499، ح 14.

2- کافی، ج 6، ص 484، ح 5؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 69، ح 273.

3- کافی، ج 6، ص 509، ح 3؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 68، ح 270.

4- «آکله» واژه ای است عربی ونام بیماری است که در فارسی به آن جذام می گویند (فرهنگ عمید).

5- کافی، ج 6، ص 509، ح 1.

عرض کردم: من در مورد کاری که شما می کنید چه می توانم بگویم؟ امّا این کار را در عرف ما فقط جوانان انجام می دهند. حضرت فرمود: «ای حکم، پس از کشیدن داروی نظافت، ناخن ها شبیه ناخن مردگان می شود و ما با حنا رنگ آن را برمی گردانیم». (1)

آداب غسل جمعه ودیگر غسل ها

غسل های واجب

غسل های واجب، بنابر مشهور فقها، شش غسل است :

غسل جنابت، غسل استحاضه، غسل حیض، غسل نفاس، غسل مسّ میّت، غسل میّت. (2)

1. مستحبّ است به هنگام غسل جنابت این دعا خوانده شود :

اَللّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبی وَزَکِّ عَمَلی وَتَقَبَّلْ سَعْیی وَاجْعَلْ ما عِنْدَکَ خَیْرآ لی. اَللّهُمَّ اجْعَلْنی مِنَ التَّوّابینَ وَاجْعَلْنی مِنَ الْمُتَطَهِّرینَ. (3)

واگر این دعا را بخواند بهتر است :

اَللّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبی وَاشْرَحْ صَدْری وَاَجْرِ عَلی لِسانی مَدْحَکَ وَالثَّناءَ عَلَیْکَ. اَللّهُمَّ اجْعَلْهُ طَهُورآ وَشِفاءً وَنُورآ، إنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ. (4)

ولی برخی علما این دعا را برای پس از تمام شدن غسل ذکر کرده اند.

2. در تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام آمده است: هر کس پس از وضو یا غسل

1- کافی، ج 6، ص 509، ح 2؛ مکارم الأخلاق، ص 62؛ در هر دو مصدر از امام باقر علیه السلام نقل شده است.

2- غسل مستحبّی که با نذر وقسم ومانند آن واجب شده نیز از غسل های واجب است.

3- ترجمه: «بار خدایا، قلب مرا پاک وعملم را ستوده گردان وکوششم را بپذیر وآنچه را در نزد تو است برایمخیر قرار ده. بار خدایا، مرا از توبه کنندگان وپاکیزه گان قرار ده».

4- ترجمه: «خداوندا، قلب مرا پاک وسینه ام را گشاده گردان ومدح وثنایت را بر زبانم جاری کن. بار خدایا، آن(غسل من) را پاکیزگی وشفا ونور قرار ده، زیرا تو بر هر چیزی توانایی».

جنابت این دعا را بخواند، گناهان او همچون برگ درختان می ریزد ودر مقابل هر قطره از قطرات وضو وغسل او، فرشته ای خلق شود که تسبیح وتهلیل وتقدیس پروردگار کند وبر محمّد وآل محمّد صلوات فرستد وثوابش از آنِ صاحب غسل یا وضو باشد وگناهانش آمرزیده شود. ودعا این است :

سُبْحانَکَ اَللّهُمَّ وَبِحَمْدِکَ، اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ، اَسْتَغْفِرُکَ وَاَتُوبُ اِلَیْکَ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ وَرَسُولُکَ وَاَشْهَدُ اَنَّ عَلِیّاً وَلِیُّکَ وَخَلیفَتُکَ بَعْدَ نَبِیِّکَ عَلی خَلْقِکَ وَأَنَّ اَوْلیائَهُ خُلَفائُکَ وَاَوْصِیائَهُ اَوْصِیائُکَ. (1)

غسل های مستحب

اشاره

غسل های مستحب شصت ودو غسل است (2) که می توان آنها را در سه بخش بیان کرد :

غسل های زمانی، غسل های مکانی، غسل های فعلی.

اوّل: غسل های زمانی

اشاره

و منظور غسل هایی است که به خاطر زمان خاصّی مستحب شمرده شده که به ترتیب اهمیّت بیان می شود :

1- ترجمه: «پروردگارا، تو از هر عیب ونقصی منزّهی ومن به ثنای تو مشغولم. معبودی جز تو نیست، از توطلب بخشش کرده وبه سوی تو توبه می کنم. وگواهی می دهم که محمّد بنده وفرستاده تو است. وگواهیمی

دهم که علی علیه السلام ولیّ وخلیفه بعد از پیامبر تو بر خلق تو است واولیای او، خلفای تو وجانشینان او،جانشینان تو هستند». تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص 521؛ وسائل الشیعه، ج 1، ص 279، ح 21.

2- سیّد یزدی در عروه الوثقی، در ابتدای بحث «الأغسال المندوبه» می گوید: غسل های مستحب بسیار است.برخی آن را 47 وعدّه ای پنجاه وگروهی بیش از شصت وجمعی آن را 87 وبعضی تا صد غسل شمرده اند.ولی مشهور همان گونه که در جواهر الکلام (ج 5، ص 2) آمده، 28 غسل است.

غسل جمعه

غسل جمعه از غسل های مستحبّ موکّد است، بلکه برخی علما آن را واجب می دانند. (1) واحتیاط آن است که در صورت امکان ترک نشود.

وقت غسل جمعه از اذان صبح روز جمعه تا هنگام نماز ظهر است. (2) ومشهور

آن است که هر چه به ظهر نزدیک تر باشد بهتر است. (3) واگر خوف داشته باشد که

در روز جمعه آب یافت نشود، می تواند روز پنجشنبه غسل کند. (4) وچنانچه قبل

از ظهر روز جمعه موفّق بر غسل نشود، می تواند بعد از ظهر تا شام روز جمعه بدون نیّت قضا (به نیّت ما فی الذّمه) غسل کند. (5) واگر در آن زمان هم توفیق بر

غسل نیافت می تواند از صبح روز شنبه تا شام آن روز، قضای آن را به جا آورَد. (6)

1. در احادیث معتبر وارد شده که غسل جمعه بر مردان وزنان در سفر وحضر واجب است. البتّه به زنان اجازه داده شده که به خاطر کمبود آب در سفر این غسل را ترک کنند. (7) (منظور از وجوب، استحباب مؤکّد است).

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «غسل جمعه پاکیزه کننده وکفّاره گناهان تا جمعه دیگر است». (8)

3. در حدیث دیگری از آن حضرت می خوانیم که فرمود: «هر کس روز جمعه غسل کند وبه هنگام غسل بگوید: اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنی مِنَ

1- جواهر الكلام، ج 5، ص 3.

2- وسائل الشيعه، ج 2، ابواب الأغسال المندوبه، باب 11، ص 950.

3- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 61، ح 3.

4- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 61، ح 2.

5- وسائل الشيعه، ج 2، ابواب الأغسال المندوبه، باب 10، ص 649.

6- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 61، ح 3.

7- وسائل الشيعه، ج 2، ص 943، باب 6، ح 1 و2 و3 و6 و17 و19 و20.

8- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 61، ح 229.

التَّوّابينَ، وَاجْعَلْنی مِنَ الْمُتَطَهِّرینَ (1) این غسل ودعا او را تا جمعه دیگر پاک

می گرداند». (2)

وبهتر است این دعا را بخواند :

«اَللّهُمَّ طَهِّرْنی وَطَهِّرْ قَلْبی وَانْقَ غُسْلی وَاَجْرِ عَلی لِسانی مَحَبَّهً مِنْکَ». (3)

ونیز بگوید :

«اَللّهُمَّ طَهِّرْنی وَطَهِّرْ قَلْبی مِنْ کُلِّ آفَهٍ تَمْحَقُ بِها دینی وَتَبْطُلُ بِها عَمَلی». (4)

4. در فقه الرّضا آمده است: بعد از فراغت از غسل جمعه بگو: اَللّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبی وَانْقَ غُسْلی وَاَجْرِ عَلی لَسانی ذِکْرَکَ وَذِکْرَ نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِی مِنَ التَّوّابینَ وَالْمُتَطَهِّرِینَ». (5)

غسل شب های فرد ماه رمضان

غسل در شب های فرد ماه مبارک رمضان به خصوص شب های: اوّل، (6)

پانزدهم، (7) هفدهم (8) (شبی که مؤمنین وکافران در منطقه بدر جمع شدند وروز

1- ترجمه: «شهادت می دهم که معبودی جز ذات پاک خدای یکتا نیست، او یگانه است وشریکی ندارد.وشهادت می دهم که محمّد صلی الله علیه و آله بنده وفرستاده اوست. پروردگارا، بر محمّد وآل محمّد درود فرست ومرادر زمره توبه کنندگان وپاکیزگان قرار ده».

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 61، ح 228.

3- ترجمه: «بار خدایا، مرا پاک وقلب مرا پاکیزه گردان وغسل مرا پاک و طاهر قرار ده وچشمه ای از محبّتت رابر زبانم جاری فرما».

4- ترجمه: «بار خدایا، مرا تطهیر کن وقلبم را از هر آفتی که دین مرا نابود سازد وعملم را باطل کند پاکیزه گردان».

5- ترجمه: «خدایا، قلب مرا پاک وغسلم را پاکیزه گردان ویاد خودت ویاد پیامبرت محمّد صلی الله علیه و آله را بر زبانمجاری ساز ومرا از توبه کنندگان وپاکان قرار ده». فقه الرضا علیه السلام، ص 175.

6- وسائل الشیعه، ج 2، ابواب الأغسال المندوبه، باب 1، ح 3 و6.

7- وسائل الشیعه، ج 2، ص 953، ح 9.

8- وسائل الشیعه، ج 2، ص 939، ح 11.

بعد بزرگ ترین فتوحات اسلامی رخ داد (1))، نوزدهم (2) (شبی که طبق برخی

روایات، تقدیر یک سال در آن نوشته می شود (3))، بیست ویکم (4) (شبی که اوصیای

پیامبران در آن شب به شهادت رسیدند وحضرت عیسی در آن شب به آسمان رفت وحضرت موسی رحلت کرد (5) وبه احتمال قوی شب قدر است)،

بیست وسوم (6) (که به احتمال قوی شب قدر است (7) واین شب دو غسل دارد :

یکی هنگام غروب آفتاب ودیگری در انتهای شب (8)) مستحبّ است. (9)

غسل شب های دهه آخر ماه رمضان

در برخی روایات آمده است که در شب های دهه آخر ماه مبارک رمضان، هر شب غسل کنید. (10)

غسل روز عید فطر وقربان وشب عید فطر

1. غسل شب وروز عید فطر وروز عید قربان مستحبّ است. (11) وبیشتر به نظر می رسد که غسل روز را تا شب می توان انجام داد، ولی بهتر قبل از نماز عید است.

1- بحارالأنوار، ج 81، ص 5، ح 6.

2- وسائل الشیعه، ج 2، ص 939، ح 11.

3- وسائل الشیعه، ج 7، ص 259، ح 2 و7.

4- وسائل الشیعه، ج 2 ، ص 939، ح 11.

5- بحارالأنوار، ج 81، ص 5، ح 6.

6- وسائل الشيعه، ج 2، ص 939، ح 11.

7- بحار الأنوار، ج 97، ص 16 ذيل ح 16.

8- وسائل الشيعه، ج 2، ص 942، باب 5، ح 1.

9- جواهر الكلام، ج 5، ص 25.

10- وسائل الشيعه، ج 2، ص 953، ح 10.

11- الإستبصار، ج 1، ص 451، ح 1746.

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «غسل عید فطر را در زیر سقف به جای آور وبه هنگام شروع این دعا را بخوان: اَللّهُمَّ ایماناً بِکَ وَتَصْدیقاً بِکِتابِکَ وَاتِّباعَ سُنَّهِ نَبِیِّکَ، مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ (1) وپس از تمام شدن غسل

بگو: اَللّهُمَّ اجْعَلْهُ کَفّارَهً لِذُنُوبی وَطُهْراً لِدَنَسی، اَللّهُمَّ اذْهَبْ عَنِّی الرِّجْسَ». (2)

غسل هشتم ونهم ماه ذوالحجّه واوّل ووسط وآخر ماه رجب

غسل هشتم ونهم ماه ذوالحجّه (3) واوّل ووسط وآخر ماه رجب

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس ماه رجب را درک کند ودر اوّل ووسط وآخر ماه غسل کند، از گناهان پاک می شود همانند روزی که از مادر متولّد شده است». (4)

غسل روز مبعث

بیشتر علما غسل روز مبعث (27 رجب) را مستحب می دانند، هر چند حدیث خاصّی در این باره نیافتیم. (5)

غسل شب نیمه شعبان

غسل شب نیمه شعبان (6)

غسل روز غدیر خم (هیجدهم ذوالحجّه)

غسل روز غدیر خم (هیجدهم ذوالحجّه) (7)

1- ترجمه: «بار خدایا، (این غسل را برای اینکه) به تو ایمان دارم وکتاب تو را تصدیق می کنم واز سنّت پیامبرتو محمّد صلی الله علیه و آله پیروی می کنم (به جا می آورم)».

2- ترجمه: «بار خدایا، آن (غسل) را کفّاره گناهانم وپاکیزه کننده آلودگیم قرار ده. بار خدایا، پلیدی را از منبرطرف کن». الإقبال بالأعمال الحسنه، ص 279؛ بحارالأنوار، ج 81، ص 21، ح 26.

3- وسائل الشیعه، ج 2، ابواب الأغسال المندوبه، باب 1، ح 4.

4- الإقبال بالأعمال الحسنه، ص 628؛ بحارالأنوار، ج 81، ص 17، ح 24.

5- نویسنده کتاب الفقه از علّامه وصیمری نقل کرده است که آن دو بزرگوار غسل روز مبعث را استناد بهروایت داده اند (ج 15، ص 394).

6- وسائل الشیعه، ج 2، ص 959، باب 23، ح 1.

7- بلد الأمین، ص 259.

غسل روز مباهله (24 ذوالحجّه)

غسل روز مباهله (24 ذوالحجّه) (1) وبرخی معتقدند روز 25 ذوالحجّه است. (2)

غسل روز دحو الأرض (25 ذوالقعده)

غسل روز دحو الأرض (25 ذوالقعده) (3)

در مورد این روز نیز حدیثی یافت نشد.

غسل روز نوروز

برخی با استناد به روایت معلّی بن خنیس (4) معتقد به استحباب غسل در این روز هستند وآن روز اوّل فروردین است.

دوم: غسل های مستحبّ مکانی

ومنظور از آن غسل هایی است که برای ورود به مکان خاصّی سفارش شده است :

1. غسل ورود به مکّه معظّمه. (5)

2. غسل ورود به داخل خانه کعبه. (6)

3. غسل ورود به حرم مدینه منوّره. (7)

1- وسائل الشیعه، ج 2، ص 937، ح 3؛ وج 5، ص 287، ح 2.

2- در اینکه مباهله در چه روزی از ماه ذوالحجّه اتّفاق افتاده، اختلاف نظر وجود دارد ودر جواهر الکلام،(ج5، ص 40) علاوه بر دو قول مزبور، روز بیست وهفتم وبیست ویکم ذی الحجّه نیز ذکر شده است. ولی همان گونه که صاحب جواهر گفته، اقوی همان قول اوّل (24 ذی الحجّه) است.

3- در روایتی از امام رضا علیه السلام نقل شده که بیست وپنجم ماه ذوالقعده روز «دحو الأرض» است وآن روزی استکه نخستین خشکی ها از زیر آب - که تمام روی زمین را فرا گرفته بود - سر برآورد ومطابق بعضی از روایات،نخستین جایی که از زیر آب بیرون آمد وخشک شد وسپس گسترش یافت، سرزمین مکّه وبه خصوص خانهکعبه بود؛ ازاین رو، مکّه «اُمّ القری»]= مادر همه آبادی ها[نام گرفت (مفاتیح نوین، ص 804).

4- وسائل الشیعه، ج 2، ص 960، باب 24، ح 1.

5- وسائل الشیعه، ج 2، ص 937، ح 3.

6- وسائل الشیعه، ج 2، ص 937، ح 3.

7- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 44، باب 18، ح 1.

4. غسل ورود به شهر مدینه مشرّفه. (1)

5. غسل ورود به مسجد الرسول صلی الله علیه و آله. (2)

سوم: غسل های مستحبّ مربوط به برخی اعمال

ومنظور از آن غسل هایی است که برای کاری که انجام شده یا انجام خواهد شد، سفارش شده است :

1. غسل احرام حج یا عمره (3) وبرخی آن را واجب دانسته اند (4) واحوط عدم

ترک آن است.

2. غسل زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله از نزدیک ودور. (5)

3. غسل زیارت ائمّه معصومین علیهم السلام از نزدیک ودور. (6)

4. غسل استخاره به طور مطلق (7) ، به ویژه نمازهای مخصوص استخاره. (8)

5. غسل نمازهای حاجت. (9)

6. غسل توبه از گناهان. (10)

7. غسل قضای نماز کسوف، چنانچه عمداً ترک کرده وتمام قرص ماه گرفته باشد. (11) وبرخی معتقد به وجوب این غسل هستند (12) واحتیاط آن است که ترک

1- وسائل الشیعه، ج 2، ص 938، ح 7.

2- وسائل الشیعه، ج 2، ص 940، ح 12.

3- عیون اخبار الرّضا، ج 2، ص 121، باب 35.

4- وسائل الشیعه، ج 2، ص 937، ح 3.

5- مصباح المتهجّد، ص 12.

6- فقه الرّضا، ص 4، وشرح آن را در كتاب الفقه، ج 15، ص 429 به بعد مطالعه فرماييد.

7- وسائل الشيعه، ج 2، ص 937، ح 3.

8- وسائل الشيعه، ج 2، ص 958، باب 21، ح 1.

9- وسائل الشيعه، ج 2، ص 958، باب 20، ح 1 و2.

10- وسائل الشيعه، ج 2، ص 957، باب 18، ح 1.

11- وسائل الشيعه، ج 2، ص 960، باب 25، ح 1.

12- جواهر الكلام، ج 5، ص 49 و50.

نشود. بعضی نیز معتقدند: در صورت قضا شدن نماز کسوف، غسل مستحبّ است، هر چند تمام ماه نگرفته باشد (1) واین نظریّه قوی است.

8. غسل برای طواف. (2)

9. غسل ذبح قربانی حج. (3)

10. غسل فرزندی که متولّد می شود. (4)

11. غسل روز ولادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله طبق عقیده برخی علما که در روز هفدهم ربیع الأوّل است. (5) ولی به نظر می رسد که غسل برای زیارت آن حضرت

در آن روز مستحبّ است، نه خصوص این روز.

12. غسل نماز باران. (6)

13. غسل کشتن سوسمار کوچک. (7)

14. غسل تماشای کسی که به دار آویخته شده است. (8) وبرخی علما معتقد به

وجوب آن هستند. (9) وبیشتر علما گفته اند: هرگاه انجام دادن این کار پس از سه

روز به دار آویختن باشد غسل کردن مستحبّ است (10) ، خواه به حق کشته شده

باشد یا ناحق وخواه به طریق شرعی کشته شده باشد یا غیر شرعی.

15. اعاده غسل های ناقص؛ برخی علما معتقدند که هرگاه بنابر ضرورت،

1- جواهر الکلام، ج 5، ص 49.

2- وسائل الشیعه، ج 9، ص 319، ح 2.

3- وسائل الشيعه، ج 2، ص 962، باب 31، ح 1.

4- وسائل الشيعه، ج 2، ص 961، باب 27، ح 1.

5- الفقه، ج 15، ص 398.

6- مستدرک الوسائل، ج 2، ص 498، باب 1، ح 2.

7- وسائل الشيعه، ح 2، ص 957، باب 19، ح 1 و2.

8- وسائل الشيعه، ج 2، ص 958، باب 19، ح 3.

9- جواهر الكلام، ج 5، ص 68.

10- الفقه، ج 15، ص 467.

غسل ناقص انجام شده باشد، مثل غسل جبیره وتقیّه، اعاده آن مستحبّ است. (1)

16. هرگاه لباسی را دو تن به طور مشترک بپوشند وآثار منی در آن یافت شود ومشخّص نباشد از کدامین آن دو تن است، غسل برای هر دو مستحبّ است. (2)

17. هر که میّت را کفن کند مستحبّ است غسل کند. (3) ظاهرآ این غسل همان

غسل مسّ میّت است که مستحبّ است پیش از کفن کردن به جا آورَد (هر چند اصل غسل مسّ میّت از واجبات است).

18. مسّ میّت پس از غسل های سه گانه. (4)

19. هرگاه کسی در حال جنابت بمیرد مستحبّ است قبل از غسل میّت یا پس از آن، او را غسل جنابت دهند. (5)

البتّه تفصیل این غسل ها واحکام آن در این کتاب نمی گنجد وان شاء الله در کتاب عبادات نوشته خواهد شد. (6)

1- مفتاح الکرامه، ج 1، ص 20.

2- مفتاح الکرامه، ج 1، ص 20.

3- وسائل الشیعه، ج 2، ص 939، ح 11.

4- وسائل الشیعه، ج 2، ص 939، ح 11.

5- مفتاح الکرامه، ج 1، ص 20.

6- ر.ک: بحارالأنوار، ج 81.

فصل هشتم: آداب خوابیدن، بیدار شدن ورفتن به حاجتگاه

اشاره

اوقات خوابیدن

اشاره

(مقدّمه:) خوابیدن پس از اذان صبح تا طلوع آفتاب (که به آن بین الطّلوعین می گویند) وبین نماز مغرب وعشا (در صورتی که آنها را با فاصله بخوانند) وبعد از نماز عصر کراهت دارد وپیش از ظهر به هنگام گرمی هوا وبعد از نماز ظهر تا عصر مستحبّ است وآن را خواب «قیلوله» می گویند.

خواب بین الطّلوعین

1. در حدیث آمده است که امام سجّاد علیه السلام به ابوحمزه ثمالی فرمود: «پیش از طلوع آفتاب نخواب که این کار را برای تو دوست نمی دارم، زیرا خداوند متعال روزی بندگانش را در این وقت قسمت می کند وهر که در این وقت خواب باشد از روزی محروم می شود». (1)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «زمین از سه چیز نزد خدا ناله سر می دهد: از خون حرامی که روی آن ریخته می شود، غسلی که بر اثر زنا بر روی زمین صورت می پذیرد، خواب پیش از طلوع آفتاب». (2)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خواب بامداد (نزدیک

1- بصائر الدّرجات، ص 343، ح 9.

2- خصال، ج 1، ص 151، ح 135؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 184، ح 1.

طلوع آفتاب) شوم است وروزی را منع ورنگ را زرد وچهره را زشت می کند واین خواب شومی است. به درستی که خداوند متعال روزی بندگان را بین طلوع صبح تا طلوع آفتاب قسمت می کند، پس مبادا که در این زمان بخوابید». (1)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «مرغ بریان وترنجبین (2) بین الطّلوعین

بر بنی اسرائیل نازل می گشت وهر کس در این وقت خواب بود سهم او

نازل نمی شد». (3)

5. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس از طلوع صبح تا طلوع آفتاب در جای نماز خود بنشیند (وبه تعقیبات نماز ودعا وتلاوت قرآن بپردازد) خداوند متعال او را از آتش جهنّم حفظ می کند». (4)

6. ودر حدیثی دیگر فرمود: «ثواب چنین کسی همانند ثواب کسی است که حجّ خانه خدا به جا آورده باشد وگناهانش آمرزیده می شود». (5)

نکته: در چندین روایت آمده است که اگر نماز صبح را بخواند وقدری تعقیبات نماز را به جای آورد وقبل از طلوع آفتاب بخوابد اشکال ندارد، از جمله :

7. در حدیثی صحیح آمده است که امام رضا علیه السلام به کسی فرمود: «فردا پس از طلوع آفتاب بیا که من پس از نماز صبح (وتعقیبات) می خوابم». (6)

8. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه نماز صبح خواندی

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 319، ح 1453.

2- «تُرَنجَبین» دارویی است شبیه ریزه نبات که طعمش شیرین است. از شیرابه یا شبنمی که بر رویشاخه های گیاهی به نام خارشتر جمع ومنعقد می گردد تولید می شود ودر طبّ به عنوان ملیّن به کارمی رود؛ از شیر خشت بهتر ولطیف تر است (فرهنگ عمید).

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 319، ح 1453.

4- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 319، ح 1456.

5- الإستبصار، ج 1، ص 350، ح 1321.

6- الإستبصار، ج 1، ص 350، ح 1323.

وذكر خدا گفتی، باكی نیست كه پیش از طلوع آفتاب بخوابی». (1)

9. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است كه فرمود: «خواب بعد از نماز مغرب وقبل از نماز عشا وخواب قبل از طلوع آفتاب، پریشانی وفقر می آورد». (2)

خواب قیلوله

خواب قیلوله (3)

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است كه فرمود: «خواب اوّل روز (بین الطّلوعین) سفاهت، خواب قیلوله نعمت، خواب بعد از عصر حماقت وخواب بین نماز مغرب وعشا باعث محرومیّت از روزی است». (4)

2. در حدیث است كه كسی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسید وعرض كرد : حافظه ای قوی داشتم ولی اكنون فراموشی بر من غالب شده است (چه كنم؟) حضرت فرمود: «آیا قبلاً خواب قیلوله داشتی واكنون ترک كرده ای؟» عرض كرد : آری. فرمود: «دوباره آن كار را انجام بده». آن شخص به دستور حضرت عمل كرد، حافظه اش برگشت. (5)

3. در روایتی آمده است: «قیلوله كنید كه شیطان قیلوله نمی كند». (6)

4. ونیز روایت شده است: «قیلوله برای بیداری وعبادت در شب، كمک خوبی است». (7)

1- الإستبصار، ج 1، ص 351، دنباله حدیث 1324.

2- بحارالأنوار، ج 76، ص 184، ح 2.

3- «قیلوله» خواب نیم روز، خواب واستراحت در نیمه روز یا پیش از ظهر است (فرهنگ عمید).

4- كتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 318، ح 1446.

5- قرب الإسناد، ص 74، ح 219؛ كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 318، ح 1449.

6- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 319، ح 1452.

7- امالى طوسى، ج 2، ص 111.

وضو گرفتن قبل از خواب

فضیلت وفلسفه وضو گرفتن قبل از خواب

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرکس با وضو به رختخواب برود، رختخواب برای او حکم مسجد را دارد. واگر در میان رختخواب به یاد آورد که وضو ندارد، بر رورانداز تیمّم کند که اگر با وضو یا تیمّم بخوابد، تا زمانی که به یاد خداست گویی نماز می خوانَد». (1)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هیچ مسلمانی (بدون ضرورت) در حال جنابت وهمچنین بدون وضو نخوابد. واگر آب برای غسل ووضو نیابد تیمّم کند زیرا روح مؤمن را به هنگام خواب به آسمان می برند وخداوند آن را قبول کرده، بر آن برکت می فرستد؛ پس اگر اجلش رسیده باشد او را در گنجینه ای از رحمت خود می سپارد واگر وقت آن نرسیده باشد با امینان خود از ملائکه به بدن او بازمی گرداند». (2)

شب زنده داری سالانه

در حدیثی معتبر آمده است که روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله به اصحاب ویارانش فرمود: «کدام یک از شما تمام سال را روزه می گیرد؟» سلمان گفت: من.

فرمود: «کدام یک از شما (تمام) شب را احیا می دارد؟» سلمان پاسخ داد: من.

فرمود: «کدام یک از شما هر روز ختم قرآن می کند؟» سلمان گفت: من.

پس عمر از پاسخ های پی در پی سلمان به خشم آمد ورو به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت : این مردی است از فارس، می خواهد بر ما که از قریش هستیم فخر بفروشد ودروغ می گوید. در اکثر روزها روزه نیست، بیشتر شب را در خواب وقسمت

1- محاسن، ص 47، ح 64.

2- خصال، ج 2، ص 402؛ بحارالأنوار، ج 10، ص 91.

زیادی از روز را خاموش است.

حضرت فرمود: «سلمان مانند لقمان حکیم است، (سخنان او بی حکمت نیست) از او سؤال کن تا جوابت دهد.

عمر پرسید، سلمان فرمود: امّا در مورد روزه تمام سال، من هر ماه سه روز روزه می گیرم وچون خداوند هر حسنه ای را به ده برابر پاداش می دهد، این کار برابر با روزه تمام سال می شود. علاوه بر اینکه ماه شعبان را روزه گرفته، آن را با ماه مبارک رمضان پیوند می کنم. و امّا در مورد بیداری شب، هر شب با وضو می خوابم واز حضرت رسول صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «هر کس با وضو بخوابد، گویی تمام شب را به عبادت احیا کرده باشد. وامّا در مورد ختم قرآن، هر روز سه مرتبه سوره (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَد) را می خوانم، واز رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «ای علی، مثَل تو در میان امّت من، مثَل سوره (قُلْ هُوَ الله)است. هر کس سوره (قُلْ هُوَ الله) را یک بار بخواند، چنان است که یک سوم قرآن را خوانده است وهر که دو بار بخواند، چنان است که دوسوم قرآن را خوانده وهر که سه بار بخواند، گویی قرآن را ختم کرده است؛ پس هر کس تو را به زبان دوست دارد یک سوم ایمان در او کامل شده است وهر کس تو را به زبان ودل دوست دارد، دوسوم ایمان در او کامل شده است وهر که تو را به زبان ودل دوست دارد وبا دست خود تو را یاری کند تمام ایمان در او کامل شده است. ای علی، به حقّ خداوندی که مرا به راستی به سوی مردم فرستاده است سوگند، که اگر تو را اهل زمین دوست می داشتند چنانکه اهل آسمان تو را دوست می دارند، خداوند هیچ کس را به آتش جهنّم عذاب نمی کرد».

پس (از سخنان سلمان) عمر ساکت شد که گویا سنگی بر دهانش گذاشتند. (1)

1- معانی الأخبار، ص 234؛ امالی صدوق، ص 33، ح 5.

مکان خوابیدن وآداب پیش از خواب

اشاره

(مقدّمه:) مشهور میان علما آن است که خوابیدن در مساجد کراهت دارد. امّا ظاهر احادیث آن است که مکروه نیست، مگر در مسجدالحرام ومسجدالرسول صلی الله علیه و آله، ولی در این دو مسجد نیز تجویز شده است.

مکان هایی که خوابیدن در آنها کراهت دارد

1. در حدیث آمده است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مردم را از خوابیدن بر سر راه نهی فرمود. (1)

2. ودر حدیث آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از خوابیدن بر پشت بامی که دیوار نداشته باشد نهی کرد. (2) وفرمود: «هر کس بر بامی بخوابد که دیوار نداشته

باشد، از امان خدا بیرون رود». (3)

3. در روایات معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «مکروه است انسان تنها بر بامی بخوابد، یا بر بامی که دیوار نداشته باشد بخوابد». وفرمود: «مرد وزن در این حکم یکسانند». (4) کسی پرسید: اگر سه طرف آن دیوار داشته باشد چه

حکمی دارد؟ فرمود: «باید هر چهار طرف آن دیوار داشته باشد». (5)

در برخی روایات حدّ بلندی دیوار پشت بام، دو ذراع (6) ودر برخی دیگر یک

ذراع ویک وجب بیان شده است. (7)

1- محاسن، ص 364، ح 103، از رسول خدا صلی الله علیه و آله.

2- محاسن، ص 622، ح 63؛ کافی، ج 6، ص 530، ح 1.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 258.

4- کافی، ج 6، ص 530، ح 4 و5.

5- محاسن، ص 621، ح 62؛ کافی، ج 6، ص 530، ح 6.

6- محاسن، ص 622، ح 66؛ کافی، ج 6، ص 530، ح 5.

7- محاسن، ص 621، ح 62؛ کافی، ج 6، ص 530، ح 6.

اوقاتی که خوابیدن کراهت دارد

1. در احادیث معتبر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله سه گروه را نفرین کرد :

«کسی که تنها چیزی بخورد، کسی که تنها به سفر رود وکسی که در خانه اش تنها بخوابد». وفرمود: «اگر کسی تنها بخوابد بیم آن می رود که دیوانه شود». (1)

2. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی در خانه یا بیابان تنها بخوابد این دعا را بخواند: اَللّٰهُمَّ آنِسْ وَحْشَتی وَاَعِنّی عَلی وَحْدَتی». (2)

3. در حدیث آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از اینکه کسی با دست چرب وآلوده به موادّ خوراکی بخوابد نهی کرد. وفرمود: «هر کسی چنین کند وشیطان بر او دست یابد یا دیوانه شود، کسی را جز خود سرزنش نکند». (3)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «دست ودهان کودکانتان را به هنگام خوابیدن بشویید، در غیر این صورت شیطان آنها را می بوید ودر خواب می ترسند». (4)

رفتن به حاجتگاه پیش از خواب

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پیش از خواب به حاجتگاه بروید، سپس بخوابید». (5)

دیگر آداب خوابیدن

(مقدّمه:) مستحبّ است انسان بر دست راست ورو به قبله بخوابد ودست راست را زير صورت بگذارد. وبر دست چپ وبه رو خوابيدن كراهت دارد.

1- خصال، ج 1، ص 105، ح 139؛ مكارم الأخلاق، ص 259.

2- ترجمه: «بار خدايا، به هنگام وحشت مونسم باش ودر تنهاييم ياريم كن». محاسن، ص 370، ح 122.

3- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 4، ص 3؛ مكارم الأخلاق، ص 425.

4- خصال، ج 2، ص 426، ح 294.

5- خصال، ج 1، ص 215، ح 60؛ ميزان الحكمه، باب 3978، ح 20943 (ج 10، ص 456).

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خواب بر چهار قسم است: پیامبران بر پشت می خوابند وچشمانشان به خواب نمی رود ودر انتظار وحی پروردگار هستند، مؤمن بر دست راست ورو به قبله می خوابد، پادشاهان وفرزندانشان بر دست چپ می خوابند تا آنچه خورده اند گوارا باشد، شیاطین وبرادران او وهر دیوانه ومبتلایی به رو می خوابد». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «به رو نخوابید وهر کس را ببینید که به رو خوابیده، او را بیدار کنید وبر آن حال نگذارید». (2)

3. در روایتی دیگر فرمود: «هرگاه خواستید بخوابید دست را زیر جانب راست صورت بگذارید، زیرا انسان نمی داند از این خواب بیدار خواهد شد یا نه». (3)

گفتنی است که احادیث متعدّدی در مورد فضیلت خوابیدن بر دست راست ومنع خوابیدن بر دست چپ وارد شده است. (4)

آداب ودعاهای قبل از خواب

از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله هرگاه به رختخواب می رفت آیه الکرسی می خواند (وبهتر است که تا (هُمْ فِیهَا خَالِدُونَ) خوانده شود) وبعد از آن می فرمود: بِسْمِ اللهِ، آمَنْتُ بِاللهِ وَکَفَرْتُ بِالطّاغُوتِ. اَللّهُمَّ احْفَظْنِی فی مَنامی وَفی یَقْظَتی». (5)

1- خصال، ج 1، ص 239، ح 126؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 186، ح 4.

2- خصال، ج 2، ص 402، ح 38؛ سفینه البحار، ج 8، ص 370.

3- خصال، ج 2، ص 432؛ بحارالأنوار، ج 10، ص 114.

4- ر.ک: بحارالأنوار، ج 42، ص 281؛ وج 76، ص 190، ح 21؛ سفینه البحار، ج 8، ص 371، وص 375.

5- ترجمه: «به نام خدا، به خدا ایمان آوردم وبه طاغوت کافر شدم. پروردگارا، مرا در خواب وبیداری حفظکن». کافی، ج 2، ص 536، ح 4.

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس سوره (اَلْهَیکُمُ التَّکَاثُرُ) را به هنگام خواب بخواند، از عذاب قبر نجات پیدا می کند». (1)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس سوره (تَبارَکَ الَّذِی بِیَدِهِ الْمُلْکُ) را به هنگام خواب بخواند وپس از آن چهار مرتبه بگوید: «اَللّهُمَّ رَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرامِ، بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ عَنِّی تَحِیَّهً وَسَلاماً» (2) ، خداوند به دو فرشته مأموریّت می دهد که

نزد حضرت رسول روند وسلامش را به حضرت برسانند وحضرت جواب سلامش را خواهد داد». (3)

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

1. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «کسی که می خواهد بخوابد، قبل از آنکه پهلو را بر زمین بگذارد بگوید: اُعیذُ نَفْسی وَدینی وَاَهْلی وَمالی وَخَواتیمَ عَمَلی وَما رَزَقَنی رَبِّی وَخَوَّلَنِی، بِعِزَّهِ اللهِ وَعَظَمَهِ اللهِ وَجَبَرُوتِ اللهِ وَسُلْطانِ اللهِ وَرَحْمَهِ اللهِ وَغُفْرانِ اللهِ وَقُوَّهِ اللهِ وَقُدْرَهِ اللهِ وَجَلالِ اللهِ وَبِصُنْعِ اللهِ وَاَرْکانِ اللهِ وَبِجَمْعِ اللهِ وَبِرَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله وَبِقُدْرَهِ اللهِ عَلی ما یَشاءُ، مِنْ شَرِّ السّامَهِ وَالْهامَهِ وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالاِنْسِ وَمِنْ شَرِّ ما یَدُبُّ فِی الاْرْضِ وَما یَخْرُجُ مِنْها وَما یَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ وَما یَعْرُجُ فیها وَمِنْ شَرِّ کُلِّ دابَّهٍ رَبِّی آخِذٌ بِناصِیَتِها، اِنَّ رَبِّی عَلی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٍ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ اِلّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ (4) واین تعویذی است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله برای امام حسن

1- کافی، ج 2، ص 623، ح 14. در حدیث دیگری از حضرت رسول صلی الله علیه و آله می خوانیم که فرمود: «هرکس «قل هوالله» را هنگام

خواب سه مرتبه بخواند، خداوند گناهان پنجاه سال او را می بخشد (کافی، ج 2، ص 620، ح 4).

2- ترجمه: «ای خدایی که پروردگار سرزمین مکّه وبیرون آن هستی، از جانب من به روح محمّد صلی الله علیه و آله تحیّتودرود فرست».

3- بحارالأنوار، ج 73، ص 214.

4- ترجمه: «پناه می دهم نفسم ودینم واهلم ومالم وپایان کارهایم وآنچه را که پروردگارم روزی ام کرده وبهمن بخشیده است، به عزّت وعظمت وجبروت وسلطنت ورحمت وغفران وقوّت وقدرت وجلال وصُنعوارکان الله وهمه صفات خداوند وبه رسول خدا وقدرت خدا بر هر چه که اراده کند، از شرّ جانوران سمّیوخزنده گزنده واز شرّ جنّ وانس واز شرّ آنچه بر روی زمین حرکت می کند وآنچه از آن خارج می شود وازشرّ آنچه از آسمان نازل می شود یا به سمت آسمان بالا می رود واز شرّ هر جنبنده ای که زمام امور آن بهدست پروردگارم است. بی شک (کار) پروردگارم در مسیر صحیح و مستقیم است واو بر هر چیزی تواناست.وهیچ توان ونیرویی جز برای خداوند بزرگ ووالامرتبه نیست».

وامام حسین علیهما السلام می خواند». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هرگاه بخواهید بخوابید، دست راست را زیر گونه راست صورت نهاده، بگویید: بِسْمِ اللهِ وَضَعْتُ جَنْبِیَ للهِ عَلی مِلَّهِ اِبْراهیمَ وَدینِ مُحَمَّد صلی الله علیه و آله وَوِلایَهِ مَنِ افْتَرَضَ اللهُ طاعَتَهُ، ما شاءَ اللهُ کانَ وَما لَمْ یَشاءَ لَمْ یَکُنْ (2) هر

کس این دعا را به هنگام خواب بخواند، از دزد وغارت اموالش وفرود آمدن خانه محفوظ خواهد ماند وملائکه برایش استغفار کنند». (3)

3. نیز در حدیثی فرمود: «هر کس به هنگام خوابیدن سوره توحید را بخواند، خداوند به پنجاه هزار ملک مأموریّت می دهد که در آن شب از او حفاظت کنند». (4)

4. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «هر کس این آیات را به هنگام خواب بخواند، از شرّ دزد در امان باشد : (قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَیًّا مَّا تَدْعُوا فَلَهُ الأَسْمَاءُ الْحُسْنَی وَلاَ تَجْهَرْ بِصَلاَتِکَ وَلاَ تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَیْنَ ذلِکَ سَبِیلاً * وَقُلِ الْحَمْدُ للَّهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ یَکُنْ لَّهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَلَمْ یَکُنْ لَّهُ وَلِیٌّ مِّنَ الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ تَکْبِیرًا)». (5)

1- خصال، ج 2، ص 425؛ بحار الأنوار، ج 10، ص 109.

2- ترجمه: «به نام خدا، پهلویم را به خاطر خدا و بر آیین ابراهیم علیه السلام و دین محمّد صلی الله علیه و آله و ولایت کسی کهخداوند اطاعت او را واجب فرموده، بر زمین نهادم. آنچه خدا بخواهد می شود وآنچه نخواهد نمی شود».

3- بحار الأنوار، ج 76، ص 191.

4- خصال، ج 2، ص 425، ح 291؛ بحارالأنوار، ج 10، ص 109.

5- ترجمه: «بگو: «الله» را بخوانید یا «رحمان»، هر کدام را بخوانید (ذات پاکش یکی است ؛ و) برای او بهتريننام هاست. ونمازت را زیاد بلند یا خیلی آهسته نخوان ؛ ودر میان آن دو، راهی (معتدل) برگزین. - وبگو :ستایش برای خداوندی است که نه فرزندی برای خود انتخاب کرده ونه شریکی در حکومت دارد، ونه بهخاطر ضعف وذلّت، (حامی و) سرپرستی برای اوست. واو را بسیار بزرگ بشمار». (سوره اسراء، آیات 110و111) فلاح السائل، ص 283.

از امام سجّاد علیه السلام

در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت علیّ بن الحسین علیهما السلام فرمود: «هر کس در وقت خواب این دعا را بخواند فقر وپریشانی از وی برطرف می شود وهیچ گزنده ای به او زیان نمی رساند: اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الاْوَّلُ فَلا شَیْ ءَ قَبْلَکَ وَاَنْتَ الظّاهِرُ فَلا شَیْ ءَ فَوْقَکَ وَاَنْتَ الْباطِنُ فَلا شَیْ ءَ دُونَکَ وَاَنْتَ الآخِرُ فَلا شَیْ ءَ بَعْدَکَ. اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّماواتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الاْرَضینَ السَّبْعِ وَرَبَّ التَّوْراهِ وَالاْنْجیلِ وَالزَّبُورِ وَالْقُرآنِ الْحَکیمِ. اَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ کُلِّ دابَّهٍ اَنْتَ آخِذٌ بِناصِیَتِها، اِنَّکَ عَلی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ». (1)

از امام باقر علیه السلام

1. در حدیثی معتبر آمده است که امام باقر فرمود: «هر کس در وقت خواب، دست راست را زیر سر بگذارد بگوید: بِسْمِ اللهِ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْلَمْتُ نَفْسی اِلَیْکَ وَوَجَّهْتُ وَجْهی اِلَیْکَ وَفَوَّضْتُ اَمْری اِلَیْکَ وَاَلْجَأْتُ ظَهْری اِلَیْکَ وَتَوَکَّلْتُ عَلَیْکَ رَهْبَهً مِنْکَ وَرَغْبَهً اِلَیْکَ، لا مَلْجَأَ وَلا مَنْجا مِنْکَ اِلّا اِلَیْکَ، آمَنْتُ بِکِتابِکَ الَّذی اَنْزَلْتَ وَبِرَسُولِکَ الَّذی اَرْسَلْتَ وپس از آن تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بگوید». (2)

1- ترجمه: «بار خدایا، تو اوّلی هستی که پیش از تو چیزی نیست وتو ظاهری هستی که چیزی برتر از تونیست، وتو باطنی هستی که چیزی غیر از تو نیست، وتو آخری هستی که بعد از تو چیزی نیست. بار خدایا،ای پروردگار آسمان ها وزمین های هفتگانه، وپروردگار تورات وانجیل وزبور وقرآن حکیم، به تو پناه می برماز شرّ هر جنبنده ای که زمام آن به دست تو است. بی شک (کار) تو در مسیر صحیح و مستقیم است».فلاح السائل، ص 285.

2- ترجمه: «به نام خدا، خدایا جان خود را تسلیم تو می کنم وبه تو روی می آورم وکارم را به تو وامی گذارم وتورا تکیه گاه خویش ساخته وبر تو توکّل می کنم به خاطر رغبتی (که در ثواب تو) و ترسی که در (عقاب) تو دارم،پناه ونجاتی جز تو نیست. به کتابی که نازل کردی وبه پیامبری که فرستادی ایمان دارم». کتاب منلایحضره الفقیه، ج1، ص 296، ح 1354؛ مکارم الأخلاق، ص 288.

2. در حدیثی دیگر فرمود: «در وقت خواب این دعا را ترک نکنید: اُعیذُ نَفْسی وَذُرِّیَّتی وَاَهْلَ بَیْتی وَمالی، بِکَلِماتِ اللهِ التّامّاتِ، مِنْ کُلِّ شَیْطانٍ وَهّامَّةٍ وَمِنْ کُلِّ عَیْنٍ لامَّةٍ که حضرت رسول صلی الله علیه و آله با این دعا، امام حسن وامام حسین علیهما السلام را تعویذ می کرد». (1)

3. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس هر شب پیش از خواب سوره (إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ) را تلاوت کند، در قیامت صورتش مانند ماه شب چهارده بدرخشد». (2)

4. در سخنی دیگر فرمود: «هر کس پیش از خواب سوره هایی را که اوّل آن با «سَبَّحَ لِلَّهِ» یا «یُسَبِّحُ لِلَّهِ» (3) شروع می شود بخواند، قبل از مرگ به خدمت حضرت

ولیّ عصر(عج) می رسد وهر زمان از دنیا رود او را در همسایگی حضرت رسول صلی الله علیه و آله جای دهند». (4)

5. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس این دعا را هر شب بخواند، تا صبح عقرب وهیچ گزنده دیگری به او آسیبی نرساند: اَعُوذُ بِکَلِماتِ اللهِ التّامّاتِ، الَّتی لا یُجاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلا فاجِرٌ، مِنْ شَرِّ ما ذَرَأَ وَمِنْ شَرِّ ما بَرَأَ وَمِنْ شَرِّ کُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِناصِیَتِها، اِنَّ رَبِّی عَلی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ». (5)

1- ترجمه: «خودم وذرّیه وخانواده ومالم را از شرّ هر شیطان موذی وحشتناک واز زخم چشم هر ملامتگربیه فرمان های کامل الهی می سپارم». کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 297، ح 1355؛ مکارم الأخلاق،ص 289.

2- ثواب الأعمال، ص 144، ح 3.

3- سوره های حدید، حشر، صف با «سَبَّحَ لِلَّهِ» وسوره های جمعه وتغابن با «یُسَبِّحُ لِلَّهِ» شروع شده است.

4- کافی، ج 2، ص 620، ح 3.

5- ترجمه: «پناه می برم به کلمات تامّه خداوند که هیچ انسان نیک وگناهکاری از آن عبور نمی کند، از شرّ آنچهکه خلق کرده واز شرّ هر جنبنده ای که زمام امورش به دست اوست. بی شک (کار) پروردگارم بر صراط مستقیم است». کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 298، ح 1360.

از امام صادق علیه السلام

1. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام خواب این دعا را بخواند: اَللّهُمَّ اِنِّی اُشْهِدُکَ اَنَّکَ افْتَرَضْتَ عَلَیَّ طاعَةَ عَلِیِّ بْنِ اَبیطالِبٍ وَالْحَسْنِ وَالْحُسَیْنِ وَعَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِیِّ بْنِ مُوسی وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ وَعَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ وَالْحُجَّهِ الْقائِمِ، صَلَواتُ اللهِ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ اَجْمَعِینَ ودر آن شب بمیرد، وارد بهشت شود». (1)

2. در روایتی معتبر آمده است که فرمود: «هر کس به هنگام خواب یازده مرتبه سوره (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ) را بخواند، خداوند متعال یازده فرشته بر او بگمارد تا او را از شرّ شیطان تا به صبح حفظ کند». (2)

3. در روایتی صحیح ومعتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «سوره (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) وسوره (قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ) را پیش از خواب بخوان که اوّلی معرفت نامه پروردگار ودومی بیزاری از شرک است». (3)

4. نیز در حدیثی صحیح آمده است که فرمود: «هر کس پس از قرار گرفتن در رختخواب سه مرتبه بگوید: اَلْحَمْدُ للهِ الَّذی عَلا فَقَهَرْ اَلْحَمْدُ للهِ الَّذی بَطَنَ فَخَبَرْ وَالْحَمْدُ للهِ الَّذی مَلَکَ فَقَدَرْ وَالْحَمْدُ للهِ الَّذی یُحْیِی الْمَوْتَی وَیُمیتُ الْاَحْیاءَ وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ از گناهان پاک می شود همانند روزی که از مادر متولّد

شده است». (4)

1- ترجمه: «پروردگارا، تو را به شهادت می طلبم که تو بر من اطاعت حضرت علی ویازده فرزندش: راواجب کردی درود و صلوات خداوند بر او و فرزندانش باد». فلاح السائل، ص275؛بحارالأنوار،ج76،ص206.

2- فلاح السائل، ص 281.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 297، ح 1356؛ مكارم الأخلاق، ص 288.

4- ترجمه: «سپاس ویژه خداوندی است که بلندپایه وپیروز وغالب است. وسپاس مخصوص خداوندی استکه از چشم ها پنهان وبر پنهانی ها آگاه است. وسپاس از آنِ خداوندی است که مالک وتواناست. وسپاس ویژهخداوندی است که مردگان را زنده می سازد وزندگان را می میراند، واو بر همه چیز تواناست». کتاب منلایحضره الفقیه، ج 1، ص 297، ح 1357؛ مكارم الأخلاق، ص 289.

5. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس پیش از خواب سوره یاسین را بخواند، خداوند به هزار فرشته مأموریّت می دهد که او را از شرّ شیاطین وهر بلایی حفظ کنند». (1)

6. در سخنی دیگر فرمود: «هرگاه به رختخواب رفتید چنین دعا کنید: اَللّهُمَّ اِنِّی إِحْتَبَسْتُ نَفْسی، فَاحْتَبِسْها فی مَحَلِّ رِضْوانِکَ وَمَغْفِرَتِکَ وَاِنْ رَدَدْتَها فَارْدُدْها مُؤْمِنَهً عارِفَهً بِحَقِّ اَوْلِیائِکَ حَتّی تَتَوَفّاها عَلی ذلِکَ». (2)

7. در گفته ای دیگر فرمود: «هرگاه به رختخواب رفتی، تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بگو، سپس آیه الکرسی، (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ)، (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ)، ده آیه اوّل وده آیه آخر سوره صافّات را بخوان». (3)

8. در حدیثی صحیح آمده است که سفارش کرد به هنگام خواب چنین دعا کنید: «اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ وَاَنَّ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اَعُوذُ بِعَظَمَهِ اللهِ وَاَعُوذُ بِعِزَّهِ اللهِ وَاَعُوذُ بِقُدْرَهِ اللهِ وَاَعُوذُ بِجَلالِ اللهِ وَاَعُوذُ بِسُلْطانِ اللهِ، اِنَّ اللهَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ. وَاَعُوذُ بِعَفْوِ اللهِ وَاَعُوذُ بِغُفْرانِ اللهِ وَاَعُوذُ بِرَحْمَهِ اللهِ، مِنْ شَرِّ السّامَهِ وَالْهامَّهِ وَمِنْ شَرِّ کُلِّ دابَّهٍ صَغیرَهٍ اَوْ کَبیرَهٍ، بِلَیْلٍ اَوْ نَهارٍ وَمِنْ شَرِّ فَسَقَهِ الْجِنِّ وَالاْنْسِ وَمِنْ شَرِّ فَسَقَهِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَمِنْ شَرِّ الصَّواعِقِ وَالْبَرَدِ. اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ وَآلِهِ الطّاهِرینَ». (4)

1- ثواب الأعمال، ص 138، ح 1.

2- ترجمه: «بار خدایا، من نفس خود را بازداشته ام (و به خواب می روم)، پس تو آن را در محلّ خشنودیوآمرزش خویش بازدار. واگر بازگردانی، آن را بر ایمان وشناخت حقّ اولیای خود بازگردان، تا اینکه آن را برهمین اعتقاد بمیرانی». کافی، 2، ص 536، ح 2.

3- کافی، ج 2، ص 536، ح 6.

4- ترجمه: «گواهی می دهم که معبودی جز معبودی یکتا نیست ومحمّد صلی الله علیه و آله بنده وفرستاده اوست. پناهمی برم به عظمت وعزّت وشکوه وقدرت وجلال وسلطنت خدا، زیرا خداوند بر هر چیزی تواناست. وپناهمی برم بر بخشش ورحمت خدا از شرّ جانوران سمّی وخزنده گزنده واز شرّ هر جنبنده کوچک یا بزرگ، درشب یا روز واز شرّ فاسقان جنّ وآدمی واز شرّ فاسقان عرب وعجم واز شرّ صاعقه ها وتگرگ. بار خدایا، برمحمّد بنده ورسولت واهل بیت طاهرینش درود فرست». کافی، ج 2، ص 537، ح 8.

9. در حدیثی صحیح آمده است که فرمود: «هر کس به هنگام خواب صد بار سوره توحید بخواند، گناهان پنجاه ساله اش آمرزیده می شود». (1)

10. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس به هنگام خواب سه مرتبه آیه الکرسی (2) ،

یک مرتبه آیه «شَهِدَ الله» (3) وآیه «سخره» (4) وآیه آخر سوره حم سجده (سوره

فصّلت) را بخواند، خداوند به دو فرشته مأموریّت می دهد تا شیاطین را از وی دور گردانند وبه سی ملک دستور می دهد که تا هنگام بیدار شدنش مشغول تحمید وتسبیح وتهلیل وتکبیر خدا باشند واستغفار کنند وثواب همه این اعمال از آنِ او باشد». (5)

11. در سخنی دیگر فرمود: «هر کس پیش از خواب صد مرتبه «لا إله إلّا الله» بگوید، خداوند خانه ای در بهشت برایش بنا کند. وهر کس صد مرتبه استغفار کند، گناهانش همچون برگ درختان می ریزد». (6)

12. نیز در گفتاری فرمود: «هر کس یازده مرتبه سوره (قُلْ هُوَ اللهُ أَحَد) را پیش از خواب بخواند، گناهانش آمرزیده شود واو وهمسایگانش از بلاها

محفوظ می مانند واگر صد بار بخواند، گناه پنجاه ساله از آینده عمرش آمرزیده شود». (7)

1- مکارم الأخلاق، ص 288.

2- سوره بقره، آیه 255.

3- سوره آل عمران، آیه 18.

4- علّامه مجلسی در مرآت العقول، در ذیل حدیث مزبور می گوید: ... مشهور آن است که منظور از آیه سخرهدو آیه آخر سوره حم سجده

(سوره فصّلت) است. وشیخ بهایی گفته است: این آیه را سخره نامیده اند زیرادلالت بر تسخیر وتسلّط خداوند بر همه چیز دارد.

5- کافی، ج 2، ص 539، ح 16.

6- خصال، ج 2، ص 380، ح 37؛ ثواب الأعمال، ج 18، ح 2.

7- فلاح السائل، ص 275؛ ثواب الأعمال، ص 456، ح 5 و7.

از امام رضا علیه السلام

1. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام خوابیدن آیه الکرسی را بخواند، از فلج در امان خواهد بود». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس در وقت خواب این آیه را بخواند، خانه بر سرش خراب نمی شود: إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولاَ وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا». (2)

(تذکّر: البتّه منظور این نیست که تمام آنچه در بالا آمد در یک شب خوانده شود که این کار بسیار طولانی ودشوار است، بلکه از میان آنها بر حسب نیاز خود انتخاب کند ویا در هر شبی بعضی از آنها را بخواند).

برطرف کردن ترس در خواب وخواب پریشان دیدن ومحتلم شدن

راه های برطرف کردن ترس به هنگام خواب

دعاها وذکرهای خاص

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس در خواب می ترسد پیش از خواب ده مرتبه بگوید: لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، یُحْیی وَیُمیتُ وَیُمیتُ وَیُحْیی وَهُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ وسپس تسبیح حضرت زهرا بگوید». (3)

در کتاب طبّ الائمّه آمده است که «آیه الکرسی» و«قُلْ هُوَ اللهُ اَحَدٌ» نیز بخواند. (4)

1- ثواب الأعمال، ص 131، ح 1.

2- ترجمه: «خداوند آسمان ها وزمین را نگاه می دارد تا از نظام خود منحرف نشوند؛ وهرگاه منحرف گردند،کسی جز او نمی تواند آنها را نگاه دارد، او بردبار وآمرزنده است». (سوره فاطر، آیه 41) کتاب من لا یحضرهالفقیه، ج 1، ص 298، ح 1362.

3- ترجمه: «معبودی جز الله وجود ندارد، او یگانه است وشریکی ندارد، زنده می کند ومی میراند ومی میراندوزنده می کند واو زنده است وهرگز نمی میرد». فلاح السائل، ص 282.

4- طبّ الأئمّه، ص 64.

2. در روایتی صحیح ومعتبر آمده است که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس در خواب می ترسد، به هنگام خوابیدن، سوره های (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النّاسِ) و(قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) وآیه الکرسی بخواند». (1)

3. در روایت دیگر چنین آمده است: «برای (برطرف کردن) ترس (هنگام خواب)، شب ها این دعا را ده مرتبه بخواند: اَعُوذُ بِکَلِماتِ اللهِ مِنْ غَضَبِهِ وَمِنْ عِقابِهِ وَمِنْ شَرِّ عِبادِهِ وَمِنْ هَمَزاتِ الشَّیاطینِ وَاَنْ یَحْضُرُونِ (2) ، سپس آیه الکرسی

بخواند ودر پایان بگوید: اِذْ یُغَشِّیکُمُ النُّعاسَ اَمَنَةً مِنْهُ (3) وَجَعَلْنَا نَوْمَکُمْ سُبَاتًا». (4)

4. در حدیثی معتبر می خوانیم که شهاب بن عبد ربّه خدمت امام صادق علیه السلام رسید وعرض کرد: زنی به خواب من می آید ومی ترساندم. حضرت فرمود : «تسبیح بردار ودر رختخواب 34 مرتبه الله اکبر و33 مرتبه سبحان الله و33 مرتبه الحمدلله بگو، سپس این دعا را ده مرتبه بخوان: لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ، یُحیی وَیُمیتُ وَیُمیتُ وَیُحْیی، بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَلَهُ اخْتِلافُ الْلَیْلِ وَالنَّهارِ وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ». (5)

وظاهراً در تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام در وقت خواب، مخیّر است میان آنکه بعد از الله اکبر، الحمدلله بگوید یا سبحان الله.

1- مصباح المتهجّد، ص 121؛ ومکارم الأخلاق، ص 289؛ بحارالأنوار، ج 87، ص 176.

2- ترجمه: «پناه می برم به کلمات خدا از خشم وعقوبت او واز شرّ بندگان (شرور)ش واز وسوسه های شیاطینواینکه بر بالین من حاضر شوند».

3- ترجمه: «و(به یاد آورید) هنگامی را که خواب سبکی که مایه آرامش از سوی خدا بود، شما را فرا گرفت».سوره انفال، آیه 11.

4- ترجمه: «وخواب شما را مایه آرامشتان قرار دادیم». (سوره نبأ، آیه 9) مکارم الأخلاق، ص 289.

5- ترجمه: «معبودی جز خدای یکتا نیست، او تنهاست وشریکی ندارد. مُلک وسلطنت از آنِ اوست وتنها اواستحقاق ستایش دارد، (زیرا) زنده می کند ومی میراند ومی میراند وزنده می کند. تمام خیرات به دستاوست ورفت وآمد شب وروز از ناحیه اوست واو بر همه چیز تواناست». کافی، ج 2، ص 536، ح 7.

فصد (رگ زدن) وپرداخت زکات

فصد (رگ زدن) (1) وپرداخت زکات

1. در حدیثی می خوانیم که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: دخترم در شب وروز بسیار می ترسد، چه کنم؟ حضرت فرمود: «او را فصد کن». (2)

2. در حدیثی دیگر آمده که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: دخترم در خواب بسیار می ترسد وگاه حالش بسیار بد واعضای بدنش سست وبی حس می شود، گویند که بر اثر تصرّف جنّ است وقابل علاج نیست، چه کنم؟ حضرت فرمود: «او را فصد کن، سپس آب شوید (یا رازیانه) را با عسل بپز وسه روز به او بده تا بخورد». راوی می گوید: به دستور امام عمل کردم ودخترم شفا یافت. (3)

3. کسی خدمت حضرت صادق علیه السلام رسید وعرض کرد: زنی به خواب من می آید ومرا می ترساند. حضرت فرمود: «مگر زکات نمی دهی؟» عرض کرد : می دهم. حضرت فرمود: «به مستحق نمی دهی». پس از آن، زکات را خدمت امام فرستاد وآن حالت از او برطرف شد. (4)

دعا برای محتلم نشدن وبرطرف کردن بی خوابی

1. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس می ترسد محتلم شود، این دعا را هنگام خواب بخواند: اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِکَ مِنَ الْاحْتِلامِ وَمِنْ سُوءِ الْاَحْلامِ وَمِنْ اَنْ یَتَلاعَبَ بِیَ الشَّیْطانُ فِی الْیَقْظَهِ وَالْمَنامِ». (5)

1- یکی از راه های معالجه در طبّ قدیم، گرفتن خون از رگ ها بود که برای معالجه هر نوع بیماری، رگ خاصّیرا می زدند وآن را «فصد» می

گویند.

2- طبّ الأئمّه، ص 108.

3- طبّ الأئمّه، ص 110؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 190، ح 20.

4- محاسن، ص 87، ح 27.

5- ترجمه: «بار خدایا، از احتلام وخواب های بد واینکه شیطان در بیداری وخواب با من بازی کند، به تو پناهمی برم». کافی، ج 2، ص 536، ح 5؛ مکارم الأخلاق، ص 290.

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس در خواب بترسد، یا بر اثر درد، بی خوابی بر او چیره شود، این دو آیه را بخواند: (فَضَرَبْنَا عَلَی ءَاذَانِهِمْ فِی الْکَهْفِ سِنِینَ عَدَدًا * ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَیُّ الْحِزْبَیْنِ أَحْصَی لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا). (1) این آیه برای کودکی که بسیار گریه می کند نیز مؤثّر است». (2)

دعای برطرف کردن خواب های پریشان

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه شخصی خواب پریشانی ببیند، از آن پهلو که خوابیده به پهلوی دیگر شود وبگوید: إِنَّمَا النَّجْوَی مِنَ الشَّیْطَانِ لِیَحْزُنَ الَّذِینَ ءَامَنُوا وَلَیْسَ بِضَارِّهِمْ شَیْئًا إِلاَّ بِإِذْنِ اللَّهِ (3) ، سپس بگوید :

عُذْتُ بِما عاذَتْ بِهِ مَلائِکَهُ اللهِ الْمُقَرَّبُونَ وَاَنْبِیائُهُ الْمُرْسَلُونَ وَعِبادُهُ الصّالِحُونَ وَمِنْ شَرِّ ما رَأَیْتُ وَمِنْ شَرِّ الشَّیْطانِ الرَّجیمِ». (4)

2. در روایتی معتبر نیز می خوانیم که آن حضرت فرمود: «هر کس خواب پریشان ببیند و(بر اثر آن) بیدار شود، بگوید: اَعُوذُ بِما عاذَتْ بِهِ مَلائِکَهُ اللهِ الْمُقَرَّبُونَ وَاَنْبِیاءُ اللهِ الْمُرْسَلُونَ وَعِبادُ اللهِ الصّالِحُونَ وَالاْئِمَّهُ الرّاشِدُونَ الْمَهْدِیُّونَ مِنْ شَرِّ ما رَأَیْتُ مِنْ رُؤْیایَ اَنْ تَضُرَّنی وَمِنَ الشَّیْطانِ الرَّجیمِ (5) ، سپس سه بار آب

1- ترجمه: «ما (پرده خواب را) در غار بر گوششان زدیم وسال ها در خواب فرو رفتند - سپس آنان رابرانگیختیم تا بدانیم (واین امر آشکار شود که) کدام یک از آن دو گروه، مدّت خواب خود را بهتر حسابکرده اند». سوره کهف، آیات 11 و12.

2- طبّ الأئمّه، ص 36.

3- ترجمه: «نجوا فقط از سوی شیطان است ؛ می خواهد با آن مؤمنان غمگین شوند؛ ولی نمی تواند هیچ گونهضرری به آنها برساند جز به فرمان خدا». سوره مجادله، آیه 10.

4- ترجمه: «پناه می برم (به خدا) از آنچه که فرشتگان مقرّب وانبیای مرسل وبندگان شایسته اش از آن پناهبردند. واز شرّ آنچه دیدم واز شرّ شیطان رانده شده (به خدا پناه می برم)». فلاح السائل، ص 289.

5- ترجمه: «پناه می برم به خداوند از آنچه که فرشتگان مقرّب خداوند وپیامبران مرسل الهی وبندگان صالحپروردگار وامامان هدایت یافته به آن پناه برده اند، از شرّ آنچه در خواب دیدم که ضرری به من بزنند واز شرّشیطان رانده شده (از درگاه خداوند، به خدا پناه می برم)».

دهانش را به سمت جانب چپ خود (در دستمالی) بیندازد». (1)

دعا برای بی خوابی وبیدار شدن آخر شب

چگونه به وقت بیدار شویم؟

1. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس هنگام خوابیدن این آیه را بخواند، هر وقت از شب که بخواهد بیدار می شود: (قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلاً صَالِحًا وَلاَ يُشْرِكْ بِعِبَادَهِ رَبِّهِ أَحَدًا)». (2)

2. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس دوست دارد آخر شب از خواب برخیزد، هنگامی که به رختخواب رفت بگوید : اَللّهُمَّ لا تُؤْمِنّی مَکْرَکَ وَلا تُنْسِنی ذِکْرَکَ وَلا تَجْعَلْنی مِنَ الْغافِلینَ، اَقُومُ ساعَهَ کَذا وَکَذا» (3) (وبه جای کذا وکذا ساعت مورد نظر را بگوید) چنانچه این دعا را بخواند، خداوند به فرشته ای مأموریّت می دهد که در ساعت مورد نظر او را بیدار کند». (4)

3. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام کاظم علیه السلام فرمود: «هر کس می خواهد

1- فلاح السائل، ص 290.

2- ترجمه: «من فقط بشری هستم مثل شما؛ (امتیازم این است که) به من وحی می شود که تنها معبودتانمعبود یگانه است، پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد؛ باید کاری شایسته انجام دهد، وهیچ کس را درعبادت پروردگارش شریک نکند» (سوره کهف، آیه 110). کافی، ج 2، ص 540، ح 17؛ کتاب من لا یحضرهالفقیه، ج 1، ص 298، ح 1359.

3- ترجمه: «پروردگارا، مرا از مجازات خود ایمن ومطمئن مگردان ویاد خود را فراموشم مکن ومرا جزءِغافلان مگردان، (تا) در فلان ساعت از خواب برخیزم».

4- کافی، ج 2، ص 540، ح 18؛ فلاح السائل، ص 287.

(در ساعت خاصّی از) شب بیدار شود، به هنگام خوابیدن چنین دعا کند: اَللّٰهُمَّ

لا تُنْسِنی ذِکْرَکَ وَلا تُؤْمِنّی مَکْرَکَ وَلا تَجْعَلْنی مِنَ الْغافِلینَ وَاَنْبِهْنی لِاَحَبِّ السّاعاتِ اِلَیْکَ، اَدْعُوکَ فیها فَتَسْتَجیبَ لی وَاَسْأَلُکَ فَتُعْطینی وَاَسْتَغْفِرُکَ فَتَغْفِرُ لی، اِنَّهُ لا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلّا اَنْتَ، یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ. (1) چنانچه این دعا را بخواند خداوند

متعال دو فرشته می فرستد تا او را بیدار کنند واگر بیدار نشد به آن دو ملک فرمان می دهد که برای او استغفار کنند واگر آن شب بمیرد، ثواب شهید را دارد واگر بیدار شود وهر حاجتی بطلبد خداوند حاجتش را برآورده می کند». (2)

4. در روایتی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس اراده کند که

در ساعتی از ساعات شب برای عبادت برخیزد وخداوند بداند که اراده او

صادق است، بی شک دو ملک می فرستد که در آن ساعت او را حرکت دهند تا بیدار شود». (3)

برطرف کردن بی خوابی

1. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه بی خوابی دامنگیر کسی شود وخوابش نبرد، چنین دعا کند: سُبْحانَ اللهِ ذِی الشَّأْنِ، دائِمِ السُّلْطانِ، کُلُّ یَوْمٍ هُوَ فی شَأْنٍ». (4)

2. در روایتی معتبر آمده است که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از بی خوابی به

1- ترجمه: «بار خدایا، یادت را فراموشم مکن واز مجازات خود مرا مطمئن مگردان ومرا از غفلت کنندگان قرارمده ومرا در بهترین ساعات در نزد خودت بیدار گردان تا تو را بخوانم وتو خواست هایم را اجابت کنی واز توبخواهم تا به من عطا کنی واز تو طلب مغفرت کنم تا مرا ببخشایی، زیرا کسی جز تو گناهان را نمی آمرزد، ایمهربان ترین مهربانان».

2- فلاح السائل، ص 287.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 303، ح 1387؛ فلاح السائل، ص 287.

4- ترجمه: «منزّه است خداوند دارای مرتبت، که سلطنت او همیشگی است وهر روز در کار تازه ای است».فلاح السائل، ص 284.

رسول خدا صلی الله علیه و آله شکایت کرد، حضرت فرمود: «این دعا را بخوان: یا مُشْبِعَ الْبُطُونِ الْجایِعَهِ وَیا کاسِیَ الْجُیُوبِ الْعارِیَهِ وَیا مُسَکِّنَ الْعُرُوقِ الضّارِبَهِ وَیا مُنَوِّمَ الْعُیُونِ السّاهِرَهِ، سَکِّنْ عُرُوقِیَ الضّارِبَهِ وَائْذِنْ لِعَیْنی نَوْماً عاجِلاً». (1)

نماز ودعا برای خواب خوب دیدن وآداب بیدار شدن

چگونه اموات را در خواب ببینیم؟

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس بخواهد حضرت رسول صلی الله علیه و آله را در عالم خواب ببیند، پس از نماز عشا چهار رکعت نماز بگزارد ودر هر رکعت پس از حمد، صد مرتبه آیه الکرسی بخواند وبعد از نماز، هزار مرتبه صلوات بفرستد، سپس بر پارچه پاکیزه ای که بر روی آن با حلال وحرام آمیزش نکرده باشد بخوابد ودست راست را زیر جانب راست صورت بگذارد ویکصد مرتبه بگوید: سُبْحانَ اللهِ وَالْحَمْدُ للهِ وَلا اِلهَ اِلاَّ اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ وَلا حَوْلَ

وَلا قُوَّهَ اِلاَّ بِاللهِ (2) ودر پایان، صد مرتبه ما شاء الله بگوید. اگر به این روش عمل

کند، حضرت رسول صلی الله علیه و آله را در خواب می بیند». (3)

2. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس بخواهد حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را در خواب ببیند، به هنگام خواب چنین دعا کند: اَللّهُمَّ اِنِّی اَسْاَلُکَ یا مَنْ لَهُ لُطْفٌ خَفِیٌّ وَاَیادِیهِ باسِطَهٌ لا تَنْقَضی، اَسْاَلُکَ بِلُطْفِکَ الْخَفِیِّ الَّذی ما لَطُفْتَ بِهِ لِعَبْدٍ اِلّا کُفِیَ اَنْ تُرِیَنِی مَوْلایَ اَمیرَ الْمُؤْمِنینَ، عَلِیَّ بْنَ اَبی طالِبٍ فی مَنامی». (4)

1- ترجمه: «ای سیرکننده شکم های گرسنه، وای پوشاننده سینه های برهنه، وای تسکین دهنده رگ هایزننده، وای خواب کننده چشمان بیدار، رگ های زننده مرا آرام بخش وبر چشمان من خوابی فوری مسلّطگردان». فلاح السائل، ص 284.

2- ترجمه: «منزّه است خدا وحمد وستایش ویژه اوست وهیچ معبودی جز الله نیست وخداوند بزرگ تر از آناست که توصیف شود وهیچ توان ونیرویی جز برای خداوند نیست».

3- فلاح السائل، ص 285.

4- ترجمه: «بار خدایا، ای کسی که لطفش پنهان ونعمت هایش گسترده است، از تو می خواهم، به لطف خاصّپنهانت که هر بنده ای را کفایت می کند، مولایم امیرالمؤمنین علیّ بن ابی طالب علیه السلام را در خواب به منبنمایی». فلاح السائل، ص 286.

3. در حدیثی دیگر فرمود: «اگر کسی بخواهد خواب یکی از مردگان را ببیند، با وضو بر جانب راست بخوابد وتسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بگوید، سپس چنین دعا کند :

اَللّهُمَّ اَنْتَ الْحَیُّ الَّذی لا یُوصَفُ وَالْایمانُ یُعْرَفُ مِنْهُ، مِنْکَ بَدَأَتِ الْاَشْیاءُ وَاِلَیْکَ تَعُودُ، فَما اَقْبَلَ مِنْکَ کُنْتَ مَلْجَأَهُ وَمَنْجاهُ وَما اَدْبَرَ مِنْها لَمْ یَکُنْ لَهُ مَلْجَأٌ وَلا مَنْجا مِنْکَ اِلّا اِلَیْکَ، فَاَسْأَلُکَ بِلا اِلهَ اِلّا اَنْتَ وَاَسْأَلُکَ بِبِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ حَبیبِکَ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ سَیِّدِ النَّبِیِّینَ وَبِحَقِّ عَلِیٍّ خَیْرِ الْوَصیِّینَ وَبِحَقِّ فاطِمَهَ سَیِّدَهِ نِساءِ الْعالَمینَ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ، الَّذَینِ جَعَلْتَهُما سَیِّدَیْ شَبابِ أَهْلِ الْجَنَّهِ، عَلَیْهِمُ السَّلامُ اَجْمَعینَ، اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُرِیَنی مَیِّتی فِی الْحالِ الَّتی هُوَ فِیهَا». (1)

ذکر از یک پهلو به پهلوی دیگر شدن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام خواب از یک پهلو به پهلوی دیگر بگردد «اَلْحَمْدُ للهِ وَاللهُ اَکْبَر» بگوید». (2)

2. از حضرت هادی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که در وسط

1- ترجمه: «بار خدایا، تو آن زنده ای هستی که به وصف درنیاید وایمان از آن شناخته می شود، هر چیزی از توبه وجود آمده وبه سوی تو بازمی گردد، هر آنچه به سوی تو روی آورد تو پناهگاه ونجات دهنده او هستی وهرچه رویگردان شود، پناهگاه ونجات دهنده ای جز تو ندارد، پس از تو می خواهم به حقّ «لا إله إلّا الله» وبه حقّ«بسم الله الرّحمن الرّحیم» وبه حقّ محمّد صلی الله علیه و آله حبیب تو سیّد پیامبران وبه حقّ علی علیه السلام بهترین جانشینانوبه حقّ فاطمه سرور زنان در دو جهان وبه حقّ امام حسن

وامام حسین علیهما السلام سرور جوانان بهشت، برمحمّد وآل محمّد صلوات ودرود بفرستی وفلان فرد فوت شده مرا در همان حالی که به سر می برد به مننشان بدهی». فلاح السائل، ص 286.

2- فلاح السائل، ص 288.

شب بیدار می شوی، تا از یک پهلو به پهلوی دیگر گردی، این دعا را بخوان :

لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ الْحَیُّ الْقَیُّومُ وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ. سُبْحانَ اللهِ رَبِّ الْعالَمینَ وَاِلهَ الْمُرْسَلین وَسُبْحانَ اللهِ رَبِّ السَّماواتِ السَّبْعِ وَما فیهِنَّ وَربِّ الأَرَضینَ السَّبْعِ وَما فیهِنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ وَسَلامٌ عَلَی الْمُرْسَلینَ وَالْحَمْدُ للهِ رَبِّ الْعالَمینَ». (1)

آداب پس از بیدار شدن

1. در حدیث است که هرگاه حضرت رسول صلی الله علیه و آله به رختخواب می رفت می فرمود: «بِاسْمِکَ اللّهُمَّ اَحْیا وَبِاسْمِکَ اَمُوتُ» (2) وزمانی که بیدار می شد

می فرمود: «اَلْحَمْدُ للهِ الَّذی اَحْیانی بَعْدَ ما اَماتَنی وَاِلَیْهِ النُّشُورُ». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه انسان پس از برخاستن از خواب بگوید: سُبْحانَ اللهِ رَبِّ النَّبِیّینَ وَآلِهِ الْمُرْسَلینَ وَرَبِّ الْمُسْتَضْعَفِینَ وَالْحَمْدُ للهِ الَّذی یُحْیِی الْمَوْتی وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ (4) ، خداوند

می فرماید: بنده ام راست گفت وشکر مرا به جا آورد». (5)

3. در حدیثی دیگر آمده است که هرگاه امام صادق علیه السلام در آخر شب از خواب

1- ترجمه: «معبودی نیست جز الله که زنده ونگهدارنده است واو توانا بر هر چیزی است. منزّه است خداوندیکه پروردگار جهانیان وخدای پیامبران است ومنزّه است خداوندی که پروردگار آسمان های هفتگانه وآنچهدر آنهاست وپروردگار زمین های هفتگانه وآنچه در آنهاست وپروردگار عرش

بزرگ است ودرود برپیامبران، وحمد وسپاس مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است». مصباح المتهجّد،ص127؛ بحارالأنوار، ج 87، ص 178.

2- ترجمه: «خدایا، به نام تو وبه نام تو می میرم».

3- ترجمه: «حمد وسپاس مخصوص خداوندی است که مرا زنده کرد پس از آنکه میراند وبه سوی او بازمی گردم». کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 304، ح 1391.

4- ترجمه: «منزّه است خداوندی که پروردگار پیامبران مرسل وخاندان آنان وپروردگار مستضعفین است.وحمد وسپاس مخصوص خداوندی است که مرده را زنده می کند وتوانا بر هر کاری است».

5- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 304، ح 1391.

برمی خاست با صدای بلند می فرمود: «اَللّهُمَّ اَعِنّی عَلی هَوْلِ الْمَطْلَعِ وَوَسِّعْ عَلَیَّ الْمَضْجَعَ وَارْزُقْنِی خَیْرَ ما قَبْلَ الْمَوْتِ وَارْزُقْنِی خَیْرَ ما بَعْدَ الْمَوْتِ». (1)

4. ودر روایتی دیگر می خوانیم: «هرگاه از خواب بیدار شود بگوید: سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ، رَبُّ الْمَلائِکَهِ وَالرُّوحِ، سَبَقَتْ رَحْمَتُکَ غَضَبَکَ، لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ، ظَلَمْتُ نَفْسی، فَاغْفِرْ لی وَارْحَمْنی، اِنَّکَ اَنْتَ التَّوّابُ الرَّحیمُ الْغَفُورُ». (2)

5. نیز در روایتی آمده است که چون از خواب برخیزد بگوید: «اَلْحَمْدُ للهِ الَّذی رَدَّ عَلَیَّ رُوحی لِاَحْمَدَهُ وَاَعْبُدَهُ». (3)

توجّه: دعای نگاه کردن به عقیق در آداب انگشتر به دست کردن گذشت. وسایر دعاهای این باب، چون از مقدّمات نماز شب است، إن شاء الله به همراه سایر دعاهای وقت خواب در کتاب عبادات بیان خواهد شد، زیرا این کتاب بیش از این گنجایش ندارد.

سرّ خواب راست ودروغ دیدن وتعبیر خواب

اقسام خواب دیدن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «رؤیا وخواب دیدن بر سه قسم است: بشارت خدا برای مؤمن، ترسانیدن شیطان، خواب های پریشان». (4)

2. در روایت دیگری فرمود: «خواب دروغ که اثرش ظاهر نمی شود خوابی

1- ترجمه: «بار خدایا، بر ترس از قیامت یاری ام کن وقبر مرا گشاده گردان وخیر ونیکی قبل از مردن وبعد ازآن را روزی ام فرما». کافی، ج 2، ص 538، ح 13؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 304، ح 1392.

2- ترجمه: «بسیار منزّه وپاک است پروردگار فرشتگان وروح، رحمت تو بر خشم ات پیشی گرفته است،معبودی جز تو نیست، بر خود ستم کردم؛ پس مرا بیامرز وبر من رحم کن، زیرا تو توبه پذیر مهربانبخشاینده ای». تفسیر عیّاشی، ج 1، ص 41، ح 26.

3- ترجمه: «حمد وسپاس مخصوص خداوندی است که روح مرا بازگرداند، تا او را سپاس گویم وپرستشکنم». کافی، ج 3، ص 455، ح 12.

4- کافی، ج 8، ص 76، ح 61.

است که در اوّل شب دیده می شود، همان زمانی که وقت سلطه واستیلای شیطان است وآن خواب، خیالاتی است که شیاطین نزد انسان جلوه می دهند وریشه ای ندارد. امّا خواب راست خوابی است که در یک سوم آخر شب، هنگام نزول ملائکه دیده می شود. خوابی که به هنگام سحر می بیند خواب راست است وإن شاء الله تخلّف نمی کند، مگر آنکه در حال جنابت بوده یا بی وضو خوابیده باشد، یا آنچه از ذکر ویاد خدا که سزاوار است پیش از خواب بگوید، به جا نیاورده باشد که در این صورت، خوابش یا تحقّق نمی یابد ویا با تأخیر محقّق می شود». (1)

خواب راست (رؤیای صادقه)

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خواب های مؤمن صحیح است، زیرا نفسش پاکیزه ویقینش درست است وچون روحش از بدن مفارقت کند با ملائکه ملاقات می کند، پس خواب او به منزله وحی است». (2) (این حدیث

مربوط به مؤمنانی است که در درجه والای ایمان هستند).

2. در حدیثی دیگر فرمود: «وحی پس از حضرت رسول صلی الله علیه و آله قطع شد، امّا خواب های بشارت دهنده وجود دارد». (3)

3. در روایتی دیگر فرمود: «خواب های راست، یک هفتادم پیغمبری است». (4)

4. نیز در روایتی فرمود: «رأی مؤمن وخواب او در آخرالزّمان، دلالت یک جزء از هفتاد جزءِ پیغمبری است». (5)

5. در روایتی صحیح از امام رضا علیه السلام می خوانیم که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله صبح

1- کافی، ج 8، ص 76، ح 62.

2- جامع الأخبار، ص 172.

3- جامع الأخبار، ص 172.

4- جامع الأخبار، ص 172.

5- کافی، ج 8، ص 90، ح 58.

هنگام به اصحابش می فرمود: آیا کسی خواب بشارت دهنده ای دیده است؟» (1)

6. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «در آخرالزّمان خواب مؤمن دروغ نمی شود وهر که راستگوتر باشد خوابش درست تر است». (2)

7. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس مرا در خواب ببیند چنان است که مرا در بیداری دیده، زیرا شیطان نمی تواند به شکل وصورت من، بلکه به صورت شیعیان خالص درآید. وبی شک خواب های راست یک جزء از هفتاد جزء پیامبری است». (3)

8. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «کسی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله در مورد تفسیر این آیه شریفه سؤال کرد: (لَهُمُ الْبُشْرَی فِی الْحَیَوهِ الدُّنْیَا وَفِی الاْخِرَهِ) (4) ، حضرت فرمود: بشارت زندگانی دنیا، خواب های نیکو است که

مؤمن در دنیا می بیند وبه آن بشارت می یابد وشاد می شود». (5)

(باید توجّه داشت که خواب غیر معصومین علیهم السلام به هر صورت که باشد حجّت نیست؛ هر چند ممکن است در آن اشاره ودلالتی به طور اجمال بوده باشد).

سرّ خواب های خوب وخواب های پریشان

1. در روایتی معتبر آمده است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند: چرا گاهی اوقات مؤمن خوابی می بیند ولی اثری از آن در بیداری آشکار نمی شود؟ فرمود : «هرگاه مؤمن به خواب رود، روحش به سوی آسمان حرکت می کند. آنچه را روح او در ملکوت آسمان می بیند حقّ است واثرش در محلّ تقدیر وتدبیر آن

1- کافی، ج 8، ص 90، ح 59.

2- بحارالأنوار، ج 58، ص 172، ح 31.

3- جامع الأخبار، ص 172.

4- ترجمه: «در زندگی دنیا ودر آخرت، شاد (ومسرور)ند». سوره یونس، آیه 64.

5- البرهان فی تفسیر القرآن، ج 3، ص 38، ح 4926؛ تفسیر نور الثّقلین، ج 2، ص 309، ح 95.

ظاهر می شود. وآنچه را در زمین وهوا می بیند خواب پریشان است». راوی پرسید: آیا روح مؤمن به طور کامل به آسمان می رود وچیزی از آن در بدن نمی ماند؟ حضرت فرمود: «اگر چنین باشد که می میرد، بلکه مثَل آن مثَل خورشید است که خودش در آسمان وروشنی وشعاع آن در زمین است؛ بنابراین، اصل روح در بدن است وپرتوی از آن به آسمان می رود». (1)

2. از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه مؤمن به خواب رود روح او را نزد عرش پروردگار می برند. آنچه را در آنجا ببیند حقّ است وآنچه را به هنگام بازگشت در هوا ببیند خواب پریشان است». (2)

روایات به این مضمون بسیار است.

3. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «شیطانی است که هزع نام دارد که هر شب از شرق تا غرب عالم را با بدن خود پر می کند وبه خواب مردم می آید وبدین جهت مردم خواب پریشان می بینند». (3)

4. دو مرد مسیحی نزد ابوبکر آمدند واز او سؤالاتی کردند که نتوانست جواب بدهد. (4) حضرت علی علیه السلام که در آنجا حضور داشت، به پرسش های او پاسخ داد. از جمله پرسش ها این بود که علّت خواب های راست ودروغ چیست؟ حضرت فرمود: «خداوند روح را خلق کرد وبرای آن سلطه ای قرار داد که نفس است، هنگامی که انسان به خواب می رود روح خارج می شود وسلطه اش در بدن می ماند. روح به گروهی از ملائکه وجنّیان برخورد می کند، خواب های راست از ملائکه وخواب های دروغ از جنّیان است». (5)

1- امالی صدوق، ص 145، ح 15.

2- امالی صدوق، ص 146، ح 17.

3- امالی صدوق، ص 146، دنباله حدیث 17 از امام باقر علیه السلام.

4- مناقب ابن شهر آشوب، ج 2، ص 357.

5- علّامه مجلسی رحمه الله پس از نقل روایات بالا، در مورد روح ونحوه تعلّق آن به بدن وخواب هایی که انسانمی بیند سخن گفته، که در ادامه خواهد آمد.

خواب خود را به کسی نگویید

1. در حدیثی از امام باقر علیه السلام می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «خواب مؤمن بر بالای سرش در میان زمین وآسمان پرواز می کند تا خودش آن را

برای خود تعبیر کند، یا دیگری این کار را انجام دهد، سپس به همان شکلی

که تعبیر شده واقع می شود؛ بنابراین، خواب خود را جز برای شخص عاقل

بازگو نکنید». (1)

2. از امام باقر علیه السلام رواست شده است که فرمود: «خواب را جز برای مؤمنی که دارای حسادت وعداوت وطغیان نباشد، نباید بازگو کرد». (2)

برای خوابتان تعبیر خوب کنید

در حدیث آمده است: زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله زنی که شوهرش در سفر بود خواب دید ستون خانه اش شکسته است. خوابش را برای حضرت بیان کرد. حضرت فرمود: «شوهرت به سلامت از سفر بازمی گردد». همان طور شد. بار دیگر شوهرش به سفر رفت وآن زن همان خواب را دید وبرای پیامبر بازگو کرد وحضرت همان گونه تعبیر کرد وشوهرش به سلامت بازگشت. برای بار سوم شوهرش به سفر رفت وهمان خواب را دید وآن را برای مردی شوم نقل کرد، او گفت: شوهرت می میرد وشوهرش مُرد. وقتی خبر به حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسید، فرمود: «چرا برای خواب آن زن، تعبیر خوبی نکرد؟» (3)

تعبیر خواب حضرت رسول صلی الله علیه و آله

در حدیث آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «در خواب دیدم ظرف

1- کافی، ج 8، ص 277، ح 529.

2- کافی، ج 8، ص 277، ح 530.

3- کافی، ج 8، ص 276، ح 528.

شیری به دستم دادند، آن قدر خوردم که شیرها از میان ناخن هایم بیرون آمد». پرسیدند: چگونه تعبیر کردید؟ فرمود: «به علم ودانش». (1)

تعبیر خواب امام صادق علیه السلام

1. در حدیث است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید وعرض کرد: خواب دیدم آفتاب فقط بر سرم می تابد نه بدنم. حضرت فرمود: «نور ساطع ودین کاملی نصیب تو می شود. اگر آفتاب همه وجودت را فرا می گرفت در دین حق غوطه ور می شدی». آن شخص گفت: دیگران خواب مرا به پادشاهی تعبیر می کنند. حضرت فرمود: «کدام یک از پدرانت پادشاه بودند که چنین خیالی برای تو پدید آمده است؟ وکدام پادشاهی بهتر از دین حق که با آن امید رفتن به بهشت را داشته باشی !». (2)

2. در حدیثی می خوانیم که محمّد بن مسلم به امام صادق علیه السلام عرض کرد : خواب دیدم وارد خانه شدم وهمسرم گردوهای فراوانی شکسته وبر سرم ریخت. حضرت فرمود: «ازدواج موقّت خواهی کرد وهمسرت خبردار می شود ولباس های نو را بر بدنت پاره می کند، چرا که پوست گردو به منزله لباس است». محمّد بن مسلم می گوید: چون صبح جمعه شد لباس های نو خود را که در اعیاد می پوشیدم بر تن کردم وبر در خانه نشستم. زنی از آنجا می گذشت، او را به خانه آوردم و(پس از توافق) متعه کردم. همسرم متوجّه شد وبه سراغ ما آمد. آن زن گریخت ومن در خانه ماندم، لباس های نو را بر بدنم پاره پاره کرد». (3)

3. در حدیث آمده است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: خوابی دیدم که

1- بحارالأنوار، ج 58، ص 175، ح 35.

2- کافی، ج 8، ص 243، ح 445.

3- کافی، ج 8، ص 243، ح 447.

از آن بسیار می ترسم. دامادی داشتم که از دنیا رفته، خواب دیدم دست در گردن من انداخته، می ترسم بمیرم. حضرت فرمود: «هر صبح وشام در انتظار مرگ باش واز آن گریزان مباش، ولی معانقه (وروبوسی) با مردگان نشانه طول عمر است. دامادت چه نام داشت؟» گفت: حسین. حضرت فرمود: «زیارت امام حسین علیه السلام نصیب تو خواهد شد، زیرا هر کس با همنام آن حضرت در خواب معانقه کند، توفیق زیارت آن حضرت نصیبش می شود». (1)

4. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس در خواب ببیند که در حرم است، اگر ترسان باشد آرام ودر امان گردد». (2)

5. در حدیث است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: خواب دیدم چوب نیزه در دست دارم. حضرت فرمود: «آیا آهنی بر سر آن بود؟» عرض کرد: نه. فرمود: «اگر آهن می داشت، خداوند به تو پسری می داد ولی چون آهن نداشت، خداوند به تو دختری خواهد داد». سپس اندکی صبر کرد وفرمود: «آن نیزه چند بند داشت؟» عرض کرد: دوازده بند. فرمود: «خداوند دوازده دختر به تو خواهد داد». محمّد بن یحیی می گوید من این حدیث را برای شخصی نقل کردم، او گفت: من فرزند یکی از آن دختران هستم ویازده خاله دارم. (3)

6. در روایتی آمده است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام عرض کرد: خواب دیدم از شهر کوفه بیرون رفته، در مکانی معروف کسی را سوار بر اسب چوبی دیدم که شمشیری در دست داشت وآن را حرکت می داد؛ او را که می دیدم می ترسیدم. حضرت فرمود: «تعبیر آن این است که می خواهی با فریب ونیرنگ روزی شخصی را قطع کنی. از خدا بترس ومرگ را به خاطر داشته باش واین کار

1- کافی، ج 8، ص 244.

2- قرب الإسناد، ص 84، ح 258.

3- الخرائج، ج 2، ص 638، ح 43.

را نکن». سؤال کننده گفت: گواهی می دهم که خداوند دانش عظیم وفراوانی به تو داده وتو علم را از معدن وجایگاه آن گرفته ای. آری، همسایه ای دارم که می خواست مزرعه اش را به من بفروشد. چون دیدم مشتری دیگری ندارد به فکر افتادم که به قیمت بسیار ارزانی از او بخرم. (1)

تعبیر خواب امام رضا علیه السلام

1. در روایتی معتبر وصحیح می خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «بسیاری از اوقات خوابی می بینم وآن را برای خود تعبیر می کنم وخواب به همان صورتی که تعبیر کرده ام واقع می شود». (2)

2. نیز در روایتی صحیح می خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «دیشب خادم علی بن یقطین را در خواب دیدم که در میان دو چشمش سفیدی بود، چنین تعبیر کردم که به دین حق درخواهد آمد». (3)

3. در حدیث است که یاسر خادم به امام رضا علیه السلام عرض کرد: خواب دیدم هفده شیشه در میان قفسه ای بود، ناگاه آن قفسه افتاد وشیشه ها شکست (تعبیر آن چیست؟) حضرت فرمود: «اگر خواب تو راست باشد باید یکی از اهل بیت وخویشان من هفده روز پادشاه شود، سپس بمیرد». راوی گوید: محمّد بن ابراهیم در کوفه به همراه ابوالسرایا قیام کرد وپس از هفده روز مرد. (4)

تحقیقی در مورد حقیقت خواب ورؤیا

هنگامی که خداوند متعال روح مؤمن را از عالَم قدس خلق کرد واو را با

1- کافی، ج 8، ص 244، ح 448.

2- کافی، ج 8، ص 276، ح 527.

3- بحارالأنوار، ج 58، ص 160، ح 8.

4- مناقب ابن شهرآشوب، ج 4، ص 352.

ارواح انبیا واوصیا ارتباط داد ودر عالَم ارواح با آنها محشور بود (چنانچه در روایات فراوانی آمده است که ارواح در عالم ارواح، لشکر به هم پیوسته ای در گروه ها وفوج های مختلف بودند). (1) پس ارواحی که در آن عالم با یکدیگر آشنا

بودند در این جهان هم آشنا می شوند وآنها که در آن عالم از یکدیگر بیگانه وجدا بودند در این عالم نیز یکدیگر را نمی شناسند واز هم دوری می کنند واز آنجا که با توجّه به مصالح غیر قابل شمارش، آن ارواح مقدّسه را در زندان های بدن های مادّی ظلمانی قرار دادند وبه انواع تعلّقات جسمانی وشهوات نفسانی وخیالات شیطانی مبتلا ساختند، به این سبب روح انسان (که از عالم قدس آمده) بُعد وغفلتی نسبت به عالم قدس پیدا کرده است؛ البتّه همه انسان ها در این جهت مساوی نیستند بلکه اختلاف بسیار است :

1. گروهی که مقرّبان درگاه الهی اند ارواحشان به ملأ اعلی درآویخته وبا آن آمیخته شده ولذا این تعلّقات جسمانی آنها را از آن عالم دور نکرده وبیگانه نساخته، بلکه با بدن خاکی با مردم محشورند وارواحشان پیوسته با قدسیان ملأ اعلی مشغول مکالمه وگفت وگو هستند وروح القدس با آنان مشغول راز ونیاز است وافاضات ربّانی همواره بر ارواحشان فیض می رسانَد.

2. گروه دیگر که از اشقیا هستند وبه طور کلّی عالم قدس را فراموش کرده اند وبه غیر از این دنیای فانی ولذّات پست آن چیزی به خاطر نمی آورند وحتّی برخی از آنها بر اثر کثرت شقاوت وگمراهی، جهان آخرت را باور ندارند وپیامبران را در مسأله معاد تکذیب می کنند، مُهر بر دیده وگوش ودل آنها زده وراه های خیر وسعادت را بر آنان بسته اند.

3. گروه سوم کسانی اند که علی رغم گرفتار شدن در وابستگی های دنیوی ولذّات پست آن، دست از تحصیل کمالات برنداشته ونفس لوّامه

خود را زنده

1- بحارالأنوار، ج 61، ص 135، ح 9 وص 139، ح 17 و19 وص 149، ح 27.

نگاه داشته اند. گاه گوش ودل به شیطان می سپارند وگاه پای نصیحت فرشتگان می نشینند. زمانی با واعظان وراهنمایان بشر محشورند ودر برخی اوقات با شیاطین انسی مشغول فسق وفجورند. گاه به رنگ گناه خود را آلوده می سازند وگاه با آب تضرّع وتوبه خویش را تطهیر می نمایند وچون روح این گروه از انسان ها به خاطر اشتغالات وتعلّقات وخطاها وسیّئات وگناهان فاصله بسیاری با قاضی الحاجات وانبیا وائمّه وفرشتگان آسمان پیدا کرده، لذا به هنگام خواب که روح اجمالا از اشغال بدنی خلاص می شود وراه خیال های فاسد که از روزنه های مشاعر بدنی بر نفس داخل می شود مسدود می گردد، فی الجمله آشنایان قدیم به یادش می آید وبا دوستان روحانی طرح رفت وآمد می اندازد وبه آسمان صورت ومعنی عروج می کند وبا روحانیان وقدسیان همزبان می گردد.

امّا چون در اوّل شب پاره ای از تصاویر خیالات بیداری در ذهنش حاضر است، هنوز در هوای تعلّقات خود پرواز می کند وارتباطش با آن عالم ناقص است، لذا شیاطین بر او مسلّط می شوند وخیالات وعلایق باطل او را به صورت های گوناگون در نظرش می آورند وهر چه از اوّل شب فاصله می گیرد ونقش خیالات بیداری بیشتر می شود، پرواز به عالم بالا رساتر می شود تا آنکه چون وقت سحر شود از بین آسمان وزمین وهوی ها وخواهش ها وزینت های رنگارنگ خارج شده وبه زیر عرش الهی به همنشینی مقرّبان توفیق می یابد.

استیلا وتسلّط شیاطین ضعیف گشته ولطف ربانی، ملائکه آسمانی را برای تنبیه غافلان وبیدار کردن در خواب غفلت رفتگان ودور کردن لشکریان شیاطین وجنّیان فرو می فرستد. ولذا در آن وقت، خواب های رحمانی وافاضات سبحانی بر ارواح مؤمنان واصل می شود وآنها را برای نماز وتضرّع وزاری وتوبه وپشیمانی آنچه در روز از روی غفلت انجام داده اند، بیدار می کنند.

وبدین جهت نماز شب را در آن زمان مقرّر ساخته اند وآیه شریفه (إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِىَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلاً) (1) در شأنش فرستاده اند که حاصل مضمونش به این شرح است :

عبادتی که در شب انجام می شود موافقت دل با زبان در آن بیشتر وگفتار در آن درست تر است.

پس خوشا به حال سعادتمندی که قدر آن وقت را بداند واندازه آن نعمت های بی اندازه را بشناسد وملائکه روحانی را بر دور کردن وساوس شیطانی یار ویاور خود گرداند وروح مقدّس خود را از آلودگی تعلّقات پست پاک کند وبه ساحت قُرب پروردگار خود برساند ودر آن وقت مبارک که هنگام راز ونیاز مقرّبان است، با خداوند بی نیاز خود را هماواز ایشان گرداند وقدری قدر خود را بداند واندکی اصل خود را به یاد آورد وآن جوهر قدسی را به بهای کم نفروشد وآن طایر عرشی را در قفس علایق محبوس نگرداند (وَفَّقَنَا اللهُ تَعَالى وَسَائِرَ الْمُؤْمِنِينَ لِسُلُوكِ مَسالِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَلِتَنْبِيهِ نَوْمِ الْغافِلِينَ). (2)

وبدان که چون این پرده های رنگارنگ تعلّقات جسمانی وشیشه های الوان وزینت های دنیوی به هنگام خواب در پیش دیده دل آویخته است وبا وجود عروج به مراتب بالای روحانی باز بصیرتش با این خیالات آمیخته است، لذا در خواب، اشیاء به صورت های دیگر دیده می شود وهر چیزی را به اعتبار مناسبات، شکل ها وصورت هایی است که در کلام الهی وسخنان انبیا واوصیا برای عقل های ضعیف وبصیرت های آفت زده محبوسان سرای غرور، به آنها مثَل زده اند. یعنی با توجّه به اینکه آنها خود را از معقولات معزول ساخته ومدار

1- ترجمه: «به یقین نماز وعبادت شبانه، گامی استوارتر وگفتاری پایدارتر است». سوره مزمّل، آیه 6.

2- ترجمه: «خداوند ما ودیگر مؤمنان را در پیمودن راه مقرّبان درگاهش وبیدار کردن غافلان از خواب غفلتموفّق بگرداند».

وملاکشان بر محسوسات است، لذا معقولات را در لباس محسوسات به آنها نشان می دهند.

چنانچه فرموده اند: «دنیا مانند ماری است که خطّ وخال نیکو دارد وکودک نادان، فریب آن را می خورد در حالی که در درونش زهر کشنده ای است». (1)

وهمان گونه که علم را که باعث حیات دل هاست (2) به آب که باعث حیات

بدن هاست (3) تشبیه کرده وفرموده اند: «چنانچه سبزی زمین به آب است سرسبزی

دل ها به علم است» وهمان گونه که علم را بار دیگر به نور آفتاب (4) وچراغ (5) تشبیه

کرده اند زیرا نور، تاریکی های ظاهر را برطرف می کند وعلم، ظلمت های شبهات وشک وتردیدها وحیرت های جهل وضلالت را زایل می سازد.

آری، کلام حق تعالی وانبیا واوصیا مملو از این مثال هاست وسرّش همان است که گذشت. ازاین رو، در عالم خواب نیز به دلیل ضعف بصیرتشان هر چیزی به صورت وشکلی جلوه می کند وبه همین علّت، خواب نیاز به تعبیر دارد وکار تعبیرکننده آن است که از آن شکل وصورت به حقیقت برسد. مثلا کسی که در خواب مشاهده می کند در میان فضله افتاده، یا دستش به فضله آلوده شده، معبّر می داند که این صورت وشکل دنیاست که در نزد مردم آگاه از فضله ومردار گندیده تر است ومی داند که مالی به دست او می آید. یا اگر در خواب ببیند ماری متوجّه او شده، مالی به او رو می کند.

یا اگر دید که در میان آب است، علم ودانش نصیبش می شود. واین (علم تعبیر خواب) دانش عظیمی است ومخصوص پیامبران وجانشینان آنهاست

1- میزان الحکمه، ج 3، باب 1253، ح 6005 .

2- امالی صدوق، ص 616.

3- نهج الفصاحه، ص 847.

4- مجمع البحرین، ج 2، ص 1260 .

5- اعلام الدّین فی صفات المؤمنین، ص 82 .

ومعجزه حضرت یوسف علیه السلام محسوب می شد.

البتّه تحقیق این موضوع نیاز به بحث مبسوط وگسترده ای دارد که اینجا جای آن نیست وإن شاء الله در کتاب های دیگر که در نظر دارم - اگر خداوند بخواهد - به طور کامل بیان خواهد شد. (1)

آداب بیداری ومذمّت پرخوابی

عواقب پرخوابی

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند سه چیز را دشمن می دارد: خوابیدن بی آنکه نیاز به خواب داشته باشد، خندیدن بدون تعجّب، خوردن در حال سیری». (2)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «نخستین معصیتی که انجام شد به شش چیز بود : محبّت دنیا، محبّت ریاست، محبّت طعام، محبّت زنان، محبّت خواب، محبّت راحتی (راحت طلبی)». (3)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «مادر حضرت سلیمان به او می گفت: مبادا زیاد بخوابی که زیاد خوابیدن در شب، آدمی را در قیامت

فقیر می کند». (4)

4. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مستی چهار نوع است : مستی شراب، مستی مال، مستی خواب، مستی سلطنت». (5)

1- علّامه در بحارالأنوار (ج 61 ص 151 - 234) بحثی را ذیل عنوان «حقیقه الرّؤیا وتعبیرها وفضل الرّؤیاالصّادقه وعلّتها وعلّه الکاذبه» مطرح

کرده که 75 روایت در آن باب ذکر شده واز صفحه 195 - 334 به شرحوتفصیل مباحث مربوط به رؤیا پرداخته است.

2- خصال، ج 1، ص 114، ح 21؛ بحارالأنوار، ج 66، ص 332، ح 9.

3- خصال، ج 1، ص 293، ح 24؛ بحارالأنوار، ج 66، ص 313، ح 1.

4- خصال، ج 1، ص 77، ح 94؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 179، ح 3.

5- خصال، ج 2، ص 432، ح 365؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 180، ح 7.

5. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دیدگانت را به خواب عادت نده که هیچ عضوی در بدن کمتر از چشم، شکر خدا نمی کند». (1)

6. در روایتی آمده است که چهار چیز اندکش بسیار است: آتش، خواب، دشمنی، بیماری. (2)

7. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تعجّب می کنم از کسی که ادّعای عشق الهی می کند وشب ها تا صبح می خوابد». (3)

8. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس از شبیخون عذاب خدا بترسد، باید کم بخوابد». (4)

9. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت موسی علیه السلام در مناجاتش با پروردگار از او پرسید: کدام یک از بندگانت را دشمن می داری؟ خطاب آمد: آن کس که شب تا صبح همچون مردار بیفتد وروز را به بطالت به شب برساند». (5)

10. در حدیثی دیگر فرمود: «شیطان سرمه ای دارد که در چشمان مردم می کشد ولعوقی (6) دارد که در حلق آنان می ریزد وسعوطی (7) دارد که در بینی

انسان ها می چکاند؛ سرمه شیطان خواب وکسالت، لعوقش دروغ وسعوطش تکبّر وغرور است». (8)

1- تفسیر عیّاشی، ج 2، ص 115، ح 149.

2- خصال، ج 1، ص 222، ح 76؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 179، ح 2.

3- امالی صدوق، ص 356، ح 1.

4- امالی صدوق، ص 394.

5- قصص الأنبیاء راوندی، ص 163، ح 185.

6- «لَعوق» لیسیدنی. داروی لیسیدنی. هر چیز آبدار با قوام، مثل حلواهای رقیق که با انگشت یا قاشق کم کم(آن را) بلیسند (فرهنگ متوسّط دهخدا).

7- «سَعوط» دارویی که در بینی می چکانند (فرهنگ متوسّط دهخدا).

8- معانی الأخبار، ص 139.

11. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند مخالف پرخوابی وبیکاری زیاد است وفرمود: خواب بسیار، دنیا وآخرت انسان را تباه می کند». (1)

بیداری های مذموم

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سخن گفتن ومصاحبت داشتن پس از نماز عشا، مکروه است». (2)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «شب زنده داری خوب نیست، مگر برای سه چیز : قرائت قرآن، طلب علم، بردن عروس به خانه شوهر». (3)

3. بیداری بسیار (وافراطی) نیز مذموم وناپسند است ودر غیر شب هایی که روایاتی در خصوص احیای آن وارد شده، تمام شب را بیدار بودن کراهت دارد. ازاین رو، در روایتی آمده است: دیدگان بر انسان حقّی دارند که بسیار بیدار بودن، حقّ آنها را ضایع می کند. (4)

کسانی که خواب ندارند

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پنج نفر به خواب نمی روند : کسی که قصد کشتن شخصی را داشته باشد، کسی که دارای مال بسیار است وامینی ندارد که بر او اعتماد کند، کسی که برای به دست آوردن حیثیّت اجتماعی در میان مردم دروغ وبهتان فراوان گفته باشد، کسی که مال بسیاری از او طلب

1- مکارم الأخلاق، ص 287.

2- خصال، ج 2، ص 297، ح 6؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 178، ح 2.

3- خصال، ج 1، ص 127، ح 88؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 178، ح 3.

4- فتوحات مكيّه، ج 2، ص 22. شبيه اين حديث در كافى، ج 5، ص 127، ح 6 و7 وتهذيب الأحكام، ج 6،ص 422، ح 180 نيز آمده است.

کنند وپولی نداشته باشد، کسی که محبوبش را دوست دارد ومی ترسد از او جدا شود». (1)

پدرم (محمّد تقی مجلسی رحمه الله) می گفت: ممکن است منظور از روایت این باشد که همان گونه که گروه های پنجگانه بالا به خاطر اهداف باطل بی ارزش، خواب را بر چشمان خود حرام کرده اند، گروهی که اهداف صحیح ومشروع بزرگی دارند سزاوار نیست به خواب (غفلت) فرو روند. مثلاً کسی که دشمن خطرناکی چون نفس امّاره دارد که در حال نبرد با اوست وکمر به نابودی او بسته وکسی که انواع سرمایه های معنوی طاعت وعبادت را دارد وسارق زبردستی چون شیطان در کمین سرقت دارایی معنوی وی ودرصدد ممانعت از تحصیل سرمایه بیشتر طاعت وعبادت است وکسی که کلمات وجملات حقّی - همچون (إِیَّاکَ نَعْبُدُ وَإِیَّاکَ نَسْتَعِینُ) - را مکرّر به زبان می آورَد ومی خواهد آنها را در عمل به کار بندد وبه کمالات غیر متناهی دست یابد وکسی که از او عبادات وطاعات فراوان می خواهند وتوشه ای برنگرفته وکسی که مأموریّت دارد به خداوند وخلق خداوند عشق بورزد، چگونه از این امور غافل می شود ودر خواب (غفلت) فرو می رود؟! (2)

رو به آفتاب خوابیدن ونشستن

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگام نشستن در آفتاب، پشت به آفتاب کنید که رو به آفتاب نشستن دردهای پنهانی را آشکار می کند». (3)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «رو به آفتاب نکنید که موجب هیجان بخار (در

1- بحارالأنوار، ج76، ص179، ح 4 وج 70، ص 15، ح 5؛ کتاب من لایحضره الفقیه، ج1، ص319، ح145.

2- روضه المتّقين، ج 2، ص 737.

3- خصال، ج 2، ص 408؛ بحارالأنوار، ج 10، ص 96.

درون جسم انسان) است، صورت را متغیّر، لباس را کهنه، دردهای اندرونی را آشکار می کند». (1)

3. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «آفتاب چهار پی امد دارد: رنگ را تغییر می دهد، انسان را بدبو می کند، لباس را کهنه می کند، باعث درد می شود». (2)

آداب حاجتگاه رفتن

آداب تخلیه

1. هنگام ورود به حاجتگاه، سرش را بپوشاند (3) وبسم الله بگوید (4) ، سپس این

دعا را بخواند: بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ، اَللّهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِکَ مِنَ الْخَبیثِ الْمُخَبَّثِ، الرِّجْسِ النَّجَسِ، اَلشَّیْطانِ الرَّجِیمِ. (5) همچنین بگوید: بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَلا اِلهَ اِلاَّ اللهُ، رَبِّ

اَخْرِجْ عَنِّی الْأذی سَرَحاً بِغَیْرِ حِسابٍ وَاجْعَلْنی لَکَ مِنَ الشّاکِرِینَ، فیما تَصْرِفُهُ عَنِّی مِنَ الأذی، اَو الْغَمِّ الَّذی لَوْ حَبَسْتَهُ عَنِّی هَلَکْتُ لَکَ الْحَمْدُ اِعْصِمْنی مِنْ شَرِّ ما فی هذِهِ الْبُقْعَهِ وَاَخْرِجْنی مِنْها سالِماً وَحُلْ بَیْنی وَبَیْنَ طاعَهِ الشَّیْطانِ الرَّجیمِ. (6)

وبنابر نظر مشهور، پای چپ را مقدّم بدارد وچون عورتش کشف شد

1- خصال، ج 1، ص 120، ح 40؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 183، ح 1.

2- خصال، ج 1، ص 229، ح 97؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 183، ح 2.

3- وسائل الشیعه، ج 1، ص 314، ح 1.

4- وسائل الشیعه، ج 1، ص 314، ح 2.

5- ترجمه: «به نام خدا وبه ذات (پاک) خدا، بار خدایا به تو پناه می برم از بدسرشتِ بدپرورش پلیدِ ناپاک،شیطان مطرود». وسائل الشیعه، ج 1، ص 216، ح 1.

6- ترجمه: «به نام خدا وبه ذات (پاک) او. و معبودی جز الله نیست. پروردگارا، (عوامل) اذیّت وآزار را از منخارج کن؛ خارج کردنی بدون حساب. ومرا از سپاسگزاران قرار ده در آنچه که از آزار از من دور کردی، یا ازاندوهی که اگر آن را باز نمی داشتی هلاک می شدم، حمد وسپاس از آن تو است، از شرّ این مکان مرا پناه دهومرا از آن با سلامت بیرون بر ومیان من وپیروی از شیطان مطرود فاصله انداز». وسائل الشیعه، ج 1،ص217، ح 7.

بسم الله بگوید تا شیطان چشم بر هم نهد ونظرش بر عورت او نیفتد. (1)

وهنگامی که در حاجتگاه نشست بگوید: اَللّٰهُمَّ اَذْهِبْ عَنِّی الْقَذی وَالأْذی وَاجْعَلْنی مِنَ الْمُتَطَهِّرینَ. (2)

وجمعی معتقدند که تکیه دادن بر پای چپ وپای راست را گشاده گذاردن سنّت است (ولی مستند آن یافت نشد). واگر ادرار یا مدفوع به دشواری بیرون آید (وبرخی معتقدند در هر حال)، این دعا را بخواند: اَللّٰهُمَّ کَما اَطْعَمْتَنیهِ طَیِّباً فی عافِیَهٍ، فَاَخْرِجْهُ مِنِّی خَبیثاً فی عافِیَهٍ. (3)

2. در حدیث آمده است که شایسته است انسان به هنگام تخلّی این دعا را بخواند: اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی الْحَلالَ وَجَنِّبْنِی الْحَرامَ. (4)

وهنگامی که نگاهش به آب استنجا (که می خواهد خود را با آن تطهیر کند) افتاد بگوید: اَلْحَمْدُ للهِ الَّذی جَعَلَ الْماءَ طَهُوراً وَلَمْ یَجْعَلْهُ نَجِساً. (5)

وهنگامی که خواست خود را تطهیر کند بگوید: اَللّٰهُمَّ حَصِّنْ فَرْجی وَاسْتُرْ عَوْرَتی وَحَرِّمْنی عَلَی النّارِ وَوَفِّقْنی لِما یُقَرِّبُنی مِنْکَ، یا ذَا الْجَلالِ وَالاِکْرامِ. (6)

وهنگامی که برخاست، دست بر شکمش بمالد وبگوید: اَلْحَمْدُ للهِ الَّذی هَنَّأَنی طَعامی وَشَرابی وَعافانی مِنَ الْبَلْوی. (7)

1- وسائل الشیعه، ج 1، ص 217، ح 4.

2- ترجمه: «بار خدایا، آلودگی وکثافت را از من دور کن ومرا از پاکیزگان قرار ده».وسائل الشیعه، ج 1، ص 314، ح 5.

3- ترجمه: «بار خدایا، همچنان که پاک وبا تندرستی به من خورانیدی، پس آنچه را که ناپاک است با تندرستیاز من خارج کن». وسائل الشیعه، ج 1، ص 217، ح 5.

4- ترجمه: «بار خدایا، رزق حلال روزی ام کن واز حرام مرا دور نگهدار».

5- ترجمه: «حمد وسپاس ویژه خداوندی است که آب را پاک وپاک کننده قرار داد وآن را نجس وناپاکنساخت».

6- ترجمه: «بار خدایا، شهواتم را کنترل کن وعورتم را بپوشان وآتش را بر من حرام کن ومرا بر آنچه که به تونزدیک می کند موفّق گردان، ای صاحب جلالت وبخشش.»

7- ترجمه: «حمد وسپاس مخصوص خداوندی است که خوراک ونوشیدنی مرا گوارا ساخت ومرا از مصیبتورنج عافیت بخشید».

وزمانی که می خواهد بیرون آید پای راست را مقدّم بدارد (بنابر مشهور) ودست بر شکمش بمالد وبگوید: اَلْحَمْدُ للهِ الَّذی عَرَّفَنی لَذَّتَهُ وَاَبْقی فی جَسَدی قُوَّتَهُ وَاَخْرَجَ عَنِّی اَذاهُ، یا لَها مِنْ نِعْمَهٍ لا یَقْدِرُ الْقادِرُونَ قَدْرَها. (1)

ودر برخی کتاب های حدیث، جمله «یا لَها نِعْمَهً» سه مرتبه تکرار شده است. (2)

ومستحبّ است که با آب سرد استنجا کند، که بواسیر را برطرف می کند. (3)

مکروهات استنجا (تطهیر)

1. زیاد نشستن در حاجتگاه کراهت دارد. از جناب لقمان نقل شده است که دستور داد در حاجتگاه بنویسند: بسیار نشستن در حاجتگاه باعث بواسیر می شود. (4)

2. تطهیر کردن با دست راست مطلقاً کراهت دارد. (5)

3. استنجا کردن با دست چپ در صورتی مکروه است که انگشتری در دست باشد که در آن اسم خدا باشد. (6) وعلما، اسامی انبیا وائمّه معصومین علیهم السلام را نیز به

آن ملحق کرده اند.

4. به هنگام حاجتگاه رفتن، همراه داشتن انگشتری که در آن نام خدا (7)

1- ترجمه: «حمد وسپاس مخصوص خداوندی است که لذّت غذایش را به من چشاند ونیروی آن را در بدنمباقی گذاشت وآلودگی آن را از من بیرون کرد، چه بسیار نعمت هایی (وجود دارد) که (حتّی) انسان هایقدرتمند قدر آن را نمی شناسند».

2- مصباح المتهجّد، ص 7.

3- تهذيب الأحكام، ج 1، ص 376، ح 1056.
4- تهذيب الأحكام، ج 1، ص 374، ح 1041؛ مجمع البيان، ج 8، ص 82.
5- وسائل الشيعه، ج 1، ص 226، باب 12.
6- وسائل الشيعه، ج 1، ص 233، ح 3.
7- وسائل الشيعه، ج 1، ص 232، ح 1.

وپیامبران وائمّه علیهم السلام باشد کراهت دارد.

5. نیز همراه داشتن قرآن (1) وتعویذ ودعا کراهت دارد.

6. ومکروه است مسواک زدن در حاجتگاه، که باعث بوی بد دهان می شود. (2)

7. ومکروه است سخن گفتن در حال استنجا (3) ، مگر گفتن ذکر خدا (4)

ودعاهای خاص وآیه الکرسی وحمد وسپاس الهی (5) وتکرار آنچه را که

مؤذّن می گوید. (6)

در حدیث است که حضرت موسی علیه السلام در مناجاتش با خداوند گفت: «حالاتی بر من می گذرد که تو را بزرگ تر از آن می دانم که در آن حال تو را یاد کنم. خداوند فرمود: ای موسی، در همه حال مرا یاد کن که یاد من در همه حال نیکو است». (7)

وجواب سلام دادن حتّی در آن حال واجب است. (8) واگر اسم حضرت

رسول صلی الله علیه و آله را بشنود مستحبّ است صلوات بفرستد. (9) (وجمعی آن را - در همه

جا - واجب می دانند). (10) واگر عطسه کند، حمد خدا گوید. (11) وصلوات بفرستد. (12)

وچنانچه با کسی کاری داشته باشد وبترسد که تا بیرون آمدن، وقت آن فوت

1- وسائل الشیعه، ج 1، ص 234، ح 10.

2- وسائل الشیعه، ج 1، ص 237، ح 1.

3- وسائل الشیعه، ج 1، ص 218، ح 1 و2.

4- وسائل الشیعه، ج 1، ص 219، ح 1 و2 و3 و4 و5.

5- وسائل الشیعه، ج 1، ص 220، ح 7.

6- وسائل الشیعه، ج 1، ص 221، ح 1 و 2 و 3.

7- اصول کافی، ج 2، ص 497، ح 8؛ عدّه الدّاعی، ص 239؛ وسائل الشیعه، ج 1، ص 220، ح 5.

8- مفتاح الکرامه، ج 1، ص 55.

9- وسائل الشیعه، ج 4، ص 1217، باب 142.

10- عروه الوثقی، ج 1، کتاب الصلاه، فصل 37، ص 599.

11- وسائل الشیعه، ج 1، ص 221، ح 9.

12- وسائل الشیعه، ج 4، ص 1221، ح 12.

شود می تواند با اشاره ودست زدن شخص را متوجّه کند واگر ممکن نباشد می تواند سخن بگوید. (1)

ونقل شده است که هر کس در حاجتگاه سخن بگوید حاجتش برآورده نمی شود. (2)

8 و9. ومکروه است خوردن وآشامیدن در حال ادرار ومدفوع کردن. (3)

10. ومکروه است همراه داشتن نقره سکّه دار، مگر اینکه در کیسه ای باشد. (4)

(زیرا ممکن است بر آن اسامی مقدّس حک شده باشد و در دستشویی بیفتد).

حاجتگاه و آداب آن

اشاره

(مقدّمه:) پوشاندن عورت (محلّ خروج ادرار ومدفوع وکمی اطراف آن) از ناظر محترم واجب است. (5) ولی از همسر واطفالی که به حدّ تمیز نرسیده اند وهمچنین غیر انسان ها واجب نیست. ومستحبّ است که در حال تخلّی، تمام بدن خود را بپوشاند یا به صورتی از محلّ دید ناظر محترم خارج شود. واگر در صحرا وبیابان است به قدری دور شود که کسی بدنش را نبیند. (6) وبیشتر علما معتقدند که در حال ادرار ومدفوع کردن، رو به قبله وپشت به قبله بودن حرام است؛ چه در صحرا وبیابان باشد وچه در ساختمان. (7)

1- جواهر الکلام، ج 2، ص 74.

2- وسائل الشیعه، ج 1، ص 218، ح 2.

3- جواهر الكلام، ج 2، ص 70؛ وسائل الشيعه، ج 1، ص 254، ح 1 و2.

4- تهذيب الأحكام، ج 1، ص 353، باب 15، ح 1046.

5- وسائل الشيعه، ج 1، ص 211، ح 2.

6- وسائل الشيعه، ج 1، ص 215، ح 1 و2.

7- جواهر الكلام، ج 2، ص 8.

مستحبّات تخلّی

1. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس سهواً وبر اثر فراموشی رو به قبله ادرار کند، سپس به یاد آورَد وبرای تعظیم وتکریم قبله به سمت دیگری بنشیند، قبل از برخاستن از آن حالت، خداوند او را می آمرزد». (1)

2. مستحبّ است هنگام تخلّی رو به مشرق یا مغرب کند (2) واحتیاط آن است

که از ما بین مشرق ومغرب اجتناب کند. واحتیاط آن است که اگر قبله را نداند، برای شناخت جهت قبله بکوشد تا مطمئن شود رو به قبله یا پشت به آن نیست. (3)

واگر مجبور شد اشکالی ندارد ودر این صورت بهتر است پشت به قبله بنشیند. (4)

3. (در مواردی که در بیابان به حاجتگاه دسترسی ندارد) مستحبّ است هنگام تخلّی بر جای بلند یا مکانی که خاک بسیار داشته باشد برود، تا مطمئن شود چیزی به وی ترشّح نمی کند. ازاین رو، در حدیثی می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از همه کس بیشتر از ادرار اجتناب می کرد، به گونه ای که هنگام

بول کردن (در صحرا وبیابان) به جای بلند یا زمین نرم می رفت تا مبادا بول ترشّح کند. (5)

ودر احادیث فراوانی آمده است که بیشتر عذاب قبر از بی مبالاتی هنگام ادرار کردن واخلاق بد است. (6)

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 18، ح 48.

2- وسائل الشيعه، ج 1، ص 213، ح 5.

3- جواهر الكلام، ح 2، ص 12.

4- جواهر الكلام، ح 2، ص 12.

5- وسائل الشيعه، ج 1، ص 238، ح 2.

6- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 16، ح 36.

مکروهات تخلّی

1. ادرار کردن در آب کراهت دارد وچنانچه آب روان نباشد کراهت آن بیشتر است. ودر روایات آمده که بول کردن در آب راکد باعث تسلّط شیاطین وجنّیان می شود ودیوانگی وفراموشی می آورد. (1)

2. ایستاده ادرار کردن و نیز در حال ایستاده مدفوع کردن کراهت دارد.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس ایستاده ادرار کند بیم آن می رود که دیوانه شود». (2)

3. از جای بسیار بلند ادرار کردن. (3)

4. ادرار کردن در سوراخ جانوران. (4)

5. ادرار کردن ومدفوع کردن در مجرای آب، هر چند آب نداشته باشد. (5)

6. در راه ها ومحلّ عبور ومرور مردم. (6)

7. کنار آب ها. (7)

8. در کنار مساجد. (8)

9. در خانه ها (خارج از دستشویی). (9)

10. در جایی که مردم به خاطر این کار دشنام دهند ونفرین کنند. (10)

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 16، ذیل حدیث 35؛ وسائل الشیعه، ج 1، ص 240، ح 4 و5.

2- تهذیب، ج 1، ص 374، ح 1044.

3- وسائل الشیعه، ج 1، ص 248، باب 33، ح 1.

4- السّنن الکبری، ج 1، ص 99.

5- وسائل الشیعه، ج 1، ص 228، ح 2.

6- وسائل الشيعه، ج 1، ص 228، ح 1.

7- وسائل الشيعه، ج 1، ص 228، ح 3.

8- وسائل الشيعه، ج 1، ص 228، ح 2.

9- وسائل الشيعه، ج 1، ص 228، ح 1.

10- وسائل الشيعه، ج 1، ص 228، ح 1.

11. زیر درختان میوه هنگامی که میوه دارد؛ زیرا ملائکه در آن هنگام با آن درختان هستند (1) ومیوه ها را از ضرر جانوران حفظ می کنند. وعدّه ای معتقدند که

در غیر زمان میوه داشتن هم مکروه است. (2)

12. در محلّ استقرار مسافران. (3)

13. جایی که باعث اذیّت مردم شود، هر چند به سبب بوی آن باشد.

در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند متعال چند گروه را نفرین کرده است: کسی که در محلّ استراحت مسافران تخلّی کند، کسی که مردم را از آب مباحی که در چاه ها وچشمه هاست ومردم به نوبت از آن استفاده می کنند ممنوع سازد، یا در روز وشبی که نوبت اوست مانع استفاده صاحب آب شود، کسی که راه عبور ومرور مردم را به شکلی مسدود سازد». (4)

1- وسائل الشیعه، ج 1، ص 230، ح 8.

2- جواهر الکلام، ج 2، ص 60.

3- وسائل الشیعه، ج 1، ص 228، ح 2.

4- کافی، ج 3، ص 16، ح 6؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 18، ح 45.

فصل نهم: آداب حجامت وتنقیه، داروها وبیماری ها

اشاره

ثواب بیماری وبیان شدّت ابتلای مؤمن

پاداش بیماری

1. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله سر به سوی آسمان کرد وتبسّم نمود. اصحاب از علّت آن پرسیدند. حضرت فرمود: تعجّب کردم از دو فرشته ای که به زمین فرود آمدند، بنده مؤمن صالحی را در مکان نمازش نیافتند، به آسمان رفتند وگفتند: پروردگارا، فلان بنده تو را در محلّ خواندن نمازش نیافتیم، او در بند بیماری است. خداوند فرمود : برای این بنده تا زمانی که بیمار است مثل آنچه را که در حال سلامت از کارهای خیر در شب وروز انجام می داد بنویسید». (1)

2. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هنگامی که ضعف پیری بر مؤمن غلبه کند، خداوند متعال دستور می دهد که آنچه را در حال جوانی ونشاط انجام می داده است اکنون نیز برایش بنویسند. همچنین فرشته ای را مأمور می کند که کارهای خیری را که مؤمن بیمار در حال سلامتی انجام می داده است به هنگام بیماری نیز برایش بنویسند. وکارهای بدی را که کافر در حال سلامتی به جا آورده است، در حال مرض نیز برایش منظور دارند». (2)

1- کافی، ج 3، ص 113، ح 1.

2- کافی، ج 3، ص 113، ح 2.

3. در حدیث است که: «خداوند متعال به فرشته سمت چپ دستور می دهد در ایّام بیماری، گناهی برای مؤمن بیمار ننویسد». (1)

4. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک شب بیداری به خاطر بیماری ودرد، بهتر از یک سال عبادت است». (2)

5. در احادیث معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس یک شب بیماری را تحمّل کند واز تحمّل درد ورنج هایش به کسی خبر ندهد وچون صبح شود خدا را شکر کند، خداوند به فضل وکرمش ثواب عبادت شصت سال را به او می دهد». (3)

6. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بدنی که مبتلا به بیماری نشود طغیان می کند ودر چنین بدنی خیری نیست». (4)

7. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بیماری، گناهان مؤمن را

پاک می کند ورحمت الهی را شامل او می سازد وبرای کافران عذاب ونفرین است». (5)

8. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک شب سردرد هر گناهی را برطرف می کند، مگر گناهان کبیره». (6)

9. در روایتی معتبر می خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند متعال می فرماید: هر کس سه شب بیماری را تحمّل کند وبه هیچ کس از عیادت کنندگانش شکایت نکند، گوشت وخون (بدن بیمارش) را به گوشت

1- کافی، ج 3، ص 114، ح 7.

2- کافی، ج 3، ص 114، ح 6؛ مکارم الأخلاق، ص 358.

3- کافی، ج 3، ص 116، ح 5؛ مکارم الأخلاق، ص 359، از امام صادق علیه السلام.

4- کافی، ج 3، ص 114، ح 8.

5- مکارم الأخلاق، ص 415.

6- مکارم الأخلاق، ص 414.

وخونی بهتر تبدیل می کنم. واگر او را شفا دهم از گناهان پاکش می کنم واگر بمیرانم وی را به سوی رحمت خود می برم». (1)

10. در حدیثی دیگر فرمود: «منظور از شکایت این نیست که بگوید دیشب نتوانستم بخوابم، بلکه منظور این است که بگوید به بلایی مبتلا شدم که هیچ کس به آن مبتلا نشده. آنچه به من رسیده به هیچ کس نرسیده. ومثل این سخنان». (2)

تب

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «تب فرستاده مرگ وزندان خدا در زمین وبهره مؤمن از جهنّم است. وگرمی تب از جهنّم است». (3)

2. از امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تب درد نیکویی است که به هر عضوی بهره ای از بلا می رساند. وخیری نیست در کسی که به (هیچ) بلا (ومشکلی) مبتلا نشود». (4)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند هر بنده ای را دوست داشته باشد یکی از سه تحفه را برایش می فرستد: تب، درد چشم، سردرد». (5)

4. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک شب تب کردن برابر با

یک سال عبادت ودو شب برابر با دو سال وسه شب برابر با هفتاد سال عبادت است». (6)

1- مکارم الأخلاق، ص 415.

2- کافی، ج 3، ص 116، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 415.

3- كافى، ج 3، ص 112، ح 7؛ مكارم الأخلاق، ص 357.

4- مكارم الأخلاق، ص 357.

5- مكارم الأخلاق، ص 358.

6- مكارم الأخلاق، ص 358.

5. در حدیثی می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «یک شب تب کردن کفّاره گناهان گذشته وآینده است». (1)

6. از امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه مؤمن تب کند گناهانش مانند برگ درختان می ریزد. واگر بستری شود ناله اش ثواب «سبحان الله» وفریادش ثواب «لا إله إلّا الله» دارد. وهنگامی که از پهلویی به پهلوی دیگر می شود، مانند کسی است که در راه خدا شمشیر می زند». (2)

(توجّه به این روایات انسان را از ناشکیبایی به هنگام مبتلا شدن به این گونه بیماری ها که جنبه عمومی دارد، بازمی دارد. در ضمن مفهوم این روایات این نیست که انسان به سراغ بیماری ها برود یا از بهداشت و پیشگیری خودداری کند که برخلاف نصّ روایات است، بلکه مفهوم آن دلداری و تسلی خاطر، و دادن روحیه به بیماران است که تسریع در بهبودی آنها خواهد بود).

فلسفه بلاها

1. در روایات معتبر می خوانیم که بلای پیامبران : از همه شدیدتر است، پس از آنها اوصیا وجانشینان پیامبران ودر مرتبه سوم هر کس نیکوتر وفاضل تر است بلایش بزرگ تر است. به مؤمن مطابق ایمان واعمال نیک او بلا می رسد؛ بنابراین، هر کس ایمانش صحیح تر وعملش نیکوتر باشد بلایش بیشتر وهر کس ایمانش ضعیف تر وعمل نیک وی کمتر باشد، بلایش کمتر است. (3)

2. در احادیث معتبر می خوانیم که حضرت صادق علیه السلام فرمود: «ثواب عظیم به همراه بلای عظیم است. خداوند هیچ گروهی را دوست نمی دارد، مگر آنکه آنها

1- كافى، ج 3، ص 115، ح 10؛ مكارم الأخلاق، ص 358.

2- مكارم الأخلاق، ص 357.

3- كافى، ج 2، ص 252، ح 2.

را مبتلا به مشکلاتی می گرداند». (1)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال بندگان خالصی دارد که هر تحفه آسمانی را از آنها بازمی دارد وهیچ بلایی نمی فرستد، مگر آنکه از دیگران به سوی آنها هدایت می کند». (2)

4. ازامام باقر علیه السلامروایت شده است که فرمود: «چون خداوند بنده ای را دوست بدارد او را غرق در بلا می کند، پس اگر خدا را برای دور کردن بلا بخواند در پاسخش می گوید: لبّیک ای بنده من، اگر خواست تو را زود به جا آورم قادر بر آن هستم واگر ثوابش را برای روز قیامت ذخیره کنم، موهبت بیشتری به تو داده ام». (3)

5. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چهل شب بر مؤمن نمی گذرد مگر اینکه حادثه ای برایش رخ می دهد که اندوهگین شده وبه سبب آن هوشیار وآگاه می شود». (4)

6.درروایتی صحیح آمده است که امام صادق علیه السلامفرمود:«درجه ومنزلتی در بهشت وجوددارد‌که هیچ کس به آن نمی رسد،مگر آن کس که بلایی به بدنش رسیده باشد». (5)

7. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال مؤمنان را با تحفه بلا یاد می کند، همانند کسی که از سفر برای خانواده اش هدیه می آورد. واو را از (لذّات) دنیا پرهیز می دهد همان گونه که طبیب، بیمارش را از چیزهای مضر پرهیز می دهد». (6)

8. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شخصی حضرت

1- کافی، ج 2، ص 252، ح 3؛ وص 253، ح 8 و10.

2- کافی، ج 2، ص 253، ح 5.

3- کافی، ج 2، ص 253، ح 7.

4- کافی، ج 2، ص 254، ح 11.

5- کافی، ج 2، ص 255، ح 14.

6- کافی، ج 2، ص 255، ح 17.

رسول صلی الله علیه و آله را به خانه اش دعوت کرد. چون حضرت وارد منزل او شد دید مرغی بر روی دیوار تخم کرده وتخمش از بالای دیوار افتاد وبر روی میخی که در میانه دیوار نصب شده بود قرار گرفت ونشکست. حضرت تعجّب کرد. صاحب خانه گفت: از این تعجّب می فرمایید؟ قسم به خدایی که تو را به راستی به سوی مردم فرستاد، هرگز بلا وحادثه ای به من نرسیده است. هنگامی که حضرت این جمله را شنید برخاست وفرمود: هر کس بلایی به او نرسد امید خیری در او نیست. سپس بی آنکه غذا بخورد آنجا را ترک کرد». (1)

9. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خداوند مؤمن را به هر بلایی گرفتار وبه هر مرگی می میراند، امّا عقلش را نمی گیرد. مگر نمی بینی که شیطان بر مال وفرزندان وخانواده حضرت ایّوب علیه السلام مسلّط شد، ولی بر عقل آن حضرت تسلّط نیافت؛ عقلی که خدا را به یگانگی می شناسد». (2)

آداب حجامت

اهمیّت حجامت

1. در روایتی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «دارو ودرمان چهار چیز است: حجامت، چکاندن دارو در بینی، حقنه کردن، قی کردن». (3)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر بیماری برای رسول خدا صلی الله علیه و آله بروز می کرد به حجامت پناه می برد». (4)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «جبرئیل برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله مسواک وحجامت را به ارمغان آورد». (5)

1- کافی، ج 2، ص 256، ح 20.

2- کافی، ج 2، ص 256، ح 22؛ج 3، ص 112، ح 10.

3- خصال، ج 1، ص 229، ح 99؛ بحارالأنوار، ج 62، ص 108، ح 1.

4- طبّ الأئمّه، ص 56.

5- کافی، ج 6، ص 376، ح 2. در مصدر «خلال» نیز آمده است.

زمان مناسب برای حجامت

1. در حدیث است که امام صادق علیه السلام بعد از نماز عصر حجامت می کردند. (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حجامت را در آخر روز به جا آورید». (2)

3. در روایتی آمده است: بسیار اتّفاق می افتاد که حضرت رضا علیه السلام در اثنای شب احساس می کرد که خون اضافه دارد، همان زمان حجامت می کرد. (3)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بهتر است در ماه رمضان در شب حجامت کنند». (4)

5. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس می خواهد حجامت کند، روز شنبه حجامت کند». (5)

6. در حدیث است که حضرت صادق علیه السلام بر گروهی که حجامت می کردند عبور کرد فرمود: «چه می شد اگر این کار را تا عصر روز یکشنبه به تأخیر می انداختید که درد را بیشتر از بدن می کشد». (6)

7. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حجامت کردن در روز یکشنبه، دوای هر دردی است». (7)

8. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حجامت ما در روز یکشنبه وحجامت شیعیان ما در روز دوشنبه است». (8)

1- خصال، ج 2، ص 150؛ بحارالأنوار، ج 62، ص 114، ح 16.

2- مکارم الأخلاق، ص 75.

3- مکارم الأخلاق، ص 73.

4- مكارم الأخلاق، ص 73.

5- مكارم الأخلاق، ص 74.

6- خصال، ج 2، ص 147، ح 47؛ بحارالأنوار، ج 62، ص 108، ح 2.

7- مكارم الأخلاق، ص 74.

8- مكارم الأخلاق، ص 73.

9. در حدیثی دیگر فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله عصر روز دوشنبه حجامت می کرد وبه حجامت کننده به عنوان اجرت، گندم می داد». (1)

10. نیز در روایتی فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله روز دوشنبه بعد از عصر حجامت می کردومی فرمود:حجامت درآخرروزدوشنبه،دردراازبدن می کشد». (2)

11. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روز سه شنبه روز خون گرفتن است». (3)

12. در حدیثی می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس در روز سه شنبه هفدهم یا چهاردهم یا بیست ویکم ماه حجامت کند، از همه دردها در آن سال شفا پیدا می کند». (4)

13.درحدیث است که کسی مشاهده کردامام هادی علیه السلامدرروزچهارشنبه حجامت می کند.عرض کرد:اهل مکّه ومدینه ازحضرت رسول صلی الله علیه و آلهروایت کرده اند که هر کس در روز چهارشنبه حجامت کند ومبتلا به پیسی شود، کسی را جز خود ملامت نکند. حضرت فرمود: این روایت جعلی است ونقل کنندگان آن «دروغ می گویند». (5)

14. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس در چهارشنبه آخر ماه برای ردّ بر کسانی که فال بد می زنند حجامت کند، از هر بلایی محفوظ مانده ومحلّ حجامتش سبز نشود». (6)

15. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس در ابتدای روز پنجشنبه آخر ماه حجامت کند، دردها را از بدنش می کشد». (7)

1- خصال، ج 2، ص 148، ح 48؛ بحارالأنوار، ج 62، ص 109، ح 3.

2- خصال، ج 2، ص 148، ح 48؛ بحارالأنوار، ج 62، ص 109، ح 4 و5.
3- علل الشرايع، ج 2، ص 598، باب 385، ح 44.
4- خصال، ج 2، ص 149، ح 49؛ بحارالأنوار، ج 62، ص 110، ح 7.
5- خصال، ج 2، ص 149، ح 50؛ بحارالأنوار، ج 62، ص 110، ح 7.
6- خصال، ج 2، ص 150، ح 50؛ بحارالأنوار، ج 62، ص 114، ح 15.
7- خصال، ج 2، ص 151، ح 51؛ بحارالأنوار، ج 62، ص 111، ح 10.

16. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روز پنجشنبه حجامت کنید». (1)

17. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در روز پنجشنبه خون در محلّ حجامت جمع می شود وبه هنگام ظهر در بدن متفرّق می شود؛ بنابراین، پیش از ظهر حجامت کنید». (2)

18. در روایتی معتبر آمده است که امام کاظم علیه السلام در روز چهارشنبه حجامت کرد تب برطرف نشد، لذا در روز جمعه حجامت کرد وتب برطرف شد. (3)

19. در حدیثی می خوانیم که امام کاظم علیه السلام فرمود: «هر کس در نخستین سه شنبه آذرماه رومی (که مصادف با اوّل بهار است) حجامت کند، باعث صحّت بدن او می شود». (4)

20. ودر روایتی دیگر فرمود: «در روز هفتم ماه حزیران رومی که در اوایل تابستان است حجامت کنید، اگر نشد در چهاردهم آن ماه». (5)

(توضیح اینکه: مفهوم روایات بالا این است که حجامت کردن در هر یک از روزهای هفته، تأثیر خاصّی دارد).

اوقات نامناسب

1. در روایتی آمده است که هرگاه روز چهارشنبه قمر در عقرب باشد نباید حجامت کرد. (6)

1- خصال، ج 2، ص 153؛ بحارالأنوار، ج 62، ص 116، ح 23.

2- مکارم الأخلاق، ص 75؛ بحارالأنوار، ج 62، ص 125، ح 73.

3- خصال، ج 2، ص 149، ح 50؛ بحارالأنوار، ج 62، ص 113، ح 14.

4- طبّ الأئمّه، ص 56.

5- مكارم الأخلاق، ص 75.
6- مكارم الأخلاق، ص 75.

2. در حدیث است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از حجامت کردن در روز چهارشنبه

نهی کرد. (1)

3. در حدیثی می خوانیم که امام صادق علیه السلام از حجامت کردن در هنگام ظهر روز جمعه نهی کرد. (2)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس در ظهر روز جمعه حجامت کند وبلایی به او برسد، کسی را جز خود ملامت نکند». (3)

5. نیز در روایتی فرمود: «حجامت در روز شنبه باعث ضعف می شود». (4)

توجّه: روایاتی که زمان های مناسب ونامناسب حجامت را بیان کرده، هیچ کدام جنبه لزوم ووجوب ندارد بلکه روایاتی که سفارش به حجامت کرده، جنبه استحباب وروایات نهی کننده، جنبه کراهت دارد؛ بنابراین، حجامت در هر زمان وساعتی از شبانه روز جایز است؛ هر چند ممکن است در برخی روزها یا ساعات بهتر باشد. ازاین رو، در روایتی از امام صادق علیه السلام می خوانیم که فرمود : «آیه الکرسی را بخوان ودر هر روزی که بخواهی حجامت کن». (5)

ودر حدیث دیگری آمده است: کسی امام کاظم علیه السلام را دید که در روز جمعه حجامت می کند. عرض کرد: فدایت شوم روز جمعه حجامت می کنی؟ فرمود : «هر زمان خون اضافه داشتی، خواه شب باشد یا روز، آیه الکرسی را بخوان وحجامت کن». (6)

ودر روایت است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: مردم حجامت در

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 5.

2- مکارم الأخلاق، ص 75.

3- کافی، ج 8، ص 166، ح 225.

4- طبّ الأئمّه، ص 136.

5- مکارم الأخلاق، ص 75؛ بحارالأنوار، ج 62، ص 126، ح 76 وص 131، ح 99.

6- خصال، ج 2، ص 152، ح 52؛ بحارالأنوار، ج 62، ص 109، ح 6.

روز شنبه وچهارشنبه را بد می دانند (نظر شما چیست؟) فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: انسان هر زمان با اضافه خون روبه رو شد، باید همان وقت حجامت کند تا منتهی به مرگش نشود». (1)

نتیجه اینکه تعارضی بین روایات مورد بحث وجود ندارد.

محلّ حجامت

1. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله در قسمت سر ومیان هر دو کتف ودر پشت گردن، حجامت می کرد. یکی را نافعه (سودمند) ودیگری را مغیثه (به فریادرسنده) وسومی را منقذه (خلاص کننده از بلاها) می نامید».

در روایتی دیگر فرمود: «منقذه آن است که از سر بینی به سمت بالا یک وجب کرده، به هر جا که رسید همان جا را حجامت کنید». (2)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «حجامت در گودی پشت سر، موجب غلبه فراموشی است». (3)

3. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حجامت سر به فریاد رسنده وبرای هر دردی جز مرگ، مفید است؛ بنابراین، از دو طرف ابرو به سمت پشت سر یک وجب کرده وآنجا را که هر دو انگشت به هم می رسد حجامت کنید». (4)

4. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نخست پشت گردن را حجامت می کرد، سپس جبرئیل بر آن حضرت نازل شد وبه وی امر کرد که میان دو کتف را حجامت کند. (5)

1- طبّ الأئمّه، ص 56.

2- معانی الأخبار، ص 247؛ بحارالأنوار، ج 62، ص 112، ح 12.

3- مکارم الأخلاق، ص 76.

4- کافی، ج 8، ص 141، ح 160.

5- طبّ الأئمّه، ص 58.

5. در روایتی آمده است که امام جواد علیه السلام طبیبی طلبید واز وی خواست که رگ کف دستش را بگشاید. (1)

آداب حجامت

آداب قبل از حجامت

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مبادا ناشتا حجامت کنید، بلکه اندک چیزی بخورید که خون بیشتری از بدن بیرون آید وقوّت بدن بیشتر شود، زیرا هرگاه پس از غذا خوردن حجامت کنید، خون بدن جمع شده وخون فاسد را بیرون می کند واگر قبل از خوردن غذا حجامت کند، خون سالم بیرون رفته وخون فاسد در بدن می ماند». (2)

2. در کتاب فقه الرّضا آمده است که هرگاه قصد حجامت کردی چهار زانو نزد حجامت کننده بنشین واین دعا را بخوان: بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ. اَعُوذُ بِاللهِ الْکَرِیمِ فی حِجامَتی مِنَ الْعَیْنِ فِی الدَّمِ وَمِنْ کُلِّ سُوءٍ وَاَعْلالٍ وَاَمْراضٍ وَاَسْقامٍ وَاَوْجاعٍ وَاَسْأَلُکَ الْعافِیَهَ وَالْمُعافاهَ وَالشِّفاءَ مِنْ کُلِّ داءٍ. (3)

آداب هنگام حجامت

همان گونه که در حدیثی از امام صادق وامام کاظم علیهما السلام گذشت، خواندن آیه الکرسی به هنگام حجامت کردن سفارش شده است. (4)

2. در کتاب مکارم الأخلاق آمده است: «هرگاه حجامت کردی وخون از محلّ

1- مکارم الأخلاق، ص 76.

2- مکارم الأخلاق، ص 73.

3- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. پناه می برم به خداوند در این حجامتم از چشم زخم واز هر بدیواز هر بیماری ها وناراحتی ها ودردها واز تو عافیت وشفای از هر دردی را خواهانم». فقه الرّضا، ص 394.

4- فقه الرضا علیه السلام، ص 394؛ خصال، ج 2، ص 152، ح 52.

حجامت خارج شد، قبل از آنکه بر زمین بریزد این دعا را بخوان: بِسْمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ، اَعُوذُ بِاللهِ الْکَریمِ فی حِجامَتی، مِنَ الْعَیْنِ فِی الدَّمِ وَمِنْ کُلِّ سُوءٍ (1) ، زیرا هنگامی که این دعا را بخوانی همه خیرات را جمع کرده ای، چون خداوند متعال در قرآن مجید فرماید: (وَلَوْ کُنْتُ أَعْلَمُ الْغَیْبَ لاَسْتَکْثَرْتُ مِنَ الْخَیْرِ وَمَا مَسَّنِیَ السُّوءُ)». (2)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که حجامت کردی وخون از محلّ حجامت بیرون آمد، پیش از آنکه حجمه (3) را بریزند بگو: بِسْمِ اللهِ

الرَّحمنِ الرَّحیمِ، اَعُوذُ بِاللهِ الْکَریمِ فی حِجامَتی مِنَ الْعَیْنِ فِی الدَّمِ وَمِنْ کُلِّ سُوءٍ». (4)

آداب پس از حجامت

1. در حدیث است پس از آنکه امام صادق علیه السلام حجامت کرد، سه دانه قند با نبات طلبید وتناول کرد وفرمود: «خونی صاف تولید وحرارت را قطع می کند». (5)

2. در حدیث است که زید شحام می گوید خدمت امام صادق علیه السلام بودم که حجّام را طلبید وفرمود: «محجمه خود را بشوی وآویزان کن!» سپس اناری تناول فرمود وحجامت کرد. پس از حجامت، انار دیگری تناول کرد وفرمود : «خوردن انار در این وقت، صفرا را فرو می نشاند». (6)

1- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. در این حجامتم از چشم زخم و هرگونه آثار بد به خداوند کریم پناه می برم». مکارم الأخلاق، ص 82.

2- ترجمه: «اگر از غیب باخبر بودم، سود فراوانی برای خود فراهم می کردم وهیچ بدی (وزیانی) به منںمی رسید». سوره اعراف، آیه 188.

3- «حجمه» ظرفى است كه خون را در آن جمع مى كنند.

4- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. در اين حجامت از چشم زخم وهرگونه آثار بد به خداوند كريم پناهمى برم». مكارم الأخلاق، ص 74.

5- طبّ الأئمّه، ص 59؛ مكارم الأخلاق، ص 74.

6- مكارم الأخلاق، ص 74.

3. در روایتی می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله پس از حجامت با آب سرد غسل می کرد تا حرارت خون فرو نشیند». (1)

4. از امام هادی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انار شیرین بعد از حجامت، خون را ساکن وصاف می کند». (2)

5. در حدیثی می خوانیم که امام باقر علیه السلام از ابوبصیر پرسید: مردم پس از حجامت چه می خورند؟ گفت: برگ کاسنی وسرکه. حضرت فرمود: «اشکالی ندارد». (3)

فواید حجامت

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حجامت، بدن را صحیح وسالم وعقل را تقویت می کند». (4)

2. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «اگر در چیزی شفا باشد، در شیشه حجّام وخوردن عسل است». (5)

3. نیز در حدیثی فرمود: «حجامت، عادت پسندیده ای است که دیده را جلا می دهد ودردها را از میان می برد». (6)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس به نخستین حجمه ای که از خون او بریزند نگاه کند، تا حجامت بعدی از درد چشم امان می یابد». (7)

1- طبّ الأئمّه، ص 58.

2- طبّ الأئمّه، ص 59.

3- مکارم الأخلاق، ص 74.

4- خصال، ج 2، ص 400، ح 1؛ بحارالأنوار، ج 62، ص 114، ح 18.

5- مکارم الأخلاق، ص 165.

6- معانى الأخبار، ص 247.

7- طبّ الأئمّه، ص 58.

.5 و در گفتاری فرمود: «حجامت انسان را از سردرد، دندان درد، خوره، دیوانگی وپیسی شفا می بخشد». (1)

.6 از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حجامت سر شفای همه دردها جز مرگ است». (2)

.7 از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حجامت سر برای بیماری های دیوانگی، خوره، پیسی ودندان درد سودمند است». (3)

.8 در حدیثی دیگر فرمود: «حجامت سر برای تاریکی چشم ودرد سر وجلوگیری از پرخوابی مؤثّر است». (4)

.9 کسی از درد جگر به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت به وی سفارش کرد پایش را فصد کند (رگ بزند). کسی دیگر از خارش بدن شکایت کرد. حضرت فرمود: «سه مرتبه هر دو پا را حجامت کن، قسمت پشت پا، یا میان کعب وبند پا». (5)

.10 کسی از کچلی به حضرت موسی علیه السلام شکایت کرد، فرمود: «پای راست را فصد کن (رگ بزن) وبه مقدار دو درهم روغن بادام شیرین به روی آب کشک بریز وبخور وماهی وسرکه نخور». (6)

.11 در حدیث است که کسی از کچلی به حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد، حضرت سفارش کرد که رگ اکحل (7) را بگشاید. (8)

1- خصال، ج 2، ص 149، ح 49؛ بحارالأنوار، ج 62، ص 127، ح 85.

2- طبّ الأئمّه، ص 57.

3- مکارم الأخلاق، ص 76.

4- مکارم الأخلاق، ص 76.

5- مکارم الأخلاق، ص 77.

6- مکارم الأخلاق، ص 77.

7- «اکحل» نام رگی است در ذراع که آن را فصد می کنند. در فارسی رگ چهار اندام را گویند (فرهنگ عمید).

8- مکارم الأخلاق، ص 77.

سفارش های طبّی ائمّه علیهم السلام وحکم رجوع به اطبّا

ضرورت اقدام برای درمان

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پیامبری از پیامبران الهی بیمار شد، با خود گفت: مداوا نمی کنم تا همان کس که درد را داده شفایم دهد. خداوند به او وحی کرد: تا معالجه نکنی تو را شفا نمی دهم». (1)

2. در حدیث است که به امام صادق علیه السلام عرض شد: شخصی دارو می خورد، گاه او را شفا می دهد وگاه برایش ضرر دارد، امّا بیشتر اوقات شفا می دهد. حضرت فرمود: «خداوند دارو را فرستاده وشفا را هم همراه آن می فرستد. وهیچ دردی را خلق نکرده، مگر اینکه دوایی برای آن آفریده است؛ دوا را بخور وبه هنگام خوردن، نام پروردگار را ببر». (2)

چه کسی شفا می دهد؟

در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت موسی بن عمران علیه السلام از خداوند پرسید: چه کسی درد وبیماری را می دهد؟ خداوند فرمود : من. دوباره پرسید: دوا وشفا از کیست؟ خطاب آمد از من است. پرسید: پس حکیمان وطبیبان با مردم چه می کنند؟ فرمود: باعث آرامش دل مردم (و وسیله درمان) می شوند». (3)

مراجعه به طبیب غیر مسلمان

1. در حدیث است که کسی از امام کاظم علیه السلام پرسید: نیاز به طبیب مسیحی پیدا

1- مکارم الأخلاق، ص 362.

2- طبّ الأئمّه، ص 63.

3- کافی، ج 8، ص 74، ح 52.

می کنم. برای معالجه نزد او رفته، بر او سلام کرده وبرایش دعا می کنم چه حکمی دارد؟ فرمود: «اشکالی ندارد (اگر آدم خوبی نباشد) چیزی از سلام ودعای تو عاید او نمی شود». (1)

2. نیز از امام باقر علیه السلام پرسیدند: آیا می توان به دستورهای طبّی طبیب یهودی ومسیحی عمل کرد؟ فرمود: «اشکالی ندارد، شفا به دست خداست». (2)

زمان مراجعه به طبیب

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مسلمان زمانی اقدام به معالجه می کند که بیماری بر سلامتی اش غلبه پیدا کند». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس سلامتی اش بر بیماری غالب باشد ومعالجه کند وبر اثر معالجه بمیرد، من از او بیزارم». (4)

3. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تا ممکن است برای معالجه نزد اطبّا نروید، زیرا رجوع به آنان همانند ساختن یک خانه است که مقدار کم آن منتهی به زیاد می شود». (5)

مصرف دارو به مقدار ضرورت

1. در روایتی معتبر می خوانیم که امام کاظم علیه السلام فرمود: «هیچ دوایی نیست مگر اینکه دردی را تحریک می کند. وهیچ چیز برای بدن سودمندتر از آن نیست که تا ضرورتی نباشد در بدنت تصرّف نکنی». (6)

1- السرائر، ج 3، ص 569.

2- طبّ الأئمّه، ص 63.

3- خصال، ج 2، ص 411؛ بحارالأنوار، ج 62، ص 70، ح 24.

4- خصال، ج 1، ص 76، ح 86؛ بحارالأنوار، ج 62، ص 64، ح 5.

5- علل الشرایع، ج 2، ص 465، ح 17.

6- کافی، ج 8، ص 228، ح 409.

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس سلامتی اش

بر بیماری غالب باشد وبا این حال دارو مصرف کند، به کشتن خود کمک کرده است». (1)

پرهیز وامساک

1. در روایتی معتبر می خوانیم که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: در منطقه ما اطبّا بیماران را به امساک وپرهیز سفارش می کنند. حضرت فرمود: «ما اهل بیت فقط از خرما امساک می کنیم وخود را با سیب وآب سرد معالجه می نماییم». آن شخص پرسید: چرا فقط از خرما؟ حضرت فرمود: «زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت علی را به هنگام بیماری اش از خرما پرهیز داد». (2)

2. در حدیث است که در مورد مدّت پرهیز از حضرت پرسیدند؟ فرمود: «تا ده روز». (3)

3. و در حدیثی صحیح می خوانیم که فرمود: «تا هفت روز و پس از آن سودی ندارد». (4)

4. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «امساک این نیست که هیچ نخوری، بلکه آن است که کمتر بخوری». (5)

5. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «راه رفتن باعث بازگشت بیماری وشدّت آن می شود (وبه هنگام بیماری باید استراحت کرد)». (6)

1- طبّ الأئمّه، ص 61.

2- طبّ الأئمّه، ص 59.

3- معانى الأخبار، ص 238، از امام صادق عليه السلام.

4- طبّ الأئمّه، ص 59.

5- مكارم الأخلاق، ص 362.

6- كافى، ج 8، ص 242، ح 444.

انواع معالجات

معالجه با آب، عسل، شیر، باران و مانند آن

1. در حدیث است که مردی خدمت حضرت صادق علیه السلام رسید وعرض کرد : دردی دارم که اطبّا برای معالجه آن شراب تجویز کرده اند، آیا می توانم بنوشم؟ حضرت فرمود: «چرا آب درمانی نمی کنی؛ آبی که همه چیز به آن زنده است؟» (1)

عرض کرد: آب با مزاج من سازگار نیست. حضرت فرمود: «چرا از عسل استفاده نمی کنی که شفای دردهای مردم است؟» (2) عرض کرد: به عسل دسترسی ندارم.

حضرت فرمود: «چرا شیر نمی خوری که گوشت واستخوان بدنت از آن روییده است؟» عرض کرد: شیر با طبع من نمی سازد. حضرت فرمود: «می خواهی اجازه شراب خواری به تو بدهم! والله هرگز چنین اجازه ای نمی دهم». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شخصی بیمار شد حضرت علی علیه السلام به او فرمود: یک درهم از مَهر همسرت را که به او داده ای مطالبه کن وبا آن عسل بخر وبا آب باران بخور. آن شخص چنین کرد وشفا یافت. از حکمت این دستور پرسیدند. حضرت فرمود: خداوند در مورد مهر زنان فرماید: اگر زنان از مهر خود چیزی با رضایت خاطر به شما بخشیدند گوارای وجودتان، آن را بخورید با عافیت نیک (4) ودر مورد عسل فرموده است: در عسل برای مردم

شفاست (5) ودرموردآب باران فرماید:آب مبارکی ازآسمان فروفرستادیم (6) ؛بنابراین،

در این نسخه، گوارایی وحسن عاقبت وبرکت وشفا همه جمع شده است». (7)

1- منظور آیه 30 سوره انبیاء است.

2- سوره نحل، آیه 69.

3- تفسیر عیّاشی، ج 2، ص 264، ح 45.

4- سوره نساء، آیه 4.

5- سوره نحل، آیه 69.

6- سوره ق، آیه 9.

7- تفسیر عیّاشی، ج 1، ص 288، ح 15؛ مکارم الأخلاق، ص 407.

معالجه با صدقه

1. در حدیث است که کسی به امام کاظم علیه السلام عرض کرد: من وده تن از خانواده ام همه بیماریم (چه کنیم؟) حضرت فرمود: «آنها را با صدقه درمان کن که هیچ چیز بیشتر وزودتر از صدقه مؤثّر نیست». (1)

2. در احادیث به سندهای معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود : «بیماران خود را با پرداخت صدقه معالجه کنید». (2)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «صدقه بلاهای قطعی را دور می کند». (3)

4. نیز در روایتی فرمود: «صدقه مرگ های بد را از صاحبش برطرف می کند». (4)

معالجه با پیشگیری وآمیزش

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بیشتر دردها وبیماری ها بر اثر غلبه صفرا وسودا وخون سوخته شده وبلغم بسیار است، پس انسان باید قبل از آنکه این عوامل بر او غلبه وهلاکش کند مراقب حال خود باشد». (5)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس دردهایی در بدن خود داشته باشد وحرارت را بر مزاجش غالب یابد، با همسرش آمیزش کند که حرارت را فرو می نشاند». (6)

1- طبّ الأئمّه، ص 123.

2- طبّ الأئمّه، ص 123.

3- طبّ الأئمّه، ص 123.

4- طبّ الأئمّه، ص 123.

5- طبّ الأئمّه، ص 110.

6- طبّ الأئمّه، ص 94.

معالجه با حقنه (اماله)

معالجه با حقنه (1) (اماله)

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود : «بهترین نوع معالجه، مداوا کردن با حقنه است که شکم را شستشو داده، ودردهای داخلی را برطرف وبدن را تقویت می کند». (2)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حقنه از جمله داروهای عظیم است وشکم را شستشو می دهد». (3)

3. نیز در حدیثی فرمود: «معالجه چهار چیز است: حجامت کردن، دارو مالیدن، قی کردن، حقنه کردن». (4)

معالجه با حجامت وحمّام رفتن

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «طبّ عرب در حجامت وحقنه است وآخرین دوای آنان داغ کردن». (5)

توجّه:روایاتی درمورداهمّیّت وفوایدحجامت گذشت وروایاتی خواهد آمد.

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بهترین دوای شما حقنه کردن ودارو در بینی چکاندن وحجامت کردن وحمّام رفتن است». (6)

معالجه با چکاندن دارو در بینی ودارو کشیدن

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «روغن بنفشه در بینی بچکانید». (7)

1- «حُقنه» داروی مایعی است که از راه مقعد وارد روده ها می کنند (فرهنگ عمید).

2- خصال، ج 2، ص 434؛ بحارالأنوار، ج 62، ص 114، ح 19.

3- طبّ الأئمّه، ص 54.

4- کافی، ج 8، ص 167، ح 226.

5- طبّ الأئمّه، ص 55.

6- طبّ الأئمّه، ص 57.

7- خصال، ج 2، ص 434؛ بحارالأنوار، ج 62، ص 115، ح 19.

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حجامت، نوره کشیدن ودارو در بینی چکاندن از دوای پیامبران است». (1)

معالجات مختلف

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «درد سه چیز است ودوا نیز سه چیز: درد ناشی از صفرا، بلغم وخون است. دوای خون، حجامت ودوای صفرا وسودا، مسهل ودوای بلغم، حمّام است». (2)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «طبّ عرب در هفت چیز است : حجامت، حقنه، ریختن دارو در بینی، حمّام رفتن، قی کردن، خوردن عسل، وآخرین دوای آنها داغ کردن است». (3)

چگونگی نماز انسان مبتلا به چشم درد

در حدیث است که از امام باقر علیه السلام پرسیدند: از چشم زن یا مردی آب می آید. پزشکان گویند که باید چشمش را میل بزنیم وسی تا چهل روز بر پشت بخوابد وحرکت نکند ودر آن حال نماز را با اشاره بخواند. نظر شما چیست؟ فرمود : «اشکالی ندارد». (4)

دستورهای طبّی نه گانه

در کتاب فقه الرضا علیه السلام دستورهای نُه گانه طبّی به این شرح سفارش شده است :

1- طبّ الأئمّه، ص 57.

2- مکارم الأخلاق، ص 76.

3- طبّ الأئمّه، ص 55.

4- تفسير عيّاشى، ج 1، ص 74، ح 153.

1. امساک برترین داروهاست ومعده خانه دردها واستفاده از غذاهای خوبی را که عادت داری ترک نکن. (1)

2. تا زمانی که بدنت تحمّل دارد از مصرف دارو خودداری کن. (2)

3. هر زمان گرسنه شدی غذا بخور وهر وقت تشنه شدی آب بنوش وهرگاه نیاز به دستشویی داشتی دستشویی برو وتا ضرورتی نباشد (با همسرت) آمیزش مکن وهر زمان نیاز به خواب داشتی بخواب؛ اگر به این دستورها عمل کنی همواره بدنت سالم خواهد بود. (3)

4. خداوند متعال تا زمانی که مقدّر کرده بیماری ادامه داشته باشد به دارو اجازه تأثیر نمی دهد. پس از آن، اجازه تأثیر داده وبا آن دارو شفا عنایت می کند. مگر اینکه قبل از انقضای آن مدّت، دعایی کنی یا صدقه ای بدهی، یا کار خیری انجام دهی که خداوند نیز به دارو اجازه تأثیر می دهد. (4)

5. شفای هر دردی در عسل است. هر کس ناشتا یک انگشت عسل بخورد بلغم وسودا را برطرف می کند وچنانچه با کُندر خورده شود، ذهن را صاف می کند. آب سرد حرارت صفرا را فرو می نشاند وغذا را هضم می کند واخلاط موجود در دهانه معده را ذوب کرده وتب را برطرف می کند. (5)

6. اگر چیزی بدن را فربه کند ماساژ دادن ولباس های نرم پوشیدن وحمّام رفتن واستعمال بوی خوش است. واگر مرده را ماساژ دادند وزنده شد

بعید نیست. وصدقه دادن بلاهای آسمانی را دور می کند وقضای حتمی را برطرف می سازد. (6)

1- فقه الرّضا، ص 340.

2- مکارم الأخلاق، ص 362.

3- فقه الرّضا، ص 340.

4- فقه الرّضا، ص 341.

5- فقه الرّضا، ص 346.

6- فقه الرّضا، ص 346.

7. چیزی مانند دعا وصدقه دادن وآب سرد، بیماری را برطرف نمی کند. (1)

8. حدّاکثر پرهیز وامساک چهارده روز است. وپرهیز این نیست که چیزی نخوری، بلکه به معنای کمتر خوردن است، زیرا سلامتی وبیماری در بدن انسان در حال درگیری ومبارزه اند. پس هر زمان سلامتی بر بیماری غلبه کند بیمار به غذا اشتها پیدا می کند؛ بنابراین، هر زمان به غذا اشتها داشت غذایش دهید که شاید شفایش در آن طعام باشد. (2)

9. شفای هر دردی در قرآن است؛ پس بیماران خود را با صدقه مداوا کنید واز قرآن شفا بطلبید که هر کس را قرآن شفا ندهد هیچ چیزی سبب شفای

او نمی شود. (3)

معالجه انواع تب وتعویذها

روش های مادّی درمان تب

آب سرد وسیب

1. در احادیث فراوانی از حضرات معصومین علیهم السلام می خوانیم که فرمایند: ما تب را جز با ریختن آب سرد بر بدن وخوردن سیب، معالجه نمی کنیم. (4)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تب از بوی جهنّم است، آن را با آب سرد فرو نشانید». (5)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «هیچ چیز برای از بین بردن تب، سودمندتر از دعا وآب سرد نیست». (6)

1- فقه الرّضا، ص 346.

2- فقه الرّضا، ص 346.

3- فقه الرّضا، ص 342.

4- محاسن، ص 551، ح 890؛ مكارم الأخلاق، ص 173.

5- طبّ الأئمّه، ص 49.

6- طبّ الأئمّه، ص 50.

4. در حدیث آمده است که مُفضّل گوید: در ایّام تابستان خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم. آن حضرت تب داشت. دیدم ظرفی پر از سیب سبز نزد حضرت است. عرض کردم: مردم سیب را برای تب مفید نمی دانند. حضرت فرمود: «سیب تب را برطرف می کند وحرارت را فرو می نشاند». (1)

قندآب

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مقدار ده درهم قند با آب سرد قبل از صبحانه برای از بین بردن تب، نافع وسودمند است». (2)

2. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت صادق علیه السلام از کسی پرسید: «شما بیمارانتان را با چه دارویی معالجه می کنید؟» عرض کرد: با داروهای تلخ. حضرت فرمود: «هرگاه کسی از شما بیمار شد مقداری قند سفید بکوبید وبا آب سرد مخلوط کنید وبه بیمار بخورانید، زیرا خداوندی که با داروی تلخ شفا می دهد، قادر است با داروی شیرین هم شفا دهد». (3)

3. در حدیث است که ابراهیم جعفی گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم واز تب ربع (4) شکایت کردم. حضرت فرمود: «نبات یا قند را بساب ودر آب بریز

وناشتا بخور وهر زمان تشنه شدی از آن استفاده کن». به این دستور عمل کردم وزود شفا یافتم. (5)

1- محاسن، ص 551، ح 893؛ کافی، ج 6، ص 355، ح 3.

2- طبّ الأئمّه، ص 50.

3- محاسن، ص 501، ح 626.

4- «تب ربع» تبی است که یک روز عارض می شود ودو روز رها می کند، سپس در روز چهارم بازمی گردد.

5- طبّ الأئمّه، ص 51.

آب باران وبنفشه

1. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آب باران بخورید که بدن را پاک ودردها را برطرف می کند». (1)

2. در روایتی دیگر فرمود: «گرمی تب را با بنفشه وآب سرد بشکنید. (2) ودر

تابستان بر بدن بیمار تب دار، آب سرد بریزید». (3)

سنجد وکباب

1. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به ملاقات حضرت علی علیه السلام که تب داشت رفت وبه او فرمود: سنجد بخور». (4)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کباب، تب را برطرف می کند». (5)

برنج

در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم که فرمود: «دو سال یا بیشتر از بیماری شدیدی رنج می بردم، خداوند به من الهام کرد که از برنج استفاده کنم. مقداری برنج شسته، خشک کرده، سپس آن را بر روی آتش تافته، آسیاب کردم، بعد مقداری را به همان صورت ومقداری دیگر را با آب مخلوط وتناول کردم» (6) (ونتیجه گرفتم).

1- کافی، ج 6، ص 387، ح 2؛ مکارم الأخلاق، ص 156.

2- خصال، ج 2، ص 411؛ بحارالأنوار، ج 62، ص 97، ح 13 وص 415، ح 197.

3- خصال، ج 2، ص 415؛ بحارالأنوار، ج 62، ص 97، ح 13.

4- مكارم الأخلاق، ص 176.

5- كافى، ج 6، ص 319، ح 4.

6- بحارالأنوار، ج 62، ص 98، ح 17.

معالجه تب

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تب در میان اولاد پیامبران، دو برابر دیگران است». (1)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «معالجه تب با سه چیز ممکن است: قی (استفراغ غذاهای نامناسب) کردن، عرق کردن، مسهل». (2)

معجون وپالوده مخصوص

1. در حدیثی از امام کاظم علیه السلام می خوانیم که در مورد چگونگی معالجه تب غبّ کهنه (3) فرمود: «عسل وسیاهدانه را با هم مخلوط کن وسه انگشت از آن را

بخور که این هر دو مبارک است وخداوند در قرآن فرماید: در عسل شفاست (4)

وحضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: سیاهدانه شفای هر دردی است جز مرگ». (5)

2. از امام هادی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بهترین داروها برای تب «ربع» آن است که پالوده ای (6) با عسل بسازی وزعفران فراوانی در آن بریزی ویک روز

درمیان ازآن بخوری ودرآن روزکه ازآن پالوده می خوری چیزدیگری نخوری». (7)

روش های معنوی درمان تب

اشاره

یادآوری: دعاها و ذکرها و روش های معنوی معالجه دردها و بیماری ها نباید

1- بحارالأنوار، ج 62، ص 99، ح 19.

2- طبّ الأئمّه، ص 50.

3- «غَبّ» دیر به دیر ملاقات کردن، یک روز در میان کاری را انجام دادن و«حُمّی الغِبّ» تب نوبه، تب هر سه روزیک بار، تب یک روز در میان است (فرهنگ معاصر).

4- سوره نحل، آیه 69.

5- بحارالأنوار، ج 62، ص 100، ح 23.

6- پالوده حلوایی است که از عسل و بادام و نشاسته درست می کردند و با شربت قند می خوردند. (فرهنگمتوسّط دهخدا).

7- طبّ الأئمّه، ص 51.

جایگزین عمل و مراجعه به پزشکان حاذق و متعهّد شود؛ بلکه هر دو در عرض هم مورد توجّه قرار گیرد.

آبِ آیه الکرسی ویاد اهل بیت علیهم السلام

1. در حدیث است که کسی از تب به امام صادق علیه السلام شکایت کرد که بسیار طولانی شده است. حضرت فرمود: «آیه الکرسی را در ظرفی بنویس وبا آب حل کن وبخور». (1)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یاد ما اهل بیت، شفای تب وهمه دردها ووسوسه های شیطان است». (2)

هفتاد مرتبه سوره حمد وده مرتبه یاالله

1. در چندین حدیث معتبر آمده است که: «بر هیچ بیمار وصاحب دردی هفتاد مرتبه سوره حمد خوانده نمی شود، مگر آنکه دردش آرام می گیرد». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس مبتلا به بیماری شد، هفت مرتبه سوره حمد بخواند اگر برطرف نشد هفتاد مرتبه بخواند، من ضمانت می کنم که برطرف شود». (4)

3. در روایتی دیگر آمده است: «یکی از فرزندان حضرت بیمار شد، فرمود: ده مرتبه «یاالله» بگو؛ هیچ مؤمنی آن را نمی گوید مگر آنکه خداوند فرماید: «لبّیک، حاجتت را بگو». (5)

1- مکارم الأخلاق، ص 370.

2- خصال، ج 2، ص 418، ح 220.

3- طبّ الأئمّه، ص 53.

4- مکارم الأخلاق، ص 363.

5- طبّ الأئمّه، ص 121.

اذان واقامه وسوره حمد

1. در حدیثی می خوانیم که کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید وعرض کرد : یک ماه است که تب می کنم، آنچه اطبّا گفته اند به کار بستم امّا نتیجه نداشت. حضرت فرمود: «دکمه های پیراهنت را باز وسر را در گریبان پیراهنت کن واذان واقامه بگو وهفت مرتبه سوره حمد بخوان». راوی می گوید: به دستور حضرت عمل کردم، گویا از بندی رها شدم. (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «بیمار سر در گریبان خود کند، اذان واقامه بگوید، سپس هر یک از سوره های حمد، (قُلْ هُوَ اللهُ أَحَد)، (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَق)، (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاس) را سه مرتبه بخواند وپس از آن بگوید: اُعیذُ نَفْسی بِعِزَّهِ اللهِ وَقُدْرَهِ اللهِ وَعَظَمَهِ اللهِ وَسُلْطانِ اللهِ وَبِجَمالِ اللهِ وَبِجَمْعِ اللهِ وَبِرَسُولِ اللهِ وَبِعِتْرَتِهِ، صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ وَبِوُلاهِ اَمْرِ اللهِ، مِنْ شَرِّ ما اَخافُ وَاَحْذَرُ وَاَشْهَدُ اَنَّ اللهَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ اِلّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ وَصَلَّی اللهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. اَللّهُمَّ اشْفِنی بِشِفائِکَ وَداوِنی بِدَوائِکَ وَعافِنی مِنْ بَلائِکَ». (2)

صدقه ودعاهای مخصوص

1. در حدیث است که داوود بن زربی می گوید در مدینه مبتلا به بیماری شدیدی شدم. هنگامی که خبر به امام صادق علیه السلام رسید، برای من چنین نسخه نوشت: «سه کیلو گندم بخر وبر پشت بخواب وگندم ها را بر روی سینه ات بگذار

1- طبّ الأئمّه، ص 52؛ مکارم الأخلاق، ص 370.

2- ترجمه: «خود را پناه می دهم به عزّت وقدرت وعظمت وسلطنت وجمال وجلال خدا وبه رسولخدا صلی الله علیه و آله وعترت او واولیای

خدا (ائمّه علیهم السلام) از شرّ آنچه در بیم وهراسم. وگواهی می دهم که خدا، توانا برهمه چیز است وهیچ قدرتی نیست مگر از خدای علیّ عظیم ودرود خداوند بر محمّد وخاندان او. خدایا، بهشفای خود شفایم ده وبه داروی خود درمانم کن واز بلای خود عافیتم بخش». مکارم الأخلاق، ص 427؛بحارالأنوار، ج 95، ص 24.

وبگو: اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذی اِذا سَأَلَکَ بِهِ الْمُظْطَرُّ کَشَفْتَ ما بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَمَکَّنْتَ لَهُ فِی الاَرْضِ وَجَعَلْتَهُ خَلیفَتَکَ عَلی خَلْقِکَ، اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلی اَهْلِ بَیْتِهِ وَاَنْ تُعافِیَنِی مِنْ عِلَّتی (1) ، سپس بنشین وگندم ها را جمع

کن، دوباره آن دعا را بخوان. بعد گندم ها را چهار قسمت کن وهر قسمت آن را به یک فقیر بده وبرای بار سوم آن دعا را بخوان».

داوود می گوید: به دستور حضرت عمل کردم، گویا از بندی رها شدم. وبسیاری از افراد دیگر نیز به آن عمل کردند، شفا گرفتند. (2)

2. در روایتی معتبر آمده است که یکی از فرزندان امام صادق علیه السلام بیمار شد. حضرت فرمود: «این دعا را بخوان: اَللّهُمَّ اشْفِنی بِشِفائِکَ وَداوِنی بِدَوائِکَ وَعافِنی مِنْ بَلائِکَ، فَإنِّی عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدِکَ». (3)

3. در حدیث است که سلمان فارسی رحمه الله می گوید ده روز پس از رحلت حضرت رسول صلی الله علیه و آله از خانه بیرون آمدم. در راه حضرت علی علیه السلام را ملاقات کردم. فرمود: «به نزد فاطمه علیها السلام برو که تحفه ای از بهشت برایش آمده، می خواهد به تو عطا کند». با عجله خدمت آن حضرت رسیدم، فرمود: «روز گذشته همین جا نشسته بودم، درِ خانه بسته بود ومن غمگین بودم؛ در مورد قطع وحی الهی ونیامدن فرشتگان به سوی ما، فکر می کردم که ناگهان در گشوده شد وسه دختر وارد شدند؛ دخترانی که به آن زیبایی وجمال وطراوت ونزاکت وخوشبویی، هرگز کسی ندیده است. هنگامی که آنان را دیدم برخاستم وپرسیدم: شما از اهالی مدینه هستید؟ گفتند: ای دختر رسول خدا، ما از ساکنان زمین نیستیم،

1- ترجمه: «بار خدایا، به آن نامی تو را می خوانم که اگر شخص مضطر به آن نام تو را بخواند مشکل او را برطرفخواهی کرد واو را پیروز و مسلّط و خلیفه بر خلق خویش خواهی نمود، بر محمّد وخاندان او درود فرست وازبیماریم عافیت بخش».

2- طبّ الأئمّه، ص 53.

3- ترجمه: «خدایا، به شفایت شفایم ده وبه دوایت مداوایم کن واز بلایت عافیتم بخش، زیرا من بنده تووفرزند بنده توام». کافی، ج 2، ص 565، ح 3؛ مکارم الأخلاق، ص 392.

پروردگارت ما را از بهشت جاوید به سوی تو فرستاده است وما بسیار مشتاق دیدار تو بوده ایم. از یکی از آنها که از همه بزرگ تر بود پرسیدم: نام تو چیست؟ گفت: مقدوده. گفتم: چرا این نام را برای تو انتخاب کرده اند؟ گفت: زیرا برای مقداد بن اسود آفریده شده ام. از دیگری نامش را پرسیدم. گفت: من ذرّه هستم. گفتم: علّت نام تو چیست؟ گفت: زیرا برای ابوذر غِفاری خلق شده ام. نام سومین آنها را پرسیدم: گفت: سلمی هستم. گفتم: راز نام تو چیست؟ گفت: زیرا برای سلمان فارسی، آزادکرده پدرت آفریده شده ام. سپس پرسیدم: برای من چه آورده اید؟ مقداری رطب بیرون آوردند که مانند گرده های نان بزرگ واز برف سفیدتر واز مشک خوشبوتر بود». سلمان گوید: حضرت زهرا علیها السلام یکی از آن رطب ها را به من داد وفرمود: امشب با این رطب افطار کن وفردا هسته آن را برای من بیاور. رطب را گرفته، از خانه آن حضرت خارج شدم و به سوی منزل حرکت کردم. در بین راه به هر یک از اصحاب پیامبر رسیدم می پرسیدند: سلمان، مگر مشک همراه داری (که چنین بوی خوشی از تو به مشام می رسد)؟ می گفتم : آری. به هنگام افطار آن خرما را خوردم، امّا هیچ هسته ای نداشت. روز بعد خدمت حضرت زهرا علیها السلام رسیدم وعرض کردم: آن خرما هسته نداشت. حضرت فرمود: «چگونه چنین خرمایی هسته داشته باشد در حالی که خداوند متعال به سبب دعایی که پدرم به من آموخته وهر صبح وشام آن را می خوانم، آن درخت را در بهشت کاشته است». سلمان گفت: ای سیّده من، آن دعا را به من بیاموز. فرمود: «اگر می خواهی در دنیا مشکلات تب را نبینی، بر این دعا مواظبت کن :

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم. بِسْمِ اللهِ النُّورِ، بِسْمِ اللهِ نُورٌ عَلی نُورٍ، بِسْمِ اللهِ الَّذی هُوَ مُدَبِّرُ الاُمُورِ، بِسْمِ اللهِ الَّذی خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ. اَلْحَمْدُ للهِ الَّذی خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ، وَاَنْزَلَ النُّورَ عَلَی الطُّورِ، فی کِتابٍ مَسْطُورٍ، فی رَقٍّ

مَنْشُورٍ، بِقَدَرٍ مَقْدُورٍ، عَلى نَبِىٍّ مَحْبُورٍ. اَلْحَمْدُ للهِ الَّذى هُوَ بِالْعِزِّ مَذْكُورٌ وَبِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ وَعَلَى السَّرّاءِ

وَالضَّرّاءِ مَشْكُورٌ وَصَلَّى اللهُ عَلى سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرِينَ». (1) سلمان می گوید

این دعا را به بیش از هزار تن از اهالی مکّه ومدینه که تب داشتند تعلیم کردم، همه از تب نجات یافتند. (2)

تعویذ تب

1. در بعضی از کتاب های معتبر آمده است که برای (معالجه) تب این تعویذ را بر بازوی راست بیمار ببندید: سوره حمد کاملاً نوشته شود، سپس بنویسد :

«بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ، اَعُوذُ بِكَلِماتِ اللهِ التّامّاتِ كُلِّها، الَّتی لا یُجاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلا فاجِرٌ، مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ وَذَرَأَ وَبَرَأَ وَمِنْ شَرِّ الْهامَّهِ وَالسّامَهِ وَالْعامَّهِ وَالْلامَّهِ وَمِنْ شَرِّ طَوارِقِ الَّیْلِ وَالنَّهارِ وَمِنْ شَرِّ فُسّاقِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَمِنْ شَرِّ فَسَقَهِ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ وَمِنْ شَرِّ الشَّیْطانِ وَشَرَكِهِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذی شَرٍّ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دابَّهٍ هُوَ آخِذٌ بِناصِیَتِها، اِنَّ رَبّی عَلی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ. (رَبَّنا عَلَیْکَ تَوَكَّلْنا وَاِلَیْکَ اَنَبْنا وَاِلَیْکَ الْمَصیرُ). (3) (یَا

نَارُ كُونِی بَرْدًا وَسَلاَمًا عَلَى إِبْرهِیمَ * وَأَرَادُوا بِهِ كَیْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِینَ) (4) بَرْداً

وَسَلاماً عَلی فُلانِ ابْنِ فُلانَهِ (به جای فلان نام بیمار وبه جای فلانه نام مادر بیمار نوشته شود) (رَبَّنَا لاَ تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِینَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلاَ تَحْمِلْ عَلَیْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِینَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلاَ تُحَمِّلْنَا مَا لاَ طَاقَهَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ

1- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. به نام خدای نور، به نام خداوندی که نورِ ما فوق نور است، به نامخداوندی که تدبیرکننده امور

است. به نام خداوندی که نور را از نور آفریده است. حمد وسپاس مخصوصخدایی است که نور را از نور آفرید ونور خود را بر (کوه) طور تابید. در کتابی که نوشته شده، در صفحه ایگسترده، به اندازه ای معیّن، بر پیامبری عالم و آگاه. حمد وسپاس ویژه خداوندی است که به عزّت یادمی شود وبه فخر مشهور است ودر خوشی ها وتنگدستی ها سپاسگزاری می شود ودرود خدا بر آقای مامحمّد وخاندان پاک او».

2- مهج الدعوات، ص 5؛ بحارالأنوار، ج 43، ص 66، ح 59.

3- سوره ممتحنه، آیه 4 .

4- سوره انبیاء، آیات 69 و70.

مَوْلَنَا فَانْصُرْنَا عَلَی الْقَوْمِ الْکَافِرِینَ) (1) حَسْبِیَ اللَّهُ لاَ إِلَهَ إِلاَّ هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَلِیًّا وَتَوَکَّلْ

عَلَی الْحَیِّ الَّذِی لاَ یَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَکَفَی بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِیرًا بَصِیرًا لاَ اِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِیکَ لَهُ صَدَقَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَهَزَمَ الاْحْزابَ وَحْدَهُ مَا شَاءَ اللَّهُ لاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ (کَتَبَ اللَّهُ لاَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِی إنَّ اللَّهَ قَوِیٌّ عَزِیزٌ) (2) (إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ

هُمُ الْغَالِبُونَ) (3) (وَمَنْ یَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِیَ اِلَی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ) (4) وَصَلَّی اللهُ عَلی

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرینَ». (5)

1- سوره بقره، آیه 286.

2- سوره مجادله، آیه 21.

3- سوره مائده، آیه 56.

4- سوره آل عمران، آیه 101.

5- ترجمه: «به نام خدا وبه ذات (پاک) او (شروع می کنم.) پناه می برم به تمام کلمات کامل خدا که نیکوکاروبدکار از آنها نمی تواند بگذرد. از شرّ آنچه آفریده وخلق کرده وپدید آورده است واز شرّ هر گزنده وهرجانور زهردار وهر سوءِ نیّت دار واز شرّ حوادث روزگار که هنگام شب یا روز فرود آید واز شرّ فاسقان عربوعجم واز شرّ فاسقان جنّ وانس واز شرّ شیطان ودامش واز شرّ هر شروری واز شرّ هر جنبنده ای که زماماختیارش به دست اوست، (امر) پروردگار من بر راه راست است. پروردگارا! ما بر تو توکّل کردیم وبه سوی توبازگشتیم وبازگشت همه به سوی تو است. «ای آتش، بر ابراهیم سرد وسالم باش. آنها می خواستند ابراهیم رابا این توطئه نابود کنند، ولی ما آنها را زیانکارترین مردم قرار دادیم». ای تب، بر فلان کس فرزند فلان کسسرد وسالم باش!

«پروردگارا، اگر ما فراموش یا خطا کردیم، ما را مؤاخذه مکن». «پروردگارا، تکلیف سنگینبر ما قرار مده، آن چنان که (به خاطر گناه و طغیان) بر کسانی که پیش از ما بودند قرار دادی». «پروردگارا، آنچهطاقت تحمّل آن را نداریم بر ما مقرّر مدار؛ وآثار گناه را از ما بشوی ؛ وما را ببخش ودر رحمت خود قرار ده.تو مولا وسرپرست مایی، پس ما را بر جمعیّت کافران پیروز گردان». خداوند مرا بس است، معبودی جز اونیست، او را وکیل خویش برگیر وبر زنده ای که نمی میرد توکّل کن وبه حمد او تسبیح گوی وکافی است که اوبه گناهان بنده اش آگاه وبینا باشد وهیچ معبودی جز الله نیست. یکتاست وشریکی برای او نیست. وعده اشراست است وبنده خود را یاری کرد وبه تنهایی گروه های مشرک را شکست داد. آنچه را خدا می خواهد انجامخواهد شد. هیچ نیرویی نیست جز برای خدا. «خداوند چنین مقرّر داشته که من ورسولانم پیروز می شویم،چرا که خداوند قوی وشکست ناپذیر است»، «به راستی حزب خدا پیروز است»، «وهر کس به (ذیل عنایت)خدا چنگ زند به راهی راست هدایت شده است»، ودرود خدا بر محمّد وخاندان طاهرینش». مکارمالأخلاق، ص 403.

2. در حدیث است که برای معالجه تب این آیه شریفه را نوشته، بر بدن بیمار تب دار ببندید: (یَا نَارُ کُونِی بَرْدًا وَسَلاَمًا عَلَی إِبْرهِیمَ). (1)

3. در روایتی دیگر آمده است که این دعا را نوشته، بر بازوی راستش ببندید :

«بِسْمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ، (وَلَوْ أَنَّ قُرْءَانًا سُیِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الأَرْضُ أَوْ کُلِّمَ بِهِ الْمَوْتَی بَلْ للهِ الأَمْرُ جَمِیعًا). (2)

یا شافی یا کافی یا مُعافی، (وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ) (3) بِاسْمِ فُلانِ بْنِ فُلانٍ

(نام بیمارویدرش نوشته شود)بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَعَنِ اللهِ وَإِلَی اللهِ وَلاغالِبَ اِلاَّ اللهِ». (4)

وبرای معالجه تب وسوز این آیات را بنویسند وبر بازوی بیمار ببندند: بِسْمِ اللهِ (مَرَجَ الْبَحْرَیْنِ یَلْتَقِیانِ * بَیْنَهُمَا بَرْزَخٌ لاَ یَبْغِیَانِ) (5) (وَجَعَلَ بَیْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا

مَحْجُورًا) (6) (یَا نَارُ کُونِی بَرْدًا وَسَلاَمًا عَلَی إِبْرهِیمَ) (7) ، (أَلاَ إِنَّ حِزْبَ اللهِ هُمُ الْغَالِبُونَ) (8) ،

(وَلَقَدْسَبَقَتْ کَلِمَتُنَالِعِبَادِنَاالْمُرْسَلِینَ * إِنَّهُمْ لَهُمُالْمَنْصُورُونَ * وَإِنَّ جُنْدَنَالَهُمُالْغَالِبُونَ). (9)

1- مکارم الأخلاق، ص 372.

2- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. اگر با قرآن، کوه ها به حرکت درآیند، یا زمین ها قطعه قطعه شوند،یا با آن با مردگان سخن گفته شود، (باز هم ایمان نخواهند آورد.) ولی همه کارها در اختیار خداست». سورهرعد، آیه 31.

3- سوره اسراء، آیه 105.

4- ترجمه: «ای شفادهنده، ای کفایت کننده، ای تندرستی بخش. وقرآن را به حق نازل کرده ایم وبه حق نازلشد. به نام فلانی فرزند فلانی (این دعا را می نویسم) به نام خدا وبه ذات پاک (خدا) شروع می کنم. واز خداوبه سوی خدا (باز می گردم) وهیچ غلبه کننده ای جز خداوند نیست». مکارم الأخلاق، ص 371.

5- ترجمه: «به نام خدا، خداوند دو دریای مختلف (شور وشیرین، گرم وسرد) را در کنار هم قرار داد در حالیکه با هم تماس دارند، در میان آن دو برزخی است که یکی بر دیگری غلبه نمی کند و به هم نمی آمیزند». سورهرحمن، آیات 19 و 20.

6- ترجمه: «ودر میان آنها برزخی قرار داد تا با هم مخلوط نشوند (گویی هر یک به دیگری می گوید:) دور باشونزدیک نیا». سوره فرقان، آیه 53.

7- ترجمه: «ای آتش، بر ابراهیم سرد وسالم باش». سوره انبیاء، آیه 69.

8- ترجمه: «حزب وجمعیّت خدا پیروز است». سوره مائده، آیه 56.

9- ترجمه: «وعده قطعی ما برای بندگان فرستاده ما از پیش مسلّم شده، که آنان یاری شدگانند ولشکر ماپیروزند». سوره صافّات، آیات 171 - 173.

نشانه های فشار خون

امام کاظم علیه السلام فرمودند: «علامت های فشار خون چهار چیز است: اوّل خارش بدن، دوم جوش های پوستی، سوم خواب آلودگی، چهارم سرگیجه». (1)

دعای عیادت از بیمار

در حدیثی صحیح ومعتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که به عیادت بیمار می روید، این جمله را هفت مرتبه بخوانید: اُعیذُکَ بِاللهِ الْعَظیمِ، رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ، مِنْ شَرِّ کُلِّ عِرْقٍ نَقّارٍ وَمِنْ شَرِّ حَرِّ النّارِ». (2)

دعاهای جامع همه دردها وداروهای ترکیبی

دعاهای جامع، یا دعادرمانی

1. از امام امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس دردی در بدنش احساس کند این دعا را بخواند تا دردی به سراغش نیاید: اَعُوذُ بِعِزَّهِ اللهِ وَقُدْرَتِهِ عَلَی الْاَشْیاءِ، اُعیذُ نَفْسی بِجَبّارِ السَّماءِ، اُعیذُ نَفْسی بِمَنْ لا یَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ داءٌ، اُعیذُ نَفْسی بِالَّذِی اسْمُهُ بَرَکَهٌ وَشِفاءٌ». (3)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس دردی در خود احساس کند بگوید: بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَصَلَّی اللهُ عَلی رَسُولِ اللهِ وَاَهْلِ بَیْتِهِ وَاَعُوذُ بِعِزَّهِ اللهِ وَقُدْرَتِهِ عَلی ما یَشاءُ مِنْ شَرِّ ما اَجِدُ». (4)

1- خصال، ج 1، ص 229، ح 102؛ بحارالأنوار، ج 62، ص 97، ح 12 .

2- ترجمه: «به خداوند بزرگ، پروردگار عرش بزرگ تو را پناه می دهم، از شرّ رگ بیماری زا واز شرّ آتشسوزان». کافی، ج 2، ص 566، ح 12؛ مکارم الأخلاق، ص 392.

3- ترجمه: «پناه می برم به عزّت وقدرت خداوند بر همه اشیاء، پناه می دهم خود را به حاکم بر آسمان، پناهمی دهم خود را به کسی که با نامش درد ضرر نمی رساند. پناه می دهم خود را به کسی که نامش برکتوشفاست». طبّ الأئمّه، ص 17.

4- ترجمه: «به نام خدا وبه ذات (پاک) او (شروع می کنم.) درود خدا بر پیامبر خدا واهل بیتش باد، پناه می برمبه عزّت وقدرت خدا بر آنچه اراده می کند از شرّ آنچه می یابم». کافی، ج 2، ص 567؛ طبّ الأئمّه، ص 40.

3. در حدیث است که کسی خدمت امام باقر علیه السلام آمد واز بیماری بسیار وپریشانی خاطر شکایت کرد. حضرت خواندن این دعای را به وی سفارش فرمود: «لا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ اِلّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ، تَوَکَّلْتُ عَلَی الْحَیِّ الَّذی لا یَمُوتُ وَالْحَمْدُ للهِ الَّذی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَداً وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَریکٌ فِی الْمُلْکِ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ تَکْبیراً». (1)

4. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر دردی که داشته باشی دست را بر محلّ درد بگذار وسه مرتبه بگو: اَللهُ اَللهُ اَللهُ رَبّی حَقّاً، لا اُشْرِکُ بِهِ شَیْئاً، اَللّهُمَّ اَنْتَ لَها وَلِکُلِّ عَظیمَهٍ، فَفَرِّجْها عَنِّی». (2)

5. نیز در حدیثی معتبر فرمود: «پس از گفتن بِسْمِ الله، دست بر محلّ درد بمال وهفت مرتبه بگو: اَعُوذُ بِعِزَّهِ اللهِ وَاَعُوذُ بِقُدْرَهِ اللهِ وَاَعُوذُ بِجَلالِ اللهِ وَاَعُوذُ بِعَظَمَهِ اللهِ وَاَعُوذُ بِجَمْعِ اللهِ وَاَعُوذُ بِرَسُولِ اللهِ وَاَعُوذُ بِأسْماءِ اللهِ مِنْ شَرِّ ما اَحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ ما اَخافُ عَلی نَفْسی». (3)

6. در روایتی دیگر فرمود: «دست را بر محلّ درد بگذار وبگو: بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَمُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ اِلاَّ بِاللهِ، اَللّهُمَّ امْسَحْ عَنّی ما اَجِدُ (4) وسه مرتبه دست بر موضع درد بکش». (5)

1- ترجمه: «هیچ توان ونیرویی جز بر خداوند والامرتبه وبزرگ نیست. بر خداوند زنده ای که هرگز نمی میردتوکّل می کنم. وحمد وسپاس مخصوص خداوندی است که فرزندی ندارد ودر سلطنت وحکومتش هیچهمتایی برای خود برنگزید وهرگز به سبب ضعف وناتوانی یار ومددکاری نداشته است و(چنین خدایی را)بزرگ بدار». کافی، ج 8، ص 79، ح 65.

2- ترجمه: «خداوند، خداوند، خداوند، پرودگار من است واو بر حقّ است، هیچ چیز را همتای او قرار نمی دهم.تو می توانی هر درد و بلایی را از بین

ببری، آن را از من دفع کن». کافی، ج 2، ص 565، ح 6؛ مکارم الأخلاق،ص389.

3- ترجمه: «به عزّت وقدرت وجلال وعظمت وبزرگی خدا وتمام صفات پروردگار ورسول خدا صلی الله علیه و آله وبهنام های خدا، پناه می برم از شرّ آنچه حذر دارم واز شرّ آنچه بر خود می ترسم». کافی، ج 2، ص 566، ح 8.

4- ترجمه: «به نام خدا وبه ذات (پاک) خدا (شروع می کنم). محمّد فرستاده خداست وهیچ توان وقدرتی جزبرای خدا نیست. خدایا، دردم را درمان کن».

5- کافی، ج 2، ص 566، ح 10.

7. نیز در حدیثی معتبر آمده است که فرمود: «برای درمان هر دردی این دعا را بخوان: یا مُنْزِلَ الشِّفاءِ وَمُذْهِبَ الدّاءِ، اَنْزِلْ عَلی ما بی مِنْ داءٍ شِفاءً». (1)

8. در سخنی دیگر فرمود: «هر کس مبتلا به دردی شد، اگر دستش را بر موضع درد بگذارد وبا اخلاص بگوید: وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِینَ وَلاَ یَزِیدُ الظَّالِمِینَ إِلاَّ خَسَارًا (2) حتماً عافیت پیدا می کند؛ هر دردی که باشد». (3)

9. در گفته ای دیگر فرمود: «هر کس سوره حمد و(قُلْ هُوَ اللهُ أَحَد) او را شفا ندهد، هیچ چیز دیگر او را شفا نمی دهد». (4)

10. نیز در گفتاری فرمود: «شخص دیگری دست بر محلّ درد بگذارد وهفت مرتبه وحدّاقل سه مرتبه بگوید: اَیُّهَا الْوَجَعُ اُسْکُنْ بِسَکینَهِ اللهِ وَقِرْ بِوِقارِ اللهِ وَاحْجُزْ بِحاجِزِ اللهِ وَاهْدَأْ بِهَداءِ اللهِ، اُعیذُکَ اَیُّهَا الاِْنْسانُ بِما اَعاذَ اللهُ بِهِ عَرْشَهُ وَمَلائِکَتَهُ، یَوْمَ الرَّجْفَهِ وَالزَّلازِلَ». (5)

درمان بیماری های مختلف با داروهای گیاهی

درمان سردی، عقرب زدگی ومارزدگی

در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت موسی علیه السلام از

1- ترجمه: «ای نازل کننده شفا وازبین برنده درد، برای درد من شفا نازل کن». کافی، ج 2، ص 567، ح 14.

2- ترجمه: «واز قرآن، آنچه شفا ورحمت است برای مؤمنان نازل می کنیم ؛ وستمکاران را جز خسران(وزیان) نمی افزاید». سوره اسراء، آیه 82.

3- طبّ الأئمّه، ص 28.

4- طبّ الأئمّه، ص 39.

5- ترجمه: «ای درد، به فرمان سکونت الهی آرام شو وبه قرار خداوند قرار گیر وبه ممانعت خدا متوقّف شو وبهآرامش الهی آرام گیر. ای انسان، تو را پناه می دهم به آنچه که خداوند عرش وفرشتگان خود را در روز لرزهزمین وزلزله ها پناه داد». کافی، ج 2، ص 567، ح 17.

غلبه رطوبت وسردی در بدنش به خداوند متعال شکایت کرد. خداوند به وی دستور داد که هلیله (1) وبلیله (2) وآمله (3) را بساید وبا عسل خمیر کند وبخورد».

سپس فرمود: «این دارو همان است که شما به آن اطریفل می گویید». (4)

درمان بهق، پیسی، خوره، دیوانگی، فلج و لقوه

درمان بهق، پیسی، خوره، دیوانگی، فلج و لقوه(5)

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «اگر مردم منافع وخواص سنا (6) را بدانند بی شک قیمت هر مثقال آن معادل دو مثقال طلا می شود؛ سنا انسان

را از بیماری های بهق وپیسی وخوره ودیوانگی وفلج ولقوه حفظ می کند. اگر با مویز سرخ بی دانه وهلیله سیاه که از هر کدام به مقدار مساوی برداشته شده ساخته شود وهر روز ناشتا به مقدار سه درهم (حدود نیم مثقال) ودر هنگام خواب نیز همین مقدار بخورند، خواصّ مزبور را خواهد داشت وبهترین داروهاست». (7)

1- «هلیله» میوه درختی است که در هندوستان می روید. رنگش زرد یا سیاه ودر طب به کار می رود. در عربیبه آن اهلیلج گفته می شود (فرهنگ عمید).

2- «بلیله» میوه درختی است (هندی) که شبیه هلیله است، دارای پوستی زرد یا خاکستری رنگ است وبه آنبلیلج هم می گویند (فرهنگ عمید).

3- «آمِلُه» درختی هندی به بزرگی درخت گردو است. برگ هایش ریز وانبوه ومیوه آن به اندازه آلو وترش مزهوبر دو قسم است: سیاه وزرد ودر طب به کار می رود وبه آن آملج هم گفته می شود (فرهنگ عمید).

4- کافی، ج 8، ص 167، ح 228.

5- «لقوه» نوعی بیماری است که در چهره انسان پیدا می شود ولب ودهان یا فک به طرفی کج می گردد(فرهنگ عمید).

6- «سَنا» گیاهی است دارای برگ های باریک شبیه برگ حنا، گل هایش کبودرنگ ودانه های آن ریز ودر غلافیشبیه غلاف باقلا جا دارد. این گیاه بیشتر در حجاز می روید وبهترین نوع آن سنای مکّی است. برگ آن درطب مانند مسهل استفاده می شود. در معالجه بیماری های تنگی نفس وقولنج وعرق النسا نیز به کار می رود(فرهنگ عمید).

7- مکارم الأخلاق، ص 188.

درمان سردرد وسردی سر

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «چنانچه روغن گشنیز را در بینی بچکانید سردرد خوب می شود». (1)

2. در حدیث است که کسی به امام رضا علیه السلام عرض کرد: در سرم احساس سرمای شدید می کنم، به گونه ای که اگر باد به سرم بوزد می ترسم غش

کنم. حضرت فرمود: «پس از غذا خوردن، روغن عنبر وزعفران در بینی ات بچکان». (2)

درمان زکام

1. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چنانچه یک دانک (3) شونیز

(سیاهدانه) ونیم دانک دانه کُندُس (4) را نرم بکوبند ودر بینی مبتلا به زکام بریزند،

زکام را برطرف می کند». (5)

2. امام صادق علیه السلام فرمود: «زکام از لشکرهای الهی است که دردهای بدن را برطرف می سازد». (6)

3. در چندین حدیث آمده است که زکام را نباید (با سرعت) معالجه کرد (بلکه با استراحت و دفاع بدن معالجه شود). (7)

1- قرب الإسناد، ص 105، ح 370.

2- طبّ الأئمّه، ص 87.

3- یک ششم مثقال است که چهار نخود می شود.

4- «کُندُس» گیاهی است دارای برگ های بیضی شکل دندانه دار وبیخ آن دارای مادّه سمّی است (فرهنگ عمید).

5- طبّ الأئمّه، ص 65.

6- طبّ الأئمّه، ص 64.

7- طبّ الأئمّه، ص 65.

معالجه انواع بیماری های سر

درمان سردرد

1. از امام هادی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای درمان سردرد، این آیه را بر ظرفی از آب بخواند وبخورد: (أَوَ لَمْ یَرَی الَّذِینَ کَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضَ

کَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ أَفَلاَ یُؤْمِنُونَ)». (1)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای درمان سردرد، دست را بر سر بمالد وهفت مرتبه بگوید : اَعُوذُ بِاللهِ الَّذی سَکَنَ لَهُ ما فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَما فِی السَّماواتِ وَالأَرْضِ وَهُوَ السَّمیعُ الْعَلِیمُ». (2)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «برای برطرف شدن سردرد، دست را بالای سر بگذارد وبگوید : (لَوْ کَانَ مَعَهُ ءَالِهَهٌ کَمَا یَقُولُونَ إِذًا لاَبْتَغَوا إِلَی ذِی الْعَرْشِ سَبِیلاً) (3) ، وَإِذَا

قِیلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَی مَا أَنْزَلَ اللهُ وَإِلَی الرَّسُولِ رَأَیْتَ الْمُنَافِقِینَ یَصُدُّونَ عَنْکَ صُدُودًا)». (4)

4. در حدیث است که کسی از سردرد به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «به حمّام برو وپیش از آنکه وارد آب شوی، هفت ظرف آب گرم بر سر بریز ودر هر مرتبه بسم الله بگو». (5)

5. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای برطرف شدن درد تمام سر ونصف آن، این دعا را بنویسد وبر قسمتی که درد می کند بیاویزد: اَللّهُمَّ اَنْتَ

1- ترجمه: «آیا کافران ندیدند که آسمان ها وزمین به هم پیوسته بودند وما آنها را از یکدیگر باز کردیم ؛ وهرچیز زنده ای را از آب قرار دادیم؟ آیا ایمان نمی آورند؟ !» (سوره انبیاء، آیه 30) طبّ الأئمّه، ص 19.

2- ترجمه: «پناه می برم به خداوندی که آنچه در خشکی ودریاست وآنچه در آسمان ها وزمین است برای اوآرام می گیرد واو شنوا وداناست». طبّ الأئمّه، ص 18.

3- ترجمه: «اگر آن چنان که آنها می گویند با او خدایانی بود، در این صورت (خدایان) سعی می کردند راهی بهسوی (خداوندِ) صاحب عرش پیدا کنند». سوره اسراء، آیه 42.

4- ترجمه: «وهنگامی که به آنها گفته شود: به سوی آنچه خداوند نازل کرده وبه سوی پیامبر بیایید! منافقانرا می بینی که از (قبول دعوت) تو، اعراض می کنند». سوره نساء، آیه 61.

5- طبّ الأئمّه، ص 71.

لَسْتَ بِإِلهٍ اِسْتَحْدَثْناهُ وَلا بِرَبٍّ يَبيدُ ذِكْرُهُ وَلا مَعَکَ شُرَکاءٌ يَقْضُونَ مَعَکَ وَما کانَ قَبْلَکَ اِلهٌ نَدْعُوهُ وَنَتَعَوَّذُ بِهِ وَنَتَضَرَّعُ اِلَيْهِ وَنَدَعُکَ وَلا اَعانَکَ عَلى خَلْقِنا مِنْ اَحَدٍ فَنَشُکَّ فيکَ، لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ وَحْدَکَ لا شَريکَ لَکَ، عافِ فُلانَ بْنَ فُلانَهِ وَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ». (1)

6. در روايتى معتبر مى خوانيم كه امام صادق عليه السلام فرمود: «هر كس سردرد داشته، يا بيمارى حبس البول (پروستات) داشته باشد، دست خود را بر جاى

درد بگذارد وبگويد: اُسْکُنْ، سَکَّنْتُکَ بِالَّذى سَکَنَ لَهُ ما فِى الْلَيْلِ وَالنَّهارَ وَهُوَ السَّميعُ الْعَليمُ». (2)

7. در روايتى ديگر فرمود: «هرگاه بر پيامبر صلى الله عليه و آله سردرد يا غير آن عارض مى شد، دست ها را بلند مى كرد (همانند حالت قنوت) وسوره حمد و(قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقْ) و(قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاس) مى خواند، سپس دست ها را به صورت مى كشيد». (3)

درمان درد شقيقه وگوش

1. در روايتى معتبر مى خوانيم كه حبيب سيستانى از درد شقيقه به امام باقر عليه السلام شكايت كرد. حضرت فرمود: «دست خود را بر موضع درد بگذار وسه مرتبه

1- ترجمه: «بار خدايا، تو خدايى نيستى كه تازه او را پيدا كرده باشيم وپروردگارى نيستى كه يادش كهنه شدهباشد وبا تو همتايانى نيستند كه همراه تو حكم كنند وپيش از تو خدايى نبوده كه او را بخوانيم وبه او پناهببريم وبه سويش زارى كنيم وتو را واگذاريم وبر خلقت ما كسى تو را كمک نكرده تا درباره تو به ترديد افتيم.معبودى جز تو نيست. تو يكتايى

وهمتایی برای تو نیست. فلانی فرزند فلانی را عافیت بخش وبر محمّدوخاندانش درود فرست». مکارم الأخلاق، ص 404.

2- ترجمه: «آرام گیر، آرام ساختم تو را به یاری آن که آنچه در شب وروز است برای او آرام گیرد واو شنواوداناست». مکارم الأخلاق، ص 373.

3- بحارالأنوار، ج 10، ص 368، ح 9 به نقل از امام رضا علیه السلام.

چنین دعا کن، إن شاء الله برطرف می شود: یا ظاهِرآ مَوْجُودآ وَیا باطِناآ غَیْرَ مَفْقُودٍ، اُرْدُدْ عَلی عَبْدِکَ الضَّعیفِ اَیادِیَکَ الْجَمیلَهَ عِنْدَهُ وَاَذْهِبْ عَنْهُ ما بِهِ مِنْ اَذیً، اِنَّکَ رَحیمٌ وَدُودٌ». (1)

2. نیز در روایتی فرمود: «برای درمان درد گوش، دست را بر گوش بمالد وهفت مرتبه بگوید: اَعُوذُ بِاللهِ الَّذی سَکَنَ لَهُ ما فِی البَرِّ وَالْبَحْرِ وَما فِی السَّماواتِ وَالاْرْضِ وَهُوَ السَّمیعُ الْعَلیمُ». (2)

درمان اختلالات مغزی وبیماری صرع

1. در روایتی می خوانیم امام صادق علیه السلام به کسی که دچار اختلال مغزی شده بود سفارش کرد که هر شب این دعا را بخواند: «بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ، آمَنْتُ بِاللهِ وَکَفَرْتُ بِالطّاغُوتِ، اَللّهُمَّ احْفَظْنی فی مَنامی وَفی یَقْظَتی، اَعُوذُ بِعِزَّهِ اللهِ وَجَلالِهِ، مِمّا اَجِدُ وَاَحْذَرُ». (3)

2. روایت شده است امام رضا علیه السلام شخصی را دید که مبتلا به صرع بود. ظرفی آب طلبید وسوره حمد وناس وفلق را بر آن خواند وبر سر وروی او پاشید، آن شخص به هوش آمد. (4)

1- ترجمه: «ای پدیدارِ موجود وای پنهان غیر مفقود، نعمت های نیک که در نزد تو است را به این بنده ناتوانخود که آن نعمت ها را داشت برگردان وآنچه از ناراحتی هایی را که دامنگیر او شده از او ببر، زیرا تو بسیارمهربانی». طبّ الأئمّه، ص 20؛ بحارالأنوار، ج 95، ص 52، ح 9.

2- ترجمه: «پناه می برم به خداوندی که آنچه در خشکی ودریاست وآنچه در آسمان ها وزمین است برای اوآرام گیرد واو شنوا وداناست». طبّ الأئمّه، ص 18.

3- ترجمه: «به نام خدا وبه ذات (پاک) او (شروع می کنم.) ایمان به خدا آوردم وبه طاغوت کافر شدم. خدایا، درخواب وبیداریم مرا حفظ فرما. پناه

می برم به عزّت وجلال خداوند از آنچه می یابم واز آن در هراسم».طبّ الأئمّه، ص 107.

4- طبّ الأئمّه، ص 111؛ بحارالأنوار، ج 95، ص 149.

درمان بیماری های چشم وگوش ودندان

معالجه چشم درد

معالجه با آیات قرآن

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «هرگاه چشم کسی آزرده باشد وبا اعتقاد صحیح آیه الکرسی بخواند، شفا می یابد». (1)

2. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت رضا علیه السلام فرمود: «شفای چشم در خواندن سوره حمد و(قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاس) و(قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَق) وآیه الکرسی وکشیدن سرمه قُسط (2) ومرو (3) وکندر است». (4)

معالجه با دعا

1. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام به شخصی فرمود: «دوست داری دعایی به تو بیاموزم که برای دنیا وآخرت تو سودمند باشد ودرد چشم از تو زایل کند؟» عرض کرد: آری. فرمود: «این دعا را همواره پس از نماز صبح وشام بخوان : اَللّهُمَّ اِنّی اَسْاَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فی بَصَری وَالْبَصیرَهَ فِی دینی وَالیَقینَ فی قَلْبی وَالاْخْلاصَ فی عَمَلی وَالسَّلامَهَ فی نَفْسِی وَالسَّعَهَ فی رِزْقی وَالشُّکْرَ لَکَ اَبَداً ما اَبْقَیْتَنی». (5)

1- مکارم الأخلاق، ص 374.

2- «قُسط» بیخ گیاهی است بی ساقه که روی زمین می خوابد ودارای برگ های پهن است وبه فارسی آن راکوشنه می گویند (فرهنگ عمید).

3- «مرو» نوعی ماهی بزرگ است که در دریاهای شمالی، مخصوصاً بین ارض جدید وایسلند زندگی می کند.آن را در تابستان شکار می کنند وگوشتش را تازه یا نمک سود به مصرف می رسانند. از کبد آن روغنیمی گیرند که معروف به روغن ماهی است ودر طب به کار می رود (فرهنگ عمید).

4- کافی، ج 6، ص 503، ح 38.

5- ترجمه: «بار خدایا، به حقّی که تو به محمّد وخاندان محمّد داده ای، بر محمّد وخاندانش درود فرست ودردیده ام نور ودر دینم بینایی وبصیرت ودر قلبم یقین ودر عملم اخلاص ودر وجودم سلامتی ودر روزی اموسعت وگشایش قرار ده وتا زمانی که زنده ام توفیق شکرگزاریم ده». مکارم الأخلاق، ص 393.

2. در روایتی آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله این دعا را برای درد چشم تجویز فرمود: «اَللّٰهُمَّ مَتِّعْنی بِسَمْعی وَبَصَری وَاجْعَلْهُمَا الْوارِثَیْنِ مِنّی وَانْصُرْنی عَلی مَنْ ظَلَمَنی وَاَرِنی فِیهِ ثاری». (1)

3. در حدیث است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید وچشم آن حضرت بیماری مهمّی داشت. روز دیگر به محضرش شرفیاب شد، هیچ اثری از آن بیماری ندید. علّت را پرسید؟ حضرت فرمود: «این دعا را خواندم: اَعُوذُ بِعِزَّهِ اللهِ، أَعُوذُ بِقُدْرَهِ اللهِ، اَعُوذُ بِعَظَمِهِ اللهِ، اَعُوذُ بِجَلالِ اللهِ، اَعُوذُ بِجَمالِ اللهِ، اَعُوذُ بِکَرَمِ اللهِ، اَعُوذُ بِبَهاءِ اللهِ، اَعُوذُ بِغُفرانِ اللهِ، اَعُوذُ بِحُکْمِ اللهِ، اَعُوذُ بِذِکْرِ اللهِ، اَعُوذُ بِرَسُولِ اللهِ، اَعُوذُ بِآلِ رَسُولِ اللهِ، صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ، ما اَجِدُ فی عَیْنی وَما اَخافُ وَاَحْذَرُ. اَللّٰهُمَّ رَبَّ الطَّیِّبِینَ، اَذْهِبْ ذلِکَ عَنّی، بِحَوْلِکَ وَقُدْرَتِکَ». (2)

درمان ضعف چشم وشب کوری

1. ابن شهر آشوب می گوید: مردی نابینا شنید که امیرالمؤمنین علیه السلام چنین دعا می کند: «اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْاَلُکَ یا رَبَّ الاْرْواحِ الْفانِیَهِ وَرَبَّ الأَجْسادِ الْبالِیَهِ، اَسْاَلُکَ بِطاعَهِ الأرواحِ الرَّاجِعَهِ اِلی اَجْسادِها وَبِطاعَهِ الأَجْسادِ الْمُلْتَئِمَهِ اِلی اَعْضائِها وَبِانْشِقاقِ الْقُبُورِ عَنْ اَهْلِها وَبِدَعْوَتِکَ الصّادِقَهِ فیهِمْ وَاَخْذِکَ بِالْحَقِّ بَیْنَهُمْ، اِذا بَرَزَ الْخَلایِقُ یَنْظُرُونَ قَضاءَکَ وَیَرَوْنَ سُلْطانَکَ وَیَخافُونَ بَطْشَکَ وَیَرجُونَ رَحْمَتَکَ یَومَ

1- ترجمه: «بار خدایا، از گوش وچشمم مرا بهره مند ساز وآنها را وارث من قرار ده وبر کسی که به من ستمکرده یاری ام کن وانتقامم را از وی بگیر و به من نشان ده». طبّ الأئمّه، ص 83.

2- ترجمه: «در مورد بیماری چشمم وآنچه از آن بیم وخوف ووحشت دارم، به عزّت وقدرت وعظمتوجلال وجمال وکرم وبهاء وغفران وحکم وذکر

خداوند ورسول خدا صلی الله علیه و آله وخاندان رسول خدا پناهمی برم. پروردگارا، ای خدای پاکان، به حول وقوّتت این ناراحتی را از من زایل کن». مکارم الأخلاق،ص405.

لا یَنْفَعَ مالٌ ولا بَنُونٌ ویَوْمَ لا یُغْنی مَوْلیً عَنْ مَوْلیً شَیْئاً. وَلا هُمْ یُنْصَرُونَ، اِلّا مَنْ رَحِمَ اللهُ اِنَّهُ هُوَ الْعَزیزُ الرَّحیمُ، اَسْاَلُکَ یا رَحْمنُ اَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فی بَصَری وَالْیَقینَ فی قَلْبی وَذِکْرَکَ بِالْلَیْلِ وَالنَّهارِ عَلی لِسانی، اَبَداً ما اَبْقَیْتَنی، اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ». (1) به خانه رفت، وضو ساخت ونماز گزارد، سپس این دعا را خواند.

هنگامی که به جمله «اَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فی بَصَری» رسید، دیده اش بینا شد. (2)

2. روایت شده است کسی از ضعف نور چشم که به شب کوری انجامیده بود، به امام کاظم علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «آیه (اَللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالاْرْضِ) (3) را تا آخر در ظرفی بنویس، سپس آن ظرف را با آب بشوی وآن آب

را در شیشه ای نگهداری کن وبا میل به چشم خود بکش». آن شخص می گوید : کمتر از سه میل کشیدم، بینایی ام برگشت. (4)

درمان چشم درد با دارو

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «دمبلان (شلغم) از گیاه بهشت وآویشن برای درد چشم سودمند است». (5)

1- ترجمه: «بار خدایا، از تو می خواهم ای پروردگار جهان فانی وپروردگار جسدهای فرسوده، از تو می خواهمبه اطاعت روح ها در بازگشت به جسدهایشان وبه طاعت جسدهای به هم پیوند خورده وشکافته شدن قبرهااز اهل آن وبه دعوت راستین تو در مورد آنان وگرفتن تو آنان را به حقّ آن هنگام که خلایق از قبور خارجمی شوند و منتظر حکم تو هستند و حاکمیّت تو را می بینند واز مجازات تو می ترسند وبه رحمت توامیدوارند.

روزی که مال وفرزندان سودی نمی رسانند وروزی که هیچ کس دیگری را بی نیاز نمی کند وآنانیاری نمی شوند، مگر آن کس که خداوند به او رحم کند. او عزیز ورحیم است. ای رحمان، از تو می خواهم کهدر دیده ام نور ودر قلبم یقین قرار دهی وتا زنده ام ذکر ویادت را شب وروز بر زبانم جاری سازی، زیرا تو برهر چیزی توانایی».

2- مناقب ابن شهر آشوب، ج 2، ص 287.

3- سوره نور، آیه 35.

4- مکارم الأخلاق، ص 375.

5- کافی، ج 6، ص 370؛ بحارالأنوار، ج 62، ص 145.

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مسواک زدن، آب ریزش چشم را درمان می کند وچشم را جلا می دهد». (1)

3. در روایتی صحیح می خوانیم که شخصی از درد چشمش به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «دارویی از جدوار (2) وکافور بساز واز هر کدام به

مقدار مساوی استفاده کن». (3)

4. نیز در حدیثی فرمود: این دارو ضعف چشم وخیالات را برطرف می کند. (4)

5. در حدیثی دیگر فرمود: «دهنه فرنک (5) برای زایل کردن سفیدی که روی

چشم ظاهر می شود مفید است». (6)

6. در روایتی معتبر آمده است که امام کاظم علیه السلام فرمود: «صبر (7) سقوطری (8) وکافور ریاحی (9) (از هر کدام به مقدار مساوی) بسایند، سپس آن را از پارچه ابریشم بیرون کنند وهر ماه یک مرتبه در چشم بکشند؛ این کار دردهای چشم وسر را می کشد». (10)

1- کافی، ج 6، ص 496، ح 7.

2- «جدوار» ریشه گیاهی است که در کوه های تبّت وهند می روید ودر بعضی نواحی خراسان هم یافتمی شود. طعمش تلخ ودر طبّ قدیم برای از بین بردن سم به کار می رفته است (فرهنگ عمید).

3- کافی، ج 8، ص 383، ح 80.

4- کافی، ج 8، ص 383، ح 81.

5- «فرنک» قطره های سفیدی است که از کوهی در نزدیکی طنجه یا طبنه آفریقا می ریزد وبرای سفیدیچشم خوب است ومعروف به دهنه

فرهنگ است. (ر.ک : کافی، ج 8، ص 383، ح 582).
6- کافی، ج 8، ص 383، ح 582.
7- «صَبِر» شیره یا صمغ گیاهی است به رنگ زرد، طعمش تلخ ودر فارسی به آن صَبْر زرد می گویند. الوا همگفته اند. گیاه آن از نوع زنبق ودارای برگ هایی پهن وتیغ دار است ودر وسط آن ساقه بلندی می رویدوگل هایش در سر ساقه قرار دارد (فرهنگ عمید).
8- «سقوطری» یا «اسقطری» جزیره ای است در دریای هند که در سمت راست شهر جایی از شهرهای زنج قراردارد (کافی، ج 8، ص 386، پاورقی حدیث 83).
9- «رَباح» سود، فایده ونیز به معنای خمر، می ونام شهری است که از آنجا کافور خوب می آورده اند «کافورریاحی» (فرهنگ عمید).
10- کافی، ج 8، ص 383، ح 583.

7. در حدیث است که شخصی خدمت امام صادق علیه السلام رسید واز سفیدی که در چشمش ظاهر شده بود ودرد دندان ومفاصل شکایت کرد. حضرت فرمود : «دو درهم فلفل ودو درهم دار فلفل ویک درهم نشادر پاکیزه صاف تهیّه کن وهر سه را خوب بسای واز پارچه ابریشم بیرون کن ودر هر چشمی سه میل بکش وساعتی صبر کن. این کار سفیدی روی چشم را قطع، گوشت چشم را پاک ودرد را ساکن می کند. سپس چشم را با آب سرد بشوی وبعد از آن سرمه سنگ بکش». (1)

8. در حدیث است که حضرت علی علیه السلام به سلمان وابوذر فرمود: «هنگامی که چشمتان درد می کند، بر پهلوی چپ نخوابید وخرما نخورید». (2)

9. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن ماهی برای درد چشم زیان دارد». (3) ودست بر چشم مالیدن بعد از شستن دست در پایان غذا،

انسان را از درد چشم حفظ می کند. (4) همان گونه که گرفتن ناخن وشارب در

پنجشنبه وجمعه چنین خاصیّتی دارد. (5)

10. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «حضرت عیسی علیه السلام از شهری عبور کرد دید صورت مردم آن شهر زرد وچشمانشان کبود است. آنان از بیماری به آن حضرت بسیار شکایت کردند. حضرت فرمود: شما گوشت را بدون آنکه بشویید می پزید ومی خورید، در حالی که هر حیوانی که ذبح می شود جنابتی همراه اوست. آنها به فرمایش حضرت عمل کردند وبیماریشان برطرف شد». (6)

1- طبّ الأئمّه، ص 87.

2- طبّ الأئمّه، ص 85.

3- طبّ الأئمّه، ص 84؛ كافى، ج 6، ص 324، ح 8 و9.

4- كشف الغمّه، ج 2، ص 699؛ بحارالأنوار، ج 62، ص 148، ح 19.

5- كافى، ج 6، ص 498، ح 14؛ كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 74، ح 311 و312.

6- علل الشرايع، ج 2، ص 575، باب 377، ح 1.

معالجه گوش

درمان گوش درد با قرآن

1. در حدیثی می خوانیم که کسی از سنگینی گوش به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «دست بر گوش خود بکش واین آیات را بخوان: (لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْکَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ * هُوَ اللَّهُ الَّذِى لاَ إِلَهَ إِلاَّ هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ * هُوَ اللَّهُ الَّذِى لاَ إِلَهَ إِلاَّ هُوَ الْمَلِکُ الْقُدُّوسُ السَّلاَمُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ * هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ)». (1)

2. در حدیثی دیگر آمده است که این آیات را بخواند: (مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى (2) * يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِىَ لاَ عِوَجَ لَهُ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلاَ تَسْمَعُ إِلاَّ هَمْسًا (3) * يَا أَرْضُ ابْلَعِى مَاءَکِ ... وَقِيلَ بُعْدًا لِّلْقَوْمِ

الظَّالِمِينَ (4) * وَمَنْ يَتَّقِ اللهَ يَجْعَلْ لَّهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لاَ يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ

1- ترجمه: «اگر این قرآن را بر کوهی نازل می کردیم، می دیدی که در برابر آن خاشع می شود واز خوف خدامی شکافد. اینها مثال هایی است که برای مردم می زنیم، شاید در آن بیندیشند. واو خدایی است که معبودیجز او نیست، دانای آشکار ونهان است، او رحمان ورحیم است. او خدایی است که معبودی جز او نیست،حاکم ومالک اصلی اوست، از هر عیب منزّه است، به کسی ستم نمی کند، امنیّت بخش است، مراقب همه

چیزاست، قدرتمندی شکست ناپذیر که با اراده نافذ خود هر امری را اصلاح می کند وشایسته عظمت است ؛خداوند منزّه است از آنچه شریک برای او قرار می دهند. او خداوندی است خالق، آفریننده ای بی سابقه،وصورتگری (بی نظیر)؛ برای او نام های نیک است ؛ آنچه در آسمان ها وزمین است تسبیح او می گویند واوعزیز وحکیم است». (سوره حشر، آیات 21 - 24) طبّ الأئمّه، ص 23.

2- ترجمه: «ما شما را از آن]= زمین[آفریدیم ؛ ودر آن بازمی گردانیم ؛ وبار دیگر (در قیامت) شما را از آنبیرون می آوریم». سوره طه، آیه 55.

3- ترجمه: «در آن روز، همه از دعوت کننده الهی پیروی کرده وقدرت بر مخالفت او نخواهند داشت (وهمگیاز قبرها برمی خیزند) وهمه صداها در برابر (عظمت) خداوند رحمان خاضع می شود؛ وجز صدای آهستهچیزی نمی شنوی». سوره طه، آیه 108.

4- ترجمه: «ای زمین، آبت را فرو بر... وگفته شد: «قوم ستمگر از رحمت خدا دور باد». سوره هود، آیه 44.

عَلَی اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِکُلِّ شَیْءٍ قَدْرًا (1) * وَجَعَلْنَا مِنْ بَیْنِ

أَیْدِیهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَیْنَاهُمْ فَهُمْ لاَ یُبْصِرُونَ.) (2)

درمان گوش درد با داروی گیاهی

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای درد گوش هفت مرتبه آیه شریفه (کَأَنْ لَّمْ یَسْمَعْهَا کَأَنَّ فِی أُذُنَیْهِ وَقْرًا (3) * إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ کُلُّ أُوْلَئِکَ

کَانَ عَنْهُ مَسْئُولاً) (4) را بر روغن یاسمن یا روغن بنفشه بخواند، سپس آن را در

گوشش بچکاند». (5)

2. در روایت دیگری در مورد درد گوش آمده است: «یک کف کنجد پوست نکنده ویک کف خردل، هر کدام را جدا بکوبند سپس با یکدیگر مخلوط کرده، روغن آن را بگیرند وروغن را در شیشه کرده، درِ شیشه را با سرپوشی آهنی ببندند وهرگاه که بخواهند دو قطره از آن را در گوش چکانده وپنبه ای در گوش بگذارند واین کار را سه روز ادامه دهند تا بهبود یابد». (6)

3. در روایتی دیگر می خوانیم: «سداب را با روغن زیتون بپزند وچند قطره در گوش بچکانند». (7)

1- سوره طلاق، آیه 2 و3، ترجمه: «وهر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند،واو را از جایی که گمان ندارد روزی می دهد، وهر کس بر خدا توکّل کند، کفایت امرش را می کند؛

خداوندفرمان خود را به انجام می رساند، وخدا برای هر چیزی اندازه ای قرار داده است».

2- ترجمه: «ودر پیش روی آنها سدّی قرار دادیم ودر پشت سرشان سدّی وچشمانشان را پوشانده ایم ولذانمی بینند». مکارم الأخلاق، ص 377، ح 9.

3- ترجمه: «گویی آن را نشنیده است ؛ گویی اصلاً گوش هایش سنگین است». سوره لقمان، آیه 7.

4- ترجمه: «گوش و چشم و دل، همه مسؤولند». سوره اسراء، آیه 36.

5- مکارم الأخلاق، ص 375.

6- طبّ الأئمّه، ص 22.

7- طبّ الأئمّه، ص 73.

4. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سداب برای درد گوش سودمند است». (1)

معالجه دندان

اشاره

1. در حدیث است که ابوبصیر از درد دندان به حضرت باقر علیه السلام شکایت کرد وگفت: شب ها بر اثر این درد خواب ندارم. حضرت فرمود: «هرگاه اثر درد ظاهر شد دست را بر موضع درد بگذار وسوره حمد وتوحید بخوان، سپس این آیه را قرائت کن: (وَتَرَی الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِیَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِی أَتْقَنَ کُلَّ شَیْءٍ إِنَّهُ خَبِیرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ)». (2)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آنچه را که در روایت بالا ذکر شد به همراه سوره (اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ) بخوان». (3)

3. در روایتی (4) دیگر این دستور برای درمان درد دندان سفارش شده است :

«سوره حمد و(قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ) و(قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) و(قُلْ هُوَ اللهُ أَحَد) را بخواند، سپس بگوید: (بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ. وَلَهُ مَا سَکَنَ فِی الَّیْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ (5) ، قُلْنَا یَا نَارُ کُونِی بَرْدًا وَسَلاَمًا عَلَی إِبْرهِیمَ * وَأَرَادُوا بِهِ کَیْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِینَ (6) ، نُودِیَ أَنْ بُورِکَ مَنْ فِی النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ

1- محاسن، ص 515، ح 708.

2- ترجمه: «کوه ها را می بینی وآنها را ساکن وجامد می پنداری، در حالی که مانند ابر در حرکت اند؛ این صنعوآفرینش خداوندی است که همه چیز

را متقن آفریده ؛ به یقین او از کارهایی که شما انجام می دهید آگاهاست». (سوره نمل، آیه 88) طبّ الأئمّه، ص 24.

3- طبّ الأئمّه، ص 24.

4- طبّ الأئمّه، ص 25.

5- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. برای اوست آنچه در شب وروز قرار داد؛ واو شنوا وداناست».سوره انعام، آیه 13.

6- ترجمه: «گفتیم: «ای آتش، بر ابراهیم سرد وسالم باش. آنها می خواستند ابراهیم را با این نقشه نابود کنند؛ولی ما آنها را زیانکارترین مردم قرار دادیم». سوره انبیاء، آیات 68 و69.

الْعَالَمِینَ) (1) اَللّهُمَّ یا کافِی مِنْ کُلِّ شَیْءٍ وَلا یَکْفِی مِنْکَ شَیءٌ، اِکْفِ عَبْدَکَ وَابْنَ اَمَتِکَ،

مِنْ شَرِّ ما یَخافُ وَیَحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ الْوَجَعِ الَّذی یَشْکُوهُ اِلَیْکَ». (2)

درمانی دیگر

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای درمان درد دندان، دست را بر محلّ سجده بکش، سپس آن را بر موضع درد بمال وبگو: بِسْمِ اللهِ الشّافی وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ». (3)

2. در روایت است که کسی از درد دندان به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «دست بر دهان بگذار وبگو: بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ، بِسْمِ اللهِ الَّذی لا یَضُرُّ مَعَ اِسْمِهِ داءٌ، اَعُوذُ بِکَلِماتِ اللهِ الَّتی لا یَضُرُّ مَعَها شَیْءٌ، قُدُّوسآ قُدُّوسآ قُدُّوسآ، بِاسْمِکَ یا رَبِّ الطّاهِرِ الْمُبارَکِ، الَّذی مَنْ سَئَلَکَ بِهِ اَعْطَیْتَهُ وَمَنْ دَعاکَ بِهِ اَجَبْتَهُ، اَسْئَلُکَ یا اَللهُ یا اللهُ یا اللهُ، اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ وَاَهْلِ بَیْتِهِ وَاَنْ تُعافِیَنِی مِمّا اَجِدُ فِی فَمِی وَفِی رَأسی وَفِی سَمْعی وَفِی بَصَری وفِی بَطْنی وَفی ظَهْری وَفِی یَدی وَفِی رِجْلی وَفِی جَمیعِ جَوارِحی کُلِّها». (4)

1- ترجمه: «مبارک باد آن کس که در آتش است وکسی که در اطراف آن است.]= فرشتگان وموسی[ومنزّهاست خداوندی که پروردگار جهانیان است». سوره نمل، آیه 8.

2- ترجمه: «بار خدایا، ای که از هر چیزی بی نیازی وهیچ چیز از تو بی نیاز نیست. از بنده ات وفرزند کنیز خودشرّ آنچه را که می هراسد وشرّ دردی را که به تو شکایت می کند بازدار».

3- ترجمه: «به نام خدای شفادهنده، هیچ پناه و نیرویی جز از ناحیه خداوند بلندمرتبه وبزرگ نیست». طبّالأئمّه، ص 24.

4- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. به نام خدایی که با نام او هیچ بیماریی ضرر نمی رساند، پناه می برمبه کلمات خداوند که با وجود آنها هیچ چیز ضرر نمی رساند وخدایا! تو پاک هستی، پاک هستی، پاک هستی.ای پروردگار، به نام ظاهر ومقدّس ومبارکت که هر کس به آن تو را بخواند به او عطا می کنی وهر کس دعا کنداو را اجابت می کنی. از تو می خواهم ای الله، ای الله، ای الله که بر محمّد وخاندانش درود فرستی ومرا ازدردهایی که در دهانم وسرم وگوشم ودیده ام وشکمم وپشتم ودستم وپایم وهمه اعضا وجوارح بدنم می یابم، عافیت بخشی». طبّ الأئمّه، ص 23.

درمان دندان درد با دارو

1. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای درمان دندان درد، سعد (نوعی گیاه معطّر) را بر روی آن بگذارید». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «سرکه ای که از شراب ساخته شده، بن دندان را محکم می کند». (2)

3. در حدیث است که حمزه بن الطیّار در حالی که از درد آه می کشید خدمت امام کاظم علیه السلام رسید. حضرت فرمود: «تو را چه می شود؟» عرض کرد: دندانم درد می کند. فرمود: «حجامت کن، درمان می شوی». حجامت کرد وشفا یافت. سپس حضرت فرمود: «هیچ دارویی به حجامت کردن وخوردن عسل نمی رسد». (3)

معالجه برخی از بیماری های پوستی

درمان پیسی

درمان پیسی (4)

1. در حدیث است که یونس بن عمّار از پیسی که در بدنش ظاهر شده بود به حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «هنگامی که یک سوم آخر شب فرا می رسد وضو بگیر ومشغول نماز شب شو واین دعا را در آخرین سجده نماز بخوان: یا عَلِیُّ یا عَظیمُ، یا رَحْمنُ یا رَحیمُ، یا سامِعَ الدَّعَواتِ، یا مُعْطِیَ الْخَیْراتِ، صَلِّ عَلی مُحمّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْطِنی مِنْ خَیْرِ الدُّنْیا وَالْآخِرَهِ ما اَنْتَ اَهْلُهُ وَاصْرِفْ عَنّی مِنْ شَرِّ الدُّنْیا وَالْآخِرَهِ ما اَنْتَ اَهْلُهُ وَاَذْهِبْ عَنِّی هَذَا الْوَجَعِ (ونام آن بیماری را ببر) فَاِنَّهُ قَدْ غاظَنی وَاَحْزَنَنی (5) ودر تضرّع ودعا اصرار کن». یونس بن

1- کافی، ج 6، ص 379، ح 6.

2- طبّ الأئمّه، ص 24.

3- کافی، ج 8، ص 168، ح 231.

4- «پیسی» (برص)، مرضی است که بر اثر آن لکّه های سفید روی پوست بدن ظاهر می شود (فرهنگ عمید).

5- ترجمه: «ای خداوند بلند مرتبه، ای بزرگ، ای بخشنده، ای مهربان، ای شنونده خواسته ها، ای دهندهنیکی ها، بر محمّد وآل محمّد درود فرست واز خیر دنیا وآخرت مطابقت کرمت به من عطا کن وشرّ دنیاوآخرت را مطابق کرمت از من دور کن واین درد را از من برطرف فرما، زیرا مرا به رنج انداخته ومحزونمساخته است».

عمّار گويد: به سفارش امام عمل كردم، قبل از آنكه به كوفه برسم پيسى از من برطرف شد. (1)

2. در حديثى ديگر آمده است كه اسحاق بن اسماعيل وديگران نيز از اين بيمارى به امام صادق عليه السلام شكايت كردند. حضرت فرمود: «وضو بگيريد ودو ركعت نماز بگزاريد وحمد وثناى الهى كنيد وبر محمّد واهل بيت او صلوات بفرستيد، سپس اين دعا را بخوانيد: يا اَللهُ يا اَللهُ يا اَللهُ، يا رَحْمنُ يا رَحْمنُ يا رَحْمنُ، يا رَحيمُ يا رَحيمُ يا رَحيمُ، يا واحِدُ يا واحِدُ يا واحِدُ، يا اَحَدُ يا اَحَدُ يا اَحَدُ، يا صَمَدُ يا صَمَدُ يا صَمَدُ، يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ، يا اَقْدَرَ الْقادِرينَ، يا اَقْدَرَ الْقادِرينَ، يا اَقْدَرَ الْقادِرينَ، يا رَبَّ الْعالَمينَ، يا رَبَّ الْعالَمينَ، يا رَبَّ الْعالَمينَ، يا سامِعَ الدَّعَواتِ، يا مُنَزِّلَ الْبَرَكاتِ، يا مُعْطِىَ الْخَيْراتِ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَعْطِنى خَيْرَ الدُّنْيا وَالاْخِرَهِ وَاصْرِفْ عَنِّى شَرَّ الدُّنْيا وَالاْخِرَهِ وَأَذْهِبْ ما بى، فَقَدْ غاظَنِى الاْمْرُ وَاَحْزَنَنى». (2)

3. در روايتى ديگر فرمود: «سوره ياسين را با عسل بر ظرفى بنويس، سپس آن را با آب بشوى وآب حاصل از آن را بنوش تا پيسى برطرف شود». (3)

1- عدّه الدّاعى، ص 257؛ بحارالأنوار، ج 67، ص 223، ح 30.

2- ترجمه: «اى خدا، اى خدا، اى خدا، اى رحمان، اى رحمان، اى رحمان، اى رحيم، اى رحيم، اى رحيم، اييكتا، اى يكتا، اى يكتا، اى احد، اى احد، اى احد، اى صمد، اى صمد، اى صمد، اى مهربان ترين مهربانان، ايقدرتمندترين قدرتمندان، اى قدرتمندترين قدرتمندان، اى قدرتمندترين قدرتمندان، اى پروردگار دوجهان، اى پروردگار دو جهان، اى پروردگار دو جهان، اى شنونده دعاها، اى نازل كننده بركات، اى عطاكنندهنيكى ها، بر محمّد وآل محمّد درود فرست وخير دنيا وآخرت را به من عطا كن وشرّ دنيا وآخرت را از مندور كن وبيماريم را شفا بخش كه اين بيمارى مرا به

رنج انداخته ومحزونم کرده است». مناقب ابن شهرآشوب، ج 4، ص 234؛ بحارالأنوار، ج 67، ص 223، ح 30.

3- مکارم الأخلاق، ص 384.

4. در حدیثی دیگر فرمود: «سوره انعام را با عسل در ظرفی بنویس، سپس آن را با آب بشوی وآب آن را بنوش». (1)

5. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن چغندری که با گوشت گاو پخته شده باشد، پیسی را برطرف می کند». (2)

6. در حدیثی دیگر فرمود: «هیچ چیز برای پیسی سودمندتر از تربت امام حسین علیه السلامنیست،(مقدارکمی)ازآن راباآب باران بخوروبرمحلّ بیماری بمال». (3)

درمان خوره (جذام)

1. در کتاب مکارم الأخلاق آمده است: «آیات زیر را برای درمان خوره وپیسی بر ظرفی بنویس، سپس آن ظرف را بشوی وآب آن را بخور واین آیات را همراه خود داشته باش: (بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ. یَمْحُوا اللَّهُ مَا یَشَاءُ وَیُثْبِتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْکِتَابِ (4) . اَلْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلاَئِکَهِ رُسُلاً أُولِی

أَجْنِحَهٍ مَّثْنَی وَثُلَثَ وَرُبَاعَ) (5) بِاِسْمِ فُلانِ بْنِ فُلانٍ. وبه جای فلان بن فلان، نام بیمار وپدرش برده شود». (6)

2. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گوشت گاو، خوره وپیسی را برطرف می سازد». (7)

1- مکارم الأخلاق، ص 384.

2- محاسن، ص 519، ح 724؛ مکارم الأخلاق، ص 384.

3- مکارم الأخلاق، ص 384.

4- ترجمه: «خداوند هر چه را بخواهد محو وهر چه را بخواهد ثابت نگاه می دارد؛ و«امّ الکتاب»]=لوحمحفوظ[نزد اوست». سوره رعد، آیه 39.

5- ترجمه: «ستایش مخصوص خداوند است، آفریننده آسمان ها وزمین که فرشتگان را رسولانی قرار داددارای بال های دوگانه وسه گانه وچهارگانه». سوره فاطر، آیه 1.

6- مکارم الأخلاق، فی الإستشفاء بالقرآن، ص 443.

7- بحارالأنوار، ج 62، ص 212، ح 5.

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «موی بینی از مبتلا شدن به خوره جلوگیری می کند». (1)

4. نیز در حدیثی فرمود: «تربت حضرت رسول صلی الله علیه و آله، خوره را برطرف می سازد». (2)

5. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گرفتن شارب در هر روز جمعه، باعث حفظ از بیماری خوره می شود». (3)

6. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زمینه ابتلای به بیماری خوره در همه وجود دارد وخوردن شلغم، زمینه آن را از بین می برد». (4)

درمان بهق

درمان بهق (5)

1. در کتاب مکارم الأخلاق آمده است: «برای درمان بیماری بهق، این آیات را بر موضع بیماری بنویسد: (وَإِنْ مِّنْ شَیْءٍ إِلاَّ عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلاَّ بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ. (6) هَلْ یَسْمَعُونَکُمْ إِذْ تَدْعُونَ * أَوْ یَنْفَعُونَکُمْ أَوْ یَضُرُّونَ)». (7)

2. در حدیث است که کسی از پیسی وبهق به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «به حمّام برو، حنا ونوره را با هم مخلوط کن وبر محلّ آن بمال، اثری از آن نخواهد ماند». (8)

1- بحارالأنوار، ج 62، ص 212، ح 8.

2- بحارالأنوار، ج 62، ص 212، ح 9.

3- بحارالأنوار، ج 62، ص 213، ح 10.

4- بحارالأنوار، ج 62، ص 213، ح 11.

5- «بَهَک» لکّه سفیدی که بر اثر علّتی غیر از بیماری برص روی پوست پیدا می شود. در عربی به آن بهقمی گویند (فرهنگ عمید).

6- ترجمه: «وخزاین همه چیز، تنها نزد ماست ؛ ولی ما جز به اندازه معیّن آن را نازل نمی کنیم». سوره حجر،آیه 21.

7- ترجمه: «آیا هنگامی که آنها را می خوانید صدای شما را می شنوند؟ ! - یا سود وزیانی به شما می رسانند؟ !»(سوره شعرا، آیات 72 و73) مکارم الأخلاق، ص 384.

8- طبّ الأئمّه، ص 71.

درمان زگیل

درمان زگیل (1)

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دست بر زگیل بمال واین دعا را سه نوبت بخوان: بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ، بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ، صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ، اَللّهُمَّ امْحُ عَنّی

ما اَجِدُ». (2)

درمان دمل وطاعون

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای دانه ها ودمل های ریزی که در بدن ظاهر می شود، در ابتدای ظهورش انگشت شهادت را بر دور آنها بگرداند وهفت مرتبه ذکر «لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ الحَلیمُ الْکَریمُ» بگوید ودر مرتبه هفتم انگشت را با (کمی) فشار بر روی آن بگذارد». (3)

2. در روایتی دیگر فرمود: «بیشتر دمل ها ودانه های ریز از خون فاسدی است که در وقت طغیان آن را از بدن بیرون نمی کنند؛ بنابراین، هر که این مشکل در بدنش پدید آید هنگامی که به رختخواب می رود این دعا را بخواند: اَعُوذُ بِوَجْهِ اللهِ الْعَظیمِ وَکَلِماتِهِ التّامّاتِ، الَّتی لا یُجاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلا فاجِرٌ، مِنْ شَرِّ کُلِّ ذی شَرٍّ (4) تا از این دردها وسایر دردها عافیت یابد». (5)

1- «آزَخ» دانه کوچک سفت وسخت که روی پوست بدن پیدا می شود امّا درد ندارد. ازخ، آژخ، زگیل، وردانوبالو هم گفته می شود (فرهنگ عمید).

2- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. به نام خدا وبه ذات (پاک) خدا (شروع می کنم.) محمّد صلی الله علیه و آله رسولخداست وهیچ پناه ونیرویی جز از ناحیه خداوند بلندمرتبه بزرگ نیست. بار خدایا، مشکلی را که در بدن منهست از من محو کن». طبّ الأئمّه، ص 60.

3- طبّ الأئمّه، ص 38.

4- ترجمه: «از شرّ هر صاحب شرّی، به خداوند بزرگ وکلمات تامّه او که هیچ نیکوکار وبدکاری از آن عبورنمی کند، پناه می برم».

5- طبّ الأئمّه، ص 108.

3. در حدیثی دیگر فرمود: «برای کری ودمل وقوبا (1) ، این آیات را بنویسد وبا

خود نگاه دارد: (بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ وَمَثَلُ كَلِمَهٍ خَبِیثَهٍ كَشَجَرَهٍ خَبِیثَهٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ) (2) ، (مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِیهَا نُعِیدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَهً

أُخْرَی) (3) اَللهُ اَكْبَرُ وَاَنْتَ لا تَكْبُرْ وَاللهُ یَبْقی وَاَنْتَ لا تَبْقی وَاللهُ عَلی كُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ». (4)

4. در حدیث است كه كسی به حضرت علی علیه السلام عرض كرد: مادّه طاعون در بدن من ظاهر شده (وعلامت های آن آشكار گشته، چه كنم؟) حضرت فرمود : «سیب بخور». آن شخص به دستور حضرت عمل كرد وشفا یافت. (5)

درمان خنازیر

درمان خنازیر(6) وورم

1. در روایتی معتبر می خوانیم كه امام رضا علیه السلام فرمود: «در خانه ما در گردن دختری خنازیر ظاهر شد. كسی در خواب به من گفت: دعای «یا رَؤُوفُ یا رَحیمُ یا رَبِّ یا سَیّدی» را مكرّر بخواند». (7)

2. در روایتی دیگر فرمود: «برای درمان هر ورمی كه در بدن پدید آید ومی ترسی به حالتی بد منتهی شود، در زمانی كه برای نماز واجب وضو داری

1- «قوبا» نوعی بیماری پوستی است.

2- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. وكلمه خبیثه (وسخن آلوده) را به درخت ناپاكی تشبیه كرده كهاز روی زمین بركنده شده وقرار وثبات

ندارد». سوره ابراهیم، آیه 26.

3- ترجمه: «ما شما را از زمین آفریدیم ؛ وبه آن بازمی گردانیم وبار دیگر (در قیامت) شما را از آن بیرونمی آوریم». سوره طه، آیه 55.

4- ترجمه: «خداوند بزرگ تر از آن است که وصف شود وتو (ای درد) بزرگ نیستی، خداوند باقی می ماند وتو(ای درد) باقی نمی مانی وخداوند توانا بر هر چیزی است». مکارم الأخلاق، ص 384.

5- محاسن، ص 552، ح 895.

6- «خنازیر» به معنای غدّه های سختی است که در گردن وزیر گلو پیدا می شود وگاه تبدیل به زخم وجراحتمی گردد واز آنها چرک می آید (فرهنگ عمید).

7- دعوات راوندی، ص 197، ح 541؛ بحار الأنوار، ج 95، ص 100، ح 3.

قبل از نماز برای شفای آن ورم این سوره را از آیه: (لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ) (1) ، (تا آخر) بخوان. اگر چنین کنی آن ورم به

زودی آرام گیرد». (2)

3. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بر هر ورمی، آیات آخر سوره حشر را از: (لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ)، تا پایان سوره سه مرتبه بخوان». (3)

درمان غدّه

در حدیث است که کسی به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد: در بدنم غدّه ای ظاهر شده (چه کنم؟) حضرت فرمود: «سه روز روزه بگیر وروز چهارم به هنگام ظهر غسل کن وبه صحرا یا پشت بام ساختمان بلندی برو وچهار رکعت نماز با هر سوره ای که بخواهی بگزار ودر حدّ امکان در گریه وتضرّع وحضور قلب تلاش کن وهنگامی که از نماز فارغ شدی لباس از تن درآور ولباس کهنه پاکیزه ای به مانند لنگ بر خود ببند وبر خاک سجده کن وپهلوی راست خود را بر خاک بگذار وبا خشوع وگریه این دعا را بخوان: یا واحِدُ یا اَحَدُ، یا کَریمُ یا جَبّارُ، یا قَریبُ یا مُجیبُ، یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاکْشِفْ ما بی مِنْ مَرَضٍ وَاَلْبِسْنِی الْعافِیَةَ الْکافِیَةَ الشّافِیَةَ، فِی الدُّنْیا وَالاْخِرَهِ وَامْنُنْ عَلَیَّ بِتَمامِ النِّعْمَهِ وَاَذْهِبْ ما بی، فَقَدْ آذَانی وَغَمَّنی». (4) سپس فرمود: «هنگامی عمل به

1- ترجمه: «اگر این قرآن را بر کوهی نازل می کردیم، می دیدی که در برابر آن خاشع می شود واز خوف خدامی شکافد». سوره حشر، آیه 21.

2- طبّ الأئمّه، ص 110؛ بحارالأنوار، ج 95، ص 100.

3- طبّ الأئمّه، ص 48 (باترجمه).

4- ترجمه: «ای خداوند یگانه، ای یکتا، ای کریم، ای جبّار، ای نزدیک، ای اجابت کننده، ای مهربان ترینمهربانان، بر محمّد وآل محمّد درود فرست وبیماری مرا شفا ده ولباس عافیت کامل وشفا در دنیا وآخرتبر من بپوشان وبا تمام وکامل کردن نعمتت بر من منّت بگذار وآنچه را که از بیماری ها در وجود من استزایل فرما که مرا آزار داده وغمگین ساخته است».

این دستور سودمند خواهد بود که یقین به تأثیرش داشته باشی». آن شخص عمل کرد وبه زودی شفا گرفت. (1)

معالجه بیماری های داخلی

درمان بیماری های شکم

معالجه درد شکم

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شخصی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسید وگفت: برادرم را درد شکم آزار می دهد، چه کند؟ حضرت

فرمود: «به او بگو: اندکی عسل با آب گرم بخورد». روز دیگر آمد وعرض کرد : خورد ولی برطرف نشد. فرمود: «برو باز هم به او عسل بده تا بخورد و سوره حمد را نیز هفت مرتبه نزد او بخوان». چون آن شخص رفت، حضرت فرمود : «برادرش منافق است، بدین علّت خوردن عسل سودی برای او ندارد». (2)

2. در حدیث است که کسی از درد شکم به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «آب بخور واین دعا را بخوان: یا اَللهُ یا اَللهُ یا اَللهُ، یا رَحْمنُ یا رَحیمُ، یا رَبَّ الْأَرْبابَ، یا اِلهَ الْاِلِهَهِ، یا مَلِکَ الْمُلُوکِ، یا سَیِّدَ السّاداتِ، اِشْفِنی بِشِفائِکَ مِنْ کُلِّ داءٍ وَسُقْمٍ، فَاِنّی عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدِکَ، أَتَقَلَّبُ فی قَبْضَتِکَ». (3)

معالجه ناراحتی شکم

1. در حدیث است که کسی از پیچش شکم به امام کاظم علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «آبی به دست بگیر واین آیه را سه مرتبه بر

آن بخوان : (يُرِيدُ اللهُ

1- طبّ الأئمّه، ص 109؛ بحارالأنوار، ج 91، ص 377، ح 36.

2- طبّ الأئمّه، ص 28.

3- طبّ الأئمّه، ص 28.ترجمه مشابه دعای مذکور قبلا گذشت.

بِكُمُ الْيُسْرَ وَلاَ يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ) (1) ، سپس بگو: (أَوَ لَمْ يَرَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَىْءٍ حَىٍّ أَفَلاَ يُؤْمِنُونَ). (2) سپس آب را بنوش وبا دو دست بر شكم بمال». (3)

2. در روايتى ديگر فرمود: «اين آيات را بر روغن بخواند، (بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُّنْهَمِرٍ * وَفَجَّرْنَا الأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ * وَحَمَلْنَاهُ عَلَى ذَاتِ أَلْوَاحٍ وَدُسُرٍ) (4) ، فَ «(فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَىْءٍ) (5)

بِاسْمِ فلان بن فلان، (أَوَ لَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضَ كانَتَا رَتَقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَىْءٍ حَىٍّ أَفَلاَ يُؤْمِنُونَ)». (6)

3. در حديث است كه كسى از درد پيچش شكم به امام رضا عليه السلام شكايت كرد. حضرت فرمود: «گردويى بر روى آتش بگذار، هنگامى كه مغزش بريان شد، از پوست جدا كن وبخور». (7)

درمان درد سينه

1. در حديث است كه شخصى از درد سينه به امام صادق عليه السلام شكايت كرد.

1- ترجمه: «خداوند راحتى شما را مى خواهد، نه زحمت شما را». سوره بقره، آيه 185.

2- ترجمه: «آيا كافران نديدند كه آسمان ها وزمين به هم پيوسته بودند وما آنها را از يكديگر باز كرديم ؛ وهرچيز زنده اى را از آب قرار داديم؟ !» سوره نساء، آيه 30.

3- مكارم الأخلاق، ص 383، با اختلاف واضافات.

4- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. پس درهای آسمان را با آبی فراوان گشودیم! وزمین را شکافتیموچشمه های زیادی بیرون فرستادیم ؛ واین دو آب به اندازه مقدّر با هم درآمیختند. واو را بر مرکبی از الواحومیخ هایی ساخته شده سوار کردیم». سوره قمر، آیات 11 - 13.

5- ترجمه: «درهای همه چیز (از نعمت ها) را به روی آنها گشودیم.» سوره انعام، آیه 44.

6- سوره انبیاء، آیه 30؛ ترجمه آیه شریفه گذشت. مکارم الأخلاق، ص 382.

7- طبّ الأئمّه، ص 101.

حضرت فرمود: «از قرآن طلب شفا کن، زیرا خداوند فرماید: (شِفَاءٌ لِمَا فِی الصُّدُورِ)». (1)

2. نیز کسی از درد ناف شکایت کرد. حضرت فرمود: «دست بر آن موضع بگذار وسه مرتبه بگو: (وَإِنَّهُ لَکِتَابٌ عَزِیزٌ * لاَ یَأْتِیهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَلاَ مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِیلٌ مِنْ حَکِیمٍ حَمِیدٍ)». (2)

درمان درد طحال

1. از امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای درمان درد طحال این آیات را با زعفران بنویسد، سپس با آب زمزم بشوید وبخورد: (قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَیًّا مَّا تَدْعُوا فَلَهُ الأسْمَاءُ الْحُسْنَی وَلاَ تَجْهَرْ بِصَلاَتِکَ وَلاَ تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَیْنَ ذلِکَ سَبِیلاً * وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ یَکُنْ لَّهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَلَمْ یَکُنْ لَّهُ وَلِیٌّ مِّنَ الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ تَکْبِیرًا)». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یکی از اصحاب امام باقر علیه السلام از درد طحال به آن حضرت شکایت کرد وگفت: تمام روش های معالجه آن را به

1- ترجمه: «درمانی برای آنچه در سینه هاست ؛ (درمانی برای دل های شماست)». (سوره یونس، آیه 57)مکارم الأخلاق، ص 378.

2- ترجمه: «واین کتابی است قطعاً شکست ناپذیر که هیچ گونه باطلی، نه از پیش رو ونه از پشت سر، به سراغآن نمی آید؛ چرا که از سوی خداوند حکیم وشایسته ستایش نازل شده است». (سوره فصلّت، آیات 41و42) طبّ الأئمّه، ص 28.

3- ترجمه: «بگو: الله را بخوانید یا رحمان را هر کدام را که بخوانید، (ذات پاکش یکی است ؛ و) برای او بهترینnام هاست. ونماز را زیاد بلند، یا خیلی

آهسته نخوان ودر میان آن دو، راهی (معتدل) انتخاب کن. وبگو :ستایش برای خداوندی است که نه فرزندی برای خود انتخاب کرده، ونه شریکی در حکومت دارد، ونه بهخاطر ضعف وذلّت، (حامی و) سرپرستی برای اوست. واو را بسیار بزرگ بشمار». (سوره اسراء، آیات 110و111) طبّ الأئمّه، ص 29 و30.

کار بستم امّا روز به روز درد آن بیشتر شده، تا جایی که مرا در آستانه مرگ قرار داده است. چه کنم؟ حضرت فرمود: مقداری تره خریداری کن وآن را با روغن حیوانی سرخ کن وتا سه روز از آن بخور، إن شاء الله این کار باعث بهبودی

تو می شود». (1)

3. مرحوم کلینی با سند معتبر روایت کرده است که به امام کاظم علیه السلام خبر دادند یکی از خادمان شما درد طحال دارد. حضرت فرمود: «سه روز به او تره بخورانید. غلام به دستور حضرت عمل کرد ودرمان شد». (2)

درمان زخم جگر وبیماری های معده

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت حزقیل به زخم جگر مبتلا شد. دعا کرد که عافیت یابد. وحی آمد: شیره انجیر را بگیر وبر سینه ات بمال. این کار را کرد وخوب شد». (3)

2. در حدیث است که کسی از ضعف معده به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «حُزاء (4) را با آب سرد بخور». (5)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خرمای ناشتا خوردن، کرم معده را می کشد». (6)

1- بحارالأنوار، ج 62، ص 171، ح 9.

2- کافی، ج 6، ص 365، ح 1.

3- محاسن، ص 553، ح 902.

4- «حُزاء» گیاهی است شبیه کرفس که بویی تلخ دارد وآن را به فارسی دینارویه گویند. از رستن های داروییاست وآن دو نوع است: صحرایی

وباغی، صحرایی را سداب بری وتخم آن را به شیرازی برگ کازرونی خواننددوباغی آن را به شیرازی آهو دوستک نامند (معارف ومعاریف، ج 2، ص 912).

5- کافی، ج 8، ص 165، ح 220.

6- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 48، ح 185.

4. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از سرکه ای که از شراب ساخته شده استفاده کنید که کرم های معده را می کشد». (1)

5. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام خواب هفت دانه خرمای عجوه (2) بخورد کرم های معده اش از بین می رود». (3)

درمان اسهال

1. در روایات معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «برای درمان اسهال مقداری برنج شسته، در سایه بخشکانند سپس آن را بر روی آتش تافته، نرم بکوبند وهر روز صبح به اندازه یک کف (تقریباً دو قاشق غذاخوری) دست بخورند». (4)

2. در روایتی دیگر فرمود: «برای معالجه اسهال مقداری برنج در دیگ کن وبا آب بجوشان وچهار یا پنج قطعه سنگ در زیر آتش بگذار تا سرخ شود، سپس پیه قلوه تازه را بگیر وبا آن سنگ ها در میان کاسه ای بینداز وکاسه ای دیگر بر سرش بگذار تا بخارش خارج نشود وآن کاسه را تکان بده تا آن پیه آب شود، سپس برنج که پخته شد آن روغن را بر روی آن بریز وبخور». (5)

درمان قولنج

1. در چندین روایت آمده است که برای درمان قولنج ودرد شکم، سوره حمد، (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ)، (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ)، (قُلْ هُوَ اللهُ أَحَد) را با مشک

1- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 40، ح 127.

2- از بهترین خرماهای مدینه است که در احادیث فواید بسیاری برای آن بیان شده است.

3- محاسن، ص 533، ح 791؛ کافی، ج 6، ص 349، ح 20.

4- محاسن، ص 503، ح 632.

5- محاسن، ص 503، ح 633.

وزعفران بر ظرفی بنویس، سپس این دعا را نیز به آن اضافه کن: اَعُوذُ بِوَجْهِ اللهِ الْعَظیمِ وَبِعِزَّتِهِ الَّتی لا تُرامُ وَبِقُدْرَتِهِ الَّتی لا یَمْتَنِعُ مِنْها شَیْءٌ، مِنْ شَرِّ هذَا الْوَجَعِ وَشَرِّ ما فِیهِ وشَرِّ ما اَحْذَرُ مِنْهُ (1) ، سپس آن را بشوی وآب آن را به هنگام خواب یا ناشتا بنوش». (2)

2. در روایتی دیگر می خوانیم که دستورالعمل مزبور برای فلج ودرمان تمام بادها سودمند است. (3)

درمان درد باسن

1. در حدیث است که کسی از درد باسن به امام باقر علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «پس از نماز بر موضع سجده دست بکش، سپس دست خود را بر محلّ درد بکش واین آیات را بخوان: (أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لاَ تُرْجَعُونَ * فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لاَ إِلَهَ إِلاَّ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ * وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ لاَ بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لاَ يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ * وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ)». (4) راوی گفت: به دستور مزبور عمل کردم به زودی درد برطرف شد. (5)

1- ترجمه: «پناه می برم به ذات پاک خداوند بزرگ وبه عزّتش که هیچ کس به آن نرسد وبه قدرتش که چیزیاز آن سر نتابد، از شرّ این درد وشرّ آنچه در آن است واز شرّ آنچه از آن در هراسم».

2- طبّ الأئمّه، ص 65؛ مکارم الأخلاق، ص 382.

3- مکارم الأخلاق، ص 383.

4- ترجمه: «آیا گمان کردید شما را بیهوده آفریده ایم وبه سوی ما بازگردانده نمی شوید؟! پس بلندمرتبه استخداوندی که فرمانروای حقّ است، معبودی جز او نیست ؛ واو پروردگار عرش کریم است. وهر کس

معبوددیگری را با خدا بخواند - وبه یقین هیچ دلیلی بر آن نخواهد داشت ، حساب او نزد پروردگارش خواهد بود؛به راستی کافران رستگار نخواهند شد. وبگو: «پروردگارا، مرا ببخش ورحمت کن ؛ وتو بهترینرحم کنندگانی». سوره مؤمنون، آیات 115 - 118.

5- طبّ الأئمّه، ص 28 و 29.

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دست بر آن موضع بمال وسه مرتبه این دعا را بخوان: بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ. اَللّهُمَّ امْحُ عَنِّی ما اَجِدُ فی خاصِرَتی (1) ودر هر مرتبه دست بر آن موضع بکش». (2)

3. در چندین روایت آمده است: خوردن ریزه هایی که از سفره می ریزد، درد باسن را برطرف می کند. (3)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انجُدان رومی (4) بخورید که

درد باسن را زایل می کند». (5)

5. در حدیث است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا بیماری هایی که دامنگیر انسان ها می شد، به حضرت عیسی علیه السلام می رسید؟ فرمود: «آری، ایشان در دوران کودکی به بیماری های بزرگسالان مبتلا می شد؛ درد باسن از دردهای بزرگان است که در کودکی گاه دامنگیر آن حضرت می شد. در این هنگام به مادرش می گفت: عسل وسیاهدانه وروغن زیتون را با یکدیگر مخلوط کن وبرایم بیاور. هنگامی که مادرآن را آماده می کرد وبرای حضرت می آورد، از خوردن آن کراهت داشت. حضرت مریم علیها السلام می گفت: تو خود این دارو را طلبیدی، چرا از خوردن آن کراهت داری؟ می فرمود: به علم پیامبری آن را طلبیدم، امّا به طبع کودکی وبه سبب بدمزگی دارو از آن کراهت دارم. سپس آن را گرفته وتناول می کرد». (6)

1- ترجمه: «به نام وبه ذات (پاک) خداوند (شروع می کنم.)، هیچ پناه ونیرویی جز از ناحیه خداوند بلندمرتبهوبزرگ نیست. خداوندا، درد باسن مرا محو ونابود کن».

2- مكارم الأخلاق، ص 407.

3- محاسن، ص 444، ح 324.

4- «اَنجُدان» معرّب انگدان، گیاهی است دارای ساقه های ستبر ومیان تهی، برگ هایش سوراخدار وگل هایشچتری، مانند گل شبت ومیوه آن سیاه وبدبو است (فرهنگ عمید).

5- طبّ الأئمّه، ص 60.

6- قصص الأنبیاء راوندی، ص 270، ح 315.

درمان درد پشت

1. در حدیث است که حضرت صادق علیه السلام در سفر بود، فرزندش اسماعیل از درد شکم وپشت شکایت کرد. حضرت وی را طلبید وفرمود: «بر پشت بخواب واین دعا را بخوان: بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَبِصُنعِ اللهِ الَّذی اَتْقَنَ کُلَّ شَیْءٍ، اِنَّهُ خَبیرٌ

بِما تَعْمَلُونَ، اُسْکُنْ یا ریحُ بِالَّذی سَکَنَ لَهُ ما فِی السَّماواتِ وَالاْرْضِ وَهُوَ

السَّمیعُ الْعَلیمُ». (1)

2. نیز کسی از درد پشت به امیر مؤمنان علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود : «دست بر محلّی که درد می کند بگذار وسه مرتبه این آیه را بخوان: (وَمَا کَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلاَّ بِإِذْنِ اللِّ کِتَاباً مُؤَجَّلاً وَمَنْ یُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْیَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ یُرِدْ ثَوَابَ الاْخِرَهِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِی الشَّاکِرِینَ) (2) سپس هفت مرتبه سوره (إِنَّا أنْزَلْنَاه)

را تلاوت کن». (3)

درمان سرفه وسل ودردهای درونی

1. در حدیث است که کسی از سرفه به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «مقداری از انجُدان رومی با همان مقدار از نبات سفوف کن (4) ویک یا دو

روز بخور». شخص بیمار می گوید: یک روز خوردم برطرف شد. (5)

1- ترجمه: «به نام خدا وبه ذات (پاک) خدا وبه آفرینش خداوند که هر چیزی را استوار کرده، همانا او آگاهاست به آنچه که انجام می دهد. ای

درد، آرام شو به قدرتی که آسمان ها وزمین در برابر آن آرام شده واو شنواوداناست». طبّ الأئمّه، ص 79.

2- ترجمه: «هیچ کس جز به فرمان خدا نمی میرد، سرنوشتی است تعیین شده، (بنابراین، مرگ پیامبر یادیگران یک سنّت الهی است) هر کس پاداش دنیا را بخواهد (ودر زندگی خود در این راه گام بردارد) چیزی ازآن به او خواهیم داد وهر کس پاداش آخرت را بخواهد از آن به او می دهیم ؛ وبه زودی سپاسگزاران را پاداشخواهیم داد». سوره آل عمران، آیه 145.

3- طبّ الأئمّه، ص 30.

4- «سَفُوف» داروی خشک کوبیده، داروی نرمی که روی زبان بریزند وفرو ببرند (فرهنگ عمید).

5- کافی، ج 8، ص 167، ح 227.

2. نیز کسی از بیماری سل به امام کاظم علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود : «سنبله، قاقله، زعفران، عاقرقرحا (1) ، بذر البنج، خربق وفلفل سفید از هر کدام به

مقدار مساوی بگیر ودو برابر هر یک از اجزاءِ فرفیون به آن اضافه کن وهمه را ساییده از حریر بیرون کن وبه مقدار یک نخود در سه شب با آب گرم بخور». بیمار به دستور حضرت عمل کرد وشفا یافت. (2)

3. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «گلابی بخورید که دل را جلا می دهد ودردهای درونی را التیام می بخشد». (3)

معالجه درد مفاصل و بعضی بیماری های دیگر

اشاره

1. در روایتی می خوانیم که برنج وخرمای نارس (خارک)، بواسیر را زایل می کند. (4)

2. در حدیث است که امام رضا علیه السلام این معجون را برای درمان بواسیر سفارش فرمود: «مقداری از هلیله سیاه وبلیله وآمله را به طور مساوی گرفته، آن را کوبیده واز پارچه حریر بیرون کند، سپس مقداری مُقل ازرق (5) تهیّه کرده، آن را سه شب در آبِ تره خیس کند، بعد این دو را با هم مخلوط وخمیر کنند. آن گاه دست را با روغن بنفشه چرب کرده، خمیر را به اندازه یک عدس از هم جدا ودر

1- «عاقِرقِرحای» عربی واکراکره هندی، گیاهی است شبیه بابونه، دارای برگ های ریز وشاخه های نازک، بیخآن دراز وبه کلفتی انگشت، طعمش تند وتیز، به فارسی کاکره هم گفته می شود (فرهنگ عمید).

2- طبّ الأئمّه، ص 85.

3- محاسن، ص 553، ح 901.

4- محاسن، ص 503 و 504، ح 634.

5- «مُقْل» صمغ درختی است که در سواحل دریای عمان وهندوستان می رويد. طعمش تلخ است ويک نوعآن که رنگش مايل به سرخی است مقل ازرق ناميده می شود. وبه نوع ديگر آن که زرد رنگ است مقل اليهودمی گويند (فرهنگ عميد).

سایه خشک کند. سپس در تابستان روزی یک ودر زمستان روزی دو مثقال بخورد. ودر ایّامی که این دارو را مصرف می کند از خوردن ماهی، سرکه وسبزیجات بپرهیزد». (1)

درمان بلغم

درمان بلغم (2)

1. در حدیثی می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «به هنگام زیاد شدن بلغم، قندران رومی (3) ، کندر، آویشن (4) ، زنیان وسیاهدانه، از هر کدام به مقدار مساوی

بگیر وهمه را نرم بکوب وبپز وبا عسل مخلوط کن وهر شب هنگام خواب به مقدار یک فندق بخور». (5)

2. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک مثقال هلیله زرد، دو مثقال خردل ویک مثقال عاقرقرحا تهیّه کن وآنها را نرم بکوب وصبح ناشتا بر داندن ها بمال که بلغم را درمان ودهان را خوشبو ودانددان ها را محکم می کند». (6)

1- طبّ الأئمّه، ص 101.

2- «بَلغَم» مادّه ای سفید ولزج است که از داخل بدن ترشّح کرده وخارج می شود ودر اصطلاح طبّ قدیم یکیاز اخلاط چهارگانه بدن به شمار می رود (فرهنگ عمید).

3- «قَندران» ، «قندرون» شیره شنگ، شیره ای که در ریشه شنگ وجود دارد. مارنه ومکرنه هم گفته شدهاست. «شِنگ» گیاهی است بیابانی دارای برگ های دراز شبیه برگ گندم. آن را با سرکه می خورند، ریشه آنشیره چسبنده ای دارد که در مجاورت هوا سیاه می شود (فرهنگ عمید).

4- «آویشن» گیاهی است صحرایی ومعطّر، دارای برگ های کوچک وساقه های کوتاه که آن را برای بویخوشی که دارد در ماست یا دوغ می زنند. «آوشین» و«آویشین» و«اویشن» و«اوشین» و«اوشن» هم گفته شدهاست (فرهنگ عمید).

5- طبّ الأئمّه ص 19.

6- طبّ الأئمّه ، ص 66.

درمان لقوه

درمان لقوه (1)

در حدیث است کسی که مبتلا به لقوه بود خدمت امام صادق علیه السلام رسید. حضرت فرمود: «به حرم حضرت رسول صلی الله علیه و آله برو، دو رکعت نماز بخوان، سپس دست بر صورت بگذار وبگو: بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ بِهذا اُخْرُجْ، اَقْسَمْتُ عَلَیْکَ مِنْ عَیْنِ اِنْسٍ اَوْ عَیْنِ جِنٍّ اَوْ وَجَعٍ اُخْرُجْ، اَقْسَمْتُ عَلَیْکَ بِالَّذی اِتَّخَذَ اِبْراهیمَ خَلیلاً وَکَلَّمَ مُوسی تَکْلیماً وَخَلَقَ عیسی مِنْ رُوحِ الْقُدُسِ، لَمّا هَدَأْتَ وَطَفَئْتَ کَما طَفَئَتْ نارُ اِبْراهیمَ، إِطْفِئی بِاِذْنِ اللهِ، اِطْفِئی بِاِذْنِ اللهِ». (2) آن شخص دو مرتبه این کار را کرد،

شفا یافت. (3)

درمان بادهای بدن ودرد مفاصل

1. در حدیث است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: از سر تا پای مرا باد (دردهای موضعی و عصبی) فرا گرفته، چه کنم؟ فرمود: «صبح ناشتا عنبر وروغن در بینی بچکان». (4)

2. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای درمان قولنج، بادها، درد مفاصل، سستی بدن وبرودت داخلی، این دارو مفید است: یک کف انجیر خشک ویک کف شنبلیله در ظرفی بریز وقدری آب به آن اضافه کن که روی

1- «لقوه» نوعی بیماری است که در چهره انسان پیدا می شود ولب ودهان یا فک به طرفی کج می گردد(فرهنگ عمید).

2- ترجمه: «به نام خدا وبه ذات (پاک) خدا، خارج شو. ای درد حاصل شده از چشم زخم انسان یا دیگرموجودات. تو را سوگند می دهم به آن کسی

که ابراهیم را خلیل خود قرار داد وبا موسی سخن گفت وعیسیرا به وسیله روح القدس آفرید که خاموش شوی، همچنان که آتش بر ابراهیم خاموش شد، خاموش شو به اذنالله، خاموش شو به اذن الله».

3- رجال کشی، ص 199، ح 349؛ بحارالأنوار، ج 95، ص 74.

4- رجال کشی، ص 199، ح 349.

آنها را بگیرد، سپس پخته وبعد صاف کن ویک روز در میان بخور، تا در مجموع روزها به مقدار یک ظرف خورده شود». (1)

3. در حدیث است که کسی از درد مفاصل به امام باقر علیه السلام شکایت کرد، حضرت فرمود این دعا را بخوان: «اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِاَسْمائِکَ وَبَرَکاتِکَ وَدَعْوَهِ نَبِیِّکَ الطَّیِّبِ الْمُبارَکِ الْمَکینِ عِنْدَکَ، صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَبِحَقِّهِ وَبِحَقِّ ابْنَتِهِ فاطِمَهَ الْمُبارَکَهِ وَبِحَقِّ وَصِیِّهِ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَبِحَقِّ سَیِّدَی شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّهِ، اِلّا اَذْهَبْتَ

عَنّی شَرَّ ما اَجِدُ، بِحَقِّهِمْ بِحَقِّهِمْ بِحَقِّهِمْ، بِحَقِّکَ یا اِلهَ الْعالَمینَ» (2) هنگامی که این دعا را خواند فوراً درد ساکن شد. (3)

درمان درد پا

1. در حدیث است که شخصی از درد پا به امام حسین علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «دست بر موضع درد بگذار وبگو: بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَالسَّلامُ عَلی رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله (4) (وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالأَرْضُ جَمِیعًا قَبْضَتُهُ یَوْمَ الْقِیَمَهِ

وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِیَّاتُ بِیَمِینِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَی عَمَّا یُشْرِکُونَ)». (5)

1- کافی، ج 8، ص 166، ح 221.

2- ترجمه: «بار خدایا، تو را می خوانم به نام ها وبرکات ودعوت پیامبرت که پاکیزه ومبارک ودر نزد تو دارایمرتبه والایی است. وبه حقّ او وبه حقّ دخترش فاطمه که خجسته است وبه حقّ جانشین اوامیرالمؤمنین علیه السلام وبه حقّ دو آقا جوانان اهل بهشت (حسن و حسین 8)، به حقّ ایشان، به حقّ ایشان،به حقّ ایشان وبه حقّ خودت ای خدای جهانیان آنچه را که در خود می یابم برطرف کن».

3- طبّ الأئمّه، ص 69 و 70.

4- ترجمه: «به نام خدا وبه ذات (پاک) خدا (آغاز می کنم) و بر رسول خدا صلی الله علیه و آله درود می فرستم».

5- ترجمه: «و آنها خدا را آن گونه که شایسته است نشناختند، در حالی که تمام زمین در روز قیامت در قبضه(قدرت) اوست وآسمان ها پیچیده در دست او، خداوند منزّه وبرتر است از آنچه همتای او قرار می دهند». (سوره زمر، آیه 67) طبّ الأئمّه، ص 33.

2. نیز شخصی از درد پا به امام حسین علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «از اوّل سوره (اِنَّا فَتَحْنَا) تا (وَکَانَ اللَّهُ عَزِیزًا حَکِیمًا) را تلاوت کن». (1)

درمان درد ران وزانو

1. نیز شخصی از درد ران به حضرت علی علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود : «آب گرم در طشت کن ودر میان آب بنشین ودست بر موضع درد بگذار واین

آیه را بخوان: (أَوَ لَمْ یَرَی الَّذِینَ کَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأرْضَ کَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ أَفَلاَ یُؤْمِنُونَ)». (2)

2. در روایتی معتبر می خوانیم که ابوحمزه از درد زانو به امام باقر علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «پس از نماز این دعا را بخوان: یا جَوادَ مَنْ اُعْطی وَیا خَیْرَ مَنْ سُئِلَ وَیا اَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمْ، اِرْحَمْ ضَعْفی وَقِلَّةَ حیلَتی وَاعْفُنی مِنْ وَجَعی». (3)

ابوحمزه به این دستور عمل کرد وفوراً شفا گرفت. (4)

درمان درد ساق ومثانه

1. در حدیث است که سالم بن محمّد از درد ساق به امام صادق علیه السلام شکایت کرد وگفت: این درد مرا از انجام دادن هر کاری بازداشته است. امام فرمود: «این آیه را هفت مرتبه بر آن موضع بخوان (وَاتْلُ مَا أُوحِیَ إِلَیْکَ مِنْ کِتَابِ رَبِّکَ لاَ مُبَدِّلَ

1- طبّ الأئمّه، ص 33.

2- ترجمه: «آیا کافران ندیدند که آسمان ها وزمین به هم پیوسته بودند وما آنها را از یکدیگر باز کردیم ؛ وهرچیز زنده ای را از آب قرار دادیم؟ آیا ایمان نمی آورند؟ !» (سوره انبیاء، آیه 30) طبّ الأئمّه، ص 31.

3- ترجمه: «ای بخشنده ترین کسی که عطا می کند، ای بهترین کسی که درخواست می شود، ای رحیم ترینکسی که از او تقاضای رحم شده، بر ناتوانی وبیچارگی ام رحم کن ومرا از دردم نجات بخش.»

4- کافی، ج 2، ص 568، ح 19؛ مکارم الأخلاق، ص 394.

لِكَلِمَاتِهِ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا)». (1)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای از بین بردن سنگ مثانه، هلیله وبلیله وآمله وفلفل ودار فلفل ودارچین وزنجبیل وشقاقل (2) وانیسون (3)

وخولنجان (4) از هر کدام به مقدار مساوی گرفته، کوبیده وپخته، با روغن تازه گاو

مخلوط کرده ومعادل تمام این اشیاء، عسل صاف کرده با شکر پنیر به آن اضافه کند وهر مرتبه به مقدار یک فندق بخورد». (5)

3. در حدیث است که کسی از درد مثانه به حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «این آیات را به هنگام خواب سه مرتبه ویک بار پس از بیدار شدن تلاوت کن: (أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ * أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِىٍّ وَلاَ نَصِيرٍ)». (6)

درمان حبس ادرار وبی اختیاری ادرار

شخصی از حبس ادرار به امام باقر علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «اسپند را

1- ترجمه: «آنچه را از کتاب پروردگارت به تو وحی شده تلاوت کن ؛ هیچ چیز سخنان او را دگرگون نمی سازد؛وهرگز پناهگاهی جز او نمی یابی». (سوره کهف، آیه 27) طبّ الأئمّه، ص 32.

2- «شقاقل» زردک صحرایی، بیخ گیاهی است از نوع هویج (فرهنگ عمید).

3- «انیسون» مأخوذ از یونانی، بادیان رومی، رازیانه رومی، گیاهی است به بلندی یک متر، برگ هایش سفیدوتخم هایش ریز وسبز رنگ ومعطّر ودر طب به کار می رود (فرهنگ عمید).

4- «خُولَنجان» ریشه درخت تانبول است که در هندوستان می روید؛ ریشه ای است ضخیم وخوشبو به رنگسرخ تیره وتندمزّه ودر طب به کار می رود. برای خوشبو ساختن لیکورها نیز استعمال می شود.وخالولنجان وخاولنجان وخسرودارو هم گفته شده است (فرهنگ عمید).

5- طبّ الأئمّه، ص 72.

6- ترجمه: «آیا نمی دانستی که خداوند توانابر هر چیزی است؟! آیا نمی دانستی که حکومت آسمان ها وزمین از آنِخداست (وحق دارد هر گونه تغییر وتبدیلی در احکام خود طبق مصالح بدهد)؟! وجز خدا، ولیّ ویاوری برای شمانیست. (واوست که مصلحت شما را می داند وتعیین می کند)». (سوره بقره، آیات 106 و107) طبّ الأئمّه، ص 32.

شش مرتبه با آب سرد ویک مرتبه با آب گرم بشوی ودر سایه خشک کن، سپس با روغن گل چرب وسفوف کن وبخور». (1)

درمان طبّی یبوست مزاج وعِرق النّسا

درمان طبّی یبوست مزاج وعِرق النّسا(2)

1. در حدیث است که شخصی از یبوست مزاج به امام هادی علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «قبل از صبحانه وپس از آن خرمای برنی بخور». آن شخص به دستور حضرت عمل کرد وبهبود یافت ورطوبت بر مزاجش غلبه یافت. دوباره از رطوبت مزاج شکایت کرد. فرمود: «خرمای برنی را صبح ناشتا بخور وپس از آن آب نخور». با به کار بستن این دستور مزاجش متعادل شد. (3)

2. نیز شخصی از عرق النّسا به حضرت علی علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «هر زمان اثرش ظاهر شد دست بر آن محل بگذار وبگو: بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ، بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ، اَعُوذُ بِسْمِ اللهِ الْکَبیرِ وَاَعُوذُ بِسْمِ اللهِ الْعَظیمِ، مِنْ شَرِّ کُلِّ عِرقٍ نَعّارٍ وَمِنْ شَرِّ حَرِّ النّارِ. (4) با این کار به اذن خدا شفا خواهی یافت». آن

شخص می گوید: بیش از سه بار جمله مزبور را نگفتم که خداوند شفایم داد. (5)

دعا برای چاره جویی سِحر وزهر گزندگان ودیگر بلاها

دعا برای از بین بردن چشم زخم

1. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «چشم بد (انرژی های خاص

1- طبّ الأئمّه، ص 68.

2- «عِرق النّسا» یکی از بیماری های اعصاب است که غالباً در کمر بروز می کند وتا زانو می رسد (فرهنگ عمید).

3- محاسن، ص 533، ح 793.

4- ترجمه: «به نام خدا وبه ذات (پاک) خداوند بخشنده مهربان. به نام خدا وبه ذات (پاک) خدا او (شروع می کنم.) پناه می برم بهنام خدای بزرگ وپناه می برم به نام خدای عظیم از شرّ هر رگی که خون از آن جوشد واز شرّ گرمی آتش».

5- طبّ الأئمّه، ص 37؛ بحارالأنوار، ج 95، ص 73، ح 1.

بعضی از چشم ها) دارای تأثیر است». (1)

2. در روایتی دیگر فرمود: «چه بسا چشم بد انسان را به قبر... وارد کند. بنابراین، هرگاه انسان از چیزی خوشش آمد الله اکبر بگوید». (2)

ودر روایت دیگر آمده است که نام خدا را ببرد. (3)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه شخصی بترسد که چشم او در کسی، یا چشم کسی در او تأثیر کند سه مرتبه «ما شاءَ اللهُ]لا حَوْلَ وَ[لا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ» بگوید». (4)

4. نیز در روایتی فرمود: «هرگاه کسی بخواهد با سر ووضع نیکو ومناسب از منزل خارج شود سوره (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النّاس) و(قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَق) بخواند، سپس بیرون رود تا چشم بد در وی اثر نکند». (5)

5. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس مبتلا به چشم بد شده، دست ها را برابر صورت بلند کند وسوره های حمد، (قُلْ هُوَ اللهُ أَحَد)، (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَق)، (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاس) را بخواند، سپس دستانش را بر پیش سر بکشد». (6)

تعویذ برای از بین بردن سحر

1. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «برای از بین بردن سحر وجادو این تعویذ را بر پوست آهو بنویسید وهمراه داشته باشید: بِسْمِ اللهِ

1- مکارم الأخلاق، ص 386؛ بحارالأنوار، ج 63، ص 25، ح 20.

2- طبّ الأئمّه، ص 121.

3- طبّ الأئمّه، ص 121؛ بحارالأنوار، ج 63، ص 25، ح 20.

4- مکارم الأخلاق، ص 386؛ بحارالأنوار، ج 63، ص 26، ح 23.

5- مكارم الأخلاق، ص 386.
6- مكارم الأخلاق، ص 413.

وَبِاللهِ وَما شاءَ اللهِ، بِسْمِ اللهِ لا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ اِلّا بِاللهِ (1) (قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لاَ يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ) (2) ، (فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ * فَغُلِبُوا هُنَالِکَ وَانْقَلَبُوا صَاغِرِينَ)». (3)

2. در روایتی دیگر فرمود: «چنانچه از ساحر یا ظالم ترسیدی، بعد از نماز شب وقبل از شروع نماز صبح، رو به خانه آن ساحر یا ظالم کن وهفت مرتبه بگو: بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ (سَنَشُدُّ عَضُدَکَ بِأَخيکَ وَنَجْعَلُ لَکُما سُلْطَانًا فَلاَ يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بَايَاتِنَا أَنْتُمَا وَمَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغَالِبُونَ)». (4)

3. از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس از شیاطین وجادوگران بترسد، آیه سخره را تلاوت کند: (إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِی خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضَ فِی سِتَّهِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَی عَلَی الْعَرْشِ يُغْشِی الَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلاَ لَهُ الْخَلْقُ وَالأَمْرُ تَبَارَکَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ * أُدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَهً إِنَّهُ لاَ يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ * وَلاَ تُفْسِدُوا فِی الأَرْضِ بَعْدَ إِصْلاَحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ)». (5)

1- ترجمه: «به نام خدا وبه ذات (پاک) خدا وبه آنچه خدا می خواهد (شروع می کنم). به نام خدا. هیچ پناهوقدرتی جز برای ذات پاک خداوند نیست».

2- ترجمه: «موسی گفت: آنچه شما آوردید سحر است ؛ که خداوند به زودی آن را باطل می کند؛ چرا کهخداوند (هرگز) عمل مفسدان را اصلاح نمی کند». سوره یونس، آیه 81.

3- ترجمه: «(در این هنگام) حق آشکار شد، وآنچه آنها ساخته بودند باطل گشت، ودر آنجا (همگی) مغلوبشدند وخوار وکوچک گشتند». (سوره اعراف، آیات 118 و119) طبّ الأئمّه، ص 35.

4- ترجمه: «به زودی بازوان تو را به وسیله برادرت محکم (ونیرومند) می کنیم، وبرای شما سلطه وبرتریقرار می دهیم ؛ وبه برکت آیات ما، بر شما

دست نمی یابند؛ شما وپیروانتان پیروزید». (سوره قصص، آیه 35)طبّ الأئمّه، ص 35.

5- ترجمه: «پروردگار شما خداوندی است که آسمان ها وزمین را در شش روز]= شش دوران[آفرید، سپسبه تدبیر جهان هستی پرداخت، با (پرده تاریک) شب، روز را می پوشاند وشب به دنبال روز به سرعت درحرکت است وخورشید وماه وستارگان را آفرید که مسخّر فرمان او هستند. آگاه باشید که آفرینش وتدبیر(جهان) از آنِ او (وبه فرمان او) است. پربرکت است خداوندی که پروردگار جهانیان است. پروردگار خود را ازروی تضرّع ودر پنهانی بخوانید (واز تجاوز دست بردارید که) او متجاوزان را دوست نمی دارد ودر زمین پساز اصلاح آن فساد نکنید واو را با بیم وامید بخوانید (بیم از مسؤولیّت ها وامید به رحمتش ونیکی کنید)زیرا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است». (سوره اعراف، آیات 54 - 56) الأمان من أخطار الأسفاروالأزمان، ص 118.

4. در روایت دیگری آمده است: «جبرئیل به حضرت رسول صلی الله علیه و آله خبر داد که لبید بن اعصم یهودی آن حضرت را سحر کرده است. پیامبر علی علیه السلام را صدا زد وفرمود: به سراغ فلان چاه برو وجادو را بیرون آور. حضرت علی علیه السلام به آن مکان رفت ووارد چاه شد واز درون آب چاه ظرف دربسته ای بیرون آورد وخدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آورد. هنگامی که در ظرف را گشودند، زه کمانی را یافتند که یازده گره خورده بود. جبرئیل سوره (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاس) وسوره (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَق) را از آسمان آورد. حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی، این دو سوره را بر این گره ها بخوان. هر آیه ای که خوانده می شد یک گره باز می شد وهنگامی که هر دو سوره تمام شد همه گره ها گشوده شد». (1)

بنابراین، طبق روایت بالا وروایات معتبر دیگر، این دو سوره در رفع سحر وجادو تأثیر بسیاری دارند.

دور کردن خیالات فاسد ووسوسه های شیطان وآرزوهای طولانی

1. در حدیث است که شخصی از خیالات فاسد ووسوسه های شیطان به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «دست بر روی قلب بگذار وسه مرتبه بگو: بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اَللّٰهُمَّ مَنَنْتَ عَلَیَّ بِالْایمانِ وَاَوْدَعْتَنِی الْقُرْآنَ وَرَزَقْتَنِی صِیامَ شَهْرِ رَمَضانِ، فَامْنُنْ عَلَیَّ بِالرَّحْمَهِ وَالرِّضْوانِ وَالرَّأْفَهِ وَالْغُفْرانِ وَتَمامَ ما اَوْلَیْتَنی مِنَ النِّعَمِ وَالْاِحسانِ، یا مَنّانُ یا مَنّانُ، یا دائِمُ یا رَحْمنُ، سُبْحانَک وَلَیْسَ لِیْ اَحَدٌ سِواکَ، سُبْحانَکَ اَعُوذُ بِکَ بَعْدَ هذِهِ الْکَرامات مِنَ الْهَوانِ وَاَسْأَلُکَ اَنْ تُجَلِّیَ عَنْ

1- مکارم الأخلاق، ص 413.

قَلْبِیَ الْأَحْزانِ (1) سپس بر محمّد وآل محمّد صلوات بفرست». (2)

2. در روایت دیگری آمده است: شخصی به آن حضرت از آرزوی بسیار ووسوسه های سینه شکایت کرد. حضرت فرمود: «دست بر سینه ات بکش وبگو: بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ اِلّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ، اَللّهُمَّ امْحُ عَنِّی ما اَجِدُ (3) ، سپس دست بر شکم بمال وسه مرتبه این دعا را تکرار

کن». آن شخص به دستور امام علیه السلام عمل کرد وبهبود یافت. (4)

از بین بردن ترس از تنهایی

در حدیث است که شخصی از وحشت واندوهی که به هنگام تنهایی به سراغش می آید به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «دست بر شکم بگذار وبگو: بِسْمِ اللهِ بِسْمِ اللهِ بِسْمِ اللهِ، سپس دست بر شکم بمال وبگو: اَعُوذُ بِعِزَّهِ اللهِ وَاَعُوذُ بِقُدْرَهِ اللهِ وَاَعُوذُ بِجَلالِ اللهِ وَاَعُوذُ بِعَظَمَهِ اللهِ وَاَعُوذُ بِجَمْعِ اللهِ وَاَعُوذُ بِرَسُولِ اللهِ وَاَعُوذُ بِاَسْماءِ اللهِ، مِنْ شَرِّ ما اَحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ ما اَخافُ عَلی نَفْسی (5) سپس هفت مرتبه آن را تکرار کن». (6)

1- ترجمه: «به نام خدا وبه ذات (پاک) خدا (شروع می کنم.) بار خدایا، به توفیق ایمان بر من منّت گذاردیوقرآن را به امانت به من دادی وروزه ماه رمضان را روزی ام کردی، پس به رحمت وخشنودی ومهربانیوآمرزش وکامل کردن نعمت واحسان بر من منّت گذار. ای انعام کننده، ای انعام کننده، ای همیشگی، ایبخشنده، منزّهی وجز تو کسی ندارم، منزّهی، پس از این بزرگواری ها از خواری به تو پناه می برم واز تومی خواهم که غم ها را از دلم بزدایی».

2- طبّ الأئمّه، ص 27.

3- ترجمه: «به نام خدا وبه ذات (پاک) خدا (شروع می کنم.) محمّد رسول وفرستاده خداست وهیچ پناهگاهوقدرتی جز برای خداوند نیست. پروردگارا، دردی را که حس می کنم از بین ببر».

4- طبّ الأئمّه، ص 117.

5- ترجمه: «پناه می برم به عزّت وقدرت وجلال وعظمت و ذات خدا ورسول خدا واسماءِ خدا از شرّ آنچه ازآن حذر می کنم واز شرّ آنچه بر نفس وجان خود می ترسم».

6- طبّ الأئمّه، ص 17.

گشودن کسی که او را بسته اند

شیخ احمد بن فهد در کتاب عدّه الدّاعی، برای گشودن کسی که او را نسبت به همسرش بسته باشند سفارش کرده است که این آیات را بنویسد وهمراه داشته باشد: (بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ * إِنَّا فَتَحْنَا لَکَ فَتْحًا مُّبِینًا * لِّیَغْفِرَ لَکَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِکَ وَمَا تَأَخَّرَ وَیُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَیْکَ وَیَهْدِیَکَ صِرَاطاً مُّسْتَقِیمًا. (1) بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ

الرَّحِیمِ * إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ * وَرَأَیْتَ النَّاسَ یَدْخُلُونَ فِی دِینِ اللَّهِ أَفْوَاجًا * فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ کَانَ تَوَّابًا. (2) وَمِنْ ءَایَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُمْ مِّنْ أَنفُسِکُمْ أَزْوَاجًا

لِّتَسْکُنُوا إِلَیْهَا وَجَعَلَ بَیْنَکُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِی ذلِکَ لآیَاتٍ لِّقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ. (3) أُدْخُلُوا

عَلَیْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّکُمْ غَالِبُونَ. (4) فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُّنْهَمِرٍ * وَفَجَّرْنَا

الأَرْضَ عُیُونًا فَالْتَقَی الْمَاءُ عَلَی أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ. (5) رَبِّ اشْرَحْ لِی صَدْرِی * وَیَسِّرْ لِی أَمْرِی

* وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّنْ لِّسَانِی * یَفْقَهُوا قَوْلِی. (6) وَتَرَکْنَا بَعْضَهُمْ یَوْمَئِذٍ یَمُوجُ فِی بَعْضٍ وَنُفِخَ

1- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده بخشایشگر. ما برای تو پیروزی آشکاری فراهم ساختیم، تا خداوند گناهانگذشته وآینده ای را که به تو نسبت می دادند ببخشد (وحقّانیّت تو را ثابت کرده) ونعمتش را بر تو تمام کندوبه راه راست هدایت فرماید». سوره فتح، آیات 1 و2.

2- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده بخشایشگر. هنگامی که یاری خدا وپیروزی فرا رسد وببینی مردم گروهگروه وارد دین خدا می شوند، پروردگارت را تسبیح وحمد کن واز او آمرزش بخواه که او بسیار توبه پذیراست». سوره نصر، آیات 1 - 3.

3- ترجمه: «واز نشانه های خداوند این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنانآرامش یابید ودر میانشان مودّت ورحمت قرار داد؛ در این نشانه هایی است برای گروهی که تفکّر می کنند».سوره روم، آیه 21.

4- ترجمه: «شما وارد دروازه شهر آنها شوید هنگامی که وارد شوید پیروز خواهید شد». سوره مائده، آیه 23.

5- ترجمه: «در این هنگام درهای آسمان را با آبی فراوان وپی در پی گشودیم ؛ وزمین را شکافتیم وچشمه های زیادیبیرون فرستادیم ؛ واین دو آب به اندازه مقدّر با هم درآمیختند». سوره قمر، آیات 11و12.

6- ترجمه: «پروردگارا، سینه ام را گشاده کن ؛ وکارم را برایم آسان گردان، وگره از زبانم بگشای ؛ تا سخنان مرابفهمند». سوره طه، آیات 25 - 28.

فِی الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا). کَذلِکَ حَلَّلْتُ فُلانَ بْنَ فُلانَهٍ عَلی فُلانَهٍ بِنْتِ فُلانَهٍ (2)

(لَقَدْ جَاءَکُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِکُمْ عَزِیزٌ عَلَیْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِیصٌ عَلَیْکُمْ بِالْمُؤْمِنِینَ رَءُوفٌ رَّحِیمٌ *فَإِنْ تَوَلَّوْافَقُلْ حَسْبِیَاللَّهُ لاَإِلَهَإِلاَّهُوَعَلَیْهِتَوَکَّلْتُوَهُوَرَبُّالْعَرْشِالْعَظِیمِ)». (3)

فرو بردن خشم

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی خشمگین شود، اگر ایستاده است بنشیند تا غضبش فروکش کند وچنانچه بر یکی از بستگانش غضب کرده، بدن او را لمس کند تا خشمش برطرف شود». (4)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «به هنگام غضب این دعا را بخواند: «اَللّٰهُمَّ اذْهَبْ عَنِّی غَیْظَ قَلْبی وَاغْفِرْ لی ذَنْبی وَاَجِرْنی مِنْ مُضِلّاتِ الْفِتَنِ، اَسْئَلُکَ رِضاکَ، وَاَعُوذُ بِکَ مِنْ سَخَطِکَ وَاَسْأَلُکَ جَنَّتَکَ وَاَعُوذُ بِکَ مِنْ نارِکَ وَاَسْأَلُکَ الْخَیْرَ کُلَّهُ وَاَعُوذُ بِکَ مِنَ الشَّرِّ کُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْنی عَلَی الْهُدی وَالثَّوابِ وَاجْعَلْنی راضِیاً مَرْضِیّاً غَیْرَ ضالٍّ وَلا مُضِلٍّ». (5)

1- ترجمه: «ودر آن روز (که جهان پایان می گیرد)، ما آنان را چنان رها می کنیم که در هم موج می زنند؛ ودرصور]= شیپور [دمیده می شود؛ وما همه را جمع می کنیم». سوره کهف، آیه 99.

2- ترجمه: «گره فلانی پسر فلانی را نسبت زوجه اش فلانی دختر فلانی، بدین شکل باز کردم.» به جای «فلانبن فلانه» نام شوهر ومادرش وبه جای «فلانه بنت فلانه» نام عروس ومادرش گفته شود. ضمناً توجّه داشتهباشید که بسیاری از مواردی که مردم خیال می کنند در آنجا سحری واقع شده واقعیّت چنین نیست؛ عواملدیگری در کار بوده است.

3- ترجمه: «به یقین رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنج های شما بر او سخت است ؛ واصرار بر هدایتشما دارد؛ ونسبت به مؤمنان، رؤوف ومهربان است. اگر آنها (از حق) روی بگردانند، (نگران مباش!) بگو :«خداوند مرا کفایت می کند؛ هیچ معبودی جز او نیست ؛ بر او توکّل کردم ؛ واو صاحب عرش بزرگ است».(سوره توبه، آیات 128 و129) عدّه الدّاعی، طبع جدید، ص 339.

4- مکارم الأخلاق، ص 350.

5- ترجمه: «بار خدایا، خشم دلم را فرو نشان وگناهم را بیامرز واز فتنه ها (امتحانات) گمراه کننده پناهم ده،خشنودی تو را می خواهم واز خشم تو به تو پناه می برم وبهشت تو را می خواهم واز آتش دوزخ تو به تو پناهمی برم وهمه خوبی ها را از تو می خواهم واز همه بدی ها به تو پناه می برم. بار خدایا، مرا بر هدایت وثوابثابت قدم بدار، وراضی وخشنودم قرار ده وگمراه وگمراه کننده قرارم مده». بحارالأنوار، ج 95، ص 338.

3. در روایتی دیگر فرمود: «روزی نزد منصور دوانقی رفتم، او در نهایت خشم بود. به هنگام ورود این دعا را خواندم، خشم منصور از بین رفت: یا عُدَّتی عِنْدَ شِدَّتی وَیا غَوْثی عِنْدَ کُرْبَتی، اُحْرُسْنی بِعَیْنِکَ الَّتی لا تَنامُ وَاکْنِفْنی بِرُکْنِکَ الَّذی لا یُرامُ». (1)

دعا برای از بین بردن فراموشی واندوه

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه شیطان چیزی را از خاطرات محو کرد وبخواهی آن را به یاد آوری، دست بر پیشانی بگذار وبگو: اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ یا مُذَکِّرَ الْخَیْرِ وَفاعِلَهُ وَالْاٰمِرَ بِهِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُذَکِّرَنی ما اَنْسانِیهِ الشَّیْطانُ». (2)

2. در روایتی بسیار معتبر چنین آمده است: هر کس روزی یکصد مرتبه

«لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ» بگوید، هفتاد نوع بلا از او دور می شود که ساده ترین آن غم واندوه است». (3)

3. در احادیث فراوان آمده است که گفتن: «لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ» اندوه را برطرف می کند. (4)

1- ترجمه: «ای پناه من به هنگام سختی، وای فریادرس من به هنگام رنج ومصیبت، مرا با دیده لطفت که بهخواب نمی رود حفظ کن ودر پناه خود پناهم ده». مکارم الأخلاق، ص 350.

2- ترجمه: «بار خدایا، ای به یادآورنده نیکی وانجام دهنده وامرکننده به آن، از تو می خواهم که بر محمّد وآلمحمّد درود فرستی وآنچه را شیطان از خاطرم برده به یادم آوری». مکارم الأخلاق، ص 356.

3- ثواب الأعمال، ص 195.

4- محاسن، ص 43، ذیل حدیث 56.

دعا برای چاره جویی فقر وپریشانی وبدهی وضرر

1. در روایتی معتبر می خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس فقر بر او روی آورد، ذکر «لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِالله» را بسیار بگوید، زیرا بی شک این جمله گنجی از گنج های بهشت است ودر آن شفای هفتاد ودو درد است که کمترین آنها اندوه است». (1)

2. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای چاره جویی فقر وپریشانی، بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوید: سُبْحانَ اللهِ الْعَظیمِ وَبِحَمْدِهِ، اَسْتَغْفِرُ اللهَ وَاَسْئَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ». (2)

3. از امام جواد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای از بین بردن پریشانی، روزی صد مرتبه (إِنَّا أنْزَلْنَاهُ) بخوان». (3)

4. در احادیثی معتبر، برای ادای قرض وبدهی، این دعا سفارش شده است : «اَللّهُمَّ اَغْنِنی بِحَلالِکَ عَنْ حَرامِکَ وَبِفَضْلِکَ عَمَّنْ سِواکَ». (4)

5. در حدیث است که شخصی به امام جواد علیه السلام نوشت: قرض بسیار دارم چه کنم؟ حضرت در پاسخ نوشت: «استغفار فراوان کن وزبانت را به قرائت سوره (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْر) مداومت ببخش». (5)

6. در احادیث معتبر می خوانیم که امام سجّاد علیه السلام فرمود: «هرگاه این دعا را بخوانم اگر جنّ وانس جمع شوند که ضرری به من برسانند باکی ندارم. بِسْمِ اللهِ

1- امالی صدوق، ص 556، ح 13.

2- ترجمه: «منّزه است خداوند بزرگ ومن به حمد وستایش او مشغولم. از خداوند طلب غفران ومغفرتمی کنم وفضل وکرمش را خواستارم». کافی، ج 5، ص 315، ح 46.

3- کافی، ج 5، ص 316، ح 50.

4- ترجمه:«بارخدایا،مراباحلال خودازحرام وبابخشش خودازغیرخودبی نیازگردان».فقه الرّضا،ص399.

5- کافی، ج 5، ص 317، ح 51؛ به نقل از امام محمّد باقر علیه السلام.

وَبِاللهِ وَمِنَ اللهِ وَإِلَى اللهِ وَفِی سَبیلِ اللهِ، اَللّهُمَّ اِلَیْکَ اَسْلَمْتُ نَفْسی وَإِلَیْکَ وَجَّهْتُ وَجْهی وَإِلَیْکَ فَوَّضْتُ اَمْری وَاحْفَظْنی بِحِفْظِ الْایمانِ مِنْ بَیْنِ یَدَیَّ وَمِنْ خَلْفی وَعَنْ یَمْینی وَعَنْ شِمالی وَمِنْ فَوْقی وَمِنْ تَحْتی وَادْفَعْ عَنّی بِحَوْلِکَ وَقُوَّتِکَ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ». (1)

دعا برای رسیدن به حج

در حدیثی معتبر آمده است که: هر کس در یک نوبت هزار مرتبه «ما شاء الله» بگوید، در آن سال حج نصیب او می شود واگر در آن سال به حج نرود آن قدر زنده بماند که توفیق حج نصیبش شود. (2)

دعا برای دور کردن سگ وحیوانات درنده وجانوران

1. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که سگی برای تو پارس کرد وبه سوی تو حمله کرد این آیه شریفه را بخوان: (یَا مَعْشَرَ الجِنِّ وَالإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ فَانْفُذُوا لاَ تَنْفُذُونَ إِلاَّ بِسُلْطَانٍ)». (3)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که از شرّ حیوانات درنده بر خود وگوسفندانش می ترسد، بر دور خود وآنها خطّی بکشد وبگوید :

1- ترجمه: «به نام خدا وبه ذات (پاک) خدا (شروع می کنم) و از سوی خدا آمده ام و به سوی او باز می گردم ودرراه خدا (گام برمی دارم). بار خدایا، خود را به تو سپردم ورو به سوی تو کردم وکارم را به تو واگذار نهادم. مرا باحفظ ایمان از پیش رو واز پشت سر واز سمت راست وچپ واز بالا وپایین حفظ کن وبا توانایی ونیرویخود ضرر را از من بازدار وهیچ پناه

ونیرویی مگر به قدرت خدای بلندمرتبه وبزرگ نیست». امالی طوسی،ج 1، ص 212.

2- محاسن، ص 42، ح 55.

3- ترجمه: «ای گروه جنّ وانس، اگر می توانید از مرزهای آسمان ها بگذرید پس بگذرید، ولی هرگز نمی توانید،مگر با نیرویی (فوق العاده)». (سوره الرّحمن، آیه 33) فقه الرضا علیه السلام، ص 400.

اَللّهُمَّ رَبَّ دانیالٍ وَالْجُبِّ وَرَبِّ كُلِّ اَسَدٍ مُسْتَأْسِدٍ، اِحْفَظْنی وَاحْفَظْ غَنَمی». (1)

3. در حدیث است که امام باقر علیه السلام برای دور کردن ضرر جانوران این دعا را سفارش فرمود: «بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ، بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله، اَعُوذُ بِعِزَّهِ اللهِ، اَعُوذُ بِقُدْرَهِ اللهِ عَلی ما یَشاءُ، مِنْ شَرِّ كُلِّ هامَّهٍ تَدُبُّ بِاللَیْلِ وَالنَّهارِ، اِنَّ رَبِّی عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ». (2)

دعا برای دور کردن ضرر گزندگان

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که از عقرب می ترسد این آیات را بخواند: (سَلاَمٌ عَلَی نُوحٍ فِی الْعَالَمِینَ * إِنَّا کَذلِکَ نَجْزِی الْمُحْسِنِینَ * إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِینَ)». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر زمان از عقرب بترسی، شب هنگام به ستاره «سها» که نزدیک ستاره دوم «بنات النعش» است نگاه کن وسه مرتبه بگو: اَللّهُمَّ یا رَبَ اَسلِم صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَسَلِّمْنا مِنْ شَرِّ کُلِّ ذی شَرٍّ». (4) راوی گوید: هر زمان که این دعا را خواندم عقرب

مرا نیش نزد. (5)

1- ترجمه: «بار خدایا، ای پروردگار دانیال وچاه، وای پادشاه هر شیر درنده، مرا وگوسفندانم را حفظ کن».خصال، ج 2، ص 409؛ بحارالأنوار، ج 10، ص 97.

2- ترجمه: «به نام خدای بخشنده مهربان. به نام خدا وبه ذات (پاک) خدا (شروع می کنم)، محمّد صلی الله علیه و آله رسولخداست. پناه می برم به عزّت خدا، پناه می برم به قدرت خدا بر هر چیزی که بخواهد از شرّ هر

گزنده ای که درشب وروز می جنبد. همانا (امر) پروردگار من بر صراط مستقیم است». طبّ الأئمّه، ص 119.

3- ترجمه: «سلام بر نوح در میان جهانیان باد! ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم، چرا که او از بندگانباایمان ما بود». (سوره صافّات، آیات 79 - 81) خصال، ج 2، ص 409؛ بحارالأنوار، ج 10، ص 97.

4- ترجمه: «پروردگارا، ای پروردگار ستاره اسلم (سها) بر محمّد و آل محمّد درود فرست و در فرج آل محمدتعجیل فرما و ما را از شرّ هر صاحب شرّی حفظ کن».

5- مکارم الأخلاق، ص 291 الباب العاشر، الفصل الثّانی.

3. در روایتی دیگر فرمود: «کسی که از مار وعقرب می ترسد در ابتدای شب این دعا را بخواند: بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَصَلَّی اللهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، اَخَذْتُ الْعَقارِبَ وَالْحَیّاتِ کُلَّها، بِاِذِنِ اللهِ تَبارَکَ وَتَعالی، بِاَفْواهِها وَاَذْنابِها وَاَسْماعِها وَاَبْصارِها وفواها عَنِّی وَعَمَّنْ اَحْبَبْتُ اِلی صَحْوَهِ النَّهارِ». (1)

4. در روایتی دیگر فرمود این دعا را بخواند: «بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ، تَوَکَّلْتُ عَلَی اللهِ وَمَنْ یَتَوَکَّلُ عَلَی اللهِ فَهُوَ حَسْبُهُ، اِنَّ اللهَ بالِغُ اَمْرِهِ. اَللّهُمَّ اجْعَلْنی فی کَنَفِکَ وَفی جِوارِکَ وَاجْعَلْنی فی حِفْظِکَ وَاجْعَلْنی فی اَمْنِکَ». (2)

دعا برای دور کردن حشرات موذی

از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اصحاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله در برخی جنگ ها از آزار فراوان کَک (3) به آن حضرت شکایت کردند. حضرت

فرمود: هنگام خواب این دعا را بخوانید: اَیُّهَا الْاَسْوَدُ الْوَثّابُ الَّذی لا یُبالی غَلِقاً وَلا باباً، عَزَمْتُ عَلَیْکَ بِاُمِّ الْکِتابِ اَنْ لا تُؤْذِیَنی وَاَصْحابی اِلی اَنْ یَذْهَبَ اللَّیْلُ وَیَجیىءَ الصُّبْحُ بِما جاءَ». (4)

1- ترجمه: «به نام خدا وبه ذات (پاک) خدا (شروع می کنم) ودرود خدا بر محمّد وآل او. به اجازه خدای متعالدهان ودم وگوش ودیده ونیروی عقرب ها و مارها را از خود واز کسانی که دوست دارم تا روشنی روزبازداشتم».

2- ترجمه: «به نام خدا وبه ذات (پاک) خدا (شروع می کنم). بر خدا توکّل کردم وهر کس بر خدا توکّل کند اوبرایش کافی است. همانا خداوند کار خود را به سرانجام می رساند. خدایا، مرا در پناه وجوار خویش وحفظوامان خود قرار ده». مکارم الأخلاق، ص 412.

3- «کَک» حشره ای است به اندازه شپش، بال ندارد وچون پاهای او بلند است به آسانی می جهد. خرطومیدارد که با آن خون انسان را می مکد

(فرهنگ عمید).

4- ترجمه: «ای حشره سیاه حمله کننده که از هیچ در ودربسته ای باک نداری، بر تو سوره حمد خواندمودمیدم که تا صبح به من وهمراهانم آزار نرسانی». مکارم الأخلاق، ص 413.

دعای یافتن گمشده

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که مال یا حیوانش گمشده این دعا را بخواند: اَللّهُمَّ اِنَّکَ اِلهُ مَنْ فِی السَّماءِ وَاِلهُ مَنْ فی الاْرْضِ وَعَدْلٌ فیهِما وَاَنْتَ الْهادِی مِنَ الضَّلالَهِ وَتَرُدُّ الضّالَّهَ، رُدَّ عَلَیَّ ضالَّتی فَاِنَّها مِنْ رِزْقِکَ وَعَطِیَّتِکَ، اَللّهُمَّ لا تَفْتِنْ بِها مُؤمِناً وَلا تُغْنِ بِها کافِراً. اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ وَعَلی اَهْلِ بَیْتِهِ». (1)

2. امام رضا علیه السلام برای یافتن گمشده خواندن این دعا را سفارش فرمود : (وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَیْبِ لاَ یَعْلَمُهَا إِلاَّ هُوَ وَیَعْلَمُ مَا فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَهٍ إِلاَّ یَعْلَمُهَا وَلاَ حَبَّهٍ فِی ظُلُمَاتِ الاْرْضِ وَلاَ رَطْبٍ وَلاَ یَابِسٍ إِلاَّ فِی کِتَابٍ مُبِینٍ) (2) اَللّهُمَّ

اِنَّکَ تَهْدِی مِنَ الضَّلالَهِ وَتُنْجی مِنَ الْعَمی وَتَرُدُّ الضّالَّهَ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاغْفِرْ لی وَرُدَّ ضالَّتی وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ». (3)

3. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای یافتن ردّ گمشده دو رکعت نماز بگذارد ودر هر رکعت بعد از حمد سوره یس بخواند وپس از نماز دست به سوی آسمان بلند کند وبگوید: اَللّهُمَّ رادَّ الضّالَّهِ وَالْهادی مِنَ الضَّلالَهِ،

1- ترجمه: «بار خدایا، تو خدای موجودات آسمان ها وزمین وعدالت گستر در میان آنانی وتو هدایت کننده ازگمراهی هستی وگمشده را بازمی گردانی، گمشده مرا به من بازگردان که این کار از روزی وهدیه تو است.بار خدایا، با آن مؤمنی را آزمایش مکن وکافری را بی نیاز مگردان. بار خدایا، بر محمّد بنده ورسول تو وبرخاندانش درود فرست». محاسن، ص 363، ح 100.

2- ترجمه: «کلیدهای غیب، تنها نزد اوست. وجز او کسی آنها را نمی داند. او آنچه را در خشکی ودریاستمی داند؛ هیچ برگی (از درختی) نمی افتد، مگر اینکه از آن آگاه است ؛ ونه هیچ دانه ای در تاریکی هایزمین، ونه هیچ تر وخشکی وجود ندارد، جز اینکه در کتابی آشکار]= در کتاب علم خدا[ثبت است».سوره انعام، آیه 59.

3- ترجمه: «بار خدایا، تو (گمراهان را) از گمراهی هدایت می کنی واز نابینایی نجات می دهی وگمشده رابازمی گردانی، بر محمّد وآلش درود فرست ومرا بیامرز وگمشده ام را باز گردان وبر محمّد وخاندانش درودفرست». مکارم الأخلاق، ص 386.

صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْ ضالَّتی وَارْدُدْها اِلَیَّ سالِمَةً، یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ، فَاِنَّها مِنْ فَضْلِکَ وَعَطائِکَ، یا عِبادَ اللهِ فِی الأَرْضِ وَیا سَیّارَةَ اللهِ فِی الأَرْضِ، رُدُّوا عَلَیَّ ضالَّتی فَإِنَّها مِنْ فَضْلِ اللهِ وَعَطائِهِ». (1)

حکم تعویذ همراه جنب وحائض

در حدیث است که عبدالرّحمان بن ابی عبدالله از امام صادق علیه السلام پرسید : شخصی تعویذی همراه خود دارد سپس جنب می شود چه حکمی دارد؟ فرمود : «اشکال ندارد، امّا اگر زن حائض شود باید تعویذ را در میان پوستی نگهداری کند». (2) (چون در حائض آلودگی ظاهری استمرار دارد، برای جلوگیری از سرایت آن به تعویذ، چنین دستوری داده شده است).

تعویذهای نامناسب

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انسان هر چه از دعا وقرآن وتعویذ می خواهد برای چشم زخم وبیماری ها... بخواند، هنگامی که بداند چه می گوید (ودعاها محتوای صحیحی داشته باشد) وداخل نشود در تعویذها ودعای او چیزی که مفهوم آن را نمی فهمد». (3)

2. در روایتی دیگر فرمود: «بسیاری از تعویذها وافسون ها کفر است». (4)

(مضمون های کفرآلود دارد).

1- ترجمه: «بار خدایا، ای بازگرداننده گمشده وای هدایت کننده از گمراهی، بر محمّد وخاندان محمّد درودبفرست وگمشده ام را حفظ کن وبه من سالم باز گردان ای مهربان ترین مهربانان، زیرا این کار از فضلوبخشش تو است. ای بندگان خدا در زمین وای سیرکنندگان خدا در

زمین، گمشده ام را به من بازگردانید،زیرا آن از فضل خدا وبخشش اوست». مکارم الأخلاق، ص 398.

2- طبّ الأئمّه، ص 49؛ بحارالأنوار، ج 95، ص 5، ح 9.

3- طبّ الأئمّه، ص 48؛ بحارالأنوار، ج 95، ص 4، ح 1.

4- طبّ الائمّه، ص 48؛ بحار الأنوار، ج 95، ص 5، ح 3 و4.

فواید تربت امام حسین علیه السلام و خواصّ برخی داروها

تربت امام حسین علیه السلام

(بهترین راه برای استفاده از تربت آن حضرت این است که تربت کاملا تمیزی انتخاب کنند، سپس به اندازه یک عدس یا یک نخود از آن را در یک استکان آب حل کنند وافراد مختلف با دعاها و آدابی که خواهد آمد، به قصد استشفا از آن بنوشند).

محدوده تربت ودعای هنگام برداشتن آن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تربت شفا را تا یک فرسخ ویک سوم فرسخ از اطراف قبر می توان برداشت». (1)

2. در روایتی دیگر فرمود: «تربت شفا را تا فاصله هفتاد ذرع (حدود سی وپنج متر) از قبر می توان برداشت» (2) (اختلاف روایات ممکن است اشاره به

تفاوت تربت ها از نظر اهمیّت باشد).

3. در حدیثی ابوحمزه ثمالی آورده است که امام صادق علیه السلام فرمود: هنگام برداشتن تربت از قبر، سوره های حمد و(قُلْ یَا أَیُّهَا الْکَافِرُونَ) و(قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ) و(قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) و(قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدُ) و(إِنَّا أنْزَلْناهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ) ویس وآیه الکرسی را بخوان وبگو: اَللّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَحَبیبِکَ وَنَبِیِّکَ وَرَسُولِکَ وَاَمینِکَ وَبِحَقِّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ عَلِیِّ بْنَ اَبی طالِبٍ عَبْدِکَ وَاَخی رَسُولِکَ وَبِحَقِّ فاطِمَهَ بِنْتِ نَبِیِّکَ وَزَوْجَهِ وَلِیِّکَ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ وَبِحَقِّ الأئِمَّهِ

الرّاشِدينَ وَبِحَقِّ هذِهِ التُّربَهِ وَبِحَقِّ الْمَلَکِ الْمُوَکَّلِ بِها وَبِحَقِّ الْوَصِیِّ الَّذی هُوَ فیها وَبِحَقِّ الْجَسَدِ الَّذی تَضَمَّنَتْ وَبِحَقِّ السِّبْطِ الَّذی ضَمِنَتْ وَبِحَقِّ جَمیعِ مَلائِکَتِکَ

1- کامل الزیارات، ص 280 و281، ح 5.

2- مصباح المتهجّد، ص 732.

وَاَنْبیائِکَ وَرُسُلِکَ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ هذَا الطِّینَ شِفاءً لی وَلِمَنْ یَسْتَشْفی بِهِ، مِنْ کُلِّ داءٍ وَسُقْمٍ وَمَرَضٍ وَاَماناً مِنْ کُلِّ خَوْفٍ. اَللّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ، اِجْعَلْهُ عِلْماً نافِعاً وَرِزْقاً واسِعاً وَشِفاءً مِنْ کُلِّ داءٍ وَسُقْمٍ وَآفَهٍ وَعاهَهٍ وَجَمیعِ الْاَوْجاعِ کُلِّها، اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ، سپس بگو: اَللّهُمَّ رَبَّ هذِهِ التُّرْبَهِ الْمُبارَکَهِ الْمَیْمُونَهِ وَالْمَلَکِ الَّذی هَبَطَ بِها وَالْوَصِیِّ الَّذی هُوَ فیها، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلَّم وَانْفَعْنی بِها، اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ». (1)

فواید وخواصّ تربت

1. در بسیاری از روایات معتبر آمده است که خاک قبر حسین علیه السلام شفای هر درد وآن دوای بزرگ است. (2)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تربت آن حضرت شفای هر درد وامان از هر ترسی است». (3)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس به دردی دچار شود وبا تربت آن

1- ترجمه: «بار خدایا، به حقّ محمّد صلی الله علیه و آله بنده ودوست وپیامبر ورسول وامین ات وبه حقّ امیرالمؤمنینعلی بن ابی طالب علیه السلام بنده تو وبرادر رسول تو وبه حقّ فاطمه علیها السلام دختر پیامبر وهمسر ولیّات وبه حقّحسن وحسین وبه حقّ امامان هدایتگر وبه حقّ این تربت وبه حقّ فرشته ای که نگهبان آن است وبه حقّوصیّی که در آن مدفون است وبه حقّ بدنی که در خود جای داده است وبه حقّ سبطی که پذیرفته است وبهحقّ تمام فرشتگان وپیامبران ورسولانت، بر محمّد وخاندانش درود فرست واین خاک را برای من وبرایهر کسی که از آن شفا می طلبد شفای از هر درد وبیماری وامن از هر ترس روزی گردان وشفای از هر دردوبیماری وآفت وتمام دردها قرار ده که تو توانا بر همه چیز

هستی». سپس بگو: «بار خدایا، ای پروردگار، اینخاک مبارک وفرشته ای که بر آن فرود آمده ووصیّی که در آن مدفون شده است، بر محمّد وخاندان محمّددرود فرست ومرا به آن ثمر بخش، زیرا تو بر هر چیزی توانا هستی». کامل الزیارات، ص 283 و284، ح 12.

2- مصباح المتهجّد، ص 732؛ مکارم الأخلاق، ص 167؛ بحارالأنوار، ج 101، ص 123، ح 18.

3- کامل الزیارات، ص 278، ح 4؛ طبّ الأئمّه، ص 52؛ بحارالأنوار، ج 101، ص 130، ح 45.

حضرت خود را درمان کند بی شک شفا می یابد، مگر آنکه آن بیماری مرگ باشد». (1)

4. در روایتی دیگر فرمود: «خاک قبر امام حسین علیه السلام شفای دردهاست، هر چند یک سوم فرسخ دورتر از قبر بردارند». (2)

5. در حدیث است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: زنی مقداری نخ به من داده که به خدمتکاران کعبه معظّمه بدهم تا پیراهن کعبه را با آن بدوزند. حضرت فرمود: «با آن مقداری عسل وزعفران بخر، سپس خاک قبر امام حسین علیه السلام را بگیر وبا آب باران نرم کن ودر میان عسل وزعفران بریز وبه شیعیان ما بده تا بیماران خود را با آن مداوا کنند». (3)

6. در روایتی دیگر فرمود: «هیچ چیز در شفا بخشیدن مانند تربت نیست، مگر دعا». (4)

تربت و ایمنی از بلا وتلف وترس

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کام فرزندان خود را با تربت امام حسین علیه السلام بردارید که از بلاها امان می دهد». (5)

2. در حدیث است که امام صادق علیه السلام هیچ کالایی به جایی نمی فرستاد مگر اینکه مقداری از تربت امام حسین علیه السلام در میان آن می نهاد تا به برکت آن محفوظ بماند. (6)

1- کامل الزیارات، ص 275، ح 6.

2- کامل الزیارات، ص 275، ح 4.

3- کامل الزیارات، ص 274، ح 2؛ مکارم الأخلاق، ص 165.

4- كامل الزيارات، ص 281، ح 5.

5- كامل الزيارات، ص 278، ح 2؛ مصباح المتهجّد، ص 732؛ بحارالأنوار، ج 101، ص 124، ح 24.

6- كامل الزيارات، ص 278، ح 1.

3. در حدیث است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: بیماری های فراوان

دارم وهر دارویی مصرف کردم فایده نداشت. حضرت فرمود: «چرا تربت امام حسین علیه السلام را نمی خوری که در آن شفای هر درد وامان از هر بیمی است؟ هنگامی که تربت را برمی داری بگو: اَللّهُمَّ اِنّی اَسْأَلُکَ بِحَقِّ هذِهِ الطّینَهِ وَبِحَقِّ الْمَلَکِ الَّذی اَخَذَها وَبِحَقِّ النَّبِیِّ الَّذی قَبَضَها وَبِحَقِّ الْوَصِیِّ الَّذی حَلَّ فیها، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ وَاجْعَلْ لی فیها شِفاءآ مِنْ کُلِّ داءٍ وَاَمانآ مِنْ کُلِّ خَوْفٍ». (1)

آن شخص پرسید: شفای هر درد را فهمیدم، امّا چگونه امان از هر خوفی است؟ حضرت فرمود: «هرگاه از ظالم یا بلایی پروا داشته باشی، هنگام خروج از خانه تربت آن حضرت را همراه داشته باش وهنگام برداشتن تربت بگو: اَللّهُمَّ هذِهِ طینَهُ قَبْرِ الْحُسَیْنِ وَلِیِّکِ وَابْنِ وَلِیِّکَ اِتَّخَذْتُها حِرْزآ لِما اَخافُ وَما لا اَخافُ». (2)

مقدار خوردن تربت

مشهور میان علما آن است که می توان به مقدار یک نخود از تربت امام حسین علیه السلام (به قصد شفا) خورد، ولی از بعضی احادیث استفاده می شود که به مقدار یک عدس باشد؛ بنابراین، بهتر است بیش از یک عدس نباشد (وبهتر آن است که مقدار یک عدس را در کمی آب حل کنند وسپس آن را بنوشند).

تسبیح تربت

1. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مؤمن باید همیشه پنج چیز

1- ترجمه: «بار خدایا، به حقّ این خاک وبه حقّ فرشته ای که آن را برگرفته وبه حقّ پیامبری که آن را قبضکرده وبه حقّ وصیّی که در آن آرمیده است از تو می خواهم که بر محمّد وخاندانش درود فرستی ودر آنبرای من شفای از هر درد وامان از هر ترسی قرار دهی». کامل الزیارات، ص 282 و283، ح11.

2- ترجمه: «بار خدایا، این خاک قبر حسین علیه السلام ولیّ تو وفرزند ولیّ تو است، آن را گرفته ام تا حرزی باشدبرای آنچه می ترسم وآنچه نمی ترسم».

همراه داشته باشد: مسواک، شانه، جانماز، انگشتر عقیق، تسبیحی از تربت که (لااقل) سی وچهاردانه داشته باشد». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس تسبیح تربت آن حضرت را بگرداند، برای هر استغفاری هفتاد استغفار واگر تسبیح را در دست نگاه دارد وچیزی نگوید در مقابل هر دانه تسبیح هفت استغفار برای او نوشته می شود». (2)

شرط اثربخشی تربت

1. در حدیث است که ابن ابی یعفور از امام صادق علیه السلام پرسید: برخی مردم از تربت امام حسین علیه السلام استفاده می کنند ونتیجه می گیرند وبرخی دیگر نتیجه نمی گیرند، علّت آن چیست؟ حضرت فرمود: «والله هر کس معتقد باشد که تربت سودمند است نتیجه می گیرد». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «قرار دادن تربت در جای نامناسب وکم اعتقاد بودن به آن از برکتش می کاهد. امّا کسی که یقین دارد تربت شفاست،هروقت باآن معالجه کند بی شک نیاز به داروی دیگر نخواهد داشت». (4)

آداب استفاده از تربت

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگام خوردن تربت،

نخست آن را ببوس وبر هر دو دیده بگذار وبیش از یک نخود (یا عدس) نخور که هر کس بیش از آن بخورد گویا گوشت وخون ما را خورده است وهنگامی که

1- مصباح المتهجّد، ص 735؛ بحارالأنوار، ج 101، ص 136، ح 76.
2- مصباح المتهجّد، ص 735؛ بحارالأنوار، ج 101، ص 136، ح 77.
3- كامل الزيارات، ص 274، ح 1.
4- كامل الزيارات، ص 280 و281، ح 5.

آن را از قبر برمی داری بگو: اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِحَقِّ الْمَلَکِ الَّذی قَبَضَها وَاَسْئَلُکَ بِحَقِّ النَّبِیِّ الَّذی خَزَنَها وَاَسْئَلُکَ بِحَقِّ الْوَصِیِّ الَّذی حَلَّ فیها، اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَهُ شِفاءً مِنْ کُلِّ داءٍ وَاَماناً مِنْ کُلِّ خَوْفٍ وَحِفظاً مِنْ کُلِّ سُوْءٍ، سپس تربت را در پارچه ای ببند وسوره (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ) را بر آن بخوان». (1)

2. در روایتی دیگر فرمود: «به هنگام خوردن تربت، این دعا را بخواند : بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ، اَللّهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقاً واسِعاً وَعِلْماً نافِعاً وَشِفاءً مِنْ کُلِّ داءٍ، اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ. اَللّهُمَّ رَبَّ الْتُرْبَهِ الْمُبارَکَهِ وَرَبَّ الْوَصِیِّ الَّذی وارَثَهُ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ هذَا الطِّینَ شِفاءً مِنْ کُلِّ داءٍ وَاَماناً مِنْ کُلِّ خَوْفٍ». (2)

خرید وفروش تربت

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس خاک قبر امام حسین علیه السلام را خرید وفروش کند، گویا گوشت امام حسین علیه السلام را خرید وفروش کرده است». (3) (سزاوار است فروشندگان نیّت هدیه کنند وخریداران نیز پول را به

نیّت هدیه بدهند).

تربت گذاشتن در کفن

از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که میّت را دفن کردند، در برابر صورتش مُهری از خاک قبر امام حسین علیه السلام بگذارند». (4)

1- مصباح المتهجّد، ص 734؛ بحارالأنوار، ج 101، ص 135، ح 73؛ دعوات راوندی، ص 186، ح 515.ترجمه آن گذشت.

2- مصباح المتهجّد، ص 733؛ بحارالأنوار، ج 101، ص 134، ح 70؛ دعوات راوندی، ص 187، ح 516.ترجمه شبیه آن گذشت.

3- کامل الزیارات، ص 286، ح 5.

4- مصباح المتهجّد، ص 735.

خواصّ برخی خوراکی ها و گیاهان

عنّاب

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «فضیلت عنّاب بر سایر خوراکی ها، همچون فضیلت ما بر سایر مردم است». (1)

2. از امام علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «عنّاب تب را از بین می برد». (2)

3. در حدیث است که ابن ابی الخضیب می گوید دیدگانم سفید شده بود وهیچ نمی دیدم. شبی حضرت علی علیه السلام را در خواب دیدم (ومشکلم را به حضرت عرض کردم) فرمود: «عناب را بکوب ودر چشم ات بکش». هنگامی که از خواب بیدار شدم عنّاب را به آرامی کوبیدم ودر دیدگانم کشیدم وبینا شدم. (3)

سیاهدانه

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شفای همه دردها، جز مرگ، در سیاهدانه است». (4)

2. در حدیث است که از رسول خدا صلی الله علیه و آله چگونگی استفاده از سیاهدانه را پرسیدند. حضرت فرمود: «بیست ویک دانه آن را در پارچه ای قرار داده، یک شب آن را در آب خیس می کنی وصبح هنگام دو قطره در بینی راست ودو قطره در بینی چپ می چکانی، روز دوم نیز به همین ترتیب عمل می کنی، در روز سوم در بینی راست یک قطره ودر بینی چپ دو قطره می چکانی وهر شب دانه ها را تازه می کنی». (5)

1- مکارم الأخلاق، ص 176.

2- مكارم الأخلاق، ص 175.

3- مكارم الأخلاق، ص 176.

4- طبّ الأئمّه، ص 68.

5- مكارم الأخلاق، ص 185.

3. در حدیث است که شخصی از تکرّر ادرار که موجب آزار واذیّت وی شده بود به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «در آخر شب، سیاهدانه بخور. من آن را برای مداوای تب، سردرد، چشم درد، درد شکم وهمه دردها می خورم وخداوند مرا شفا می دهد». (1)

اسفند

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «بر هر یک از برگ ودانه وبوته اسفند تا زمانی که بپوسد، فرشته ای نگهبان است. ریشه وشاخه اسفند اندوه وسِحر را برطرف می کند ودر دانه اش شفای هفتاد ودو درد است؛ بنابراین، خود را با اسفند وکُندر معالجه کنید». (2)

2. در حدیث است که پیامبری از پیامبران الهی از ترسو بودن امّت خود به خدا شکایت کرد. وحی آمد که به امّتت دستور بده اسفند بخورند که باعث شجاعت (آنها) می شود. (3)

انجیر

1. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انجیر بخورید که برای از بین بردن قولنج مفید است». (4)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «انجیر بوی بد دهان را برطرف واستخوان را محکم ودردها را زایل می کند وباعث رویش مو در بدن می شود». (5)

1- مکارم الأخلاق، ص 186.

2- مکارم الأخلاق، ص 186.

3- مکارم الأخلاق، ص 186.

4- طبّ الأئمّه، ص 137.

5- كافى، ج 6، ص 358، باب التين، ح 1؛ مكارم الأخلاق، ص 173.

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خوردن انجیر تازه وخشک، بواسیر را قطع ونِقرس (1) را درمان می کند». (2)

کُندر وهلیله زرد

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کندر برگزیده پیامبران است وهیچ دردی زودتر از درد آن به آسمان بالا نمی رود (وبرطرف نمی شود) ودورکننده شیاطین وبرطرف کننده بلاهاست». (3)

2. از امام حسین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر مردم بدانند هلیله زرد چه منافع وخواصّی دارد، بی گمان هم وزن آن طلا خواهند داد». (4)

خرفه وکرفس

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برگ خرفه بر عقل می افزاید وهیچ گیاهی شریف تر وسودمندتر از آن نیست». (5)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کرفس بخورید که غذای حضرت الیاس ویسع ویوشع بن نون بوده است». (6)

بادروج وکاهو وسداب

1. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بادروج (7) از ما وتره تیزک

1- «نقرس» ورم همراه با درد است که در مفاصل پا وبند انگشتان، به خصوص شصت پا بروز می کند.

2- مکارم الأخلاق، ص 174.

3- مکارم الأخلاق، ص 187.

4- طبّ الأئمّه، ص 86.

5- مکارم الأخلاق، ص 180.

6- کافی، ج 6، ص 366، باب الکرفس، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 180.

7- «باذْروج»، ریحان کوهی، گیاهی است دارای برگ های ریز وگل های سرخ رنگ. به معنای گل بستان افروزهم گفته اند. بادرویه وبورنگ وبوینگ نیز گفته شده (فرهنگ عمید).

از بنی امیّه است». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از کاهو استفاده کنید، که کاهو خون را تصفیه می کند». (2)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس سداب (3)

بخورد وشب هنگام بخوابد، در آن شب از دردهای داخلی وبیرونی وذات الجنب در امان است». (4)

اسفرزه وسنا وکاسنی

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس تب کند ودر شب اوّل معادل دو یا سه درهم (حدود نیم مثقال) اسفرزه بخورد، از سرسام

وذات الجنب در آن بیماری حفظ می شود». (5)

2. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود «بیماری های خود را با سنا درمان کنید (6) که اگر چیزی مرگ را درمان کند آن چیز سنا است». (7)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: چهار چیز است که طبیعت ها را به اعتدال می آورد: انار سورانی (8) ، خارک پخته شده بنفشه وکاسنی». (9)

1- کافی، ج 6، ص 368، ح 3، از امام صادق علیه السلام.

2- کافی، ج 6، ص 367، باب الخس، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 183.

3- معنای «سداب» در پاورقی صفحه 440 گذشت.

4- مکارم الأخلاق، ص 181.

5- مکارم الأخلاق، ص 188.

6- «سَنا» گیاهی است دارای برگ های باریک شبیه برگ حنا، گل هایش کبودرنگ ودانه های آن ریز ودر غلافیشبیه غلاف باقلا جا دارد وبیشتر در حجاز می روید وبهترین آن، سنای مکّی است. برگ آن در طب مانندمسهل استعمال می شود (فرهنگ عمید).

7- مکارم الأخلاق، ص 188.

8- «سورانی» منسوب به سوری (بر وزن طوبی) محلّی در عراق است. شاهد بر این مطلب روایتی از امامصادق علیه السلام است که فرمود: «اگر من در عراق بودم هر روز یک دانه انار سورانی می خوردم ویک بار درآب فرات آب تنی می کردم». (خصال مترجم، ترجمه سیّد احمد فهری زنجانی، چاپ انتشارات علمیّهاسلامیه، ص 275).

9- خصال، ج 1، ص 229، ح 100؛ بحارالأنوار، ج 62، ص 221، ح 1.

نمک وسرکه واُشنان

نمک وسرکه واُشنان (1)

1. در چندین روایت آمده است که مالیدن نمک، زهر عقرب ودیگر گزندگان را از بین می برد. (2)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سرکه شراب، بُن دندان را محکم می کند وکرم های شکم را می کُشد وعقل را تقویت می کند». (3)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «خوردن اُشنان، زانوها را سست وآب پشت را فاسد ودهان را بدبو می کند». (4)

زنیان وگردو وآبشم

زنیان (5) وگردو وآبشم

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زنیان وگردو را با هم بخورید که بواسیر را می سوزاند وبادها را بیرون می کند ومعده را محکم می سازد وکلیه ها را گرم می کند». (6)

1- «اُشنان» گیاهی است دارای شاخه های باریک وساقه ستبر که در شوره زارها می روید. طعم آن شور استوچهارپایان آن را می خورند. ریشه آن را پس از خشک کردن، نرم می کوبند ودر شستن لباس به کار می برند(فرهنگ عمید).

2- کافی، ج 6، ص 327، ح 9 و10.

3- کافی، ج 6، ص 330، ح 9.

4- کافی، ج 6، ص 378، ح 1 و2.

5- زنیان (نانخواه) تخمی است زردرنگ وخوشبو، طعم آن اندکی تند وتلخ، گاه آن را روی نان می زنند.جوانی وزنیان وزینان وزینیان وساسم هم گفته شده (فرهنگ عمید، شرح واژه نانخواه).

6- مکارم الأخلاق، ص 191.

2. در حدیثی دیگر فرمود: «آبشم ونمک با هم، بادها را بیرون، دهان را خوشبو، معده را نرم، لقوه (1) را درمان، قوّت جماع را بسیار می کند، سُدّه (2) را

می گشاید، بلغم را می سوزاند وموجب ادرار می شود». (3)

زنیان وآبشم وسیاهدانه

در روایتی می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله زنیان، سیاهدانه وآبشم را سفوف کرده وبعد از لبنیّات وغذاهایی که بیم ضرر داشت می خورد وگاه با نمک ساییده مخلوط می کرد وپیش از غذا می خورد ومی فرمود: «هنگامی که صبحگاهان این دارو را می خورم از خوردن هیچ چیز باکی ندارم. این دارو معده را تقویت می کند وبلغم را از بین می برد واز لقوه امان می دهد». (4)

عسل

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خداوند با عسل برکت را فرستاد وشفای همه دردها در عسل است ودر آن هفتاد برکت است». (5)

1- «لقوه» نوعی بیماری است که در چهره انسان پیدا می شود ولب ودهان یا فک به طرفی کج می گردد(فرهنگ عمید).

2- «سُدّه» در اصطلاح طب، چیزی که در روده گیر کند ومانع خروج مدفوع شود (فرهنگ عمید).

3- مکارم الأخلاق، ص 191.

4- مکارم الأخلاق، ص 187.

5- مکارم الأخلاق، ص 166.

فصل دهم: آداب معاشرت با مردم وحقوق آنان

اشاره

1. حقوق خویشاوندان و خادمان
2. حقوق همسایگان ویتیمان وعشیره وقبیله
3. اُخوّت و صداقت
4. حقوق مؤمنین بر یکدیگر وحُسن معاشرت با مردم
5. برآوردن حاجت مؤمن، چگونگی رفتار با مردم و شاد کردن دیگران
6. دیدار مؤمن وعیادت از بیماران
7. اطعام کردن و سیراب کردن، پوشانیدن ودیگر کمک ها به مؤمنان
8. حقوق فقرا،ضعفا، مظلومان، پیران، دوستان وآداب معاشرت با آنان
9. رعایت حقوق مؤمنین در غیابشان
10. آداب رفتار با ظالمان
11. آداب معاشرت با کافران ومخالفان
12. حقوق مردگان بر زندگان

حقوق خویشاوندان وخادمان

اهمّیّت صله رحم وفواید آن در دنیا

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هیچ عملی ثوابش زودتر از صله رحم به صاحب آن نمی رسد». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «صله رحم ومعاشرت نیکو با همسایگان، خانه ها را آباد وعمر انسان ها را زیاد می کند». (2)

3. در احادیث فراوانی آمده است که: نیکی به خویشاوندان باعث قبولی اعمال وزیاد شدن اموال ودور شدن بلاها وطولانی شدن عمر وآسان شدن حساب روز قیامت می شود. (3)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چیزی مانند صله رحم بر عمر نمی افزاید، به گونه ای که گاه از عمر کسی سه سال بیشتر نمانده که به سبب صله رحم، سی وسه ساله می شود وگاه از عمر کسی سی وسه سال مانده که به سبب قطع صله رحم، سه ساله می شود». (4)

1- کافی، ج 2، ص 152، ح 15.

2- کافی، ج 2، ص 152، ح 14.

3- کافی، ج 2، ص 150، ح 4.

4- کافی، ج 2، ص 152، ح 17.

5. در حدیثی معتبر می خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «من برای کسی که صله رحم کند چند چیز را ضمانت می کنم: خداوند او را دوست می دارد، روزی اش بسیار می شود، عمرش طولانی می شود، وارد بهشت می گردد». (1)

6. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه خویشاوندان به یکدیگر بدی کنند، مالشان به دست بدکاران می افتد». (2)

7. در روایتی صحیح می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «سه چیز است که هر کس مرتکب آن شود پیش از مردن سزای آن را می بیند: ظلم وقطع رحم ودروغ. وبسیار اتّفاق می افتد که مال وفرزندان جماعتی بدکردار به سبب صله رحم بسیار می شود. وقسم دروغ وقطع صله رحم، خانه ها را از اهلش خالی ونسل را نابود می کند». (3)

فواید صله رحم برای آخرت

1. در چندین حدیث معتبر آمده است که: «پیوند خویشاوندی در روز قیامت به عرش الهی چنگ می زند ومی گوید: پروردگارا، هر که مرا در دنیا صله کرده، تو امروز او را به رحمتت متّصل فرما وهر که مرا در دنیا قطع کرده، تو امروز او را از رحمت خود قطع کن». (4)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «دو سمت پل صراط، امانت وصله رحم است. کسی که در امانت مردم خیانت نکرده وبا خویشاوندانش نیکی کرده، به آسانی از صراط عبور می کند وزود وارد بهشت

1- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 37، ح 93.

2- کافی، ج 2، ص 348، ح 8.

3- کافی، ج 2، ص 347، ح 4؛ خصال، ج 1، ص 139، ح 99.

4- کافی، ج 2، ص 151، ح 7، 8 و10.

می شود. وکسی که در امانت خیانت وقطع رحم کرده، اعمال دیگر سودی به حالش ندارد وصراط او را در آتش می افکنَد». (1)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس با پای خود به خانه خویشان برای دیدار با آنها برود، یا به آنها کمک مالی کند، خداوند متعال ثواب صد شهید به او کرامت می کند. ومعادل هر قدمی که برمی دارد چهل هزار حسنه در نامه اعمالش می نویسد وچهل هزار گناه از گناهانش محو می کند وچهل هزار درجه در بهشت بر درجاتش می افزاید. وچونان کسی است که صد سال خدا را با اخلاص عبادت کرده است». (2)

4. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس حقّ خویشاوندانش را مراعات کند، خداوند متعال در بهشت هزار درجه به وی کرامت کند که از هر درجه تا درجه دیگر صد سال راه باشد. یک پلّه از نقره ودیگری از طلا ودیگری از مروارید ودیگری از زمرّد ودیگری از زبرجد ودیگری از مشک ودیگری از عنبر ودیگری از کافور وهمچنین از سایر چیزهایی که خداوند در بهشت خلق

کرده است». (3)

5. نیز در حدیثی فرمود: «بوی بهشت از هزار سال راه به مشام می رسد، ولی عاقّ پدر ومادر وقطع کننده پیوند خویشاوندی وپیرمرد زناکار آن را استشمام نمی کنند». (4)

6. در سخنی دیگر فرمود: «سه کس وارد بهشت نمی شود: شرابخوار، جادوگر، کسی که پیوند خویشاوندی را قطع کند». (5)

1- عدّه الدّاعی، ص 81.

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 9.

3- تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص 333، ح 202.

4- كافى، ج 7، ص 261، ح 5.

5- خصال، ج 1، ص 177، ح 208؛ بحارالأنوار، ج 79، ص 211، ح 6.

حقّ صله رحم

1. در روایتی معتبر آمده است که شخصی از حضرت امام صادق علیه السلام پرسید : بستگانی دارم که شیعه نیستند، آیا حقّی بر من دارند؟ فرمود: «آری. حقّ رحم را هیچ چیز قطع نمی کند؛ اگر شیعه باشند دو حق دارند: یکی رحم ودیگری حقّ اسلام». وفرمود: «صله رحم ونیکی با برادران مؤمن، حساب قیامت را آسان می کند وانسان را از گناه حفظ می کند؛ پس صله رحم ونیکی با برادران خود را ترک نکنید، اگرچه به سلام کردن ونیکو جواب سلام دادن باشد». (1)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «در شب معراج دیدم که شخصی از یکی از خویشاوندان خود شکایت می کند. به اذن پروردگار از او پرسیدم: در چند پشت نسبت تو واو به هم می رسد؟ گفت: در چهل پشت». (2)

رعایت حقوق خادمان

1. در روایتی صحیح می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس دارای چهار صفت باشد خداوند او را در اعلی علّیّین، در برترین غرفه های شرف، سکنی می دهد: یتیمی را پناه دهد واز او مراقبت کند وبرایش همچون پدری مهربان باشد، بر ضعیفان ترحّم وبه آنها کمک کند، مال خود را صرف نیازهای پدر ومادرش کند وبا آنها مدارا کند وبه والدین خود نیکی کند وآنها را آزرده خاطر نسازد، با خدمتکار خود خشن رفتار نکند ودر خدماتش او را یاری دهد ووادار بر کارهایی نکند که برایش سخت ودشوار است». (3)

2. در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله می خوانیم که به اصحابش فرمود: «دوست

1- کافی، ج 2، ص 157، ح 31.

2- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 254، ح 5.

3- امالی مفید، ص 167.

دارید بدترین مردم را به شما معرّفی کنم؟» گفتند: آری ای رسول خدا. فرمود : «کسی که تنها سفر رود وعطای خود را از مردم منع کند وخادم خود را کتک بزند». (1)

حقوق همسایگان ویتیمان وعشیره وقبیله

رعایت حقوق همسایگان

اهمّیّت حقّ همسایه

1. از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «جبرئیل پیوسته مرا به رعایت حقّ همسایه سفارش می کرد به حدّی که گمان کردم برای همسایه ارث قرار خواهد داد». (2)

2. در روایتی معتبر آمده است که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله پرسیدند: آیا حقّی به غیر از زکات در اموال هست؟ فرمود: «آری، نیکی واحسان به خویشاوندانی که به تو بدی کرده اند واحسان به همسایه مسلمان؛ بی شک کسی که شب سیر بخوابد وهمسایه مسلمانش گرسنه باشد، به من ایمان نیاورده است». (3)

حقوق همسایه وحدود همسایگی

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از جمله حقوق مالی، حقّ ماعون است (4) که خداوند در مورد آن تهدید به جهنّم کرده وآن وامی است که به

1- محاسن، ص 356، ح 60؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 181، ح 808.

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 7؛ مکارم الأخلاق، ص 429.

3- امالی طوسی، ج 2، ص 134.

4- «ماعون» از مادّه «مَعْن» (بر وزن شأن) به معنای چیز کم است وبسیاری از مفسّران معتقدند که منظور از آندر اینجا، اشیاءِ جزئی است که مردم به ویژه همسایگان به عنوان عاریه یا تملّک می گیرند؛ مانند مقدارینمک، آب، آتش (کبریت) وجز اینها. تفسیر نمونه، ج 27، ص 361، ذیل تفسیر آیه 7 سوره ماعون.

همسایه دهد، یا به آنها نیکی کند، یا ضروریّات خانه را به آنها عاریت دهد». راوی عرض کرد: ما همسایگانی داریم که اگر چیزی به آنها امانت دهیم آن

را شکسته وضایع می کنند، اگر ندهیم مرتکب گناه شده ایم؟ فرمود: «گناهی بر شما نیست». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «منع کردن همسایگان از نمک وآتش (واشیاءِ کوچک ضروری زندگی) جایز نیست». (2)

3.ازحضرت رسول صلی الله علیه و آلهروایت شده است که فرمود: «هر کس همسایگان را از ماعون منع کند، خداوند متعال خیر واحسانش را از وی منع کرده واو را به حال خود وامی گذارد وکسی را که خداوند به حال خود واگذارد، وای به حال او». (3)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از قرض دادن نان وهمچنین دادن وسیله آتش افروزی به همسایه خودداری نکنید که این امور باعث فراوان شدن روزی بر اهل خانه می شود واز جمله مکارم اخلاق است». (4)

5. در حدیثی معتبر می خوانیم که آن حضرت فرمود: «تا چهل خانه از هر طرف همسایه اند». (5)

بدترین بلاها

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سه چیز از بدترین بلاهاست: پادشاه یا حکمرانی که اگر به وی احسان ونیکی کنی قدردانی نکند واگر به او بدی کنی درنگذرد، همسایه ای که چشمش تو را ببیند ودلش مرگ تو

1- البرهان فى تفسير القرآن، ج 5، ص 770، ح 11؛ مجمع البيان، ج 10، ص 457، ذيل آيه 7 سوره ماعون.

2- كافى، ج 5، ص 308، ح 19.

3- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 4، ص 8؛ مكارم الأخلاق، ص 430.

4- كافى، ج 5، ص 315، ح 47.

5- كافى، ج 2، ص 669، باب حدّ الجوار، ح 1.

را بخواهد، اگر کار خوبی از تو ببیند آن را بپوشاند وبرای دیگران بیان نکند وهرگاه کار بدی ببیند آن را منتشر سازد، زوجه ای که اگر حاضر باشی تو را شاد نکند واگر غایب باشی خاطر تو از او مطمئن نباشد». (1)

زیان های همسایه آزاری وفواید رعایت حقوق همسایه

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس همسایه اش را بیازارد، خداوند بوی بهشت را بر او حرام می کند وجایگاهش جهنّم باشد». (2)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس به همسایه اش به اندازه یک وجب زمین خیانت کند، خداوند متعال آن زمین را تا طبقه هفتم به شکل طوقی درآورده وبر گردنش بیندازد وآن طوق تا هنگامی که او را برای حساب آورند در گردنش باشد، مگر آنکه توبه کند وآن زمین را به صاحبش بازگرداند». (3)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس همسایه اش را به خاطر طمع در خانه او آزار دهد، خداوند خانه اش را به همسایه اش برساند». (4)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس آزارش را از همسایه اش بازدارد، خداوند در روز قیامت از گناهانش درگذرد». (5)

حقوق یتیمان

سرپرستی یتیمان

ولیّ یتیم که حقّ تصرّف در اموال یتیم را - البتّه در چارچوب مصالح وی -

1- قرب الإسناد، ص 83، ح 253.

2- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 4، ص 7؛ مكارم الأخلاق، ص 429.

3- امالى صدوق، ص 427.

4- تفسير قمى، ج 1، ص 368.

5- امالى صدوق، ص 552، ح 4.

دارد، پدر وجدّ پدری ووصیّ است که آنها تعیین کنند.

واگر هیچ یک از این سه تن نباشند، حاکم شرع یعنی امام معصوم یا منتخب امام معصوم است. ودر عصر غیبت، بیشتر علما معتقدند مجتهد جامع الشرایط یا کسی که از طرف او مأذون باشد این مسؤولیّت را بر عهده می گیرد.

از روایات اسلامی استفاده می شود که مؤمنان نیکوکار می توانند برای رضای خدا عهده دار امور ایتام وحفظ اموالشان شوند تا آنچه را که به نفع ومصلحت وغبطه آنان باشد رعایت کنند. وچنانچه وضع مالی مناسبی نداشته باشند وتلاش برای نگهداری اموال یتیم، مانع کسب وکارشان شود می توانند به مقدار مخارج ضروری از مال یتیم استفاده کنند واحتیاط آن است که چیزی بیش از اجره المثل متعارف چنین کاری برندارند.

نیز پدر وجدّ پدری ووصیّ باید نهایت دقّت را در رعایت غبطه ومصلحت یتیم مبذول دارند. واگر توانایی بر پرداخت بدهی های خود نداشته باشند نمی توانند برای این منظور از اموال یتیم استفاده کنند. وچنانچه پدر وجدّ پدری وضع مالی خوبی نداشته باشند می توانند به مقدار مخارج ضروری خود از مال یتیم استفاده کنند. واگر مادر هم نیازمند باشد، ولیّ می تواند نفقه اش را از مال یتیم بپردازد. وچنانچه مقدار هزینه های یتیم را محاسبه کرده، با مخارج خویش مخلوط سازد وبا هم از آن استفاده کنند اشکالی ندارد.

یتیم نوازی و پاداش آن در دنیا وآخرت

1. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس از سنگدلی وقساوت قلب خویش آزرده باشد وبخواهد قلبش نرم شود، یتیمی را نزد خود آورَد وبا او مهربانی کند وبر سر سفره

اش بنشاند واز روی مهربانی دست بر سرش بکشد، چرا که یتیم بر مردم حقّی بزرگ دارد». (1)

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 119، ح 571؛ ثواب الأعمال، ص 237، ح 3.

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس از یتیمی نگهداری کند ونفقه اش را بپردازد، من واو در بهشت مانند این دو انگشت (اشاره به انگشت اشاره ووسط) در کنار هم خواهیم بود». (1)

3. نیز در روایتی فرمود: «هر کس یتیمی را به خانه اش آورَد وهزینه اش را تا زمانی که بی نیاز شود بپردازد، خداوند بهشت را بر او واجب می کند، همان گونه که جهنّم را بر خورنده مال یتیم واجب کرده است». (2)

4. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «هر مرد وزن مؤمنی از روی ترحّم ومهربانی دست بر سر یتیمی بکشد، خداوند متعال به عدد هر تار مویی که از زیر دستانش عبور کند، برایش حسنه ای می نویسد». (3)

5. ودر حدیثی دیگر فرمود: «خداوند در مقابل هر تار مویی، در قیامت نوری به وی می دهد». (4)

6. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه یتیمی بگرید، عرش پروردگار بر اثر گریه او به لرزه درمی آید وخداوند فرماید: چه کسی

این بنده ام را که پدر ومادرش را از او گرفته ام به گریه آورده است؟ به عزّت وجلالم سوگند که هیچ بنده ای او را ساکت وآرام نکند، مگر آنکه بهشت را برایش واجب می کنم». (5)

مجازات به ناحق خوردن مال یتیمان

1. در چندین حدیث معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند

1- قرب الإسناد، ص 92، ح 302.

2- تفسير عيّاشى، ج 1، ص 224، ح 44؛ كافى، ج 5، ص 128، ح 2.

3- ثواب الأعمال، ص 237، ح 1.

4- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 119، ح 569.

5- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 119، ح 573؛ ثواب الأعمال، ص 237، ح 1.

متعال برای کسی که مال یتیم را به ناحق بخورد دو مجازات در نظر گرفته است : یکی عذاب جهنّم در آخرت ودو دیگر آنکه مردم با یتیمانش (در دنیا) همان کاری کنند که او با یتیمان دیگران کرده است». (1)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال در روز قیامت گروهی را از قبر مبعوث می کند که آتش از دهانشان شعله ور است وآنها کسانی هستند که مال یتیم خورده اند، همان گونه که خداوند متعال در قرآن مجید فرموده است: کسانی که اموال یتیمان را به ظلم وستم می خورند، (در حقیقت) فقط آتش می خورند وبه زودی در شعله های آتش (دوزخ) می سوزند. (2) » (3)

3. در احادیث معتبر آمده است: خوردن مال یتیم به ناحق، از جمله گناهان کبیره است. (4)

حقوق قبیله وعشیره

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بپرهیزید از اینکه حقوق دیگران را تباه کنید و بر مشکلات شکیبایی کنید واگر کسی از قبیله شما از شما چیزی بخواهد که ضررش برای شما بیش از نفع آن است قبول نکنید». (5)

2. در روایتی دیگر آمده است که حضرت علی علیه السلام در بیماری صعصعه بن صوحان که از بزرگان اصحاب آن حضرت بود، به عیادت وی رفت وبه صعصعه فرمود: «اینکه من به عیادت تو آمدم بر قوم خود فخر نکن واگر مشکلی برای

آنها به وجود آمد خود را کنار نکش که انسان از قوم وقبیله اش بی نیاز نیست،

1- تفسیر عیّاشی، ج 1، ص 223، ح 38.

2- سوره نساء، آیه 10.

3- تفسیر عیّاشی، ج 1، ص 225، ح 47.

4- فقه الرضا علیه السلام، ص 332.

5- امالی طوسی، ج 1، ص 71.

بلکه به آنها محتاج است. اگر آنها را کمک نکنی کمکی را از آنها دریغ داشته ای ودر مقابل، کمک های فراوانی را از خود دریغ کرده ای؛ بنابراین، اگر آنها را در حال خوشی ببینی در آن خوشی به آنها کمک کن واگر در بلا ومشکلی دیدی آنها را به خودشان وانگذار. البتّه کمک های متقابل شما باید در مسیر اطاعت خدا باشد. اگر در مسیر اطاعت خدا ودوری از معصیت به هم کمک کنید همیشه در رفاه ونعمت خواهید بود». (1)

3. در حدیثی معتبر آمده است که: چند اسیر از کفّار را (که مرتکب جرایم سنگینی شده بودند) نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله آوردند. یکی از آنها را خواستند گردن بزنند که جبرئیل نازل شد وگفت: ای محمّد، این اسیری را که می خواهی گردن بزنی به مردم غذا می داد ومیهمان داری می کرد وهزینه هایی را که بر قبیله اش تحمیل می شد پرداخت می کرد وبارهای سنگین خانواده را خود به دوش می کشید. سپس حضرت رسول صلی الله علیه و آله به آن اسیر فرمود: «خداوند چنین وحی فرستاده است ومن به سبب این خصلت ها از کشتن تو صرف نظر کردم». اسیر گفت: پروردگار تو این صفات را دوست دارد؟ حضرت فرمود: «آری». اسیر شهادتین بر زبان جاری کرد ومسلمان شد وسپس گفت: به حقّ خدایی که تو را به راستی فرستاده، هرگز کسی را از مال خود برنگردانده ام. (2)

اُخوّت وصداقت

اُخوّت و برادری

اهمّیّت اُخوّت

1. در حدیث است که حضرت علی علیه السلام به هنگام شهادت، به امام حسن مجتبی علیه السلام چنین وصیّت کرد: «برای رضای خدا با برادران (دینی) برادری کن

1- امالی طوسی، ج 1، ص 357.

2- محاسن، ص 388، ح 14.

وانسان های نیکوکار را به خاطر صلاح (وایمانشان) دوست بدار». (1)

2. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «پس از اسلام، سودمندتر از برادری که انسان برای رضای خدا برای خود انتخاب می کند وجود ندارد». (2)

3. در احادیث معتبر می خوانیم که: اخوّت وبرادری وآشنایی مؤمنین، در عالم ارواح ایجاد شده وهنگامی که یکدیگر را در این دنیا می بینند به سوی یکدیگر جذب می شوند. (3)

انواع وآثار اخوّت

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برادران بر دو نوع اند : برادری که در دوستی ویاری مورد اعتماد باشد، برادری که برای سرگرمی وگفت وگو مورد اعتماد باشد. امّا گروه اوّل به منزله دست وبال واهل ومال هستند وهنگامی که بر چنین برادری اعتماد کردی برای او از جان ومال خود هزینه کن وبا دوستانش دوستی وبا دشمنانش دشمنی کن. رازش را بپوشان وعیوبش را پنهان ونیکی هایش را آشکار کن. این گونه برادران همچون کبریت احمر (4) کمیاب هستند. امّا گروه دوم از همنشینی با آنها لذّت می بری، این را از

آنان دریغ نکن وبیش از این از آنها توقّع نداشته باش». (5)

2. در حدیث است که شخصی به امام باقر علیه السلام عرض کرد: بسیار اتّفاق می افتد که بی سبب به حدّی اندوهگین وناراحت می شوم که اهل وعیال ودوستانم آثار

1- امالی طوسی، ج 1، ص 7.

2- امالی طوسی، ج 1، ص 46.

3- علل الشرایع، ج 1، ص 84، باب 79، ح 1 و2؛ وج 2، ص 426، باب 161، ح 7 با اندکی اختلاف.

4- گوگرد معمولاً زردرنگ است وگوگرد سرخ بسیار کمیاب است. در عربی از اشیاءِ کمیاب به «کبریت احمر»یاد می کنند.

5- خصال، ج 1، ص 89، ح 49؛ بحارالأنوار، ج 67، ص 193، ح 3.

آن را در چهره ام می بینند، علّت آن چیست؟ حضرت فرمود: «خداوند متعال مؤمنان را از طینت بهشت آفریده واز نسیم رحمت خود در آنان جاری کرده است؛ بدین سبب، مؤمنین برادر پدری ومادری یکدیگرند وهنگامی که اندوهی به روح یکی از مؤمنان برسد دیگر مؤمنان به سبب اندوه او محزون می شوند». (1)

حقوق وپاداش اخوّت

1. در احادیث معتبر می خوانیم که: مؤمن برادر مؤمن ودیده وی وراهنمای اوست، به او خیانت وظلم نمی کند، فریبش نمی دهد، اگر به او وعده دهد تخلّف نمی کند، به او دروغ نمی گوید وغیبتش را نمی کند. (2)

2. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس برای خود، برادر مؤمنی انتخاب کند خانه ای در بهشت یافته است». (3)

3. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «نگاه کردن به چهره امام عادل وشخص عالم وپدر ومادر از روی مهربانی، عبادت است ونظر کردن بر چهره برادر مؤمنی که او را برای خدا دوست داری عبادت است». (4)

دوستی

اهمّیّت دوستی

1. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «محبّت ودوستی بیست ساله، به منزله خویشاوندی است. وعلم، اهلش را با یکدیگر بیشتر ربط می دهد تا رابطه پدری». (5)

1- کافی، ج 2، ص 166، ح 2.

2- كافى، ج 2، ص 166، ح 3 و5.

3- ثواب الأعمال، ص 182؛ امالى مفيد، ص 316، ح 8.

4- امالى طوسى، ج 2، ص 69.

5- عيون اخبار الرضا عليه السلام، ج 2، ص 131، ح 12.

2. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بهترین عیش وخوشی دنیا، منزل وسیع ودوستان بسیار است». (1)

3. در حدیث است که حضرت لقمان به پسرش گفت: با صد تن همنشینی ودوستی داشته باش، ولی با یک تن هم دشمنی نکن. وراضی باش که غلام نیکان باشی، امّا فرزند بدان نه». (2)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پنج چیز در هر کس نباشد زندگی بر او گوارا نخواهد بود: سلامتی، امنیّت، توانگری، قناعت، دوست موافق وخوب». (3)

5. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس را پنددهنده ای از درونش وزجرکننده ای از نفسش وهمنشین ودوستی که او را به راه خیر بدارد نباشد، شیطان بر وی مسلّط می شود». (4)

معیارهای دوستی

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر یک از برادران مؤمن سه مرتبه بر تو خشم گیرد ودر هیچ مرتبه سخن زشتی در حقّ تو نگوید، سزاوار دوستی است». (5)

2. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر می خواهی نعمت (پروردگار) بر تو تمام شود ومردی ومروّت در حقّ تو کامل گردد وامور زندگی به کام تو باشد، مردم پست را شریک کارهایت نکن که اگر آنها را امین خود کنی

1- بحارالأنوار، ج 71، ص 177، ح 16.

2- معانی الأخبار، ص 253.

3- امالی صدوق، ص 291، ح 15.

4- امالی صدوق، ص 441، ح 2.

5- امالی صدوق، ص 669، ح 7.

به تو خیانت می کنند واگر سخنی با تو گویند دروغ می گویند واگر بلایی دامنگیر تو شود به یاری تو نمی شتابند. (بلکه) با عاقل همنشینی ودوستی کن، هر چند کریم نباشد (بدین صورت که) از عقلش استفاده کنی واز اخلاق زشت وی دوری گزینی. و با کریم همنشینی و دوستی کن هر چند عاقل نباشد، تا به

عقل خود از کرمش سودمند شوی وبه طور جدّی از احمقی که بخیل باشد

دوری کن». (1)

مراتب وحقوق دوستی

1. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «صداقت ویاری ودوستی مراتب مختلفی دارد. هر کس تمام مراتب آن را دارا نباشد او را به کمال صداقت ودوستی نسبت نده و کسی که هیچ مرتبه ای از مراتب آن را ندارد، هیچ یک از مراتب صداقت را برای او قائل نشو (مراحل صداقت این است که) : آشکار وپنهانش با تو یکی باشد، خوبی های تو را خوبی های خود وعیوب تو را عیوب خود بداند، به هنگام دسترسی به مال یا مقام تغییر روش ندهد، آنچه

از امکانات به او برسد از تو منع نکند، به هنگام بلاها وسختی ها تو را

تنها نگذارد». (2)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس خود را در موقعیّت تهمت واتّهام قرار دهد، کسی را که گمان بد به او می برد سرزنش نکند. وهر که رازش را پنهان دارد زمام امورش به دست خودش باشد. وهر سخنی که از دو تن گذشت فاش می شود. وهنگامی که با کسی برادری کردی آنچه را از او می بینی حمل بر صحّت کن، تا جایی که دیگر احتمال صحیحی ندهی ومبادا

1- فقه الرضا علیه السلام، ص 356.

2- خصال، ج 1، ص 250، ح 16؛ بحارالأنوار، ج 74، ص 173، ح 1.

گمان بد ببری بر سخنی که از برادر دینی ات شنیده ای تا آنجا که امکان حمل بر صحّت باشد. وبه هنگام خوشی، دوستان نیک فراوانی تهیّه کن که به هنگام بدی وبلا، سپری در مقابل دشمنان هستند. وبا کسانی مشورت کن که خداترس باشند. وبرادران مؤمن را به قدر پرهیزگاریشان دوست بدار. واز زنان بد بپرهیز واز نیکانشان برحذر باش». (1)

حدّ دوستی ومقدار توقّع از دوست

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «به برادر ودوستت آن قدر اعتماد نکن که رازهای خود را به وی بسپاری، زیرا هنگامی که از تو برگردد چاره ای نتوانی کرد». (2)

2. در روایتی دیگر فرمود: «دوستانت را از رازها واسرار خود آگاه نکن، مگر رازی که اگر دشمنت هم بداند به تو ضرری نمی رسد، زیرا گاهی دوست دشمن انسان می شود». (3)

3. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در دوستی با دوستان ودشمنی با دشمنان زیاده روی نکن، زیرا چه بسا دوست دشمن ودشمن، دوست شود». (4)

4. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه دوستی داشتی که حاکم جایی شد (وبه پست ومقام مهمّی رسید)، اگر یک دهم گذشته با تو دوستی کرد، دوست بدی نیست». (5)

1- الإختصاص، ص 226.

2- امالی صدوق، ص 669، ح 7.

3- امالی صدوق، ص 670، ادامه حدیث 7.

4- امالی طوسی، ج 1، ص 374.

5- امالی طوسی، ج 1، ص 285.

حرمت دوستان پدر ومحبّت بیجا

1. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با دوستان پدر قطع رابطه نکن که روشنایی زندگی ات مبدّل به تاریکی می شود». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس محبّتش را در غیر موردش صرف کند، خود عامل قطع محبّت شده است». (2)

حقوق مؤمنین بر یکدیگر وحُسن معاشرت با مردم

اهمّیّت حقّ مؤمن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هیچ عبادتی نزد پروردگار، بهتر از ادا کردن حقّ مؤمن نیست». (3)

2. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس به زندگی روزمرّه خود ادامه دهد ولی به امور مسلمانان اهتمام نورزد مسلمان نیست. کسی که صدای کمک خواهی مسلمانی را بشنود وبه او یاری نرساند مسلمان نیست». (4)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «محبوب ترین مردم نزد خدا کسی است که نفعش به مردم بیشتر می رسد». (5)

4. نیز در روایتی فرمود: «هر کس خطر آب یا آتش را از گروهی از مسلمانان دور کند، بهشت بر او واجب می شود». (6)

5. در حدیث است که شخصی خدمت امام صادق علیه السلام رسید. حضرت از وی

1- علل الشرایع، ج 2، ص 581، ح 19.

2- محاسن، ص 266، ح 346.

3- کافی، ج 2، ص 170، ح 4.

4- کافی، ج 2، ص 164، ح 5.

5- کافی، ج 2، ص 164، ح 7.

6- کافی، ج 2، ص 164، ح 7.

پرسید: «برادران دینی ات در چه حالی هستند؟» عرض کرد: بر حال خوبی هستند. حضرت پرسید: «ثروتمندانشان به فقیران رسیدگی می کنند؟» عرض کرد : اندکی. فرمود: «ثروتمندان چقدر به دیدار نیازمندان می روند؟» عرض کرد: کم. فرمود: «توانگران چه مقدار به فقیران احسان می کنند؟» عرض کرد: اندکی. حضرت فرمود: «اینها چگونه ادّعای تشیّع می کنند!». (1)

حقّ مؤمن بر مؤمن

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بر مؤمن واجب است که هفتاد گناه کبیره برادر مؤمن خود را بپوشاند». (2)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بر مؤمن واجب است که در حضور وغیاب برادر مؤمنش خیرخواه او باشد». (3)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «خیرخواهی مردم بر شما لازم است، زیرا هیچ عملی نزد خدا بهتر از این کار نیست». (4)

4. نیز در سخنی فرمود: «با یکدیگر برادر ونسبت به هم نیکوکار باشید. وبرای رضای خدا با یکدیگر دوستی کنید. به دیدن هم بروید وبا یکدیگر بنشینید واز معارف واحادیث ما یاد کنید». (5)

5. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم که فرمود: «حقّ مؤمن بر مؤمن آن است که او را دوست بدارد، مال خود را از او دریغ نکند، اگر به سفر رود به احوال اهل وعیالش بپردازد، اگر کسی بر او ظلم کند یاریش نماید، اگر حقّی به

1- کافی، ج 2، ص 173، ح 10.

2- کافی، ج 2، ص 207، ح 8.

3- كافى، ج 2، ص 208، ح 2.

4- كافى، ج 2، ص 164، ح 3، وص 208، ح 6.

5- كافى، ج 2، ص 175، باب التراحم والتعاطف، ح 1.

مسلمانان دهند واو غایب باشد بهره وسهم او را برایش کنار بگذارد، هنگامی که از دنیا رفت به زیارت قبرش برود، بر او ظلم نکند، او را فریب ندهد، به او خیانت نکند، در برابر او اظهار تنفّر نکند که اگر چنین کند دوستی از میان آنها رخت برمی بندد، اگر به برادر مؤمنش بگوید تو دشمن منی، یکی از آن دو کافر است زیرا اگر دروغ گفته باشد خود کافر است واگر راست گفته باشد طرف مقابل کافر (یعنی صاحب گناه کبیره) است وچون او را متّهم به تهمتی کند ایمان در دلش ذوب شود همان گونه که نمک در آب حل می شود». (1)

6. در روایتی دیگر فرمود: «وعده ای که مؤمن به برادر مؤمن خود می دهد همچون نذر است، هر چند کفّاره ندارد. هر کس خُلف وعده کند در حقیقت به خدا خلف وعده کرده وخود را در معرض خشم او قرار داده است». (2)

7. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس به خدا وروز قیامت ایمان دارد باید به وعده خود وفا کند». (3)

8. به سندهای معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود : «مؤمن هفت حقّ واجب بر مؤمن دارد: در حضورش او را تعظیم وتکریم کند، محبّتش در دل او باشد، مال خود را از او دریغ نورزد، غیبت او را بر خود حرام بداند، هنگامی که بیمار شود به عیادتش رود، چون از دنیا برود در تشییع او حاضر شود، پس از مرگش جز به نیکی از او یاد نکند». (4)

حقّ مسلمان بر مسلمان

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آنچه را برای عزیزترین

1- کافی، ج 2، ص 171، ح 7.

2- کافی، ج 2، ص 363، ح 1.

3- کافی، ج 2، ص 363، باب خلف الوعد، ح 2.

4- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 284، ح 846.

کسان خود می خواهید برای برادر مسلمان خود بخواهید. وآنچه را برای عزیزترین کسان خود نمی خواهید برای برادر مسلمانتان نخواهید. دوستی او را از ناخالصی ها خالص گردانید به این صورت که در شادی او شاد ودر اندوه وی اندوهگین باشید. در صورت امکان غم وناراحتی اش را برطرف سازید واگر نمی توانید، دعا کنید که خدا اندوهش را زایل کند». (1)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برادر مسلمان خود را دوست بدار وآنچه را برای خود می خواهی برای او بخواه وآنچه را برای خود نمی پسندی برای او نپسند. هرگاه نیازمند شدی از او کمک بگیر وچون از تو کمک خواست به وی عطا کن. نیکی را از او دریغ ندار تا او هم از تو دریغ نکند. یار ویاورش باش تا او نیز یاور تو باشد. هر زمان غایب شود حرمت او را در غیبتش نگاه دار وچون از سفر بازگردد به دیدنش برو واو را گرامی بدار، چرا که او از تو است وتو از او هستی. اگر با تو در مقام عتاب وسرزنش برآید از او جدا شو، تا کینه را از سینه اش به در کنی. اگر نعمتی به او برسد خدا را شکر کن واگر بلایی بر او نازل شود یاورش باش وبا او بیشتر مهربانی کن». (2)

3. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر مسلمانی بر برادر مسلمان خود شش حق دارد: هرگاه به او رسد سلام کند، هر وقت بیمار شود به عیادتش رود، هرگاه عطسه کند او را دعا کند، چون از دنیا برود بر او نماز بگزارد، هرگاه او را دعوت کند بپذیرد، آنچه را برای خود دوست می دارد برای او دوست بدارد وآنچه را برای خود نمی پسندد برای او نپسندد». (3)

4. در روایتی معتبر می خوانیم که معلّی بن خنیس از امام صادق علیه السلام پرسید :

1- کافی، ج 2، ص 172، ح 9.

2- امالی صدوق، ص 323، ح 12.

3- امالی طوسی، ج 2، ص 92.

حقّ مسلمان بر مسلمان چیست؟ حضرت فرمود: «هفت حقّ است که همگی واجب است واگر یکی از آنها را ترک کند از دوستی وطاعت خدا خارج می شود». عرض کرد: آنها چیست؟ فرمود: «می ترسم که فرا نگیری ومراعات نکنی (امّا می گویم). آسان ترین آنها این است که آنچه را برای خود دوست می داری برای او دوست بداری وآنچه را برای خود نمی پسندی برای او نپسندی. از غضبش بپرهیزی ودر پی خشنودیش باشی وآنچه گوید اطاعت کنی. با جان ومال وزبان ودست وپا (وبا تمام وجود) یاریش کنی. دیده بان، راهنما وآیینه او باشی. تو سیر نباشی واو گرسنه، تو سیراب نباشی واو تشنه، تو پوشیده نباشی واو عریان. اگر خدمتکار داشته باشی واو نداشته باشد واجب است خادم خود را بفرستی تا لباسش را بشوید، غذایش را بپزد وبستر را بگستراند. اگر تو را بر انجام دادن کاری قسم داد انجام دهی واگر به خانه اش دعوت کرد اجابت کنی واگر بیمار شد به عیادتش بروی وچون از دنیا رفت بر جنازه اش حاضر شوی واگر دانستی که حاجت ونیازی دارد پیش از آنکه بپرسد حاجتش را برآورده سازی. اگر این کارها را انجام دهی محبّت خود را به محبّت او ومحبّت او را به محبّت خود پیوند زده ای». (1)

برآوردن حاجت مؤمن، چگونگی رفتار با مردم وشاد کردن دیگران

برآوردن حاجت مؤمن

اهمّیّت برآوردن حاجت

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند فرموده است که مردم عیال من هستند ومحبوب ترین مردم نزد من کسی

است که با مردم مهربان تر باشد وبرای برآوردن حاجات آنها تلاش بیشتری کند». (2)

1- کافی، ج 2، ص 169، ح 2؛ خصال، ج 2، ص 103، ح 20.

2- کافی، ج 2، ص 199، ح 10.

2. در حدیثی دیگر فرمود: «راه رفتن در مسیر برآورده کردن حاجت برادر مسلمان را از آزاد کردن هزار برده وفرستادن هزار رزمنده با اسباب وآلات نظامی به میدان جنگ بیشتر دوست می دارم». (1)

پاداش دنیوی برآوردن حاجت

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برآوردن حاجت مؤمن از آزاد کردن هزار بنده وفرستادن هزار اسب برای جهاد در راه خدا بهتر است». (2)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «بر آوردن حاجت مؤمن از بیست حج که در هر حج صاحبش هزار درهم هزینه کند، بهتر است». (3)

3. در روایتی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «یک حج به جا آوردن از آزاد کردن هفتاد بنده بهتر است. وپرداختن هزینه یک خانواده مسلمان به گونه ای که بدن آنها را بپوشاند وآنها را سیر کند وآبروی آنها را حفظ کند، از هفتاد حج بهتر است». (4)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس هفت شوط (دور) بر گِرد خانه کعبه طواف کند، خداوند متعال برای او شش هزار حسنه می نویسد واز او شش هزار گناه محو می کند وشش هزار درجه بر درجاتش می افزاید وشش هزار حاجتش را برآورده می کند. (ولی) برآورده کردن حاجت مؤمن از ده طواف بهتر است». (5)

در حدیثی دیگر فرمود: «هنگامی که کسی برای انجام دادن خواست شخص

1- کافی، ج 2، ص 197، ح 4.

2- کافی، ج 2، ص 193، ح 3.

3- كافی، ج 2، ص 193، ح 4.
4- ثواب الأعمال، ص 170، ح 13.
5- كافی، ج 2، ص 194، ح 6.

باایمانی حرکت کند، خداوند به دو فرشته مأموریّت می دهد که از راست وچپ برایش استغفار کرده ودعا کنند که حاجتش برآورده شود». (1)

5. در سخنی دیگر فرمود: «هر مؤمنی در مسیر برآوردن حاجت برادر مؤمن خود قدم بردارد، ده حسنه برای او نویسند وده گناه از گناهانش محو کنند وده درجه در بهشت بر درجاتش بیفزایند واین کار برابر با آزاد کردن ده برده وبهتر از یک ماه اعتکاف در مسجدالحرام است». (2)

6. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس برای برآوردن حاجت برادر مسلمانش قدم بردارد، خداوند هفتاد وپنج هزار فرشته را مأمور می کند که بر او سایه بیفکنند وبه هر قدمی برایش حسنه بنویسند وگناه او را محو سازند ودرجاتش را بالا ببرند وچون از کار او فارغ شود ومشکلش را حل کند، ثواب حج وعمره را در نامه عملش بنویسند». (3)

پاداش اخروی برآوردن حاجت

1. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس یک حاجت برادر مؤمن خود را برآورَد، خداوند در قیامت صد هزار حاجت وی را برآورده کند که یکی از آنها بهشت است ودو دیگر آنکه خویشان وآشنایان خود را وارد بهشت کند به شرط آنکه ناصبی (4) نباشد». (5)

2. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند بندگانی دارد که برای

1- کافی، ج 2، ص 195، ح 10.

2- کافی، ج 2، ص 196، ح 1.

3- کافی، ج 2، ص 197، ح 3.

4- «ناصبی» به کسی گفته می شود که با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله، یعنی ائمّه معصومین علیهم السلام، دشمنی دارد وبهآنها ناسزا می گوید واین مطلب جزءِ اعتقادات دینی اوست.

5- کافی، ج 2، ص 3 و192، ح 1.

برآوردن حاجت مردم تلاش می کنند، آنها در روز قیامت در امان هستند وهر کس دل مؤمنی را شاد کند، خداوند در روز قیامت دل او را شاد می کند». (1)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس برای جلب رضای خدا، در راه برآوردن حاجت برادر مسلمان خود گام بردارد، خداوند برایش یک میلیون حسنه می نویسد که به سبب آن خویشاوندان وآشنایان وهمسایگان وهر کس را که به او نیکی کرده، می آمرزد. ودر قیامت به او خطاب می شود: وارد جهنّم شو وهر که را که در دنیا به تو نیکی کرده، از جهنّم بیرون آور ووارد بهشت کن، مگر کسانی که دشمن اهل بیت پیامبر باشند». (2)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس به هنگام سختی ومشکلات به فریاد برادر مؤمن غمگین مضطرّ خود برسد واندوهش را برطرف وحاجتش را روا کند، خداوند متعال هفتاد ودو رحمت به وی اختصاص می دهد، یکی از آنها را در دنیا به او می دهد که کارهای دنیای او با آن انجام می شود وبقیّه را برای ترس ومشکلات روز قیامت وی ذخیره می کند». (3)

5. نیز در روایتی فرمود: «هر کس غمی از دل مؤمنی بردارد، خداوند غم های آخرت او را بردارد وهنگامی که از قبر بیرون آید دلش مطمئن وشاد باشد. وهر کس به مؤمنی غذا دهد، خداوند او را از میوه های بهشت سیر کند. وهر کس به مؤمنی آب دهد،خداونداوراازشراب (طهور)دست نخورده بهشت سیراب سازد». (4)

6. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس غمی از مؤمنی بردارد، خداوند حاجت دنیا وآخرت او را برآورده سازد. وهر که عیب مؤمنی را بپوشاند، خداوند هفتاد عیب از عیب های دنیا وآخرت او را بپوشاند. وتا مؤمن در حال یاری برادر

1- كافى، ج 2، ص 197، ح 2.

2- كافى، ج 2، ص 197، ح 6.

3- كافى، ج 2، ص 199، ح 1؛ الاختصاص، ص 250.

4- كافى، ج 2، ص 199، ح 3.

مؤمن است خداوند یاور اوست». (1)

7. از زین العابدین امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس حاجت برادر مؤمن خود را برآورَد، خداوند صد حاجت وی را برآورده کند که یکی از آنها بهشت باشد. وهر کس غمی از مؤمنی بردارد، پروردگار عالم غم های آخرت او را بردارد. وهر کس به مؤمنی در مقابل ظالمی کمک کند، خداوند او را در عبور از پل صراط - به هنگامی که قدم ها بلغزد - یاری خواهد کرد. وهر کس حاجت مؤمنی را برآورَد که او شاد شود، چنان باشد که حضرت رسول صلی الله علیه و آله را شاد کرده باشد. وهر کس مؤمنی را به هنگام تشنگی اش آب دهد، خداوند متعال او را از شراب (طهور) بهشت سیراب می کند. وهر کس مؤمنی را سیر کند، خداوند او را از میوه های بهشتی سیر می کند. وهر کس مؤمن برهنه ای را لباس بپوشاند، خداوند بر اندامش لباس ابریشم بهشتی می پوشاند. وهر کس بر مؤمنی که عریان نیست لباس بپوشاند، تا نخی از آن لباس باقی باشد پیوسته از بلاها در کفالت خدا باشد. وهر کس خادمی به مؤمنی بدهد، خداوند از پسران بهشتی به

وی خادم می دهد. وهر کس مؤمن پیاده ای را سوار کند، خداوند او را بر ناقه ای از ناقه های بهشت سوار می کند تا در قیامت بر ملائکه مباهات وافتخار کند. وهر کس بر بدن مؤمنی پس از مرگش کفن بپوشاند، گویا لباس وی را از هنگام ولادت تا وقت مردن تأمین کرده است. وهر کس برای مؤمنی همسری انتخاب کند که با او اُنس گیرد، خداوند فرشته ای را به صورت محبوب ترین نزدیکانش در قبر مونس او می کند. وهر کس به هنگام بیماری مؤمنی از وی عیادت کند، ملائکه او را از همه جهت احاطه کرده وبه وی می گویند: خوشا به حال تو، بهشت گوارای وجودت! به خدا سوگند، برآوردن یک حاجت مؤمن در نزد پروردگار از دو ماه روزه داری واعتکاف کردن در ماه های حرام (رجب،

1- کافی، ج 2، ص 200، ح 5.

ذی القعده، ذی الحجّه ومحرّم الحرام) بهتر است». (1)

8. ازامام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال در روز قیامت، سایبانی قرار داده که هیچ کس در زیر آن قرار نمی گیرد، مگر پیامبر یا وصیّ پیامبر یا مؤمنی که برده مؤمنی را آزاد، یا مؤمنی را داماد، یا صاحب خانه کرده باشد». (2)

9. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شخصی را در روز قیامت به جهنّم می برند، مؤمنی از کنار او عبور می کند، شخص جهنّمی به آن مؤمن می گوید: به فریادم برس که در دنیا به تو نیکی کردم وحاجتت را برآورده ساختم. مؤمن به فرشته مأمور او می گوید: دست از او بردار. خداوند می فرماید: چون بنده مؤمنم شفاعت او را کرد رهایش کن». (3)

10. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در قیامت سه گروه در سایه عرش الهی هستند؛ روزی که سایه ای جز سایه عرش پروردگار نباشد: کسی که برادر مسلمان خود را زن دهد، کسی که خادمی به او بدهد، کسی که راز او را پنهان کند». (4)

11. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر مسلمانی که حاجت مسلمانی را برآورده کند، خداوند متعال به وی می گوید: ثواب تو بر من است وبرای تو به غیر از بهشت راضی نمی شوم». (5)

پاداش غمگین شدن برای مشکل دیگران

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مؤمنی که برادر مؤمنش حاجتی

1- ثواب الأعمال، ص 175 و 176.

2- قرب الإسناد، ص 231، ح 1171.

3- ثواب الأعمال، ص 206.

4- خصال، ج 1، ص 151، ح 137؛ بحارالأنوار، ج 74، ص 356، ح 2.

5- كافى، ج 2، ص 194، ح 7؛ ثواب الأعمال، ص 223.

نزد وی آورَد وقادر بر برآوردن حاجت او نباشد وبرای مشکل وی غمگین شود، خداوند به خاطر این غم (وهمدلی) بهشت را بر او واجب می کند». (1)

مجازات اجابت نکردن درخواست مؤمنان

1. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس برادر مؤمنش برای حاجتی نزد وی آید، رحمتی است که خدا به سوی بنده اش فرستاده است. اگر قبول کرد ودر پی انجام دادن خواست او رفت، دوستی او به دوستی ما پیوند خورده ودوستی ما به دوستی خداوند متّصل است. وچنانچه قادر بر انجام دادن خواست وی باشد واو را رد کند، خداوند در عالم قبر ماری آتشین بر او مسلّط می کند که تا روز قیامت او را بگزد، خواه در روز قیامت خداوند او را بیامرزد یا عذاب کند». (2)

2. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر مسلمانی که مسلمان دیگری برای حاجتی نزد وی آید واو قادر بر انجام دادن خواست وی باشد وآن را انجام ندهد، خداوند در روز قیامت او را سرزنش کرده وبه وی می گوید: برادر تو برای حاجتی نزد تو آمد ومن به تو توانایی دادم که خواست وی را انجام دهی، ولی تو آن را برآورده نکردی، چون ثواب آن را نخواستی. به عزّتم سوگند که در هیچ حاجتی نظر رحمت به سوی تو نمی کنم، خواه تو را بیامرزم یا عذاب کنم». (3)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «هر مؤمنی که از مؤمن دیگر چیزی را که به آن محتاج است منع کند واو قادر است که آن را از خود یا دیگران به او برساند،

1- کافی، ج 2، ص 196، ح 14.

2- کافی، ج 2، ص 367، ح 4.

3- امالی طوسی، ج 1، ص 96.

خداوند متعال او را با روی سیاه ودیدگانی کبود ودستانی با زنجیر در گردن بازداشت کرده وفرماید: «این خائنی است که به خدا ورسول خدا خیانت کرده است». سپس دستور دهد که او را به جهنّم ببرند». (1)

چگونگی رفتار با مردم

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام سجّاد علیه السلام فرمود: «آن گاه که می خواهی به هر کدام از مسلمانان ستم یا نفرین کنی، یا عیبشان را آشکار سازی، آنان را به منزله اهل ونزدیکانت قرار ده، پیرانشان را همچون پدر، کودکانشان را مانند فرزند وآنها که هم سنّ تو هستند به منزله برادر خود بدان. وهرگاه شیطان خواست تو را بفریبد که خود را بهتر از دیگران بدانی، اگر کسی را ببینی که بزرگ تر از تو است بگو: «او در ایمان وکارهای شایسته بر من پیشی گرفته، پس از من بهتر است» واگر کوچک تر از تو است بگو: «من بیشتر از او گناه کرده ام، پس او از من بهتر است» واگر همسان تو است بگو: «به گناهان وخطاهای خود یقین دارم ودر مورد گناهان او تردید دارم؛ چرا یقین خود را رها کرده وشک را بگیرم» وهرگاه مشاهده کردی که مردم تو را تعظیم وتکریم می کنند، بگو: «از خوبی مردم است که به محاسن آداب عمل می کنند» واگر از تو دوری می کنند وحرمت تو را نگاه نمی دارند، بگو: «این گناهی است که من کرده ام» اگر چنین رفتار کنی زندگی بر تو آسان ودوستان تو فراوان ودشمنان تو اندک می شوند. واز نیکی وخوبی آنها شادمان واز بدی وناراحتی آنها دلتنگ وغمگین می شوی. بدان که گرامی ترین مردم کسی است که خیرش به آنها برسد واز مردم بی نیاز باشد واز آنها تقاضا نکند. وبعد از آن، گرامی ترین مردم کسی است که نیازمند باشد ودرخواست نکند، چرا که اهل دنیا غالباً در پی مال هستند. هر کس با آنها در

1- محاسن، ص 100، ح 71؛ ثواب الأعمال، ص 286.

مورد مال مزاحمتی نداشته باشد نزد آنها عزیز است. وهر کس مزاحمت ندارد واز مال خود هم به آنها کمک کند، عزیزتر وگرامی تر است». (1)

2. در حدیث است که حضرت عیسی علیه السلام به یکی از یارانش فرمود: «آنچه دوست نداری با تو رفتار کنند با هیچ کس انجام نده». (2)

شاد کردن دیگران

اهمیّت شاد کردن مؤمن

1. در حدیثی صحیح ومعتبر می خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس مؤمنی را شاد کند مرا شاد کرده وهر که مرا شاد گرداند، خداوند را خشنود

کرده است». (3)

2. در روایتی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «تبسّم کردن به روی برادر مؤمن وغبار از صورتش گرفتن، حسنه است. وخداوند هیچ عبادتی را بیشتر از شاد کردن مؤمن دوست نمی دارد». (4)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که مؤمنی را شاد گرداند او را شاد نکرده، بلکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله را شاد گردانیده است». (5)

پاداش شاد کردن مؤمنان

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس مؤمنی را شاد کند، خداوند متعال هزار هزار حسنه برای او می نویسد». (6)

1- احتجاج، ج 2، ص 158 و159.

2- امالی صدوق، ص 366، ح 12.

3- کافی، ج 2، ص 188، ح 1.

4- کافی، ج 2، ص 188، ح 2.

5- کافی، ج 2، ص 189، ح 6.

6- کافی، ج 2، ص 192، ح 13.

2. در حدیثی دیگر فرمود: «خداوند متعال به حضرت داوود علیه السلام وحی کرد که هرگاه بنده ای از بندگانم حسنه ای نزد من آورَد، بهشت را بر او مباح می کنم. حضرت داوود علیه السلام پرسید: کدام حسنه؟ خداوند فرمود: قلب بنده مؤمن مرا شاد کند، هر چند دانه خرمایی به او هدیه کند. حضرت داوود علیه السلام به خداوند عرض کرد: کسی که تو را بشناسد سزاوار نیست که از تو قطع امید کند». (1)

3. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که: «خداوند متعال خطاب به حضرت موسی علیه السلام فرمود: «بندگانی دارم که بهشت را برای آنها ارزانی داشته وآنان را حاکم بر بهشت می گردانم». عرض کرد: آنان چه کسانی هستند؟ فرمود: «کسی که قلب مؤمنی را شاد گرداند». سپس حضرت موسی علیه السلام فرمود: مؤمنی در کشور پادشاهی جبّار زندگی می کرد پادشاه در پی آزار واذیّت آن مؤمن بود که از دست پادشاه گریخت وبه سرزمین کفّار رفت وبه کافری پناه برد. مرد کافر به او جای داد وبا او مهربانی کرد واز وی پذیرایی کرد. هنگامی که مرگ آن کافر فرا رسید خداوند متعال به او وحی کرد: «به عزّت وجلالم سوگند که اگر برای تو در بهشت جایی بود حتماً تو را به بهشت می بردم، ولی بهشت بر کسی که کافر بمیرد حرام است». سپس به آتش جهنّم خطاب کرد: «او را بترسان، ولی نسوزان» ودستور داد که در اوّل وآخر هر روز برای او روزی ببرند». (2)

4. در احادیث معتبر می خوانیم که حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که مؤمن از قبر خارج می شود شخصی همراه اوست وبه او می گوید: «از جانب خداوند به تو به کرامت وخوشحالی بشارت باد!» مؤمن به او می گوید: «خداوند به تو بشارت به نیکی دهد» آن شخص همواره همراه مؤمن هست وبه هر خطری که می رسند به او می گوید: «این از آنِ تو نیست» وبه هر نیکی گذر کنند می گوید :

1- كافى، ج 2، ص 189، ح 5؛ ثواب الأعمال، ص 163.

2- كافى، ج 2، ص 188، ح 3.

«این از آنِ تو است» وپیوسته چنین بشارت هایی به وی می دهد تا آنکه به جایگاه حساب وکتاب می رسد وهنگامی که راهی بهشت می شود به او می گوید : «بشارت باد تو را که خداوند دستور داد تو را به بهشت ببرند» مؤمن می پرسد: «تو کیستی که از قبر تا اینجا مرا بشارت دادی ومونس من بودی واز جانب خداوند به من خبر می دادی؟ آن شخص می گوید: «من آن شادی هستم که در دل فلان برادر مؤمن خود ایجاد کردی، خداوند در دنیا مرا از آن شادی آفرید که بشارت دهنده تو ومونس تنهایی تو باشم». (1)

دیدار مؤمن وعیادت از بیماران

دیدار مؤمن

اهمیّت دیدار مؤمن

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس برای دیدن برادر مؤمن خود به خانه او برود، خداوند متعال خطاب به او می گوید: تو مهمان من هستی وبه زیارت من آمده ای وحقّ میهمانی تو بر من آن است که چون برادر مؤمن خود را دوست داشتی بهشت را بر تو واجب کنم». (2)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال برای مؤمنی که به قصد دیدار برادر مؤمن خود بیرون رود، به فرشته ای مأموریّت می دهد که یک بالش را بر زمین بگذارد وبا بال دیگرش سایه ای بر سرش بیفکند. وهنگامی که وارد خانه آن مؤمن شود، خداوند جبّار ندا می کند: ای بنده ای که حقّ مرا بزرگ شمردی واز آثار پیامبر من پیروی

کردی، بر من لازم است که تو را تعظیم وتکریم کنم. از من درخواست کن تا به تو عطا کنم ومرا بخوان تا دعایت را

1- کافی، ج 2، ص 191، ح 10.

2- کافی، ج 2، ص 177، ح 6.

اجابت نمایم. اگر بخواهی ساکت باش تا من (بدون درخواست تو) ابتدا به رحمت کنم. هنگامی که از خانه مؤمن بازگردد همان فرشته او را بدرقه می کند وبال خودرابرسراومی گیرد تا به خانه اش بازگردد. سپس خداوند متعال خطاب به وی می گوید: ای بنده من، حقّ مرا بزرگ شمردی، لازم است تو را گرامی بدارم. بهشت را بر تو واجب کرده ومقام شفاعت بندگانم را به تو عطا کردم». (1)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس قادر نباشد بر ما احسان کند بر صالحان وشیعیان ما احسان کند، تا ثواب احسان بر ما در نامه اعمالش نوشته شود. وهر کس قدرت بر زیارت ما نداشته باشد به دیدار صالحان از شیعیان ما برود، تا ثواب دیدن ما برای او نوشته شود». (2)

پاداش دیدار مؤمن

1. در روایاتی معتبر می خوانیم که امام باقر وامام صادق علیهما السلام فرمودند: «هر کس به خاطر رضای خدا به دیدن برادر مؤمن خود برود، خداوند متعال به هفتاد هزار فرشته مأموریّت دهد تا هنگام بازگشت به خانه اش به وی گویند: خوشا به حال تو، بهشت گوارایت باد». (3)

2. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «جبرئیل به من گفت:خداوندفرشته ای رابه زمین فرستاد،آن ملک به مردی رسیدکه بردر خانه ای ایستاده بود واز صاحب خانه اجازه می گرفت تا وارد خانه شود. ملک پرسید: با صاحب این خانه چه کار داری؟ گفت: برادر مسلمان من است، برای رضای خدا به دیدنش آمده ام. فرشته پرسید: هیچ انگیزه دیگری جز دیدار او نداری؟ گفت :

1- کافی، ج 2، ص 178، ح 12.

2- ثواب الأعمال، ص 124.

3- کافی، ج 2، ص 175، باب زیاره الإخوان، ح 1.

نه. ملک گفت: من رسول پروردگار به سوی تو هستم. خداوند تو را سلام می رساند ومی گوید: بهشت را بر تو واجب کردم. خداوند فرماید: هر مسلمانی که به دیدن مسلمان رود، گویا به زیارت من آمده وثوابش بهشت است». (1)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دیدار برادر مؤمن به قصد قربت، بهتر از آزاد کردن ده برده است. وهر کس بنده مؤمنی را آزاد کند، خداوند متعال در مقابل هر عضوی از اعضای آن برده، عضوی از اعضای او را از آتش جهنّم آزاد می کند». (2)

4. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام به داوود بن سرحان فرمود : «به شیعیانم از سوی من سلام برسان وبگو: خداوند رحمت کند بنده ای را که با دیگری بنشیند واز احادیث ما یاد کند که نفر سوم آنها فرشته ای است که از برای آنها استغفار می کند». (3)

5. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خوشا به حال آنان که به خاطر رضای خدا با یکدیگر دوستی کنند، زیرا خداوند متعال در بهشت ستونی از یاقوت سرخ خلق کرده که بر آن ستون هفتاد هزار قصر است ودر هر قصری هفتاد هزار غرفه که خداوند آنها را برای کسانی که با یکدیگر دوستی کرده وبرای رضای خدا به دیدار یکدیگر می روند آفریده است». (4)

آثار دیدار مؤمن

1. در روایتی می خوانیم که امام صادق علیه السلام به داوود بن سرحان فرمود: «با همنشینی وگفت وگو، مذهب ودین ما برایتان زنده می شود. بهترین مردم بعد از

1- کافی، ج 2، ص 176، ح 2.

2- کافی، ج 2، ص 178، ح 13.

3- بشاره المصطفی، ص 110؛ بحارالأنوار، ج 1، ص 200، ح 8.

4- خصال، ج 2، ص 435، ح 12؛ بحارالأنوار، ج 18، ص 83، ح 1.

ما کسی است که ما را یاد کند ودر مورد احادیث ما گفت وگو کند». (1)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در خانه های یکدیگر به دیدن هم بروید که دین ما به این کار زنده می ماند. خداوند رحمت کند کسی که مذهب ما را زنده نگه می دارد». (2)

عیادت بیماران

اعلان بیماری واجازه ملاقات

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که بیمار شود سزاوار است به برادران مؤمن خویش اعلان کند تا به عیادت او آیند، چرا که عیادت کنندگان ثواب می برند وبیمار نیز به سبب خبردار کردن آنها ثواب می بَرد؛ با این کار ده حسنه برایش نوشته وده گناه از نامه اعمالش محو وده درجه بر درجاتش افزوده می شود». (3)

2. در حدیثی صحیح ومعتبر می خوانیم که امام کاظم علیه السلام فرمود: «شخص بیمار به مردم اجازه دهد که به عیادت او بیایند (وبرای او دعا کنند)، زیرا هیچ کس نیست مگر اینکه دعایی مستجاب دارد». (4)

آداب عیادت از بیمار

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در درد (بیماری های) چشم عیادت نیست. ودر روزهای نخست باید سه روز پی در پی به عیادت بیمار رفت، پس از آن یک روز در میان واگر بیماری طولانی شد عیادت

1- بحارالأنوار، ج 74، ص 354، ح 31.

2- خصال، ج 1، ص 74، ح 72؛ بحارالأنوار، ج 2، ص 144، ح 6.

3- کافی، ج 3، ص 117، ح 1.

4- کافی، ج 3، ص 117، ح 2.

(پی در پی) لازم نیست». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هنگامی که به عیادت بیمار می روید (هدیه ای مانند) سیب، یا بِه، یا ترنج، یا بوی خوش، یا عود همراه خود ببرید که بیمار با آن آرامش می یابد». (2)

3. در روایتی دیگر فرمود: «عیادت کامل آن است که به هنگام دعا کردن برای بیمار، دست بر دستش بگذاری وزود از نزد او برخیزی که عیادت احمقان (که بسیار مزاحم بیمار می شوند) برای بیمار از تحمّل درد دشوارتر است». (3)

4. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «عیادت کننده ای که زودتر برخیزد ثوابش بیشتر است، مگر آنکه بیمار تقاضای نشستن او را کند». (4)

5. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که به عیادت برادر مؤمن خود می رود از بیمار بخواهد که برای او دعا کند که دعای او مانند دعای فرشتگان است». (5)

پاداش عیادت از بیمار

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس به عیادت بیمار مسلمانی برود، در آن روز هفتاد هزار فرشته بر او صلوات می فرستند، اگر صبح باشد تا شام واگر شام باشد تا صبح». (6)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس از بیماری عیادت کند، هفتاد هزار ملک او

1- کافی، ج 3، ص 117، ح 1.

2- کافی، ج 3، ص 118، ح 3؛ مکارم الأخلاق، ص 361.

3- كافى، ج 3، ص 118، ح 4؛ مكارم الأخلاق، ص 360.
4- كافى، ج 3، ص 118، ح 6؛ مكارم الأخلاق، ص 360.
5- مكارم الأخلاق، ص 361.
6- كافى، ج 3، ص 121، ح 8.

را مشایعت کرده وتا به خانه برگردد برایش استغفار می کنند». (1)

3. از حضرت باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به عیادت مؤمنی برود در رحمت الهی فرو رود، هنگامی که نزد او بنشیند رحمت خداوند او را احاطه کند وهنگامی که بازگردد خداوند متعال به هفتاد هزار فرشته مأموریّت می دهد که برای او طلب آمرزش کرده وبر وی رحمت فرستند وبه او بگویند : خوشا به حال تو! بهشت گوارایت باد تا روز دیگر در چنین وقتی. وخداوند مکانی از بهشت را به او عطا می کند که سوارکار چهل سال در آن بتازد (تا به انتهای آن برسد)». (2)

4. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر مؤمنی که به عیادت بیمار مؤمنی رود، خداوند متعال به فرشته ای مأموریّت می دهد که در قبر به دیدار وی رود وتا قیامت برایش استغفار کند». (3)

5. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس از بیمار عیادت کند، خداوند هفتاد هزار ملک را مأمور می سازد که همواره به خانه او رفت وآمد کرده ودر آن خانه تا قیامت، تسبیح وتکبیر وتهلیل وتقدیس الهی به جا آورند ونصف ثواب فرشتگان برای او باشد». (4)

اطعام کردن و سیراب کردن، پوشانیدن ودیگر کمک ها به مؤمنان

اطعام کردن مؤمنان

اهمّیّت اطعام کردن

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کسی که سیر بخوابد

1- كافى، ج 3، ص 120، ح 2.
2- كافى، ج 3، ص 120، ح 3.
3- كافى، ج 3، ص 120، ح 4.
4- كافى، ج 3، ص 120، ح 5.

در حالی که برادر مسلمانش گرسنه است، به من ایمان نیاورده است». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «بهترین اعمال نزد خداوند متعال سه چیز است : سیر کردن شکم مسلمان گرسنه، پرداخت بدهی مسلمان، برداشتن غمی از

دل او». (2)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هیچ یک از مخلوقات پروردگار ثواب سیر کردن شکم مؤمن را نمی داند، نه ملک مقرّب ونه پیامبر مرسل، بلکه فقط پروردگار جهانیان ثواب آن را می داند». (3)

پاداش های دنیوی اطعام کردن

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خیر وبرکت در خانه ای که در آن اطعام می شود از فرو رفتن کارد به کوهان شتر، سریع تر

وارد می شود». (4)

2. در روایتی آمده است: هر کس برادر مؤمن خود را برای رضای خدا اطعام کند، گویا صد هزار تن از دیگر انسان ها را غذا داده است. (5)

3. در حدیثی می خوانیم که امام صادق علیه السلام خطاب به سدیر صرّاف فرمود : «چرا هر روز یک برده آزاد نمی کنی؟» عرض کرد: توانایی مالی ندارم. حضرت فرمود: «برای تحصیل این ثواب کافی است روزی یک مسلمان را سیر کنی». عرض کرد: مسلمان فقیر یا مالدار؟ فرمود: (تفاوتی نمی کند) «مالدار هم گاه نیازمند غذاست». (6)

1- محاسن، ص 98، ذیل حدیث 62.

2- محاسن، ص 294، ح 457.

3- کافی، ج 2، ص 201، ح 6.

4- محاسن، ص 390، ح 25.

5- کافی، ج 2، ص 202، ح 11.

6- کافی، ج 2، ص 202، ح 12.

4. در حدیثی دیگر فرمود: «غذایی که برادر مسلمان نزد من بخورد، از آزاد کردن یک بنده برای من بهتر است». (1)

5. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس مؤمن ثروتمندی را غذا دهد، گویی یک برده از فرزندان حضرت اسماعیل را از مرگ نجات داده است. وهر کس مؤمن نیازمندی را طعام دهد، گویی صد برده از فرزندان حضرت اسماعیل را از مرگ نجات داده است». (2)

پاداش های اُخروی اطعام کردن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس مؤمنی را سیر کند، بهشت بر او واجب می شود وهر کس کافر(ی را که با مسلمانان دشمنی دارد) سیر کند، بر خداوند لازم است شکم او را از زقّوم جهنّم پر کند». (3)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس سه تن مسلمان را سیر کند، خداوند متعال به او از سه قسمت بهشت غذا می دهد: جنّه الفردوس، جنّه العدن، وجنّه طوبی». (4)

3. نیز در روایتی فرمود: «از جمله چیزهایی که آمرزش الهی را واجب می گرداند، غذا دادن به مسلمان گرسنه است». (5)

مجازات ترک اطعام کردن

از زین العابدین امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس سیر

1- کافی، ج 2، ص 203، ح 13.

2- کافی، ج 2، ص 203، ح 19.

3- كافى، ج 2، ص 200، ح 1.

4- كافى، ج 2، ص 200، ح 3.

5- كافى، ج 2، ص 201، ح 6.

بخوابد ومؤمن گرسنه ای نزدیک او باشد، خداوند متعال به فرشتگان گوید: شما رابراین بنده گواه می گیرم که من به او امری کردم ونافرمانی کرد واطاعت دیگران نمود. بدانید که او را به سبب عمل خودش رها کردم وهرگز او را نمی بخشم». (1)

سیراب کردن

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس مسلمان تشنه ای را در جایی که آب باشد سیراب کند، خداوند متعال در مقابل هر جرعه ای هفتاد هزار حسنه به وی خواهد داد. واگر در جایی که آب کمیاب باشد سیرابش کند، گویی ده برده از فرزندان اسماعیل را آزاد کرده است». (2)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چهار عمل است که هر کس یکی از آنها را به جا آورَد وارد بهشت می شود: سیراب کردن تشنه، سیر کردن شکم گرسنه، پوشانیدن بدن عریان، آزاد کردن برده ای که در سختی ومشقّت است». (3)

پوشانیدن برهنه وسکنی دادن بی خانمان ها

1. از زین العابدین امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس لباس اضافه ای داشته باشد وبداند که برادر مؤمنش به آن نیاز دارد وبه وی ندهد، خداوند متعال او را در آتش جهنّم سرنگون خواهد کرد». (4)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس خانه ای داشته باشد ومؤمنی به آن نیاز داشته باشد وصاحب خانه راضی نشود که از خانه اش استفاده

1- محاسن، ص 97، ح 62.

2- کافی، ج 2، ص 201، ح 7.

3- محاسن، ص 294، ح 456.

4- محاسن، ص 98، ح 63.

کند، خداوند متعال فرماید: بنده من به سکونت بنده دیگر من در خانه اش بخل ورزید. به عزّتم سوگند که هرگز او را در بهشت سکونت نخواهم داد». (1)

برطرف کردن مانع سر راه مردم

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس از سر راه مسلمانان چیزی که مزاحم عبور ومرور آنهاست بردارد، خداوند متعال ثواب خواندن چهارصد آیه قرآن برای او بنویسد». (2)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «(گاه) بنده ای از بندگان خدا با برداشتن یک خار از سر راه مسلمانان به بهشت می رود». (3)

هدیه دادن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هدیه فرستادن قبل از آنکه نیازمند حاجت خود را بگوید، کار بسیار خوب ونیکویی است». (4)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «برای یکدیگر هدیه بفرستید که کینه ها را از سینه ها زایل می کند». (5)

3. در روایتی دیگر فرمود: «ظرف های هدیه را بازگردانید تا هدیه دادن ادامه داشته باشد». (6)

4. نیز در حدیثی فرمود: «هدیه بر سه قسم است: هدیه ای که در برابرش توقّع

1- محاسن، ص 101، ح 75؛ کافی، ج 2، ص 367، ح 3.

2- مستدرک الوسائل، ج 12، ص 384، باب 19، ح 2.

3- امالی طوسی، ج 1، ص 186.

4- خصال، ج 1، ص 77، ح 92؛ بحارالأنوار، ج 75، ص 44.

5- خصال، ج 1، ص 77، ذیل حدیث 92؛ بحارالأنوار، ج 75، ص 44.

6- امالی طوسی، ج 1، ص 310.

داشته باشی وهدیه ای که به عنوان رشوه بدهی وهدیه ای که برای رضای خدا وبدون چشمداشت بدهی». (1)

حقوق فقرا،ضعفا،مظلومان،پیران،دوستان وآداب معاشرت با آنان

فقرا ونیازمندان

حقیقت فقر

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «فقر ونداری امانتی است از سوی خدا، هر کس آن را پنهان کند خداوند متعال به او ثواب کسی را می دهد که روزها روزه باشد وشب ها به نماز ایستد وهر کس آن را نزد کسی که قادر بر برآوردن حاجت ونیازش باشد اظهار کند وشخص توانگر حاجتش را برآورده نکند، در حقیقت آن فقیر را به قتل رسانده است؛ البتّه نه با شمشیر ونیزه، بلکه بر اثر جراحتی که بر قلب او وارد کرده است». (2)

طرز رفتار با نیازمندان

شخص ثروتمندی که لباس های پاکیزه (وگران قیمتی) پوشیده بود نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد ونشست. سپس مرد نیازمندی که لباس هایی مندرس وکهنه بر تن داشت خدمت آن حضرت رسید وکنار مرد ثروتمند نشست. آن شخص لباس خود را از زیر پای فقیر بیرون کشید. حضرت رسول صلی الله علیه و آله (که متوجّه رفتار زشت مرد ثروتمند شد) فرمود: «ترسیدی چیزی از فقر او دامنگیر تو شود؟» عرض کرد: نه. فرمود: «ترسیدی از ثروت تو چیزی به او برسد؟» عرض کرد: نه. فرمود:

«ترسیدی لباس هایت چرکین شود؟» عرض کرد: نه. فرمود: «چرا چنین کردی؟» عرض کرد: ای رسول خدا، همنشین بدی از نفس

1- خصال، ج 1، ص 114، ح 22؛ بحارالأنوار، ج 75، ص 45، ح 2.

2- کافی، ج 2، ص 260، ح 3.

وشیطان دارم که کارهای بد را نزد من تزیین کرده وکارهای نیک را بد جلوه می دهد. اکنون برای جبران این خطا نصف اموالم را به این مرد می بخشم. حضرت خطاب به فقیر فرمود: «قبول می کنی؟» عرض کرد: نه. مرد ثروتمند گفت: چرا؟ فقیر گفت: می ترسم مثل تو شوم. (1)

وضعیّت فقرا در جهان آخرت

1. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «مؤمنان فقیر (2) چهل

سال زودتر از ثروتمندان مؤمن از نعمت های بهشتی استفاده می کنند» سپس فرمود: «مثَل فقیر وغنی مثَل دو کشتی است که به عشاری (مأمور أخذ عوارض) بگذرند. کشتی خالی را زود روانه می کنند وکشتی پربار را برای حسابرسی

نگاه می دارند». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند در روز قیامت همانند کسی که پوزش می طلبد، به فقیران می فرماید: به عزّت وجلالم سوگند که شما را در دنیا برای خواری وذلّت فقیر نکردم وامروز خواهید دید که با شما چه خواهم کرد. هر کس در دنیا به شما نیکی کرده، دستش را بگیرید ووارد بهشت کنید. فقیری گوید: خدایا، اهل دنیا در دنیا زنان خوشرو وزیبا داشتند ولباس های نرم وفاخر می پوشیدند وغذاهای لذیذ می خوردند ودر خانه های خوب ساکن می شدند وبر مرکب های نفیس وراهوار سوار می شدند، پس امروز به ما نیز مانند آنان عطا فرما. خداوند می فرماید: به هر یک از شما همانند هفتاد برابر آنچه به جمیع اهل دنیا از اوّل دنیا تا آخر دنیا داده ام، می دهم». (4)

1- کافی، ج 2، ص 262، ح 11.

2- منظور از فقیر در این روایات کسی است که زندگی ساده ودور از زرق وبرق دارد.

3- کافی، ج 2، ص 260، ح 1.

4- کافی، ج 2، ص 261، ح 9.

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «روز قیامت گروهی از مردم به سوی بهشت حرکت می کنند. ملائکه به آنها می گویند: کیستید؟ گویند : فقرا هستیم. گویند: دوست دارید پیش از حساب وکتاب به بهشت بروید؟ جواب می دهند: چیزی به ما نداده اید که ما را بر آن حساب کنید. خداوند متعال فرماید: راست می گویید به بهشت بروید». (1)

4. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اغنیا را به سبب گرامی بودنشان نزد من، توانگر نگردانیدم وفقیران را به سبب خواریشان نزد من، بی چیز نکردم بلکه توانگران را با فقیران امتحان کرده ام واگر فقیران نبودند توانگران هرگز مستوجب بهشت نمی شدند». (2)

پاداش صبر بر فقر ومجازات بی حرمتی به نیازمندان

1. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به مردی فقیر فرمود: «آیا اتّفاق می افتد که به بازار بروی ومیوه وچیزهای ارزشمند ببینی وقادر بر خریدن آن نباشی؟» عرض کرد: آری. حضرت فرمود: «هر چیزی که ببینی وقدرت بر خرید آن نداشته باشی حسنه ای برای تو نوشته می شود». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس مؤمنی را به سبب فقر ونیازش حقیر وذلیل بشمرد، خداوند او را در حضور همه مخلوقات در روز قیامت رسوا می کند». (4)

1- کافی، ج 2، ص 264، ح 19.

2- کافی، ج 2، ص 264، ح 20.

3- کافی، ج 2، ص 264، ح 17.

4- کافی، ج 2، ص 353، ح 9.

بنده مؤمن

مقام مؤمن

1. در روایتی صحیح ومعتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند می فرماید: هر که بنده مؤمن مرا آزار دهد، با من اعلان جنگ کرده است. وهر که بنده مؤمن مرا گرامی بدارد، از خشم من در امان است. واگر در میان شرق وغرب عالم جز یک مؤمن همراه با امام عادلی نباشد، عبادتشان برای (هدف من از آفرینش) کافی است. وبی شک هفت آسمان وزمین به خاطر آنها برپاست وبه سبب ایمانشان اُنسی برای آنها قرار دهم که محتاج به مونس دیگر نباشند». (1)

2. در احادیث معتبر آمده است که: «خداوند متعال فرمود: هر کس دوستی از دوستان مرا خوار گرداند، گویی در برابر من به جنگ ایستاده است. ومن دوستان خود را بسیار زود یاری می کنم». (2)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس مؤمنی را ذلیل کند، خداوند او را خوار کند». (3)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «ذلیل ترین مردم کسی است که مردم را خوار کند». (4)

5. در روایتی دیگر فرمود: «خداوند متعال مؤمن را از عظمت وجلال وقدرت خود آفریده، پس هر کس بر او طعنه زند، یا سخنش را رد کند، گویی سخن خدا را رد کرده است». (5)

1- کافی، ج 2، ص 350، ح 1.

2- کافی، ج 2، ص 351، ح 5.

3- امالی طوسی، ج 1، ص 185.

4- معانی الأخبار، ص 195؛ امالی صدوق، ص 21.

5- امالی طوسی، ج 1، ص 312.

6. نیز در حدیثی فرمود: «چه بسا ژولیده موی غبارآلوده ای که دو لباس کهنه پوشیده، اگر بر خدا قسم دهد قسمش را رد نکند». (1)

چرا مؤمن را مؤمن گویند

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «مؤمن را ازآن رو مؤمن گویند که مردم از نظر جان ومال خود از او درامانند. ومسلمان کسی است که مردم از دست وزبانش در امان باشند. ومهاجر کسی است که از گناهان، هجرت ودوری کند». (2)

ترسانیدن مسلمان ودشنام دادن مؤمن

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «جایز نیست مسلمانی مسلمان دیگری را بترساند». (3)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «دشنام دادن مؤمن، گناهی بزرگ وجنگ با او کفر وغیبت کردن او، نافرمانی خداست». (4)

مجازات تحقیر کردن مؤمن

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ضعیفان را برادران مؤمن خود بدانید وآنها را حقیر نشمارید که هر کس مؤمنی را حقیر بشمرد، خداوند او را با آن مؤمن در بهشت جمع نکند، مگر آنکه توبه کند». (5)

1- امالی طوسی، ج 2، ص 44.

2- بحارالأنوار، ج 75، ص 148، ح 2.

3- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 70، ح 327.

4- كافى، ج 2، ص 359، ح 2.

5- خصال، ج 2، ص 405؛ بحارالأنوار، ج 10، ص 93.

2. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که مردم را مسخره کند، امیدی به محبّت آنها نداشته باشد». (1)

3. نیز در حدیثی فرمود: «مؤمن فقیر را حقیر نشمارید، چرا که هر کس مؤمن فقیری را حقیر بشمرد یا او را استخفاف کند، خداوند وی را حقیر می شمارد وپیوسته با او در غضب باشد تا توبه کند». (2)

مجازات آزار دادن مؤمن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به آزار مؤمنی کمک کند، در روز قیامت جمله «ناامید از رحمت الهی» بر پیشانی اش نوشته شود». (3)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس به مؤمنی دست بزند که او را به سبب آن ذلیل کند، یا سیلی بر صورت او بزند، یا چیزی که ناپسند است نسبت به او انجام دهد، ملائکه پیوسته او را نفرین کنند، تا او را راضی واز کارش توبه کند؛ بنابراین، در آزار وایذاءِ مردم عجله نکنید که شاید او مؤمن باشد وشما ندانسته مؤمنی را آزار کرده باشید. وصبر ومدارا را پیشه خود کنید که هیچ چیز نزد خدا بهتر از نرمی ومدارا نیست». (4)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس سیلی بر صورت مسلمانی بزند، خداوند در روز قیامت استخوان هایش را از هم بپاشد ودست بر گردن در حالی که در زنجیر باشد محشور شود تا وارد جهنّم شود، مگر آنکه توبه کند». (5)

4. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس مؤمنی را از

1- خصال، ج 2، ص 201، ح 14؛ بحارالأنوار، ج 75، ص 67، ح 4.

2- ثواب الأعمال، ص 299.

3- محاسن، ص 103، ح 80؛ کافی، ج 2، ص 368، ح 3.

4- علل الشرایع، ج 2، ص 523، باب 300، ح 2.

5- امالی صدوق، ص 430.

مردی که صاحب نفوذ است بترساند که وی به او آزار می رساند ولی آن مرد آزاری نرساند، در آتش است واگر او را بترساند وآزاری به او برساند، با فرعون وخاندان فرعون در آتش دوزخ باشد». (1)

5. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «به حقّ خداوندی که جانم در قبضه قدرت اوست، اگر اهل آسمان ها وزمین همگی بر قتل مؤمنی عزم خود را جزم کنند، یا راضی به کشته شدن او شوند، خداوند همه آنان را وارد جهنّم می کند. وبه حقّ خداوندی که جانم به دست اوست، هیچ کس دیگری را به ناحق تازیانه نمی زند مگر آنکه در جهنّم مثل آن تازیانه را می خورد. (2) وهر کس

نگاه کند به مؤمنی وبا آن نگاه او را بترساند، خداوند در روزی که به جز او پناهی نباشد، او را به صورت مورچه ای محشور گرداند». (3)

6. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام نگاه کردن به مؤمن به او طعنه زند، سزاوار بدترین مردن هاست وعاقبتش به خیر نباشد». (4)

7. در حدیثی دیگر فرمود: «لعنتی که از دهان شخصی خارج می شود معلّق وسرگردان است. اگر مستحقّش را پیدا کند آنجا قرار می گیرد، وگرنه به گوینده اش بازمی گردد». (5)

مجازات ترک کردن یاری مؤمن

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه ظالمی کسی را بزند، یا بکشد، یا بر او ستم کند، اگر نمی توانید به او کمک کنید، کسی از شما در آن مکان

1- کافی، ج 2، ص 368، ح 2.

2- امالى مفيد، ص 216، ح 3.

3- جامع الأخبار، ص 147.

4- كافى، ج 2، ص 361، ح 9.

5- كافى، ج 2، ص 360، ح 7.

حاضر نشود زیرا یاری مؤمن بر مؤمنی که حضور دارد واجب است». (1)

2. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر مؤمنی که برادر مؤمن خود را یاری نکند، در حالی که بر یاری وی توانایی دارد، خداوند در دنیا وآخرت او را یاری نکند». (2)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «شخصی از نیکان وخوبان را در قبرش نشاندند وبه او گفتند: صد تازیانه از عذاب بر تو می زنیم. گفت: طاقت ندارم. پس یکی کم کردند. گفت طاقت ندارم. یکی یکی کم کردند تا به یک تازیانه رسید. گفت طاقت ندارم. گفتند: چاره ای نیست. پرسید به چه علّت این تازیانه را بر من می زنید؟ گفتند: به این سبب که روزی بی وضو نماز خواندی وبر ضعیفی که بر او ظلم می شد گذشتی ویاریش نکردی. سپس تازیانه ای از عذاب خدا بر او نواختند که قبرش پر از آتش شد». (3)

پاداش گرامی داشتن مؤمن

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس برادر مؤمن خود را از روی لطف به یک کلمه گرامی بدارد، یا حاجت او را برآورَد، یا غمی از غم های او را برطرف کند، تا زمانی که در حال کمک ومهربانی به برادر مؤمن خود باشد رحمت الهی بر سر او سایه اندازد». (4)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال در روز قیامت به چهار گروه نظر رحمت می افکند: فروشنده ای که به هنگام پشیمانی مشتری حاضر به فسخ معامله ودریافت جنس وبازگرداندن پول او شود. کسی

1- قرب الإسناد، ص 61، ح 171.

2- محاسن، ص 99، ح 66؛ امالى صدوق، ص 485، ح 16.

3- ثواب الأعمال، ص 267.

4- بحارالأنوار، ج 74، ص 299، ح 34.

که به فریاد مضطرّی برسد. کسی که برده ای را آزاد کند. کسی که شخص مجرّدی را روانه خانه بخت سازد». (1)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال برای کسی که به فریاد برادر مؤمن خود برسد واو را از ورطه غم یا اندوهی بیرون آورَد، ده حسنه می نویسد وده درجه بر درجاتش می افزاید وثواب آزادی ده برده را به وی کرامت می فرماید وده عذاب را از او برمی دارد وشفاعت ده تن را برای او در قیامت آماده می سازد». (2)

4. از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس بیچاره ای را در راهی ببیند که بارش افتاده وکسی به او کمک نمی کند، به فریاد او برسد واو را بر مرکب خود سوار کند وبارش را از زمین بردارد، خداوند متعال خطاب به وی فرماید: خود را به مشقّت انداختی ونهایت کوشش را در فریادرسی برادر مؤمن خود به کار بستی، پس عدّه ای از فرشتگان را که عددشان بیش از تمام انسان ها از اوّل دنیا تا آخر دنیا باشد وهر کدام از آنها چندان قوی است که برداشتن آسمان ها وزمین ها برایش آسان باشد، مأمور می کنم که در بهشت برای تو قصرها وخانه هایی بسازند ودرجاتی بر درجاتت بیفزایند وهنگامی که وارد بهشت شوی از پادشاهان بهشت باشی. وهر که ضرر ظالمی را از مظلومی برطرف کند که می خواست به بدن یا مال او ضرر برساند، خداوند متعال به تعداد هر سخنی از گفته های او وبه عدد هر حرکتی از حرکات او وبه شمار هر درنگی از درنگ های وی، صد هزار فرشته خلق کند، تا شیطنت شیاطینی که قصد گمراهی او را داشته اند دور کنند...». (3)

1- خصال، ج 1، ص 211، ح 48؛ بحارالأنوار، ج 103، ص 96، ح 24.

2- ثواب الأعمال، ص 178.

3- تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص 81، ح 43.

مجازات نپذیرفتن دیدارکننده

1. در حدیث است که شخصی به امام باقر علیه السلام عرض کرد: چه می فرمایید در مورد مسلمانی که مسلمان دیگر به دیدن او می آید واو در خانه است واجازه نمی دهد که وارد شود؟ حضرت فرمود: «هر مسلمانی که به دیدن مسلمانی رود، یا در پی کاری به سراغ او رود واو در خانه باشد و(بدون عذر) رخصت ندهد واز خانه بیرون نیاید، پیوسته در لعنت خدا باشد تا یکدیگر را ملاقات کنند». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر مؤمنی که میان او ومؤمن دیگر مانعی باشد که نتواند به او برسد، خداوند متعال در قیامت میان او وبهشت هفتاد هزار حصار قرار دهد که ضخامت هر دیواری هزار سال راه باشد». (2)

3. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چهار مؤمن در زمان بنی اسرائیل زندگی می کردند. سه تن از آنان برای گفت وگو در مورد موضوعی در خانه ای جمع شده بودند. نفر چهارم به در آن خانه آمد ودر زد. غلام صاحب خانه بیرون آمد. پرسید: مولایت کجاست؟ گفت: در خانه نیست. آن شخص برگشت. وغلام جریان را به مولای خود گفت: مولایش اعتراض نکرد وغلام را در برابر این کار خلاف، سرزنش نکرد وهیچ یک از آن سه تن از بازگشت آن مؤمن آزرده خاطر نشدند. صبح روز بعد آن شخص نزد آنها آمد ودید آن سه تن از خانه بیرون آمده، به سمت مزرعه خود می روند. به آنها سلام کرد وگفت: با شما بیایم؟ گفتند: آری. امّا نسبت به روز گذشته عذرخواهی نکردند چرا که آن مرد نیازمند بود. در اثنای راه ناگاه ابری در آسمان ظاهر شد، گمان کردند که باران خواهد آمد. حرکت خود را تند کردند. هنگامی که ابر به محاذی سر آنها رسید، منادی از میان ابر ندا کرد که ای آتش، آنها را بگیر! من

1- كافى، ج 2، ص 365، ح 4.

2- محاسن، ص 101، ح 74.

جبرئیل هستم واز جانب خدا آمده ام. ناگهان آتشی آمد وآن سه تن را ربود ونفر چهارم ترسان وحیران ومتعجّب ماند. پس به شهر بازگشت وبه خدمت حضرت یوشع علیه السلام رسید وداستان را برای آن حضرت بیان کرد. حضرت یوشع علیه السلام فرمود : خداوند متعال به سبب کاری که با تو کردند بر آنها خشم گرفت پس از آنکه از آنها راضی بود. سپس قصّه را برای آن مرد شرح داد. آن مرد پس از شنیدن داستان گفت: من آنها را حلال کردم واز خطای آنها درگذشتم. یوشع علیه السلام گفت : اگر پیش از آمدن عذاب گذشت می کردی به حال آنها سودی داشت، ولی اکنون که عذاب نازل شده سودی ندارد؛ شاید در قیامت برای آنها نفعی داشته باشد». (1)

احترام به بزرگسالان

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس حرمت پیرمردی را بشناسد واو را به خاطر سنّش تعظیم کند، خداوند او را از ترس روز قیامت ایمن گرداند». (2)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «تعظیم وتکریم مؤمن ریش سفید، تعظیم خداست». (3)

3. در روایتی دیگر فرمود: «کسی که به پیران ما تعظیم وبه کودکان ما رحم نکند، از ما نیست». (4)

کمک به نابینایان وناشنوایان

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس برای برآوردن

1- کافی، ج 2، ص 364، ح 2.

2- نوادر راوندى، ص 141، ح 1.

3- ثواب الأعمال، ص 225.

4- جامع الأخبار، ص 92.

حاجتی از حاجات شخص نابینا قدم بردارد وتلاش کند که خداوند آن مشکل را حل کند، خداوند متعال او را از نفاق وآتش جهنّم دور کرده وهفتاد حاجت از حاجت های دنیوی او را برآورده کند وپیوسته در رحمت الهی باشد تا بازگردد». (1)

2. در حدیثی از امام حسن عسکری علیه السلام می خوانیم که: «حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس به مقدار مسافت چهل گام بر روی زمین هموار، راهنمای نابینایی شود خداوند در مقابل هر قدم، قصری در بهشت به او می دهد که بسیار وسیع است. واگر بر سر راهش خطری باشد واو را از آن نجات دهد آن را در ترازوی حسناتش بگذارند وآن را صد هزار بار وسیع تر از دنیا بیابد وهمه گناهانش را محو کند واو را به اعلا غرفه های بهشت برساند». (2)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به ناشنوایی کمک کند تا چیزی را به او بفهماند واز این کار خسته ودلتنگ نگردد، این کار صدقه ای آسان برای وی محسوب می شود». (3)

مبتلایان به بیماری های سخت

به اهل بلا زیاد نگاه نکنید

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «به اصحاب بلا ومبتلایان به بیماری خوره زیاد نگاه نکنید که اندوهناک می شوند». (4)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «به اهل بلا (و بیماران واگیردار) کم نگاه کنید وبه

1- کتاب من لا يحضره الفقيه، ج 4، ص 9؛ مكارم الأخلاق، ص 431.

2- تفسير امام حسن عسكرى عليه السلام، ص 81، ح 43.

3- ثواب الأعمال، ص 168، ح 5.

4- طبّ الأئمّه، ص 106.

نزد آنان نروید وهنگامی که از کنارشان عبور می کنید با سرعت حرکت کنید، تا آنچه به آنها رسیده به شما نرسد». (1)

اذکار مخصوص در برخورد با بلادیدگان

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی از مبتلایان به بلا را دیدی سه مرتبه آهسته، به گونه ای که او نشنود، بگو: اَلْحَمْدُ للهِ الَّذی عافانی مِمَّا ابْتَلاکَ بِهِ وَلَوْ شاءَ فَعَلَ (2) وهر کس به این دستور عمل کند هرگز بلایی

به او نرسد». (3)

2. در روایتی دیگر، خواندن این دعا سفارش شده است: «اَللّٰهُمَّ اِنِّی لا اَسْخَرُ وَلا اَفْخَرُ وَلکِنْ اَحْمَدُکَ عَلی اَعْظَمِ نَعْمائِکَ عَلَیَّ». (4)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هنگامی که اصحاب بلا را می بینید، خدا را حمد وسپاس گویید امّا به گونه ای که آنها نشنوند، تا باعث اندوهشان نشود». (5)

آداب رفتار با مبتلایان به خوره

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «از مبتلایان به بیماری خوره دوری کنید، همان گونه که از شیر درنده می گریزید. وبا آنها سخن نگویید،

1- طبّ الأئمّه، ص 106.

2- ترجمه: «حمد وسپاس مخصوص خداوندی است که مرا عافیت بخشید از آنچه که تو را به آن مبتلا ساختواگر می خواست مرا نیز مبتلا می کرد».

3- امالی صدوق، ص 267، ح 12؛ مکارم الأخلاق، ص 351.

4- ترجمه: «بار خدایا، کسی را استهزاء نمی کنم وبر کسی فخر نمی فروشم، ولی تو را به بزرگ ترین نعمت هاییکه بر من ارزانی داشته ای حمد وستایش می کنم». کافی، ج 2، ص 98، ح 22.

5- مکارم الأخلاق، ص 351.

مگر اینکه بین شما وآنها (لااقل) یک ذراع (نیم متر) فاصله باشد». (1)

2. در روایتی دیگر فرمود: «پنج گروهند که در همه حال باید از آنها دوری کرد: مبتلایان به خوره، مبتلایان به پیسی، دیوانگان، اولاد زنا، اعراب بادیه نشین (ودور از شرع وآداب)». (2)

3. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که مبتلایان به خوره را ببینید از خداوند عافیت بطلبید واز بیماری آنها غافل نشوید که مبادا به شما سرایت کند». (3)

رعایت حقوق مؤمنین در غیابشان

غیبت

ماهیّت غیبت

1. در روایتی معتبر می خوانیم که کسی به حضرت زین العابدین امام سجّاد علیه السلام عرض کرد: فلان کس شما را گمراه ومبتدع می داند. حضرت فرمود: «حقّ همنشینی را رعایت نکردی که سخن او را برای من گفتی. وحقّ مرا رعایت نکردی که آنچه را از او نمی دانستم به من رساندی. مرگ در کمین همگان است وپس از مرگ محشور خواهیم شد. ووعده گاه همه قیامت است وخداوند در میان ما حکم خواهد کرد. غیبت نکن که غذای سگان جهنّم است». (4)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس در حقّ برادر مؤمن خود چیزی بگوید که با چشمانش دیده وبا گوش هایش شنیده، از کسانی خواهد بود که خداوند فرماید: به یقین کسانی که دوست دارند زشتی ها در میان مردم

1- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 363، ح 1727.

2- خصال، ج 1، ص 260، ح 37؛ بحارالأنوار، ج 75، ص 15، ح 4.

3- بحارالأنوار، ج 75، ص 15، ح 5.

4- احتجاج، ج 2، ص 45.

باایمان شایع شود، برای آنان در دنیا وآخرت عذابی دردناک است. (1) » (2)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «غیبت آن است که در مورد برادر مؤمن خود عیب وگناهی را بگویی که خداوند بر او پوشانده است. وبهتان آن است که در مورد او چیزی بگویی که در او نباشد». (3)

4. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «غیبت از زنا بدتر است، زیرا زناکار توبه می کند وخدا توبه اش را می پذیرد، امّا توبه غیبت کننده قبول نمی شود، مگر زمانی که آن شخص او را حلال کند». (4)

غیبت را ترک کنید

1. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس به خدا ورسولش ایمان دارد، در مجلسی که به امامی دشنام دهند، یا غیبت مسلمانی کنند، توقّف نمی کند». (5)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که با چشمان خود گناهی از او ندیده باشی ودو شاهد عادل نیز بر دیدن گناه از وی گواهی ندهند، او عادل وگواهی اش قبول است؛ هر چند در واقع گناهکار باشد. وهر کس مسلمانی را غیبت کند به گناهی که در آن مسلمان باشد (وشنونده از آن خبر نداشته باشد)، از تحت سرپرستی خداوند خارج می شود وتحت سرپرستی شیطان درمی آید. پدرم از پدرانش از رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر داد که فرمود: هر کس غیبت مؤمنی کند به چیزی که در او باشد، خداوند در بهشت در میان آنها جمع

1- سوره نور، آیه 18.

2- کافی، ج 2، ص 357، ح 2.

3- کافی، ج 2، ص 358، ح 7.

4- علل الشرایع، ج 2، ص 557، باب 345، ح 1؛ الاختصاص، ص 226.

5- تفسیر قمی، ج 1، ص 204؛ السرائر، ج 3، ص 639.

نکند. وهر کس غیبت مؤمنی کند به چیزی که در او نباشد رابطه برادری آنها بریده شود وجای غیبت کننده در جهنّم است». (1)

مجازات غیبت کننده

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس غیبت مسلمانی کند، ثواب روزه ووضویش از بین می رود وبویی از وی در روز قیامت برخیزد که از بوی مردار بدتر باشد، به گونه ای که موجب آزار همه اهل محشر شود. واگر پیش از توبه بمیرد، چیزی را که خدا حرام کرده، حلال کرده است». (2)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس سخنی در مذمّت مؤمنی بگوید تا عیب او را آشکار کند وشخصیّت او را درهم شکند واو را از چشم مردم بیندازد، خداوند او را از تحت سرپرستی خود بیرون کرده ودر سرپرستی شیطان وارد می کند». (3)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس شخصی را در گناهی که کرده رسوا کند، گویا خودش آن گناه را مرتکب شده است. وهر کس مؤمنی را به چیزی سرزنش کند، تا خود به آن آلوده نشود از دنیا نرود». (4)

4. در احادیث معتبر آمده است که: «هر کس دو چهره ودو زبان داشته باشد، (یعنی در حضور مردم مدح وتعریف وتمجیدشان کند ودر غیبت آنها غیبتشان کند)، هنگامی که در روز قیامت محشور شود دو زبان از آتش خواهد داشت که یکی در پیش صورت ودیگری در پشت سر وی باشد ودر محشر ندا کنند که

1- امالی صدوق، ص 102، ح 3.

2- کتاب من لا يحضره الفقيه، ج 4، ص 8؛ مكارم الأخلاق، ص 430.

3- کافی، ج 2، ص 358، باب الرّوايه على المؤمن، ح 1.

4- کافی، ج 2، ص 356، ح 2.

این شخص در دنیا دو چهره ودو زبان داشت». (1)

5. در حدیثی می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «ای مردمی که به زبان مسلمان شده اید وهنوز ایمان در دلتان رسوخ نکرده است، مسلمانان را مذمّت نکنید ودر مورد عیوب آنها جست وجو نکنید که هر که در جست وجوی عیوب دیگران باشد، خدا او را رسوا می کند، هر چند در خانه اش گناه کرده باشد». (2)

آثار ردّ غیبت وپاداش ترک آن

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس به برادر مؤمن خود احسان کند، یعنی در مجلسی که او را غیبت می کنند مانع این کار شود واز او دفاع کند، خداوند متعال هزار نوع بدی را در دنیا وآخرت از او دور می کند. واگر قدرت بر ردّ غیبت داشته باشد واین کار را نکند، هفتاد برابر گناه غیبت کننده در نامه اعمالش می نویسند». (3)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس حرف بدی را که در مورد آبروی برادر مسلمانش گفته اند رد کند، البتّه بهشت را برایش می نویسند». (4)

3. در روایتی صحیح آمده است که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس از برادر مؤمنش نزد او غیبت کنند واو را یاری کند، خداوند وی را در دنیا وآخرت یاری دهد. واگر قادر بر ردّ غیبت باشد واو را یاری نکند، خداوند او را در دنیا وآخرت پست وخوار گرداند». (5)

4. از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس در

1- خصال، ج 1، ص 81، ح 15؛ بحارالأنوار، ج 75، ص 203، ح 5.

2- كافى، ج 2، ص 354، ح 2؛ امالى مفيد، ص 23.

3- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 4، ص 8؛ مكارم الأخلاق، ص 43.

4- ثواب الأعمال، ص 175.

5- محاسن، ص 103، ح 81؛ ثواب الأعمال، ص 178.

مجلسی حاضر باشد وشخصی همچون سگ در آن مجلس متعرّض آبروی برادران مؤمن او شود وصاحب نفوذ باشد وبر آن ظالم رد کند وآبروی برادران مؤمن را نگاه دارد، خداوند متعال فرشتگانی را مأمور سازد که برای انجام دادن حج، پیرامون بیت المعمور اجتماع کنند در حالی که آنها نیمی از ملائکه آسمان هایند به اضافه فرشتگان کرسی وعرش وآنها نصف ملائکه حجب هستند. واین فرشتگان همگی آن شخص را نزد خداوند مدح وستایش کرده وبرای او از خداوند تقاضای رفعت منزلت وبلندی مرتبت می کنند. وخداوند در پاسخ آنها فرماید: به تعداد هر یک از شما که به کمک او شتافته اید، مانند عدد تمام شما از درجات بهشت وقصرها وباغ ها وبستان ها ودرختان از آنچه خواهم که عقل هیچ مخلوقی به آن نرسد برای آن شخص واجب کردم». (1)

5. از امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس خود را از بدگویی در مورد آبروی مسلمانان نگاه دارد، خداوند گناهانش را در قیامت بیامرزد». (2)

استثنائات غیبت

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه فاسقی به طور آشکار گناه کند وپروایی از معصیت نداشته باشد، حرمت ندارد وغیبتش (درباره همان گناه) حرام نیست». (3)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سه گروه حرمت ندارند : بدعتگذاران، پیشوایان ظالم، فاسقانی که به طور آشکار گناه می کنند». (4)

1- تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص 82.

2- صحیفه الرضا علیه السلام، ص 85، ح 195.

3- امالی صدوق، ص 39، ح 7.

4- قرب الإسناد، ص 152، ح 632.

3. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس در مورد کسی چیزی بگوید که مردم آن را بدانند، غیبت محسوب نمی شود». (1)

حفظ الغیب

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه برادران مؤمن شما غایب باشندازآنهایادکنیدبه بهترازآنچه دوست می داریددرغیبت شمایادکنند». (2)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس این سه خصلت را دارا باشد که هرگاه سخن گوید دروغ نگوید، در معاشرت با مردم به آنها ظلم نکند، چون وعده دهد به وعده اش وفا کند، چهار چیز درباره او لازم می شود: واجب است عدالتش در میان مردم آشکار گردد، مروّتش در میان مردم هویدا شود، غیبت او بر آن مردم حرام است، اُخوّت او بر آنها واجب است». (3)

برادر مؤمن را تصدیق کن

در حدیث است که محمّد بن فضیل به حضرت امام کاظم علیه السلام عرض کرد : چیزی از یکی از برادران مؤمن در مورد من نقل می شود که مورد رضایت من نیست. حقیقت ماجرا را از وی جویا می شوم او انکار می کند. در حالی که گروهی از مردم مورد اعتماد آن مطلب را نقل کرده اند (چه کنم؟) حضرت فرمود: «در مورد حقّ برادر مؤمن ات چشم وگوش خود را تکذیب کن. اگر پنجاه نفر شهادت دهند وسوگند یاد کنند واو انکار کند، سخن او را تصدیق کن وگفتار

آنها را نپذیر ودر مورد او چیزی که موجب نقص وعیبش باشد فاش نکن (البتّه

1- کافی، ج 2، ص 358، ح 6.

2- امالی طوسی، ج 1، ص 229.

3- کافی، ج 2، ص 239، ح 28؛ خصال، ج 1، ص 197، ح 24.

این در مورد مسائل اخلاقی است، ولی در مسائل حقوقی اگر دو شاهد عادل بر چیزی گواهی دهند پذیرفته می شود)». (1)

سرزنش کردن وشماتت مؤمن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در برابر بلایی که بر برادر مؤمن تو نازل شده، اظهار شادی وشماتت نکن که خداوند به او رحم کرده، بلا را از وی برطرف می کند وآن بلا را بر تو فرو می فرستد». (2)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس برادر مؤمن خود را به مصیبتی که به آن مبتلا وگرفتار شده شماتت کند، از دنیا نرود تا به آن بلا مبتلا شود». (3)

3. در چندین حدیث معتبر آمده است که: نزدیک ترین حالت بنده به کفر آن است که کسی با مؤمنی برادری کند ولغزش ها وگناهانش را در خاطر بسپارد تا روزی او را به سبب آنها سرزنش کند. (4)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس مؤمنی را سرزنش کند، خداوند او را در دنیا وآخرت سرزنش می کند». (5)

تهمت زدن وگمان بد بردن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس برادر مؤمن خود را متّهم سازد، ایمان در دلش گداخته شود، همان گونه که نمک در میان آب حل می گردد». (6)

1- ثواب الأعمال، ص 295.

2- کافی، ج 2، ص 359، باب الشماته، ح 1.

3- کافی، ج 2، ص 359، باب الشماته، ذیل حدیث 1.

4- كافى، ج 2، ص 355، ح 6.

5- كافى، ج 2، ص 356، باب التغيير، ح 1.

6- كافى، ج 2، ص 361، ح 1.

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «گمان بد در حقّ مردم، بدترین دروغ هاست». (1)

سخن چینی

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «می خواهید به شما بگویم بدترین شما چه کسی است؟» عرض کردند: آری ای رسول خدا. حضرت فرمود: «کسانی که در میان مردم سخن چینی می کنند ودر میان دوستان جدایی می اندازند وبر افراد پاک عیب می نهند». (2)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بهشت بر سخن چینان

حرام است». (3)

قهر وآشتی

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه دو تن با آزردگی وناراحتی وقهر از هم جدا شوند، یکی از آنها مستحقّ بیزاری ولعن الهی است. وچه بسا هر دو چنین استحقاقی داشته باشند». شخصی پرسید: اگر یکی از آنها مظلوم باشد چرا مستحقّ نفرین است؟ فرمود: «زیرا برای آشتی قدم برنمی دارد. چرا به نزد دیگری نمی رود وبه او هدیه ای نمی دهد واز خطای او نمی گذرد؟» (4)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «قهر بیش از سه روز (در اسلام) نیست». (5)

1- مستدرک الوسائل، ج 9، ص 147، ح 13.

2- کافی، ج 2، ص 369، باب النمیمه، ح 1.

3- کافی، ج 2، ص 369، باب النمیمه، ح 2.

4- کافی، ج 2، ص 344، باب الهجره، ح 1.

5- کافی، ج 2، ص 344، باب الهجره، ح 2.

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تا زمانی که دو مسلمان از یکدیگر آزرده خاطر وبا هم قهر باشند، پیوسته شیطان شادی می کند وهنگامی که کدورت ها برطرف شود وبا همدیگر آشتی کنند، زانوهای شیطان می لرزد وبندهایش از هم جدا شده وفریاد می زند: واویلا، چه بلایی بر سر من آمد». (1)

4. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه دو مسلمان از هم دوری کنند وسه روز بگذرد وبا هم آشتی نکنند از اسلام خارج می شوند ورابطه ایمانی آنها قطع می شود. وهر کدام زودتر برای آشتی اقدام کند، در جهان آخرت زودتر به بهشت می رود». (2)

آداب رفتار با ظالمان

وضعیّت حاکمان ظالم

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هیچ بنده ای به فرمانروایی نزدیک نمی شود، مگر آنکه از خدا دور می شود. وهیچ بنده ای مالش افزوده نمی شود، مگر آنکه حسابش دشوارتر می شود. وپیروان هیچ بنده ای بیشتر نمی شوند، مگر اینکه شیاطین او بیشتر می شوند». (3)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «صلاح دو صنف از امّت من موجب صلاح تمام امّت وفساد آنان موجب فساد همه امّت است: فقها وفرمانروایان». (4)

3. در روایتی دیگر فرمود: «فرمانروایان از همه مردم بی وفاتر وکم محبّت ترند». (5)

1- کافی، ج 2، ص 346، ح 7.

2- کافى، ج 2، ص 345، ح 5.

3- ثواب الأعمال، ص 310.

4- خصال، ج 1، ص 81، ح 11؛ بحارالأنوار، ج 75، ص 336، ح 1.

5- امالى صدوق، ص 21.

جایگاه حاکمان عادل

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس بر مردم حکومت کند وعدالت را پیشه خود سازد ودرِ خانه خود را به روی مردم بگشاید وموانع ملاقاتش را برای مردم مرتفع کند تا همه به او دسترسی داشته باشند وبه احوال مردم برسد، بر خداست که ترس او را در قیامت به ایمنی مبدّل گردانیده واو را وارد بهشت کند». (1)

2. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در میان فرمانروایان گروهی هستند که خداوند متعال دین حق را به ایشان عطا کرده وآنان را بر شهرها مسلّط گردانده، تا به سبب آنها ستم ها وضررها را از دوستانش دور کند وبه برکت آنان امور مسلمانان را اصلاح نماید ومؤمنان در سختی ها وگرفتاری ها به ایشان پناه برند ونیازمندان وشیعیان ما به آنان متوسّل شوند وبه سبب آنان،خداوندترس مؤمنان رابه ایمنی مبدّل کرده است. این دسته از حاکمان در مملکت ظالمان، مؤمنان حقیقی وامینان خدا در زمین اند ونور آنها به اهل آسمان روشنی می دهد، همان گونه که ستاره به اهل زمین روشنی می دهد. ودر قیامت نور آنها عرصه محشر را روشن می کند. آنها برای بهشت خلق شده اند». (2)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه خداوند متعال خیر مردمی را بخواهد، حاکم مهربانی بر آنان مسلّط کرده وبرای او وزیر عادلی فراهم می سازد». (3)

کیفیّت رفتار با حاکمان

اطاعت از حاکم وحکم یاری کردن او

1. در روایتی معتبر می خوانیم که امام کاظم علیه السلام به شیعیان خود فرمود: «با ترک

1- امالی صدوق، ص 245، ح 2.

2- منیه المرید، ص 164 و165.

3- امالی صدوق، ص 245، ح 3.

اطاعت از حاکم، خود را خوار نکنید؛ پس اگر عادل باشد از خداوند بقا ودوامش را تقاضا کنید واگر ظالم وستمکار باشد از خدا بخواهید که اصلاحش کند که صلاح شما در صلاح حاکم شماست. وحاکم عادل به منزله پدری مهربان است. آنچه را برای خود می خواهید برای او نیز طلب کنید وآنچه را برای خود نمی خواهید برایش آرزو نکنید». (1)

2. در حدیثی به سند معتبر آمده است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «خدا رحمت کند کسی را که فرمانروای خود را بر نیکی کردن به او یاری کند». (2)

تحریک کردن حاکم ظالم، یا مدارا کردن با وی

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس (بی جهت) متعرّض فرمانروای ظالم شود واز او آزاری ببیند، خداوند او را بر آن آزار ثواب ندهد وصبر را روزیش نکند». (3)

2. در حدیث است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به هنگام شهادت به امام حسن مجتبی علیه السلام چنین سفارش کرد: «صالحان را برای صلاحشان دوست بدار وبا فاسقان به ظاهر مدارا کن ودر دل، دشمن آنها باش». (4)

بقای ظالم را دوست نداشته باش وبه ظلمش کمک نکن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس بقای ظالمان را دوست داشته باشد، گویی دوست دارد که خدا را معصیت کنند. وهر کس دوست داشته باشد که خدا را معصیت کنند، آشکارا با خدا دشمنی کرده است». (5)

1- امالی صدوق، ص 338، ح 21.

2- ثواب الأعمال، ص 221.

3- ثواب الأعمال، ص 296.

4- امالی مفید، ص 129؛ امالی طوسی، ج 1، ص 6.

5- معانی الأخبار، ص 253.

2. در حدیثی دیگر فرمود: «حضرت عیسی علیه السلام به بنی اسرائیل می گفت: ظالم را بر ظلمش یاری نکنید که ارزش شما باطل می شود». (1)

3. در حدیث صحیح ومعتبر دیگری فرمود: «هر کس ظالمی را بر ضدّ مظلوم یاری دهد، خداوند متعال پیوسته بر او خشمگین باشد تا دست از یاری او بردارد». (2)

به در خانه ظالم نرو

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «چهار چیز است که دل را فاسد می کند ونفاق را در دل می رویاند همان گونه که آب درخت را می رویاند : شنیدن ساز وآواز، یاوه سرایی کردن ودشنام دادن، به در خانه حاکمان ظالم رفتن، به شکار (برای تفریح) رفتن». (3)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «به درِ خانه حاکمان (ظالم) وآنها که با حاکمان هستند نروید که نزدیک ترین شما به آنها دورترین شما از خداوند است. وهر کس حاکمی ظالم را بر خدا ترجیح دهد، خداوند پرهیزگاری را از او برداشته واو را سرگردان می کند». (4)

3. در حدیث است که عبد الغفّار بن القاسم از حضرت باقر وصادق علیهما السلام پرسید: در مورد رفتن نزد حاکم ظالم چه می فرمایید؟ فرمود: «این کار را برای تو خوب نمی دانم». عرض کرد: بسیار اتّفاق می افتد که در سفر به شام مرا نزد ابراهیم پسر ولید می برند. حضرت فرمود: «رفتن نزد شاهان وحکّام سه پی امد منفی به دنبال دارد: محبّت دنیا، فراموشی مرگ، راضی نبودن به آنچه خداوند

1- معانی الأخبار، ص 196.

2- ثواب الأعمال، ص 323.

3- خصال، ج 1، ص 214، ح 56؛ بحارالأنوار، ج 89، ص 73، ح 43.

4- ثواب الأعمال، ص 310.

روزی تو کرده است». عرض کرد: ای پسر رسول خدا، من اولاد بسیار دارم وبرای تجارت به شام می روم. حضرت اجازه داد. (1)

همکاری با ظالمین

1. در حدیث است که سلیمان جعفری گوید خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم. فرمود: «چه می کنی؟» عرض کردم: متکفّل کارهایی هستم که مردم از جانب فرمانروایان (ظالم) انجام می دهند. حضرت فرمود: «مداخله کردن در کارهای آنها ویاری کردنشان وتلاش در برآورده شدن حوائجشان معادل کفر ونگاه کردن به آنها از روی عمد، گناه کبیره است». (2)

2. در روایتی معتبر می خوانیم که صفوان جمّال (شتردار) خدمت امام کاظم علیه السلام رسید. حضرت فرمود: «همه چیز تو خوب است، جز آن که شتران خود را به این مرد (هارون الرشید) کرایه می دهی». صفوان عرض کرد: والله که شتران خود را برای کار بد یا شکار لهوی ومانند آن به او کرایه نداده ام، بلکه برای سفر حج بوده است. علاوه بر اینکه خودم همراه شتران با او به مکّه نمی روم، بلکه غلامان وکارکنانم را می فرستم. حضرت فرمود: «آیا دوست داری آن قدر زنده باشد که کرایه شتران تو را بدهد؟» عرض کرد: آری. حضرت فرمود: «هر کس بقای آنان را بخواهد از ایشان است وهر که از ایشان باشد اهل جهنّم است». (3)

3. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به حکم حاکم ظالم راضی باشد وبه او کمک کند، از دوستان او خواهد بود». (4)

1- بحارالأنوار، ج 75، ص 377، ح 32.

2- بحارالأنوار، ج 75، ص 374، ح 25؛ تفسیر عیّاشی، ج 1، ص 238، ح 110.

3- تفسیر عیّاشی، ج 1، ص 238، ح 110؛ رجال کشی، ص 373.

4- تنبیه الخواطر، ج 1، ص 17.

4. در حدیثی دیگر فرمود: «ظلم کننده ویاری کننده او بر ظلم وکسی که راضی به آن ظلم باشد، هر سه شریک در گناهند». (1)

جبران کردن همکاری با ظالم

1. در حدیث است که مفضّل بن مزید که کاتب ونویسنده خلفا ودر عین حال از شیعیان بود، خدمت امام صادق علیه السلام رسید وعرض کرد: از خدماتی که به خلفا می کنم اطّلاع دارید؟ حضرت فرمود: «درآمدی که از این راه کسب می کنی به شیعیان (فقیر) بده، زیرا خداوند متعال فرماید: حسنات وکارهای نیک، گناهان وسیّئات را از بین می بَرد». (2)

2. در حدیث است که علی بن حمزه می گوید: دوستی داشتم که از نویسندگان بنی امیّه بود. همراه من خدمت امام صادق علیه السلام رسید. عرض کرد: من در دیوان بنی امیّه کار می کردم واز این راه ثروت فراوانی گرد آورده ام. حضرت فرمود: «اگر مردم برای بنی امیّه کتابت نمی کردند وبرای آنها غنیمت جمع نمی کردند وبرایشان به جنگ نمی رفتند ونزد آنها حاضر نمی شدند، آنها حقّ ما را غصب نمی کردند». آن شخص گفت: آیا چاره ای برای جبران اشتباهات گذشته وجود دارد؟ حضرت فرمود: «اگر بگویم به آن عمل می کنی؟» عرض کرد: آری، عمل می کنم. حضرت فرمود: «آنچه را در دیوان بنی امیّه به دست آورده ای، اگر صاحبانش را می شناسی به آنها بازگردان واگر آنها را نمی شناسی (به نیّت صاحبان اصلی) به نیازمندان صدقه بده؛ اگر به این دستور عمل کنی بهشت را برای تو ضمانت می کنم». آن شخص ساعتی سر به زیر افکند وبه فکر فرو رفت. سپس سر بلند کرد وعرض کرد: این کار را انجام می دهم. علی بن ابی حمزه

1- خصال، ج 1، ص 126، ح 63؛ بحارالأنوار، ج 75، ص 332، ح 67.

2- رجال کشی، ص 374، ح 702؛ بحارالأنوار، ج 75، ص 376، ح 33.

می گوید: آن جوان همراه ما به کوفه آمد وتمام دارایی اش، حتّی لباس هایی را که به تن داشت، به گفته امام، هزینه کرد. ما در میان دوستان خود مالی جمع کرده ولباس هایی برایش خریده وپولی برایش فرستادیم. پس از آن، چند ماه بیمار شد. به دیدنش رفتم. در حال جان دادن بود. چشم گشود وگفت: حضرت صادق علیه السلام به ضمانتی که وعده کرده بود وفا کرد. این سخن را گفت وجان به جان آفرین تسلیم کرد. او را دفن کردیم، سال بعد که خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم، حضرت فرمود: «به خدا سوگند نسبت به رفیقت به ضمانتی که کردم

وفا نمودم». (1)

منازعه با حاکم واستفاده از اموال وی

1. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای هر کس که اعتقاد به امامت ما داشته باشد امید نجات دارم، مگر سه گروه: حاکمی که بر رعیّت خود ظلم کند، کسی که در دین بدعت بگذارد، کسی که آشکارا گناه کند». (2)

2. در حدیثی دیگر فرمود: سه گروهند که هر کس با آنها منازعه کند خوار وبی ارزش شود: پدر، پادشاه (ظالم که توان مقابله با او را ندارد)، طلبکار». (3)

3. در حدیثی معتبر می خوانیم که حمیری خدمت امام زمان - عجّل الله تعالی فرجه الشریف - نامه ای به این مضمون نوشت: شخصی متصدّی اوقاف است وتصرّف در موقوفات را حلال دانسته وبی پروا در آن تصرّف کرده وگاه هدیه ای برای من می فرستد (آیا می توانم از هدایای او استفاده کنم؟) حضرت در پاسخ نوشتند: «اگر این مرد مال وثروتی غیر از درآمد موقوفات در اختیار دارد از

1- كافى، ج 5، ص 106، ح 4؛ تهذيب، ج 6، ص 380، ح 41.

2- خصال، ج 1، ص 135، ح 90؛ بحارالأنوار، ج 75، ص 337، ح 6.

3- خصال، ج 1، ص 188، ح 233؛ بحارالأنوار، ج 75، ص 338، ح 10.

غذایش بخور واحسانش را بپذیر واگر به غیر از آن مال حرام چیزی ندارد از غذایش نخور ومالش را قبول نکن». (1)

نصیحت حاکم ورساندن حاجات مردم به او

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس نزد حاکم ظالمی برود واو را امر به پرهیزگاری کند وپندش دهد، ثوابش همانند ثواب جنّ واِنس خواهد بود». (2)

2. در حدیثی صحیح ومعتبر آمده است که حضرت کاظم علیه السلام وحضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس حاجت کسی را به حاکم برساند ومشکل او را حل کند، خداوند متعال قدم هایش را در قیامت بر پل صراط ثابت گرداند». (3)

مجازات ها وپی امدها

مجازات مدح یا راهنمایی ظالم

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس حاکم ظالمی را مدح وستایش وبه خاطر طمع در دنیا در نزد او اظهار شکستگی وخضوع کند، در جهنّم با او باشد زیرا خداوند متعال فرماید: (وَلاَ تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ)». (4)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس ظالمی را بر ظلمش راهنمایی کند، در جهنّم با هامان وزیر فرعون باشد. (5) وهر کس از سوی ظالمی خصومت ودشمنی

1- احتجاج، ج 2، ص 572.

2- السرائر، ج 3، ص 634.

3- امالی طوسی، ج 1، ص 206 و207.

4- ترجمه: «بر ظالمان تکیه نکنید که موجب می شود آتش شما را فرو گیرد». (سوره هود، آیه 113)امالی صدوق، ص 426.

5- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 6؛ مکارم الأخلاق، ص 428.

کند، یا در آن خصومت به آن ظالم کمک کند، هنگامی که ملک الموت نزدش آید او را به نفرین خدا وآتش جهنّم بشارت دهد. (1) وهر کس تازیانه ای در دست

گرفته ونزد پادشاه یا حاکم جبّاری بایستد، خداوند متعال آن تازیانه را در قیامت همچون اژدهایی از آتش جهنّم کند که بلندای آن هفتاد ذراع باشد وآن را در جهنّم بر او مسلّط گرداند». (2)

مجازات درخواست از حاکم ظالم

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دین خود را با پرهیز از محرّمات وتقیّه از مخالفان ومستغنی شدن به خدا از طلب حاجت کردن از پادشاهان تقویت کنید. وبدانید هر مؤمنی که نزد سلطانی یا کسی که با او در دینش مخالف باشد، به منظور طلب مال دنیا خضوع کند خداوند او را گمنام کند واو را دشمن دارد وبه خود واگذارد واگر چیزی از دنیای او به دستش برسد برکت آن را بگیرد واگر آن را در راه حج یا عمره یا آزاد کردن بردگان هم هزینه کند، ثوابی به او ندهد». (3)

گناه ومجازات همکاری با حاکمان ظالم

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «در روز قیامت منادی از سوی خداوند ندا کند: کجایند ظالمان وکسانی که به آنها کمک کرده اند؟ کجایند آنان که دوات ظالمان را لیقه گذاشته (4) ، یا سر کیسه (محصولات) آنها را

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 5؛ مکارم الأخلاق، ص 428.

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 10؛ مکارم الأخلاق، ص 432.

3- ثواب الأعمال، ص 294.

4- «لیقه» تکه نخ یا ابریشم (یا قطعه پنبه) به هم پیچیده ای است که در دوات می گذارند ومرکّب روی آنمی ریزند (تا اگر دوات واژگون شود جوهر نریزد وبه هنگامی که قلم وارد آن می شود جوهر زیادی بر نوک قلمننشیند) لیق هم گفته شده است (فرهنگ عمید).

بسته، یا قلمی به آنها داده اند؟ آنها را با ظالمان محشور کنید». (1)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به حکم حاکم ظالمی راضی باشد وبه او کمک کند، از دوستان او خواهد بود (وسرنوشت او را خواهد داشت)». (2)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هنگامی که خداوند بهشت را آفرید... فرمود: به عظمت وبزرگواریم سوگند که این افراد را وارد بهشت نکنم: کسانی که مداومت بر شرب خمر داشته باشند، خودفروشان، سخن چینان، بی غیرت ها (در مورد همسر)، مأموران نظامی حکومت طاغوت، همجنس بازان، کسانی که نبش قبر می کنند وکفن می دزدند، مأمور وصول عوارض مالیات حکومت ظالم، کسانی که صله رحم را ترک کنند، کسانی که قائل به جبر باشند». (3)

مجازات توجیه ظلم ظالم وخضوع در برابر ثروتمند مغرور

1. در حدیثی صحیح ومعتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس ظالمی را در ظلمش معذور بدارد (وظلم او را توجیه کند)، خداوند ظالم دیگری را بر او مسلّط گرداند تا بر وی ظلم کند. سپس اگر دعا کند دعایش مستجاب نخواهد شد وخداوند او را بر تحمّل آن ستم ثواب نخواهد داد». (4)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس نزد توانگر (مغروری) برود وبرای او خضوع واظهار شکستگی کند، دوسوم دینش از بین می رود». (5)

1- ثواب الأعمال، ص 309.

2- تنبيه الخواطر، ج 1، ص 17؛ بحارالأنوار، ج 75، ص 377، ح 33.

3- خصال، ج 2، ص 202، ح 16؛ بحارالأنوار، ج 75، ص 343، ح 31.

4- كافى، ج 2، ص 334، ح 18.

5- تفسير عيّاشى، ج 1، ص 120، ح 379.

مجازات به ناحق حکومت کردن وبه کار مردم رسیدگی نکردن

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس به ناحق حاکم بر گروهی شود وبر آنان مسلّط گردد، خداوند در مقابل هر روز حکومتش هزار سال او را در کنار جهنّم نگاه می دارد وهنگامی که محشور شود دست هایش در گردنش بسته باشد، سپس اگر به امر خداوند در میان آنها عمل کرده باشد او را رها می کند واگر بر آنها ظلم کرده باشد او را به جهنّم می اندازد». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس حاکم بر مسلمانان شود وحقّ آنها را تباه کند وبه احوال آنان نپردازد، خداوند وی را ضایع کرده، (او را به حال خود رها می سازد) ورحمتش را از او بازمی گیرد». (2)

3. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر حاکمی که مردم را از عرضه مشکلاتشان به خود ممنوع سازد، خداوند در قیامت حاجت او را برآورده نکند. واگر چیزی به رسم هدیه (به صورت هدیه ودر واقع رشوه) بگیرد، گویی از غنایم جنگی دزدی کرده که بدترین دزدی هاست. واگر رشوه بگیرد گویی به خدا شرک ورزیده است». (3)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند به پیامبری از پیامبرانش که در کشوری می زیست که حاکمش ظالم وجبّار بود، مأموریّت داد که به آن حاکم بگوید: تو را حاکم نکرده ام که خون مردم را بریزی واموالشان را بگیری، بلکه تو را حکومت بخشیدم که صدای مظلومان را از من بازگیری. بی شک ستم هایی که بر آنها شود را بازخواست می کنم، هر چند ستمدیدگان کافر باشند». (4)

1- امالی صدوق، ص 433.

2- ثواب الأعمال، ص 309.

3- ثواب الأعمال، ص 310.

4- کافی، ج 2، ص 333، ح 14.

مجازات جبّاران

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در جهنّم کوهی است که آن را «سعدا» می گویند. ودر آن کوه وادی ای هست که نام آن «سقر» است. ودر آن وادی، چاهی است که آن را «هبهب» می گویند. هرگاه درِ آن چاه را بردارند جهنّمیان از گرما وحرارت آن فریاد می کشند. آن چاه جای جبّاران است». (1)

مجازات ظالمان

1. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دعای سه کس از درگاه خدا رد نمی شود: دعای پدر برای فرزند نیکوکار ونفرینش بر فرزند بدکردار، نفرین مظلوم بر ظالم ودعای مظلوم برای کسی که انتقام او را از ظالم بگیرد، دعای مؤمن برای مؤمنی که به خاطر اهل بیت علیهم السلام به او کمک مالی کند ونفرین مؤمن بر کسی که علی رغم توانایی مالی اش به آن مؤمن نیازمند کمک نکند». (2)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خداوند فرماید: خشم من بر ظالمی که به مظلومی ظلم کند که یاوری جز من ندارد، سخت وشدید است». (3)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «خداوند فرماید: دعای شخصی را که مظلمه ای از کسی نزد او باشد مستجاب نمی کنم». (4)

4. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس بر دیگری ظلم کند، خداوند متعال کسی را مأمور کند که همانند آن ظلم را نسبت به او یا فرزندان وی، یا فرزندان فرزندانش (هرگاه راضی به فعل پدر باشند) انجام دهد». (5)

1- ثواب الأعمال، ص 324.

2- امالی طوسی، ج 1، ص 286 و 287.

3- امالی طوسی، ج 2، ص 19.

4- ثواب الأعمال، ص 321؛ فلاح السائل، ص 38.

5- کافی، ج 2، ص 332، ح 13.

5. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس حقّ مؤمنی را حبس کند، خداوند متعال او را (در عرصه محشر) پانصد سال سر پا نگاه دارد،... ومنادی ندا کند که این ظالمی است که حقّ خدا را حبس کرده است، در نتیجه چهل روز او را سرزنش کنند، سپس دستور می دهد او را به جهنّم ببرند». (1)

6. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «بهترین جهادها آن است که صبح هنگام، فکر ظلم بر کسی را در ذهن نداشته باشد». (2)

آداب معاشرت با کافران ومخالفان

معاشرت با کافران

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس غیر مسلمانی را ببیند و(آهسته) بگوید: اَلْحَمْدُ للهِ الَّذی فَضَّلَنی عَلَیْکَ بِالْاِسْلامِ دیناً وَبِالْقُرْآنِ کِتاباً وَبِمُحَمَّدٍ نَبِیّاً وَبِعَلِیٍّ اِماماً وَبِالْمُؤْمِنینَ اِخْواناً وَبِالْکَعْبَهِ قِبْلَهً (3) ، خداوند میان او وآن کافر در جهنّم جمع نمی کند». (4)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر با غیر مسلمانان مصافحه می کنی از زیر لباس مصافحه کن واگر دستت با دست آنها تماس پیدا کرد آن را بشوی». (5)

3. در حدیث است که کسی از امام صادق علیه السلام پرسید: برای غیر مسلمانان چگونه دعا کنیم؟ حضرت فرمود: «بگویید: بارَکَ اللهُ فِی دُنْیاکَ». (6)

1- کافی، ج 2، ص 367، ح 2.

2- محاسن، ص 292، ح 449.

3- ترجمه: «حمد وسپاس ویژه خداوندی است که مرا به سبب اینکه اسلام دین من وقرآن کتاب من ومحمّدپیامبر صلی الله علیه و آله وعلی علیه السلام امام من ومؤمنان برادران وکعبه قبله من است بر تو برتری داد».

4- ثواب الأعمال، ص 44.

5- کافی، ج 2، ص 650، ح 10.

6- ترجمه: «خداوند به دنیای تو برکت دهد». کافی، ج 2، ص 650، ح 9.

4. در روایتی صحیح ومعتبر می خوانیم که امام کاظم علیه السلام فرمود: «مسلمان نباید با یهودی در یک ظرف غذا بخورد، یا با او بر یک فرش بنشیند، یا همنشین او شود». (1)

5. در حدیثی صحیح ومعتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «برای مؤمنان سزاوار نیست که با کافران اهل ذمّه شراکت داشته، یا امانتی به آنها بسپارند که چیزی برای آنها بخرند، یا چیزی به آنها بسپارند، یا با آنها دوستی کنند». (2)

6. نیز در حدیث است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام عرض کرد: به کشورهای غیر مسلمان سفر می کنم. مردم می گویند اگر آنجا بمیری با آنان محشور خواهی شد. حضرت فرمود: «چنین نیست، بلکه تنها محشور خواهی شد ونور تو در قیامت در پیش روی تو خواهد بود». (3)

معاشرت کردن با مخالفان

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تقیّه سپر ایمان است وکسی که تقیّه نمی کند ایمان ندارد». (4)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «نُه دهم دین در تقیّه است». (5)

3. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گرامی ترین شما نزد خدا کسی است که بیشتر تقیّه کند». (6)

1- قرب الإسناد، ص 216، ح 1077.

2- قرب الإسناد، ص 146، ح 599.

3- رجال کشّی، ص 343، ح 635؛ امالی طوسی، ج 1، ص 44؛ بحارالأنوار، ج 68، ص 201، ح 1.

4- قرب الإسناد، ص 46، ح 107.

5- کافی، ج 2، ص 217، ح 2.
6- محاسن، ص 258، ح 302.

4. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که تقیّه را ترک کند، گویا نماز را ترک کرده است». (1)

5. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تقیّه در بلاد مخالفان واجب است. وکسی که از روی تقیّه قسم بخورد تا ضرری را از خود دور کند، مرتکب گناهی نشده وکفّاره ندارد». (2)

6. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دین خود را با تقیّه از گزند مخالفان حفظ کنید. بی شک شما در میان مخالفان همچون زنبور عسل در میان پرندگان هستید. اگر پرندگان می دانستند که درون شکم زنبور عسل، عسل هست حتّی یکی از آنها را زنده نمی گذاشتند. اگر مخالفان بدانند که محبّت ما در سینه شماست، شما را راحت نمی گذارند». (3)

توجّه: «تقیّه» در بلاد مخالفان متعصّب وکینه توز که با اهل بیت علیهم السلام وپیروان آنها دشمنی دارند واجب است، مشروط بر اینکه بیم ضرر باشد که در این صورت نباید دین وعقیده اش را ابراز کند بلکه باید وانمود کند که معتقد به عقاید آنهاست. وهنگامی که آنها مطّلع باشند ونتوان وضو ونماز وسایر عبادات را دور از چشم آنها انجام داد، باید به روش آنها به جا آورد. وتشخیص خوف وضرر وموارد لزوم تقیّه بر خود انسان است. تقیّه در بلاد شیعه وسنّی در هر امری که انسان ظنّ ضرری داشته باشد لازم است، مگر در مورد جان دیگر انسان ها که در آن نمی توان تقیّه کرد؛ مثل اینکه بگویند فلان کس را بکش وگرنه تو را می کشیم که در این مورد نمی تواند از باب تقیّه آن شخص را بکشد؛ هر چند خودش کشته شود.

1- السرائر، ج 3، ص 583.

2- خصال، ج 2، ص 394 از امام صادق علیه السلام؛ بحارالأنوار، ج 75، ص 394، ح 10.

3- محاسن، ص 257، ح 300.

حقوق مردگان بر زندگان

وظیفه محتضر

هنگامی که محتضر آثار وعلائم مرگ را مشاهده کرد، خود او اوّل کسی است که باید به احوال شخصی اش رسیدگی کند که سفری ابدی به سوی جهان آخرت در پیش دارد وتوشه مناسبی متناسب با آن سفر برگیرد؛ بنابراین، نخستین کاری که ضروری ولازم است اقرار کردن به گناه واعتراف به تقصیر وکوتاهی در انجام دادن تکالیف وپشیمانی از گذشته وتوبه کامل است. به درگاه عظمت پروردگار تضرّع وگریه وزاری کند تا خداوند از گناهان گذشته اش درگذرد ودر احوال وسختی هایی که در پیش دارد او را به خود ودیگران واگذار نکند.

در گام دوم به وصیّت کردن بپردازد وآنچه از حقوق خدا وخلق خدا بر ذمّه دارد ادا کرده واین کار را به دیگران واگذار نکند که پس از مرگ اختیار از کفَش می رود وبا حسرت در اموالش می نگرد وشیاطین جنّ واِنس، ورثه ووصیّ او را وسوسه کرده، تا به وصایای او عمل نکنند ومیّت چاره ای (جز حسرت واندوه) نخواهد داشت وفریاد می زند که مرا برگردانید تا کاری شایسته ونیک در اموالم به جا آورم، ولی کسی به سخن او گوش نمی دهد وحسرت وندامت وپشیمانی در آن روز فایده ای نخواهد داشت. پس به مقدار یک سوم از اموال خود را برای بستگان ونیازمندان وکارهای خیر وآنچه برای خود مناسب می دانی وصیّت کن وبیش از یک سوم اختیاری نداری و وصیّت نافذ نیست.

در گام سوم از برادران مؤمن خود حلالیّت بطلب. اگر غیبت کسی را کرده ای، یا اهانتی به او روا داشته ای، یا آزاری به او رسانده ای، چنانچه دسترسی به وی داری خواهش کن که تو را حلال کند واگر دسترسی

نداری از برادران دینی ات خواهش کن که از طرف تو رضایت وی را جلب کنند.

در گام چهارم، امور فرزندان وهمسرت را پس از توکّل بر خداوند متعال به

شخص امینی بسپار وبرای فرزندان صغیر خود قیّم تعیین کن.

در گام پنجم، کفن خود را مهیّا کن واز کسی بخواه که شهادتین وعقاید حقّه واذکار وادعیه وآیات مناسب را (در صورت امکان) با تربت امام حسین علیه السلام بر روی آن بنویسد. البتّه این در صورتی است که قبلاً کفن خود را آماده نکرده باشی، وگرنه سزاوار است مؤمن همواره کفنش آماده ودر دسترس وی باشد.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس کفنش آماده ونزد

او حاضر باشد، نام او را جزءِ غافلان ننویسند» (1) وگاه به کفنش نگاه کند که

ثواب دارد.

در مرحله بعد، دیگر در فکر زن وفرزند ومال وثروت نباشد وتوجّه به پروردگار پیدا کرده وبه یاد او باشد واندیشه کند که این امور فانی زودگذر فایده ای برایش ندارد وبه غیر از لطف حق ورحمت پروردگار، چیزی در دنیا وآخرت به فریاد او نمی رسد. وبی شک اگر توکّل بر خدا کند امور بازماندگانش به صورتی نیکو به انجام خواهد رسید.

وبه این نکته توجّه داشته باشد که اگر خودش زنده می ماند بدون مشیّت واراده الهی نمی توانست سودی به آنها رسانده، یا زیانی را از آنها دور کند؛ خدایی که آنها را آفریده، از او به آنها مهربان تر است.

وسرانجام در آن حال در مقام رجا وامید باشد. به رحمت الهی بسیار امیدوار باشد وبه شفاعت حضرت رسول صلی الله علیه و آله وحضرات ائمّه معصومین علیهم السلام امید بسیار داشته باشد ومنتظر قدوم شریف آن بزرگواران باشد. وبداند که همگی آن بزرگواران در آن زمان حاضر

شده وبه شیعیان خود بشارت ها داده وسفارش هایی به ملک الموت در مورد آنها خواهند کرد.

1- کافی، ج 3، ص 256، ح 23.

وصیّت کردن نیکو

1. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین آورده است: «هر کس در وقت مرگ وصیّت نیکو نکند، نشانه کمبود عقل ومروّت اوست. گفتند: ای رسول خدا، چگونه وصیّت کند؟ فرمود: هنگامی که وفات او نزدیک شود ومردم نزد او جمع شوند، بگوید: اَللّٰهُمَّ فاطِرَ السَّماواتِ وَالاْرْضِ، عالِمَ الْغَیْبِ وَالشَّهادَهِ، الرَّحْمنُ الرَّحیمُ، اِنّی اَعْهَدُ اِلَیْکَ أَنِّی اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ وَحْدَکَ لا شَریکَ لَکَ وَاَنَّ مُحَمَّداً صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ عَبْدُکَ وَرَسُولُکَ وَاَنَّ السّاعَهَ آتِیَهٌ لا رَیْبَ فیها وَاَنَّکَ تَبْعَثُ مَنْ فِی الْقُبُورِ وَاَنَّ الْحِسابَ حَقٌّ وَاَنَّ الْجَنَّهَ حَقٌّ وَما وَعَدَ اللهُ فیها مِنَ النَّعِیمِ الْمَأْکَلِ والمَشْرَبِ وَالنِّکاحِ حَقٌّ وَأَنَّ النّارَ حَقٌّ وَأَنَّ الإِیمانَ حَقٌّ وَأَنَّ الدّینَ کَما وَصَفْتَ وَأَنَّ الاْسْلامَ کَما شَرَعْتَ وَاَنَّ الْقَوْلَ کَما قُلْتَ وَاَنَّ الْقُرْآنَ کَما اَنْزَلْتَ وَاَنَّکَ اَنْتَ اللهُ الْحَقُّ الْمُبینُ وَاِنِّی اَعهَدُ اِلَیْکَ فِی الدّارِ الدُّنْیا أَنِّی رَضیتُ بِکَ رَبّاً وَبِالاْسْلامِ دِیناً وَبِمُحمَّد صلی الله علیه و آله نَبِیّاً وَبِعَلِیٍّ اِماماً وَبِالْقُرْآنِ کِتاباً وَأنَّ أهْلَ بَیْتِ نَبِیِّکَ: أَئِمَّتی. اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثِقَتی عِنْدَ شِدَّتی وَرَجائی عِنْدَ کُرْبَتی وَعُدَّتی عِنْدَ الاْمُورِ الَّتی تَنْزِلُ بی وَاَنْتَ وَلِیِّی فِی نِعْمَتی وَاِلهی وَاِلهُ آبائی، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلا تَکِلْنی اِلی نَفْسی طَرْفَهَ عَیْنٍ اَبَداً وَآنِسْ فی قَبْری وَحْشَتی وَاجْعَلْ لی عِنْدَکَ عَهْداً یَوْمَ اَلْقاکَ مَنْشوراً. (1) سپس حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: این

1- ترجمه: «بار خدایا، ای آفریننده آسمان ها وزمین، ای دانای پنهان وآشکار، ای بخشنده مهربان، من با توعهد می بندم وگواهی می دهم که جز تو معبودی نیست. یگانه ای وشریک نداری ومحمّد صلی الله علیه و آله بنده ورسول تو است وقیامت می آید وشکّی در آن نیست وتو زنده می کنی کسانی را که در گورها خفته اند وحساب وبهشت حقّ است وآنچه را

که خداوند از نعمت خوردنی ها وآشامیدنی ها وهمسران بهشتی در آن وعده داده حقّ است ودوزخ حقّ است وایمان (به آنها) حقّ است ودین همچنان است که تو بیان کرده ای واسلام همچنان که تو دستور داده ای وسخن همان است که تو گفته ای وقرآن چنان است که تو فرستاده ای وتوخداوند حقّ آشکاری ومن در دنیا با تو پیمان می بندم که راضی ام تو پروردگار من باشی واسلام دین منومحمّد صلی الله علیه و آله پیامبر وعلی علیه السلام امام من وقرآن کتاب من وخاندان پیامبر تو امامان من باشند.
بار خدایا، تودر هر سختی پشت وپناه من ودر هر گرفتاری امید من ودر هر پیشامدی ذخیره منی وتو ولیّ نعمت ومعبود من وپدران منی. بر محمّد وخاندانش درود فرست ومرا هرگز به خودم وانگذار، حتّی به مقدار یک چشم بر هم زدن ودر تنهایی قبرم انیس من باش ودر نزد خود برای روزی که تو را در قیامت ملاقات کنم عهد وپیمانی برایم قرار ده».

عهد وپیمان میّت است از روزی که می خواهد وصیّت کند ووصیّت بر هر مسلمانی لازم وواجب است».

حضرت صادق علیه السلام بعد از نقل این حدیث فرمود: «تصدیق این سخن در سوره مریم آمده است، آنجا که فرماید: (لاَ يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلاَّ مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا) (1) آنان هرگز مالک شفاعت نیستند، مگر کسی که نزد خداوند

رحمان، عهد وپیمانی دارد». (2)

2. در حدیث است که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: این وصیّت را فراگیر وبه اهل بیت وشیعیانت نیز تعلیم بده، همان گونه که جبرئیل به من تعلیم داد. اگر قبلاً صحیفه خود را تنظیم نکرده است، جمعی از مؤمنین را حاضر کند وبر اعتقادات خود گواه گیرد وسپس بگوید: بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لا شَريکَ لَهُ وَاَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاَنَّ الْجَنَّهَ حَقٌّ وَاَنَّ النّارَ حَقٌّ وَاَنَّ السّاعَهَ آتِيَهٌ

لا رَيْبَ فيها وَاَنَّ اللهَ يَبْعَثُ مَنْ فِی الْقُبُورِ، سپس بر پارچه یا کاغذ چنین بنویسد : بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، شَهِدَ الشُّهُودُ الْمُسَمُّونَ فی هذَا الْكِتابَ، اَنَّ اَخاهُمْ فِی اللهِ عَزَّ وَجَلَّ فُلانَ بْنَ فُلانٍ (وبه جای فلان بن فلان نام خود وپدرش را بنویسد) أَشْهَدَهُمْ وَاِسْتَوْدَعَهُمْ وَاَقَرَّ عِنْدَهُمْ اَنَّهُ يَشْهَدُ أنْ لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لا شَريکَ لَهُ وَاَنَّ مُحَمَّداً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّهُ مُقِرٌّ بِجَميعِ الاْنْبياءِ وَالرُّسُلِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ وَاَنَّ عَلِيّاً وَلِیُّ اللهِ وَاِمامُهُ وَاَنَّ الأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهِ (هُمُ) الأَئِمَّهُ وَاَنَّ

1- سوره مریم، آیه 87.

2- مصباح المتهجّد، ص 30؛ مصباح کفعمی، ص 7.

اَوَّلَهُمُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَعَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِیّ وَجَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ وَعلِیُّ بْنُ مُوسی وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ وَعَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِیٍّ وَالْقائِمُ الْحُجَّةُ عَلَیْهِمُ السَّلامُ وَاَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ والنّارَ حَقٌّ وَالسّاعَةَ آتِیَةٌ لا رَیْبَ فیها وَاَنَّ اللهَ یَبْعَثُ مَنْ فِی الْقُبُورِ وَاَنَّ مُحَمَّداً صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ رَسُولُهُ، جاءَ بِالْحَقِّ وَاَنَّ عَلِیّاً وَلِیُّ اللهِ وَالْخَلیفَةُ مِنْ بَعْدِ رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَاِسْتَخْلَفَهُ فی أُمَّتِهِ مُوَدِّیاً لِاَمْرِ رَبِّهِ تَبارَکَ وَتَعالی وَاَنَّ فاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ الله صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَابْنَیْها الْحَسَنَ وَالْحُسَیْنَ اَبْناءُ رَسُولِ الله صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسِبْطاهُ وَاِمامَا الْهُدی وَقائِدَ الرَّحْمَهِ وَاَنَّ عَلِیّاً وَمُحَمَّداً وَجَعْفَراً وَمُوسی وَعَلِیّاً وَمُحَمَّداً وَعَلِیّاً وَحَسَناً وَالْحُجَّةَ عَلَیْهِمُ السَّلامُ أَئِمَّةٌ وَقادَةٌ وَدُعاةٌ اِلَی اللهِ عَزَّ وَجَلَّ وَحُجَّةٌ عَلی عِبادِهِ (1) ، سپس به گواهان وشهودی که نامشان در آن صحیفه نوشته خواهد شد بگوید: اَثْبِتُوا اِلَیَّ هذِهِ الشَّهادَهِ عِنْدَکُمْ حَتّی تَلْقُونی بِها عِنْدَ الْحَوْضِ (2) ، سپس

1- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. شهادت می دهم که معبودی جز الله نیست. او یکتاست وشریکیندارد وشهادت می دهم که محمّد صلی الله علیه و آله بنده ورسول اوست واینکه بهشت وجهنّم حقّ است وقیامت بدونشک خواهد آمد (ومحقّق خواهد شد) وخداوند کسانی را که در قبرها آرمیده اند زنده خواهد کرد. سپس برپارچه یا کاغذی چنین بنویسد: «به نام خداوند بخشنده مهربان. کسانی که نامشان در این نامه آمده استشهادت دادند که برادر دینی آنها آقای فلان فرزند فلان از آنها طلب شهادت کرده ودر نزد آنها اقرار کردهاست که او گواهی می دهد معبودی جز الله نیست. او یگانه است وشریک ندارد ومحمّد صلی الله علیه و آله بنده وفرستادهاوست وبه همه پیامبران ورسولان : اقرار می کند. وعلی علیه السلام ولیّ خدا، امام او وامامان از فرزندانشامامان اویند. اوّل ایشان

حسن وسپس حسین وعلی بن الحسین ومحمّد بن علی وجعفر بن محمّد وموسیبن جعفر وعلی بن موسی ومحمّد بن علی وعلی بن محمّد وحسن بن علی وحضرت حجّت: می باشندواینکه بهشت ودوزخ حقّ است وقیامت خواهد آمد ودر آن شکّی نیست وخداوند کسانی را که در گورهاهستند برمی انگیزاند واینکه محمّد صلی الله علیه و آله فرستاده اوست وحق را آورده است وعلی ولیّ خدا وخلیفه پس ازرسول خدا صلی الله علیه و آله است، او را در امّت جانشین قرار داده تا امر وفرمان پروردگار را برساند وفاطمه علیها السلام دختررسول خدا صلی الله علیه و آله ودو فرزندش حسن وحسین فرزندان رسول خدایند ودو سبط او ودو امام هدایت وپیشوای رحمت اند واینکه (حضرات معصومین) علی ومحمّد وجعفر وموسی وعلی ومحمّد وعلیوحسن وحضرت حجّت :، امامان ورهبران ودعوت کنندگان به سوی خداوند وحجّت بر بندگان اویند».

2- ترجمه: «این شهادت واقراری را که نزد شما کردم به امانت نزدتان نگاه دارید، تا زمانی که شما را کنارحوض کوثر ملاقات کنم».

گواهان به او بگويند: ای فلانی فرزند فلانی، نَسْتَوْدِعُکَ اللهَ وَالشَّهادَةَ وَالْاِقْرارَ وَالْاِخاءَ وَمَوْعُودَهُ عِنْدَ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله وَنَقْرَأُ عَلَيْکَ السَّلامَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُه (1) ،

سپس صحيفه را به مُهر آن شخص ومهر گواهان مهر کنند وآن را ببندند وپس از مرگ در جانب راست ميّت همراه جريده بگذارند». (2)

دعای محتضر در حال احتضار

1. در حديث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر بالين شخصی از انصار که در حال جان دادن بود حاضر شد واز او پرسيد: «در چه حالی هستی؟» عرض کرد : اميد به رحمت خدا دارم واز گناهان خود می ترسم. حضرت فرمود: «اين دو حالت در حال احتضار در دل کسی به وجود نمی آيد، مگر آنکه خداوند اميدش را عملی می کند واو را از آنچه می ترسد در امان می دارد». (3)

2. در حديثی می خوانيم که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله به ديدار کسی که در حال احتضار بود رفت وبه او فرمود بگو: اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الْکَثيرَ مِنْ مَعْصِيَتِکَ وَاقْبَلْ مِنِّی الْيَسيرَ مِنْ طاعَتِکَ». (4)

وظيفه اطرافيان محتضر

(مقدّمه:) بستگان ومؤمنان نبايد محتضر را در حال احتضار تنها بگذارند وبايد نزد او قرآن ودعا بخوانند. واعتقاد به يکتايی خدا ورسالت پيامبر اعظم صلی الله علیه و آله وامامت امامان معصوم عليهم السلام وساير اعتقادات حق، از قبيل بهشت

1- ترجمه: «ما، تو وشهادت واقراری را که کردی ورابطه اخوّت وبرادری مان را به خدا سپرديم ووعده ما (درکنار حوض کوثر) خدمت رسول خدا

صلی الله علیه و آله. بر تو سلام ودرود می فرستیم ورحمت وبرکات خدا بر تو باد».

2- مصباح المتهجّد، ص 16 و 17؛ بحارالأنوار، ج 82، ص 59، ح 1.

3- امالی مفید، ص 138، ح 1.

4- ترجمه: «پروردگارا، گناهان بسیار من را بیامرز وطاعت اندک مرا بپذیر». طبّ الأئمّه، ص 80.

وجهنّم وصفات پروردگار را مکرّر برای او بگویند تا تکرار کند. واگر قادر بر تکرار کردن نباشد، برایش بخوانند. دعای عدیله (1) را نیز بر او بخوانند واگر عربی

نمی فهمد ترجمه اش را برایش بخوانند. وپایش را به سمت قبله دراز کنند. ودر آن هنگام شخص حائض وجنب در نزد او حاضر نشود که فرشتگان از آنها فرار می کنند.وچنانچه کس دیگری نباشدمی توانندازروی ناچاری نزدمحتضرباشند، ولی به هنگام جان دادن از آنجا خارج شوند. به روایاتی در این زمینه توجّه فرمایید :

محتضری که جان کندنش دشوار است

1. در روایات آمده است که اگر جان کندن بر محتضر دشوار شد او را به جایی که همیشه نماز می خوانده ببرند، یا او را روی سجّاده ای که بر آن نماز می گزارده بخوابانند که اگر امید شفا باشد شفا پیدا می کند، وگرنه به آسانی جان می دهد. (2)

2. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر شخصی از فرزندان عبدالمطّلب که در حال احتضار بود وارد شد. فرمود: «پاهای او را رو به قبله کنید تا ملائکه به او روی آورده ورحمت الهی متوجّه وی شود». (3)

دست بر محتضر نگذارید، برایش قرآن بخوانید

1. در حدیث است که یکی از فرزندان امام صادق علیه السلام در حال احتضار بود. جدّش امام باقر علیه السلام در کنار خانه او نشسته بود وبه هر کس که نزد او می رفت می فرمود: «دست بر او نگذارید که او در این

حالت در نهایت ناتوانی است. وهر کس دست بر او بگذارد گویی او را کشته است». (4)

1- این دعا را می توانید در مفاتیح الجنان مرحوم حاج شیخ عبّاس قمی، ص 161، قبل از دعای جوشن کبیر،مطالعه فرمایید.

2- طبّ الأئمّه، ص 79.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 79، ح 252؛ دعائم الاسلام، ج 1، ص 219.

4- تهذیب، ج 1، ص 305، ح 841.

2. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مبادا دست بر بدن محتضر بگذارید واگر دست وپا می زند مانعش نشوید، آن گونه که جاهلان این کار

را می کنند. و در نزد او قرآن بخوانید وخدا را یاد کنید وبر پیامبر وخاندانش درود بفرستید». (1)

تلقین

تلقین لا إله إلّا الله

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «به مردگان خود

«لا إلهَ إلّا الله» را تلقین کنید که هر کس آخرین سخنش «لا إلهَ إلّا الله» باشد، وارد بهشت می شود». (2)

2. در روایتی دیگر فرمود: «به آنها «لا إلهَ إلّا الله» تلقین کنید که گناهان را در هم می شکند». (3)

تلقین کلمات فرج

1. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هرگاه کسی را در وقت جان کندن دیدید این کلمات را به وی تلقین کنید تا او بگوید: لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ الْحَلیمُ الْکَریمُ، لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ الْعَلِیُّ الْعَظیمُ، سُبْحانَ اللهِ رَبِّ السَّماواتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الأَرَضینَ السَّبْعِ وَما فِیهِنَّ وَما بَیْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ وَالْحَمْدُ للهِ رَبِّ الْعالَمینَ». (4)

1- فقه الرضا علیه السلام، ص 165.

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 78، ح 348؛ امالی صدوق، ص 540، ح 5.

3- ثواب الأعمال، ص 16، ح 3.

4- ترجمه: «هیچ معبودی جز خداوند دارای حلم و کرم نیست. هیچ معبودی جز خداوند بلندمرتبه وبزرگنیست. منزّه است خدایی که پروردگار آسمان های هفتگانه وزمین های هفتگانه وآنچه در آنها وآنچه درمیان آنهاست ومنزّه است پروردگار عرش بزرگ وحمد وستایش ویژه خدایی است که پروردگار جهانیاناست». کافی، ج 3، ص 122، ح 3؛ تهذیب، ج 1، ص 304، ح 839.

2. در حدیثی دیگر می خوانیم: «هر یک از اعضای خانواده حضرت علی علیه السلام در حال احتضار قرار می گرفت، حضرت کلمات فرج را به او تلقین می کرد تا بخواند. وهنگامی که آن را می خواند می فرمود: (به ملاقات خدا) برو که دیگر باکی بر تو نیست». (1)

3. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر بالین شخصی از بنی هاشم که در حال جان کندن بودحاضرشدوبه او سفارش کرد کلمات فرج را بخواند. هنگامی که وی آن را خواند فرمود: «الحمد لله که خدا او را از آتش جهنّم نجات داد». (2)

تلقین شهادتین واقرار به ائمّه علیهم السلام

1. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کسی در آستانه مرگ قرار می گیرد ابلیس به جمعی از شیاطین مأموریّت می دهد که او را گرفتار شک وتردید کنند، تا به هنگام جان دادن بی ایمان از دنیا برود. اگر کسی مؤمن کامل باشد نمی توان او را به شک انداخت، بدین سبب به آنها که در حال احتضارند کلمات فرج وشهادتین واقرار به یک یک ائمّه علیهم السلام را تلقین کنید، تا از سخن گفتن باز نایستند». (3)

2. در روایتی دیگر فرمود: «اگر بت پرست به هنگام مردن، به امامت حضرات ائمّه علیهم السلام (از صمیم قلب) اقرار کند ومعتقد به مذهب تشیّع شود، آتش جهنّم به هیچ عضوی از اعضای او آسیب نمی رساند». (4)

1- کافی، ج 3، ص 124، ح 7؛ تهذیب، ج 1، ص 305، ح 804.
2- کافی، ج 3، ص 124، ح 9؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 77، ح 346.
3- کافی، ج 3، ص 123، ح 6.

4- کافی، ج 3، ص 124، ح 8.

تلقین دعای خاص

1. از امام صادق روایت شده است که فرمود: «مرگ شخصی نزدیک شد. حضرت رسول صلی الله علیه و آله با گروهی از اصحاب بر بالینش حاضر شدند. آن شخص بی هوش بود. حضرت به ملک الموت فرمود: دست از او بردار، تا از وی سؤالی کنم. آن شخص به هوش آمد. حضرت پرسید: چه می بینی؟ گفت: سفیدی بسیار وسیاهی فراوانی می بینم. فرمود: کدام به تو نزدیک تر است؟ گفت: سیاهی. فرمود بگو: اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الْکَثِیرَ مِنْ مَعاصِیکَ وَاقْبَلْ مِنِّی الْیَسِیرَ مِنْ طاعَتِکَ (1) آن

شخص دوباره بی هوش شد. حضرت به فرشته مرگ فرمود: او را رها کن. دوباره به هوش آمد. فرمود: چه می بینی؟ عرض کرد: سفیدی وسیاهی فراوانی مشاهده می کنم. فرمود: کدام به تو نزدیک تر است؟ گفت: سفیدی. حضرت فرمود: او را آمرزیدند». امام صادق علیه السلام فرمود: «بر بالین هر کس که چنین حالتی داشت حاضر شدید سفارش کنید که این دعا را بخواند». (2)

2. در حدیث است که جوانی در حال احتضار بود «لا إلهَ إلّا اللهُ» را به او تلقین کردند، زبانش بند آمده بود ونمی توانست آن را بگوید. حضرت رسول صلی الله علیه و آله نزد او حاضر شد واز زنی که بر بالینش نشسته بود پرسید: «این جوان مادر دارد؟» پاسخ داد: من مادر او هستم. فرمود: «از او راضی هستی؟» گفت: شش سال است که با وی سخن نگفته ام. حضرت فرمود: «از او راضی باش». گفت: راضی شدم. سپس حضرت به آن جوان فرمود: «بگو لا إلهَ إلّا الله» زبان جوان گشوده شد وآن را تکرار کرد. حضرت پرسید: «چه می بینی؟» عرض کرد: مرد سیاه بدبوی زشت رویی را که جامه ای چرکین به تن دارد در نزدیکی خود می بینم که گلوی

مرا گرفته است. حضرت فرمود: «بگو: یا مَنْ یَقْبَلُ الْیَسِیرَ وَیَعْفُوا عَنِ الْکَثِیرَ اِقْبَلْ

1- ترجمه: «بار خدایا، گناهان فراوانم را ببخشای وطاعات اندکم را بپذیر».

2- کافی، ج 3، ص 124، ح 10.

مِنِّی الْیَسِیرَ وَاعْفُ عَنِّی الْکَثِیرَ اِنَّکَ اَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ» (1) پس از آنکه جوان این

دعا را خواند، حضرت پرسید: «اکنون چه می بینی؟» گفت: مرد سفیدروی خوشبویی که لباس خوشی به تن کرده نزدیک من است وآن مرد سیاه بدبو می رود. فرمود: «بار دیگر این دعا را بخوان». هنگامی که دعا را خواند حضرت پرسید: «چه می بینی؟» گفت آن مرد سیاه بدبو را نمی بینم ومرد سفید خوشبو نزدیک من است. این را گفت واز دنیا رفت. (2)

پس از مرگ

هنگامی که شخصی می میرد مستحبّ است دهانش را ببندند وچشمانش را بر هم گذارند ودستانش را در کنار پهلوهایش بگذارند وپارچه ای بر رویش بیندازند ونزدش قرآن بخوانند وجنازه اش را زود بردارند.

آداب تشییع جنازه

خبردار کردن مؤمنان

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سزاوار است به مؤمنان خبر دهند تا در تشییع جنازه میّت حاضر شوند وبر او نماز بخوانند وبرایش استغفار کنند، تا هم میّت ثواب ببرد وهم مؤمنان حاضر در آنجا». (3)

ثواب حضور در تشییع جنازه

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که مؤمنی را داخل

1- ترجمه: «ای خدایی که (طاعت) اندک را می پذیری واز (گناه) بسیار درمی گذری! طاعات اندک مرا بپذیرواز گناهان فراوان من درگذر که تو آمرزنده ومهربانی».

2- امالی مفید، ص 287، ح 6.

3- کافی، ج 3، ص 166، ح 1.

قبر می گذارند ندا می کنند: نخستین هدیه ای که به تو دادیم بهشت ونخستین هدیه ای که به تشییع کنندگان جنازه تو دادیم، آمرزش گناهان است». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «نخستین تحفه ای که در قبر به مؤمن می دهند، آمرزش تمام کسانی است که همراه جنازه اش بوده اند». (2)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس در تشییع جنازه ای حاضر شود، در برابر هر قدمی که برمی دارد صد هزار حسنه برایش می نویسند وصد هزار سیّئه از او محو می کنند وصد هزار درجه به وی عطا می شود. واگر بر جنازه اش نماز بخواند، خداوند پس از مرگش به صد هزار فرشته مأموریّت می دهد که بر جنازه اش نماز بخوانند وتا هنگام دفن برایش استغفار کنند. واگر تا هنگام دفن میّت بماند به همان صد هزار فرشته مأموریّت داده می شود که تا هنگامی که در روز قیامت از قبرش بیرون آید برای او استغفار کنند». (3)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس جنازه ای را تا دفن آن همراهی کند، خداوند در قیامت هفتاد ملک را مأمور می کند که او را همراهی کنند واز قبر تا زمان حساب برایش استغفار کنند». (4)

5. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس یک طرف جنازه را بگیرد، بیست وپنج گناه کبیره اش آمرزیده می شود. واگر چهار طرف جنازه را بگیرد، همه گناهانش بخشوده می شود». (5)

1- کافی، ج 3، ص 172، ح 1؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 99 ذیل ح 460.

2- كافى، ج 3، ص 173، ح 3؛ كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 99 ذيل ح 460.

3- بحارالأنوار، ج 78، ص 384، ح 44.

4- كافى، ج 3، ص 173، ح 2؛ كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 99، ح 458.

5- كافى، ج 3، ص 174، ح 2؛ كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 99، ح 462.

آداب شرکت جستن در تشییع جنازه

بهتر است که اوّل دست راست میّت را که جانب چپ جنازه است به دوش راست خود بردارد، سپس پای راست میّت را به دوش راست بردارد، بعد پای چپ میّت را به دوش چپ بردارد ودست چپ میّت را به دوش چپ بردارد. واگر خواست این کار را تکرار کند از جلوی جنازه به سوی نقطه آغاز نرود، بلکه از پشت جنازه به آن سمت برود. (1)

وبهتر است در قسمت پشت جنازه یا در دو سمت آن حرکت کند وپیشاپیش آن حرکت نکند. ظاهر روایات این است که اگر جنازه مؤمن باشد پیشاپیش

آن حرکت کردن خوب است، ولی در تشییع جنازه مخالفان این کار کراهت دارد، زیرا ملائکه عذاب از او استقبال می کنند. (2) ونیز سواره تشییع کردن مکروه

است. (3)

دعای هنگام دیدن جنازه

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس جنازه ای ببیند واین دعا را بخواند اَللهُ اَکْبَرُ، هذا ما وَعَدَنَا اللهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللهُ وَرَسُولُهُ. اَللّهُمَّ زِدْنا ایماناً وَتَسْلیماً. اَلْحَمْدُ للهِ الَّذی تَعَزَّزَ بِالْقُدْرَهِ وَقَهَرَ الْعِبادَ بِالْمَوْتِ (4) ، تمام فرشتگان آسمان از روی ترحّم با صدای بلند برایش گریه می کنند». (5)

1- کافی، ج 3، ص 168، باب السّنه فی حمل الجنازه.

2- کافی، ج 3، ص 169، ح 3.

3- کافی، ج 3، ص 170، ح 1 و2.

4- ترجمه: «خداوند بزرگتر از آن است که توصیف شود. این است آنچه را که خدا ورسولش به ما وعده داده اندوخدا ورسولش راست می گویند. خدایا، بر ایمان وتسلیم ما بیفزا. سپاس مخصوص خداوندی است که قادروشکست ناپذیر است وبندگانش را با مرگ مقهور ساخت».

5- کافی، ج 3، ص 167، ح 3؛ تهذیب، ج 1، ص 479، ح 1471.

آداب غسل دادن میّت

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس مؤمنی را غسل دهد وهنگام غسل دادن جمله «رَبِّ عَفْوَکَ» را تکرار کند، خداوند او را می آمرزد». (1)

2. در فقه الرضا علیه السلام آمده است: هنگامی که دست بر شکم میّت می کشد بگوید: اَللّٰهُمَّ اِنِّی سَلَکْتُ حُبَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَواتُکَ عَلَیْهِمْ فی بَطْنِهِ، فَاسْلُکْ بِهِ سَبیلَ رَحْمَتِکَ. (2)

3. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس مؤمنی را غسل دهد وهنگامی که او را از این پهلو به آن پهلو می کند این دعا را بخواند، خداوند گناهان یک سال او را می آمرزد؛ البتّه به جز گناهان کبیره. وآن دعا این است : اَللّٰهُمَّ اِنَّ هذا بَدَنُ عَبْدِکَ الْمُؤْمِنِ وَقَدْ اَخْرَجْتَ رُوحَهُ مِنْهُ وَفَرَّقْتَ بَیْنَهُما،

فَعَفْوَکَ عَفْوَکَ». (3)

4. در حدیث است که: «حضرت موسی علیه السلام از پروردگار پرسید: ثواب کسی که میّتی را غسل دهد چیست؟ وحی آمد که همانند روزی که از مادر متولّد شده، او را از گناهان می شویم». (4)

5. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس میّتی را غسل دهد وآنچه از عیب های میّت بر وی آشکار شود برای کسی نقل نکند، گناهانش آمرزیده می شود». (5)

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 85، ح 393؛ الاختصاص، ص 26.

2- ترجمه: «بار خدایا، تقاضا می کنم محبّت محمّد وخاندان محمّد را که درود تو بر آنان باد، در وجود او واردکنی، و او را در راه رحمت خویش

داخل کن». فقه الرضا علیه السلام، ص 166.

3- ترجمه: «بار خدایا، این بدنِ بنده مؤمن تو است که روحش را خارج کرده وبین جسم وروحش جداییافکنده ای. خدایا، عفو وبخشایش تو را برایش طلب می کنم». کافی، ج 3، ص 164، ح 1؛ کتاب من لا یحضرهالفقیه، ج 1، ص 85، ح 392.

4- کافی، ج 3، ص 164، ح 4؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 85، ح 390.

5- کافی، ج 3، ص 164، ح 2.

کفن کردن میّت

در حدیثی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس مؤمنی را کفن کند، گویی ضامن پوشش او تا روز قیامت شده است. وهر کس قبری برای مؤمنی حفر کند، گویی او را در خانه مناسبی تا روز قیامت جای داده است». (1)

نماز خواندن بر میّت

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس بر جنازه میّتی نماز بخواند، هفتاد هزار ملک بر او نماز بگذارند وگناهان گذشته اش آمرزیده شود. واگر جنازه را تا هنگام دفن همراهی کند، در برابر هر قدمی که برمی دارد مقداری از ثواب به وی می دهند که هر مقدار مانند کوه اُحد است». (2)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هر مؤمنی که بر جنازه ای نماز بخواند، بهشت بر او واجب می شود، مگر اینکه عاقّ پدر ومادر یا منافق باشد». (3)

آثار شهادت دادن برای میّت

1. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که مؤمنی بمیرد وچهل تن از مؤمنان بر جنازه اش حاضر شوند وبگویند: اَللّهُمَّ اِنّا لا نَعْلَمُ مِنْهُ اِلّا خَیْراً وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنّا (4) خداوند می فرماید: من شهادت شما را قبول کردم

وگناهانی را که می دانم وشما نمی دانید آمرزیدم». (5)

2. نیز در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «اوّل چیزی که در

1- کافی، ج 3، ص 65، ح 1؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 92، ح 419.

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 10؛ مکارم الأخلاق، ص 432.

3- امالی صدوق، ص 195.

4- ترجمه: «بار خدایا، ما جز خوبی چیزی از او سراغ نداریم وتو از حالات او آگاه تری».

5- کافی، ج 3، ص 254، ح 14؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 102، ح 472.

سرلوحه نامه عمل مؤمن پس از مرگش می نویسند، چیزی است که مردم در حقّ او می گویند؛ اگر نیک بگویند نیک می نویسند واگر بد بگویند بد می نویسند». (1)

آداب دفن کردن میّت

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه میّت را به قبر رساندی او را از جانب پایین پای قبر وارد کن وچون در قبر گذاری آیه الکرسی بخوان، سپس بگو: بِسْمِ اللهِ وَفی سَبیلِ اللهِ وَعَلی مِلَّهِ رَسُولِ اللهِ. اَللّهُمَّ افْسَحْ لَهُ فی قَبْرِهِ وَاَلْحِقْهُ بِنَبِیِّهِ. اَللّهُمَّ اِنْ کانَ مُحْسِناً فَزِدْ فی اِحْسانِهِ وَاِنْ کانَ مُسیئاً فَاغْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ وَتَجاوَزْ عَنْهُ (2) وبرایش بسیار استغفار کنید». (3)

2. در حدیث است که امام سجّاد علیه السلام هنگامی که میّت را وارد قبر می کرد، این دعا را می خواند: «اَللّهُمَّ جافِ الْاَرْضَ عَنْ جَنْبَیْهِ وَصاعِدْ عَمَلَهُ وَلَقِّهِ مِنْکَ رِضْواناً». (4)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که میّت را در قبر می گذارند باید نزدیک ترین مردم به میّت بالای سرش باشد ونام خدا را ببرد وبر محمّد وآل محمّد صلوات بفرستد واز شرّ شیطان به خدا پناه ببرد وسوره های حمد، ناس، فلق وتوحید وآیه الکرسی را بخواند. واگر بتواند، صورتش را برهنه کند وبر خاک بگذارد ودر آن حال، شهادتین واقرار به امامت ائمّه علیهم السلام وسایر

1- امالی صدوق، ج 1، ص 45.

2- ترجمه: «به نام خدا ودر راه خدا وبر آیین رسول خدا (آغاز می کنم.) بار خدایا، قبر اورا وسیع گردان واورابه پیامبرش ملحق کن. بار خدایا، اگر

نیکوکار است بر نیکوکاریش بیفزا واگر گناهکار است اورا بیامرز وبهاورحم کن واز وی درگذر».

3- کافی، ج 3، ص 194، ح 1؛ تهذیب، ج 1، ص 334، ح 915.

4- ترجمه: «بار خدایا، قبر را بر او گشاده گردان وعملش را بالا بر واز او خشنود باش». بحارالأنوار، ج 82،ص 41.

اعتقادات حق را به او تلقین کند». (1)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «هنگامی که خاک بر قبر می ریزید بگویید: ایماناً بِکَ وَتَصْدیقاً بِبَعْثِکَ، هذا ما وَعَدَنَا اللهُ وَرَسُولُهُ (2) تا به عدد هر ذرّه آن خاک،

حسنه ای در نامه اعمالت نوشته شود. وهنگامی که قبر پر شد ومردم بازگشتند، نزدیک ترین مردم به میّت بالای سرش بنشیند وبا صدای بلند او را تلقین کند که این تلقین باعث می شود منکر ونکیر (دو فرشته مأمور سؤال وجواب) از او سؤال نکنند. ومستحبّ مؤکّد است که پس از دفن در کنار قبر او را تسلیت گویند وپیش از دفن هم مستحبّ است». (3)

تسلّی دادن صاحبان عزا

در روایتی معتبر می خوانیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس اندوهگینی را تسلیت گوید، در روز قیامت لباسی نو بر او بپوشانند وهمانند ثواب صاحب عزا به وی داده می شود، بی آنکه چیزی از ثواب وی کسر شود». (4)

زیارت اهل قبور

مردگان خبردار وشاد می شوند

1. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «به زیارت اموات بروید که خبردار می شوند واز رفتن شما شاد وخوشحال شده وبه شما اُنس می گیرند. هنگامی که به نزدیک قبرشان رفتید بگویید: اَللّٰهُمَّ جافِ الْاَرْضَ عَنْ

1- کافی، ج 3، ص 195، ح 4؛ تهذیب، ج 1، ص 336، ح 922.

2- ترجمه: «(این کار را در حالی انجام می دهم که) ایمان به تو دارم ومعتقدم که روزی همه مردگان را زندهمی کنی واین همان است که خدا ورسولش به ما وعده داده اند».

3- کافی، ج 3، ص 198، ح 2؛ تهذیب، ج 1، ص 338، ح 926.

4- کافی، ج 3، ص 227، ح 2 و4.

جُنُوبِهِمْ وَصاعِدْ اِلَیْکَ اَرْواحَهُمْ وَلَقِّهِمْ مِنْکَ رِضْواناً وَاَسْکِنْ اِلَیْهِمْ مِنْ رَحْمَتِکَ ما تَصِلُ بِهِ وَحْدَتَهُمْ وَتُؤْنِسُ بِهِ وَحْشَتَهُمْ، اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ». (1)

2. در روایتی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام نزد قبر یکی از شیعیان ایستاد واین دعا را خواند: «اَللّهُمَّ ارْحَمْ غُرْبَتَهُ وَصِلْ وَحْدَتَهُ وَآنِسْ وَحْشَتَهُ وَآمِنْ رَوْعَتَهُ وَاَسْکِنْ اِلَیْهِ مِنْ رَحْمَتِکَ ما یَسْتَغْنِی بِها عَنْ رَحْمَهِ مَنْ سِواکَ وَاَلْحِقْهُ بِمَنْ کانَ یَتَوَلّاهُ». (2)

3. در روایات آمده است که مستحبّ است به هنگام زیارت قبور هر یک از سوره های حمد، ناس، فلق، توحید وآیه الکرسی سه مرتبه وسوره قدر هفت مرتبه خوانده شود. (3)

ثواب زیارت اهل قبور

1. در احادیث معتبر آمده است که هر کس به زیارت قبر مؤمنی رود ورو به قبله دست بر قبرش بگذارد وهفت مرتبه سوره (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ) را بخواند، از ترس ووحشت عظیم روز قیامت در امان خواهد بود. (4)

2. ودر روایتی دیگر آمده است که خداوند او وصاحب قبر هر دو را بیامرزد. (5)

1- ترجمه: «بار خدایا، قبر آنان را گشاده گردان وروحشان را به درگاه خود بالا ببر ورضوان وخشنودی خود راشامل حالشان کن ورحمت خود را مونس آنان ساز، تا تنهاییشان را جبران کنی وترس آنها را به آرامشمبدّل سازی ؛ زیرا تو بر هر چیزی توانایی». کتاب من لایحضره الفقیه، ج1، ص115، ح540.

2- ترجمه: «بار خدایا، بر غربتش رحم کن وتنهایی اش را از بین ببر ومونس وحشت او وامان از هراسش باشورحمت خود را همنشین او

گردان تا از رحمت غیر تو بی نیاز شود واو را به موالیانش ملحق گردان».
کامللزیارات، ص 321، باب 105، ح 12.

3- کامل الزیارات، ص 322 ذیل حدیث 12.

4- رجال کشّی، ص 564، ح 1066.

5- ثواب الأعمال، ص 236؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 115، ح 541.

3. نیز در حدیثی می خوانیم که هر کس بر سر قبر مؤمنی هفت مرتبه سوره قدر را بخواند، خداوند متعال به فرشته ای مأموریّت می دهد که در کنار قبر آن میّت عبادت کند وثواب عبادت او را برای آن میّت بنویسند وهنگامی که از قبر محشور شود، به هر صحنه وحشتناکی از صحنه های قیامت برسد خداوند متعال با آن ملک، صحنه وحشتناک را از او دور می کند تا وارد بهشت شود. (1)

4. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس بر قبرستانی بگذرد ویازده مرتبه سوره (قُلْ هُوَ اللهُ أَحَد) بخواند وثوابش را به مردگان آن قبرستان هدیه کند، به تعداد مرده های آن گورستان اجر وثواب می برد». (2)

(توجّه :) از آنجا که این کتاب مناسب ذکر احکام احتضار وغسل وکفن ونماز ودفن میّت نبود، بخش کمی از آداب آن را ذکر کردیم، تا از این جهت خالی از فایده نباشد وتفصیل آن در بحارالأنوار آمده است. (3)

1- شبیه این روایت در کافی (ج 3، ص 229، ح 9) آمده است.

2- صحیفه الرضا علیه السلام، ص 46، ح 27.

3- ر.ک: بحارالأنوار، ج 82.

فصل یازدهم: آداب مجالس

اشاره

1. فضیلت سلام کردن وآداب آن

2. فضیلت مصافحه و معانقه و روبوسی کردن

3. آداب نشستن در مجالس

4. آداب ملاقات میزبان با میهمان

5. مجالس مناسب وهمنشینان شایسته

6. آداب عطسه زدن

7. مزاح کردن، خندیدن، سخن درِ گوشی، رازداری، آداب سخن گفتن

8. آداب همنشینی وحقوق همنشینان بر یکدیگر

9. فضیلت یاد خدا در مجالس

10. رفتار حضرت رسول صلی الله علیه و آله وائمّه علیهم السلام در مجالس

11. مشورت وآداب آن

12. نامه نگاری

فضیلت سلام کردن وآداب آن

اهمیّت سلام کردن

1. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله اصحابش را به هفت چیز امر کرد: تشییع جنازه، عیادت بیماران، دعا کردن برای کسی که عطسه کند، یاری کردن مظلوم، آشکارا سلام کردن، پذیرفتن دعوت دیگران، راستگویی

در قسم. (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نشانه فروتنی آن است که با هر کس ملاقات کردی سلام کنی». (2)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس قبل از سلام سخن بگوید، پاسخش را ندهید وکسی را بر سر سفره نخوانید پیش از آنکه سلام کند». (3)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «عاجزترین مردم کسی است که از دعا کردن عاجز باشد وبخیل ترین مردم کسی است که در سلام کردن بخل ورزد». (4)

1- خصال، ج 2، ص 93، ح 2؛ بحارالأنوار، ج 104، ص 212، ح 1 و2.

2- کافی، ج 2، ص 646، ح 12.

3- خصال، ج 1، ص 72، ح 62؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 3، ح 6.

4- امالی مفید، ص 317؛ امالی طوسی، ج 1، ص 87.

5. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر مؤمنی که به گروهی

از مؤمنان سلام کند، ملائکه در پاسخش می گویند: سَلامٌ عَلَیکَ وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ اَبَدآ». (1)

حکم سلام کردن وپاسخ آن

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سلام کردن مستحب وجواب آن واجب است». (2)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه گروهی بر گروه دیگر می گذرد اگر یکی از آنها سلام کند کافی است، چنانکه اگر یک تن از گروه مقابل پاسخ دهد کافی است وبر دیگران لازم نیست پاسخ دهند». (3)

به چنین کسانی سلام نکنید

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «به سه کس نباید سلام کرد : کسی که همراه جنازه می رود، کسی که به نماز جمعه می رود، کسی که در

حمّام باشد». (4)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه داخل مسجد شدی که مردم مشغول نمازند بر آنها سلام نکن، بلکه بر حضرت رسول سلام کن وبه نماز بپرداز واگر داخل مجلسی شدی که مردم با هم سخن می گویند بر آنها

سلام کن». (5)

1- كشف الغمّه، ج 2، ص 730؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 6، ح 18.

2- كافى، ج 2، ص 644، ح 1.

3- كافى، ج 2، ص 645، ح 1.

4- كافى، ج 2، ص 645، ح 11.

5- قرب الإسناد، ص 93، ح 304.

در روایات متعدّدی آمده است که بر عدّه ای از مرتکبان گناه کبیره که نام گناهانشان در آن احادیث برده شده، سلام نکنید. (1)

بعید نیست بیشتر این روایات بدان معنی باشد که سلام کردن به این افراد فضیلت ندارد وبه خاطر راضی بودن به گناه آنها به آنها سلام نکنید، زیرا احادیث فراوانی داریم که سلام کردن به همه کس خوب است.

4. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله به زنان سلام می کرد وآنها پاسخ می گفتند. وحضرت علی علیه السلام به پیرزنان سلام می کرد واز سلام کردن به زنان جوان کراهت داشت ومی فرمود: می ترسم از (صدای) آنان لذّت ببرم وبیش از ثوابی که از سلام کردن می برم گناه کنم». (2)

نکته: این مطلب وشبیه آن به منظور تعلیم به پیروانشان است وگرنه آن بزرگواران از گناه پاک ومبرّا هستند.

آداب سلام کردن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که جواب سلام می دهد، بلند پاسخ بدهد تا سلام کننده نگوید سلام کردم وجوابم را ندادند». (3)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «با سه کس باید به صیغه جمع سخن گفت: در پاسخ کسی که عطسه می کند بگو: «یَرْحَمُکُمُ اللهُ» هر چند شخص دیگری با او نباشد، به کسی که سلام می کنی بگو: «اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ»، برای کسی که دعا می کنی بگو: «عافاکُمُ اللهُ» هر چند یک نفر باشد، زیرا ملائکه همراه این افراد هستند (علاوه بر اینکه) در نیّت، مؤمنان غایب را می توان قصد کرد». (4)

1- خصال، ج 2، ص 254، ح 9؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 9.

2- کافی، ج 2، ص 648، باب التسلیم علی النساء، ح 1؛ وج 5، ص 535، ح 3.

3- کافی، ج 2، ص 645، ح 7.

4- کافی، ج 2، ص 645، ح 10.

3. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مکروه است کسی «حَیّاکَ اللهُ» بگوید، مگر آنکه (سلام را هم به آن بیفزاید؛ مثل اینکه) «حَیّاکَ اللهُ بِالسَّلامِ» بگوید». (1)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «هرگاه کسی به تو «حَیّاکَ اللهُ بِالسَّلامِ» گفت، در جواب بگو: «فَحَیّاکَ اللهُ بِالسّلامِ وَاَحَلَّکَ دارَ الْمُقامِ»». (2)

5. نیز در روایتی فرمود: «هر کس وارد خانه اش می شود بر اهل خانه سلام کند واگر کسی در خانه نباشد بگوید: اَلسَّلامُ عَلَیْنا مِنْ رَبِّنا». (3)

6. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کسی که وارد خانه خود می شود سلام کند که باعث برکت می شود وملائکه به آن خانه اُنس می گیرند». (4)

7. در حدیثی دیگر فرمود: «هنگام ملاقات با یکدیگر سلام ومصافحه کنید وچون جدا می شوید برای یکدیگر طلب آمرزش کنید». (5)

8. در روایتی دیگر فرمود: «هنگامی که کسی از مجلسی برمی خیزد اهل مجلس را با سلام دادن وداع کند که در این صورت اگر بعد از او سخن نیکویی بگویند در ثواب آنها شریک خواهد بود واگر حرف بدی بزنند بر او گناهی نوشته نخواهد شد». (6)

9. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که زنی بر جماعتی

1- کافی، ج 2، ص 646، ح 15.

2- ترجمه: «خداوند تو را با سلامتی زنده بدارد». جواب: «خداوند تو را نیز با سلامتی زنده بدارد ودر بهشتجای دهد». خصال، ج 2، ص 431، ح 350؛ بحارالأنوار، ج 10، ص 113.

3- خصال، ج 2، ص 419؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 4، ح 10.

4- علل الشرايع، ج 2، ص 583، ح 23.

5- كافى، ج 2، ص 181، ح 11.

6- قرب الإسناد، ص 54، ح 142.

وارد شود «عَلَیْکُمُ السَّلام» واگر مردی بر جماعتی وارد شود «اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ» بگوید». (1)

10. در حدیثی دیگر فرمود: «کوچک تر به بزرگ تر، رهگذر به نشسته وجمعیّت کمتر بر جماعت بیشتر سلام کنند». (2)

11. نیز در روایتی فرمود: «سواره بر پیاده، استرسوار بر الاغ سوار، اسب سوار بر استرسوار وایستاده بر نشسته سلام کند». (3)

سلام رخصت

(مقدّمه:) از جمله اقسام سلام، سلام رخصت است وآن در جایی است که بخواهد وارد خانه کسی شود که در بیرون خانه سه مرتبه سلام می کند. اگر از داخل خانه جواب دادند وارد می شود، وگرنه سلام کننده بازمی گردد وپاسخ این سلام واجب نیست. (4)

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «رخصت طلبیدن سه مرتبه است: در مرتبه اوّل می شنوند ودر مرتبه دوم حذر می کنند ودر مرتبه سوم اگر خواستند رخصت می دهند وگرنه ساکت می مانند تا او بازگردد وخداوند متعال فرمود: ای کسانی که ایمان آورده اید، در خانه هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید (استیناس کنید) وبر اهل آن خانه سلام کنید». (5)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «استیناس، کفش بر زمین زدن وسلام کردن است، تا صاحب خانه خبردار شود». (6)

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 301، ح 1439.

2- کافی، ج 2، ص 646، ح 1.

3- کافی، ج 2، ص 646، ح 2.

4- مشکاه الأنوار، ص 194 و195.

5- سوره نور، آیه 27.

6- معانی الأخبار، ص 163.

پاداش سلام کردن

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «در بهشت چند غرفه هست که درونش از بیرون وبیرونش از درون نمایان است. کسانی از امّت من در آن سکونت خواهند داشت که به زبان نیک با مردم سخن گویند وبه مردم غذا بخورانند وآشکارا سلام کنند وهنگامی که مردم در خوابند آنها نماز شب بخوانند». وفرمود: «منظور از آشکارا سلام کردن آن است که در سلام کردن به کسی از مسلمانان بخل نورزند». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس بر ده تن از مسلمانان بگذرد وبه آنان سلام کند، ثواب آزاد کردن یک برده در نامه عملش نوشته می شود». (2)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «ثواب کسی که «اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ» بگوید، ده حسنه است واگر «سَلامٌ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَهُ اللهِ وَبَرکاتُهُ» بگوید، سی حسنه ثواب می برد». (3)

فضیلت مصافحه ومعانقه وروبوسی کردن

اشاره

فضیلت مصافحه (4) ومعانقه وروبوسی کردن

اهمّیّت مصافحه کردن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مصافحه کردن با مؤمن بهتر از مصافحه کردن با ملائکه وفرشتگان است». (5)

2. در روایتی صحیح ومعتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «کمال

1- معانی الأخبار، ص 251.

2- امالی طوسی، ج 1، ص 186.

3- کافی، ج 2، ص 645، ح 9.

4- «مصافحه»، به معنای دست یکدیگر را گرفتن، در هنگام دیدار دوستان سنّت است وباید با هر دو دستباشد (لغت نامه دهخدا).

5- کافی، ج 2، ص 183، ح 21.

تحیّت وسلام کسی که در حضر باشد مصافحه کردن (ودست دادن) وکمال تحیّت وسلام کسی که ازسفرآمده باشد،دست درگردن یکدیگرانداختن است». (1)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «حدّ مصافحه آن است که چنانچه دور درخت خرما بگردند (وبار دیگر یکدیگر را ملاقات کنند)، پس از آن مصافحه کنند». (2)

4. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه دو مؤمن از یکدیگر پنهان شوند، هر چند به سبب درختی باشد که در میان آنها فاصله انداخته باشد، هنگامی که همدیگر را می بینند مصافحه کنند». (3)

آداب مصافحه کردن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله هرگز با کسی مصافحه نکرد، مگر اینکه طرف مقابل دستش را می کشید وآن حضرت شروع به این کار نمی کرد». (4)

2. در حدیثی از امام باقر علیه السلام می خوانیم: «هر کس دستش را دیرتر بردارد، ثوابش بیشتر است». (5)

آثار دنیوی مصافحه کردن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با یکدیگر مصافحه کنید که کینه ها را از سینه ها می برد». (6)

1- کافی، ج 2، ص 646، ح 14.

2- کافی، ج 2، ص 181، ح 8.

3- کافی، ج 2، ص 181، ح 9.

4- کافی، ج 2، ص 181، ح 15.

5- کافی، ج 2، ص 181، ح 13.

6- کافی، ج 2، ص 183، ح 18.

2. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با دشمن خود نیز مصافحه کنید هر چند او نخواهد، زیرا خداوند چنین دستور داده است واین کار باعث جلوگیری از دشمنی او می شود». (1)

پاداش اُخروی مصافحه کردن

1. در روایتی معتبر آمده است که ابوعبیده گوید: همسفر امام باقر علیه السلام بودم. نخست من سوار شدم بعد آن حضرت سوار شد. هنگامی که هر دو در کجاوه نشستیم حضرت با من سلام واحوالپرسی کرد، همانند دو تن که مدّتی همدیگر را ندیده اند، سپس با من مصافحه کرد. هنگام پیاده شدن، نخست حضرت پیاده شد بعد من. ایشان سلام کرد واحوال مرا پرسید، مانند دو تن که مدّت ها یکدیگر را ندیده اند. عرض کردم: ای پسر رسول خدا، این چه کاری است که انجام می دهید؟ در محلّ ما چنین نمی کنند. حضرت فرمود: «مگر نمی دانی مصافحه کردن چقدر ثواب دارد؟ هنگامی که دو مؤمن با یکدیگر ملاقات ومصافحه کنند، گناهان آنها می ریزد همان گونه که برگ درخت ریزش می کند وخداوند متعال تا زمانی که از یکدیگر جدا نشده اند با نظر رحمت به آنها می نگرد». (2)

2. در روایتی معتبر می خوانیم که ابوحمزه گوید: در سفر با امام باقر علیه السلام هم کجاوه بودم. هنگامی که از کجاوه پایین آمد وبارها را به زیر آوردیم، حضرت اندکی راه رفت، سپس دست مرا گرفت وبه سختی فشرد. عرض کردم: من اکنون در کجاوه با شما بودم. فرمود: «مگر نمی دانی که هرگاه مؤمن اندکی حرکت کند، سپس دست برادر مؤمنش را بگیرد (وبا وی مصافحه کند) خداوند به آنها نظر لطف کرده ورحمتش را به سوی آنها روانه می گرداند وبه گناهانشان دستور

1- خصال، ج 2، ص 428؛ بحارالأنوار، ج 10، ص 111.

2- کافی، ج 2، ص 180، ح 1.

می دهد که از آنان فرو ریزد، به گونه ای که وقتی از هم جدا می شوند هیچ گناهی برایشان باقی نمی ماند». (1)

3. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که با برادران مؤمن ملاقات می کنید با آنها مصافحه کرده وخوشحالی وسرور خود را برای آنها ابراز کنید. در این صورت، وقتی که از همدیگر جدا شوید هیچ گناهی برای شما نمی مانَد». (2)

4. در روایتی دیگر فرمود: «ثواب شما در مصافحه کردن، همانند ثواب جهاد در راه خداست». (3)

معانقه (به هنگام ملاقات دست در گردن یکدیگر کردن)

1. در حدیث است که اسحاق بن عمّار صیرفی می گوید در کوفه ساکن بودم وشیعیان بسیاری نزد من می آمدند. از شهرت وعواقب آن ترسیدم. به خادم دستور دادم که هر کس به سراغ من آمد بگو اینجا نیست. همان سال به حج مشرّف شدم. هنگامی که خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم آن حضرت را ناخشنود یافتم. عرض کردم: فدایت شوم چه چیز باعث ناراحتی شما شده است؟ فرمود : «آنچه که باعث تغییر رفتار تو (با مؤمنین) شده است». عرض کردم: فدایت شوم از شهرت وعواقب آن ترسیدم؛ خدا می داند که چقدر مؤمنین را دوست می دارم. حضرت فرمود: «ای اسحاق، از رفت وآمد مؤمنان ناراحت نباش، زیرا هنگامی که مؤمنی با مؤمن دیگر برخورد کند وبه او مرحبا بگوید، خداوند تا روز قیامت برایش مرحبا می نویسد وچون با او مصافحه کند، خداوند متعال میان دو انگشت

1- کافی، ج 2، ص 180، ح 7.

2- خصال، ج 2، ص 427؛ بحارالأنوار، ج 10، ص 111.

3- ثواب الأعمال، ص 218.

ابهام آنها صد رحمت می فرستد که نودونه تای آن از آنِ کسی است که دیگری را بیشتر دوست می دارد. سپس رحمت الهی به سوی آنها روی می آورَد وهر کس دیگری را بیشتر دوست داشته باشد سهم بیشتری از رحمت الهی نصیبش می شود. وهنگامی که دست در گردن یکدیگر اندازند، غرق رحمت الهی می شوند. وچنانچه برای جلب رضایت خدا با یکدیگر باشند وغرض دنیوی نداشته باشند، به آنها خطاب می رسد که شما را آمرزیدم، اعمالتان را از نو شروع کنید. وچون احوال یکدیگر را بپرسند وبا هم سخن گویند، ملائکه به هم می گویند: دور شوید، می خواهند از حال یکدیگر جویا شوند که خداوند بر ملائکه پوشانیده است. اسحاق می گوید: از حضرت پرسیدم بنابراین، سخنانی که با هم می گویند ملائکه نمی نویسند؟ حضرت آه بلندی کشید وگریست. چندان گریه کرد که آب دیدگان مبارکش بر روی محاسنش روان شد وفرمود : «ای اسحاق، خداوند به ملائکه دستور داده است هرگاه دو مؤمن یکدیگر را

ملاقات کنند به احترامشان از آنها دور شوند. واگرچه ملائکه نمی نویسند امّا خداوندی که از احوال آنها خبر دارد واز پنهان وآشکار وحتّی آنچه در سینه ها وذهن آنها خطور می کند باخبر است ومی داند که آنان چه می گویند. ای اسحاق، از خداوند بترس چنان که گویی او را می بینی، اگر تو او را نمی بینی او تو را می بیند. واگر گمان کنی که او تو را نمی بیند کافر شده ای واگر می دانی که او تو را می بیند وگناهان را از مردم پنهان ونزد او آشکار می کنی، او را از همه کس بی ارزش تر شمرده ای». (1)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر مؤمنی که به قصد دیدار برادر مؤمنش از خانه خارج شود وحقّ او را بشناسد، خداوند متعال در مقابل هر گامی، حسنه ای در نامه اعمالش نوشته وگناهی از گناهانش را محو کرده

1- ثواب الأعمال، ص 176.

ودرجه ای بر درجاتش می افزاید. وهنگامی که به در خانه او برسد ودر خانه اش را بکوبد، درهای آسمان برای او گشوده می شود. وزمانی که با یکدیگر ملاقات ومصافحه کرده ودست در گردن یکدیگر کنند، خداوند متعال رحمتش را به سوی آنها روانه می کند وبه سبب آنها بر ملائکه مباهات می کند وبه آنها می فرماید: «به این دو بنده من که به دیدار یکدیگر شتافته وبرای رضای من با یکدیگر دوستی برقرار کرده اند، نگاه کنید. بر من لازم است پس از این، آنها را عذاب نکنم». وهنگامی که از ملاقات دوست مؤمنش بازگردد، به تعداد نفس ها وگام ها وسخنانش، فرشتگانی مأمور محافظت از وی می شوند تا او را از بلاهای دنیا وآخرت تا روز بعد در همین ساعت حفظ کنند. واگر در این میان بمیرد از حساب قیامت نجات پیدا می کند. وچنانچه مؤمنی که به ملاقات او رفته نیز حقّ او را بشناسد وحرمت او را نگاه دارد، همین ثواب را خواهد داشت». (1)

روبوسی کردن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شما شیعیان نوری در پیشانی دارید که به سبب آن، شما را در دنیا می شناسند. هنگامی که با یکدیگر ملاقات کنید محلّ آن نور از پیشانی یکدیگر را ببوسید». (2)

2. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس خویشان خود را به سبب خویشاوندی ببوسد اشکالی ندارد. ونسبت به برادر مؤمن، دو طرف صورت آنها را ببوسد. ودر مورد امام، میان دو چشمش را ببوسد». (3)

3. در حدیثی امام صادق علیه السلام فرمود: «بوسیدن دهان شایسته نیست، مگر

1- کافی، ج 2، ص 183، ح 1.

2- كافى، ج 2، ص 185، ح 1.

3- كافى، ج 2، ص 185، ح 5.

نسبت به همسر وفرزندان». (1)

4. در روایتی دیگر فرمود: «بوسیدن دست کسی شایسته نیست، مگر پیامبر یا وصیّ پیامبر». (2)

5. نیز در حدیثی فرمود: «سر ودست کسی را نباید بوسید، مگر سر ودست رسول خدا صلی الله علیه و آله یا کسی که منظور از بوسیدن سر ودستش، حضرت رسول صلی الله علیه و آله باشد». (3)

نکته: احتمال دارد که ذیل روایت مخصوص ائمّه معصومین علیهم السلام باشد، ولی احتمال قوی تر آن است که شامل سادات وعلما هم بشود، زیرا این دو گروه را ازآن رو تعظیم می کنند که فرزندان آن حضرت یا حافظ علوم ومروّج دین او هستند.

آداب نشستن در مجالس

رفتن به مجلسی بدون دعوت

در حدیثی می خوانیم که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله خطاب به علی علیه السلام فرمود : هشت گروه اگر خوار شوند، جز خود نباید کسی را سرزنش کنند :

کسی که بر سر سفره ای حاضر شود که دعوت نشده است.

میهمانی که به صاحب خانه زور بگوید.

کسی که از دشمنانش طلب خیر کند.

هر که از لئیم وبخیل طلب خیر کند.

کسی که خود را وارد رازی کند که میان دو تن پنهان است؛ بدون رضایت آنها.

هر که به حاکمی توهین کند.

1- کافی، ج 2، ص 186، ح 6.

2- کافی، ج 2، ص 185، ح 3.

3- کافی، ج 2، ص 185، ح 2.

کسی که در مکانی از مجلس بنشیند که سزاوار او نباشد.

هر که با کسی سخن گوید که به سخن او گوش نمی کند». (1)

آداب ورود به مجلس و نشستن

1. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله در بیشتر اوقات رو به قبله می نشست». (2)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هرگاه حضرت رسول صلی الله علیه و آله وارد مجلس می شد، هرجا که به درگاه نزدیک تر بود می نشست». (3)

3. در حدیث است که امام صادق علیه السلام در منزل خود نزدیک درگاه رو به قبله می نشست. (4)

4. در حدیثی معتبر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرگاه کسی به خانه دیگری برود، هرجا که صاحب خانه تعیین می کند بنشیند، زیرا صاحب خانه نیک وبد خانه اش را بهتر می شناسد». (5)

5. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «از نشانه های فروتنی آن است که انسان راضی شود به نشستن در جایی که پایین تر از جایگاه شایسته اوست وبه هر کس برسد سلام کند ومجادله را ترک گوید - هر چند حق با او باشد - ودوست نداشته باشد او را به پرهیزگاری ستایش کنند». (6)

6. از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس راضی

1- خصال، ج 2، ص 175، ح 9؛ بحارالأنوار، ج 75، ص 371، ح 12.

2- کافی، ج 2، ص 661، ح 4؛ بحارالأنوار، ج 16، ص 240.

3- مکارم الأخلاق، ص 26.

4- كافى، ج 2، ص 662، ح 9.

5- قرب الإسناد، ص 73، ح 212؛ بحارالأنوار، ج 75، ص 465، ح 5.

6- الجعفريات، ص 149.

شود به نشستن در جایی که مناسبِ شرف او بالاتر از آن باشد، خدا وملائکه پیوسته بر او درود می فرستند تا برخیزد». (1)

7. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه انسان وارد مجلسی شود که مردم در جای خود نشسته اند، اگر کسی از جای خود برخاست وبه او تعارف کرد که در جایش بنشیند اجابت کند که آن کرامتی است که به او شده است. واگر کسی برای او جا باز نکرد، هرجا که وسیع تر است بنشیند». (2)

8. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سزاوار نیست مؤمن بنشیند مگر پایین تر از گروهی که نشسته اند، زیرا ایجاد مزاحمت برای مردم نشانه سبکی عقل است». (3)

9. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مبادا بر سر راه بنشینید». (4)

جایگاه صدر مجلس

از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که این سه خصلت یا یکی از آنها در او نباشد ودر صدر مجلس بنشیند، نادان است: هر چه بپرسند بتواند پاسخ دهد، هنگامی که دیگران در اظهار نظر ناتوان شوند او قادر بر بیان حق باشد، بتواند هر کس را به آنچه صلاح اوست راهنمایی کند». (5)

آداب و روش های نشستن

1. در روایت است که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله به سه روش می نشست: گاه

1- تحف العقول، ص 486؛ بحارالأنوار، ج 75، ص 466، ح 12.

2- امالى طوسى، ج 2، ص 7؛ بحارالأنوار، ج 75، ص 464، ح 3.

3- امالى طوسى، ج 1، ص 310؛ بحارالأنوار، ج 75، ص 464، ح 2.

4- امالى طوسى، ج 1، ص 7؛ بحارالأنوار، ج 75، ص 465، ح 6.

5- تحف العقول، ص 389؛ اصول كافى، ج 1، ص 19.

زانوها را از زمین برداشته، دست ها را بر پایین زانوان گذاشته ومچ یک دست را با دست دیگر می گرفت، گاه دو زانو می نشست، گاه یک پا را بر پای دیگر می نهاد وهرگز چهار زانو نمی نشست». (1)

2. در حدیث است که ابوحمزه می گوید: امام زین العابدین علیه السلام در حالی که یک پا را بر بالای ران دیگر گذاشته بود فرمود: «مردم این گونه نشستن را خوب نمی دانند ومی گویند: این نشستن پروردگار است». حضرت فرمود: «من برای ناچاری چنین نشسته ام وخداوند ناچار نیست، همان گونه که کسالت وخواب بر اوعارض نمی شود، زیرا جسم نیست ونشستن در مورد خدا تصوّر نمی شود». (2)

3. در روایتی دیگر می خوانیم که حضرت صادق علیه السلام پای راست را بر روی ران پای چپ گذاشته بود. (3)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی را که در جای تنگ چهارزانو بنشیند انسان نشمار». (4)

5. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کسی که در میان جماعتی می نشیند، نباید لباسش را از ران خود دور کند». (5)

6. در چندین حدیث آمده است که: «احتبا دیوار عرب هاست. (6) » (7)

1- کافی، ج 2، ص 661، ح 4.

2- کافی، ج 2، ص 661، ح 2.

3- کافی، ج 2، ص 661، ح 5؛ بحارالأنوار، ج 48، ص 47، ح 72.

4- محاسن، ص 11، ح 35.

5- خصال، ج 2، ص 423؛ بحارالأنوار، ج 10، ص 108.

6- منظور این است که عرب در مواردی که کنار دیوار نمی نشیند ونمی تواند برای تکیه زدن از دیوار استفادهکند، به روش خاصّی می نشیند که او را از تکیه زدن بر دیوار بی نیاز می کند وآن روش را احتبا می گویند. بدینصورت که ساق دو پا را به شکم نزدیک می کند وپیراهن را روی بدن وساق پاها می کشد ومی نشیند. وبدینترتیب از تکیه زدن به دیوار بی نیاز می شود (اصول کافی، ج 2، ص 662، پاورقی).

7- کافی، ج 2، ص 662، ح 2 و3.

7. در حدیثی موثّق می خوانیم که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: احتبا چه حکمی دارد؟ فرمود: «اگر عورت نمایان نشود اشکالی ندارد». (1)

8. در روایتی دیگر فرمود: «جایز نیست مرد در برابر کعبه احتبا کند». (2)

9. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «سزاوار است بین کسانی که در تابستان در مکانی نشسته اند به مقدار یک وجب فاصله باشد، تا از گرما اذیّت نشوند». (3)

آداب ملاقات میزبان با میهمان

اهمّیّت میهمان داری

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس برادر مؤمنش میهمانش شود واو را گرامی بدارد، گویی خداوند را گرامی داشته است». (4)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر گونه ملاطفت ومهربانی که انسان با برادر مؤمنش کند، خداوند آن را از خدمه بهشت کرامت فرماید». (5)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس به سبب سخنی که از روی لطف به برادر مؤمنش می گوید به او اکرام کند وغمی از وی برطرف کند، تا زمانی که مشغول این اکرام است پیوسته در سایه رحمت الهی باشد». (6)

1- کافی، ج 2، ص 663، ح 4.

2- کافی، ج 2، ص 663، ح 5.

3- کافی، ج 2، ص 662، ح 8.

4- کافی، ج 2، ص 206، ح 3.

5- کافی، ج 2، ص 206، ح 4.

6- کافی، ج 2، ص 206، ح 5.

وظایف میزبان

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «حقّ میهمان آن است که میزبان به هنگام ورود وخروج، مقداری او را همراهی (وبدرقه واستقبال) کند». (1)

2. در روایتی دیگر فرمود: «هنگامی که میهمان داخل خانه شود حاکم بر صاحب خانه است تا زمانی که بیرون رود. (بنابراین) آنچه می گوید صاحب خانه باید بپذیرد». (2)

3. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «برخاستن برای تعظیم مکروه است، مگر برای کسی که برای دین - مانند علم وصلاح ونیکی (وایمان وتقوا) - او را تعظیم کنند». (3)

4. از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اکرام نکن کسی را به چیزی که بر او دشوار باشد». (4)

گرامیداشت بزرگسالان

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سه گروهند که - جز منافق - کسی جاهل به حقّ آنها نیست: کسی که در اسلام ریشش سفید شده باشد (بزرگسالان)، کسی که حامل لفظ یا معنای قرآن بوده باشد، امام عادل». (5)

2. در حدیثی فرمود: «تعظیم پیران، تعظیم خداوند است». (6)

1- کافی، ج 2، ص 659، باب حقّ الدخل، ح 1.

2- کافی، ج 2، ص 659، باب حقّ الدخل، ح 2.

3- محاسن، ص 233، ح 186.

4- تحف العقول، ص 489؛ بحارالأنوار، ج 75، ص 141، ح 6.

5- کافی، ج 2، ص 658، ح 4.

6- کافی، ج 2، ص 658، ح 6.

ردّ احسان ممنوع

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که دو تن به خانه حضرت علی علیه السلام رفتند. حضرت برای هر کدام از آنها بالشی نهاد. یکی بر روی آن نشست ودیگری خودداری کرد. حضرت فرمود: «بر روی آن بنشین که کرامت را جز درازگوشان رد نمی کند». سپس به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرگاه کسی که نزد قوم خود گرامی است مهمان شما شود او را گرامی بدارید». (1)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر که را اکرام کنند ومقدمش را گرامی دارند، نباید اکرام را رد کند که کرامت را رد نمی کند مگر درازگوش». (2)

3. در چندین حدیث آمده است که از امام رضا علیه السلام پرسیدند: اینکه کرامت را نباید رد کرد منظور چه اموری است؟ فرمود: در مجلسی جایی برایش بگشایند، یا عطر خوشی برایش بیاورند، یا بالشی برایش بگذارند ومانند این موارد از کرامت ها». (3)

پاداش پذیرایی از مؤمن

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس به گروهی از مسلمانان خدمت کند، خداوند متعال به تعداد آنان به او خدمتکار بهشتی کرامت می فرماید». (4)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که تحفه ای برای مؤمنی بیاورد، مثل بالش یا متّکا، یا غذا، یا لباس، یا سلامی به او کند، بهشت آماده

1- کافی، ج 2، ص 659، ح 1.

2- قرب الإسناد، ص 91، ح 294؛ بحارالأنوار، ج 75، ص 140، ح 1.

3- معانى الأخبار، ص 163.

4- كافى، ج 2، ص 206، ح 4.

می شود که پاداشش دهد. خداوند متعال وحی کند که من طعام بهشت را بر اهل دنیا حرام کرده ام، مگر نسبت به پیامبر یا وصیّ پیامبر. امّا هنگامی که روز قیامت فرا رسد خداوند به بهشت خطاب می کند: «امروز پاداش تحفه های آنها را بده!» سپس غلامان وکنیزانی با طبق هایی که دستمال هایی از مروارید بر روی آن کشیده شده از بهشت بیرون آمده، نزد آنان می روند. امّا هنگامی که آنها به جهنّم وعذاب های آن وبهشت وآنچه در آن است نگاه می کنند (از شدّت وحشت) هوش از سرشان می رود وچیزی از آن غذاها نمی خورند. پس منادی آنها را از زیر عرش ندا کند که خداوند جهنّم را بر کسی که از طعام های بهشتی بخورد حرام کرده است.دراین هنگام دست درازمی کنندوازغذاهای بهشتی می خورند». (1)

مجالس مناسب وهمنشینان شایسته

همنشینی

اهمّیّت همنشین

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «انسان بر دین دوست وهمنشین خود است». (2)

2. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت عیسی علیه السلام فرمود: «اخلاق همنشین بد به انسان سرایت کرده واو را هلاک می کند. پس مراقب باش که با چه کسی همنشین می شوی». (3)

3. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «نگاه کنید با چه کسی سخن می گویید ومصاحبت می کنید که همنشینان هر کس را به هنگام مرگ به او نشان می دهند، اگر انسان های صالح وخوبی باشند از همنشینی آنها شاد می شود

1- کافی، ج 2، ص 207، ح 7.

2- کافی، ج 2، ص 375، ح 3؛ امالی طوسی، ج 2، ص 132.

3- کافی، ج 2، ص 640، ح 4.

واگر بد باشند غمگین می گردد». (1)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دوستی نیکان با نیکان، ثوابی است برای نیکان. وعلاقه انسان های بد به نیکان، فضیلتی برای نیکان است. ودشمنی بدان با نیکان، زینتی برای نیکان محسوب می شود. ودشمنی نیکان با بدان، موجب خفّت وخواری بدان است». (2)

همنشینان خوب

هر که عیب تو را گوید

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از کسی که تو را (با نصایح لازم) می گریاند پیروی کن که خیرخواه تو است واز کسی که تو را (با تملّق وچاپلوسی) می خنداند ودرصدد فریب دادن تو است دوری کن». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بهترین برادران دینی نزد من کسی است که عیوب مرا به من هدیه کند». (4)

همنشینی با کسانی که تو را به یاد خدا آورند

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با افراد کهنه کار وپرتجربه مصاحبت ومجالست کن واز همنشینی با افراد تازه کار بپرهیز که برای آنها عهد وامانت ووفایی نیست. واز همه کس حذر کن، هر چند به آنها اعتماد بسیار داشته باشی». (5)

1- کافی، ج 2، ص 638، ح 3.

2- کافی، ج 2، ص 640، ح 6.

3- محاسن، ص 603، ح 32؛ کافی، ج 2، ص 638، ح 2.

4- کافی، ج 2، ص 639، ح 5.

5- کافی، ج 2، ص 638، ح 4.

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «حواریّون به حضرت عیسی علیه السلام گفتند: با چه کسی همنشینی کنیم؟ فرمود: با کسی که دیدنش خدا را به یاد شما آورَد وسخن گفتنش بر علم شما بیفزاید وکردارش شما را به آخرت سوق دهد». (1)

3. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در مجالسی شرکت کن که در آن مجالس یاد خدا شود». (2)

4. در حدیثی آمده است که حضرت لقمان به پسرش گفت: «فرزندم، با دیده بصیرت به مجالس نگاه کن. اگر جماعتی در آن مجلس بودند که یاد خدا می کنند با آنها مصاحبت کن، زیرا اگر تو عالم باشی از همنشینی آنها بهره علمی خواهی برد وبر علم تو افزوده خواهد شد. واگر جاهل باشی به تو علم می آموزند. وشاید خداوند رحمتی بر آنان فرستد وتو را هم فرا گیرد». (3)

همنشینی با اهل دین ومعرفت

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک جلسه همنشینی با کسی که به او اعتماد داشته باشم، از یک سال عبادت برای من بهتر است». (4)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «همنشینی با مردم دیندار، شرف دنیا وآخرت است». (5)

3. در حدیث است که امام زین العابدین علیه السلام به فرزندانش می فرمود: «با اهل دین ومعرفت همنشینی کنید واگر چنین همنشینانی نیابید، تنهایی مونس

1- کافی، ج 1، ص 39، ح 3؛ اعلام الدّین، ص 272.

2- امالی طوسی، ج 2، ص 7.

3- کافی، ج 1، ص 39، ح 1؛ علل الشرایع، ج 2، ص 394، ح 9.

4- کافی، ج 1، ص 39، ح 5.

5- کافی، ج 1، ص 39، ح 4.

مناسب تر وسالم تری است واگر ناچار باشید از همنشینی با مردم، با انسان های بامروّت نشست وبرخاست کنید که آنان در مجالس خود بدگویی نمی کنند». (1)

همنشینان بد

اصحاب بدعت، احمقان وجاهلان

1. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با اهل بدعت همنشینی نکنید که در نزد مردم همانند آنها خواهید بود». (2)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «مبادا با احمق همنشین شوی، زیرا هنگامی که از او راضی تری، خطر رنجانیدن وضررش بیشتر است». (3)

3. از حضرت کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مصاحبت با عالم در زمین آلوده، از همنشینی با جاهل بر روی فرش های نیکو بهتر است». (4)

4. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «حکیم ترین مردم کسی است که از همنشینی با جاهلان بپرهیزد». (5)

زینت دهنده گناه وانسان های بد

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بدترین همنشینان تو کسی است که معصیت خدا را در نظر تو زینت دهد». (6)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «همنشینی با بدان، موجب گمان بد بردن در حقّ نیکان است». (7)

1- بحارالأنوار، ج 71، ص 196، ح 27.

2- کافی، ج 2، ص 642، ح 10.

3- کافی، ج 2، ص 642، ح 11.

4- کافی، ج 1، ص 39، ح 2.

5- معانی الأخبار، ص 196؛ امالی صدوق، ص 21.

6- معانی الأخبار، ص 198؛ امالی طوسی، ج 2، ص 50.

7- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 53، ضمن حدیث 204.

توانگران خدانشناس

1. در روایتی صحیح ومعتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «مراقب باش با کسی که منفعت دینی برای تو ندارد همنشینی نکن ودر سخن گفتن با وی رغبت نکن». (1)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با توانگران همنشینی نکن، زیرا انسان پیش از مجالست با آنان تصوّر می کند که خداوند نعمت فراوانی به او داده، امّا قبل از برخاستن گمان می کند که خدا هیچ نعمتی به او نداده است». (2)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «چهار چیز دل را می میراند: گناه بعد از گناه، بسیار سخن گفتن با زنان، مجادله کردن با احمق به گونه ای که تو گویی واو گوید وبه حق بازنگردد، همنشینی با مردگان. پرسیدند : ای رسول خدا، مردگان کیانند؟ فرمود: هر توانگری که خدا را فراموش کند». (3)

فاجر وپست

1. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای مسلمان سزاوار نیست که با فاجر واحمق ودروغگو برادری کند». (4)

2. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «همنشینی با سه کس دل را می میراند: نشستن با مردم پست، سخن گفتن (زیاد) با زنان، نشستن با توانگران». (5)

1- قرب الإسناد، ص 58، ح 157؛ بحارالأنوار، ج 74، ص 191، ح 5.

2- امالی صدوق، ص 253، ح 3؛ بحارالأنوار، ج 74، ص 194، ح 21.

3- خصال، ج 1، ص 214، ح 58؛ بحارالأنوار، ج 2، ص 128، ح 10.

4- کافی، ج 2، ص 375، ح 5.

5- کافی، ج 2، ص 641، ح 8.

دروغگو، فاسق، بخيل، قاطع رحم، متّهم

1. از زين العابدين امام سجّاد عليه السلام روايت شده است كه فرمود: «با پنج گروه مصاحبت نكن وهم كلام نشو :

دروغگو كه با دروغ هايش همچون سراب دور را براى تو نزديک ونزديک را در نظر تو دور مى كند.

فاسق كه تو را به طعامى وحتّى كمتر از آن مى فروشد.

بخيل كه به هنگام نياز واوج احتياج، كمک مالى به تو نمى كند.

احمق كه اگر بخواهد سودى به تو برساند ضرر مى زند.

قاطع رحم كه خداوند متعال در سه جاى قرآن او را نفرين كرده است: (فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِی الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ * أُوْلَئِکَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعْمَى أَبْصَارَهُمْ. (1) وَالَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهْدَ اللهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ

اللهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِی الْأَرْضِ أُوْلَئِکَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ. (2) الَّذِينَ

يَنقُضُونَ عَهْدَ اللهِ مِن بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِی الْأَرْضِ أُوْلَئِکَ هُمُ الْخَاسِرُونَ)». (3)

2. از حضرت رسول صلى الله عليه و آله روايت شده است كه فرمود: «سزاوارترين مردم به متّهم شدن، كسى است كه با اهل تهمت همنشين باشد». (4)

1- ترجمه: «اگر (از اين دستورها) رويگردان شويد، جز اين انتظار مى رود كه در زمين فساد وقطع پيوندخويشاوندى كنيد؟! آنها كسانى اند كه خداوند

از رحمت خویش دورشان ساخته، گوش هایشان را کروچشمانشان را کور کرده است». سوره محمّد، آیات 22 و 23.

2- ترجمه: «آنها که عهد الهی را پس از محکم کردن می شکنند وپیوندهایی را که خدا دستور به برقراری آنداده قطع می کنند ودر روی زمین فساد می نمایند، لعنت برای آنهاست ؛ وبدی (ومجازات) سرای آخرت».سوره رعد، آیه 25.

3- ترجمه: (فاسقان) کسانی (هستند) که پیمان خدا را پس از محکم ساختن آن می شکنند؛ وپیوندهایی راکه خدا دستور داده برقرار سازند، قطع نموده ودر روی زمین فساد می کنند؛ اینها زیانکارانند». (سوره بقره،آیه 27) کافی، ج 2، ص 376، ح 7.

4- معانی الأخبار، ص 196؛ امالی صدوق، ص 21.

بی وفا، ناسپاس، رازندار، قدرنشناس علم

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چهار چیز ضایع می شود : محبّت به انسان بی وفا، نیکی به انسان ناسپاس، آموزش دادن علم به کسی که گوش فرا ندهد، سپردن راز به کسی که رازدار نیست». (1)

همنشینان پدر

از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سزاوار است انسان دوستان پدر را نگاه دارد که نیکی به آنها همانند نیکی به پدر است». (2)

حدّ همنشینی وحقّ آن

1. در حدیث است که حضرت لقمان به پسرش گفت: با آشنایان زود نزدیک (وخودمانی) نشو که منتهی به جدایی می گردد واز آنها نیز دوری نکن که خوار می شوی. به کسانی نیکی کن که خواهان نیکی باشند. وهمان گونه که میان گرگ ومیش دوستی تصوّر نمی شود میان نیک کردار وبدکردار دوستی نیست. هر کس نزدیک غیر رود حتماً با او مرتبط می شود، همان گونه که هر کس با شخص بدکردار مصاحبت کند بدی های او را فرا می گیرد. وهر کس با مردم مجادله وپرخاش کند، دشنام می شنود. وهر کس داخل مجالس بد شود به او تهمت می زنند. وهر کس با همنشین بد بنشیند از بدی سالم نمی ماند. وهر کس زبانش را کنترل نکند همواره پشیمان می شود». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که برادر مؤمنش را بر

1- خصال، ج 1، ص 240، ذيل ح 128؛ بحارالأنوار، ج 2، ص 67، ح 10.
2- بحارالأنوار، ج 71، ص 195، ح 26.
3- كافى، ج 2، ص 642، ح 9.

امری که مورد کراهت وتنفّر اوست ببیند وتوانایی داشته باشد که مشکل او را حل کند ونکند، در ادای حقّ برادری خیانت کرده است. وهر که از همنشینی با احمق دست بکشد، به زودی اخلاق نیک او بازمی گردد». (1)

مجالس خوب وبد

مجالس شایسته

از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دانایان در زمان گذشته می گفتند سزاوار است رفت وآمد به یکی از ده منظور باشد: 1. رفتن به خانه خدا برای ادای حجّ وعمره. 2. رفتن به خانه حاکمان متديّن که پیروی از آنها متّصل به اطاعت خداست وحقّشان واجب ونفعشان عظیم وضرر مخالفت کردن با آنها سخت است. 3. رفتن به خانه دانشمندانی که از آنها در علوم دین یا دنیا بتوان استفاده کرد. 4. رفتن به خانه اهل بخشش که اموال خود را به امید ثواب آخرت می دهند. 5. رفتن به خانه بی خردان که مردم در حوادث روزگار به آنها محتاج شده وبه ایشان پناه می برند. 6. رفتن به خانه اشراف وبزرگان برای طلب عزّت واحتیاج به آنان. 7. رفتن به خانه کسانی که برای مشورت وتقویت عزم واراده به افکار آنها نیاز است. 8. رفتن به خانه برادران مؤمن دینی برای ارتباط با آنها واجب ورعایت کردن حقّ ایشان لازم است. 9. رفتن به خانه دشمنانی که با مدارا کردن با آنها می توان از ضررها ودشمنی شان در امان بود. 10. رفتن به خانه جمعی که از دیدار آنها می توان آداب حسنه آموخت وبا آنها اُنس گرفت». (2)

مجالس ناشایست

1.در حدیث است که حضرت علی علیه السلام به هنگام شهادت فرمود: «از رفتن به

1- امالی صدوق، ص 270.

2- خصال، ج 2، ص 192، ح 2؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 62، ح 1.

مکان هایی که محلّ تهمت اند اجتناب کن واز شرکت کردن در مجلسی که گمان بد به انسان ببرند بپرهیز که همنشین بد، همنشین خود را فریب می دهد». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس خود را در محلّ تهمت قرار دهد، کسی را که به او گمان بد می برد سرزنش نکند». (2)

3. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از مواضع شک وتهمت بپرهیزید و(بدین رو حتّی) با مادر خود در میان راه نایستید، زیرا همه کس نمی داند که او مادر شماست». (3)

آداب عطسه زدن

اهمّیّت عطسه زدن وفلسفه آن

1. در حدیثی صحیح ومعتبر می خوانیم که حضرت رضا علیه السلام فرمود: «خمیازه کشیدن از شیطان وعطسه زدن از سوی خداوند جهانیان است». (4) (خمیازه

کشیدن سبب کسالت می شود وعطسه زدن مایه نشاط است).

2. در روایتی دیگر فرمود: «خداوند نعمت های فراوانی بر بنده اش ارزانی داشته، ولی بنده به هنگام صحّت بدن وسلامتی اعضا وجوارح، این نعمت ها را فراموش کرده وخدا را شکر نمی کند. ازاین رو، خداوند به بادی که در بدنش وجود دارد دستور می دهد که جولان پیدا کرده واز بینی اش خارج شود (وعطسه کند)، به همین علّت دستور داده شده که در این حال حمد خدا گوید که این حمد، جبران شکر آن نعمت های فراموش شده است». (5)

1- امالی طوسی، ج 1، ص 6.

2- کافی، ج 8، ص 133، ح 137.

3- السرائر، ج 3، ص 579.

4- کافی، ج 2، ص 654، ح 5.

5- کافی، ج 2، ص 654، ح 6.

3. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «عطسه زدن چیز خوبی است، زیرا انسان را به یاد خدا می اندازد وبرای بدن سودمند است». (1)

4. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «عطسه زدن بیمار، نشانه عافیت وی وراحتی بدن اوست». (2)

5. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که عطسه زند، تا هفت روز از مردن در امان است». (3)

6. در حدیثی دیگر فرمود: «عطسه متعدّد انسان را در برابر پنج بیماری ایمن می کند: خوره، لقوه (4) ، آبریزش چشم، خشونت پرهای بینی، روییدن مو

در چشم». (5)

آداب عطسه زدن

ذکر عطسه کننده

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که انسان عطسه زد این ذکر را بگوید: اَلْحَمْدُ للهِ رَبِّ الْعالَمینَ وَصَلَّی اللهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ». (6)

2. در حدیث است که امام صادق علیه السلام عطسه کرد، سپس فرمود: «اَلْحَمْدُ للهِ رَبِّ الْعالَمِینَ». (7)

3. در حدیثی می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر که در حاجتگاه عطسه

1- کافی، ج 2، ص 654، ح 8؛ مکارم الأخلاق، ص 354.

2- کافی، ج 2، ص 654، ذیل حدیث 19؛ مکارم الأخلاق، ص 356.

3- کافی، ج 2، ص 657، ذیل حدیث 23.

4- «لَقوَه» یک نوع بیماری است که در چهره انسان پیدا می شود و(بر اثر آن) لب ودهان یا فک به طرفی کجمی شود (فرهنگ عمید).

5- مکارم الأخلاق، ص 355.

6- کافی، ج 2، ص 654، ح 9.

7- کافی، ج 2، ص 655، ح 14.

کند، حمد الهی را از قلب خود بگذراند (یعنی آهسته بگوید)». (1)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی در نماز عطسه کند، «اَلْحَمْدُ للهِ» بگوید». (2)

5. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که بعد از عطسه کردن بگوید: «اَلْحَمْدُ للهِ رَبِّ الْعالَمینَ عَلی کُلِّ حالٍ» به گوش درد ودندان درد

مبتلا نشود». (3)

6. در حدیثی می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر که عطسه کرد، برای امان از دندان درد وگوش درد، حمد خدا گوید». (4)

7. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگام عطسه زدن وکشتن حیوانات، صلوات بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله لازم است». (5)

ذکر شنونده عطسه

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی عطسه زد او را دعا کنید، هر چند فاصله بسیاری در میان شما باشد». (6)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر در حال خواندن نماز متوجّه عطسه زدن کسی شدی بگو: «اَلْحَمْدُ للهِ وَصَلَّی اللهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»، هر چند در میان تو وشخصی که عطسه زده فاصله بسیاری باشد». (7)

1- قرب الإسناد، ص 77، ح 229؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 53، ح 2 و6.

2- کافی، ج 3، ص 366، ح 2.

3- کافى، ج 2، ص 655، ح 15؛ مكارم الأخلاق، ص 354.

4- کافى، ج 2، ص 656، ح 16.

5- عيون اخبار الرضا عليه السلام، ج 2، ص 124.

6- کافى، ج 2، ص 653، ح 2.

7- کافى، ج 3، ص 366، ح 3.

3. در حدیث است که مردی مسیحی عطسه زد، حضرت صادق علیه السلام به او «یَرْحَمَکَ اللهُ» گفت. (1)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «طفل نابالغی نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله عطسه زد وگفت: اَلْحَمْدُ للهِ، حضرت به او فرمود: بارَکَ اللهُ فیکَ». (2)

5. در حدیثی دیگر فرمود: «هر که صدای عطسه کسی را بشنود وحمد الهی کند وبر محمّد واهل بیتش صلوات بفرستد، به چشم درد ودندان درد مبتلا نمی شود». (3)

پاسخ عطسه کننده

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حقّ مسلمان بر برادر مسلمانش آن است که هنگام ملاقات به او سلام کند وهنگام بیماری از او عیادت کند ودر غیاب وی خیرخواه او باشد وهرگاه عطسه زند او را دعا کند. کسی که عطسه زد بگوید: «اَلْحَمْدُ للهِ رَبِّ الْعالَمینَ، لا شَریکَ لَهُ» ودیگران به او بگویند : «رَحِمَکَ اللهُ» واو در پاسخ بگوید: «یَهْدیکُمُ اللهُ وَیُصْلِحُ بالَکُمْ»». (4)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که عطسه زد بگوید: «اَلْحَمْدُ للهِ لا شَریکَ لَهُ» ودیگران در جوابش بگویند: «یَرْحَمُکَ اللهُ» واو در پاسخ بگوید : «یَغْفِرُ اللهُ لَکَ وَلَنا»». (5)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هنگامی که مسلمانی عطسه زند وبه علّتی ساکت بماند (وذکری نگوید)، ملائکه از جانب او

1- کافی، ج 2، ص 656، ح 18.

2- کافی، ج 2، ص 655، ح 12.

3- کافی، ج 2، ص 656، ح 17؛ مکارم الأخلاق، ص 353.

4- ترجمه: «خداوند شما را هدایت وقلبتان را اصلاح کند». کافی، ج 2، ص 653، ح 1.

5- کافی، ج 2، ص 655، ح 14.

می گویند: «اَلْحَمْدُ للهِ رَبِّ الْعالَمینَ» واگر این ذکر را بگوید ملائکه می گویند: «یَغْفِرُ اللهُ لَکَ»». (1)

4. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی عطسه زد به او بگویید: «یَرْحَمُکُمُ اللهُ» واو در جواب بگوید: «یَغْفِرُ اللهُ لَکُمْ وَیَرْحَمُکُمْ»». (2)

تکرار عطسه

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سه بار عطسه زدن برای بدن مفید است واگر بیش از سه بار باشد، نشانه بیماری است». (3)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه عطسه تا سه بار تکرار شود برای عطسه کننده دعا کن واگر بیشتر شود او را رها کن». (4)

حدیث جامع آداب عطسه

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سزاوار است کسی که عطسه زد انگشت شهادت بر روی بینی بگذارد وبگوید: اَلْحَمْدُ للهِ رَبِّ الْعالَمینَ وَصَلَّی اللهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرینَ، رَغْمَ اَنْفی للهِ رَغْماَ داخِراَ صاغِراَ، غَیْرَ مُسْتَنکِفٍ

وَلا مُسْتَحْسِرٍ. (5) وچنانچه دیگری عطسه زند تا سه بار یَرْحَمُکَ اللهُ بگوید واگر

بیش از سه بار شود شَفاکَ اللهُ بگوید. واگر عطسه زننده مرد مؤمن باشد یَرْحَمُکَ اللهُ

1- کافی، ج 2، ص 656، ح 19.

2- خصال، ج 2، ص 427؛ بحارالأنوار، ج 10، ص 111.

3- کافی، ج 2، ص 656، ح 20.

4- کافی، ج 2، ص 657، ح 27؛ مکارم الأخلاق، ص 354.

5- ترجمه: «حمد وسپاس مخصوص پروردگار جهانیان است. ودرود خداوند بر حضرت محمّد صلی الله علیه و آلهواهل بیت پاکش باد. بینی ام برای رضای خدا به عنوان تسلیم بر خاک است، در حالی که از این مطلباستنکاف ندارم وپشیمان نیستم».

واگر زن باشد عافاکَ اللهُ واگر بچّه باشد زَرَعَکَ اللهُ (1) واگر بیمار باشد شَفاکَ اللهُ

واگر کافر ذمّی باشد هَداکَ اللهُ واگر پیامبر یا امام باشد صَلَّی اللهُ عَلَیْکَ بگوید ودر جواب بگویند: یَغْفِرُ اللهُ لَنا وَلَکُمْ». (2)

مزاح کردن، خندیدن، سخن درِگوشی، رازداری، آداب سخن گفتن

آداب سخن گفتن

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس در میان سخن برادر مسلمان خود سخن بگوید، گویی خراشی بر صورت او وارد

کرده است». (3)

2. در حدیثی صحیح از امام صادق علیه السلام ودر حدیث دیگری از امام کاظم علیه السلام آمده است: «هرگاه سه تن در مجلسی باشند ودو تن از آنان با یکدیگر درِگوشی سخن گویند، موجب اندوه واذیّت نفر سوم است». (4)

رازداری مجالس

1. در چندین حدیث آمده است: مجالس (خصوصی) امانت است. (5) یعنی

آنچه در آن اتّفاق افتاده نباید در جای دیگر بیان شود، مگر اینکه علم به رضایت صاحبان آن داشته باشد.

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هیچ کس حق ندارد سخنی را که دوستش پنهان داشته نقل کند، مگر

1- ترجمه: «خداوند تو را رشد دهد».

2- مکارم الأخلاق، ص 355.

3- کافی، ج 2، ص 660، باب فی المناجات، ح 3.

4- کافی، ج 2، ص 660، باب فی المناجات، ح 1 و2.

5- کافی، ج 2، ص 660، باب المجالس بالأمانه، ح 1 و2.

لازم باشد، یا ذکر نیکی های آن شخص باشد». (1)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «مجالس امانت است، مگر مجالسی که در آن خون حرامی ریخته شود، یا به ناموس کسی تجاوز کنند، یا مالی را به ناحق ببرند». (2)

مزاح وشوخی کردن

اهمّیّت شوخی کردن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هیچ مؤمنی نیست، مگر اینکه در وجود او مزاح وشوخ طبعی هست». (3)

2. در حدیث است که آن حضرت از کسی پرسید: «مزاح وشوخی شما با یکدیگر در چه حدّی است؟» عرض کرد: اندک است. حضرت فرمود: «با یکدیگر مزاح کنید که نشانه خوش اخلاقی است وموجب خوشحالی برادر مؤمن می شود وبسیار اتّفاق می افتاد که حضرت رسول صلی الله علیه و آله با شخصی مزاح می کرد تا او را شاد گرداند». (4)

3. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که در میان مردم مزاح کند، خداوند او را دوست می دارد؛ البتّه تا زمانی که سخن خلاف نگوید». (5)

شوخی های ناروا

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زیاد شوخی نکنید که آبروی انسان را می بَرد». (6)

1- کافی، ج 2، باب المجالس بالأمانه، ح 3 از امام صادق علیه السلام.

2- امالی طوسی، ج 1، ص 53.

3- کافی، ج 2، ص 663، ح 2.

4- کافی، ج 2، ص 663، ح 3؛ مکارم الأخلاق، ص 21.

5- کافی، ج 2، ص 663، ح 4.

6- کافی، ج 2، ص 664، ح 8.

2. در حدیثی دیگر فرمود: «با کسی که دوستش داری مزاح ومجادله نکن». (1)

3. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مزاح نکنید که دشنام کوچک وموجب بروز کینه هاست». (2)

4.از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مزاح کردن آبروی انسان را می برد واز مهابت مردان می کاهد». (3)

5. در حدیثی دیگر فرمود: «مجادله نکن که خوبی هایت را می برد وخوش طبعی وشوخی نکن که باعث جرأت (وجسارت) مردم بر تو می شود». (4)

6. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شوخی نکن که نور ایمان را می برد وشخصیّت تو را سبک می کند». (5)

(نکته: با توجّه به روایاتی که امر به مزاح می کند روشن می شود که منظور از روایات بالا، افراط در شوخی وشوخی های همراه با بی بندوباری است).

خنده های ناروا

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خنده مؤمن باید به صورت تبسّم باشد، نه قهقهه». (6)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «خنده زیاد دل را می میراند ودین را از بین می برد همان گونه که آب، نمک را ذوب می کند». (7)

1- کافی، ج 2، ص 664، ح 9.

2- کافی، ج 2، ص 664، ح 12.

3- کافی، ج 2، ص 665، ح 16.

4- کافی، ج 2، ص 665، ح 17.

5- کافی، ج 2، ص 665، ح 19.

6- کافی، ج 2، ص 664، ح 5.

7- کافی، ج 2، ص 664، ح 6.

3. در روایتی دیگر فرمود: «خنده بسیار آبرو را می برد». (1)

4. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت داوود به حضرت سلیمان گفت: فرزندم، مبادا زیاد خنده کنی که بسیار خندیدن، انسان را در روز قیامت حقیر می کند». (2)

5. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خندیدن بی علّت (بدون آنکه جنبه معقولی داشته باشد) از نادانی است». (3)

6. در حدیثی می خوانیم که امام کاظم علیه السلام فرمود: «حضرت یحیی می گریست ونمی خندید وحضرت عیسی بن مریم می خندید وگریه می کرد وکار حضرت عیسی بهتر از کار حضرت یحیی بود». (4)

7. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «تعجّب می کنم از کسی که ایمان به جهنّم دارد چگونه می خندد». (5)

8. در روایتی می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «چه بسیار کسانی که خنده آنها در دنیا از روی لهو ولعب است، در روز قیامت گریه بسیار در پی دارند. وچه بسیار کسانی که گریه فراوان آنها در دنیا بر گناهانشان، باعث خوشحالی وخنده آنان در بهشت می شود». (6)

قهقهه زدن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «قهقهه زدن به هنگام

1- کافی، ج 2، ص 664، ح 10 و11.
2- قرب الإسناد، ج 72، ح 211؛ بحارالأنوار، ج 14، ص 35، ح 8.
3- کافی، ج 2، ص 664، ح 7.
4- کافی، ج 2، ص 665، ح 20.

5- الجعفريات، ص 237.

6- عيون اخبار الرضا عليه السلام، ج 2، ص 3، ح 6.

خندیدن از کارهای شیطان است». (1)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر زمان قهقهه زدی، پس از فراغت از آن بگو: اللّهُمَّ لا تَمْقُتْنی». (2)

توضیح: از روایات بالا ودیگر احادیث استفاده می شود که مؤمن نباید عبوس باشد، بلکه باید خندان وگشاده رو باشد. واندکی مزاح کردن اشکالی ندارد، امّا شوخی فراوان وخنده بسیار کردن مطلوب نیست وکار سفیهان وبی خردان است.

آداب همنشینی وحقوق همنشینان بر یکدیگر

اهمیّت همنشینی نیکو

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «با همسایگان خود نیکو مجاورت کن تا مؤمن باشی وبا همنشینان خود نیکو مصاحبت کن تا مسلمان باشی». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که با دوستانش همنشینی نیکو نداشته باشد وبا رفقای خود رفاقت نیکو نکند وبا کسانی که به او مهربانی کرده اند مهربانی نکند از ما نیست». (4)

3. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با منافق به زبان خوش، مدارا کن. ومحبّت قلبی ات را برای مؤمنان خالص گردان. حتّی اگر یک فرد غیر مسلمان با تو مجالست کرد، با او نیکو مجالست کن». (5)

1- کافی، ج 2، ص 664، ح 11 و12.

2- ترجمه: «بار خدایا، بر من خشم نگیر». کافی، ج 2، ص 664، ح 13.

3- امالی صدوق، ص 201، ح 13.

4- السرائر، ج 3، ص 578.

5- امالی مفید، ص 185، ح 10.

حقّ مصاحبت

در حدیث است که مفضّل می گوید خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم. فرمود : «چه کسی در مسیر سفر مصاحب وهمسفر تو بود؟» عرض کردم: شخصی از برادران مؤمن. فرمود: «چه شد؟» عرض کردم: داخل مدینه شد، ولی جایش را نمی دانم. فرمود: «مگر نمی دانی کسی که چهل قدم با کسی مصاحبت کند، خداوند در روز قیامت از حقّ او سؤال می کند؟». (1)

پرسش از نام وقبیله

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کسی که برادر مسلمان خود را دوست می دارد باید نام او ونام پدر وقبیله وخویشاوندانش را بپرسد که این از جمله حقوق لازم برادری ودوستی است. وگرنه آن دوستی، آشنایی جاهلان خواهد بود». (2)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «ناتوانی در سه چیز است: شخصی برای دیگری طعامی آماده سازد ومیهمان تخلّف کند وبه میهمانی نرود وغذا را نخورد، شخصی با کسی همنشینی کند ومعلوم نکند که کیست واز کجاست تا از یکدیگر جدا شوند، کسی که با همسرش پیش از آنکه او آمادگی لازم را پیدا کند آمیزش کند، بلکه باید صبر کند وپس از آمادگی طرفین این کار انجام شود». (3)

ترک مجادله وفراموش کردن کینه

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «با مردم منازعه نکنید که کرامت را از بین می برد ومروّت را زایل می کند. پیوسته جبرئیل نهی می کرد از

1- امالی طوسی، ج 2، ص 27.

2- کافی، ج 2، ص 671، ح 3.

3- کافی، ج 2، ص 671، ح 4.

مجادله کردن با مردم، همان گونه که از شراب خوردن وبت پرستی نهی می کرد». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کینه مؤمن در همان مکانی است که نشسته وهنگامی که از برادر دینی اش جدا شود، کینه او در سینه اش نمی ماند. وکینه کافر در تمام عمر همراهش خواهد بود». (2)

رفتار نیکو با همنشین

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حدّ نیکی اخلاق آن است که با مردم مهربانی کنی وسخن نیک بگویی وبا روی خوش با آنها رفتار کنی». (3)

2.درحدیث است که شخصی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسید وعرض کرد : مرا نصیحت کن. حضرت فرمود: «با برادر دینی ات با روی گشاده ملاقات کن». (4)

3. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پرده را از میان خود وبرادر مؤمن ات زیاد برندار که باعث برطرف شدن حیاست». (5)

روش های همنشینی نیکو

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سه چیز است که محبّت انسان را برای برادر مسلمانش خالص می گرداند: هنگام ملاقات با وی با خوشرویی وخوشحالی رفتار کند، هنگامی که نزد او می نشیند برایش جای نشستن بگشاید، به هر نامی که بیشتر دوست دارد او را بخواند». (6)

1- امالی طوسی، ج 2، ص 125 و126.

2- السرائر، ج 3، ص 634.

3- کافی، ج 2، ص 103، ح 4.

4- کافی، ج 2، ص 103، ح 3.

5- کافی، ج 2، ص 672، ح 5.

6- کافی، ج 2، ص 643، ح 3.

2. در حدیثی صحیح از حضرت کاظم علیه السلام می خوانیم که فرمود: «هنگامی که شخصی که حاضر است با کنیه صدایش بزن واگر غایب باشد نامش را بگو». (1) (باید توجّه داشت که صدا زدن با کنیه در عرف عرب نوعی احترام است، مانند صدا زدن با نام فامیل در عرف ما).

فواید وآثار همنشینی نیکو

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «با مردم مهربانی کن تا تو را دوست بدارند». (2)

2. در روایتی دیگر فرمود: «برخورد خوب وخوش با مردم، کینه را از

بین می برد». (3)

3. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس خشمش را فرو بَرد، خداوند در دنیا وآخرت بر عزّت او می افزاید». (4)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس از صورت برادر مؤمن خود گرد وغبار وخاشاکی برطرف کند، خداوند ده حسنه در نامه عملش می نویسد. وهر کس در چهره برادر مؤمن خدا تبسّم کند، خداوند برایش حسنه ای می نویسد». (5)

5. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس خاشاک ومانند آن را از برادر مؤمن خود دور کند، او در برابر آن عمل بگوید: اَماطَ اللهُ عَنْکَ

ما تَکْرَهُ». (6)

1- کافی، ج 2، ص 671، ح 2.

2- کافی، ج 2، ص 642، ح 1.

3- کافی، ج 2، ص 103، ح 6.

4- کافی، ج 2، ص 110، ح 5.

5- بحارالأنوار، ج 75، ص 140، ح 4.

6- ترجمه: «خداوند آنچه را دوست نداری از تو دور کند». خصال، ج 2، ص 430؛ بحارالأنوار، ج 10، ص 113.

6. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس خشمش را فرود بَرد در حالی که قادر بر انتقام باشد، خداوند متعال در روز قیامت دلش را مملو از آرامش وایمان می کند». (1)

7. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سه چیز از فضایل اخلاقی دنیا وآخرت محسوب می شود: بخشیدن کسی که بر تو ظلم کرده است، پیوند برقرار کردن با کسی که از تو بریده است، بردباری در برابر کسی که با تو بی خردی کرده است». (2)

اظهار محبّت کردن ورعایت عدالت

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «اظهار دوستی ومهربانی با مردم، نصف عقل است». (3)

2. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که کسی را دوست داری دوستی ات رابه اواظهارکن که باعث دوام محبّت میان شمامی شود». (4)

3. نیز در روایتی صحیح آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله حتّی نگاه خود را در میان اصحابش تقسیم می کرد وبه یک نفر بیش از دیگری نگاه نمی کرد وهرگز پای خود را در حضور اصحاب دراز نمی کرد». (5)

همنشینان بد

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «بدترین امّت من

1- کافی، ج 2، ص 110، ح 6 و7.

2- کافی، ج 2، ص 107، ح 3.

3- کافی، ج 2، ص 643، ح 4 و5.

4- کافی، ج 2، ص 644، ح 2.

5- کافی، ج 2، ص 671، ح 1.

کسانی اند که مردم از ترس بدی وشرارتشان آنها را گرامی بدارند؛ چنین کسانی از من نیستند». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «فرزند نامشروع چند نشانه دارد: دشمنی با اهل بیت علیهم السلام، علاقه به زنا، سبک شمردن دین، مردم را در حضورشان آزار دادن». (2)

3.ازامام باقر علیه السلامروایت شده است که فرمود:«مردم یامؤمن اندویاجاهل،مؤمن را نباید اذیّت کرد وبا جاهل نباید ستیزه جویی کرد، وگرنه مثل او خواهی بود». (3)

4. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «همین عیب برای انسان بس که از مردم عیوبی ببیند که از آنها نسبت به خودش چشم پوشی کند ومردم را بر چیزی سرزنش کند که خودش توان ترک آن را نداشته باشد وهمنشین خود را به چیزی آزار دهد که سودی برای او نداشته باشد». (4)

این گونه سخن نگو

در حدیث است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نهی کرد از اینکه کسی بگوید :

«لا وَحَیاتِکَ وَحَیاهِ فُلانٍ». (5)

فضیلت یاد خدا در مجالس

اهمّیّت یاد خدا

1. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «به سوی باغ های بهشت

1- خصال، ج 1، ص 69، ح 44؛ بحارالأنوار، ج 75، ص 279، ح 1.

2- معانى الأخبار، ص 400.

3- خصال، ج 1، ص 89، ح 50؛ بحارالأنوار، ج 74، ص 158، ح 7.

4- خصال، ج 1، ص 128، ح 71؛ بحارالأنوار، ج 74، ص 158، ذيل حديث 9.

5- ترجمه: «قسم به جان تو وجان فلانى». كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 4، ص 5؛ مكارم الأخلاق، ص 427.

بشتابید!» پرسیدند: باغ های بهشت کدام است؟ فرمود: «مجالس وحلقاتی که در آن یاد خدا شود». (1)

2. در چندین حدیث معتبر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر که در میان غافلان، یاد خدا را زنده کند مانند مجاهدی است که به هنگام گریختن دیگران، در راه خدا جهاد کند وثواب چنین کسی بهشت است». (2)

یاد خدا در همه جا

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خدا را در همه جا یاد کنید که او با شماست». (3)

2. در روایتی صحیح ومعتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «در تورات اصیل آمده است که حضرت موسی علیه السلام از پروردگار خود پرسید: خداوندا، مجالسی بر من می گذرد که تو را گرامی تر از آن می دانم که در چنان مجالسی ذکر تو را گویم. خداوند فرمود: ای موسی، بردن نام من وذکر یاد من در هر حالی شایسته است». (4)

ذکر پایان مجالس

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از هیچ مجلسی، هر چند کوتاه، برنمی خاست مگر اینکه بیست وپنج مرتبه استغفار می کرد. (5)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس دوست دارد در قیامت

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 293.

2- كافى، ج 2، ص 502، ح 2.

3- خصال، ج 2، ص 403، ح 46؛ بحارالأنوار، ج 93، ص 154، ح 16.

4- كافى، ج 2، ص 497، ح 8.

5- كافى، ج 2، ص 504، ح 4.

به ثواب کامل دست یابد، هنگام برخاستن از مجلس بگوید: (سُبْحَانَ رَبِّکَ رَبِّ الْعِزَّهِ عَمَّا یَصِفُونَ * وَسَلاَمٌ عَلَی الْمُرْسَلِینَ * وَالْحَمْدُ للهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ)». (1)

3. در روایتی دیگر آمده است که این ذکر، کفّاره گناهان آن مجلس است. (2)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که خداوند متعال فرمود: «ای فرزند آدم، درمجالس مردم مرایادکن،تادرمجلسی که بهتر از محفل تو باشد تو را یاد کنم». (3)

5. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس مرا در محفلی از مجالس مؤمنین یاد کند، من او را در جمع ملائکه یاد می کنم». (4)

حسرت ترک کردن ذکر خدا

1. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر مجلسی که نیکوکاران وبدکاران در آن جمع شوند ومجلس تمام شود وبرخیزند در حالی که در آن مجلس یاد خدا را نکرده باشند، آن مجلس در روز قیامت باعث حسرت وپشیمانی آنها خواهد بود». (5)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه گروهی در مجلسی گرد هم آیند ودر آن مجلس خدا را یاد نکنند وبر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات نفرستند، آن مجلس در روز قیامت موجب حسرت آنها ووبال گردنشان خواهد بود». (6)

1- ترجمه: «منزّه است پروردگار تو، پروردگار عزّت (وقدرت)، از آنچه آنان توصیف می کنند وسلام بر رسولان وحمد وستایش مخصوص خداوندی

است که پروردگار جهانیان است». (سوره صافّات، آیات 180 - 182)کافی، ج 2، ص 496، ح 3.

2- بحارالأنوار، ج 86، ص 23، ح 23.

3- کافی، ج 2، ص 498، ح 12.

4- کافی، ج 2، ص 498، ح 13.

5- کافی، ج 2، ص 496، ح 1.

6- کافی، ج 2، ص 497، ح 5.

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر گروهی که در مجلسی جمع شوند و خدا را ذکر نکنند، آن مجلس در روز قیامت مایه حسرت آنها خواهد شد». (1)

رفتار حضرت رسول صلی الله علیه و آله وائمّه علیهم السلام در مجالس

اهمیّت ذکر محمّد وآل محمّد

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ملائکه آسمان نسبت به یک یا چند تن از شیعیان که فضیلت آل محمّد را ذکر می کنند نظر دارند، سپس به یکدیگر می گویند: آیا این گروه کوچک را نمی بینید که با تعداد اندکشان وتعداد بسیار دشمنانشان، فضایل آل محمّد را ذکر می کنند؟ بعد طایفه دیگری از ملائکه در جوابشان می گویند: این فضل الهی است که به هر کس بخواهد می دهد وخداوند، صاحب فضل بزرگ است». (2)

2. در حدیث است که امام باقر علیه السلام از میسر پرسید: «شما شیعیان که با یکدیگر خلوت می کنید، آیا آنچه را از علوم اهل بیت علیهم السلام وفضایل آنان بخواهید می گویید؟» عرض کرد: آری به خدا قسم. امام فرمود: «والله دوست دارم در

چنین مجالسی با شما باشم. به خدا سوگند، بوی شما ونسیم شما را دوست می دارم. بی شک شما بر دین خدا وملائکه هستید؛ بنابراین، با پرهیز از محرّمات وتلاش برای انجام دادن طاعات وعبادات، برای شفاعت خودتان به ما کمک کنید». (3)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «مجالس خود را به ذکر

1- کافی، ج 2، ص 496، ح 1.

2- کافی، ج 2، ص 187، ح 4.

3- کافی، ج 2، ص 187، ح 5.

فضایل علی بن ابی طالب علیه السلام زینت دهید (1) که هفتاد خصلت از خصلت های پیامبران در او هست». (2)

فواید ذکر محمّد وآل محمّد علیهم السلام

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یاد ما یاد خدا ویاد دشمن ما یاد شیطان است». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال فرشتگانی دارد که در زمین گردش می کنند. هرگاه بر جماعت وگروهی بگذرند که یاد محمّد وآل محمّد می کنند به یکدیگر می گویند: توقّف کنید که به هدف خود رسیدیم. سپس می نشینند وبا آنان در اذکار آن مجلس همراه می شوند وپس از پایان جلسه وخروج حاضران، اگر شخصی از آنها بیمار شود ملائکه به عیادت او می روند وچون بمیرد در تشییع جنازه اش حضور پیدا می کنند واگر گم شود در جست وجوی او خواهند بود». (4)

3. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هیچ چیز مانند ملاقات ودیدار مؤمنین از یکدیگر به خاطر رضای خدا، شیطان ولشکریان وی را آزرده نمی کند. هنگامی که دو مؤمن با یکدیگر ملاقات کرده وخدا را یاد کنند ودر پی آن از فضایل ما یاد می کنند، هیچ گوشتی بر صورت شیطان باقی نمی ماند مگر آنکه فرو می ریزد، تا آنجا که روحش از شدّت ناراحتی به استغاثه وطلب کمک برمی آید. وبر اثر آن، ملائکه آسمان ها وخازنان بهشت اطّلاع پیدا کرده واو را

1- بشاره المصطفی، ص 73؛ بحارالأنوار، ح 38، ص 199.

2- الأنوار اللامعه فی شرح الزیاره الجامعه، ص 61.

3- کافی، ج 2، ص 496 ذیل حدیث 2.

4- کافی، ج 2، ص 186، ح 3.

لعنت می کنند. وهیچ ملک مقرّبی باقی نمی ماند، مگر اینکه شیطان را نفرین می کند، در نتیجه ناامید ومحروم ومطرود بر زمین می افتد». (1)

4. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خداوند برای برادرم علیّ بن ابی طالب علیه السلام فضیلت هایی قرار داده است که از کثرت وفزونی نمی توان آنها را شماره کرد؛ بنابراین، هر کس یک فضیلت از فضایل او را از روی اعتقاد وباور قلبی بیان کند، گناهان گذشته وآینده اش آمرزیده می شود... وهر کس یک فضیلت از فضایل او را بنویسد، تا زمانی که نشانی از آن کتاب باشد ملائکه برای وی استغفار می کنند. وهر کس به فضیلتی از فضایل آن حضرت گوش فرا دهد، خداوند گناهان او را که با گوش مرتکب شده، بیامرزد. وهر کس به فضیلتی از فضایل آن حضرت - که نوشته شده - نگاه کند، خداوند گناهانی را که با چشم مرتکب شده، بیامرزد». (2)

همکاران فرشتگان وهمکاران شیطان

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه سه تن از مؤمنین یا بیشتر در مکانی جمع شوند، به تعداد آنها فرشتگان نیز اجتماع می کنند. اگر آن مؤمنان چیزی از خداوند طلب کنند ملائکه آمین می گویند. وچنانچه به خداوند از شرّ چیزی پناه ببرند، ملائکه از خداوند می خواهند که آن را از آنها دور کند. واگر تقاضای حاجتی داشته باشند ملائکه از خداوند می خواهند که حاجتشان را برآورده کند. وچنانچه سه تن یا بیشتر از انکارکنندگان حقّ اهل بیت علیهم السلام در جایی جمع شوند، ده برابر آنها از شیاطین نیز حاضر می شوند، سخنانی که می گویند شیاطین همانند آن را تکرار می کنند. واگر بخندند شیاطین با آنها می خندند. واگر

1- کافی، ج 2، ص 188، ح 7.

2- كشف الغمّه، ج 1، ص 125؛ بحارالأنوار، ج 26، ص 229، ح 10.

دوستان خدا را مذمّت کنند با مذمّت کنندگان رفیق ودوست می شوند. واگر مؤمنی همنشین چنین افرادی شود، هنگامی که شروع به مذمّت دوستان خدا کنند، (باید) از آن مجلس برخیزد وشریک وهمنشین شیطان نشود که هیچ کس تاب مقاومت خشم خدا را ندارد ونفرین خدا را هیچ چیز دفع نمی کند. وچنانچه نتواند مجلس را ترک کند، به دل انکار کند واندکی برخیزد وبازگردد». (1)

تحصیل ومباحثه علوم اهل بیت علیهم السلام

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس در راه تحصیل علم گام بردارد، خداوند راهی به سوی بهشت برایش می گشاید وبی شک، فرشتگان با کمال خشنودی بال های خود را در مسیر عبور طالب علم می گشایند وتمام ساکنان آسمان وزمین وحتّی ماهیان دریا برای وی استغفار می کنند. وفضیلت عالم بر عابد، همچون برتری ماه شب چهاردهم بر سایر ستارگان است». (2)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «اُف بر مردمی که هر جمعه کارهای دنیایی را برای یادگیری مسائل دینی خود تعطیل نمی کنند». (3)

3. نیز در روایتی فرمود: «خداوند می فرماید که مذاکره علم در میان بندگان من، دل های مرده را زنده می کند». (4)

4. در سخنی دیگر فرمود: «با یکدیگر مذاکره علمی کرده وحدیث نقل کنید که حدیث، دل ها را جلا می دهد. وبی شک دل ها زنگار می گیرند، همان گونه که

1- کافی، ج 2، ص 187، ح 6.

2- کافی، ج 1، ص 34، ح 1.

3- کافی، ج 1، ص 40، ح 5.

4- کافی، ج 1، ص 40، ح 6.

شمشیر زنگ می زند وجلای دل ها به حدیث است». (1)

5. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مذاکره علم، ثواب نماز مقبول را دارد». (2)

مشورت وآداب آن

اهمّیّت مشورت

(مقدّمه:) در فضیلت واهتمام مشورت همین بس که خداوند متعال در قرآن مجید پیامبر خود را که عاقل ترین مخلوقات جهان بود، امر به مشورت کرد، آنجا که فرمود : (وَشَاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَکَّلْ عَلَی اللهِ). (3)

1. در حدیث است که بسیار اتّفاق می افتاد که امام رضا علیه السلام با آن عقل کامل با غلامان سیاه مشورت می کرد ومی فرمود: «چه بسا خداوند خیر ما را بر زبان آنها جاری کند». (4)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که خود را از رأی ونظر دیگران بی نیاز بداند ومشورت نکند، جان خود را به خطر می اندازد». (5)

با چه کسانی مشورت کنیم

1. در حدیثی می خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «با کسانی که خداترس هستند وبرادران مؤمن خود را به مقدار پرهیزگاریشان دوست دارند، مشورت

1- کافی، ج 1، ص 41، ح 8.

2- کافی، ج 1، ص 41، ح 9.

3- ترجمه: «ودر کارها با آنها مشورت کن ! امّا هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش و) بر خدا توکّل کن».سوره آل عمران، آیه 159.

4- محاسن، ص 602، ح 23.

5- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 54؛ امالی صدوق، ص 447.

کن واز زنان بد بپرهیز...». (1)

2. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر گروهی که با یکدیگر مشورت کنند ودر میان آنها کسی باشد که نامش محمّد یا احمد یا حامد یا محمود باشد، بی شک آنچه خیرشان در آن باشد بر آنها آشکار می شود». (2)

3. در احادیثی معتبر می خوانیم که: «با عاقل دیندارِ پرهیزگار مشورت کن وهنگامی که نظری داد (بی دلیل) خلاف آن عمل نکن که نتیجه آن فساد دنیا وآخرت تو می شود». (3)

4. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مشورت شرایط وحدودی دارد که هر کس واجد آن نباشد، ضررهای مشورت برای او بیش از منافع آن خواهد بود: کسی که با او مشورت می کند عاقل وخردمند باشد، آزاد ومتدیّن باشد، برادر ودوست ویار او باشد، او را بر تمام اسرار خود (در موضوع مورد مشورت) باخبر سازد به گونه ای که همان طور که خودش اطّلاع دارد مشاور هم خبر داشته باشد، ولی بر مشاور لازم است اسرار او را پنهان کند زیرا اگر (شرط اوّل را داشته باشد و) عاقل باشد از مشورت با وی سود خواهی برد. واگر واجد شرط دوم (آزاد ودین دار) باشد تمام تلاش خود را برای خیرخواهی تو به کار خواهد بست. واگر یار ودوستدار تو باشد (شرط سوم)، هنگامی که راز خود را به او گفتی آن را افشا نمی کند». (4)

وظیفه مشاور

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس برادر مؤمنش با او

1- امالی صدوق، ص 304، ح 8.

2- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 29، ح 30. در مصدر محمّد وحامد وجود ندارد.

3- محاسن، ص 602، ح 24.

4- محاسن، ص 602، ح 28.

مشورت کند وآنچه به مصلحت وخیر اوست نگوید، خداوند عقل وهوشش را زایل می کند». (1)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بیزارم از کسی که مسلمانی با او مشورت کند وآنچه را که خیر او در آن است به او نگوید». (2)

فایده مشورت

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ای علی، کسی که از خداوند طلب خیر کند سرگردان نمی ماند. وکسی که در کارها با مردم مشورت کند پشیمان نمی شود». (3)

2. از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که مشورت کند هلاک نمی شود». (4)

کسانی که نباید با آنها مشورت کرد

1. در حدیث است که حضرت صادق علیه السلام به عمّار ساباطی فرمود: «اگر می خواهی نعمت الهی بر تو استمرار داشته وشخصیّت تو کامل وزندگانی ات نیکو باشد، در امور خود با مردم پست مشورت نکن». (5)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «با افراد ترسو مشورت نکن که راه رهایی را بر تو تنگ می کنند. واز مشورت با افراد بخیل بپرهیز که مانع

1- محاسن، ص 602، ح 27.

2- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 66، ح 296.

3- امالی طوسی، ج 1، ص 135.

4- خصال، ج 2، ص 412، ح 156؛ بحارالأنوار، ج 10، ص 99.

5- كافى، ج 2، ص 640، ح 5؛ علل الشرايع، ج 2، ص 558، باب 349، ح 1.

رسیدن به هدف می شوند وبا کسانی که حرص دنیا دارند مشورت نکن که بدی ها را برای تو زینت می دهند». (1)

نامه نگاری

اهمّیّت نوشتن نامه

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مهربانی ودوستی بین برادران دینی، در وطن به دیدار یکدیگر رفتن ودر سفر به نامه نوشتن برای یکدیگر است». (2)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «از چگونگی نامه نگاری هر کس می توان بر میزان عقل ودانایی اش استدلال کرد. واز نماینده وپیک هر شخص می توان به مقدار فهم وزیرکی او پی برد». (3)

آداب نامه نگاری

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نوشتن بِسْمِ الله الرَّحْمنِ الرَّحیمِ را ترک نکن وآن را از سایر چیزهایی که می نویسی بهتر بنویس». (4)

2. در حدیث است که امام هادی علیه السلام در ابتدای نامه می نوشت: «بِسْمِ الله الرَّحْمنِ الرَّحیمِ، اَذْکُرُ اِنْ شاءَالله». (5)

3. در روایتی موثّق می خوانیم که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند: آغاز کردن

1- علل الشرایع، ج 2، ص 559، باب 350، ح 1.

2- کافی، ج 2، ص 670، ح 1.

3- محاسن، ص 195، ح 20.

4- کافی، ج 2، ص 672، ح 1.

5- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. إن شاءالله خدا را به خاطر دارم». تحف العقول، ص 483؛بحارالأنوار، ج 76، ص 50، ح 6.

نامه به نام مخاطب، پیش از نام نویسنده چه حکمی دارد؟ فرمود: «اشکال ندارد. این کار نوعی احترام به طرف مقابل است». (1)

4. در حدیث است که امام صادق علیه السلام دستور داد نامه ای به جایی بنویسند. هنگامی که نامه آماده شد وبه دست آن حضرت دادند فرمود: «چگونه امید به تحقّق مضمون نامه دارید، در حالی که در پایان جملات مناسب، إن شاءالله نوشته نشده است؟» سپس دستور داد در جاهای مناسب، جمله إن شاءالله

را بنویسند. (2)

5. در روایتی دیگر فرمود: «هنگامی که نامه ای برای طلب حاجتی می نویسی ودوست داری آن حاجت برآورده شود، با قلم بدون جوهر در بالای ورقه بنویس: بِسْمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ. اِنَّ اللهَ وَعَدَ الصّابِرینَ الْمَخْرَجَ مِمّا یَکْرَهُونَ وَالرِّزْقَ مِنْ حَیْثُ لا یَحْتَسِبُونَ، جَعَلَنَا اللهُ وَاِیّاکُمْ مِنَ الَّذینَ لا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلا هُمْ یَحْزَنُونَ». (3) راوی گوید: هر زمان به این دستور عمل کردم حاجتم برآورده شد. (4)

جواب نامه وروش های از بین بردن نامه

1. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «جواب نامه همچون پاسخ سلام، واجب است». (5)

2. در روایتی صحیح آمده است که از امام کاظم علیه السلام پرسیدند: چنانچه در نامه هایی که نزد ما جمع می شود نام خدا باشد، آیا می توان آنها را آتش زد؟

1- کافی، ج 2، ص 673، ح 5.

2- کافی، ج 2، ص 673، ح 6.

3- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. بی شک خداوند به صابران، راه خروج از آنچه را که دوست ندارندوروزی را از آنجا که گمان ندارند وعده داده است. خداوند ما وشما را از کسانی قرار دهد که ترسی (از آینده)ندارند ونسبت به گذشته محزون نمی شوند».

4- کشف الغمّه، ج 2، ص 698؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 50، ح 8.

5- کافی، ج 2، ص 670، ح 2.

فرمود: «نه، بلکه اوّل با آب بشویید (تا نام خدا محو شود، سپس آن را آتش بزنید)». (1)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «باید کتاب خدا ونام خدا را با پاک ترین چیزها محو کرد». ونهی کرد از اینکه قرآن را بسوزانند وبا قلم محو کنند (در برخی نسخه ها به جای قلم، قدم آمده است). (2)

4. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «کاغذها را نسوزانید، بلکه محو وپاره کنید». (3)

5. در روایتی دیگر آمده است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند: آیا می توان نامی را که از نام های خداست با آب دهان محو کرد؟ فرمود: «باید با پاک ترین چیز ممکن آن را محو کرد». (4)

1- کافی، ج 2، ص 673، ح 1.

2- کافی، ج 2، ص 674، ح 4.

3- کافی، ج 2، ص 674، ح 2.

4- کافی، ج 2، ص 674، ح 3.

فصل دوازدهم: آداب وارد شدن وخارج شدن از خانه

اشاره

خانه گشاده

خانه وسیع

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خانه وسیع از سعادت انسان است». (1)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از نشانه های سعادت انسان آن است که فرزندش شبیه او باشد وزن خوشروی دیندار ومرکبی راهوار وخانه ای وسیع داشته باشد». (2)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «چهار چیز نشانه سعادت است: زن نیکوکار، خانه وسیع، همسایه شایسته، مرکب سواری نیکو. وچهار چیز نشانه شقاوت است : همسایه بد، زن بد، خانه تنگ، مرکب نامناسب». (3)

4. در روایتی می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «سه چیز موجب راحتی وآسایش مؤمن است: خانه وسیع که عیب ها وامور پنهانی او را از مردم مخفی نگاه دارد، زن شایسته که او را بر امور دنیا وآخرت یاری کند، دختر یا خواهری که با ازدواج کردن، یا با پایان یافتن عمرش از خانه او برود». (4) (اشاره به اینکه

1- محاسن، ص 610، ح 19 و 20 و 21.

2- قرب الإسناد، ص 79، ح 237.

3- مکارم الأخلاق، ص 126.

4- محاسن، ص 610، ح 18؛ کافی، ج 5، ص 327، ح 6؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 148، ح 2، وج 103، ص217، ح 5.

دختر نباید خودسرانه از خانه به هر کجا که می خواهد برود).

5. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نیکی زندگانی در وسعت خانه وخدمتکار خوب است». (1)

6. در حدیثی دیگر فرمود: «لذّت دنیا در وسعت خانه ودوستان فراوان است». (2)

خانه کوچک وتنگ

1. از حضرت باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خانه تنگ، موجب مشقّت وسختی زندگانی است». (3)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «شومی خانه در تنگی آن، بدی همسایگان وعیب های زیاد آن است». (4)

3. در حدیثی صحیح ومعتبر می خوانیم که امام کاظم علیه السلام خانه ای خرید وبه یکی از دوستدارانش فرمود: «خانه تو تنگ است، برو در این خانه ساکن شو!» آن شخص گفت: این خانه را پدرم ساخته است نمی توانم از آن دل بکَنم. حضرت فرمود: «اگر پدرت نادان باشد تو هم باید نادان باشی». (5)

4. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شخصی از انصار از تنگی خانه اش به رسول خدا صلی الله علیه و آله شکایت کرد. حضرت فرمود: با صدای بلند از خدا بخواه که به خانه ات وسعت بدهد». (6)

مذمّت خانه به خانه شدن

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خانه به خانه شدن (ومرتّباً تغییر دادن منزل مسکونی) وخریدن نان از بازار از تلخی

زندگانی است». (7) (درآن زمان مردم نان رابرای اطمینان خاطردر خانه خود تهیّه می کردند).

1- محاسن، ص 611، ح 25؛ کافی، ج 6، ص 526، ح 4.

2- محاسن، ص 611، ح 24؛ کافی، ج 6، ص 526، ح 5.

3- محاسن، ص 611، ح 28؛ کافی، ج 6، ص 526، ح 6.

4- امالی صدوق، ص 239، ح 7.

5- محاسن، ص 611، ح 27.

6- محاسن، ص 610، ح 17؛ کافی، ج 6، ص 526، ح 8.

7- کافی، ج 6، ص 531، ح 1.

مذمّت بلندمرتبه سازی وتکلّف بسیار در ساخت خانه

ساختن بنای اضافه بر نیاز

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ساختن هر بنایی که اضافه بر مقدار نیاز باشد، در قیامت وبال صاحب آن خواهد بود». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس اضافه بر نیاز، ساختمانی بسازد در روز قیامت مکلّف می شود که اضافه را بر دوش بگیرد». (2)

مجازات کسب پول حرام

1. در روایتی صحیح ومعتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس از غیر راه حلال مالی به دست آورَد، خداوند بناسازی وخاک وآب را بر او مسلّط می گرداند، تا آن مال حرام را در آنجا تباه کند». (3)

2. از امام هادی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال بر روی زمین مکان هایی قرار داده که آن را «مرحومات» می نامند. خدا دوست می دارد نامش را در آن مکان ها ببرند واو را بخوانند تا دعایشان را اجابت کند. ومکان هایی قرار داده که آن را «منتقمات» می نامند وکسی که مالی از غیر راه حلال کسب کند،

1- محاسن، ص 608، ح 3؛ کافی، ج 6، ص 531، ح 7.

2- محاسن، ص 608، ح 4.

3- محاسن، ص 608، ح 1؛ کافی، ج 6، ص 531، ح 2.

خداوند قطعه ای از آن مکان ها را بر او مسلّط می گرداند تا آن مال حرام را در آنجا هزینه کند». (1)

بناهای گران قیمت وخانه های ریایی

1. در حدیث است که حضرت علی علیه السلام از در خانه شخصی عبور کرد که خانه اش از مصالح گران قیمت ساخته شده بود. پرسید: «این خانه کیست؟» گفتند : از فلان مرد مغرور است. سپس به در خانه دیگری رسید که (آن نیز) با مصالح گران قیمت ساخته شده بود. فرمود: «این خانه از مغرور غافل دیگری است». (2)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس برای ریا وخودنمایی خانه ای بسازد که مردم آن را ببینند ودر مورد آن گفت وگو کنند، در روز قیامت آن خانه را تا هفت طبقه از زمین تبدیل به آتش افروخته ای می کنند وبر گردن او می افکنند، سپس او را به جهنّم می برند. وهیچ چیز او را از خشم وقهر جهنّم حفظ نمی کند، مگر اینکه در دنیا توبه کرده باشد. پرسیدند: ساختن خانه برای ریا یعنی چه؟ فرمود: اضافه بر نیاز خانه بسازد تا با آن بر همسایگانش غالب شود وبر برادران دینی اش فخر ومباهات کند». (3)

ساختن سقف های بلند

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند فرشته ای را مأمور کرده است که هر کس سقف خانه اش را بیشتر از هشت ذراع (چهارمتر) بسازد، به او بگوید: ای فاسق، تا کجا می خواهی بروی». (4) ودر روایت دیگری آمده

1- کافی، ج 6، ص 532، ح 15.

2- محاسن، ص 608، ح 2.

3- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 4، ص 6؛ مكارم الأخلاق، ص 628.

4- محاسن، ص 608، ح 6؛ كافى، ج 6، ص 528، ح 1.

است: «ای فاسق ترین فاسقان تا کجا می خواهی بروی». (1)

2. در چندین روایت معتبر آمده است: «هر که سقف خانه اش را اضافه بر هشت ذراع کند، جنّیان وشیاطین در آن خانه جا خوش می کنند». (2)

3. در روایات می خوانیم که: «هر کس ارتفاع خانه اش بیش از هشت ذراع باشد، بر سر هشت ذراع، آیه الکرسی بنویسد». (3)

(انتخاب چهار متر برای سقف هر اتاق برای این است که در آن زمان ارتفاع بیش از آن، نشانه زندگی اشرافی بوده است).

4. در روایتی معتبر می خوانیم که ابوخدیجه می گوید: در منزل امام صادق علیه السلام دیدم که بر دور حجره ودر سمت قبله نمازخانه آن حضرت، آیه الکرسی نوشته شده بود. (4)

مجسّمه سازی وکشیدن نقّاشی

اشاره

(مقدّمه:) ساختن مجسّمه حیواناتی که روح دارد، طبق نظر مشهور علما، حرام است ونقّاشی کردن چنین حیواناتی بر دیوارها ولباس ها کراهت دارد وبعضی معتقد به حرمت آن شده اند. واحتیاط آن است که طلاکاری نکنند ومطلقاً نقّاشی نکشند، حتّی نقّاشی درخت وامثال آن، مخصوصاً نقّاشی صورت کامل انسان. واگر مجسّمه ای ساخته اند بهتر است آن را ناقص کنند؛ مثل اینکه چشمش را کور کنند، یا عضوی از اعضایش را محو نمایند.

1- محاسن، ص 608، ح 7.

2- محاسن، ص 609، ح 9 و10.

3- کافی، ج 6، ص 529، ح 4 و7.

4- محاسن، ص 609، ح 13.

مجسّمه سازی

1. در احادیث معتبر آمده است: «هر کس مجسّمه ای بسازد، در قیامت او را عذاب می کنند که به آن مجسّمه روح بدمد وقادر بر این کار نخواهد بود». (1)

2. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام کاظم علیه السلام فرمود: «در خانه ای که مجسّمه ای در برابر تو باشد نماز نخوان، مگر اینکه چاره ای نباشد که در این صورت سر آن مجسّمه را قطع کن ونماز بگزار». (2)

نقّاشی های ممنوع

1. در حدیث است که جبرئیل به حضرت رسول صلی الله علیه و آله عرض کرد: «ای محمّد، پروردگارت سلام می رساند وتو را از کشیدن تصویر در خانه نهی می کند». (3)

2. در احادیث معتبر می خوانیم که: «جبرئیل گفت: ما فرشتگان به خانه ای که در آن سگ یا تصویر ذی روح، یا ظرفی که در آن بول کرده اند باشد، داخل نمی شویم». (4)

نقّاشی های مجاز

1. در روایتی معتبر می خوانیم که از امام صادق علیه السلام در مورد بالش وفرشی که در آن تصویر باشد پرسیدند؟ حضرت فرمود: «تصویری که پامال شود وروی آن بنشینند یا راه روند، اشکالی ندارد که در خانه باشد». (5)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر سر نقّاشی وتصویر را

1- محاسن، ص 615، ح 42 وص 616، ح 43 و44؛ کافی، ج 6، ص 528، ح 10.

2- محاسن، ص 620، ح 57؛ کافی، ج 6، ص 527، ح 9.

3- محاسن، ص 614، ح 37؛ کافی، ج 6، ص 526، ح 1.

4- محاسن، ص 615، ح 39؛ کافی، ج 6، ص 528، ح 12.

5- کافی، ج 6، ص 527، ح 6.

تغییر دهند وسایر بدنش به حال خود باشد، مانعی ندارد که در خانه باشد». (1)

3. در حدیث است که از امام صادق علیه السلام در مورد نقّاشی درخت وآفتاب وماه پرسیدند؟ حضرت فرمود: «تصویر موجودات بی روح اشکالی ندارد». (2)

آداب فرش کردن خانه

فرشی که بدان نیاز است

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انسان فرشی برای خود وفرشی برای زوجه وفرشی برای میهمانش نیاز دارد واضافه بر آن از شیطان است». (3)

فرش جهیزیّه همسران

1. در حدیث است که جمعی به خانه امام سجّاد علیه السلام رفته وبالش ها وفرش های نفیسی دیدند. عرض کردند: در خانه شما چیزهایی می بینیم که خوش نداریم در خانه شما باشد. حضرت فرمود: «ما همسرانی می گیریم ومَهرشان را می پردازیم، آنچه از برای خود می خرند از ما نیست (بلکه تعلّق به خودشان دارد وآنچه می بینید از این قبیل است)». (4)

2. در حدیثی دیگر آمده است که شخصی خدمت امام باقر علیه السلام رسید مشاهده کرد آن حضرت در خانه مزیّنی نشسته که فرش های زیبایی در آن گسترده اند. روز دیگر خدمت حضرت رسید دید در خانه ای نشسته که جز حصیر چیزی در آن نیست وپیراهنی ساده وگشاد پوشیده است (گفت: از آنچه روز گذشته

1- محاسن، ص 619، ح 56؛ كافى، ج 6، ص 527، ح 8.

2- محاسن، ص 619، ح 54؛ مكارم الأخلاق، ص 132.

3- كافى، ج 6، ص 479، ح 6.

4- كافى، ج 6، ص 476، ح 1.

وامروز دیدم متعجّب شدم) حضرت فرمود: «آنچه دیروز دیدی خانه من نبود، بلکه متعلّق به همسرم بود ودیروز نوبت او بود». (1)

چگونگی فرش

فرش حضرات معصومین علیهم السلام

1. در روایتی معتبر می خوانیم که امام رضا علیه السلام در فصل تابستان بر روی حصیر ودر زمستان بر روی پلاس (2) می نشست ودر خانه لباس گشاد می پوشید،

امّا در بیرون خانه ودر برابر مردم، آراسته ظاهر می شد. (3)

2. در حدیثی معتبر آمده است: هنگامی که حضرت علی علیه السلام با حضرت فاطمه علیها السلام ازدواج کرد روپوش آنها عبا وفرششان پوست گوسفند وبالششان پوستی بود که داخل آن را از لیف خرما پر کرده بودند. (4)

3. در حدیث است که در خانه امام زین العابدین علیه السلام بالش ها ونمدهایی

بود که در آن صورت ها وشکل هایی نقش بسته بود وآن حضرت بر روی

آن می نشست. (5)

فرش ابریشم وفرش های دارای نقش

1.درروایتی صحیح می خوانیم که ازامام کاظم علیه السلامپرسیدند:آیامی توان برفرش ابریشمین خوابید وبر آن تکیه زد ونماز خواند؟ حضرت فرمود: «می توانی به زیر پا بیندازی وبر روی آن بایستی، ولی بر روی آن (بدون مهر) سجده نکن». (6)

1- کافی، ج 6، ص 477، ح 5.

2- گلیم، فرشی از پشم (که) به رنگ های مختلف می بافند وپرز ندارد (فرهنگ عمید).

3- عیون اخبار الرّضا، ج 2، باب 44، ح 1؛ مکارم الأخلاق، ص 117.

4- مکارم الأخلاق، ص 131.

5- کافی، ج 6، ص 477، ح 4.

6- کافی، ج 6، ص 477، ح 8.

2. در روایتی صحیح آمده است که شخصی به امام باقر علیه السلام عرض کرد : استفاده کردن از فرشی که تصویر دارد چگونه است؟ فرمود: «عجم ها به چنین فرش هایی اهمّیّت می دهند، ولی ما آن را دوست نداریم». (1)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بسیار اتّفاق می افتد که به هنگام نماز در جلوی من بالشی وجود دارد که در آن عکس پرندگان به تصویر کشیده شده است، بر روی آن چیزی می اندازم ومشغول نماز می شوم وچندین فرش از شام برای من هدیه آورده اند که عکس پرندگان در آن نقش شده است، دستور دادم سرهای آنها را تغییر داده وبه صورت درخت درآوردند». (2)

4. در روایتی دیگر می خوانیم که از آن حضرت پرسیدند: گاه بالش هایی برای ما می گذارند که در آن تصویری وجود دارد وما بر روی آن می نشینیم چه حکمی دارد؟ حضرت فرمود: «آنچه را که فرش کرده وبر روی زمین بگسترند وبر روی آن راه می روند اشکالی ندارد، امّا تصویری که بر دیوار وتخت نصب می شود کراهت دارد». (3)

آداب عبادت کردن در خانه

محلّ ویژه عبادت

1. در روایتی صحیح می خوانیم که حضرت صادق علیه السلام فرمود: «حضرت علی علیه السلام در خانه خود اتاقی داشت که جز فرش وشمشیر وقرآن چیز دیگری در آن نبود ودر آن نماز می خواند». (4)

2. نیز در حدیثی موثّق آمده است که فرمود: «حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در

1- کافی، ج 6، ص 477، ح 7.

2- مكارم الأخلاق، ص 132.

3- مكارم الأخلاق، ص 132 و133؛ بحار الأنوار، ج 79، ص 288 و324.

4- محاسن، ص 612، ح 29.

خانه خود حجره ای قرار داده بود که نه کوچک بود ونه بزرگ واز آن به عنوان نمازخانه استفاده می کرد. شب هنگام (برای اینکه تنها نباشد) طفلی را با خود به آن حجره می برد ودر آنجا نماز می خواند». (1)

3. در روایتی موثّق می خوانیم که حضرت صادق علیه السلام به مسمع نوشت : «دوست دارم که در خانه ات نمازخانه ای برای خود قرار دهی ودو لباس بلند بپوشی وبه نمازخانه ات بروی واز خداوند درخواست کنی که تو را از آتش دوزخ آزاد ووارد بهشت کند. ودعای نامشروع ونفرین بر کسی نکن». (2)

فلسفه عبادت در خانه

1. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «خانه های خود را با تلاوت قرآن نورانی کنید وآن را همچون گور نسازید، همان گونه که یهود ونصاری کردند که نماز را در معابدشان خوانده وخانه های خود را معطّل می گذاشتند، زیرا در خانه ای که قرآن بسیار تلاوت شود خیر آن بسیار می شود واهلش به رفاه ونعمت می رسند وآن خانه به اهل زمین روشنی می دهد». (3)

2. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «اهل آسمان خانه ای را که مسلمانی در آن قرآن می خواند به یکدیگر نشان می دهند، همان گونه که زمینیان ستارگان آسمان را به یکدیگر نشان می دهند». (4)

1- علّامه مجلسی در ذیل حدیث مزبور می گوید: «از آنجا که مستحبّ است انسان در خانه تنها نباشد (اگرچه در حال نماز باشد)، حضرت کسی را همراه خود به آن اتاق می برد. وعلّت آنکه کودک به همراه می برد این بوده که حمل بر ریا نشود؛ چون ممکن است با بودن افراد بزرگ تر چنین حالتی به وجود آید؛ البتّه در مورداميرالمؤمنین علیه السلام چنین چیزی

متصوّر نیست ، ولی برای دیگران تذکّر محسوب می شود».
محاسن،ص612، ح 30؛ بحارالأنوار، ج 8، ص 366.
2- محاسن، ص 612، ح 31.
3- کافی، ج 2، ص 610، ح 1.
4- کافی، ج 2، ص 610، ح 2.

3. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برکت خانه ای که در آن قرآن خوانده وخداوند یاد شود، بسیار زیاد می گردد. وفرشتگان در چنین خانه ای حاضر وشیاطین از آن دور می شوند. وچنین خانه ای به آسمانیان روشنایی می دهد، همان گونه که ستارگان آسمان به زمینیان روشنی می دهند. وبرکت خانه ای که در آن قرآن نخوانند وخداوند یاد نشود، کم شده وفرشتگان از آن دوری کرده وشیاطین در آن خانه حاضر می شوند». (1)

نگهداری حیوانات در خانه

فضیلت نگهداری کبوتر

1. در روایتی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «کبوتر از مرغان پیامبران است». (2)

2. در روایتی دیگر فرمود: «کبوتران حرم، نسل چند کبوترند که حضرت اسماعیل علیه السلام نگهداری می کرد وبا آنها اُنس می گرفت». (3) بنابراین، مستحبّ است

چند کبوتری که بالشان چیده باشد در خانه نگاه دارید وبه آنها اُنس بگیرید.

3. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک جفت کبوتر سرخ در خانه حضرت رسول صلی الله علیه و آله بود». (4)

4. در حدیث است که شخصی به نام عبدالکریم می گوید: به خانه امام کاظم علیه السلام رفتم، در آنجا سه کبوتر سبز دیدم. عرض کردم اینها خانه را کثیف می کنند. فرمود: «نگاه داشتن اینها در خانه مستحبّ است». (5)

1- کافی، ج 2، ص 610، ح 3.

2- کافی، ج 6، ص 546، ح 1.

3- کافی، ج 6، ص 546، ح 3.

4- کافی، ج 6، ص 548، ح 16.

5- کافی، ج 6، ص 548، ح 15.

5. در حدیثی دیگر می خوانیم که راوی گفت آن حضرت را دیدم که برای چند کبوتری که در خانه اش بود نان خرد می کرد. (1)

6. در حدیث است که محمّد بن کرامه می گوید: یک جفت کبوتر در خانه امام کاظم علیه السلام دیدم. کبوتر نر سبزرنگ بود ونقطه های سفید داشت وکبوتر ماده سیاه رنگ بود وحضرت برای آنها نان خرد می کرد. حضرت فرمود: «اینها در شب حرکت کرده ومونس من اند». (2)

فواید نگهداری کبوتر

1. در چندین روایت آمده است که: کبوتران خانگی یا کبوتران یاهو (3) ، بسیار

یاد خدا می کنند واهل بیت را دوست می دارند ودعا می کنند که خداوند صاحب خانه را برکت دهد. (4)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در خانه کبوتر نگاه دارید که دوست داشتنی ودعا کرده حضرت نوح علیه السلام است وهیچ چیز در خانه مانند کبوتر باعث اُنس نمی شود». (5)

4. در حدیث است که شخصی به حضرت رسول صلی الله علیه و آله از تنهایی شکایت کرد. حضرت فرمود: «یک جفت کبوتر در خانه نگهداری کن». (6)

5. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر بالی که کبوتر می زند باعث نفرت وگریختن شیاطین می شود». (7)

1- کافی، ج 6، ص 548، ح 14.

2- طبّ الأئمّه، ص 111.

3- «کبوتر یاهو» نوعی از کبوتر است که صدای یاهو می دهد (فرهنگ متوسّط دهخدا).

4- کافی، ج 6، ص 550، باب الورشان.

5- کافی، ج 6، ص 546، ح 7.

6- کافی، ج 6، ص 546، ح 6.

7- کافی، ج 6، ص 547، ح 9.

6. در چندین حدیث می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «کبوتر را که به جای دور می فرستند تا سی فرسخ پرواز می کند واز روی دانایی برمی گردد. ومسافتی را که بیش از این می رود از روی دانایی ومعرفت نیست، بلکه برای یافتن غذا می آید». (1)

(البتّه باید توجّه داشت که نگهداری کبوتر در خانه به معنای کبوتربازی نیست ومرحوم صاحب جواهر در کتاب مشهور فقهی خود نگهداری کبوتر را سه گونه می شمارد: اوّل نگهداری برای اُنس که می فرماید جایز است. دوّم نگهداری برای فال نیک وبد زدن که این کار را مکروه می داند. سوم نگهداری به منظور برد وباخت ومی گوید این کار حرام است). (2)

نگهداری خروس

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «به خروس ناسزا نگویید که مردم را برای نماز بیدار می کند». (3)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «فریاد خروس نماز اوست وبال زدنش، رکوع وسجود». (4)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «خروس سفید یار من ویاور هر مؤمنی است». (5)

(چون از وقت نماز خبر می دهد).

1- کافی، ج 6، ص 549، باب ارسال الطّیر، ح 1 و2.

2- جواهر الکلام، ج 41، ص 55.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 3؛ مکارم الأخلاق، ص 425.

4- کافی، ج 6، ص 550، ح 6.

5- کافی، ج 6، ص 550، ح 4.

اهمّیّت دامداری

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گوسفند نگه دارید وشتر نگه ندارید». (1)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «گوسفند خوب

مالی است». (2)

3. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر خانواده ای که یک گوسفند نگهداری کند خداوند روزی آن گوسفند را به آنها می دهد وروزی اهل خانه را زیاد کند وفقر، یک منزل از ایشان دور شود. واگر دو گوسفند نگهداری کند خداوند روزی آنها را برساند وروزی اهل خانواده را زیاد کند وپریشانی، دو منزل از ایشان دور شود. واگر سه گوسفند نگهداری کند خداوند روزی گوسفندان را برساند وروزی اهل خانه را زیاد کند وفقر وپریشانی آنها از ریشه برطرف گردد». (3)

4. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر خانواده ای که گوسفند شیردهی داشته باشد، هر روز فرشتگان دو بار به آنها گویند: خدا شما را برکت دهد». (4)

5. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خداوند سه برکت فرستاده است: آب وآتش وگوسفند». (5)

6. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر خانواده ای که در

1- محاسن، ص 640، ح 150؛ کافی، ج 6، ص 544، ح 1.

2- محاسن، ص 640، ح 149؛ کافی، ج 6، ص 544، ح 2.

3- محاسن، ص 641، ح 154؛ کافی، ج 6، ص 544، ح 4.

4- محاسن، ص 643، ح 168؛ کافی، ج 6، ص 544، ح 5.

5- کافی، ج 6، ص 545، ح 8.

هر شب سی گوسفند نزد آنها باشد، ملائکه تا صبح از آنها نگهبانی می کنند». (1)

7. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که گوسفندی را نگاه می دارید خوابگاهشان را پاکیزه وخاک از تنشان پاک کنید». (2)

8. در حدیثی دیگر فرمود: «هر مؤمنی که در خانه اش یک بز شیرده داشته باشد، هر روز فرشته ای صبح هنگام او را این گونه دعا کند: «پاک ومطهّر باشید، خداوند به شما برکت دهد. احوال شما ونانِخورش شما نیکو باد» واگر دو بز شیرده داشته باشد، هر روز آن فرشته آن دعا را تکرار می کند». (3)

9. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به عمّه خود فرمود : «چرا در خانه ات برکتی نگهداری نمی کنی؟» عرض کرد: ای رسول خدا، برکت کدام است؟ فرمود: «گوسفندی که شیر دهد». سپس فرمود: «هر کس در خانه اش گوسفند شیرده، یا بز شیرده، یا گاو شیرده داشته باشد، باعث برکت خانه

او می شود». (4)

نگهداری پرندگان وحیوانات دیگر

پرندگان

فاخته

فاخته(5)

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که: فاخته ای در خانه امام باقر علیه السلام بود. روزی

1- محاسن، ص 643، ح 161؛ کافی، ج 6، ص 545، ح 9.

2- کافی، ج 6، ص 544، ح 3.

3- محاسن، ص 640، ح 152؛ کافی، ج 6، ص 544، ح 6.

4- محاسن، ص 641، ح 155؛ کافی، ج 6، ص 545، ح 7.

5- «فاخْتَه» پرنده ای است خاکی رنگ شبیه کبوتر، کمی کوچک تر از آن. دور گردنش طوقی سیاه دارد، درعربی نیز فاخته (به کسر خا) گفته می شود (فرهنگ عمید).

آن حضرت شنید که آن پرنده چیزی می خواند. فرمود: «می دانید چه می گوید؟» گفتند: نه. فرمود: «می گوید: فَقَدْتُکُمْ فَقَدْتُکُمْ؛ نیست شوید، نابود شوید». سپس فرمود: «ما آن را دور می کنیم پیش از آنکه او ما را دور کند». (1)

2. در حدیث است که روزی امام صادق علیه السلام به خانه پسرش اسماعیل رفت، مشاهده کرد که فاخته ای در قفس کرده وآن حیوان می خواند. حضرت به فرزندش فرمود: «فرزندم، چه چیز باعث شده است که این فاخته را نگهداری کنی؟ مگر نمی دانی که این حیوان صاحب خانه را نفرین می کند؟» (2) (شاید این

حیوان منشأ بیماری هایی است که آمدن آن در داخل زندگی انسان خطرآفرین باشد).

پرستو، زنبور عسل، کرکس، قورباغه

1. در حدیثی معتبر آمده است که: روزی حضرت صادق علیه السلام در جایی نشسته بود. شخصی از آنجا عبور کرد در حالی که پرستوی کشته ای در دست داشت. حضرت برخاست وآن حیوان را از دست او گرفت وبر زمین زد وفرمود: «آیا عالم شما دستور ذبح این حیوان را داده، یا فقیه شما چنین سفارشی کرده است؟ پدرم از جدّش رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر داد که از کشتن شش حیوان نهی کرد: زنبور

عسل، مورچه، قورباغه، هدهد، صرد، پرستو. امّا زنبور عسل، ازآن رو که پاکیزه می خورد وپاکیزه دفع می کند واین چیزی است که خداوند به او وحی کرده که نه از جنّ است ونه از اِنس، آنجا که فرماید: (وَأَوْحَی رَبُّکَ إِلَی النَّحْلِ) (3) وامّا

مورچه، زیرا در زمان حضرت سلیمان علیه السلام قحطی شد، آن حضرت همراه یارانش

1- کافی، ج 6، ص 551، ح 1.

2- کافی، ج 6، ص 551، ح 2.

3- ترجمه: «وپروردگار تو به زنبور عسل وحی (والهام غریزی) کرد». سوره نحل، آیه 68.

برای طلب باران به خارج شهر رفتند. ناگاه آن حضرت مورچه ای را دید که بر روی پاهای خود ایستاده ودستانش را به سمت آسمان بلند کرده ومی گوید : «پروردگارا، ما از جمله مخلوقات تو هستیم واز روزی تو بی نیاز نیستیم، پس به ما روزی بده وما را به گناهان بی خردان از فرزندان آدم مجازات نکن!» حضرت سلیمان علیه السلام با مشاهده این صحنه به اصحابش گفت: بازگردید که خداوند به سبب دعای دیگران (مورچه) باران می فرستد. وامّا قورباغه، هنگامی که نَمرود برای سوزاندن حضرت ابراهیم علیه السلام آتش افروخت، حیوانات زمین از خداوند اجازه خواستند که آب بر آتش بریزند. خداوند متعال به هیچ یک از آنان جز یک سوم شان چنین رخصتی نداد که در نتیجه دوسوم از آنها بر اثر آتش سوخته ویک سوم شان باقی ماند. وامّا هدهد، ازآن رو که دلیل وراهنمای حضرت سلیمان علیه السلام به سوی بلقیس بود. وامّا صرد (مرغی که سری بزرگ دارد وگنجشک شکار می کند) ازآن رو که راهنمای حضرت آدم علیه السلام از بلاد «سراندیب» تا «جدّه» بود. وامّا پرستو، زیرا... وذکر تسبیحش سوره حمد است... ». (1)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «حرمت پرستو را نگاه دارید که بیش از دیگر پرندگان با انسان اُنس می گیرد وذکرش سوره حمد است». (2)

هدهد وچکاوک

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «در هر بال هدهد به زبان سریانی نوشته شده است: آلُ مُحَمَّدٍ خَیْرُ الْبَرِیَّهِ؛ خاندان محمّد، بهترین مخلوقات خدا هستند». (3)

1- خصال، ج 1، ص 290، ح 16؛ بحارالأنوار، ج 64، ص 265، ح 20.

2- کافی، ج 6، ص 223، ح 2.

3- کافی، ج 6، ص 224، ح 1.

2. در حدیث است که از امام کاظم علیه السلام در مورد کشتن هدهد پرسیده شد؟ فرمود: «آزارش نرسان وآن را ذبح نکن که مرغ نیکویی است». (1)

3. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «گوشت چکاوک را نخورید وبه آن دشنام ندهید وآن را به کودکان ندهید تا با آن بازی کنند، زیرا بسیار تسبیح خدا می گوید وتسبیحش چنین است: لَعَنَ اللهُ مُبْغِضی آلِ مُحَمَّدٍ». (2)

طاووس

1. در حدیث است که در محضر امام رضا علیه السلام سخن از حُسن طاووس به میان آمد. حضرت فرمود: «حُسن هیچ حیوانی بهتر از خروس سفید نیست، چرا که خروس سفید آوازش خوش تر وبرکتش بیشتر وتو را بر وقت نمازها آگاه می کند... ». (3)

2. در حدیث است که طاووس یمانی خدمت امام صادق علیه السلام رسید. حضرت از او پرسید: «طاوس یمانی تو هستی؟» عرض کرد: آری. فرمود: «طاووس

مرغ شومی است، وارد بر هیچ جمعیّتی نمی شود، مگر اینکه آنها را

آواره می کند». (4)

گنجشک

1. در حدیث است که سالم خدمت حضرت صادق علیه السلام رسید. هنگامی که نشست جمعی از گنجشک ها صدا کردند. حضرت فرمود: «می دانی چه می گویند؟» عرض کرد: نه. فرمود: «می گویند: خداوندا، ما مخلوقاتی از

1- قرب الإسناد، ص 225، ح 1146 و1147.

2- ترجمه: «خداوند دشمنان آل محمّد را از رحمت خود دور کند». کافی، ج 6، ص 225، ح 1.

3- کافی، ج 6، ص 550، ح 3.

4- تنبیه الخواطر، ص 15.

آفریده های تو ومحتاج روزی تو هستیم، غذا وآب ما را برسان». (1)

2. در حدیثی دیگر می خوانیم که امام زین العابدین علیه السلام سخنانشان را چنین تفسیر کرد: «آنها تسبیح پروردگار می گویند وروزیشان را از خدا طلب می کنند». (2)

وقت شکار پرندگان

در چندین حدیث آمده است که جوجه پرندگان را (قبل از فراگیری پرواز) شکار نکنید، بلکه اجازه دهید پرواز کنند سپس شکار نمایید. وشب برای شکار به آشیانه مرغان نروید که آنها شب در امانند. (3)

کشتن، آتش زدن وشکنجه حیوانات

1. در روایتی صحیح ومعتبر می خوانیم که از امام کاظم علیه السلام در مورد کشتن مورچه سؤال کردند. حضرت فرمود: «آن را نکشید، مگر اینکه باعث آزار

شما شود». (4)

2. در حدیث است که از امام کاظم علیه السلام در مورد کشتن مار پرسیدند. حضرت به نقل از حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس مار را برای این نکشد که کشتن آن گناه است از من نیست، امّا اگر برای این نکشد که حیوانی است که به وی آزاری نرسانیده اشکالی ندارد». (5)

3. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس مار (خطرناکی) را

1- بصائر الدرجات، ص 345، ح 20.

2- الإختصاص، ص 293.

3- كافى، ج 6، ص 216، ح 2 و3.

4- قرب الإسناد، ص 225، ح 1146 و1147.

5- معانى الأخبار، ص 173.

بکشد گویی کافر (حربی) را کشته است». (1)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله از کشتن پنج حیوان (2) نهی کرد: صُرَد (کرکس) وصوّام، (3) هدهد، زنبور، مورچه، قورباغه ودستور کشتن چند حیوان را صادر کرد:... مار، عقرب، سگ درنده». (4)

5. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی کرد از اینکه حیوانی را به آتش بسوزانند. (5)

6. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال زنی را به جرم اینکه گربه ای را بسته بود تا از تشنگی مرد، عذاب کرد». (6)

نگهداری سگ در خانه

کراهت ومجازات نگهداری سگ

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مکروه است مسلمان در خانه اش سگ نگه دارد». (7) (مگر در مواردی که خواهد آمد).

2. نیز در روایتی موثّق فرمود: «هر کس در خانه اش سگ نگه دارد، هر روز مقداری از ثواب اعمالش کاسته می شود». (8)

1- الجعفریات، ص 245.

2- قابل ذکر اینکه از کلام دمیری وبیشتر علمای لغت استفاده می شود که «صُرد» و«صوام» یک حیوان است کهبه ضمیمه چهار حیوان دیگر، پنج حیوان محسوب می شوند. (بحارالأنوار، ج64، ص 264، ح 19.)

3- «صُرَد» مرغی است بزرگ سر که گنجشک شکار می کند وبه آن شیرگنجشک نیز می گویند (فرهنگ عمید).

4- خصال، ج 1، ص 266، ح 59؛ بحارالأنوار، ج 64، ص 264، ح 19.
5- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 4، ص 3؛ مكارم الأخلاق، ص 425.
6- ثواب الأعمال، ص 327، ح 6.
7- كافى، ج 6، ص 552، ح 1.
8- كافى، ج 6، ص 552، ح 2.

موارد مجاز نگهداری سگ

1. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به عدّه ای که خانه هایشان از شهر دور بود اجازه داد (که برای حفاظت) سگ نگاه دارند. (1)

2. در روایتی صحیح می خوانیم که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «خیری در (نگهداری) سگ ها نیست، مگر سگ شکاری یا سگ گلّه (وسگ پاسبان)». (2)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سگ شکاری را در خانه نگهداری نکن، مگر اینکه بین تو وآن دری باشد که بر روی سگ بسته شود». (3)

4. در حدیثی موثّق ومعتبر آمده است که: حیوانات را به جنگ همدیگر انداختن کار خوبی نیست، مگر سگی که برای شکار حیوانات بفرستند. (4)

5. در چندین روایت معتبر آمده است که: هرگاه حیوانی را سگ شکاری تعلیم دیده شکار کند، اگر هنگامی به آن برسی که هنوز جان در بدن دارد آن را ذبح کن واگر جان نداشته باشد حلال است؛ مشروط بر اینکه به هنگام فرستادن سگ به سوی شکار، بسم الله گفته باشی وآنچه را حیوانات دیگر یا سگی که برای شکار تعلیم داده نشده شکار کنند، اگر زمانی به آن برسی که هنوز جان دارد وآن را ذبح کنی حلال است؛ در غیر این صورت حرام است وهر حیوانی را که با تیر (پیکان دار یا بی پیکان) شکار کنی به گونه ای که تیر در بدنش فرو رود، چنانچه هنگامی به او برسی که جان داشته باشد آن را ذبح کن واگر جان داده باشد در صورتی که به هنگام انداختن تیر، نام خدا را برده باشی حلال است. واگر با

شمشیر ونیزه وسلاح های دیگر (از این قبیل) شکار کرده باشی همین حکم را دارد. وچنانچه با سنگ یا تفنگ یا کمان یا گلوله وسایر چیزهایی که از

1- کافی، ج 6، ص 552، ح 2.

2- کافی، ج 6، ص 553، ح 11.

3- کافی، ج 6، ص 552، ح 4.

4- کافی، ج 6، ص 552، ح 5.

جنس آهن نیست وشکار بر اثر سنگینی آن چیز از پا بیفتد، چنانچه زمانی به آن برسی که جان داشته باشد وآن را ذبح کنی حلال است وگرنه حرام است». (1)

چیزهایی که حیوانات می فهمند وما نمی فهمیم

در حدیثی معتبر می خوانیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «از پی شکار نروید که بیم ضرر برای شما می رود وهنگامی که صدای سگ وفریاد الاغ را می شنوید از شرّشیطان رانده شده به خداپناه ببرید،زیراآنهاچیزی می بینندکه شمانمی بینید». (2)

آداب خانه خریدن

ولیمه خریدن وساختن خانه

1. در احادیث معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس خانه بخرد، مستحبّ است ولیمه ومیهمانی دهد». (3)

2. نیز در حدیثی معتبر می خوانیم که آن حضرت فرمود: «هر کس خانه ای بسازد، گوسفندی چاق قربانی کند وگوشتش را به مردم فقیر نیازمند اطعام کند، سپس این دعا را بخواند: اَللّهُمَّ اَدْحِرْ عَنِّی مَرَدَهَ الجِنِّ وَالاِْنْسِ والشَّیاطِینَ وَبارِکْ لی فی بَنائی (4) ، آنچه را بخواهد خداوند به او می دهد». (5)

آداب چراغ افروختن

1. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چهار چیز است که

1- کافی، ج 6، ص 203، ح 4 و5 وص 205، ح 14.

2- علل الشرایع، ج 2، ص 582 و583، باب 385، ح 23.

3- کافی، ج 6، ص 281، ح 3.

4- ترجمه: «بار خدایا، دیوان متمرّد وآدمیان نافرمان وشیاطین (رانده شده) را از من دور ساز واین خانه را برمن مبارک گردان».

5- ثواب الأعمال، ص 221.

کسی از آن نفعی نمی برد وتباه می شود، یکی از آنها روشن کردن چراغ (به هنگام روشنی هوا) در ماهتاب است». (1)

2. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پنج چیز تباه می شود: چراغی که هنگام آفتاب روشن کنند نور آن ضایع شده واز روشنایی اش بهره ای برده نمی شود، بارانی که بر زمین شوره زار ببارد تباه شده واز آن نفعی برده نمی شود، غذایی که تهیّه کننده آن خود را به زحمت بیندازد وآن را به کسی دهد که سیر باشد واز آن استفاده نکند، زن زیبا وخوشرویی که عروسش کنند ونزد شوهر عنین ببرند، نیکی به شخصی که شکر نکند». (2)

3. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روشن کردن چراغ (اندکی) پیش از غروب آفتاب، پریشانی را برطرف وروزی را فراوان می کند». (3)

4. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «وارد شدن به خانه تاریک کراهت دارد، مگر اینکه چراغی یا آتشی افروخته باشند». (4)

5. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که چراغی به داخل خانه می آورند این دعا را بخوان: اَللّهُمَّ اجْعَلْ لَنا نُوراً نَمْشی بِهِ فِی النّاسِ

وَلا تَحْرِمْنا نُورَکَ یَوْمَ نَلْقاکَ وَاجْعَلْ لَنا نُوراً، اِنَّکَ نُورٌ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ (5) وهنگامی که

چراغ را خاموش کند بگوید: اَللّهُمَّ اَخْرِجْنا مِنَ الظُّلُماتِ اِلَی النُّورِ». (6)

1- خصال، ج 1، ص 240، ح 128؛ بحارالأنوار، ج 66، ص 332، ح 10.

2- امالی طوسی، ج 1، ص 291.

3- کافی، ج 6، ص 532، ح 13.

4- کافی، ج 6، ص 534، ح 6.

5- ترجمه: «بار خدایا، برای ما نوری قرار ده که با آن در بین مردم رفت وآمد کنیم (و دوست را از دشمنبشناسیم) ودر روزی که تو را ملاقات می کنیم از نور خود ما را محروم نکن واز برای ما (در آن روز) نوری قرارده، زیرا تو نوری ومعبودی جز تو نیست».

6- ترجمه: «خدایا، ما را از تاریکی ها به سوی نور هدایت کن». مکارم الأخلاق، ص 288.

سایر آداب خانه

مکروهات

سکونت در خانه بی در وپرده

در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت صادق علیه السلام فرمود: «خوابیدن در اتاقی که در وپرده ندارد مکروه است». (1)

تنها خوابیدن

1. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس بر روی قبری ادرار یا مدفوع کند، یا ایستاده ادرار کند، یا در خانه تنها بخوابد، یا با دست آلوده به غذا بخوابد، شیطان بر او مسلّط شود وعقلش را بگیرد». (2)

2. در حدیثی دیگر می خوانیم که آن حضرت از شخصی پرسید: «در کجا ساکن شده ای؟» گفت: در فلان مکان. فرمود: «آیا در آنجا کسی با تو هست؟» گفت: نه. فرمود: «در آن خانه تنها نباش واز آنجا به خانه دیگر برو که شیطان هیچ گاه مانند وقتی که انسان در خانه تنهاست بر وی جرأت ندارد». (3)

نگهداری خاکروبه ودستمال آلوده در خانه

1. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «خاکروبه خانه را شب در خانه نگذارید وبیرون بگذارید که شیطان در آن جای می گیرد». (4)

2. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «دستمال گوشت را شب در خانه نگذارید که آن خوابگاه شیطان است. وخاکروبه را در پشت در

1- کافی، ج 6، ص 533، ح 5.

2- کافی، ج 6، ص 533، ح 2.

3- کافی، ج 6، ص 534، ح 8.

4- کافی، ج 6، ص 531، ح 6.

خانه جمع نکنید که آن لانه شیطان است. وهنگامی که به در اتاق می رسید بسم الله بگویید که شیطان می گریزد وهرگاه وارد اتاق شوید سلام کنید که برکت نازل می شود وملائکه اُنس می گیرند». (1)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خاکروبه را شب در خانه نگذارید وروز بیرون ببرید که لانه شیطان است». (2)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «دستمالی که با آن دستانتان را پاک کرده اید وآلوده به غذا وچربی است، شب نشسته در خانه نگذارید که خوابگاه شیطان است». (3)

نگاه کردن به خانه همسایه

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی کرد از اینکه کسی به خانه همسایه خود نگاه کند. (4)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «خداوند شش خصلت را برای من نخواست ومن آنها را برای امامان از فرزندانم وشیعیانشان نمی خواهم: بازی کردن با دست وریش ولباس در حال نماز، دشنام دادن (به ویژه با زبان روزه)، منّت گذاشتن بعد از صدقه دادن، رفتن به مسجد در حالت جنابت، خندیدن در قبرستان، نگاه کردن از پشت بام به خانه های مردم». (5)

3. نیز در حدیثی صحیح می خوانیم که: روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله در اتاق یکی از همسرانش بود که شخصی از سوراخ در به آن اتاق نگاه کرد. حضرت فرمود: «اگر نزدیک بودم به چشمت آسیب می رساندم». (6)

1- علل الشرایع، ج 2، ص 582، ح 23.

2- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 4، ص 3.

3- كافى، ج 6، ص 499، ح 18.

4- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 4، ص 6؛ مكارم الأخلاق، ص 429.

5- محاسن، ص 10، ح 31؛ كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 120، ح 575.

6- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 4، ص 74، ح 226.

مستحبّات خانه داری

جاروب کردن

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «جاروب کردن خانه پریشانی را برطرف می کند». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شستن ظرف ها وجارو کردن خانه ها (اعمّ از اتاق ها وحیاط) روزی را زیاد می کند». (2)

3. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «حیاط خانه های خود را جاروب کنید وشبیه برخی بیگانگان از اسلام نشوید که جاروب نمی کنند». (3)

پاک کردن تار عنکبوت ها

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خانه های خود را از تار عنکبوت پاک کنید که باقی ماندن آن در خانه باعث فقر وپریشانی می شود». (4)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «تارهای عنکبوت وماندن خاکروبه در خانه باعث فقر وپریشانی می شود». (5)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خانه شیطان در خانه های شما جایی است که عنکبوت می تند». (6)

بستن در ظرف آب وغذا وحفاظت از کودکان وچهارپایان

1. در حدیثی موثّق می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «درِ ظرف های آب

1- محاسن، ص 624، ح 77؛ کافی، ج 6، ص 531، ح 8.

2- خصال، ج 1، ص 93، ح 63؛ بحارالأنوار، ج 64، ص 404، ح 1.

3- کافی، ج 6، ص 531، ح 5.

4- محاسن، ص 624، ح 78.

5- خصال، ج 2، ص 277؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 176، ح 6.

6- کافی، ج 6، ص 532، ح 11.

وغذا ودرِ خانه ها را ببندید که شیطان درِ بسته وظرف سربسته را نمی گشاید». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «ظرف های خود را بدون سرپوش نگذارید، زیرا شیطان درظرف بی سرپوش آب دهان می اندازدواز آنچه در آن است می خورد». (2)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «از چهارپایان، اطفال ویاران خود پس از غروب آفتاب تا هنگام خوابیدن محافظت کنید که در این اوقات شیاطین بر آنها مسلّط می شوند». (3)

آداب وارد شدن وبیرون رفتن از خانه

آداب وارد شدن به خانه

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «هنگامی که انسان می خواهد وارد خانه اش شود بر اهل خانه سلام کند. واگر خانواده ای ندارد بگوید: السَّلامُ عَلَینا مِن رَبِّنا وهنگام وارد شدن به خانه سوره توحید بخواند که فقر وپریشانی را برطرف می کند. (4) وهرگاه بخواهد به دنبال کار (مهمّی) برود

روز پنجشنبه را انتخاب کند وآیات سوره آل عمران از (إِنَّ فِی خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ) (5) تا (إِنَّکَ لاَ تُخْلِفُ الْمِیعَادَ) (6) وهمچنین آیه الکرسی وسوره إنّا أنزلناه

وسوره حمد را بخواند». (7)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «به هنگام وارد شدن به خانه بگوید: بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ،

1- کافی، ج 6، ص 532، ح 12.

2- محاسن، ص 584، ح 75.

3- علل الشرایع، ج 2، ص 582، ح 21.

4- خصال، ج 2، ص 419؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 166، ح 1.

5- سوره آل عمران، آیه 190.

6- سوره آل عمران، آیه 194.

7- خصال، ج 2، ص 415؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 166، ح 1.

اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ إلّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ (1) ، سپس

بر اهل خانه سلام کند واگر کسی در خانه نباشد، پس از این دعا بگوید: اَلسَّلامُ عَلی مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللهِ خاتَمِ النَّبِیّینَ، السَّلامُ عَلَی الأَئِمَّهِ الْهادینَ الْمَهْدِیّین، اَلسَّلامُ عَلَیْنا وَعَلی عِبادِ اللهِ الصّالِحینَ». (2)

3. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس به هنگام بیرون رفتن از خانه بگوید: بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ اِلّا بِاللهِ، تَوَکَّلْتُ عَلَی اللهِ (3) ، سپس هر یک از سوره های

حمد وتوحید وناس وفلق وآیه الکرسی را از جانب جلو وپشت سر وراست وچپ وبالا وپایین بخواند». (4)

دعای هنگام بیرون رفتن از خانه

1. در حدیث است که هرگاه امام باقر علیه السلام از خانه خارج می شد چنین دعا می کرد: «بِسْمِ اللهِ خَرَجْتُ وَعَلَی اللهِ تَوَکَّلْتُ، لا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ اِلّا بِاللهِ». (5)

2. در حدیث است که امام صادق علیه السلام به هنگام بیرون رفتن از خانه چنین دعا می کرد: «اَللّهُمَّ بِکَ خَرَجْتُ وَلَکَ اَسْلَمْتُ وَبِکَ آمَنْتُ وَعَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ. اَللّهُمَّ بارِکْ لی فی یَوْمی هذا وَارْزُقْنی فَوْزَهُ وَفَتْحَهُ وَنَصْرَهُ وَطَهُورَهُ وَهُداهُ وَبَرَکَتَهُ وَاصْرِفْ عَنِّی شَرَّهُ وَشَرَّ ما فِیهِ. بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَاللهُ اَکْبَرُ وَالْحَمْدُ للهِ رَبِّ الْعالَمینَ، اَللّهُمَّ اِنِّی

1- ترجمه: «به نام خدا به (ذات پاک) خدا (شروع می کنم.) شهادت می دهم که معبودی جز خدای یکتا نیستوشریکی ندارد وشهادت می دهم که محمّد صلی الله علیه و آله بنده وفرستاده اوست».

2- ترجمه: «سلام بر محمّد بن عبدالله، خاتم پیامبران، سلام بر امامان هدایت شده هدایت کننده، سلام بر ماوبندگان صالح وشایسته خدا». مکارم الأخلاق، ص 345.

3- ترجمه: «به نام خدا به (ذات پاک) خدا (شروع می کنم.) هیچ پناهگاه وقدرتی جز از سوی خداوند نیست. برخدا توکّل می کنم».

4- مکارم الأخلاق، ص 345.

5- ترجمه: «به نام خداوند خارج شدم وبر خدا توکّل کردم، (و) هیچ پناهگاه و قدرتی جز به واسطه خداوندنیست». کافی، ج 2، ص 543، ح 10.

خَرَجْتُ فَبارِکْ لی فی خُرُوجی وَانْفَعْنی بِهِ». (1)

3. در حدیثی دیگر می خوانیم که آن حضرت فرمود: «هنگام بیرون رفتن از خانه این دعا را بخوان : بِسْمِ اللهِ، تَوَکَّلْتُ عَلَی اللهِ، ما شاءَ اللهُ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ. اَللّهُمَّ اِنّی اَسْأَلُکَ خَیْرَ ما خَرَجْتُ لَهُ وَاَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ ما خَرَجْتُ اِلَیْهِ. اَللّهُمَّ اَوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ فَضْلِکَ وَاَتِمَّ عَلَیَّ نِعْمَتَکَ وَاسْتَعْمِلْنی فی طاعَتِکَ وَاجْعَلْنی راغِباً فیما عِنْدَکَ وَتَوَفَّنی فی سَبیلِکَ وَعَلی مِلَّتِکَ وَمِلَّهِ رَسُولِکَ، صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ». (2)

4. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «هنگامی که پدرم (امام کاظم علیه السلام) از خانه بیرون می آمد این دعا را می خواند : بِسْمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ خَرَجْتُ بِحَوْلِ اللهِ وَقُوَّتِهِ لا بِحَولی وَقُوَّتی بَلْ بِحَوْلِکَ وَقُوَّتِکَ یا رَبِّ، مُتَعَرِّضاً لِرِزْقِکَ، فَائْتِنی بِهِ فی عافِیَهٍ». (3)

فایده دعا خواندن هنگام بیرون رفتن از خانه

1. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی هنگام بیرون رفتن از

1- ترجمه: «بار خدایا، به کمک تو خارج شدم ودر برابر تو تسلیم هستم وبه تو ایمان دارم وبر تو توکّل کردم.بار خدایا، این روز را بر من مبارک گردان وپیروزی وگشایش ویاری وپاکی وهدایت وبرکتش را روزی ام کنوشرّ آن وشرّ آنچه در آن است را از من بازگردان. به نام خدا وبه ذات (پاک) او (شروع می کنم.) خداوندبزرگ تر از آن است که به وصف آید. وحمد وستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است.بار خدایا، بیرون آمدم، پس خروج مرا مبارک کن واز این رهگذر سودی عایدم کن». کافی، ج 2، ص 542،ح6.

2- ترجمه: «به نام خدا. بر خدا توکّل کردم. آنچه خداوند بخواهد انجام می شود. هیچ پناهگاه وقدرتی نیستمگر به ذات خدا. بار خدایا، خیر آنچه را که برای آن خارج شده ام از تو می خواهم وبه تو پناه می برم از شرّآنچه به سوی آن خارج شده ام. بار خدایا، فضل وکرمت را بر من بگستران ونعمت خود را بر من تمام کن ومرابر طاعت خود وادار ومرا نسبت به آنچه در نزد تو است راغب گردان ودر راهت وبر آیین خود وآیینرسولت 9 بمیران». محاسن، ص 351، ح 38؛ کافی، ج 2، ص 542، ح 5.

3- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. به حول وقوّه الهی خارج شدم، نه به حول وقوّه خودم ، بلکه بهحول وقوّه تو ای پروردگار من، در حالی که خواهان روزی تو هستم، آن را با عافیت به من عطا کن». محاسن،ص 352، ح 39؛ کافی، ج 2، ص 542، ح 7.

خانه «بسم الله» بگوید، ملائکه به او می گویند: سلامت ماندی. وهنگامی که «لا حَولَ وَلا قُوَّهَ اِلّا بِاللهِ» بگوید، فرشتگان گویند: کارهایت انجام شد. وهرگاه «تَوَکَّلْتُ عَلَی الله» بگوید، ملائکه گویند: از بلاها نگه داشته شدی». (1)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام بیرون رفتن از خانه نگین انگشترش را به سمت کف دست برگرداند ودر آن نظر کند، سپس سوره انّا انزلناه را بخواند ودر پایان بگوید: آمَنْتُ بِاللهِ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، آمَنْتُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلانِیَتِهِمْ (2) در آن روز چیز ناخوشایندی نبیند». (3)

3. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام بیرون آمدن از خانه این دعا را بخواند، خداوند گناهانش را بیامرزد وتوبه اش را قبول کند وکارهایش را آماده سازد واو را از بدی ها وشرور محافظت نماید: اَعُوذُ بِما عاذَتْ بِهِ مَلائِکَهُ اللهِ وَرُسُلُهُ، مِنْ شَرِّ هذَا الْیَوْمِ الْجَدیدِ، اَلَّذی اِذا غابَتْ شَمْسُهُ لَمْ تَعُدْ، مِنْ شَرِّ نَفْسی وَمِنْ شَرِّ غَیْری وَمِنْ شَرِّ الشَّیاطینِ وَمِنْ شَرِّ مَنْ نَصَبَ لاَوْلِیاءِ اللهِ وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالاِْنْسِ وَمِنْ شَرِّ السِّباعِ وَالْهَوامِ وَمِنْ شَرِّ رُکُوبِ الْمَحارِمِ کُلِّها، اُجیرُ نَفْسی بِالله مِنْ کُلِّ سُوءٍ». (4)

4. در حدیثی موثّق می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس در هنگام بیرون آمدن از خانه این دعا را بخواند، خداوند کارهای دنیا وآخرت او را برآورده سازد: بِسْمِ اللهِ. حَسْبِیَ اللهُ. تَوَکَّلْتُ عَلَی اللهِ. اَللّهُمَّ اِنّی اَسْأَلُکَ خَیْرَ اَمُوری کُلِّها

1- قرب الإسناد، ص 201؛ ثواب الأعمال، ص 195.

2- ترجمه: «به خداوند یکتا که شریکی ندارد ایمان آوردم. به امور پنهان وآشکار آل محمّد (نیز) ایمان آوردم».

3- مکارم الأخلاق، ص 325.

4- ترجمه: «پناه می برم به آنچه که ملائکه وفرستادگان خداوند به آن پناه می برند، از شرّ این روز جدید،هنگامی که خورشید آن غروب کند بازنمی گردد واز شرّ نفسم واز شرّ دیگران واز شرّ شیاطین واز شرّدشمنان اولیاء الله واز شرّ جنّ واِنس واز شرّ درندگان وگزندگان واز شرّ ارتکاب گناهان، از تمام بدی ها بهخداوند پناه می برم». محاسن، ص 350، ح 340؛ کافی، ج 2، ص 541، ح 4.

وَاَعُوذُ بِکَ مِنْ خِزْیِ الدُّنْیا وَعَذابِ الْاخِرَهِ». (1)

5. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام بیرون رفتن از خانه ده مرتبه سوره توحید بخواند، پیوسته در حفظ وحمایت پروردگار باشد تا به خانه اش بازگردد». (2)

6. در حدیثی دیگر فرمود: «چنانچه انسان وقت بیرون رفتن از خانه الله اکبر بگوید وپس از آن سه مرتبه بِالله اَخْرُجُ وَبِالله اَدْخُلُ وَعَلَی اللهِ اَتَوَکَّلُ (3) بگوید،

سپس سه مرتبه این دعا را بخواند: اَللّهُمَّ افْتَحْ لی فی وَجْهی هذا بِخَیْرٍ وَاخْتِمْ لی بِخَیْرٍ وَقِنی شَرَّ کُلِّ دابَّهٍ اَنْتَ آخِذٌ بِناصِیَتِها، اِنَّ رَبِّی عَلی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ (4) پیوسته در حفظ الهی باشد، تا زمانی که او را به مکانی که حرکت کرده بود برگرداند». (5)

7. در حدیثی صحیح ومعتبر می خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «هنگامی که از خانه بیرون می روی بگو: بِسْمِ اللهِ آمَنْتُ بِاللهِ، تَوَکَّلْتُ عَلَی اللهِ، ما شاءَ اللهُ، لا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ اِلّا بِاللهِ». (6)

طلب حاجت کردن

ازامام باقر علیه السلامروایت شده است که فرمود: «هر زمان برای حلّ مشکلی از خانه بیرون می رویددرروزخارج شوید،چراکه درشب مشکلات حل نمی شود». (7)

1- ترجمه: «به نام خدا. خدا مرا کافی است. بر خدا توکّل کردم. بار خدایا، خیر تمام کارهایم را از تو می خواهمواز رسوایی دنیا وعذاب آخرت به تو پناه می برم». محاسن، ص 351، ح 37؛ کافی، ج 2، ص 549، ح 3.

2- کافی، ج 2، ص 542، ح 8.

3- ترجمه: «به کمک خداوند از منزل خارج می شوم وبه کمک خداوند به منزل بازمی گردم وبر خداوند توکّل می کنم».

4- ترجمه: «بار خدایا، درهای خیر را در این مسیر به روی من بگشا وآن را ختم به نیکی کن ومرا از شرّ هرجنبنده ای که زمامش به دست تو است حفظ کن. همانا (امر) پروردگارم بر صراط مستقیم است».

5- کافی، ج 2، ص 540، ح 1.

6- ترجمه: «به نام خدا. به خدا ایمان آوردم، بر او توکّل کردم، آنچه او بخواهد می شود، هیچ پناهگاه و قدرتیجز از سوی خدا نیست». کافی، ج 2، ص 543، ح 12.

7- تفسیر عیّاشی، ج 1، ص 370، ح 66.

فصل سیزدهم: آداب پیاده روی، سواری، تجارت، زراعت

اشاره

1. سوار شدن چهارپایان
2. آداب نگهداری و رعایت حقوق چهارپایان
3. آداب زین کردن ولجام زدن
4. دعاها وآداب سواری
5. آداب پیاده روی
6. بهترین اموال
7. آداب خریداری ونگهداری حیوانات
8. بخشی از احوالات واقسام حیوانات
9. فضیلت تجارت وطلب رزق حلال کردن
10. آداب تجارت
11. فضیلت زراعت ودرختکاری
12. آداب زراعت ودرختکاری

سوار شدن چهارپایان

(مقدّمه : با توجّه به اینکه بسیاری از مباحث این فصل در عصر ما مورد نیاز مردم نیست وجز در برخی روستاها کاربرد ندارد، از ذکر تمام روایات آن خودداری کرده وبه بیان چند روایت کوتاه در هر مورد بسنده می کنیم).

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «داشتن چهارپا (مرکب) راهوار از سعادت انسان است». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از سعادت مؤمن آن است که چهارپایی داشته باشد تا برای نیازهای خود وبرطرف کردن حوائج مؤمنین از آن بهره ببرد». (2)

3. در روایات معتبر آمده است که: خیر ونیکی تا روز قیامت بر پیشانی اسب ها نقش بسته است. (3)

آداب نگهداری ورعایت حقوق چهارپایان

(اشاره : روایات این فصل هر چند در زمان ما مورد نیاز بسیاری از مردم نیست، ولی

1- محاسن، ص 625، ح 87؛ کافی، ج 6، ص 536، ح 8.

2- محاسن، ص 626، ح 88؛ کافی، ج 6، ص 536، ح 7.

3- ثواب الأعمال، ص 226، ح 2.

از آن رو که نشان از گستردگی وجامع نگری اسلام وتوجّه به حقوق حیوانات می دهد، قابل ذکر است).

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «چهارپا(ی سواری) شش حق بر صاحبش دارد: هنگامی که در جایی فرود می آید نخست به علف دادن به او بپردازد، هرگاه در مسیر به آب برسد آب را بر آن عرضه کند تا اگر تشنه است بنوشد، بر سر وصورتش تازیانه نزند که حیوان ذکر خدا می گوید، به هنگام توقّف حیوان بر آن سوار نباشد مگر در جهاد، بیش از توان وقدرتش بر آن بار نکند، به مقدار توانایی اش از آن کار بکشد». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «بر یک چهار پا سه تن با هم سوار نشوند که یکی از آنها ملعون است». (2)

3. در احادیث معتبر آمده است که: امام سجّاد علیه السلام با یک شتر بیست بار به حج مشرّف شد، ولی یک تازیانه بر آن نزد. (3)

4. در احادیث معتبر آمده است که: بر صورت هیچ موجود ذی روح شلّاق نزنید که تسبیح پروردگار می گوید وهر چیزی حرمتی دارد وحرمت حیوان در صورت آن است. (4)

5. در حدیث است که ابوذر غِفاری می گوید چهارپایان می گویند: خداوندا، مالک نیکویی به ما کرامت فرما که با ما مدارا کند وبه ما علف وآب دهد وبر ما تعدّی نکند. (5)

6. از امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حیوانات از چهار چیز غافل

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 187، ح 841؛ خصال، ج 1، ص 293، ح 25.

2- محاسن، ص 627، ح 95؛ کافی، ج 6، ص 541، ح 19.

3- مناقب ابن شهر آشوب، ج 4، ص 155.

4- محاسن، ص 633، ح 116.

5- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 189، ح 854.

نیستند: پروردگار خود را می شناسند، مرگ را می دانند، نر وماده را می شناسند، چراگاه خوب را بلد هستند». (1)

آداب زین کردن ولجام زدن

1. در احادیث معتبر آمده است: از جمله نشانه های بدی که در آخرالزّمان آشکار می شود آن است که زنان بر زین (اسب) سوار می شوند. (2)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زین برای زنان، مرکب ملعونی است». (3)

3. در روایتی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «جایز نیست زنان بر زین سوار شوند، مگر در سفر یا به هنگام ضرورت». (4)

دعاها وآداب سواری

ادعیه هنگام سوار شدن

1. از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه شخصی سوار بر مرکبی (چهارپایی) شود وبسم الله بگوید، فرشته ای همسفر پشت سر او سوار شده واو را از خطرهای سفر تا رسیدن به مقصد حفظ می کند. واگر بسم الله نگوید، شیطان پشت سر او سوار شده واو را به خوانندگی تشویق می کند. واگر خوانندگی بلد نباشد به وی سفارش می کند آرزوهای باطل محال در سر بپروراند وراننده پیوسته در این آرزوها غوطه ور است تا به مقصد برسد». (5)

1- کافی، ج 6، ص 539، ح 9.

2- مختصر البصائر، ص 143.

3- کافی، ج 6، ص 541، ح 1.

4- خصال، ج 2، ص 375؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 300، ح 2.

5- محاسن، ص 634، ح 128؛ کافی، ج 6، ص 540، ح 17.

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس به هنگام سوار شدن بگوید: بِسْمِ اللهِ، لا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ اِلّا بِاللهِ. (اَلْحَمْدُ للهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْلاَ أَنْ هَدَانَا اللهُ (1)

سُبْحانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا کُنَّا لَهُ مُقْرِنِینَ) (2) ، تا به مقصد برسد خود ومرکبش

محفوظ بماند». (3)

3. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس سوار بر مرکب خویش شود وآیه الکرسی بخواند، سپس بگوید: اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِی لا اِلهَ اِلّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ وَاَتُوبُ اِلَیْهِ. اَللّهُمَّ اغْفِرْ لی ذُنُوبی فَاِنَّهُ لا یَغْفُر الذُّنُوبَ اِلّا اَنْت. (4) خداوند به

فرشتگان خطاب کند: بنده من می داند که گناهانش را کسی غیر از من نمی آمرزد، شاهد باشید که گناهانش را آمرزیدم». (5)

4. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگام سوار شدن بر چهارپایان به یاد خدا باشید وبگویید: (سُبْحَانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا کُنَّا لَهُ مُقْرِنِینَ وَإِنَّا إِلَی رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ)». (6)

آداب سواری

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بر راننده لازم است به

1- ترجمه: «ستایش مخصوص خداوندی است که ما را به این (همه نعمت ها) رهنمون شد؛ واگر خدا ما راهدایت نکرده بود، ما (به اینها) راه نمی یافتیم.» سوره اعراف، آیه 43.

2- ترجمه: «پاک ومنزّه است خدایی که این (مرکب) را مسخّر ما ساخت، وگرنه ما توانایی تسخیر آن رانداشتیم ؛ وما به سوی پروردگارمان بازمی گردیم». سوره زخرف، آیات 13 و 14.

3- محاسن، ص 628، ذیل حدیث 103؛ کافی، ج 6، ص 540، ذیل حدیث 17.

4- ترجمه: «طلب مغفرت وآمرزش می کنم از خداوندی که جز او معبود نیست وحیّ وقیّوم است وبه سوی اوبازمی گردم. بار خدایا، گناهانم را ببخش وبیامرز، چرا که جز تو کسی گناهان را نمی آمرزد».

5- محاسن، ص 352، ح 40؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 178، ح 795. در هر دو مصدر به جایآیه الکرسی آیه سُخره ذکر شده است.

6- ترجمه آن در پاورقی حدیث دوم همین فصل گذشت. خصال، ج 2، ص 429، ح 336؛ بحارالأنوار،ج 10، ص 112.

هنگام سوار شدن بر مرکب به پیاده هایی که در مسیر او قرار دارند هشدار دهد تا آسیبی به آنها نرسد». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «روزی حضرت علی علیه السلام سوار بر مرکب شد وجمعی پیاده همراه حضرت حرکت کردند. حضرت فرمود: کاری با من دارید؟ گفتند: نه، ولی می خواهیم در رکاب شما باشیم. فرمود: بازگردید که راه رفتن پیاده با سواره باعث غرور سواره وموجب خواری وذلّت پیاده است». (2)

3. نیز در روایتی فرمود: «آیا شرم نمی کنید که شما بر روی چهارپای خود خوانندگی کنید وآن حیوان در زیر پای شما تسبیح پروردگار خود را می گوید !». (3)

آداب پیاده روی

چگونه باید راه رفت؟

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود : «(بسیار) تند راه رفتن ابّهت مؤمن را از بین می برد». (4)

2. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس بر روی زمین از روی تکبّر راه برود، زمین وآنچه بر روی زمین وآنچه در زیر آن است او را نفرین می کنند». (5)

3.درروایتی دیگرفرمود:«هرگاه شخصی از مسلمانان به هنگامی که نیازمندی از او تقاضای کمک کند خود را به نشنیدن بزند واز روی تکبّر وغرور راه برود، خداوند به عزّت خود سوگند خورده که آنها را به وسیله یکدیگر عذاب کند». (6)

1- کافی، ج 6، ص 540، ح 15.

2- کافی، ج 6، ص 540، ح 16.

3- محاسن، ص 627، ح 97.

4- خصال، ج 1، ص 67، ح 25؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 302، ح 5.

5- ثواب الأعمال، ص 324.

6- بحارالأنوار، ج 76، ص 302، ح 7.

آداب راه رفتن

1. در حدیثی معتبر آمده است که: حضرت زین العابدین علیه السلام چنان آرام راه می رفت که گویی پرنده ای بر سر آن حضرت نشسته وبیم دارد پرواز کند. ودست راست آن حضرت بر دست چپش سبقت نمی گرفت. (1)

2. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «زنان باید در کنار راه حرکت کنند ودر وسط جادّه راه نروند». (2)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «سواره سزاوارتر است در وسط جادّه حرکت کند از پیاده وپابرهنه سزاوارتر است در میان راه حرکت کند از کسی که کفش به

پا دارد». (3)

4. نیز در روایتی فرمود: «هر کس از روی تواضع وفروتنی در سفر وحضر با عصا راه رود، به هر گامی هزار حسنه برایش می نویسند وهزار گناه از وی محو می کنند وهزار درجه بر درجاتش می افزایند». (4)

5. در سخنی دیگر فرمود: «عصا به دست گیرید که از سنّت های پیامبران است وبنی اسرائیل از کوچک وبزرگ، پیر وجوان، عصا به دست می گرفتند تا در راه رفتن تکبّر نکنند». (5)

6. و در گفتاری دیگر فرمود: «عصا به دست گرفتن پریشانی را برطرف وشیطان را دور می کند». (6)

1- مناقب ابن شهر آشوب، ج 4، ص 162.

2- مکارم الأخلاق، ص 259.

3- مکارم الأخلاق، ص 258.

4- جامع الأخبار، ص 147.

5- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 176، ح 788.

6- جامع الأخبار، ص 141؛ ثواب الأعمال، ص 222.

سفارش های جامع امام صادق علیه السلام

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر عاقل هستی به هر مقصدی که می روی نخست نیّت خود را درست کن وهدف صحیحی برای حرکت در نظر بگیر ونفس خود را از اهداف نامشروع نهی کن ودر مسیر راه، پیوسته در فکر واندیشه باش ودر هر گامی از عجایب خلقت وآفرینش های پروردگار عبرت بگیر ودر رفتار خویش تکبّر وغرور نداشته باش واز چیزی که در دین خدا پسندیده نیست چشم بپوش وهمواره مشغول ذکر خدا باش، زیرا مکان هایی که در آن ذکر خدا گفته می شود در روز قیامت برای ذکر گوینده شهادت می دهند وتا زمانی که وارد بهشت شود برایش استغفار می کنند. ودر راه با مردم سخن نگو که خلاف ادب است واکثر راه ها کمینگاه شیطان است، پس از مکر او غافل نباش. چنان رفتار کن که رفت وبازگشت تو در راه اطاعت خدا باشد. ورفتار تو برای چیزی باشد که موجب خشنودی خداست، چرا که تمام حرکات تو در نامه عمل تو ثبت می شود». (1)

بهترین اموال

1. در حدیث است که امام صادق علیه السلام فرمود: «از حضرت رسول صلی الله علیه و آله پرسیدند : بهترین مال کدام است؟ فرمود: زراعتی که انسان به هنگام برداشت محصول، حقّ خداوند را از آن بپردازد. عرض کردند: پس از زراعت کدام مال بهتر است؟ فرمود: کسی که چند گوسفند داشته باشد وهر جا که آب وعلفی بیابد آنها را بچراند ونمازش را بخواند وزکات مالش را بپردازد. عرض شد: بعد از گوسفند کدام مال بهتر است؟ فرمود: گاو که در صبح وشام شیر می دهد. پرسیدند: پس از گاو بهترین مال چیست؟ فرمود: درخت خرما که ریشه در گل فرو برده ودر

1- مصباح الشريعه، ص 24.

خشکسالی وکم آبی میوه دهد. سپس فرمود: درخت خرما سرمایه خوبی است وهر کس (بدون ضرورت) آن را بفروشد، پولش همچون خاکستری است که بر سر کوه بلندی در مسیر تندباد رها شده باشد، مگر اینکه به جای آن، درخت خرمای دیگری بخرد. سپس پرسیدند: بعد از درخت خرما کدام مال بهتر است؟ حضرت سکوت کرد وجوابی نداد. شخص عرض کرد: چرا شتر را نفرمودید؟ فرمود: شترداری موجب مشقّت وسختی ودوری از خانه می شود وهزینه آن سنگین است». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «نُه دهم روزی در تجارت ویک دهم آن در نگهداری گوسفندان است». (2)

آداب خریداری ونگهداری حیوانات

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگام خریدن حیوانات این دعا را بخوانید: اَللّٰهُمَّ قَدِّرْ لی اَطْوَلَهُنَّ حَیاةً وَاَکْثَرَهُنَّ مَنْفَعةً وَخَیْرَهُنَّ عاقِبَةً». (3)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هنگام دوشیدن شیر حیوانات، مقداری شیر در پستان حیوان (برای فرزندش) بگذارید، تا زودتر شیر جمع شود زیرا اگر تمام شیر را بدوشید شیر دیرتر جمع می شود». (4)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «خوابگاه گوسفندان را پاکیزه کنید وآنچه را که از بینی آنها می آید تمیز نمایید». (5)

1- کافی، ج 5، ص 260، ح 6؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 190، ح 865.

2- خصال، ج 2، ص 212، ح 33؛ بحارالأنوار، ج 64، ص 118، ح 1.

3- ترجمه: «بار خدایا، حیوانی نصیب من کن که طولانی ترین عمر وبیشترین منفعت وبهترین عاقبت راداشته باشد». محاسن، ص 628، ح 99.

4- معانی الأخبار، ص 284.

5- محاسن، ص 642، ح 160.

بخشی از احوالات واقسام حیوانات

سرّ تنوّع وجدایی حیوانات

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تمام حیوانات وحشی ومرغان ودرندگان وسایر مخلوقات پروردگار با یکدیگر زندگی می کردند، تا آنکه قابیل برادرش هابیل را کشت. پس در این زمان از یکدیگر نفرت پیدا کردند وگریختند وهر حیوانی به شکل خود درآمد». (1)

حیوانات وتسبیح خدا

1. در احادیث معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هیچ مرغ وحیوانی در دریا وصحرا شکار نمی شود، مگر اینکه تسبیح خدا را ترک گوید». (2)

2. از امام حسین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که کرکس فریاد زند می گوید: ای فرزند آدم، به هر روشی که بخواهی زندگی کن ولی بدان پایانش مرگ است.

سپس برای هر یک از پرندگان تسبیح یا نصیحتی بیان کرده، آنگاه حضرت فرمود: هیچ مخلوقی نیست مگر اینکه او را تسبیحی است همان گونه که خداوند فرمود: (وَإِنْ مِنْ شَیْءٍ إِلاَّ یُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَکِنْ لاَ تَفْقَهُونَ تَسْبِیحَهُمْ) (3) ». (4)

1- علل الشرایع، ج 1، ص 4، باب 5، ح 1.

2- تفسیر عیّاشی، ج 2، ص 294، ح 83.

3- ترجمه: «وهر موجودی تسبیح وحمد او می گوید؛ ولی شما تسبیح آنها را نمی فهمید». سوره اسراء، آیه44.

4- بحارالأنوار، ج 64، ص 27 - 29، ح 8.

فضیلت تجارت وطلب رزق حلال کردن

تجارت وکار وتلاش کردن

ارزش وفضیلت تجارت

1. در چندین روایت می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «تجارت کردن بر عقل (وتدبیر) می افزاید وترک کردن تجارت از عقل (وتدبیر) می کاهد». (1)

2. در روایتی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر که دنیا را طلب (وتحصیل مال) کند تا دستش را پیش مردم دراز نکند وروزی عیالات خود را وسعت دهد وبه همسایگانش احسان کند، صورت او در روز قیامت همچون ماه شب چهاردهم می درخشد». (2)

3. در حدیث است که امام صادق علیه السلام از حال عمر بن مسلم پرسید، گفتند : تجارت را ترک کرده است. حضرت سه مرتبه فرمود: «عمل شیطان است ! مگر نمی داند که رسول خدا صلی الله علیه و آله تجارت می کرد؟ وخداوند متعال فرماید: (رِجَالٌ

لاَّ تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلاَ بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللهِ وَإِقَامِ الصَّلَوةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَوةِ) (3) آنان جماعتی بودند که تجارت می کردند وبه وقتش مشغول نماز می شدند. واین بهتر است از کسی که تجارت نکند وبه وقتش نماز بخواند». (4)

4. در حدیث است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: دعا کنید خداوند به راحتی به من روزی دهد. حضرت فرمود: «من برای تو دعا نمی کنم، بلکه چنانکه خداوند به تو دستور داده است برای به دست آوردن روزی تلاش کن». (5)

1- کافی، ج 5، ص 81، ح 4 وص 148، ح 1 و2؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 119، ح 505 و506.

2- کافی، ج 5، ص 78، ح 5؛ تهذیب، ج 6، ص 371، ح 11.

3- ترجمه: «مردانی که هیچ تجارت وداد وستدی آنان را از یاد خدا وبر پا داشتن نماز وادای زکات غافلنمی کند». سوره نور، آیه 37.

4- کافی، ج 5، ص 75، ح 8.

5- کافی، ج 5، ص 78، ح 3.

تجارت کردن یا عبادت کردن

1. در حدیث است که به امام صادق علیه السلام عرض کردند شخصی می گوید: در خانه می نشینم ونماز می خوانم وروزه می گیرم و پروردگار خود را عبادت می کنم خداوند روزی ام را می رساند. امام فرمود: «این شخص یکی از سه کسانی است که دعایشان مستجاب نیست». (1)

2. در روایتی دیگر می خوانیم که امام صادق علیه السلام از احوال شخصی پرسید، گفتند: نیازمند شده است. حضرت پرسید: «به چه کاری مشغول است؟» گفتند : در خانه نشسته وعبادت می کند. حضرت پرسید: «زندگی اش چگونه تأمین می شود؟ گفتند: برخی برادران مؤمن هزینه او وخانواده اش را تأمین می کنند. حضرت فرمود: «کار کسی که روزی او را تأمین می کند از عبادت او ارزشمندتر است». (2)

سربار مردم نشوید

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از دنیا برای آخرت کمک بگیرید وسربار مردم نشوید». (3)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر که هزینه خانواده خود را بر دوش دیگران بیندازد ملعون است». (4)

3. در حدیث است که یکی از علمای اهل سنّت در روز بسیار گرمی خدمت امام باقر علیه السلام رسید، دید آن حضرت با تکیه بر دو تن از خادمانش راه می رود. به

1- کافی، ج 5، ص 77، ح 1؛ تهذیب، ج 6، ص 371، ح 8.

2- کافی، ج 5، ص 78، ح 4.

3- کافی، ج 5، ص 72، ح 6؛ تهذیب، ج 6، ص 375، ح 23.

4- كافى، ج 4، ص 12، ح 9، وج 5، ص 72، ح 7.

حضرت گفت: شما پیرمردی از بزرگان قریش هستید، مناسب نیست در این شدّت گرما برای طلب دنیا از خانه بیرون روید. اگر در این وقت بمیرید چه خواهید کرد؟ حضرت فرمود: «اگر در این حال بمیرم در حال عبادت واطاعت پروردگار خواهم بود، زیرا کاری می کنم تا خود وخانواده ام را از تو ودیگران بی نیاز کنم. من از آن می ترسم که مرگم فرا رسد وبر معصیت خدا باشم». آن مرد گفت: راست گفتی، می خواستم تو را پند دهم، تو به من پند دادی. (1)

طلب کردن دنیا یا آخرت

در حدیث است که شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: ما طالب دنیا هستیم ودوست داریم مال دنیا به ما رو کند. حضرت فرمود: «مال دنیا را برای چه می خواهی؟» عرض کرد: برای هزینه خود وخانواده وصله رحم وکمک کردن به نیازمندان وتأمین هزینه حج وعمره ومانند آن. حضرت فرمود: «کسب مال برای این امور، طلب کردن دنیا نیست بلکه طلب آخرت است». (2)

استفاده نکردن از بیت المال

در روایتی معتبر آمده است که حضرت علی علیه السلام فرمود: «خداوند متعال به حضرت داوود علیه السلام فرمود: اگر از بیت المال استفاده نمی کردی وبه دست خود کسب روزی می کردی، بنده نیکوتری بودی. حضرت داوود علیه السلام چهل روز گریست، سپس خداوند به آهن وحی کرد که برای بنده ام داوود نرم شو! آهن در دست داوود نرم شد وآن حضرت روزی یک زره با دستان خود می ساخت وبه

1- کافی، ج 5، ص 73، ح 1؛ تهذیب، ج 6، ص 373، ح 15.

2- كافى، ج 5، ص 72، ح 10؛ تهذيب، ج 6، ص 376، ح 24.

هزار درهم می فروخت، تا آنکه سیصد وشصت زره ساخت واز بیت المال بی نیاز شد». (1)

توانگری

1. در چندین حدیث معتبر می خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «توانگری یار ویاور خوبی برای پرهیز از گناه ومعصیت است». (2)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ثروتی که تو را از ظلم حفظ کند، بهتر از فقری است که تو را وادار بر گناه کند». (3)

وقت تجارت

1. در حدیث است که امام کاظم علیه السلام به تاجری فرمود: «بامداد به سمت چیزی که موجب عزّت تو است (بازار) حرکت کن». (4)

2. نیز در احادیث آمده است که: «بامدادان برای طلب روزی بروید». (5)

شرح بیشتر را در کتاب عین الحیاه (6) مطالعه فرمایید.

کسب روزی حلال

اشاره

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خیری نیست در کسی که نخواهد مالی از حلال جمع وبا آن مال آبروی خود را حفظ وقرض خود را ادا

1- کافی، ج 5، ص 74، ح 5؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 98، ح 381.

2- کافی، ج 5، ص 71، ح 1.

3- کافی، ج 5، ص 72، ح 11.

4- کافی، ج 5، ص 149، ح 7.

5- خصال، ج 2، ص 154، ح 53؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 49، ح 3.

6- عين الحياه، ص 278، لمعه پنجم.

وبه خویشان خود احسان کند». (1)

2. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «عبادت هفتاد جزء دارد وبهترین آن طلب حلال است». (2)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «کسی که بر اثر تلاش برای طلب حلال خسته سر بر بالین بگذارد، چون صبح شود آمرزیده است». (3)

4. در روایاتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در حجّه الوداع به نقل از جبرئیل علیه السلام فرمود: «هیچ جانداری نمی میرد مگر آنکه رزق وروزی معیّن شده خود را به طور کامل خورده باشد؛ بنابراین، تقوای الهی پیشه کنید ودر طلب روزی زیاده روی نکنید واگر روزی شما دیر رسید با معصیت خدا آن را طلب نکنید، زیرا خداوند متعال روزی خود را در میان خلق خود به گونه حلال قسمت کرده وروزی حرام به کسی نداده است. پس کسی که از معصیت خدا بپرهیزد وصبر را پیشه خود سازد، روزی او از حلال می رسد. وهر کس پرده دری وعجله کند واز حرام روزی بخورد از روزی حلالش به همان مقدار کم می شود ودر روز قیامت به خاطر استفاده کردن از روزی حرام از او حساب می کشند». (4)

روزی رسان خداست

1. در چندین حدیث معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند روزی مؤمنان را (گاه) از جایی که گمان نمی برند می رساند واین بدان است که هرگاه انسان راه روزی را پیدا نکند بسیار دعا می کند». (5)

1- کافی، ج 5، ص 72، ح 5.

2- کافی، ج 5، ص 78، ح 6؛ تهذیب، ج 6، ص 372، ح 12.

3- امالی صدوق، ص 289، ح 9.

4- کافی، ج 5، ص 80، ح 1؛ تهذیب، ج 6، ص 368، ح 1.

5- کافی، ج 5، ص 84، ح 4؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 101، ح 395.

2. در روایتی دیگر فرمود: «اگر بنده خدا (حتّی) در سوراخی باشد، خداوند روزی او را می رساند، پس در طلب روزی زیاده روی نکنید». (1)

3. در احادیث معتبر آمده است: «هنگامی که درِ مغازه را گشودی وکالای خود را برای فروش عرضه کردی، وظیفه خود را انجام داده ای وبقیّه را به خدا بسپار». (2)

آداب تجارت

فراگیری احکام تجارت واهمّیّت آن

1. در حدیث است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بر فراز منبر می فرمود: «ای تاجران، اوّل مسائل واحکام شرعی تجارت را فرا گیرید بعد مشغول تجارت شوید». حضرت این جمله را سه بار تکرار کرد. سپس فرمود: «به خدا سوگند، ربا در این امّت از جای پای مورچه بر روی سنگ سخت پنهان تر است. وقسم دروغ نخورید، به درستی که تاجر فاجر است وفاجر در جهنّم، مگر کسی که حق بگیرد وحق بدهد». (3)

2. در روایتی دیگر فرمود: «جز کسانی که مسائل خرید وفروش را می دانند در بازار ننشینند، (زیرا) هر کس بدون اطّلاع از مسائل شرعی تجارت کند در ربا فرو می رود». (4)

3. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «خطرناک ترین نقطه زمین بازار است. آنجا میدان شیاطین است. شیطان هر روز صبح پرچم خود را در بازار می زند وبر صندلی خود می نشیند وفرزندان خود را در آن پخش

1- کافی، ج 5، ص 81، ح 4.

2- کافی، ج 5، ص 79، ح 1؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 100، ح 394.

3- کافی، ج 5، ص 150، ح 1؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 121، ح 519.

4- کافی، ج 5، ص 154، ح 23؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 120، ح 513.

می کند، تا یکی را فریب دهند که از ترازو بکاهد ودیگری کیل وپیمانه را کم کند، ودیگری ذرع (1) را بدزدد ودیگری رأس المال وسرمایه را دروغ بگوید. سپس

خطاب به فرزندانش می گوید: شما که پدرتان زنده است وظیفه دارید کسانی را که پدرشان (حضرت آدم) مرده است، رها نکنید وفریب دهید؛ بنابراین، شیطان با اوّل کسی که وارد بازار می شود وارد وبا آخرین نفر خارج می شود. وبهترین نقطه روی زمین نزد خدا مساجد است. ومحبوب ترین مردم نزد خدا کسی است که زودتر به مسجد رفته ودیرتر بیرون آید». (2)

کارهایی که به هنگام تجارت باید ترک کرد

1. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کسی که داد وستد می کند از پنج چیز بپرهیزد: رباخواری، قسم خوردن، پنهان کردن عیب کالا، مدح وستایش کالایی که می فروشد، مذمّت چیزی که می خرد». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که مؤمنی را (در معامله) فریب دهد از ما نیست». (4)

3. در حدیث است که امام کاظم علیه السلام به هشام فرمود: «در تاریکی و زیر سقف، کالای خود را نفروش که (ممکن است) متاع خوب جلوه کند (وعیوب آن مخفی بماند) واین غش در معامله است که حلال نیست». (5)

4. در حدیث است که پیامبر صلی الله علیه و آله از آب کردن در شیر نهی کرد. (6)

5. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کسی که خرید

1- «ذرع» مقياس اندازه گیری طول وعرض اشیاست وکمی بیشتر از یک متر است.

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 124، باب السوق، ح 1.

3- کافی، ج 5، ص 150، ح 2؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 120، ح 515.

4- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 29، ح 26.

5- کافی، ج 5، ص 160، ح 5؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 172، ح 770.

6- کافی، ج 5، ص 160، ح 6، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 172، ح 770.

وفروش می کند، روزی خود را به دست می آورد. وکسی که کالای (مورد نیاز مردم) را برای گران شدن نگه می دارد ملعون است». (1)

6. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که به هنگام خرید وفروش همواره قسم می خورد، خداوند در قیامت نظر رحمت به او نمی کند». (2)

7. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در معاملات قسم نخورید، زیرا هر چند کالا را به فروش می رساند امّا برکتش را می برد». (3)

8. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «به استقبال کاروان های تجارتی در خارج از شهر نروید، بلکه اجازه دهید وارد شهر شوند وکالاهایشان را به عموم مردم عرضه کنند. ودر خرید وفروش، شهرنشین وکیل روستایی وبادیه نشین نشود، زیرا خداوند برخی مسلمانان را به سبب برخی دیگر روزی می دهد». (4)

9. در روایتی می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس تمام شب برای کسب وکار بیدار باشد وبهره چشمانش را از خواب ندهد، کسبش حرام است». (5)

آداب تجارت

1. در حدیث است که حضرت علی علیه السلام هر روز صبحگاهان تازیانه (کوتاهی) بر دوش خود گذاشته، در بازار کوفه می گشت ومی فرمود: «هنگامی که مشغول خرید وفروش می شوید نخست خیر خود را از خداوند طلب کنید وخرید وفروش را به آسانی انجام دهید وکار را بر یکدیگر سخت نگیرید تا برکت پیدا

1- کافی، ج 5، ص 165، ح 6.

2- کافی، ج 5، ص 162، ح 3.

3- کافی، ج 5، ص 162، ح 4.

4- کافی، ج 5، ص 168، باب التلقی، ح 1.

5- بیشتر علما این روایت را حمل بر کراهت کرده اند. کافی، ج 5، ص 127، ح 6؛ تهذیب، ج 6، ص 422، ح 180.

کند. با مشتریان مهربانی کنید، صبر وبردباری را زینت خود قرار دهید واز قسم خوردن ودروغ گفتن بپرهیزید وبر مردم ستم نکنید وبا مظلومان از در انصاف وارد شوید وبه ربا نزدیک نشوید وپیمانه ووزن را کامل کنید واز ترازو دزدی نکنید». (1)

2. در روایتی دیگر آمده است: «هنگامی که قصد داری به دنبال کاری بروی وآفتاب طلوع کرده واندکی بلند شده وسرخی شعاعش برطرف شده است، دو رکعت نماز بگزار ودر رکعت اوّل پس از حمد، سوره قل هو الله احد ودر رکعت دوم سوره قل یا أیّها الکافرون وپس از سلام نماز این دعا را بخوان: اللّهُمَّ إِنِّی غَدَوْتُ، أَلْتَمِسُ مِنْ فَضْلِکَ کَمَا اَمَرْتَنی، فَارْزُقْنِی مِنْ فَضْلِکَ رِزْقاً حَسَناً وَاسِعاً، حَلالاً طَیِّباً وَاَعْطِنی فیما رَزَقْتَنِی الْعافِیَهَ، غَدَوْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ، غَدَوْتُ بِغَیْرِ حَوْلٍ مِنِّی وَلا قُوَّهٍ وَلکِنْ بِحَوْلِکَ وَقُوَّتِکَ وَاَبْرَأُ إِلَیْکَ مِنَ الْحَوْلِ وَالْقُوَّهِ. اَللّهُمَّ إِنّی أَسْأَلُکَ بَرَکَهَ هذَا الْیَوْمِ، فَبارِکْ لی فی جَمیعِ اُمُورِی یا أَرْحَمَ الرّاحِمینَ وَصَلَّی اللّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّیِّبِینَ». (2)

دعای هنگام وارد شدن به بازار

1. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس صبح وشام به بازار رود وهنگام ورود به بازار بگوید: اَللّهُمَّ اِنِّی اَسْأَلُکَ مِنْ خَیْرِها وَخَیْرِ اَهْلِها. (3)

1- کافی، ج 5، ص 151، ح 3؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 120، ح 514.

2- ترجمه: «بار خدایا، شب را به صبح رساندم در حالی که خواستار فضل تو هستم آن گونه که به من فرماندادی. پس، از فضل خود روزی نیکو ووسیع وحلال وپاکیزه ای روزی ام کن ودر آنچه روزی ام می کنیعافیتم ده.

(خدایا) به قدرت وتوانایی تو صبح کردم نه به قدرت وتوانایی خودم وبلکه به قدرت وتوانایی تو واز این که بر قدرت و توانایی خودم تکیه کنم به سوی تو بیزاری می جویم. بار خدایا، برکت امروز را از تومی خواهم، پس تمام کارهایم را برای من مبارک بگردان، ای مهربان ترین مهربانان ودرود خداوند بر محمّدوآل پاکش باد». مکارم الأخلاق، ص 256.

3- ترجمه: «بار خدایا، از تو بهترین کالاهای بازار و(معامله با) بهترین ساکنان آن را طلب می کنم.»

خداوند متعال به فرشته ای مأموریّت می دهد که تا هنگام بازگشت به خانه اش از او وکالایش محافظت کند. وآن فرشته به او گوید: امروز از شرّ این بازار واهل آن امان یافتی وامروز به امر خداوند، خیر این بازار واهل آن روزی تو شد. وهنگامی که در مغازه اش بنشیند بگوید: اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. اَللّهُمَّ اِنّی اَسْاَلُکَ مِنْ فَضْلِکَ رِزْقاً حَلالاً طَیِّباً وَاَعُوذُ بِکَ مِنْ أَنْ اَظْلِمَ وَاَعُوذُ بِکَ مِنْ صَفْقَةٍ خاسِرَةٍ وَیَمینٍ کاذِبَةٍ. (1) وهنگامی که

این دعا را بخواند فرشته مأمور محافظت از او واموالش به وی می گوید: بشارت می دهم به تو که امروز بهره هیچ کس در بازار بیشتر از تو نیست، چرا که در جمع آوری ثواب ها ومحو گناهان از دیگران سبقت گرفتی. به زودی آنچه خداوند روزی تو گردانیده به صورت حلال وطیّب ومبارک نصیبت می شود». (2)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس داخل بازار شود وبگوید: اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَاَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. اَللّهُمَّ اَعُوذُ بِکَ مِنَ الظُّلْمِ وَالْمَأْثَمِ وَالْمَغْرَمِ (3) خداوند به تعداد آنچه در آن بازار است از

سخنگو وغیر سخنگو، به او ثواب می دهد». (4)

3. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس هنگام وارد شدن به بازار بگوید: سُبْحانَ اللهِ وَالْحَمْدُ للهِ وَلا اِلهَ اِلّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، لَهُ

1- ترجمه: «گواهی می دهم که معبودی جز الله که یگانه است وشریک ندارد نیست. وگواهی می دهم کهمحمّد صلی الله علیه و آله بنده ورسول اوست. بار خدایا، از تو روزی حلال وپاکیزه درخواست می کنم وبه تو پناه

می برم ازاینکه به کسی ستم کنم (یا به من ستم شود) وپناه می برم به تو از خرید وفروش زیان آور وسوگند دروغ».

2- کافی، ج5، ص155، باب من ذکرالله تعالی فی السوق، ح1؛ کتاب من لایحضره الفقیه، ج 3، ص 124، ح 542.

3- ترجمه: «شهادت می دهم معبودی جز الله که یگانه است وشریکی ندارد نیست. وگواهی می دهممحمّد صلی الله علیه و آله بنده وفرستاده اوست. بار خدایا، از ظلم وگناه وغرامت وخسارت به تو پناه می برم».

4- امالی طوسی، ج 1، ص 144.

الْحَمْدُ، يُحْيى وَيُميتُ وَهُوَ حَىٌّ لا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلى كُلِّ شَیْءٍ قَدِيرٌ ، (1)

خداوند به تعداد تمام مخلوقاتش تا قيامت به او ثواب می دهد». (2)

4. از حضرت علی عليه السلام روايت شده است كه فرمود: «هنگامی كه مردم مشغول دنيا هستند شما در بازار بسيار ياد خدا كنيد تا كفّاره گناهانتان باشد وباعث افزايش حسنات شماشودوشمارادرزمره غافلان ننويسند. (3) وهر زمان بخواهيد

اجناس مورد نياز خود را از بازار تهيّه كنيد به هنگام وارد شدن به بازار بگوييد : اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَريکَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً صلى الله عليه و آله عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اَللّهُمَّ اِنّى اَعُوذُ بِکَ مِنْ صَفْقَهٍ خاسِرَهٍ وَيَمينٍ فاجِرَهٍ وَاَعُوذُ بِکَ مِنْ بَوارِ الأَيِّمْ». (4)

خواندن دعا در بازار

1. در روايتی صحيح می خوانيم كه امام صادق عليه السلام فرمود: «هنگامی كه وارد بازار می شوی اين دعا را بخوان: اَللّهُمَّ اِنّى اَسْأَلُکَ مِنْ خَيْرِها وَخَيْرِ اَهْلِها وَاَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّها. اَللّهُمَّ اِنّى اَعُوذُ بِکَ مِنْ اَنْ اَظْلِمَ اَوْ اُظْلَمْ، اَوْ اَبْغى اَوْ يُبْغى عَلَىَّ، اَوْ أعْتَدى اَوْ يُعْتَدى عَلَىَّ. اَللّهُمَّ اِنِّى اَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ اِبْليسَ وَجُنُودِهِ، وَمِنْ شَرِّ فَسَقَهِ الْعَرَبِ وَالعَجَمِ وَحَسْبِىَ اللهُ لا اِلهَ اِلّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرشِ الْعَظيمِ». (5)

1- ترجمه: «منزّه است خداوند. وحمد وستايش مخصوص اوست. وهيچ معبودی جز الله، كه يگانه استوشريكی ندارد، نيست. بزرگی وحكومت وحمد وستايش از آنِ اوست. زنده می كند ومی ميراند، در حاليكه او زنده

ای است که نمی میرد. کلید تمام خیرات در دست قدرت اوست واو توانا بر همه چیز است».

2- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 31، ح 42.

3- خصال، ج 2، ص 403؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 172، ح 1.

4- خصال، ج 2، ص 403؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 172، ح 1. ترجمه مشابه آن گذشت.

5- ترجمه: «بار خدایا، از تو بهترین کالاها وبهترین فروشندگان بازار را طلب می کنم. واز شرّ وبدی های بازاربه تو پناه می برم. بار خدایا، به تو پناه می برم از اینکه ظلم کنم یا مورد ظلم واقع شوم. ستم کنم یا به من ستمشود. به حقوق دیگران تجاوز کنم یا به حقوقم تجاوز شود. بار خدایا، از شرّ شیطان ولشکریانش واز شرّبدکاران عرب وعجم به تو پناه می برم. وخداوند برای من کافی است ومعبودی جز الله نیست، بر او توکّلکردم واو پروردگار عرش بزرگ است». کافی، ج 5، ص 156، ح 2؛ تهذیب الأحکام، ج 7، ص 12، ح 32.

2. نیز در حدیثی صحیح می خوانیم که فرمود: «هر کس وارد بازار یا مسجدی شود ویک مرتبه بگوید: اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَاللهُ اَکْبَرُ کَبیراً وَالْحَمْدُ للهِ کَثیراً وَسُبْحانَ اللهِ بُکْرَةً وَاَصیلاً وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ وَصَلَّی اللهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ (1) این کار برابر با یک حجّ مقبول است». (2)

3. در حدیثی معتبر آمده است که هر کس در بازار بگوید: «اَشْهَدُ اَنْ لااِلهَ اِلّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ» خداوند هزار حسنه برای او می نویسد». (3)

دعای هنگام خرید وپس از آن

1. در روایتی صحیح ومعتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که بخواهی کالا یا چیز دیگری بخری سه مرتبه الله اکبر بگو، سپس سه بار این دعا را بخوان: اَللّهُمَّ اِنّی اِشْتَرَیْتُهُ، اَلْتَمِسُ فِیهِ مِنْ خَیْرِکَ، فَاجْعَلْ لی فیهِ خَیْراً. اَللّهُمَّ اِنّی اِشْتَرَیْتُهُ، اَلْتَمِسُ فیهِ مِنْ فَضْلِکَ، فَاجْعَلْ لی فِیهِ فَضْلاً. اَللّهُمَّ اِنِّی اِشْتَرَیْتُهُ، اَلْتَمِسُ فِیهِ مِنْ رِزْقِکَ، فَاجْعَلْ لی فِیهِ رزقاً». (4)

1- ترجمه: «شهادت می دهم معبودی جز الله نیست. او یگانه است وشریکی ندارد. وخداوند بزرگ تر از آناست که به وصف درآید. وستایش فراوان مخصوص اوست. ودر هر صبح وشام تسبیح خدا می گویم. وهیچپناهگاه و قدرتی جز به واسطه قدرت خداوند بزرگ والامرتبه نیست. ودرود خدا بر محمّد وآلش باد».

2- محاسن، ص 40، ح 48؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 124، ح 541.

3- محاسن، ص 40، ح 47. در مصدر هزار هزار حسنه آمده است.

4- ترجمه: «بار خدایا، آن را خریدم وخیر از سوی تو در آن درخواست می کنم. پس در آن خیری برای من قرارده. بار خدایا، آن را خریدم وفضل تو را در آن درخواست می کنم، پس در آن فضلی برای من قرار ده. بارخدایا، آن را خریدم وروزی تو را در آن درخواست می کنم، پس روزی مرا در آن قرار ده». کافی، ج 5، ص156، ح 1؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 125، ح 545.

2. نیز در روایتی معتبر می خوانیم که فرمود: «هنگامی که بخواهی چیزی بخری این دعا را بخوان: یا حَیُّ یا قَیُّومُ، یا دائِمُ یا رَؤُفُ یا رَحیمُ، اَسْاَلُکَ بِعِزَّتِکَ وَقُدْرَتِکَ وَما اَحاطَ بِهِ عِلْمُکَ، اَنْ تَقْسِمَ لی مِن التِّجارَهِ الْیَوْمَ اَعْظَمُها رِزْقاً وَاَوْسَعُها فَضْلاً وَخَیرُها عاقِبَهً، فاِنَّهُ لا خَیْرَ فیما لا عاقِبَهَ لَهُ». (1)

3. در حدیثی دیگر از آن حضرت می خوانیم که فرمود: «هر زمان بخواهی مرکبی (چهارپایی) بخری سه مرتبه این دعا را بخوان: اَللّهُمَّ اِنْ کانَتْ عَظیمَهَ الْبَرکَهِ، فاضِلَهَ الْمَنْفعَهِ، مَیْمُونَهَ الناصِیَهِ، فَیَسِّر لی شِرائَها و اِنْ کانَتْ غَیْرَ ذلِکَ فَاصْرِفنی عَنْها اِلَی الَّذی هُوَ خَیْرٌ لی مِنْها، فَاِنَّکَ تَعْلَمُ وَلا اَعْلَمُ وَتَقْدِرُ وَلا اَقْدِرُ، وَاَنْتَ عَلّامُ الْغُیُوبَ». (2)

4. در روایتی آمده است: امام رضا علیه السلام بر روی کالایی که می خرید می نوشت بَرَکَهٌ لَنا؛ خدایا آن را بر ما مبارک گردان». (3)

5. در کتاب فقه الرّضا آمده است: «هنگامی که (کالایی خریدی و) بخواهی آن را ببندی ونگاه داری، آیه الکرسی بخوان وبنویس ودر میان آن کالا بگذار واین دعا را نیز به همراه آیه الکرسی بنویس: وَجَعَلْنَا مِنْ بَیْنِ أَیْدِیهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَیْنَاهُمْ فَهُمْ لاَ یُبْصِرُونَ. لا ضَیْعَهَ عَلَیَّ مَا حَفِظَ اللَّهُ، فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِیَ اللَّهُ لاَ إِلهَ إِلاَّ هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ. (4) اگر این کار را انجام دهی

1- ترجمه: «ای حیّ قیّوم، ای همیشه پایدار، ای مهربان، ای رحیم، به عزّت وقدرتت وبه آنچه که علم تو آن رادر بر گرفته، از تو می خواهم امروز از تجارت بالاترین روزی ووسیع ترین فضل و بخشش وبهترین آن را ازنظر عاقبت نصیبم کنی ؛ زیرا چیزی که عاقبت ندارد خیری هم ندارد». کافی، ج 5، ص 157، ح 3.

2- ترجمه: «بار خدایا، اگر برکتش زیاد وسودش بسیار وخوش قدم است خریدن آن را بر من آسان گردان،واگر غیر از این است مرا از آن منصرف

وبه سوی بهتر از آن هدایت فرما، زیرا تو می دانی ومن نمی دانم، توتوانایی ومن توانایی ندارم وتو عالم به اسرار غیب هستی». کافی، ج 5، ص 157، ح 4.

3- احتمالاً حضرت این جمله را با انگشت می نوشت. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 125، ح 546.

4- ترجمه: «ودر پیش روی آنان سدّی قرار دادیم ودر پشت سرشان سدّی ؛ وچشمانشان را پوشانده ایم ؛ لذانمی بینند. آنچه را که خداوند برای من حفظ کند ضایع نمی شود. اگر آنها (آن ظالمان و مفسدان از حق) رویبگردانند، نگران نباش) بگو: «خداوند مرا کفایت می کند؛ هیچ معبودی جز او نیست ؛ بر او توکّل کردم ؛ واوپروردگار عرش عظیم است».

آن کالا از هر بلایی حفظ می شود». (1)

وفرمود: «اگر مال تو تلف شد این دعا را بخوان: اللّهُمَّ إِنِّی عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدِکَ وَابْنُ أَمَتِکَ وَفِی قَبْضَتِکَ، نَاصِیَتِی بِیَدِکَ، تَحْکُمُ فِیمَا تَشَاءُ وَتَفْعَلُ مَا تُرِیدُ. اللّهُمَّ فَلَکَ الْحَمْدُ عَلی حُسْنِ قَضَائِکَ وَبَلائِکَ. اللّهُمَّ هُوَ مالُکَ وَرِزْقُکَ وَأنَا عَبْدُکَ، خَوَّلْتَنِی حینَ رَزَقْتَنِی. اَللّهُمَّ فَألْهِمْنِی شُکْرَکَ فِیهِ وَالصَّبْرَ عَلَیْهِ حِینَ اُصِبْتُ وَاُخِذْتُ. اَللّهُمَّ أنْتَ أعْطَیْتَ وَأنْتَ أصَبْتَ. اَللّهُمَّ لا تَحْرِمْنِی ثَوابَهُ وَلا تَنْسَنی مِنْ خَلْفِهِ فی دُنْیایَ وَ آخِرَتی إنَّکَ عَلی ذلِکَ قادِرٌ. اللّهُمَّ أنَا لَکَ وَبِکَ وَإلَیْکَ وَمِنْکَ

لا أمْلِکُ لِنَفْسی نَفْعآ وَلا ضَرًّا». (2)

با چنین کسانی معامله نکنید

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با کسانی که کار برایشان بسته شده، معامله نکنید که معامله با آنها برکت ندارد». (3)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «با مردم پست که از دشنام دادن وشنیدن آن پروا ندارند، داد وستد نکنید». (4)

1- فقه الرضا علیه السلام، ص 400.

2- ترجمه: «بار خدایا، من بنده تو وفرزند بنده وفرزند کنیز توأم. وزمام امر من به دست تو است. آن طور کهمی خواهی فرمان می دهی وآن طور که اراده کنی انجام می دهی. بار خدایا، بر قضا وآزمایش نیکویت سپاس.بار خدایا، آن، مال ورزق تو بود ومن بنده توأم که به هنگام روزی دادن به من عطا کردی. بار خدایا، شکر خودرا به من الهام کن وصبر را به هنگام مصیبت وگرفتن آن. بار خدایا، تو عطا کردی وتو گرفتی. بار خدایا، ازپاداش آن مرا محروم نکن وپس از آن، چه در دنیا وچه در آخرت مرا

فراموش نکن ، زیرا تو بر آن توانایی. بارخدایا، من از برای تو وبه سوی تو واز آنِ توأَم واز برای خود مالک هیچ نفع وضرری نیستم».

3- کافی، ج 5، ص 157، ح 1؛ علل الشرایع، ج 2، ص 526، باب 308، ح 1.

4- کافی، ج 5، ص 158، ح 3 و6؛ علل الشرایع، ج 2، ص 526، باب 308، ح 2.

3. نیز در روایتی فرمود: «با نوکیسگان معامله نکنید، بلکه با کسانی معامله کنید که در میان مال ونعمت بزرگ شده باشند». (1)

برخی معاملات مکروه

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای فرزندت شغل صرّافی در نظر نگیر که صرّاف (غالباً) از ربا سالم نمی ماند. واو را به کفن فروشی تشویق نکن که کفن فروش آرزوی مرگ مردم می کند واز مرگ ومیر فراوان خوشحال می شود. وسفارش به تجارت گندم وجو نکن که از احتکار ونگهداری به منظور گران شدن آن در امان نیست. وشغل قصّابی وسلّاخی (2) برایش انتخاب نکن که

رحم از دلش می رود وسنگدل از خدا دور است». (3)

2. در احادیث آمده است که: اگر مزد حجامت را اوّل شرط نکند وآنچه بعد از حجامت به وی می دهند قبول کند، اشکال ندارد. (4)

3. در برخی روایات از بافندگی (به سبک قدیم) نیز نهی شده است. (5)

درآمد واجرت معلّم قرآن

1. در حدیث است که کسی از امام صادق علیه السلام پرسید: تعلیم دادن اطفال وکودکان چه حکمی دارد؟ فرمود: «اشکال ندارد، ولی دستمزد نگیرید». عرض کرد: اگر کتاب های شعر ومانند آن بخوانند واز اوّل اجرت را معیّن کنم چطور؟ فرمود: «اشکال ندارد، مشروط بر اینکه بچّه ها نزد تو برابر باشند وبرخی را بر

1- کافی، ج 5، ص 158، ح 5؛ علل الشرایع، ج 2، ص 526، باب 308، ح 2.

2- «سَلّاخ» پوست کن، کسی که در کشتارگاه حیوانات را پوست می کَند (فرهنگ عمید).

3- کافی، ج 5، ص 114، ح 4؛ علل الشرایع، ج 2، ص 530، باب 314، ح 1.

4- کافی، ج 5، ص 115، ح 1.

5- ابن میثم، شرح نهج البلاغه، ج 1، ص 324.

برخی دیگر برتری ندهی». (1)

2. در حدیثی دیگر آمده است که از آن حضرت پرسیدند: برخی می گویند کسب معلّم حرام است؟ فرمود: «این دشمنان خدا دروغ می گویند تا اطفال مردم قرآن فرا نگیرند. اگر کسی به مقدار دیه فرزند خود را به معلّم بدهد بر وی حلال است، ولی بهتر است اوّل شرط مزد نکند وهرچه دادند بگیرد». (2)

خرید وفروش ودستمزد کتابت قرآن

1. در احادیث معتبر آمده است: «هنگامی که قرآن می فروشید قصد فروش کاغذ وجلد آن را داشته باشید، نه نوشته های آن». (3)

2. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مزد گرفتن برای نوشتن قرآن مانعی ندارد». (4)

فضیلت زراعت ودرختکاری

ارزش وفضیلت زراعت

1. در حدیث است که علیّ بن ابی حمزه می گوید: حضرت کاظم علیه السلام را دیدم که در زمین (کشاورزی) خود کار می کرد وپاهایش در عرق فرو رفته بود. عرض کردم: فدایت شوم خدمتکاران کجا رفته اند که خودتان چنین فعّالیّت می کنید؟ فرمود: «کسی که بهتر از من وپدرم بوده با بیل در زمین کار کرده است». سپس فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله وحضرت علی علیه السلام وتمام پدران من با دست خود روی زمین کار کرده اند واین کار پیامبران وجانشینان آنان وصالحان است». (5)

1- کافی، ج 5، ص 121، باب کسب المعلّم، ح 1.

2- کافى، ج 5، ص 121، باب كسب المعلّم، ح 2.

3- کافى، ج 5، ص 121، باب بيع المصاحف، ح 1.

4- قرب الإسناد، ص 212، ح 1054؛ السرائر، ج 3، ص 573.

5- کافى، ج 5، ص 75، ح 10؛ کتاب من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 98، ح 380.

2. در احادیث معتبر آمده است که: «حضرت علی علیه السلام با بیل روی زمین کار می کرد ومزارع را آباد می ساخت وآن حضرت از زحمت بازو، هزار برده را خرید وآزاد کرد». (1)

3. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند متعال

شغل زراعت را برای پیامبرانش اختیار کرد، تا از بارش باران کراهت نداشته باشند». (2)

4. در روایتی دیگر فرمود: «خداوند روزی پیامبران را در زراعت وشیر حیوانات قرار داد، تا از بارش باران آسمان کراهت نداشته باشند». (3)

5. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام زین العابدین علیه السلام فرمود: «بهترین کارها زراعت است که انسان های خوب وبد از آن می خورند؛ آنچه شخص نیکوکار می خورد برای تو استغفار می کند وآنچه را فاسق می خورد او را نفرین می کند. وحیوانات ومرغان نیز از آن بهره می گیرند». (4)

6. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زراعت کنید ودرخت بنشانید. به خدا قسم، مردم کاری حلال تر وپاکیزه تر از آن نمی کنند. به خدا سوگند که پس از خروج دجّال نیز زراعت ودرختکاری خواهید کرد». (5)

7. در حدیثی دیگر فرمود: «زراعت کردن کیمیای بزرگ است». (6)

8. نیز در روایتی فرمود: «زارعان گنج های مردم هستند، زراعت می کنند وخداوند روزی نیکوی پاکیزه کرامت می کند ودر قیامت جایگاه آنها از سایر

1- کافی، ج 5، ص 74، ح 2.

2- کافی، ج 5، ص 260، ح 1.

3- کافی، ج 5، ص 260، ح 2.

4- کافی، ج 5، ص 260، ح 5.

5- کافی، ج 5، ص 260، ح 3.

6- کافی، ج 5، ص 261، ذیل حدیث 6.

مردم نیکوتر ومنزلتشان از دیگران نزدیک تر است ودر آن روز آنها را مبارک می نامند». (1)

9. در حدیث است که امام صادق علیه السلام بر گروهی از زارعان عبور کرد که زمین را شخم می زدند. به آنها فرمود: «زراعت کنید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند همان گونه که با باران زراعت را می رویاند، با باد هم می رویاند». (2) (بادهایی که

حامل بخار آب هستند).

فضیلت درختکاری

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شش ویژگی است که انسان مؤمن پس از مرگ هم از آن سود می برد: فرزند نیکوکار که برای او استغفار کند، قرآنی که از او بماند وتلاوت شود، چاهی که باقی بماند، درختی که بکارد، آبی که جاری سازد، سنّت نیکی که در میان مردم بگذارد ومردم پس از وی به آن عمل کنند». (3)

2. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله هسته خرما را با آب دهان مبارکش مرطوب می کرد وآن را در زمین فرو می برد وهمان لحظه سبز می شد. (4)

3. در روایتی معتبر می خوانیم که کسی به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام رسید، دید آن حضرت مقدار زیادی هسته خرما بر دوش گرفته ومی برد. پرسید: اینها چیست؟ فرمود: «إن شاء الله صد هزار درخت خرما است». سپس آنها را کاشت وحتّی یکی از آنها خطا نرفت (وهمه آنها بارور شد). (5)

1- کافی، ج 5، ص 261، ح 7.

2- كافى، ج 5، ص 262، ح 1.

3- خصال، ج 1، ص 288، ح 7؛ بحارالأنوار، ج 6، ص 293، ح 2.

4- كافى، ج 5، ص 74، ح 2.

5- كافى، ج 5، ص 74، ح 6.

باغ وباغداری

1. در روایتی معتبر می خوانیم که ابی عمرو می گوید حضرت صادق علیه السلام را که لباسی گشاد پوشیده بود وبیلی در دست داشت ودر باغ خود کار می کرد وعرق از پشت مبارکش می ریخت، دیدم. عرض کردم: فدایت شوم اجازه بده من کارها را انجام دهم. فرمود: «دوست دارم انسان برای طلب روزی در زیر آفتاب عرق بریزد». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هیچ یک از اموالی که پس از مرگ انسان باقی می ماند دشوارتر از طلا نیست». راوی پرسید: چه کند؟ فرمود : «باغ وخانه بخرد». (2)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «در تورات نوشته شده است که هر کس زمین یا آب بفروشد ودر مقابل آن زمین وآب دیگر نخرد، ارزش کار او باطل واز آن سودی نخواهد برد». (3)

آداب زراعت ودرختکاری

آداب زراعت

1. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که حضرت آدم علیه السلام به زمین آمد تشنه وگرسنه شد. به جبرئیل شکایت کرد. جبرئیل گفت : زراعت کن. آدم علیه السلام گفت: دعایی به من تعلیم کن. جبرئیل گفت: این دعا را بخوان: اَللّٰهُمَّ اكْفِنی مَؤُنَةَ الدُّنْیا وَكُلَّ هَوْلٍ دُونَ الْجَنَّهِ وَاَلْبِسْنِی الْعافِیَهَ، حَتّی تُهَنِّئَنِی الْمَعیشَهَ». (4)

1- کافی، ج 5، ص 76، ح 13.

2- کافی، ج 5، ص 91، باب شراء العقارات وبیعها، ح 2؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 104، ح 429.

3- کافی، ج 5، ص 91، ح 3؛ تهذیب، ج 6، ص 446، ح 276.

4- ترجمه: «بار خدایا، هزینه های زندگی ام را تأمین وهر ترسی که به خاطر بهشت است از من دور کنو(لباس) عافیت را بر من بپوشان تا زندگی را بر من گوارا کنی». کافی، ج 5، ص 260، ح 4.

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هنگامی که می خواهی زراعت کنی یک مشت از بذر را بگیر ورو به قبله بایست وسه مرتبه بگو: (أَفَرَءَیْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ * ءَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ) (1) سپس بگو: اَللّهُمَّ اجْعَلْهُ حَبّاً مُبارَکاً وَارْزُقْنا فِیهِ

السَّلامَةَ (2) آن گاه بذری که در کف دست داری بپاش». (3)

3. نیز در روایتی فرمود: «هنگامی که دانه را می پاشی بگو: اَللّهُمَّ قَدْ بَذَرْتُ وَاَنْتَ الزّارِعُ، فَاجْعَلْهُ حَبّاً مُتراکِماً». (4)

4. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک قبضه از بذر را در دست بگیر ورو به قبله بایست وسه مرتبه بگو: (ءَاَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ) (5)

سپس بگو: اَللّهُمَّ اجْعَلْهُ حَرْثاً مُبارَکاً وَارْزُقْنا فِیهِ السَّلامَةَ وَالتَّمامَ وَاجْعَلْهُ حَبّاً مُتَراکِباً وَلا تَحْرِمْنی خَیْرَ ما اَبْتَغی وَلا تَفْتِنّی بِما مَتَّعْتَنی بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّیِّبینَ، آن گاه بذر را بپاش». (6)

آداب درختکاری

دعای هنگام درختکاری

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: به هنگام کاشتن درخت وپاشیدن دانه، جمله «سُبْحانَ الْباعِثِ الْوارِثِ» را بر هر درخت ودانه ای بخوان که

1- ترجمه: «آیا هیچ درباره آنچه کشت می کنید اندیشیده اید؟ ! آیا شما آن را می رویانید یا ما می رویانیم؟»سوره واقعه، آیات 63 و 64.

2- ترجمه: «بار خدایا، این بذر را بذر پربرکتی قرار ده ودر آن سلامتی را روزی ما گردان».

3- کافی، ج 5، ص 262، باب ما یقال عند الزّرع والغرس، ح 1.

4- ترجمه «بار خدایا، من بذر را پاشیدم، امّا زارع حقیقی تو هستی، پس محصول آن را انبوه وفراوان قرار بده».کافی، ج 5، ص 263، ح 2.

5- سوره واقعه، آیه 64.

6- ترجمه: «بار خدایا، این زراعت را زراعت مبارکی گردان وسلامتی وکمال را در آن روزی ما کن وآن را دانهانبوه وفراوان قرار ده وآنچه را می طلبم محرومم نکن ودر آنچه که به من داده ای مرا آزمایش (طاقت فرسا)نکن، به محمّد وخاندان پاکش». مکارم الأخلاق، ص 353.

إن شاءالله خطا نخواهد کرد». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «در وقت کاشتن درخت وزراعت، بگو: وَمَثَلُ کَلِمَهٍ طَیِّبَهٍ کَشَجَرَهٍ طَیِّبَهٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِی السَّمَاءِ، تُؤْتِی أُکُلَهَا کُلَّ حِینٍ

بِإِذْنِ رَبِّهَا». (2)

بارور کردن درخت خرما وآبیاری درخت سدر

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس می خواهد درخت خرما خوب میوه دهد وخرمایش نیکو شود، ماهی های کوچک خشک را بگیرد وآن را نیمکوب کند ودر هر شکوفه ای اندکی بپاشد وبقیّه آن را در کیسه پاکیزه ای قرار داده، در میان درخت خرما جای دهد». (3)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس درخت سدر را آب دهد، گویی مؤمن تشنه ای را سیراب کرده است». (4)

فلسفه درختان بدون میوه ودرمان میوه های کرم زده

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال هیچ درختی را نیافرید مگر آنکه میوه داشت وقابل خوردن بود. امّا هنگامی که مردم برای خداوند فرزند قائل شدند میوه نصف درختان از بین رفت وهنگامی که برای خدا شریک قائل شدند درختان خار رویید». (5)

1- کافی، ج 5، ص 263، ح 5.

2- ترجمه: «مَثَل کلمه طیّبه (وگفتار پاکیزه) همانند درخت پاکیزه ای است که ریشه آن (در زمین) ثابتوشاخه آن در آسمان است. وهر زمان میوه خود

را به اذن پروردگارش می دهد». کافی، ج 5، ص 263، ح 6.

3- کافی، ج 5، ص 263، ح 3.

4- تفسیر عیّاشی، ج 2، ص 86، ح 44.

5- علل الشرایع، ج 2، ص 573، باب 374، ح 1.

2. در حدیث است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «حضرت عیسی علیه السلام از شهری عبور کرد که در میوه های آن شهر کرم فراوان بود. آنان به حضرت شکایت کردند. حضرت فرمود: شما که درخت می کارید اوّل خاک می ریزید وبعد آن را آب می دهید ازاین رو میوه های آن درخت کرم دارد. پس از این، اوّل آب بدهید سپس خاک بریزید. به این دستور عمل کردند ومشکل حل شد». (1)

بریدن درخت

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «درخت میوه دار را هرگز قطع نکنید که عذاب بر شما نازل می شود». (2)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «بریدن درخت خرما کراهت دارد». پرسیدند : بریدن درختان دیگر چطور؟ فرمود: «اشکال ندارد». پرسیدند: درخت سدر چطور؟ فرمود: «بریدن درخت سدر در بیابان خوب نیست زیرا در آنجا کم است، امّا در شهر اشکالی ندارد». (3)

3. در حدیث است که از امام رضا علیه السلام پرسیدند: بریدن درخت سدر چگونه است؟ فرمود: «پدرم درخت سدر را برید وبه جای آن درخت انگور کاشت». (4)

1- علل الشرایع، ج 2، ص 574، باب 376، ح 1.

2- کافی، ج 5، ص 264، ح 9.

3- کافی، ج 5، ص 264، ح 8.

4- کافی، ج 5، ص 263، ح 7.

فصل چهاردهم: آداب سفر

اشاره

1. سفر کردن، روزها وساعت های خوب وبد
2. اموری که نحوست های سفر را از بین می برد
3. آداب غسل کردن ونماز ودعا خواندن به هنگام رفتن به سفر
4. آنچه مسافر باید همراه داشته باشد
5. توشه سفر
6. آداب معاشرت با همسفر
7. سایر آداب سفر
8. آداب راه رفتن وفرود آمدن
9. دعاهای مسیر راه ومنازل
10. آداب سفرهای دریایی وعبور از پل ها
11. آداب مشایعت واستقبال کردن از مسافر
12. آداب اسب سواری وتیراندازی

سفر کردن، روزها وساعت های خوب وبد

هدف از سفر کردن

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در حکمت آل داوود نوشته است که هیچ کس سفر نکند، مگر برای سه هدف: سفری که توشه آخرت در آن حاصل شود، سفری که موجب گشایش امور زندگی گردد، سفری که برای تفریح وسرگرمی حلال باشد». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «سفر کنید تا بدن های شما سالم شود وجهاد کنید تا به غنایم دنیا وآخرت دست یابید وحج بروید تا بی نیاز شوید». (2)

سفر کردن به مقدار ضرورت

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سفر قطعه ای از عذاب دوزخ است، هنگامی که کارتان در سفر تمام شد زود به سوی خانواده خود بازگردید». (3)

2. در روایتی معتبر می خوانیم که محمّد بن مسلم از امام صادق علیه السلام پرسید : مردی به سرزمینی سفر می کند که جز برف ویخ چیزی در آنجا نیست (برای

1- محاسن، ص 345، ح 5؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 173، ح 763.

2- محاسن، ص 345، ح 2؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 173، ح 764.

3- محاسن، ص 377، ح 147؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 197، ح 894.

وضوی نماز چه کند؟) حضرت فرمود: «چون مضطرّ است تیمّم کند ودیگر به چنین سرزمینی که دینش در آنجا به خطر می افتد نرود». (1)

روزهای نیک برای سفر کردن

1. در روایتی معتبر می خوانیم که کسی خدمت امام کاظم علیه السلام رسید وعرض کرد: می خواهم به سفر بروم، تقاضا می کنم برای من دعا کنید. امام فرمود: «چه روزی عازم هستی؟» گفت: با توجّه به اینکه روز دوشنبه روز مبارکی است، زیرا حضرت رسول صلی الله علیه و آله در آن روز متولّد شده، در آن روز سفر را آغاز می کنم. حضرت فرمود: «دروغ می گویند، حضرت رسول صلی الله علیه و آله جمعه متولّد شده وهیچ روزی شوم تر از روز دوشنبه نیست، زیرا در آن روز حضرت رسول وفات کرد ووحی آسمان قطع شد وحقّ ما را غصب کردند. می خواهی به تو خبر دهم از روز سهل وآسانی که خداوند در آن روز آهن را برای حضرت داوود علیه السلام نرم کرد؟» عرض کرد: آری. فرمود: «آن، روز سه شنبه است». (2)

2. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس قصد سفر دارد روز شنبه سفر کند که اگر سنگی در روز شنبه از کوهی حرکت کند خداوند آن را به جای خود بازمی گرداند. وهرگاه کارها بر کسی دشوار شود روز سه شنبه طلب کند که در آن روز آهن برای حضرت داوود علیه السلام نرم شد». (3)

3. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به منظور ردّ عقیده گروهی که فال بد می زنند چهارشنبه آخر ماه سفر کند، از هر بلایی حفظ می شود وحاجتش روا می گردد». (4)

1- کافی، ج 3، ص 67، ح 1؛ تهذیب، ج 1، ص 202، ح 553.

2- قرب الإسناد، ص 229، ح 1163؛ خصال، ج 2، ص 148، ح 48.

3- كافى، ج 8، ص 125، ح 109؛ كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 173، ح 766.

4- خصال، ج 2، ص 150، ح 50؛ بحارالأنوار، ج 59، ص 43، ح 4.

4. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در روز پنجشنبه به سفر می رفت ومی فرمود: «خدا ورسولش وفرشتگان، روز پنجشنبه را دوست دارند». (1)

(این روایات مختلف دلیل بر این است که سفر کردن در همه این چند روز مناسب است).

روزهای نامیمون برای سفر کردن

1. در روایتی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «سفر کردن وتلاش برای برطرف کردن نیازها، در پیش از ظهر روز جمعه کراهت دارد زیرا ممکن است از نماز جمعه باز بماند. امّا پس از نماز از برای تبرّک جستن خوب است». (2)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «سفر کردن در شب جمعه اشکال ندارد». (3)

3. در برخی روایات آمده است که: «در روز سوم، چهارم، پنجم، سیزدهم، شانزدهم، بیستم، بیست وچهارم، بیست وپنجم وبیست وششم ماه، سفر نکن». (4)

4. در روایتی دیگر می خوانیم که: «هشتم وبیست وسوم ماه برای سفر کردن خوب نیست». (5)

توجّه: اگر روزهای ماه با روزهای هفته معارض شود، رعایت روزهای هفته سزاوارتر است (6) ، زیرا احادیث معتبر در مورد ایّام هفته بیشتر است.

1- مکارم الأخلاق، ص 240؛ الأمان من اَخطار الأسفار والأزمان، ص 17.

2- خصال، ج 2، ص 154؛ بحارالأنوار، ج 59، ص 33، ح 6.

3- محاسن، ص 347، ح 17؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 173، ح 767.

4- الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص 19.

5- الامان من اخطار الاسفار والازمان، ص 20.

6- محاسن، ص 347، ح 20؛ مكارم الأخلاق، ص 242.

5. در روایتی معتبر آمده است: «هر کس زمانی که ماه در برج عقرب است سفر کند، یا ازدواج کند، عاقبت خوبی نخواهد داشت». (1)

اموری که نحوست های سفر را از بین می برد

صدقه دادن

1. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «صدقه بده وهر روز که می خواهی سفر کن». (2)

2. نیز در حدیثی صحیح آمده است که از آن حضرت پرسیدند: آیا سفر کردن در روزی از روزها، مثل چهارشنبه وغیر آن کراهت دارد؟ حضرت فرمود: «سفر خود را با دادن صدقه آغاز کن وهر وقت می خواهی سفر کن». (3)

3. در روایتی صحیح می خوانیم که ابن ابی عمیر می گوید: من در علم نجوم مهارت داشتم وطالع را می شناختم، بدین رو هنگامی که به علم نجوم می نگریستم در برخی ساعت ها از برخی کارها کراهت داشتم واز این مطلب به امام کاظم علیه السلام شکایت کردم. امام فرمود: «هر زمان چیزی به دلت افتاد به اوّل فقیری که برخوردمی کنی صدقه بده،تاخداوندضررآن کارراازتو برطرف کند». (4)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس در اوّل روز صدقه دهد، خداوند نحوست آن روز را از او برطرف می کند». (5)

5. در روایتی دیگر آمده است: هنگامی که امام زین العابدین علیه السلام می خواست به بعضی از مزارع خود برود، سلامتی خود را - به مقدار ممکن - با دادن صدقه از

1- محاسن، ص 347، ح 20؛ مكارم الأخلاق، ص 242.

2- محاسن، ص 348، ح 23؛ كافى، ج 4، ص 283، ح 4.

3- كافى، ج 4، ص 283، ح 3؛ كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 175، ح 782.

4- محاسن، ص 349، ح 26؛ كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 175، ح 783.

5- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 176، ح 784.

خداوند می خرید وصدقه را زمانی می داد که پا در رکاب مرکب می گذاشت. وهنگامی که خداوند او را به سلامت بازمی گرداند، شکر وحمد الهی به جا می آورد وبه مقدار ممکن صدقه می داد». (1)

خواندن دعا به هنگام سفر

1. در روایتی آمده است: «قبل از رفتن به سفر هنگام دادن صدقه این دعا را بخوان: اَللّٰهُمَّ اِنِّى اِشْتَرَيْتُ بِهذِهِ الصَّدَقَهِ سَلامَتى وَسَلامَةَ سَفَرى وَما مَعِىَ، فَسَلِّمْنِى وَسَلَّم ما مَعِىَ وَبَلِّغْنِى وَبَلِّغْ ما مَعِىَ بِبَلاغِکَ الْحَسَنِ الْجَميلِ (2) وبعد از

دادن صدقه بگو: لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ الْحَليمُ الْكَريمُ. لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ الْعَلِىُّ الْعَظيمُ. سُبْحانَ اللهِ رَبِّ السَّماواتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الأَرَضينَ السَّبْعِ وَما فيهِنَّ وَما بَيْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ وَسَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلينَ وَالْحَمْدُ للهِ رَبِّ الْعالَمينَ وَصَلَّى اللهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ. اَللّٰهُمَّ كُنْ لى جاراً مِنْ كُلِّ جَبّارٍ عَنيدٍ وَمِنْ كُلِّ شَيْطانٍ مَريدٍ، بِسْمِ اللهِ دَخَلْتُ وَبِسْمِ اللهِ خَرَجْتُ. اَللّٰهُمَّ اِنّى اُقدِّمُ بَيْنَ يَدَىَّ نِسْيانى وَعَجَلَتى. بِسْمِ اللهِ وَما شاءَ اللهُ فى سَفَرى هذا، ذَكَرْتُهُ اَمْ نَسيتُهُ. اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْمُسْتَعانُ عَلَى الاُمُورِ كُلِّها وَاَنْتَ الصّاحِبُ فِى السَّفَرِ وَالْخَليفَهُ فِى الأَهْلِ. اَللّٰهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنا سَفَرَنا وَاَطْوِلْنا الأَرْضَ وَسَيِّرْنا فيها بِطاعَتِکَ وَطاعَهِ رَسُولِکَ. اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ لَنا ظَهْرَنا وَبارِکْ لَنا فيما رَزَقْتَنا وَقِنا عَذابَ النّارِ. اَللّٰهُمَّ اِنّا اَعُوذُ بِکَ مِنْ وَعْثاءِ السَّفَرِ وَكَآبَهِ الْمُنْقَلَبِ وَسُوءِ الْمَنْظَرِ فى الأَهْلِ وَالْمالِ وَالْوَلَدِ. اَللّٰهُمَّ اَنْتَ عَضُدى وَناصِرى. اَللّٰهُمَّ اقْطَعْ عَنِّى بُعْدَهُ وَمَشَقَّتَهُ وَاَصْحِبْنى فيهِ وَاخْلُفْنى فى اَهْلى بِخَيْرٍ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ اِلّا بِاللهِ الْعَلِىِّ الْعَظِيمِ». (3)

1- محاسن، ص 348، ح 25؛ کتاب من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 176، ح 785.

2- ترجمه: «بار خدایا، با این صدقه سلامتی خود وسلامتی سفرم وآنچه را که با من است خریدم (تضمین کردم). پسخودم وآنچه را که با من است به سلامت بدار ومرا وآنچه را که با من است به شایستگی به مقصد برسان».
3- ترجمه: «معبودی جز خداوند یگانه نیست که دارای حلم وکرم است. معبودی جز خداوند یگانه نیست،همو که والا وبزرگ است. منزّه است خدایی که پروردگار آسمان های هفتگانه وپروردگار هفت زمین وآنچهدر آنها وآنچه در بین آنهاست وپروردگار عرش بزرگ است. ودرود بر پیامبران وسپاس از آنِ خدا کهپروردگار جهانیان است ودرود ورحمت بر محمّد وخاندان پاک وپاکیزه اش باد. بار خدایا، در برابر هرستمگر ستیزه جو وهر شیطان سرکش پناه من باش. به نام خدا داخل وبه نام خدا خارج شدم. بار خدایا، منپیش از آنکه در این سفر فراموشی یا شتاب کنم (وبسم الله وماشاءالله را ترک کنم) بسم الله وماشاءالله را ازپیش می گویم ؛ خواه بعداً به یادم بیاید وجبران کنم وخواه فراموش کنم. بار خدایا، تو کمک کننده در کارهاوهمراه در سفر وجانشین در خانواده ای. بار خدایا، سفر را بر ما آسان وراه را بر ما کوتاه گردان وما را باپیروی از خود ورسولت در آن مسیر پیش ببر. بار خدایا، امور ما را در وطن به هنگام سفر ما اصلاح کن وآنچهرا به ما داده ای مبارک گردان وما را از عذاب جهنّم نگاه دار. بار خدایا، از سختی سفر وپریشانی به هنگامبازگشت و حوادث بد در خانواده ومال وفرزندان به تو پناه می بریم. بار خدایا، تو یار ویاور منی. بار خدایا،دوری ورنج آن را از من جدا کن ودر آن یار من باش ودر خانواده من با خیر ونیکی جانشین من باش. هیچپناهگاه وقدرتی نیست مگر به واسطه خدای والا وبزرگ مقام». الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص 25 و26.

2. سیّد بن طاووس رحمه الله روایت کرده است که هرگاه در وقتی که سفر کردن کراهت دارد بخواهی سفر کنی، قبل از رفتن به سفر سوره حمد، (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النّاس)، (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَق)، آیه الکرسی، (اِنّا أَنْزَلْنَاه) وآیه 190 سوره آل عمران (إِنَّ فِی خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالأرْضِ)، تا پایان سوره را بخوان، سپس بگو : اَللّهُمَّ بِکَ یَصُولُ الصّائِلُ وبِکَ یَطولُ الطائِلُ وَلا حَوْلَ لِکُلِّ ذی حَوْلٍ اِلّا بِکَ وَلا قُوَّهَ یَمْتازُها ذُوالْقُوَّهِ اِلّا مِنْکَ، اَسْأَلُکَ بِصَفْوَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ وَخِیَرَتِکَ مِنْ بَرِیَّتِکَ، مُحَمَّدٍ نَبِیِّکَ وَعِتْرَتِهِ وَسُلالَتِهِ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمُ السَّلامُ، صَلِّ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ وَاکْفِنی شَرَّ هذَا الْیَوْمِ وَضُرَّهُ وَارْزُقْنِی خَیْرَهُ وَیُمْنَهُ وَاقْضِ لی فی مُتَصَرِّفاتِی بِحُسْنِ الْعافِیَهِ وَبُلُوغِ الْمَحَبَّهِ وَالظَّفَرِ بِالْاُمْنِیَّهِ وَکِفایَهِ الطّاغِیَهِ الْغَوِیَّهِ وَکُلِّ ذی قُدْرَهٍ لی عَلی اَذِیَّهٍ حَتّی اَکُونَ فی جُنَّهٍ وَعِصْمَهٍ مِنْ کُلِّ بَلاءٍ وَنَقِمَهٍ وَاَبْدِلْنی فِیهِ مِنَ الْمَخاوِفِ اَمْناً وَمِنَ الْعَوائِقِ فِیهِ یُسْراً، حَتّی لا یَصُدَّنی صادٌّ عَنِ الْمُرادِ وَلا یَحِلَّ بی طارِقٌ مِنْ اَذَی الْعِبادِ اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ وَالْاُمُورُ اِلَیْکَ تَصیرُ، یا مَنْ لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ وَهُوَ السَّمِیعُ الْبَصِیرُ». (1)

1- ترجمه: «بار خدایا، هر بزرگی به وسیله تو بزرگی می کند وهر فخرکننده ای به وسیله تو افتخار می کند وهرصاحب قدرتی جز به وسیله تو قدرت ندارد وهیچ قدرتمندی را جز قدرت تو ممتاز نکند. به حقّ برگزیده اتاز مخلوقات وانتخاب شده ات از مردم، محمّد پیامبر تو 9 وعترت وخاندانش :، بر او وبر ایشان درودفرست وشرّ امروز وزیانش را از من برطرف کن وخیر وبرکتش را روزی من گردان ودر تمام تصرّفات منحُسن عاقبت ورسیدن به محبّت وامنیّت وکفایت در برابر طغیانگر گمراه کننده وهر صاحب قدرتی که قصداذیّت دارد نصیبم کن تا از هر بلا وکینه ای در امان باشم. ترس ها را به امن ومشکلات را به آسانی مبدّلگردان، تا هیچ کس مانع مراد من نشود وآزار هیچ کس مرا فرا نگیرد، زیرا تو بر هر

چیزی توانایی وکارهابه سوی تو بازمی گردد. ای کسی که هیچ چیز مانند او نیست واو شنوا وبیناست». الأمان من اخطار الأسفاروالأزمان، ص 29.

کتاب های نجوم را بسوزان

در حدیثی آمده است که عبدالملک به امام صادق علیه السلام عرض کرد: به علم نجوم وطالع بینی سخت معتقد شده ام، تا آن پایه که هرگاه بخواهم کاری کنم به طالع خود نظر می افکنم، اگر طالع خود را نیک ببینم به سراغ آن کار می روم واگر شرّ باشد آن را ترک می کنم. حضرت فرمود: «حاجتت برآورده می شود؟» گفت: آری. امام فرمود: «کتاب های مربوط به این موضوع را بسوزان». (1)

آداب غسل کردن ونماز ودعا خواندن به هنگام رفتن به سفر

غسل کردن پیش از سفر

در روایتی که سیّد بن طاووس نقل کرده است، بر کسی که قصد سفر دارد مستحبّ است قبل از رفتن به سفر غسل کند وپیش از غسل کردن این دعا را بخواند: بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ العَلِیِّ الْعَظیمِ وَعَلی مِلَّهِ رَسُولِ اللهِ وَالصّادِقینَ عَنِ اللهِ، صَلَواتُ اللهِ عَلَیْهِمْ اَجْمَعینَ. اَللّهُمَّ طَهِّرْ بِهِ قَلْبی وَاشْرَحْ بِهِ صَدْری وَنوِّرْ بِهِ قَبْری. اَللّهُمَّ اجْعَلْهُ لی نُوراً وَطَهُوراً وَحِرْزاً وَشِفاءً، مِنْ کُلِّ داءٍ وَآفَهٍ وَعاهَهٍ وَسُوءٍ مِمّا اَخافُ وَاَحْذَرُ وَطَهِّرْ قَلْبی وَجَوارحی وَعِظامی وَدَمی

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج2، ص 175، ح 779.

وَشَعْری وَبَشَری وَمُخّی وَعَصَبی وَما اَقَلَّتِ الاْرْضُ مِنّی. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لی شاهِدآ یَوْمَ حاجَتی وَفَقْری وَفاقَتی إِلَیْکَ، یا رَبَّ الْعالَمینَ، اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ. (1)

نماز خواندن پیش از سفر

در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هیچ جانشینی برای مسافر در بین خانواده، بهتر از این نیست که به هنگام سفر دو رکعت نماز بگزارد وسپس بگوید: اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْتَوْدِعُکَ نَفْسی وَاَهْلی وَمالی وَذُرِّیَّتِی وَدُنْیایَ وَآخِرَتی وَاَمانَتی وَخاتِمَهِ عَمَلی. (2)

سیّد بن طاووس؛ گوید: در رکعت اوّل (قُلْ هُوَ اللهُ أَحَد) ودر رکعت دوم (إِنَّا أَنْزَلْنَاه) را بخوان (3) وبعد از نماز این دعا را بخوان: اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْتَوْدِعُکَ الْیَوْمَ

نَفْسی وَاَهْلی وَمالی وَوَلَدی وَمَنْ کانَ مِنّی بِسَبیلٍ الشّاهِدَ مِنْهُمْ وَالْغائِبَ. اَللّٰهُمَّ احْفَظْنا وَاحْفَظْ عَلَیْنا. اَللّٰهُمَّ اجْمَعْنا فی رَحْمَتِکَ وَلا تَسْلُبْنا فَضْلَکَ، اِنّا اِلَیْکَ راغِبُونَ. اَللّٰهُمَّ اِنّا نَعُوذُ بِکَ مِنْ وَعْثاءِ السَّفَرِ وَکَآبَهِ الْمُنْقَلَبِ وَسُوءِ الْمَنْظَرِ فی الاْهْلِ وَالْمالِ وَالْوَلَدِ فِی الدُّنْیا وَالاْخِرَهِ. اَللّٰهُمَّ اِنّی اَتَوَجَّهُ اِلَیْکَ هذَا التَّوَجُّهِ طَلَبآ لِمَرضاتِکَ وَتَقَرُّبآ اِلَیْکَ، فَبَلِّغْنِی ما اُؤَمِّلُهُ وَاَرْجُوهُ فیکَ وَفی اَوْلِیائِکَ، یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ. (4)

1- ترجمه: «به نام خدا وبه ذات (پاک) خدا (آغاز می کنم.) هیچ پناهگاه وقدرتی مگر به سبب خدای والاوبزرگ نیست، وبر آیین رسول خدا وراستگویان از جانب خدا هستم. پروردگارا، به وسیله آن قلبم را پاکوسینه ام را گشاد وقبرم را نورانی گردان. بار خدایا، آن را برای من نور وپاکیزگی ودعا وشفای از هر دردوآفت ورنج وبدی از آنچه می ترسم وبرحذر هستم قرار ده. پروردگارا، قلب واعضا وجوارح واستخوان ها وخون

ومووموغز واعصابم وآنچه را كه زمين از من دربرگرفته پاک گردان. بار خدايا، اى پروردگار جهانيان، آن را براى من در روزيكه نياز به تو دارم گواه قرار ده، زيرا تو بر هر چيزى توانا هستى». الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص 20.

2- ترجمه: «بار خدايا، خود وخانواده ومال وفرزندان ودنيا وآخرت وپايان كارم را به تو مى سپارم». محاسن،ص 349، ح 29؛ كافى، ج 4، ص 283، ح 1.

3- الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص 27.

4- ترجمه: «بار خدايا، امروز خود وخانواده ومال وفرزندان خويش وهمراهانم در اين سفر، حاضر وغايب ازآنان را به تو مى سپارم. خدايا، ما را حفظ كن ومراقب ما باش. خدايا، ما را در رحمت خويش گرد آور وفضلخود را از ما نگير كه ما به سوى تو رغبت داريم. بار خدايا، از رنج سفر وپريشانى بازگشت وبد ديدن درخانواده ومال وفرزندان در دنيا وآخرت به تو پناه مى بريم. بار خدايا، من با اين توجّه به تو خواهانخشنودى وتقرّب به سوى تو هستم، پس مرا به آنچه كه آرزوى من است واميدوار به آن نسبت به توودوستان تو هستم برسان، اى مهربان ترين مهربانان». الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص 28.

واگر بخواهی این دعا را هم بخوان: اَللّهُمَّ خَرَجْتُ فی وَجْهی هذا، بِلا ثِقَهٍ مِنّی لِغَیْرِکَ وَلا رَجاءٍ یَأْوی بی اِلّا اِلَیْکَ وَلا قُوَّهٍ اَتَّکِلُ عَلَیْها وَلا حیلهٍ اَلْجَأُ اِلَیْها، اِلّا طَلَبَ رِضاکَ وَابْتِغاءَ رَحْمَتِکَ وَتَعَرُّضاً لِثَوابِکَ وَسُکُوناً اِلی حُسْنِ عائِدَتِکَ وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِما سَبَقَ لی فی عِلْمِکَ فی وَجْهی، مِمّا اُحِبُّ وَاَکْرَهُ. اَللّهُمَّ فَاصْرِفْ عَنّی مَقادیرَ کُلِّ بَلاءٍ وَمَقْضِیَّ کُلِّ لا واءٍ وَابْسُطْ عَلَیَّ کَنَفاً مِنْ رَحْمَتِکَ وَلُطْفاً مِنْ عَفْوِکَ وَسَعَهً مِنْ رِزْقِکَ وَتَماماً مِنْ نِعْمَتِکَ وَجِماعاً مِنْ مُعافاتِکَ وَوَفِّقْ لی فیهِ یا رَبِّ جَمیعَ قَضائِکَ عَلَیَّ مُوافَقَهَ هَوایَ وَحَقیقَهَ عَمَلی وَادْفَعْ عَنّی ما اَحْذَرُ وَما لا اَحْذَرُ عَلی نَفْسی، مِمّا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنّی وَاجْعَلْ ذلِکَ خَیْراً لی لاِخِرَتی وَدُنْیایَ، مَعَ ما اَسْئَلُکَ اَنْ تُخْلِفَنِی فِیمَنْ خَلَّفْتُ وَرائی، مِنْ وُلْدی وَاَهْلی وَمالی وَاِخْوانی وَجَمیعِ حُزانَتی، بِاَفْضَلِ ما تَخْلِفُ فِیهِ غائِباً مِن الْمُؤمِنینَ، فی تَحْصینِ کُلِّ عَوْرَهٍ وَحِفْظِ کُلِّ مَضیعَهٍ وَتَمامِ کُلِّ نِعْمَهٍ وَدِفاعِ کُلِّ سَیِّئَهٍ وَکِفایَهِ کُلِّ مَحْذُورٍ وَصَرْفِ کُلِّ مَکْرُوهٍ وَکَمالِ ما یَجْمَعُ لی بِهِ الرِّضا وَالسُّرُورَ فِی الدُّنیا وَالْاخِرَهِ، ثُمَّ ارْزُقْنی ذِکْرَکَ وَشُکرَکَ وَطاعَتَکَ وَعِبادَتَکَ، حَتّی تَرْضی وَبَعْدَ الرِّضا. اَللّهُمَّ اِنّی اَسْتَوْدِعُکَ الْیَوْمَ، دینی ونَفْسی وَاَهْلی وَمالی وَذُرِّیَّتِی وَجَمیعِ اِخْوانی. اَللّهُمَّ احْفَظْ اَلشّاهِدَ مِنّا وَالْغائِبَ. اَللّهُمَّ احْفَظْنا وَاحْفَظْ عَلَیْنا. اَللّهُمَّ اجْعَلْنا فی جِوارِکَ وَلا تَسْلُبْنا نِعْمَتَکَ وَلا تُغَیِّرْ ما بِنا مِنْ نِعْمَتِکَ وَعافِیَهٍ وَفَضْلٍ». (1)

1- ترجمه: «بار خدایا، خارج شده ام در این مسیر در حالی که به غیر تو اعتماد ندارم وامیدی نیست کهپناهگاهی جز به سوی تو بیابم ونه نیرویی که به آن تکیه زنم ونه چاره ای که به آن پناه برم، مگر درخواستخشنودی ورحمت تو ودر پی پاداش وامیدواری به بخشش تو وتو می دانی چه چیز را دوست دارم وچهچیزی را خوش ندارم. بار خدایا، تقدیر هر بلا وقضای هر سختی را از من دفع کن! گوشه ای از رحمتتواحسانی از بخشش تو وگشایشی از روزی تو وکمالی از نعمت تو وعافیت فراوانی را بر من

گسترش ده !تقدیرات خود را طبق نیازهای من قرار ده وآنچه را که بر خود بیم دارم یا بیم ندارم، از آن چیزهایی که تو ازمن داناتری از من دفع کن وآن را خیر ونیکی برای آخرت ودنیای من قرار ده، اضافه بر این، از تو می خواهم که جانشین من باشی در آنچه که از خود (در وطن) به جای گذاردم از فرزندان وخانواده ومال وبرادران وهرکسی که اندوه او را می خورم، به بهترین وجهی که نسبت به مؤمنین قائم مقام آنها می شوی، در پوشیدن هربدی (عورت) ونگهداری هر مال وکامل کردن هر نعمت ودور کردن هر گناه وبازداشتن هر ترس وحفظ ازهر بدی وکامل کردن آنچه که خشنودی دنیا وآخرت را برای من در بر خواهد داشت. سپس یاد وسپاسواطاعت وعبادت خود را روزی من کن، تا تو از من به طور کامل راضی شوی. بار خدایا، من امروز دین وجانوخانواده ومال وفرزندان وهمه برادرانم را به تو می سپارم. بار خدایا، حاضر وغایب ما را حفظ کن. خدایا، مارا حفظ کن ومراقب ما باش. بار خدایا، ما را در کنار خود جای ده ونعمت خود را از ما نگیر ونعمت وعافیتوفضل خود را نسبت به ما تغییر نده».

دعا خواندن پیش از رفتن به سفر

1. در روایتی آمده است: هنگامی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله آماده حرکت برای سفر می شد چنین دعا می کرد: اَللّهُمَّ بِکَ اِنْتَشَرْتُ وَاِلَیْکَ تَوَجَّهْتُ وَبِکَ اِعْتَصَمْتُ، اَنْتَ ثِقَتی وَرَجائی. اَللّهُمَّ اکْفِنِی ما اَهَمَّنِی وَما لا اَهُمُّ لَهُ وَما اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنّی. اَللّهُمَّ زَوِّدْنِی التَّقْوی وَاغْفِرْ لی وَوَجِّهْنِی اِلَی الْخَیْرِ حَیْثُ ما تَوَجَّهْتُ. (1)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی برای سفر از خانه بیرون می رود بگوید: اَللّهُمَّ اَنْتَ الصّاحِبُ فِی السَّفرِ وَالْحامِلُ عَلَی الظَّهْرِ وَالْخَلیفَهُ فِی الاْهْلِ وَالْمالِ وَالوَلَدِ». (2)

سپس دعاهایی را که هنگام بیرون رفتن از خانه وسوار شدن - در فصل های سابق گذشت - بخواند وآن گاه که سوار شد بگوید: «اَلْحَمْدُ للهِ الَّذی هَدانا لِلاْسْلامِ

1- ترجمه: «بار خدایا، به یاری تو می روم وبه تو روی می آورم وبه دامن لطف تو چنگ می زنم ؛ چون توپناهگاه وامید من هستی. خداوندا، آنچه را در نظر دارم وندارم وآنچه را تو از من بهتر می دانی، کفایت کن.بار خدایا، توشه ام را تقوا قرار ده ومرا بیامرز وبه هر جا که رو کنم مرا به خیر رهنمون باش». مکارم الأخلاق،ص 446.

2- ترجمه: «بار خدایا، تو رفیق در سفر وحمل کننده بر مرکب وجانشین در خانواده ومال وفرزندانم هستی».

وَمَنَّ عَلَیْنا بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ. سُبْحانَ الَّذی سَخَّرَ لَنا هذا وَما کُنّا لَهُ مُقْرِنینَ واِنّا اِلی رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ وَالْحَمْدُ للهِ رَبِّ الْعالَمینَ. اَللّهُمَّ اَنْتَ الْحامِلُ عَلَی الظَّهْرِ وَالْمُسْتَعانُ عَلَی الاْمْرِ. اَللّهُمَّ بَلِّغْنا بَلاغاً تَبْلُغُ بِهِ اِلی خَیْرٍ، بَلاغاً تَبْلُغُ بِهِ اِلی رَحْمَتِکَ وَرِضْوانِکَ وَمَغْفِرَتَکَ. اَللّهُمَّ لا ضَیْرَ اِلّا ضَیْرُکَ وَلا خَیْرَ اِلّا خَیْرُکَ وَلا حافِظَ غَیْرُکَ». (1)

3. در حدیثی معتبر می خوانیم که هرگاه امام باقر علیه السلام می خواست به سفر برود، خانواده اش را در اتاقی دور جمع می کرد واین دعا را می خواند : اَللّهُمَّ اِنِّی اَسْتَوْدِعُکَ الْغَداهَ نَفْسِی وَمالی وَاَهْلی وَوُلْدی وَالشّاهِدَ مِنّا وَالغائِبَ. اَللّهُمَّ احْفَظْنا وَاحْفَظْ عَلَیْنا. اَللّهُمَّ اجْعَلْنا فی جِوارِکَ. اَللّهُمَّ لا تَسْلُبْنا نِعْمَتَکَ وَلا تُغَیِّرْ ما بِنا مِنْ عافِیَتِکَ وَفَضْلِکَ. (2)

4. در حدیثی معتبر می خوانیم که هرگاه حضرت صادق علیه السلام عزم سفر می کرد، این دعا را می خواند: اَللّهُمَّ خَلِّ سَبیلَنا وَاَحْسِنْ تَسییرَنا وَاَعْظِمْ عافِیَتَنا. (3)

5. در روایت دیگری آمده است که آن حضرت به هنگام رفتن به سفر چنین دعا می کرد: اَللّهُمَّ احْفَظْنِی وَاحْفَظْ ما مَعِیَ وَبَلِّغِنِی وَبَلِّغْ ما مَعِیَ بِبَلاغِکَ الْحَسَنِ، بِاللهِ اَسْتَفْتِحُ وَبِاللهِ اَسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّد صلی الله علیه و آله اَتَوَجَّهُ. اَللّهُمَّ سَهِّلْ لی کُلَّ حُزُونَهٍ وَذَلِّلْ لی

1- ترجمه: «حمد وسپاس مخصوص خداوندی است که ما را به اسلام هدایت کرد وبه نبوّت محمّد صلی الله علیه و آله بر مامنّت گذاشت. منزّه است خدایی که این (مرکب) را مسخّر ما کرد وگرنه ما توانایی تسخیر آن را نداشتیم ؛ ومابه سوی پروردگارمان بازمی گردیم وحمد وستایش مخصوص خداوند دو جهان است. بار خدایا، توحمل کننده بر مرکب وکمک کننده بر کارها هستی. خداوندا، ما را به گونه ای به مقصد برسان که به سبب آن بههمه خیرات ورحمت ورضوان ومغفرت تو برسیم. بار خدایا، هیچ

ضرری جز به اراده تو نیست وهیچ خیریجز از سوی تو نمی باشد وهیچ کس جز تو حافظ ما نیست». خصال، ج 2، ص 429؛ بحارالأنوار،ج 10، ص112.

2- ترجمه: «بار خدایا، از آغاز صبح خودم ومال وخانواده وفرزندانم از حاضر وغایب را به تو می سپارم.خداوندا، ما را حفظ کن ومراقب ما باش. بار خدایا، ما را در کنار خویش قرار ده! خدایا، نعمتت را از ما سلبنکن وعافیت وفضل خود را نسبت به ما تغییر نده». محاسن، ص 350، ح 30؛ کافی، ج 4، ص 283، ح 2.

3- ترجمه: «خداوندا، راه را بر ما باز کن ومسیر ما را نیکو ساز وعافیت ما را کامل کن». محاسن، ص 350،ح22؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 177، ح 791.

كُلَّ صُعُوبَهٍ وَاَعْطِنِی مِنَ الْخَیْرِ کُلِّهِ أکْثَرَ مِمّا اَرْجُو وَاصْرِفْ عَنِّی مِنَ الشَّرِّ اَکْثَرَ مِمّا اَحْذَرُ فی عافِیَهٍ، یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ. (1)

واین دعا را نیز می خواند: اَسْئَلُ اللهَ الَّذی بِیَدِهِ ما دَقَّ وَجَلَّ، بِیَدِهِ اَقْواتُ الْمَلائِکَهِ، اَنْ یَهَبَ لَنا فی سَفَرِنا اَمْناً وَایماناً وَسَلامَهً وَاِسْلاماً وَفِقْهاً وَتَوْفیقاً وَبَرَکَهً وَهُدیً وَشُکراً وَعافِیَهً وَمَغْفِرَهً وَعَزْماً، لا تُغادِرُ ذَنْباً. (2)

6. نیز در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس قصد سفر دارد هنگامی که در خانه از جای برمی خیزد وقصد حرکت به شهر مقصد می کند سوره حمد را از پیش رو وسمت راست وجانب چپ بخواند، سپس آیه الکرسی را هم به همین صورت تلاوت کند، پس از آن بگوید: اَللّهُمَّ احْفَظْنی وَاحْفَظْ ما مَعِیَ وَسَلِّمْنِی وَسَلِّمْ ما مَعِیَ وَبَلِّغْنِی وَبَلِّغْ ما مَعِیَ بِبَلاغِکَ الْحَسَنِ الْجَمیلِ». (3)

7. سیّد بن طاووس؛ روایت کرده است که چون بر در خانه بایستد تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بگوید وسوره حمد را از پیش رو وسمت راست وچپ، سپس آیه الکرسی را به همین صورت تلاوت کند، سپس بگوید: اَللّهُمَّ

1- ترجمه: «بار خدایا، من وآنچه را که با من است حفظ کن ومن وآنچه را که با من است به صورتی نیکو وزیبابه مقصد برسان. به کمک خداوند سفر را آغاز می کنم. از خدا یاری می جویم واز او کمک می طلبم. وبهمحمّد صلی الله علیه و آله روی می آورم. بار خدایا، هر مشکلی را بر من آسان وهر سختی را هموار گردان وتمام خیرونیکی ها را بیش از آنچه که امید دارم عطایم کن. وتمام شرور وبدی ها را بیش از آنچه که واهمه دارم از مندور کن، در حالی که در عافیت باشم. ای مهربان ترین مهربانان». مکارم الأخلاق، ص 246 و247.

2- ترجمه: «از خدایی که روزی هر موجود کوچک و بزرگ وروزی فرشتگان به دست اوست، می خواهم که دراین سفر به ما امنیّت وایمان وسلامت واسلام وفهم وتوفیق وبرکت وهدایت وشکر وعافیت وبخششواراده عنایت کند وهیچ گناهی را برای ما باقی نگذارد». مکارم الأخلاق، ص 246 و247.

3- ترجمه: «بار خدایا، من وآنچه تعلّق به من دارد را حفظ کن. ومن وآنچه همراه من است را به سلامت بدار.وخود وهمراهانم را به بهترین صورت ممکن به مقصد برسان». کافی، ج 2، ص 543، ح 11؛ مکارمالأخلاق، ص 246.

اِلَیْکَ وَجَّهْتُ وَجْهی وَعَلَیْکَ خَلَّفْتُ اَهْلِی وَمالی وَما خَوَّلْتَنی، قَدْ وَثِقْتُ بِکَ فَلا تُخَیِّبْنِی، یا مَنْ لا یُخَیِّبُ مَنْ اَرادَهُ وَلا یُضَیِّعُ مَنْ حَفِظَهُ. اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْنِی فیما غِبْتُ عَنْهُ وَلا تَکِلْنِی اِلی نَفْسی یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ. اَللّهُمَّ بَلِّغْنِی ما تَوَجَّهْتُ لَهُ وَسَبِّبْ لِیَ الْمُرادَ وَسَخِّرْ لِیَ عِبادَکَ وَبِلادَکَ وَارْزُقْنِی زیارَةَ نَبِیِّکَ وَوَلِیِّکَ اَمیرِالْمُؤْمِنینَ وَالاْئِمَّهِ مِنْ وُلْدِهِ وَجَمیعِ اَهْلِ بَیْتِهِ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمُ السَّلامُ وَمُدَّنی مِنْکَ بِالْمَعُونَهِ فی جَمیعِ اَحْوالِی وَلا تَکِلْنِی اِلی نَفْسی وَلا اِلی غَیْری فَأکِلُ وَاَعْطِبُ وَزَوِّدْنِیَ التَّقْوی وَاغْفِر لی فِی الاْخِرَهِ وَالاُْولی. اَللّهُمَّ اجْعَلْنی اَوْجَهَ مَنْ تَوَجَّهَ اِلَیْکَ. (1)

واین دعا را نیز بخواند: بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَتَوَکَّلْتُ عَلَی اللهِ وَاسْتَعَنْتُ بِاللهِ وَاَلْجَأْتُ ظَهْری اِلَی اللهِ وَفَوَّضْتُ اَمْری اِلَی اللهِ. رَبِّ آمَنْتُ بِکِتابِکَ الَّذی اَنْزَلْتَ وَبِنَبِیِّکَ الَّذی اَرْسَلْتَ لاَِنَّهُ لا یَاْتِی بِالْخَیْرِ اِلهی اِلّا اَنْتَ وَلا یَضْرِبُ السُّوءَ اِلّا اَنْتَ، عَزَّ جارُکَ وَجَلَّ ثَناؤُکَ وَتَقَدَّسَتْ اَسْماؤُکَ وَعَظُمَتْ آلاؤُکَ وَلا اِلهَ غَیْرُکَ. (2)

در روایتی آمده است که هر کس صبح از خانه بیرون آید ودعای بالا را

1- ترجمه: «بار خدایا، رو به سوی تو آوردم وتو را جانشین خود در مورد اهل ومال وتعهّداتی که به منسپرده ای قرار دادم. به تو اعتماد کردم پس ناامیدم نکن. ای کسی که ناامید نمی کنی شخصی را که به سویتو آمده وضایع نمی کنی کسی را که به یاد تو است. خداوندا، بر محمّد وآل محمّد درود بفرست ومرا نسبتبه آنچه که از آن غفلت کردم حفظ کن وبه خود وانگذار، ای مهربان ترین مهربانان. بار خدایا، مرا در این سفربه مقصد برسان واهداف سفر را بر من آسان بگردان وبندگان وشهرهایت را با من همراه ساز وزیارتحضرت رسول صلی الله علیه و آله وحضرت علی علیه السلام وامامان معصوم از فرزندان علی وتمام اهل بیت علیهم السلام را روزی امگردان. ودر تمام احوال کمک من باش ومرا به خودم یا دیگری

وامگذار تا بخورم وبه زحمت بیفتم. وتقوا راتوشه ام کن ودر دنیا وآخرت مرا بیامرز. بار خدایا، مرا جزءِ کسانی قرار ده که بیشترین توجّه را به تو دارند».

2- ترجمه: «به نام خدا وبه ذات (پاک) خدا (شروع کردم.) وبر خدا توکّل کردم واز خدا کمک جستم وبر خداتکیه نمودم وکار خود را به خدا واگذار کردم. پروردگارا، به کتابی که نازل کردی وبه پیامبری که فرستادیایمان آورده ام، زیرا جز تو نیکی نیاورد وجز تو بدی را باز ندارد. کسی که در جوار تو است عزیز وسربلندوثنای تو بزرگ ونام های تو مقدّس ونعمت های تو بزرگ است ومعبودی جز تو نیست».

بخواند، تا شب هنگام که به خانه بازمی گردد بلایی به او نخواهد رسید. وهر کس شب به هنگام بیرون رفتن از خانه آن را بخواند، تا صبح که به خانه بازمی گردد بلایی به او نرسد. (1)

دعای سفر

اشاره

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس سفر کند واین آیات را بخواند، خداوند متعال او را از دزد وحیوان درنده وزهردار تا زمانی که به سوی خانواده اش بازگردد حفظ می کند. وتا زمانی که بازگردد فرشتگان بسیاری همراهش باشند وبرایش استغفار کنند: (وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّى أَنْ يَهْدِيَنِى سَوَاءَ السَّبِيلِ * وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لاَ نَسْقِى حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ * فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّى لِمَا أَنزَلْتَ إِلَىَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ * فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِى عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِى يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لاَ تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِىُّ الأْمِينُ * قَالَ إِنِّى أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَىَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِى ثَمَانِىَ حِجَجٍ فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْراً فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِى إِنْ شَاءَ اللهُ مِنَ الصَّالِحِينَ * قَالَ ذلِكَ بَيْنِى وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الأْجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلاَ عُدْوَانَ عَلَىَّ وَاللهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ)». (2)

1- الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص 94 و95.

2- ترجمه: «وهنگامی که به سوی مدین حرکت کرد گفت: امید است پروردگارم مرا به راه راست هدایت کند». وهنگامی که به (چاه) آب مدین رسید، گروهی از مردم را در آنجا دید که چهارپایان خود را آب می دهند؛ ودر کنار آنان دو زن را دید که از گوسفندان خویش مراقبت می کنند (وبه چاه نزدیک نمی شوند؛ موسی) بهآن دو گفت: «منظور شما (از این کار) چیست؟» گفتند: «ما آنها را آب نمی دهیم تا چوپانان همگی خارجشوند؛ وپدر ما پیرمرد کهنسالی است (قادر بر این کارها نیست)». - موسی برای (گوسفندان) آن دو آبکشید؛ سپس رو به سایه آورد وعرض کرد: «پروردگارا، به هر خیر ونیکی که تو بر من فرو فرستی نیازمندم». ناگهان یکی از آن دو (زن) به سراغ او آمد در حالی که با نهایت حیا گام برمی داشت، گفت: «پدرم از تو دعوتمی کند تا مزد آب دادن (گوسفندان) را که برای ما انجام دادی به تو بپردازد». هنگامی که موسی نزد او]=شعیب [آمد وسرگذشت خود را برای او شرح داد، گفت: «نترس،از قوم ستمکار نجات یافتی». - یکی از آندو (دختر) گفت: «ای پدر، او را استخدام کن، زیرا بهترین کسی را که می توانی استخدام کنی آن کس است کهنیرومند ودرستکار باشد (واو همین مرد است)». - (شعیب) گفت: «من می خواهم یکی از این دو دخترم را بههمسری تو درآورم به این شرط که هشت سال برای من کار کنی ؛ واگر آن را تا ده سال افزایش دهی،(محبّتی) از ناحیه تو است ؛ من نمی خواهم کار سنگینی بر دوش تو بگذارم ؛ واگر خدا بخواهد مرا از صالحانخواهی یافت». - (موسی) گفت: «(مانعی ندارد،) این قراردادی میان من وتو باشد؛ البتّه هر کدام از این دومدّت را انجام دهم ستمی بر من نخواهد بود (ومن در انتخاب آن آزادم)؛ وخدا بر آنچه ما می گوییم گواهاست». (سوره قصص، آیات 22 - 28) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 176، ح 876.

همراه داشتن تسبیح تربت امام حسین علیه السلام در سفر

1. از چیزهایی که باید در سفر به همراه خود داشت، تسبیح تربت امام حسین علیه السلام است. هنگامی که امام صادق علیه السلام به عراق آمد مردم نزد آن حضرت جمع شدند وپرسیدند: می دانیم تربت امام حسین علیه السلام شفای هر دردی است، امّا آیا باعث ایمنی از بیم وخوف هم می شود؟ حضرت فرمود: «هرگاه کسی بخواهد از هر بیم در امان باشد، تسبیحی از تربت آن حضرت در دست بگیرد وسه مرتبه این دعا را بخواند: اَصْبَحْتُ اللّهُمَّ مُعْتَصِماً بِذِمامِکَ وَجِوارِکَ الْمَنیعِ الَّذی لا یُطاوَلُ وَلا یُحاوَلْ مِنْ شَرِّ کُلِّ غاشِمٍ وَطارِقٍ، مِنْ سائِرِ مَنْ خَلَقْتَ وَما خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِکَ الصّامِتِ وَالنّاطِقِ فی جُنَّهٍ مِنْ کُلِّ مَخوفٍ بِلِباسٍ سابِغَهٍ وِلاءِ اَهْلِ بَیْتِ نَبِیِّکَ، مُحْتَجِباً مِنْ کُلِّ قاصِدٍ لی اِلی اَذِیَّهٍ، بِجِدارٍ حَصینٍ الْاِخْلاصِ فِی الْاِعْتِرافِ بِحَقِّهِمْ وَالتَّمَسُّکِ بِحَبْلِهِمْ مُوقِناً اَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَمَعَهُمْ وَفیهِمْ وَبِهِمْ، اُوالی مَنْ والَوا وَاُجانِبُ مَنْ جانَبُوا، فَاَعِذْنی اَللّهُمَّ بِهِمْ مِنْ شَرِّ کُلِّ ما اَتَّقیهِ، یا عَظیمُ حَجَزْتَ الْاَعادی عَنّی بِبَدیعِ

ص:754

السَّماواتِ وَالْأَرْضِ (1) اِنّا (جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لاَ يُبْصِرُونَ) (2) سپس تسبیح را ببوسد وبر روی هر دو چشم بگذارد وبگوید :

اَللّهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِحَقِّ هذِهِ التُّرْبَهِ الْمُبارَکَهِ وَبِحَقِّ جَدِّهِ وَبِحَقِّ أَبِيهِ وَبِحَقِّ أُمِّهِ وَبِحَقِّ أَخِيهِ وَبِحَقِّ وُلْدِهِ الطَّاهِرِينَ، اِجْعَلْها شِفاءً مِنْ كُلَّ داآءٍ وَاَماناَ مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَحِفْظاَ مِنْ كُلِّ سُوءٍ (3) اگر صبح این عمل را به جا آورد تا شب در امان باشد واگر شب به این دستور عمل کند تا صبح در امان باشد». (4)

2. در روایتی دیگر آمده است: هر کس از سلطان یا شخص دیگری بترسد وهنگام خارج شدن از خانه به سفارش بالا عمل کند، از شرّ او در امان باشد. (5)

انگشتر به دست کردن در سفر

در فصل دوم همین کتاب، انگشترهای مناسب سفر بیان شد.

1- ترجمه: «بار خدایا، در حالی شب را به صبح رساندم که به جوار منیع تو که دست هیچ کس به آن نمی رسدومورد تجاوز واقع نمی گردد پناه آورده ام. از شرّ هر ستمگر وهر راهزنی، از تمام کسانی که آفریده ایوچیزهای دیگری که خلق کرده ای، چه (آنها که) خموش(اند) وچه گویا، (خود را) در سپری از هر چیزترسناکی (نهادم) با لباسی بافته شده از دوستی خاندان پیامبرت وخود را می پوشانم از هر کس که قصدآزارم کند به سنگر محکم اخلاص، با اعتراف به حقّ آن بزرگواران وتمسّک به رشته دوستی ایشان، در حالیکه یقین دارم حق مخصوص آنها ونزد آنها وپیش آنها وبه وسیله آنهاست. دوست دارم هر کسی را که آنهادوست دارند ودوری می جویم از هر کس که آنها از او دوری جویند. پس خدایا به حقّ آنان مرا از شرّ هر

آنچهاز آن می ترسم پناه ده! ای خدای بزرگ، من دشمنان را به وسیله خدای پدیدآورنده آسمان ها وزمین از خوددور ساختم».

2- ترجمه: «(بی شک ما) در پیش روی آنان سدّی قرار دادیم ودر پشت سرشان سدّی وچشمانشان راپوشانده ایم، لذا نمی بینند». سوره یس، آیه 9.

3- ترجمه: «بار خدایا، از تو می خواهم به حقّ این تربت مبارک وبه حقّ جدّ وپدر ومادر وبرادر وفرزندانپاکش که آن را برای هر دردی شفا وبرای هر ترسی امان وبرای هر بدی وسیله محافظت قرار دهی».

4- الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص 33 و34. در مورد دعای اوّل فقط اشاره شده که چنین دعایی هست.

5- الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص 34.

خواندن سوره عبس در سفر

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس سوره عبس را در کاغذی سفید بنویسد وبه هر کجا سفر کند آن را همراه خود ببرد، در آن سفر به جز نیکی نبیند واز خطرهای آن راه محفوظ بماند». (1)

به همراه بردن تعویذ در سفر

از جمله تعویذهایی که مناسب سفر است تعویذی است که در روایتی در قبضه شمشیر حضرت رسول صلی الله علیه و آله جاسازی شده بود که به این شرح است :

«بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ، یا اللهُ یا اللهُ یا اللهُ، اَسْاَلُکَ یا مَلِکَ الْمُلُوکِ، الأوَّلِ، اَلْقَدیمِ الاَبَدِیِّ، الَّذی لا یَزُولُ وَلا یَحُولُ، اَنْتَ اللهُ الْعَظیمُ، الْکافی لِکُلِّ شَیءٍ، اَلْمُحیطُ بِکُلِّ شَیْءٍ. اَللّهُمَّ اکْفِنی بِاسْمِکَ الأعْظَمِ الأجَلِّ، الْواحِدِ الأحَدِ، الصَّمَدِ الَّذِی

لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً اَحَدٌ. وَاحْجُبْ شُرُورَهُمْ وَشُرُورَ الأعْداءِ کُلِّهِمْ وَسُیُوفِهِمْ وَبَأْسِهِمْ وَاللهُ مِنْ وَرائِهِمْ مُحیطٌ. اَللّهُمَّ احْجُبْ عَنّی شَرَّ مَنْ اَرادَنی بِحِجابِکَ الَّذِی اِحْتَجَبْتَ بِهِ فَلَمْ یَنْظُرْ اِلَیْهِ اَحَدٌ مِنْ شَرِّ فَسَقَهِ الْجِنِّ وَالاِنْسِ وَمِنْ شَرِّ سِلاحِهِمْ وَمِنَ الْحَدیدِ وَمِنْ کُلِّ ما یُتَخَوَّفُ وَیُحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ کُلِّ شِدَّهٍ وَبَلِیَّهٍ وَمِنْ شَرِّ ما اَنْتَ اَعْلَمُ وَعَلَیْهِ اَقْدَرُ، اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ وَصَلَّی اللهُ عَلی نَبِیِّهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلیماً». (2)

1- الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص 76.

2- ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. یا الله یا الله یا الله، از تو درخواست می کنم ای پادشاه پادشاهان، کهنخست وقدیم وهمیشگی

هستی ونابود نمی شوی وتغییر نمی پذیری. تو آن خدایی هستی که بزرگیوبرای هر چیز کافی وبر هر چیز احاطه داری. بار خدایا، به نام بزرگ ویگانه ویکتا وبی نیازت که نه کسی از اومتولّد شده و نه او از کسی وبرای او مانندی نیست، مرا کفایت کن. خدایا، شرّ آنان وشرّ تمام دشمنانوشمشیرها وهرگونه سلاح آهنین (از ناحیه) آنان را از ما باز دار. خداوند بر همه آنها احاطه دارد. بار خدایا،شرّ کسانی را که قصد بدی به من دارند به حجاب خود که با آن نگاه می داری واحدی نسبت به آن نگاه بدنمی کند از من بازدار؛ شرّ فاسقان جنّ واِنس وشرّ سلاح هایشان، به ویژه سلاح های آنان واز هر چیز خوفناکومورد حذر وشرّ هر سختی وبلا وشرّ هر چیزی که تو به آن داناتری وبر (دفع) آن تواناتر، زیرا تو بر هرچیزی توانایی ودرود وسلام خداوند بر پیامبرش محمّد واهل بیتش».
الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص76.

وسایل سفر پیامبر صلی الله علیه و آله وسفارشات لقمان

1. در حدیث است که هرگاه حضرت رسول صلی الله علیه و آله به سفر می رفت شیشه روغن (برای چرب کردن بدن)، سرمه دان، قیچی، آیینه، مسواک، شانه، سوزن، طناب، چیزی که با آن کفش را وصله می کنند ونعل حیوان را به همراه می برد. (1)

2. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت لقمان به پسرش گفت: فرزندم، هنگامی که قصد سفر داری شمشیر، کمان، اسب، کفش، عِمامه، طناب های

لازم، ظرف آب، سوزن خیّاطی وداروهای مورد نیاز خود وهمراهانت را همراه داشته باش. (2)

توشه سفر

اهمیّت به همراه بردن توشه سفر

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «آبروی انسان در این است که برای سفر توشه مناسبی بردارد». (3)

2. در حدیثی می خوانیم که امام زین العابدین علیه السلام هرگاه به سفر حج یا عمره می رفت از بهترین توشه ها - مانند بادام، شکر، قاووت ترش وشیرین - برمی داشت وبه همراه می برد. (4)

1- مکارم الأخلاق، ص 35.

2- کافی، ج 8، ص 252، ح 466؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 185، ح 834.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 184، ح 830.

4- محاسن، ص 360، ح 83؛ کافی، ج 8، ص 252، ح 468.

توشه لازم برای سفر

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که به سفر می روید سفره ای با خود ببرید وغذاهای خوب را در آن سفره بگذارید». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «در میان توشه ات نان بگذار که باعث برکت می شود». (2)

3. در حدیث است که امام صادق علیه السلام از یکی از یارانش پرسید: «به زیارت قبر امام حسین علیه السلام می روید؟» عرض کرد: آری. فرمود: «سفره ای (طعام، توشه مسافر) با خود می برید؟» عرض کرد: آری. فرمود: «اگر به زیارت قبر پدر یا مادر خود بروید چنین نخواهید کرد». گفتند: پس چه بخوریم؟ فرمود: «نان با شیر یا ماست». (3) (ودر این سفر زیارتی غذای شما ساده باشد).

اعتدال ومیانه روی در هزینه های سفر

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «بهترین روش هزینه کردن در نزد خدا میانه روی است وخداوند هزینه بسیار را دشمن می دارد، مگر در راه حج یا عمره». (4)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «به من خبر رسیده که عدّه ای چون به زیارت قبر امام حسین علیه السلام می روند با خود سفره ای برمی دارند که در میان آن غذاهای مطبوع وگوناگون است؛ اگر به زیارت قبر دوستان خود بروند چنین کاری نمی کنند». (5)

1- محاسن، ص 360، ح 82؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 184، ح 826.

2- محاسن، ص 360، ح 84.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 184، ح 828.

4- محاسن، ص 359، ح 77، مکارم الأخلاق، ص 251.

5- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 184، ح 829.

مراقبت از توشه سفر

1. در حدیث است که صفوان از امام صادق علیه السلام پرسید: من خانواده ام را همراه خود به حج می برم وپول خود را بر کمرم می بندم. حضرت فرمود: «اشکالی ندارد. پدرم می فرمود: توانایی مسافر در این است که نفقه خود را حفظ کند». (1)

2. در روایتی دیگر آمده است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: دراهمی را که صورت هایی در آن نقش کرده اند همراه خود دارم وآنها را در همیان می گذارم ودر حال احرام به کمر می بندم، چه حکمی دارد؟ حضرت فرمود : «اشکالی ندارد. آن پول خرجی تو است وتکیه تو پس از (لطف) خدا بر

آن است». (2)

آداب معاشرت با همسفر

آداب سفر

تنها سفر نکن

1. در چندین حدیث آمده است که هر که تنها سفر کند ملعون است. (3)

2. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام سفارش کرد: «ای علی، هرگز تنها به مسافرت نرو که شیطان با انسان تنهاست واز دو نفر دورتر است. ای علی، هر که تنها به سفر رود گمراه است ودو نفر که می روند دو گمراهند وسه نفر مسافران (در طریق هدایت)اند». (4)

1- محاسن، ص 358، ح 74.

2- مكارم الأخلاق، ص 266.

3- محاسن، ص 356، ح 57؛ كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 181، ح 810.

4- محاسن، ص 356، ح 56؛ كافى، ج 8، ص 251، ح 465.

3. در روایتی دیگر آمده است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید، حضرت از او پرسید: «چه کسی در راه همسفر تو بود؟» عرض کرد: تنها بودم. فرمود: «اگر جلوتر تو را می دیدم به تو می آموختم که چگونه باید سفر کرد». سپس فرمود : «یک نفر شیطان است دو نفر شیطان اند، سه نفر مصاحب اند وچهار نفر رفیقان اند». (1)

4. در روایتی معتبر می خوانیم که امام کاظم علیه السلام فرمود: «هر کس به سفر می رود بگوید: ما شاءَ اللهُ، لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ. اَللّٰهُمَّ آنِسْ وَحْشَتی وَاَعِنّی عَلی وَحْدَتی وَاَدِّ غَیْبَتِی». (2)

حقّ همسفر

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حقّ مسافر بر همسفرانش آن است که هر زمان بیمار شود سه روز برای او توقّف کنند». (3)

هزینه های سفر

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «مستحبّ است همه همسفران هزینه های خود را روی هم بگذارند که این کار باعث خشنودی خاطر ونیکی اخلاقشان می شود». (4)

1- محاسن، ص 356، ح 58؛ کافی، ج 8، ص 251، ح 463.

2- ترجمه: «آنچه را خداوند اراده کند تحقّق می یابد. هیچ پناهگاه و قدرتی جز به واسطه خدا نیست. بار خدایا،تو مونس تنهایی ام باش، بر تنهایی ام کمکم کن وکمبودهای زمان غیبتم را جبران کن». کتاب من لا یحضرهالفقیه، ج 2، ص 181، ح 807.

3- محاسن، ص 358، ح 72؛ کافی، ج 2، ص 670، ح 4.

4- محاسن، ص 359، ح 76؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 182، ح 815.

2. در حدیث است که از امام باقر علیه السلام پرسیدند: گروهی با هم دوست می شوند ودر میان آنها غنی وفقیر وجود دارد، آیا غنی می تواند به هزینه های فقیر کمک کند؟ فرمود: «اگر قلباً راضی باشند اشکالی ندارد». (1)

همسفران

اهمّیّت وتعداد همسفر

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «اوّل همسفر (خوبی) پیدا کن، سپس به سفر برو». (2)

2. در روایتی دیگر فرمود: «دو نفر با هم همسفر نمی شوند مگر اینکه محبوب ترین آنها نزد خدا کسی است که با رفیقش بیشتر مدارا کند واو ثوابش بیشتر است». (3)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «بهترین رفیقان ومصاحبان نزد خدا چهار نفرند وهیچ گروهی بیش از هفت نفر نمی شوند مگر اینکه سر وصدایشان بسیار خواهد بود». (4)

نکته: از روایات بالا معلوم می شود که حدّاقل همسفر سه نفر وحدّاکثر آنها هفت نفر وبیش از آن مناسب نیست.

ویژگی های علمی واخلاقی ومالی همسفر

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با کسی دوستی کن که به

1- محاسن، ص 357، ح 66؛ مکارم الأخلاق، ص 251. روایت مزبور در هر دو مصدر از امام صادق علیه السلام است.

2- محاسن، ص 357، ح 61 و68؛ مكارم الأخلاق، ص 251.

3- محاسن، ص 357، ح 61 و68؛ مكارم الأخلاق، ص 251.

4- كافى، ج 8، ص 251، ح 464؛ كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 183، ح 820.

سبب او زینت یابی وبا کسی که او به وسیله تو زینت یابد سفر نکن». (1)

یعنی با کسی همسفر شو که علم وکمالات او از تو بیشتر باشد.

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با کسی که فضیلت تو را بر خود نداند آن قدر که تو از فضیلت او بر خود می دانی سفر نکن». (2)

3. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با مثل خود رفاقت کن وبا کسی رفیق نشو که خرج تو را بدهد که موجب خواری وذلّت مؤمن است». (3)

4. در حدیث است که شخصی به نام شهاب می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: شما می دانید که من انسان توانگر وثروتمندی هستم وبه برادران دینی خود احسان می کنم. گاه با گروهی از آنان در راه مکّه رفیق وهمسفر شده وبرایشان بسیار هزینه می کنم. این کار چه حکمی دارد؟ فرمود: «ای شهاب، چنین کاری نکن زیرا اگر دست به جیب شوی وهزینه کنی وآنها هم بخواهند مانند تو هزینه کنند متضرّر می شوند واگر خرج نکنند باعث خواری آنها می شود؛ پس با کسانی که از نظر مالی مثل تو هستند مسافرت کن». (4)

5. در حدیث است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: شخصی با گروهی ثروتمند رفیق وهمسفر می شود، آنها سهم خود را از هزینه های سفر می پردازند

واین شخص نمی تواند مانند آنها هزینه کند چه حکمی دارد؟ فرمود: «دوست ندارم چنین شخصی خود را خوار کند، پس با کسی رفیق شود که مانند اوباشد». (5)

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 182، ح 816.

2- محاسن، ص 357، ح 62؛ کافی، ج 4، ص 286، ح 5.

3- کافی، ج 4، ص 286، ح 6؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 182، ح 818.

4- کافی، ج 4، ص 287، ح 7؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 182، ح 817.

5- محاسن، ص 359، ح 79؛ کافی، ج 4، ص 287، ح 8.

سایر آداب سفر

سفارشات لقمان در مورد سفر وهمسفران

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت لقمان به فرزندش نصیحت کرد که در سفر این امور را مراعات کند :

1. در سفرهای گروهی در مورد کارهای خودت وآنها با ایشان مشورت کن.

2. در برخورد با آنان بسیار تبسّم کن.

3. در توشه راه وهزینه کردن در میان همسفرانت، کرامت وبزرگواری داشته باش.

4. هنگامی که تو را به میهمانی دعوت کنند بپذیر.

5. اگر از تو کمک خواستند آنها را کمک کن.

6. در سه چیز بر آنها سبقت بگیر: در سکوت بسیار، در نماز فراوان، در سخاوت وجوانمردی نسبت به آنچه با خود همراه داری از توشه ومرکب.

7. اگر از تو طلب شهادت کردند، یا بر امر حقّی بخواهند گواه باشی قبول کن.

8. هنگامی که با تو مشورت کردند سعی کن نظر خوبی به آنها ارائه دهی.

9. زود تصمیم نگیر ونظر خود را به آنها نگو، تا در آن اندیشه وتفکّر کنی.

10. در هنگام مشورت پاسخ ایشان را نده، تا در آن فکر برخیزی وبنشینی وبخوابی وچیزی بخوری ونماز بخوانی ودر اثنای این امور فکر وحکمت خود را در مشورت آنها به کارگیری، زیرا هر کس خیرخواهی خود را برای کسی که با او مشورت می کند خالص نگرداند، خداوند عقل ورأی او را می گیرد وامانت را از او برمی دارد.

11. هنگامی که همسفرانت پیاده می روند تو هم با آنها پیاده برو.

12. هنگامی که دوستان همسفر تو کاری انجام می دهند به آنها کمک کن.

13. اگر همسفران تو صدقه یا قرضی می دهند، تو هم همراه آنها این کار را انجام بده.

14. سخن کسی را که از تو بزرگ تر است گوش کن.

15. هرگاه همسفرانت کاری از تو می خواهند یا سؤالی می پرسند (حتّی الامکان) پاسخ مثبت بده ونه نگو که نه گفتن، نشانه عجز وموجب سرزنش است.

16. هنگامی که در سفر راه را گم کردید وحیران شدید، فرود آیید (وبه راه ادامه ندهید).

17. اگر در مسیری که به سمت محلّ مورد نظر می روید تردید دارید توقّف کنید وبا همدیگر مشورت نمایید ومصلحت خویش را بیابید.

18. اگر یک نفر را در بیابان وبین راه دیدید خبر راه را از وی نپرسید که وجود یک انسان تنها در بیابان انسان را به تردید می اندازد که شاید جاسوس دزدان یا شیطان باشد که می خواهد شما را سرگردان کند. واز دو نفر نیز بپرهیزید مگر اینکه نشانه های مثبتی در آنها ببینید که من (شخص غایب) نبینم، زیرا انسان عاقل هنگامی که با چشمان خود به چیزی نظر کند آنچه را حقّ است تشخیص می دهد وحاضر چیزی می بیند که غایب متوجّه آن نمی شود.

19. فرزندم، هنگامی که وقت نماز فرا می رسد آن را تأخیر نینداز وبا خواندن به وقت نماز احساس راحتی کن، زیرا نماز بدهی است (که هر چه زودتر ادا کنی سبک بارتر می شوی).

20. نماز را با جماعت به جای آور، هر چند بر سر نیزه باشی.

21. بر روی چهار پا نخواب که به سرعت باعث زخم پشت آن می شود. واین کار انسان های عاقل نیست، مگر اینکه در کجاوه باشی که بر اثر

سستی مفاصل

ممکن است انسان بخوابد.

22. هنگامی که به محلّ استراحت نزدیک می شوی از مرکب پیاده شو که آن چهارپا یار ویاور تو است واوّل علف او را بده بعد خودت غذا بخور.

23. هنگام فرود آمدن مکانی را انتخاب کنید که زیباتر وخاکش نرم تر وپرگیاه تر باشد.

24. هنگامی که فرود آمدی دو رکعت نماز بخوان.

25. چنانچه خواستی قضای حاجت کنی، به جای دوردستی برو.

26. هنگام سوار شدن بر مرکب نیز دو رکعت نماز بخوان.

27. آن گاه از آن زمین خداحافظی کن وبر آن زمین واهل آن سلام کن، زیرا در هر قسمتی از زمین چند فرشته وجود دارد.

28. اگر بتوانی هر غذایی که می خوری مقداری از آن را صدقه بده.

29. مادام که سوار هستی کتاب خدا را قرائت کن.

30. به هنگام کار، یاد وتسبیح خدا را فراموش نکن.

31. به هنگام تنهایی وبیکاری دعا کن.

32. در اوّل شب راه نرو، بلکه در ابتدای شب فرود آی ودر نیمه آخر شب حرکت کن.

33. به هنگام سفر صدایت را بلند نکن». (1)

مروّت در سفر وحضر

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مروّت در حضر (وطن) عبارت است از: قرائت قرآن، همنشینی با علما، تفکّر در فقه وسایر علوم،

1- محاسن، ص 375، ح 145؛ کافی، ج 8، ص 287، ح 547.

محافظت بر نماز جماعت. ومروّت در سفر عبارت است از: هزینه کردن توشه خود، مخالفت نکردن با همسفران، یاد کردن خدا در هنگام بالا رفتن از بلندی ها وفرود آمدن از پستی ها وایستادن ونشستن». (1)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مروّت در سفر عبارت است از: توشه فراوان برداشتن (که در صورت لزوم به دیگران کمک کند)، پاکیزه گرداندن توشه، بخشش به همسفران، پوشاندن رازهای همسفران، شوخی ومزاح بسیار، البتّه بدون معصیت وگناه». (2)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «مروّت نیست که انسان تمام آنچه را در سفر دیده نقل کند». (3)

کمک کردن به مسافران

در حدیثی معتبر می خوانیم که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس به مؤمن مسافر کمک کند، خداوند متعال هفتاد وسه مشکل از مشکلات دنیوی او را برطرف واو را از اندوه رها می کند. وبه هنگامی که از شدّت احوال قیامت نفس های مردم می گیرد، خداوند هفتاد غم وشدّت را از او برمی دارد». (4)

توشه سفر

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «توشه مسافر حُدی

1- خصال، ج 1، ص 92، ح 61؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 266، ح 1.

2- معانی الأخبار، ص 258.

3- محاسن، ص 358، ح 70؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 180، ح 801.

4- محاسن، ص 363، ح 95؛ کتاب من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 192، ح 875.

خواندن است (1) . همچنین خواندن اشعاری که مشتمل بر حرام وباطل نباشد». (2)

همراهی با همسفران

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر با گروهی همسفر شدی نگو اینجا توقّف کنیم وآنجا توقّف نکنیم، زیرا در میان آن گروه کسی هست که این کار را بکند اگر تو اجازه بدهی». (3)

(این گونه کارها را به دست یک نفر بسپارید تا اختلافی پیدا نشود).

آداب راه رفتن وفرود آمدن

اشاره

آداب پیاده روی در سفر

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کمر وروی شکم را محکم ببندید، تا پیاده رفتن بر شما آسان شود». (4)

2. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «بر شما باد به حرکت در شب که زمین در شب پیچیده می شود». (5)

3. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زمین در آخر شب پیچیده می شود». (6) اشاره به اینکه انسان آمادگی زیادی در آن هنگام برای پیمودن راه دارد.

1- «حُدی» آوازی بود که در سفر می خواندند.

2- محاسن، ص 358، ح 73؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 183، ح 823.

3- محاسن، ص 364، ح 102؛ مكارم الأخلاق، ص 267.

4- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 193، ح 882؛ تهذيب، ج 5، ص 13، ح 27.

5- محاسن، ص 346، ح 10؛ كافى، ج 8، ص 260، ح 489.

6- محاسن، ص 346، ح 12؛ كافى، ج 8، ص 261، ح 491.

4. در حدیثی دیگر فرمود: «حضرت علی علیه السلام هنگامی که عزم سفر داشت، آخر شب حرکت می کرد». (1)

5. در احادیث معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هنگامی که از پیاده رفتن خسته شدید تند حرکت کنید که واماندگی را برطرف می کند». (2)

آداب فرود آمدن

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «زمانی که در شب فرود می آیید بر سر راه فرود نیایید. ودر درّه ها نیز فرود نیایید که محلّ درندگان ومارهاست». (3)

2. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «در میان درّه ها فرود نیایید که مبادا سیلاب بیاید وبه شما زیانی برسد». (4)

مدارا کردن با مرکب

در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند مدارا کردن را دوست می دارد وبر آن یاری می کند؛ بنابراین، چون بر حیوانات لاغر سوار می شوید در منازل توقّف کنید. اگر زمین خشک باشد وگیاهی نداشته باشد تند حرکت کنید واگر پرگیاه باشد منزل به منزل فرود آیید». (5) (تا حیوان به قدر کافی سیر شود).

1- محاسن، ص 346، ح 11.

2- محاسن، ص 377، ح 150؛ مکارم الأخلاق، ص 258.

3- محاسن، ص 346، ح 103؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 193، ح 878.

4- محاسن، ص 361، ح 89؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 190، ح 859.

5- محاسن، ص 361، ح 87؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 189، ح 857.

دعاهای مسیر راه ومنازل

دعاها واذکار سفر

1. در حدیثی صحیح می خوانیم که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «هنگام سفر بگو : اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مَسیری عِبَراً وَصَمْتی تَفَکُّراً وَکَلامی ذِکْراً». (1)

2. در روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس به هنگام عبور از بلندی

«لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ» و«اللهُ اَکْبَرُ» بگوید، آنچه در پیش روی اوست تا انتهای زمین، همه آن ذکر را می گویند». (2)

3. سیّد بن طاووس؛ چنین روایت کرده است: هر کس بر تپّه یا بلندی یا پلی بالا رود، این ذکر را بگوید: اَللهُ اَکْبَرُ، اَللهُ اَکْبَرُ، اَللهُ اَکْبَرُ، لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ وَالْحَمْدُ للهِ رَبِّ الْعالَمِینَ، لَکَ الشَّرَفُ عَلی کُلِّ شَرَفٍ. (3)

4. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله در سفرها هرگاه در سراشیبی قرار می گرفت «سُبْحانَ اللهِ» وچون به سربالایی می رسید «اللهُ اَکْبَرُ» می گفت». (4)

5. در حدیثی معتبر آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس در حال وارد شدن به درّه ای «لا اِلهَ إلاَّ اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ» بگوید، خداوند آن درّه را برای او از حسنات پر می کند». (5)

1- ترجمه: «بار خدایا، سفرم را عبرت وسکوتم را فکر کردن وسخنم را ذکر قرار بده». کتاب من لا یحضرهالفقیه، ج 2، ص 179، ح 797؛ الأمان

من اخطار الأسفار والأزمان، ص 101.

2- محاسن، ص 353، ح 44.

3- ترجمه: «خداوند بزرگ تر است از اینکه به وصف آید. خداوند بزرگ تر است از اینکه به وصف آید. خداوندبزرگ تر است از اینکه به وصف آید. هیچ معبودی جز خدای یکتا نیست وخداوند بزرگ تر از آن است که بهوصف آید. وحمد وستایش مخصوص پروردگار دو جهان است. (خداوندا) شرافت از آنِ تو است وبر هرشرفی برتری داری». الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص 101.

4- کافی، ج 4، ص 287، ح 2؛ مکارم الأخلاق، ص 261.

5- محاسن، ص 33، ح 24.

6. در حدیث است که وقتی حضرت رسول صلی الله علیه و آله به سفر می رفت وشب می شد این دعا را می خواند: یا اَرْضُ، رَبِّی وَرَبُّکِ اللهُ، اَعُوذُ بِاللهِ مِنْ شَرِّکِ وَشَرِّ ما فِیکِ وَسُوءِ ما خُلِقَ فِیکِ وَسُوءِ ما یَدُبُّ عَلَیْکِ وَاَعُوذُ بِاللهِ مِنْ اَسَدٍ وَاَسْوَدٍ وَمِنْ شَرِّ الْحَیَّهِ وَالْعَقْرَبِ وَمِنْ شَرِّ ساکِنِ الْبَلَدِ وَمِنْ والِدٍ وَما وَلَدَ. اَللّهُمَّ رَبَّ السَّماواتِ السَّبْعِ وَما اَظْلَلْنَ وَرَبَّ الاْرَضِینَ السَّبْعِ وَما اَقْلَلْنَ وَرَبَّ الرِّیاحِ وَما ذَرَیْنَ وَرَبَّ الشَّیاطِینَ وَما اَضْلَلْنَ، اَسْأَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَسْئَلُکَ خَیْرَ هذِهِ الْلَّیْلَهِ وَخَیْرَ هذَا الْیَوْمِ وَخَیْرَ هذَا الشَّهْرِ وَخَیْرَ هذِهِ السَّنَهِ وَخَیْرَ هذَا الْبَلَدِ وَاَهْلِهِ وَخَیْرَ هذِهِ الْقَرْیَهِ وَاَهْلِها وَخَیْرَ ما فیها وَاَعُوذُ بِاللهِ مِنْ شَرِّها وَشَرِّ ما فیها وَمِنْ شَرِّ کُلِّ دابَّهٍ رَبِّی آخِذٌ بِناصِیَتِها، اِنَّ رَبِّی عَلی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ. (1)

7. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شیاطین در لابه لای محمل ها وکجاوه هاآمده وشتران رارم می دهند.برای دورکردن آنهاآیه الکرسی بخوانید». (2)

8. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس در سفر از دزدان یا درندگان بترسد، بر یال اسبش آیه شریفه (لاَتَخَافُ دَرَکاًوَلاَتَخْشَی) (3) رابنویسدتازیان آنهابه اذن الهی

از وی برطرف شود. راوی گوید: من به سفر حج رفتم ودر میان بیابان جمعی

1- ترجمه: «ای زمین، پروردگار من وتو خداست. از شرّ تو وآنچه در تو است وبدی هایی که در تو خلق شدهوبدی جنبندگانی که بر روی تو حرکت می کنند واز شرّ شیران درنده ومار وعقرب گزنده واز شرّ ساکنان اینشهر واز شرّ زایندگان وآنچه زاییده اند به خدا پناه می برم. خداوندا، ای پروردگار آسمان های هفتگانه وآنچهبر آن سایه افکنده اند وای پروردگار زمین های هفتگانه وآنچه بر روی آنها قرار دارد وای پروردگار بادهاوآنچه بر

آن می وزند وای پروردگار شیاطین وآنچه گمراه می کنند، از تو می خواهم که بر محمّد وآلش درودفرستی واز تو درخواست می کنم که خیر امشب وامروز واین ماه واین سال واین شهر واهل آن واین آبادیوساکنان آن را نصیبم کنی وبه تو پناه می برم از شرّ آن وشرّ آنچه در آن است واز شرّ هر جنبنده ای کهسرنوشت آن به دست تو است، بی شک (امر) پروردگار من بر صراط مستقیم است». مکارم الأخلاق،ص247؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 251.

2- محاسن، ص 380، ح 159.

3- ترجمه: «(به موسی وحی کردیم...) که نه از تعقیب (فرعونیان) خواهی ترسید ونه از غرق شدن در دریا».سوره طه، آیه 77.

از دزدان به قافله ما زدند. آیه مزبور را بر یال اسبم نوشتم. به حقّ خداوندی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله را به رسالت فرستاد وحضرت علی علیه السلام را به امامت مشرّف گردانید، خداوند آنها را نسبت به من کور کرد وزیانی از آنها به من نرسید». (1)

دعای ایمنی از دشمنان ودزدان

1. در ادعیه سرّ آمده است که هرگاه در مسیر سفر از دشمنان ودزدان بترسد این دعا را بخواند: یا آخِذاً بِنَواصِی خَلْقِهِ وَالسّابِقَ بِها اِلی قُدْرَتِهِ وَالْمُنْفِذَ فیها حُکْمُهُ وَخالِقَها وَجاعِلُ قَضائِهِ لَها غالِباً، اِنِّی مَکِیدٌ ولِقُوَّتِکَ عَلَی مَنْ کادَنِی تَعَرَّضْتُ، فَإنْ حُلْتَ بَیْنِی وَبَیْنَهُمْ فَذلِکَ ما اَرْجُو وَاِنْ اَسْلَمْتَنِی اِلَیْهِمْ غَیَّرُوا ما بی مِنْ نِعْمَتِکَ، یا خَیْرَ الْمُنْعِمینَ، لا تَجْعَلْ اَحَداً مُغَیِّراً نِعْمَتَکَ الَّتِی اَنْعَمْتَ بِها عَلی سِواکَ

وَلا تُغَیِّرها اَنْتَ رَبِّی وَقَدْ تَرَی الَّذِی نَزَلَ بِی، فَحُلْ بَیْنِی وَبَیْنَ شَرِّهِمْ، بِحَقِّ ما بِهِ اسْتُجِیبَ الدُّعاءُ، یا اَللهُ رَبَّ الْعالَمِینَ. (2)

2. در حدیث است که حضرت علی علیه السلام برای در امان ماندن از دشمنان این دعا را سفارش کرد: اَللّهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِکَ أَنْ اُضامَ فی سُلْطانِکَ. اَللّهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِکَ اَنْ أَضِلَّ فی هُداکَ. اَللّهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِکَ اَنْ اَفْتَقِرَ فی غِناکَ. اَللّهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِکَ اَنْ اُضَیَّعَ فی سَلامَتِکَ. اَللّهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِکَ اَنْ اُغْلَبَ وَالاْمْرُ لَکَ. (3)

1- طبّ الأئمّه، ص 36 و37 از امام کاظم علیه السلام.

2- ترجمه: «ای کسی که زمام خلقش را به دست گرفته وقدرتش بر آن پیشی گرفته وحکمش در آن نفوذدارد. ای خالق آنچه که قدرتش بر آن تعلّق گرفته، من در معرض خطر قرار گرفته ام وبه خاطر توانایی تو دربرابر به خطرآفرین به در خانه ات آمده ام. اگر میان من وآنها حایل

شوی این همان چیزی است که می خواهمواگر مرا تسلیم آنان کنی نعمتت را در مورد من تغییر خواهند داد. ای بهترین نعمت دهندگان، اجازه ندهکسی نعمتت را بر من تغییر دهد. تو پروردگار منی وآنچه را که بر من نازل شده می بینی. بین من وشرّ آنانحایل شو، به حقّ آن کسی که دعا به وسیله او مستجاب می شود ای خدا، ای پروردگار جهانیان». الأمان مناخطار الأسفار والأزمان، ص 112.

3- ترجمه: «بار خدایا، به تو پناه می برم که در حکومت تو به من ستم شود. خداوندا، به تو پناه می برم که درتیررس هدایت تو گمراه شوم، بار خدایا، به تو پناه می برم که با بی نیازی تو فقیر شوم. بار خدایا، به تو پناهمی برم که با سلامتی تو هلاک شوم. بار خدایا، به تو پناه می برم که مغلوب واقع شوم، در حالی که فرمان ازبرای تو آست». الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص 114 و115.

دعای منازل بین راه

1. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «ای علی، چون در منزلی فرود آیی بگو: اَللّٰهُمَّ اَنْزِلْنی مُنْزَلاً مُبارَکاً وَاَنْتَ خَیْرُ الْمُنْزِلینَ (1) تا خوبی آن منزل روزی تو شود وشرّ آن از تو دور شود». (2)

2. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که می خواهد در منزلی فرود آید که ترسی از آن دارد این آیه شریفه را بخواند: (رَبِّ أَدْخِلْنِی مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِی مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِی مِنْ لَّدُنْکَ سُلْطَانًا نَصِیرًا)». (3)

3. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس در سفر ومنزلی فرود آید که از درندگان بترسد این دعا را بخواند: اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ، بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ. اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ کُلِّ سَبُعٍ (4) اگر این دعا را بخواند تا زمانی که در آن منزل باشد

از شرّ درندگان در امان است». (5)

4. سیّد بن طاووس روایت کرده است که هرگاه در منزل خود از جانوران زمین خوف داری این دعا را در مکان مورد خوف بخوان که از جمله دعاهای سرّ است : یا ذارِیَ ما فِی الاْرْضِ کُلِّها، لِعِلْمِکَ بِما یَکُونُ مِمّا ذَرَأْتَ، لَکَ السُّلْطانُ عَلی

1- ترجمه: «بار خدایا، ما را در منزلگاهی پربرکت فرود آور وتو بهترین فرودآورندگانی».

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 195، ح 887.

3- ترجمه: «پروردگارا، مرا (در هر کار) با صداقت وارد کن وبا صداقت خارج ساز واز سوی خود حجّتییاری کننده برای من قرار ده». (سوره اسراء، آیه 80) محاسن، ص 367، ح 118.

4- ترجمه: «گواهی می دهم که معبودی نیست جز الله، که یگانه است وشریک ندارد. حکومت وستایش مخصوص اوستوخیر ونیکی به دستش وتوانا بر هر چیزی است. بار خدایا، از شرّ هر درنده ای به تو پناه می برم».

5- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 193، ح 879.

كُلِّ مَنْ دُونَکَ، اِنِّی اَعُوذُ بِقُدْرَتِکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ مِنَ الضُّرِّ فی بَدَنی، مِنْ سَبُعٍ اَوْهامَّهٍ اَوْ عارِضٍ مِنْ سائِرِ الدَّوابِّ، یا خالِقَها بِقُدْرَتِهِ وَفاطِرَها بِفِطْرَیَهِ اِدْرَأْها عَنِّی وَاحْجُزْها عَنِّی وَلا تُسَلِّطْها عَلَیَّ وَعافِنی مِنْ شَرِّها وَبَأْسِها یا اللهِ الْعَلِیُّ الْعَظیمُ، حُطَّنِی بِحِیاطَتِکَ وَاحْمَنی بِحِمایَتِکَ وَاکْفِنی بِکِفایَتِکَ اِحْفَظْنِی بِحِفْظِکَ وَاجْنُبْنِی بِسَتْرِکَ الْواقِی مِنْ مَخاوِفی یا رَحِیمُ». (1)

5. در روایتی معتبر می خوانیم که دو برادر خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله رسیدند وعرض کردند: قصد داریم برای تجارت به شام برویم. حرزی به ما تعلیم ده که در سفر از آن استفاده کنیم. حضرت فرمود: «هنگامی که شب در منزلی فرود می آیید ونماز مغرب وعشا می خوانید، پس از نماز پهلو را بر رختخواب گذاشته وتسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بگویید (2) ، سپس آیه الکرسی بخوانید. با این کار تا صبح محفوظ خواهید ماند». هنگامی که عازم سفر شدند، دزدان به تعقیب آنان پرداختند. شب هنگام که در منزلی فرود آمدند به دستور حضرت عمل کردند وخوابیدند. دزدان غلام خود را به آن منزل فرستادند تا اوضاع را بررسی کند، هنگامی که به آنجا آمد اثری از آن دو نفر ندید، بلکه دو دیوار مشاهده کرد. جریان را به دزدان گفت و آنها هم جز همان چه او مشاهده کرده بود چیزی ندیدند. صبح هنگام به نزد آن دو نفر رفتند واز آنها پرسیدند: شب گذشته کجا بودید؟ گفتند: در همین منزل. دزدان گفتند: ما در پی شما آمدیم، امّا جز دو دیوار

1- ترجمه: «ای آفریننده تمام موجودات زمین، به سبب علمی که به آفریدگانت داری بر غیر خود سلطه داری.(بار خدایا) به خاطر قدرت تو بر هر چیز از وارد شدن زیان در بدنم به تو پناه می برم، از درنده وجنبندهومتعرّض شونده از بقیّه جنبندگان. ای خالق آنها به قدرت خویش و ای آفریننده آنها به آفرینش خود، آنهارا از من دور کن وبر من مسلّط نکن

واز شرّ آنها مرا رهایی ده! ای خدای والای بزرگ مرا با احاطه خود احاطهکن و به حمایتت حمایت فرما و از شرّ (هر ذی شرّی) کفایت کن و به حفظ خود محفوظ دار و با پوششنگهدارنده خود از آنچه موجب خوف است مستور فرما، ای رحیم و مهربان» الأمان من اخطار الأسفاروالأزمان، ص126.

2- از این روایت استفاده می شود که تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام در آن زمان مشهور بوده است.

چیزی نیافتیم. قصّه شما چیست؟ آنها دستورالعمل پیامبر صلی الله علیه و آله را بیان کردند. دزدان گفتند: بروید که هیچ دزدی بر شما دست نخواهد یافت. (1)

6. سیّد بن طاووس؛ روایت کرده است: هنگامی که مسافر در منزلی فرود آید بگوید: اَللّهُمَّ اَنْزِلْنِی مُنْزَلاً مُبارکاً وَاَنْتَ خَیْرُ الْمُنْزِلینَ (2) ، سپس دو رکعت نماز

بگزارد ودر هر رکعت پس از حمد هر یک از سوره های کوچک را که بخواهد بخواند وبعد بگوید: اَللّهُمَّ ارْزُقْنا خَیْرَ هذِهِ الْبُقْعَهِ وَاَعِذْنا مِنْ شَرِّها اَللّهُمَّ اَطْعِمْنا مِنْ جَناها وَاَعِذْنا مِنْ وَباها وَحَبِّبْنا اِلی اَهْلِها وَحَبِّبْ صالِحی اَهْلِها اِلَیْنا (3) ، سپس

بگوید: اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَاَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَاَنَّ عَلِیّاً اَمیرَ الْمُؤْمِنینَ وَالاْئِمَّهَ مِنْ وُلْدِهِمْ اَئِمَّهٌ، اَتَوَلاّهُمْ وَاَتَبَرَّءُ مِنْ اَعْدائِهِمْ. اَللّهُمَّ اِنِّی اَسْأَلُکَ خَیْرَ هذِهِ الْبُقْعَهِ وَاَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّها. اَللّهُمَّ اجْعَلْ اَوَّلَ دُخُولِنا هذا صَلاحاً وَاَوْسَطَهُ فَلاحاً وَآخِرَهُ نَجاحاً. (4)

7. شیخ طبرسی رحمه الله می گوید: هنگامی که قصد حرکت از استراحتگاه داری دو رکعت نماز بگزار واز خدا طلب محافظت وحمایت کن وبا آن مکان واهل آن وداع کن که در هر مکانی فرشتگانی هستند؛ پس بگو: اَلسَّلامُ عَلی مَلائِکَهِ اللهِ الْحافِظینَ، اَلسَّلامُ عَلَیْنا وَعَلی عِبادِ اللهِ الصّالِحینَ وَرَحْمَهُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ. (5)

1- محاسن، ص 368، ح 120؛ مکارم الأخلاق، ص 225؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 246، ح 34.

2- ترجمه: «بار خدایا، ما را در منزلگاهی پربرکت فرود آور که تو بهترین فرودآورندگانی».

3- ترجمه: «بار خدایا، خیر وبرکت این مکان را روزی ما گردان وشرّ آن را از ما بازدار. بار خدایا، از میوه های آن به مابخوران واز بیماری های آن ما را حفظ کن وما را محبوب اهالی آن گردان وصالحان آن را محبوب ما قرار ده».

4- ترجمه: «شهادت می دهم که معبودی جز خدای یکتا نیست. او یگانه است وشریکی ندارد ومحمّد بندهورسول اوست وعلی علیه السلام وامامان از فرزندانش امامان (ما) هستند. ولایت ایشان را دارم واز دشمنانشانبیزاری می جویم. بار خدایا، خیر ونیکی این مکان را از تو می خواهم واز شرّ آن به تو پناه می برم. بار خدایا،ابتدای ورود ما را صلاح وراستی ومیانه آن را رستگاری وانتهای آن را پیروزی قرار ده». الأمان من اخطارالأسفار والأزمان، ص 125.

5- ترجمه: «درود وسلام بر فرشتگان خداوند که وظیفه حفاظت (از ما) را بر عهده دارند. درود وسلام بر ماوبر بندگان شایسته خداوند ورحمت وبرکات خدا بر ما وآنان باد». مستدرک الوسائل، ج 8، ص 240، ح 2؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 253 و265.

دعا به هنگام رسیدن به مقصد

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که بر شهری مشرف شدی ونگاهت به آن شهر افتاد، این دعا را بخوان: اَللّهُمَّ رَبَّ السَّماواتِ السَّبْعِ وَما اَظَلَّتْ وَرَبَّ الاْرَضینَ السَّبْعِ وَما اَقَلَّتْ وَرَبَّ الرِّیاحِ وَما ذَرَّتْ وَرَبَّ الشَّیاطِینِ وَما اَضَلَّتْ، اَسْأَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَسْأَلُکَ مِنْ خَیْرِ هذِهِ الْقَرْیَهِ وَما فیها وَاَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّها وَشَرِّ ما فِیها». (1)

2. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله خطاب به علی علیه السلام فرمود: «هرگاه به شهر یا روستایی وارد شدی ونگاهت بر آنجا افتاد، بگو: اَللّهُمَّ اِنِّی اَسْأَلُکَ خَیْرَها وَاَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّها. اَللّهُمَّ اَطْعِمْنِی مِنْ جَناها وَاَعِذْنا مِنْ وَباها وَحَبِّبْنا اِلی اَهْلِها وَحَبِّبْ صالِحی اَهْلِها اِلَیْنا». (2)

آداب سفرهای دریایی وعبور از پل ها

سفر دریا

حکم سفرهای دریایی

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام باقر وامام صادق علیهما السلام فرمودند: «سفر دریایی به منظور تجارت کراهت دارد». (3)

1- ترجمه: «بار خدایا، ای پروردگار آسمان های هفتگانه وآنچه بر آن سایه افکنده، ای پروردگار زمین هایهفتگانه وآنچه بر روی آن وجود دارد وای پروردگار بادها وآنچه را پراکنده می کند وای پروردگار شیاطینوآنچه گمراه می کنند، از تو می خواهم بر محمّد وآلش درود فرستی واز تو خیر این

آبادی وآنچه در آن استرا می خواهم واز شرّ آن وشرّ آنچه در آن است به تو پناه می برم». محاسن، ص 374، ح 143.

2- ترجمه: «خداوندا، خیر ونیکی این آبادی را از تو خواهانم واز شرّ آن به تو پناه می برم. بار خدایا، ازمیوه هایش به ما بخوران واز بیماری های آن ما را پناه ده وما را در نزد اهل آن ونیکان آن را در نزد ما محبوببگردان». مکارم الأخلاق، ص 260.

3- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 293، ح 1333.

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که برای تجارت

سوار بر کشتی شود، به روش مناسبی طلب روزی نکرده است». (1)

3. در روایات معتبر است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از سوار شدن بر کشتی به هنگام تلاطم وهیجان دریا. (2)

(این روایات اشاره به زمانی است که کشتی ها بادبانی وکوچک وغیر مطمئن بود).

آداب ودعای سوار شدن کشتی

1. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که سوار بر کشتی می شوی بگو: (بِسْمِ اللهِ مَجْرَیهَا وَمُرْسَیهَا إِنَّ رَبِّی لَغَفُورٌ رَحِیمٌ) (3) وچون دریا متلاطم

شود بر جانب چپ تکیه وبا دست راست به سوی موج اشاره کن وبگو: قِرِّی بِقَرارِ اللهِ وَاسْکُنِی بِسَکِینَهِ اللهِ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ اِلّا بِاللهِ الْعَلِیِّ العَظِیمِ». (4)

ودر برخی روایات وارد شده است که در وقت اضطراب وتلاطم دریا بگو : «بِسْمِ اللهِ، اُسْکُنْ بِسَکینَهِ اللهِ وَقِّرْ بِوِقارِ اللهِ وَاهْدَأْ بِاِذْنِ اللهِ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ اِلّا بِاللهِ». (5)

راوی گوید: من مکرّر سوار بر کشتی شدم ودر وقت تلاطم امواج دریا به این دستورعمل کردم وتلاطم دریافرونشست به گونه ای که گویی هرگز متلاطم نبود. (6)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انسان هنگام سوار شدن

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 293، ح 1336.

2- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 293، ح 1335.

3- ترجمه: «به نام خدا سوار بر آن شوید؛ وهنگام حرکت وتوقّف کشتی یاد او کنید، که پروردگارم آمرزندهومهربان است». سوره هود، آیه 41.

4- ترجمه: «قرار گیر به قرار خدا وآرام شو به آرامش الهی وهیچ پناهگاه و قدرتی مگر به واسطه خدای والاوبزرگ نیست». کافی، ج 3، ص 471، ح 5.

5- شبیه ترجمه سابق است.

6- تفسیر قمی، ج 2، ص 282؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 243، ح 25.

بر کشتی صد مرتبه الله اکبر بگوید وصد بار صلوات بر محمّد وآل محمّد بفرستد وصد مرتبه ظالمان آل محمّد را به این ترتیب «اَللّٰهُمَّ الْعَنْ مَنْ ظَلَمَ آلَ مُحَمَّدٍ» لعنت کند. سپس این دعا را بخواند: بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَالصَّلوهُ عَلی مُحَمّدٍ رَسُولِ اللهِ وَعَلَی الصّادِقینَ مِنْ آلِهِ. اَللّٰهُمَّ اَحْسِنْ مَسیرَنا وَعَظِّمْ اُجُورَنا. اَللّٰهُمَّ بِکَ اِنْتَشَرْنا وَاِلَیْکَ تَوَجَّهْنا وَبِکَ آمَنّا وَبِحَبْلِکَ اِعْتَصَمْنا وَعَلَیْکَ تَوَکَّلْنا. اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثِقَتُنا وَرَجائُنا وَناصِرُنا، لا تَحِلَّ بِنا ما لا نُحِبُّ. اَللّٰهُمَّ بِکَ نَحِلُّ وَبِکَ نَسیرُ. اَللّٰهُمَّ خَلِّ سَبیلَنا وَاَعْظِمْ عافِیَتَنا، اَنْتَ الْخَلیفَهُ فِی الأَهْلِ وَالْمالِ وَاَنْتَ الْحامِلُ فِی الْماءِ وَعَلَی الظَّهْرِ (وَقَالَ ارْکَبُوا فِیهَا بِسْمِ اللهِ مَجْرَیهَا وَمُرْسَیهَا إِنَّ رَبِّی لَغَفُورٌ رَحِیمٌ» (1) «وَمَا

قَدَرُوا اللهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالأَرْضُ جَمِیعًا قَبْضَتُهُ یَوْمَ الْقِیَمَهِ وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِیَّاتٌ بِیَمِینِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَی عَمَّا یُشْرِکُونَ). (2) اَللّٰهُمَّ اَنْتَ خَیْرُ مَنْ وَفَدَ اِلَیْهِ الرِّجالُ، فَاَنْتَ سَیِّدی

اَکْرَمُ مَزُورٍ وَاَکْرَمُ مَقْصُودٍ وَقَدْ جَعَلْتَ لِکُلِّ زائِرٍ کَرامَهً وَلِکُلِّ وافِدٍ تُحْفَهً، فَاَسْاَلُکَ اَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَکَ اِیّایَ فَکاکَ رَقَبَتِی مِنَ النّارِ وَاشْکُرْ سَعْیی وَارْحَمْ مَسِیری مِنْ اَهْلِی بِغَیْرِ مَنِّ مِنِّی عَلَیْکَ، بَلْ لَکَ الْمِنَّهُ عَلَیَّ اَنْ جَعَلْتَ لِی سَبِیلاً اِلی زیارَهِ وَلِیِّکَ وَعَرَّفْتَنِی فَضْلَهُ وَحَفِظْتَنِی فی لَیْلی وَنَهاری، حَتّی بَلَّغْتَنِی هذَا الْمَکان وَقَدْ رَجَوْتُکَ فَلا تَقْطَعْ رَجائِی وَاَمَّلْتُکَ فَلا تُخَیِّبْ اَمَلی وَاجْعَلْ مَسِیری هذا کَفّارَهً لِذُنُوبی، یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ». (3)

1- سوره هود، آیه 41.

2- سوره زمر، آیه 67.

3- ترجمه: «به نام خدا وبه ذات (پاک) خدا (شروع می کنم.) درود بر محمّد رسول خدا وبر راستگویان از آلشباد. بار خدایا، مسیر ما را نیکو ومزد ما را بزرگ گردان. بار خدایا، به یاری تو می رویم وبه تو روی می آوریم وبهتو ایمان داریم وبه ریسمان تو چنگ زدیم وبر تو توکّل کردیم. بار

خدایا، تو محلّ اعتماد وامیدواری ویاورمایی، آنچه را خوش نداریم بر ما روا مدار، به امید تو بیرون آمده ایم وبا کمک تو سفر می کنیم. بار خدایا، راه رابر ما آسان گردان وعافیت ما را بزرگ بدار که تو جانشین ما در خانواده ومال ما هستی وتو ما را در دریاوخشکی حمل می کنی واو (نوح) گفت: «به نام خدا بر کشتی سوار شوید؛ وهنگام حرکت وتوقّف کشتی یاداو کنید که پروردگارم آمرزنده ومهربان است. آنها خدا را آن گونه که شایسته است نشناخته اند، در حالی کهتمام زمین در روز قیامت در قبضه اوست وآسمان ها پیچیده در دست اوست. خداوند منزّه وبرتر است ازشریک هایی که برای او می پندارند. خدایا، تو بهترین کسی هستی که مردم به سوی او کوچ می کنند. تو ایآقای من، بهترین زیارت شده وبهترین مقصدی وبرای هر زیارت کننده ای کرامت وبزرگواری قرار داده ایوبرای هر واردشونده هدیه ای، از تو می خواهم که هدیه مرا آزادی از آتش جهنّم قرار دهی. تلاش من راجبران کنی ودر مسیرم به من رحم کن، در حالی که منّتی بر تو ندارم ؛ وتو بر من منّت داری که مرا به زیارتولیّ خود توفیق دادی وفضیلت او را به من شناساندی ودر شب وروز مرا حفظ کردی، تا اینکه مرا به اینمکان رساندی. به تو امیدوارم، امید مرا قطع نکن. آرزومندم، آرزویم را به نومیدی نکشان واین سفر را کفّارهگناهانم قرار ده، ای مهربان ترین مهربانان». الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص 103 و104.

سیّد بن طاووس گوید: اگر هدفش از سفر، غیر زیارت باشد عبارات را به گونه ای تغییر دهد که مناسب سفرش باشد. (1)

دعا به هنگام ترس از غرق شدن

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس از غرق شدن بترسد این دعا را بخواند: (بِسْمِ اللهِ مَجْرَیهَا وَمُرْسَیهَا إِنَّ رَبِّی لَغَفُورٌ رَّحِیمٌ) (2) بِسْمِ اللهِ

الْمَلِکِ الْحَقِّ (وَمَا قَدَرُوا اللهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِیعًا قَبْضَتُهُ یَوْمَ الْقِیَمَهِ وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِیَّاتٌ بِیَمِینِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَی عَمَّا یُشْرِکُونَ)». (3)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «کسی که از غرق شدن بترسد بگوید: (اَللهُ الَّذِی نَزَّلَ الْکِتَابَ وَهُوَ یَتَوَلَّی الصَّالِحِینَ (4) وَمَا قَدَرُوا اللهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِیعًا قَبْضَتُهُ

یَوْمَ الْقِیَمَهِ وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِیَّاتٌ بِیَمِینِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَی عَمَّا یُشْرِکُونَ). (5) » (6)

1- الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص 104.

2- سوره هود، آیه 41. ترجمه آن در دعای قبل گذشت.

3- سوره زمر، آیه 67. ترجمه آن در ضمن دعای قبل گذشت. خصال، ج2،ص410؛ بحارالأنوار،ج76،ص243، ح 24.

4- ترجمه: «ولیّ وسرپرست من، خدایی است که این کتاب را نازل کرده واو همه صالحان را سرپرستیمی کند». سوره اعراف، آیه 196.

5- ترجمه آن گذشت.

6- الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص 110.

ذکر ودعای عبور کردن از پل

1. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «بر روی هر پلی شیطانی است، چون به آن نقطه رسیدید بسم الله بگویید تا از شما دور شود». (1)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هنگامی که بر پل قدم می گذارید بگویید: بِسْمِ اللهِ اَللّٰهُمَّ ادْحَرْ عَنِّی الشَّیطانَ الرَّجیمَ». (2)

آداب مشایعت واستقبال کردن از مسافر

خواندن دعای سفر

1. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله با مؤمنان وداع می کرد می فرمود: زَوَّدَکُمُ التَّقْوی وَوَجَّهَکُمْ اِلی کُلِّ

خَیْرٍ وَقَضی لَکُمْ کُلَّ حاجَهٍ وَسَلَّمَ لَکُمْ دینَکُم وَدُنْیاکُمْ وَرَدَّکُمْ سالِمینَ اِلی سالِمینَ». (3)

2. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هرگاه حضرت رسول صلی الله علیه و آله با مسافری وداع می کرد دست او را گرفته، می فرمود: اَحْسَنَ اللهُ لَکَ الصَّحابَهَ وَاَکْمَلَ لَکَ الْمَعُونَهَ وَسَهَّلَ لَکَ الْحُزُونَهَ وَقَرَّبَ لَکَ الْبَعیدَ وَکَفاکَ الْمُهِمَّ وَحَفِظَ لَکَ دینَکَ وَاَمانَتَکَ وَخَواتیمَ عَمَلِکَ وَوَجَّهَکَ لِکُلِّ خَیْرٍ، عَلَیْکَ بِتَقْوَی اللهِ، اَسْتَوْدِعُکَ اللهُ، سِرْ عَلی بَرَکَهِ اللهِ». (4)

1- محاسن، ص 373، ح 138؛ کافی، ج 4، ص 287، ح 3.

2- ترجمه: «به نام خدا. خدایا، شیطان رانده شده را از من دور کن».
الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص 102.

3- ترجمه: «خداوند تقوا را توشه سفرتان سازد وشما را به سوی هر خیری رهنمون کند وهمه حاجاتتان رابرآورده گرداند ودین ودنیای شما را سالم بدارد وشما را به سلامت به سوی خانواده ودوستانتان در حالیکه آنها نیز سالم باشند بازگرداند». محاسن، ص 354، ح 46؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 180،ح 805.

4- ترجمه: «خداوند دوستانت را نیکو قرار دهد ویاری تو را کامل گرداند وسختی را بر تو آسان ودور را بر تونزدیک ومشکلات تو را کفایت ودین وامانت تو را حفظ وپایان کار تو را به خیر کند وتو را به هر خوبیرهنمون سازد. تو را به تقوای الهی سفارش می کنم. تو را به خدا می سپارم. با برکت از سوی خدا حرکت کن».محاسن، ص 354، ح 47؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 180، ح 806.

3. در روایتی دیگر آمده است که در این وقت می فرمود: «اَسْتَوْدِعُ اللهَ دینَکَ وَاَمانَتَکَ وَخَواتِیمَ عَمَلِکَ وَوَجَّهَکَ لِلْخَیْرِ حَیْثُ ما تَوَجَّهْتَ وَزَوَّدَکَ التَّقْوی وَغَفَرَ لَکَ الذُّنُوبَ». (1)

4. جمعی برای خداحافظی خدمت حضرت امام صادق علیه السلام رسیدند، حضرت فرمود: «اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَنا ما اَذْنَبْناها وَنَحْنُ مُذْنِبُونَ وَثَبِّتْنا وَاِیّاهُمْ بِالْقَوْلِ الثّابِتِ فِی الْاٰخِرَهِ وَالدُّنْیا وَعافِنا وَاِیّاهُمْ مِنْ شَرِّ ما قَضَیْتَ فی عِبادِکَ وَبِلادِکَ فی سَنَتِنا هذِهِ وَالمُسْتَقْبَلَهِ وَعَجِّل نَصْرَ آلِ مُحَمَّدٍ وَوَلِیَّهُمْ وَاخْزِ عَدُوَّهُمْ عاجِلاً». (2)

مشایعت کردن واستقبال از مسافر

1. در احادیث معتبر آمده است که: «مشایعت کردن واستقبال از مؤمنان مستحبّ است وبرای این منظور، مؤمنین می توانند به مقداری بروند که نمازشان شکسته وروزه آنها افطار شود (به مقدار 5/21 کیلومتر که مسافت شرعی است)». (3)

2. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به کسی

1- ترجمه: «دین وامانت وپایان کار تو را به خدا می سپارم، هر جا که روی می آوری خداوند تو را به کار خوبرهنمون سازد وتقوا را توشه تو قرار دهد وگناهان تو را بیامرزد». محاسن، ص 354، ح 49.

2- ترجمه: «بار خدایا، گناهان ما را بیامرز در حالی که ما گناهکاریم. وما وآنان را در دنیا وآخرت به گفتار ثابتوپابرجا ثابت قدم گردان وما وایشان را از شرّی که در میان بندگانت ودر شهرهایت ودر این سال ودر سالآینده مقدّر کرده ای حفظ کن ودر یاری خاندان محمّد ودوستانش تعجیل کن ودشمنانشان را به زودیرسوا گردان». محاسن، ص 355، ح 52.

3- كافى، ج 4، ص 129، ح 5؛ كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 285، ح 1299.

که از مکّه بازمی گشت می فرمود: قَبِلَ اللهُ مِنْکَ وَاَخْلَفَ عَلَیْکَ نَفَقَتَکَ وَغَفَرَ ذَنْبَکَ». (1)

3. در حدیث است هنگامی که جعفر طیّار از حبشه بازگشت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او را به سینه چسبانید ومیان دو چشمش را بوسید. وزمانی که اصحاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله به یکدیگر می رسیدند مصافحه می کردند. وهنگامی که کسی از آنان از سفر می آمد، دیگران دست در گردنش می انداختند. (2)

4. در حدیثی دیگر می خوانیم: «هر کس دست در گردن حاجی کند، در حالی که هنوز گرد راه را از خود نشسته، گویی حجرالأسود را بوسیده است». (3)

سوغاتی آوردن وآداب پس از سفر

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «کسی که از سفر بازمی گردد برای خانواده اش سوغاتی بیاورد، اگرچه قطعه سنگی باشد». (4)

2. در حدیث است که: «هرگاه مسافر از سفر برگشت سزاوار است قبل از هر کاری غسل کند ودو رکعت نماز بخواند، سپس به سجده رود وصد بار شکر الهی را به جا آورد». (5)

3. در حدیثی معتبر می خوانیم که بر مسافر مستحبّ است پس از بازگشت از سفر، برادران مؤمن خود را به میهمانی بخواند. (6)

1- ترجمه: «خداوند (اعمال وعبادات تو را) قبول کند وهزینه هایی را که در سفر متحمّل شدی جایگزین فرماید وگناهانت را ببخشاید». کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 196، ح 891.

2- مكارم الأخلاق، ص 261 و262.

3- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 196، ح 892؛ مكارم الأخلاق، ص 261.

4- تفسير عيّاشى، ج 1، ص 277، ح 279؛ مكارم الأخلاق، ص 266.

5- مكارم الأخلاق، ج 1، ص 555، ح 1917.

6- محاسن، ص 417، ح 181؛ كافى، ج 6، ص 281، ح 3.

آداب اسب سواری وتیراندازی

مسابقات

اسب سواری

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به اصحاب خود دستور داد مسابقه اسب سواری برگزار کنند وجایزه آن را از مال خود قرار داد. (1)

2. در روایتی دیگر آمده است که بر صد وپنجاه مثقال نقره شرط بندی کردند. (2)

3. در روایات معتبر آمده است که حضرت در مسابقه اسب سواری شرکت کردند که مبلغ جایزه آن حدود بیست ویک مثقال نقره بود. (3)

تیراندازی

1. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «مسابقه اسب سواری وتیراندازی برگزار کنید واگر مسابقه تیراندازی برگزار کنید آن را بیش از مسابقه اسب سواری دوست می دارم. (4)

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هر نوع بازی وسرگرمی ولهوی که مؤمن انجام دهد باطل است، مگر در سه چیز: تعلیم وتربیت اسب (برای مسابقه)، تعلیم وفراگیری تیراندازی، ملاعبه با همسر که اینها باطل نیست. وبی شک هر تیری که در راه خدا انداخته شود، خداوند سه کس را می آمرزد: کسی که آن تیر را ساخته، کسی که آن تیر را به مجاهد رسانده، مجاهدی که از آن تیر استفاده کرده است». (5)

1- قرب الإسناد، ص 88، ح 277.

2- در حديث آمده است هفت «اوقيه» كه هر اوقيه بيست ويک مثقال است ومجموعاً حدود صد وپنجاه مثقالمی شود. قرب الإسناد، ص 122 ذيل حديث 455.

3- كافى، ج 5، ص 49، ح 7.

4- كافى، ج 5، ص 50، ح 13.

5- كافى، ج 5، ص 50، ذيل حديث 13.

شترسواری

1. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به هنگام بازگشت از جنگ تبوک با اسامه بن زید مسابقه شترسواری گذاشت. (1)

توضیح: البتّه روشن است که ساحت مقدّس پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از بازی ومسابقه وشرط بندی پاک ومبرّاست، ولی برای تقویت دین وتشویق مسلمانان به جهاد ودفاع از کیان اسلام وجلوگیری از تسلّط اشرار وکفّار ومشرکان ومنافقان بر جان وناموس ومال مسلمانان ودفع خطر بیگانگان واثبات مشروعیّت مسابقه اسب سواری وتیراندازی این کار را انجام می داد.

2. در حدیثی معتبر می خوانیم که ملائکه به هنگام شرط بندی از آن محل گریخته وکسانی را که شرط بندی می کنند نفرین می کنند، مگر در مورد مسابقه حیوانات وتیراندازی. (2)

کشتی

در حدیثی معتبر می خوانیم که: «شبی حضرت رسول صلی الله علیه و آله در خانه حضرت فاطمه علیها السلام به نوه های عزیز خود فرمود: برخیزید وکشتی بگیرید آنها مشغول کشتی شدند وحضرت فاطمه علیها السلام برای انجام دادن کاری از اتاق بیرون رفت. هنگام بازگشت متوجّه شد که حضرت رسول صلی الله علیه و آله مشغول تشویق امام حسن علیه السلام است. فاطمه علیها السلام گفت: پدر، کار عجیبی می کنید که بزرگ تر را تشویق می کنید. حضرت فرمود: دخترم، جبرئیل مشغول تشویق حسین است ومن حسن را تشویق می کنم». (3)

1- قرب الإسناد، ص 122، ح 455.

2- كتاب من لا يحضره الفقيه، ج 4، ص 42، ح 136.

3- امالى صدوق، ص 445 و446.

دفاع وجهاد

1. در احادیث معتبر آمده است: کسی که برای دفاع از آبرو یا مال خود کشته شود شهید است. (1)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «جهاد باعث عزّت وبزرگواری فرزندان شما می شود». (2)

3. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال جهاد را (با شرایطش) واجب کرده وبزرگ شمرده وآن را عامل یاری گردانیده است. به خدا قسم، دین ودنیا(ی شما) جز با جهاد اصلاح نمی شود». (3)

4. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس پیغام جهادکننده را به اهلش برساند، گویی برده ای را آزاد کرده ودر ثواب جهاد آن رزمنده شریک است». (4)

5. در حدیثی معتبر می خوانیم که آن حضرت فرمود: «تمام خیرها در شمشیر وزیر سایه شمشیر است (به هنگام جهاد با دشمن) وشمشیر اهل حق، کلید بهشت وشمشیر اهل باطل، کلید جهنّم است». (5)

6. نیز در حدیثی معتبر آمده است که فرمود: «یکی از درهای بهشت «باب المجاهدین» نام دارد. آنها که در راه خدا جهاد کرده اند به سوی آن رفته، آن در به روی آنها گشوده می شود وملائکه به آنها خوشامد می گویند». (6)

7. در حدیث است که حضرت علی علیه السلام هنگامی که خبر تجاوز لشکر معاویه به شهر «انبار» را دریافت کرد خطبه ای به شرح زیر ایراد فرمود :

1- کافی، ج 5، ص 52، ح 1 - 5.

2- کافی، ج 5، ص 8، ح 13.

3- کافی، ج 5، ص 8، ح 11.

4- کافی، ج 5، ص 8، ح 9؛ تهذیب، ج 6، ص 134، ح 9.

5- کافی، ج 5، ص 2، ح 1؛ تهذیب، ج 6، ص 134، ح 6.

6- کافی، ج 5، ص 2، ح 2.

«جهاد دری است از درهای بهشت که خداوند آن را به روی دوستان مخصوص خود گشوده است. جهاد لباس تقوا، زره محکم وسپر مطمئنّ خداوند است. مردمی که از جهاد روی برگردانند خداوند لباس ذلّت بر تن آنها می پوشاند وبلا به آنان هجوم می آورد، کوچک وخوار می شوند، عقل وفهمشان تباه می گردد، وبه سبب تضییع جهاد، حقّ آنها پایمال می شود ونشانه های ذلّت در آنها آشکار می گردد واز عدالت محروم می شوند.

آگاه باشید من شب وروز، پنهان وآشکار شما را به مبارزه با این جمعیّت (معاویه وپیروانش) دعوت کردم وگفتم: پیش از آنکه با شما بجنگند با آنان

نبرد کنید.

به خدا سوگند، هر ملّتی در درون خانه اش مورد هجوم دشمن قرار گیرد حتماً ذلیل خواهد شد (وتنها جمعیّتی در نبرد با دشمنان پیروز می شود که به استقبال آنها بشتابد)، ولی شما سستی به خرج دادید ودست از یاری من برداشتید وهر یک به دیگری واگذار کردید، تا آنجا که دشمن پی در پی به شما حمله کرد وسرزمین شما را مالک شد.

اکنون بشنوید: (یکی از فرماندهان لشکر غارتگر معاویه از) بنی غامد به (شهر مرزی) انبار حمله کرده ونماینده وفرماندار من، حسّان بن حسّان بکری را کشته وسربازان ومرزبانان شما را از آن سرزمین بیرون رانده است.

به من خبر رسیده است که یکی از آنان به خانه زن مسلمان وغیر مسلمانی که جان ومالش در پناه اسلام محفوظ بوده وارد شده وخلخال ودستبند وگردنبند وگوشواره های آنها را از تنشان بیرون آورده است... .

در حالی که هیچ وسیله ای برای دفاع جز گریه والتماس کردن نداشته اند، آنها با غنیمت فراوان برگشته اند، بدون اینکه حتّی یک تن از آنها زخمی ویا قطره ای خون از آنها ریخته شود.

اگر بر اثر این حادثه، مسلمانی از روی تأسّف بمیرد سرزنش نخواهد شد واز نظر من سزاوار وبه جاست.

شگفتا! شگفتا! به خدا سوگند، این حقیقت قلب انسان را می میراند واندوه می آفریند که آنها در مسیر باطل خود این چنین متّحدند وشما در راه حق این چنین پراکنده ومتفرّق.

روی شما زشت باد! وهمواره غم وغصّه قرینتان باد که شما هدف حملات دشمن قرار گرفته اید. پی در پی به شما حمله می کنند وشما به حمله متقابل دست نمی زنید. با شما می جنگند وشما نمی جنگید. این گونه معصیت خدا می شود وشما (با عمل خود) به آن رضایت می دهید.

هرگاه در ایّام تابستان فرمان حرکت به سوی دشمن دادم، گفتید: اندکی ما را مهلت ده تا سوز گرما فرو نشیند. واگر در سرمای زمستان این دستور را به شما دادم، گفتید: اکنون هوا فوق العاده سرد است بگذار سوز سرما آرام گیرد. همه این بهانه ها برای فرار از سرما وگرما بود.

شما که از سرما وگرما (وحشت دارید) ومی گریزید، به خدا سوگند از شمشیر (دشمن) بیشتر فرار خواهد کرد.

ای کسانی که به مردان می مانید ولی مرد نیستید! ای کودک صفتان بی خرد! وای عروسان حجله نشین! (که جز عیش ونوش به چیزی نمی اندیشید) چقدر دوست داشتم که هرگز شما را نمی دیدم ونمی شناختم، همان شناسایی که سرانجام مرا این چنین ملول وناراحت ساخت. خدا شما را بکشد که این قدر خون به دل من کرده وسینه ام را مملو از خشم ساخته وکاسه های اندوه را جرعه جرعه به من نوشاندید. با سرپیچی ویاری نکردن، طرح های مرا (برای سرکوبی دشمن وساختن یک جامعه آباد اسلامی) تباه کردید، تا آنجا که قریش گفتند : پسر ابوطالب مردی است شجاع، ولی از فنون جنگ آگاه نیست... .

خدا خیرشان دهد ! آیا هیچ یک از آنها از من با سابقه تر وپیشگام تر در این میدان ها بوده است؟ من آن روز گام در میدان نبرد گذاشتم که هنوز بیست سال از عمرم نگذشته بود وهم اکنون از شصت گذشته ام، ولی آن که فرمانش را اجرا نکنند، طرح ونقشه ای ندارد (وهر اندازه فکر او بلند ونقشه اش دقیق باشد هرگز به جایی نمی رسد)». (1)

تحقیقی در مورد مسابقات اسب سواری وتیراندازی

جایزه دهندگان وجایزه گیرندگان

1. در مسابقات تیراندازی واسب سواری که شرط بندی جایز است، باید جایزه را برای کسی قرار دهند که برنده می شود؛ پس اگر برای کسی قرار دهند که عقب مانده جایز نیست.

2. همچنین جایز نیست برای کسی که در مسابقه شرکت ندارد جایزه قرار داده شود؛ بنابراین، اگر دو تن از تماشاگران در مورد مسابقه اسب سواری یا تیراندازی شرط بندی کنند جایز نیست.

3. اگر رئیس حکومت اسلامی از بیت المال مسلمین شرط کند که هر کس در مسابقه اسب دوانی یا در مسابقه تیراندازی برنده شود فلان مقدار جایزه می دهم، این کار جایز است.

4. همچنین اگر شخص سومی (غیر از رئیس حکومت اسلامی) بگوید: این مبلغ از اموالم برای کسی است که در مسابقه اسب سواری یا تیراندازی برنده شود، اشکالی ندارد.

5. در صورتی که مسابقه دهندگان هر کدام مبلغی بگذارند وشرط کنند که هر کس در این مسابقه برنده شد تمام این مبلغ مال او باشد، این کار جایز است.

1- نهج البلاغه با ترجمه گويا و شرح فشرده، ص 117، خطبه 27.

شرایط مسابقه اسب سواری

مطابق نظر مشهور علما، در مسابقه اسب سواری ده چیز شرط است :

1. ابتدا وانتهای مسیر مسابقه معلوم باشد تا هر اسبی که در آن مسیر از همه پیشی گرفت برنده باشد.

2. مقدار ونوع جایزه معلوم ومشخّص باشد وهیچ ابهامی نداشته باشد.

3. حیواناتی که قرار است در مسابقه شرکت کنند با دیدن مشخّص شوند.

البتّه برخی علما معتقدند که اگر اوصاف وویژگی های آن نیز معیّن شود کافی است ورؤیت لازم نیست.

4. احتمال بُرد هر یک از حیوانات شرکت کننده وجود داشته باشد وبه بیان دیگر، همه اسب ها در شرایط مساوی باشند؛ بنابراین، اگر اسب بسیار ضعیف ولاغر با اسب بسیار تندرو وقوی مسابقه دهد که معمولاً نمی تواند بر آن پیشی بگیرد جایز نیست.

5. حیواناتی که در مسابقه شرکت می کنند از یک جنس باشند. مثلا هر دو اسب یا استر باشند. پس اگر اسب را با استر یا الاغ یا شتر یا فیل بتازانند جایز نیست؛ البتّه در این شرط اختلاف نظر وجود دارد ونزد فقیر ثابت نیست.

6. طبق نظر مشهور علما هر دو باید همزمان حرکت کنند، پس اگر شرط کنند که یکی زودتر حرکت کند جایز نیست.

7. اسب ها باید با سوارکار در مسابقه شرکت کنند، پس اگر بدون سوارکار شرکت کنند جایز نیست.

8. مسافت مسابقه به قدری باشد که قبل از رسیدن به خطّ پایان، چهارپایان از ادامه دادن مسیر ناتوان نباشند.

9. سوارکاران باید مرد باشند، نه زن.

10. هر دو به هنگام تاختن مساوی یکدیگر ایستاده باشند؛ البتّه در این شرط

اختلاف نظر وجود دارد واظهر آن است که اگر یکی پیش تر از دیگری ایستاده باشد اشکالی ندارد.

نام اسب های مسابقه

در لغت عرب برای هر یک از اسب هایی که رتبه اوّل تا دهم را کسب کرده اند، نام خاصّی وجود دارد :

1. مُجَلّی: اسبی که مقام اوّل را کسب کرده است.

2. مُصَلّی: اسبی که به مقام دوم دست یافته است.

3. تالی: اسبی که در جایگاه سوم قرار گرفته است.

4. بارع: اسبی که به مقام چهارم رسیده است.

5. مُرتاح: اسبی که مقام پنجم را کسب کرده است.

6. حظّی: اسبی که ششم شده است.

7. عاطف: اسبی که به مقامی بهتر از هفتمی نرسیده است.

8. مُؤَمَّلْ: اسبی که حائز رتبه هشتم شده است.

9. لطیم: اسبی که در جایگاه نهم قرار گرفته است.

10. فِشکِل: اسبی که از همه عقب تر بوده است. (1)

برای مقام های اوّل تا نهم می توان جایزه قرار داد امّا برای اسبی که آخر از همه قرار گرفته جایز نیست. بنابراین، اگر همه اسب ها همزمان به خطّ پایان برسند به هیچ کدام جایزه ای تعلّق نمی گیرد.

شرایط تیراندازی

مسابقات شمشیرزنی ونیزه پرانی وتیراندازی، هر سه جایز است ودر

1- علّت نامگذاری اسب های دهگانه را به این نام ها در کتاب جواهر الکلام (ج 28، ص 213 و214) مطالعه فرمایید.

تیراندازی مطابق نظر مشهور چند چیز شرط است :

1. از ابتدا مشخّص کنند که چند تیر به هدف بخورد برنده است.

2. نیز مشخّص شود تیرهایی که به هدف می خورد از میان پرتاب چند تیر باشد (مثلا بگویند: هر کس پنج تیر از میان ده تیری که پرتاب می کند به هدف بزند برنده است).

3. چگونگی وکیفیّت اصابت تیر به نشانه را که شرحش خواهد آمد، مشخّص کنند.

4. مقدار مسافت تیرانداز از نشانه مشخّص شود.

5. اندازه نشانه ومحلّی که تیر باید به آن موضع اصابت کند نیز مشخّص شود.

6. کمان وتیر هر دو از یک جنس باشد؛ البتّه فقها در این شرط اختلاف نظر دارند واقوی آن است که چنین شرطی معتبر نیست. امّا اتّفاقی در کار نیست

که کمان وتیر معیّنی را شرط کنند، بلکه بعضی گفته اند اگر شرط تعیین نکنند باطل است.

7. مسابقه به شکل «مبادرت» یا به روش «محاطه» صورت گیرد. منظور از «مبادرت» آن است که شرط کنند هر کس از مجموع بیست تیری که دو تیرانداز پرتاب می کنند پنج تیرش به هدف اصابت کند برنده است، پس اگر نفر اوّل پنج تیر از ده تیر ونفر دوم چهار تیر از ده تیر را به هدف بزند، نفر اوّل برنده است واگر هر یک از آنها پنج تیر به هدف بزند هیچ کدام برنده نخواهد بود ومنظور از «محاطه» آن است که شرط کنند هر کس پنج تیر از دیگری بیشتر به هدف بزند برنده است؛ بنابراین، اگر هر کدام بیست تیر پرتاب کند ونفر اوّل پانزده تیر به هدف بزند ونفر دوم ده تیر،

نفر اوّل که پنج تیر بیشتر به هدف زده برنده است واگر یکی چهارده تیر ودیگری ده تیر به هدف بزند هیچ کدام برنده نیستند. واحتیاط آن است که از ابتدا مشخّص کنند که به کدام یک از دو روش بالا مسابقه خواهند داد تا به فتوای همه فقها صحیح باشد.

اقسام نشانه گیری

در مسابقه تیراندازی زدن به نشانه انواع واقسامی دارد :

1. حابی، یعنی ابتدا تیر به زمین بخورد، سپس کمانه کند وبه نشانه اصابت کند.

2. خاصر، یعنی تیر بر یکی از دو طرف سیبل متصّل شود.

3. خازق، یعنی تیر نشانه را زخمی کند، ولی در آن فرو نرود.

4. خاسق، منظور از آن این است که نشانه را سوراخ کند وتیر در آن بماند.

5. مارق، یعنی تیر نشانه را سوراخ کند واز آن عبور نماید.

6. خارم، بدین شکل که پهلوهای نشانه را بدرد، ولی در میان نشانه

فرو نرود. (1)

با توجّه به اقسام ششگانه هدف گیری، باید از اوّل معیّن کنند که به چه شکلی نشانه را هدف بگیرند واگر شرط کنند که تیر بر نشانه فرو رود وچنان بزند که تیر نشانه را سوراخ کرده واز سمت دیگر آن عبور کند برنده است. همچنین هر مرحله پست تری شرط شود، ولی تیرانداز به شکل بهتری بزنند برنده است. امّا در صورت عکس (یعنی مرحله عالی تر شرط شود وتیرانداز مرحله پایین تر را بزند) برنده نخواهد بود.

واحتیاط آن است که در ابتدا صیغه عقد مسابقه جاری شود. یعنی یکی از مسابقه دهندگان این عقد را با شرایطی که ذکر شد بر زبان جاری کند ودیگری قبول کند ومستحبّ است به هنگام تیراندازی واسب سواری هدف فقط بازی وگذراندن وقت نباشد، بلکه هدف ورزش در راه خدا وتقویت

دین وایمان وحمایت از شیعیان در مقابل ظالمان باشد، تا ثوابی عظیم ببرد.

1- علّت نامگذاری اقسام ششگانه هدف گیری به نام های مزبور را در کتاب جواهر الکلام (ج 28، ص 216و217) مطالعه فرمایید.

خاتمه: برخی آداب متفرّقه وفواید سودمند

اشاره

1. آغاز کردن هر کار به نام خدا وگفتن اِن شاءالله
2. علل فراموشی واسباب تقویت حافظه
3. عوامل ایجاد وبرطرف کردن اندوه
4. عوامل فقر وغنی
5. اشعار ممدوح ومذموم
6. مجازات لواط در دنیا وآخرت
7. پندهای امام صادق علیه السلام
8. برترین ها از دیدگاه پیامبر صلی الله علیه و آله
9. محرومان از نظر رحمت پروردگار وبهشت
10. «مساحقه» (همجنس بازی زنان) وعقوبت شدید آن
11. مسلمانان کافر!
12. مست همچون بت پرست است
13. موسیقی وقِمار
14. مناهی النّبی صلی الله علیه و آله (آنچه پیامبر از آنها نهی کرد)

آغاز کردن هر کار به نام خدا وگفتن اِن شاءالله

1. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بسیاری از اوقات اتّفاق می افتد که برخی شیعیان ما به هنگام شروع کارهایشان «بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ» را فراموش می کنند، بدین سبب خداوند متعال آنها را به مشکلی گرفتار می سازد تا متنبّه شوند وشکر وثنای الهی را به جای آورند وبا این کار، آن مشکل برطرف وکوتاهی شان بخشوده می شود؛ بنابراین، انسان باید هر کاری را با «بسم الله»

آغاز کند». (1)

2. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که خداوند متعال حضرت آدم علیه السلام را از خوردن میوه درخت ممنوعه بهشتی منع کرد، وی بدون گفتن اِن شاءالله گفت: این کار را نخواهم کرد. سپس از آن درخت خورد واز بهشت بیرون رانده شد. بدین رو، خداوند به پیامبرش فرمود: (وَلاَ تَقُولَنَّ لِشَیْءٍ إِنِّی فَاعِلٌ ذلِکَ غَدًا * إِلاَّ أَنْ یَشَاءَ اللهُ وَاذْکُرْ رَّبَّکَ إِذَا نَسِیتَ) (2) یعنی هرگاه ان شاءالله

را فراموش کردی هر زمان یادت آمد بگو، اگرچه بعد از یک سال باشد». (3)

1- تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص 22، ح 7.

2- ترجمه: «هرگز در مورد کاری نگو: فردا آن را انجام می دهم. مگر اینکه خدا بخواهد وهرگاه فراموش کردی،پروردگارت را به خاطر بیاور». سوره کهف، آیات 23 و24.

3- تفسیر عیّاشی، ج 2، ص 324، ح 15.

علل فراموشی واسباب تقویت حافظه

1. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام فرمود: «نُه عمل موجب غلبه فراموشی می شود، از جمله آنها خوردن سیب ترش وخوردن پنیر وگشنیز فراوان وحجامت کردن در گودی پشت گردن است». (1)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سه چیز باعث تقویت حافظه می شود: مسواک کردن، روزه گرفتن، تلاوت قرآن». (2)

عوامل ایجاد وبرطرف کردن اندوه

1. در حدیث است که: «روزی حضرت علی علیه السلام غمگین شد. فرمود: نمی دانم به چه علّت غمگین شده ام، در حالی که در آستانه ودرگاه در ننشسته ام واز میان گلّه گوسفندان عبور نکرده ام وزیر جامه را ایستاده نپوشیده ام ودست وصورت خود را با لباسم خشک نکرده ام». (3)

2. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ده چیز اندوه را برطرف می کند: پیاده روی، سوارکاری، سر زیر آب بردن، نگاه کردن به سبزه زار، غذا خوردن ونوشیدن آب، آمیزش، مسواک زدن، شستن سر با گل خطمی، نگاه کردن به زوجه مقبول، سخن گفتن با افراد باشخصیّت». (4)

عوامل فقر وغنی

1. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چند چیز باعث فقر وپریشانی وچند چیز موجب توانگری وغنی می شود. چیزهایی که باعث فقر

1- خصال، ج 2، ص 189، ح 18؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 319، ح 1.

2- سفینه البحار، ج 4، ص 340. ولی به جای صیام (روزه) لُبان (کندر) آمده است.

3- خصال، ج 1، ص 212، ح 52؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 321، ح 1.

4- خصال، ج 2، ص 210، ح 27؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 322، ح 3.

می شود: وجود تار عنکبوت در خانه، ادرار کردن در حمام، خوردن چیزی در حال جنابت، خلال کردن با چوب گز، ایستاده شانه کردن، نگهداری خاکروبه در خانه، قسم دروغ، زنا کردن، اظهار حرص کردن، خوابیدن بین نماز مغرب وعشا، خوابیدن پس از نماز صبح وقبل از طلوع آفتاب، دروغ گفتن، بسیار گوش دادن موسیقی، کمک نکردن به مردی که در شب تقاضای کمک می کند، زیاده روی کردن در مخارج، قطع صله رحم با خویشاوندان.

وآنچه باعث توانگری وبی نیازی می شود: نماز ظهر وعصر ونماز مغرب وعشا را با هم خواندن، خواندن تعقیبات بعد از نماز صبح وعصر، صله رحم، جاروب کردن حیاط منزل، کمک مالی به برادر مؤمن، صبحگاهان به طلب روزی رفتن، استغفار بسیار، خیانت نکردن در مال مردم، سخن حق وراست گفتن، تکرار جملات مؤذّن به هنگام گفتن اذان، سخن نگفتن در حاجتگاه، حرص نداشتن در طلب دنیا، قدردانی وتشکّر از کسی که نعمتی بر گردن انسان دارد، اجتناب از قسم دروغ، وضو گرفتن قبل از غذا، خوردن ریزه نان هایی که از سفره می ریزد، روزی سه مرتبه سبحان الله گفتن. با این کار خداوند هفتاد نوع بلا را دور می کند که کمترین آن فقر وپریشانی است». (1)

(ممکن است منظور از جمع بین صلاتین این باشد که وقتی نماز مغرب را خواند در مسجد بنشیند ومشغول ذکر ودعا وقرآن باشد تا وقت فضیلت نماز عشا برسد، سپس نماز عشا را بخواند، آن گونه که برخی اهل تسنّن انجام می دهند).

اشعار ممدوح ومذموم

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس در مدح اهل بیت علیهم السلامیک بیت شعربگوید،خداوند خانه ای در

بهشت برایش بنا می کند». (2)

1- خصال، ج 2، ص 276 - 278، ح 2؛ بحارالأنوار، ج 76، ص 314، ح 1.

2- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 7، ح 1.

2. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس در مدح ما اهل بیت بیتی شعر بگوید، از جانب روح القدس تأیید می شود». (1)

3. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر مؤمنی یک بیت شعر در مدح اهل بیت بگوید، خداوند متعال برای او در بهشت شهری بنا کند که بزرگ تر از هفت برابر دنیا باشد. وهنگامی که وارد آن شهر شود هر ملک مقرّب وهر پیامبر مرسلی به دیدن او می آیند». (2)

4. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر شکم کسی پر از چرک باشد بهتر از آن است که پر از شعر باشد». (3)

توجّه: منظور از شعر در این روایت، اشعار مبتذل وعاشقانه وفسادانگیز ویا اشعار مدح وتملّق گویی از ستمگران است.

مجازات لواط در دنیا وآخرت

از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خواهر ومادر لواط دهنده بر لواط کننده حرام می شود ودر روز قیامت گلوی او را گرفته، به کنار جهنّم می کشند تا خداوند از حساب مخلوقات فارغ شود، سپس او را در آتش می اندازند ودر هر طبقه از طبقات جهنّم وی را عذاب می کنند تا به آخرین طبقات جهنّم برسد. ولواط از زنا بدتر است، زیرا خداوند متعال هیچ امّتی را به خاطر زنا نابود نکرد، ولی به خاطر لواط چند شهر را نابود کرد». (4)

1- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 7، ح 2.

2- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 7، ح 3.

3- السرائر، ج 3، ص 633.

4- فقه الرضا علیه السلام، ص 278.

پندهای امام صادق علیه السلام

در حدیث است که شخصی خدمت امام صادق علیه السلام رسید واز حضرت درخواست موعظه کرد. حضرت فرمود: «اگر خداوند عهده دار روزی مردم است، پس غم وغصّه برای چیست؟ واگر روزی ات از سوی خدا قسمت شده، پس حرص برای چیست؟ واگر حساب قیامت حقّ است، مال اندوزی بی حساب برای چیست؟ واگر آنچه را در راه خدا انفاق می کنی خداوند عوض آن را می دهد، پس بخل ورزیدن چه جایگاهی دارد؟ واگر مجازات خدا به وسیله آتش جهنّم است، نافرمانی خدا برای چیست؟ واگر مرگ حقّ است، شادی بیجا برای چیست؟ واگر همه چیز بر خدا عرضه می شود، مکر برای چیست؟ واگر شیطان دشمن تو است، غفلت از او برای چیست؟ واگر همه کس باید از صراط عبور کنند، عُجب وخودستایی برای چیست؟ واگر همه چیز به قضا وقدر الهی است، اندوه برای چیست؟ واگر دنیا فانی است، دل به دنیا بستن برای چیست؟». (1)

برترین ها از دیدگاه پیامبر صلی الله علیه و آله

در حدیثی معتبر می خوانیم که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «عابدترین مردم کسی است که آنچه را خدا بر او واجب کرده به جا آورد. وسخی ترین مردم کسی است که زکات مال خود را بپردازد. وزاهدترین مردم کسی است که آنچه را خدا حرام کرده ترک کند. وپرهیزگارترین مردم کسی است که در همه جا حق را بگوید، خواه به نفع او باشد یا به ضرر او. وعادل ترین مردم کسی است که آنچه برای خود می پسندد برای مردم هم بپسندد وآنچه برای خود نمی پسندد برای دیگران هم نپسندد. وزیرک ترین مردم کسی است که بیشتر به یاد مرگ باشد.

1- امالی صدوق، ص 7، ح 5.

وحسودترین مردم کسی است که به زیر خاک رفته واز عقاب الهی ایمن شده وامید ثواب خدا داشته باشد. وغافل ترین مردم کسی است که از حوادث ودگرگونی های دنیا پند نگیرد. وقدرتمندترین مردم کسی است که دنیا نزد او ارزشی نداشته باشد. وداناترین مردم کسی است که علم مردم را با دانش خود جمع کند. وشجاع ترین مردم کسی است که بر هوای نفس خود غلبه کند. وباارزش ترین مردم کسی است که اعمال نیکش فراوان تر باشد. وکم بهاترین مردم کسی است که عملش کمتر باشد. وکم لذّت ترین مردم کسی است که بر مردم حسد ورزد. وناراحت ترین مردم شخصی است که بخل ورزد. وبخیل ترین مردم کسی است که به آنچه خداوند بر او واجب کرده، بخل ورزد. وسزاوارترین مردم به حق کسی است که بیشتر به حق عمل کند. وبی حرمت ترین مردم انسان فاسق است. وفاسق ترین مردم پادشاهان ظالم اند. وپایین ترین مردم از نظر محبوبیّت حاکمان ستمگرند. وفقیرترین مردم انسان طمعکار است. وبی نیازترین مردم کسی است که اسیر حرص نباشد. وباایمان ترین مردم کسی است که اخلاق نیکوتری داشته باشد. وگرامی ترین مردم پرهیزگارترین آنهاست. وکسی قدرتش عظیم تر است که به سراغ کارهای بیهوده نرود وپرهیزگارترین مردم کسی است که مجادله ومنازعه نکند، هر چند حق با او باشد. وبی مروّت ترین مردم شخص دروغگوست. وشقی ترین مردم سلاطین ستمکارند ودشمن ترین مردم نزد خدا وخلق خدا متکبّرانند. وکسی در طاعت الهی تلاش بیشتر کرده است که گناهان را ترک کرده باشد. وداناترین مردم کسی است که از جاهلان بگریزد. وسعادتمندترین مردم کسی است که با نیکان معاشرت کند. وعاقل ترین مردم کسی است که با مردم بیشتر مدارا کند. وسزاوارترین مردم به تهمت کسی است که با اهل تهمت همنشینی کند. وباغی ترین مردم کسی است که شخصی که قصد کشتن او را نداشته به قتل

برساند وکسی که قصد زدن او را نداشته کتک بزند. وسزاوارترین مردم به عفو وبخشایش کسی است که قدرت بر عقوبت بیشتر داشته باشد وآلوده ترین مردم به گناه کسی است که در حضور مردم کارهای سفیهانه ودر پشت سر آنها غیبت کند. وذلیل ترین مردم کسی است که مردم را خوار کند. ودوراندیش ترین مردم کسی است که برای مردم شایسته تر باشد. وبهترین مردم کسی است که مردم از او بهره مند شوند». (1)

محرومان از نظر رحمت پروردگار وبهشت

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند متعال در روز قیامت بر سه گروه با نظر رحمت نمی نگرد واعمالشان را قبول نمی کند وآنها را به عذابی دردناک دچار می سازد: منافقان (دوچهرگان)، کسانی که از فحش دادن وفحش شنیدن پروا نکنند، کسانی که خود چیزی داشته باشند ولی از مردم تقاضا کنند». (2)

2. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «بهشت بر هر دشنام دهنده کم حیایی که از آنچه می گوید وآنچه درباره اش می گویند پروا نکند، حرام است». (3)

3. در حدیثی دیگر فرمود: «بوی بهشت از پانصد سال راه به مشام می رسد، امّا عاقّ والدین وکسی که به ناموس خود بی اعتناست آن را استشمام نمی کند». (4)

1- امالی صدوق، ص 20 و21، ح 4.

2- تفسیر عیّاشی، ج 1، ص 178، ح 67.

3- کافی، ج 2، ص 323، ح 3.

4- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 281، ح 1343.

مساحقه (همجنس بازی زنان) وعقوبت شدید آن

در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «زنان مساحقه گر را در روز قیامت حاضر می کنند، لباسی از آتش بر اندامشان پوشانده... وآنها را در جهنّم می اندازند.واوّل کسی که این عمل زشت را مرتکب شد از قوم لوط بود». (1)

مسلمانان کافر!

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ده گروه از امّت من به خدای بزرگ کافرند: قاتل به ناحق (2) ، جادوگر، دیّوث (3) ، هر که از پشت با زنی زنا کند، هر که با حیوان آمیزش کند، کسی که با محارمش نظیر مادر وخواهر جماع کند، هر که برای فتنه وفساد تلاش کند، کسی که به کفّار سلاح بفروشد، هر که زکات مال خود را ندهد، کسی که حج بر او واجب شود وتوانایی رفتن به حج را دارد ونرود». (4) (منظور از کافر در اینجا کفر ایمان نیست، بلکه کفر در عمل است).

مست همچون بت پرست است

از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس از شراب مست شود وتا چهل روز پس از آن بمیرد، در پیشگاه خدا همچون بت پرست باشد». (5)

موسیقی وقِمار

1. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس چهل روز در

1- کافی، ج 5، ص 551 و552، ح 2.

2- در نسخه بحارالأنوار به جای «قتال»، «قتات» به معنای «بهتان زن، تهمت زن» آمده است.

3- مردی که نسبت به رابطه جنسی زن خود با مردان دیگر تعصّب وغیرت نداشته باشد. مردی که برایدریافت پول، زن خود را به همخوابگی با مردان دیگر وادار کند (فرهنگ متوسّط دهخدا، ج 1، ص 1408).

4- خصال، ج 2، ص 217، ح 43؛ بحارالأنوار، ج 72، ص 121، ح 18.

5- بحارالأنوار، ج 79، ص 127؛ قرب الإسناد، ص 155.

خانه اش طنبور بنوازند، خداوند متعال شیطانی بر وی مسلّط می کند وهیچ عضوی از اعضای او باقی نمی ماند مگر اینکه شیطان بر آن بنشیند ودر این صورت حیا از وی رخت برمی بندد ونسبت به آنچه می گوید ومی شنود پروا نمی کند وغیرت از وی زایل می گردد... ». (1)

2. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کبوتر در آواز خود بر کسانی که ساز می زنند وکنیزان خواننده را نگهداری می کنند وعود ونی می نوازند نفرین می کند». (2)

3. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس چهل روز در خانه اش طنبور، عود، یا یکی دیگر از آلت های ساز یا نرد یا شطرنج نگهداری کند، مستحقّ خشم الهی می شود. واگر در این چهل روز بمیرد، فاجر وفاسق از دنیا می رود وجای او در جهنّم خواهد بود». (3)

4. در حدیث است که در مورد تفسیر آیه شریفه (فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ) (4) از امام صادق علیه السلام پرسیدند. فرمود: «منظور از اوثان (بت ها)

شطرنج ومنظور از قول زور (گفتار باطل) غنا وخوانندگی است ونرد از شطرنج بدتر است. امّا شطرنج، نگهداری آن کفر، بازی کردن با آن شرک وتعلیم دادنش به دیگران گناه کبیره هلاک کننده وسلام کردن بر کسی که با آن بازی می کند گناه است. وکسی که دست در صفحه شطرنج بگرداند گویا دست در میان گوشت خوک کرده،... وکسی که با نرد قِمار بازی کند مثل کسی است که گوشت خوک خورده وکسی که قمار وبرد وباخت مالی کند، گویی دست در میان گوشت وخون خوک گذاشته است. وانگشتربازی وبازی با تخته ای که بر رویش

1- کافی، ج 6، ص 433، ح 14.

2- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 246.

3- فقه الرضا علیه السلام، ص 282.

4- ترجمه: «از بت های پلید اجتناب کنید و از سخن باطل بپرهیزید». سوره حج، آیه 30.

ریگ هایی می چینند وبازی می کنند وامثال آن جایز نیست. وتمام اینها حتّی گردوبازی کودکان (که در آن برد وباخت مالی بوده باشد) قِمار محسوب می شود». (1) (آنچه در بالا درباره شطرنج آمد مربوط به زمانی است که جزءِ آلات قِمار

محسوب شود ویا با آن برد وباخت مالی کنند).

مناهی النّبی صلی الله علیه و آله (آنچه پیامبر از آنها نهی کرد)

در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله از خوردن در حال جنابت نهی کرد وفرمود: «این کار فقر وپریشانی در پی خواهد داشت».

واز گرفتن ناخن با دندان ومسواک کردن در حمّام وانداختن آب بینی در مساجد وخوردن نیم خورده موش نهی کرد وفرمود: «مساجد را محلّ رفت وآمد خود قرار ندهید، بدین گونه که از دری وارد واز در دیگر خارج شوید، مگر اینکه دو رکعت نماز (تحیّت) در آن بخوانید».

واز ادرار کردن زیر درخت میوه دار، یا در میان راه نهی کرد.

ونهی فرمود از اینکه با دست چپ، یا در حالی که بر پهلو تکیه کرده، چیزی بخورند.

واز گچ کردن بر قبور ونماز خواندن در قبرستان نهی کرد.

وفرمود: «هر کس که در فضای باز غسل می کند مراقب باشد عورتش آشکار نشود».

ونهی کرد از آب خوردن از کناره دسته کوزه که محلّ اجتماع چرک هاست.

واز ادرار کردن در آب راکد (ایستاده) که باعث زوال عقل می شود نهی کرد.

ونهی فرمود از اینکه کسی با یک لنگه نعلین (کفش) راه برود، یا ایستاده نعلین بپوشد.

1- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 41 و 42، ح 135.

واز اینکه کسی روبه روی خورشید یا ماه ادرار کند نهی کرد وفرمود: «هنگامی که داخل حاجتگاه می شوید رو به قبله یا پشت به آن ننشینید».

ونهی کرد از گریه بلند ونوحه (شیون) کردن در مصیبت ها.

وزنان را از رفتن به تشییع جنازه نهی کرد.

ونهی کرد از اینکه چیزی از قرآن را با آب دهان محو کنند، یا چیزی از آیات قرآن را با آب دهان بنویسند.

واز خواب دروغ نقل کردن (به منظور آزار دادن مردم یا غیر آن) نهی کرد وفرمود: «هر کس چنین کند، خداوند متعال او را در قیامت موظّف می کند که دانه جوی را گره بزند واو قادر بر این کار نخواهد بود وبه همین سبب عذاب می شود».

واز مجسّمه سازی نهی کرد وفرمود: «هر کس مجسّمه ای بسازد، خداوند متعال در روز قیامت به او دستور می دهد که در آن مجسّمه روح بدمد وقادر نخواهد بود».

ونهی فرمود از اینکه حیوانی را به آتش بسوزانند.

واز دشنام دادن به خروس نهی کرد، زیرا مردم را برای نماز صبح بیدار می کند.

ونهی کرد از داخل شدن در معامله دیگران؛ مثل اینکه مؤمنی بخواهد چیزی بفروشد یا بخرد ودیگری بگوید من کالای بهتری دارم از من بخر، یا من این کالا را از تو گران تر می خرم.

از سخن گفتن زیاد به هنگام آمیزش نهی کرد وفرمود: این کار سبب لال شدن فرزند می شود.

وفرمود: خاکروبه را شب در خانه نگذارید وهمان روز بیرون ببرید که شیطان در آن لانه می کند.

واز اینکه در شب کسی با دست آلوده به غذا بخوابد نهی کرد که اگر چنین کند وشیطان دیوانه اش کند، جز خود کسی را سرزنش نکند.

ونهی کرد از استنجا با سرگین واستخوان.

واز اینکه زنی بدون اجازه شوهرش از خانه بیرون رود نهی کرد که اگر چنین کند تا زمانی که به خانه بازگردد ملائکه آسمان ها وهر کس از جنّیان وانسان ها که بر او بگذرند نفرین اش کنند.

ونهی کرد از اینکه زن برای غیر شوهرش خود را زینت کند واگر چنین کند، بر خداوند لازم است که او را به آتش جهنّم بسوزاند.

ونهی فرمود از اینکه زن نزد غیر شوهرش ونامحرمان، بیش از پنج کلمه ضروری سخن بگوید (در آنجا که احتمال انحراف از جادّه عفاف می رود).

ونهی کرد از اینکه زنی نزد زن دیگر بخوابد ولباس یا ملحفه ای در میان

آنها نباشد.

ونهی کرد از اینکه زن آنچه در خلوت میان او وشوهرش گذشته را برای زنی دیگر نقل کند.

ونهی فرمود از اینکه کسی با همسر خود رو به قبله آمیزش کند.

ونهی کرد از اینکه در کنار جادّه ای که محلّ رفت وآمد است با همسرش آمیزش کند واگر چنین کند، خدا وملائکه وهمه مردم بر او نفرین کنند.

واز رفتن نزد کسانی که مدّعی خبر دادن از آینده هستند، مانند منجّمان وکاهنان ورمّالان وصوفیان کذّاب نهی کرد وفرمود: «هر که نزد اینان برود وآنها را تصدیق کند، از آنچه بر من نازل شده بیزاری جسته است».

واز بازی با نرد وشطرنج واستفاده از طبل وتنبک وطنبور وعود نهی کرد.

واز غیبت کردن وگوش دادن به آن وسخن چینی کردن وگوش دادن به آن نهی کرد وفرمود: «سخن چین وارد بهشت نمی شود».

واز رفتن به میهمانی انسان های فاسق وقسم دروغ نهی کرد وفرمود: «قسم دروغ، شهرها را ویران می سازد». وفرمود: «هر کس برای آنکه مال مسلمانی را ببرد قسم دروغ بخورد، خداوند در قیامت با او در غضب باشد، مگر آنکه توبه کند ومال آن کس را پس بدهد».

واز نشستن بر سر سفره ای که بر آن شراب می خورند نهی کرد.

ونهی کرد از داخل شدن به حمّام بدون لنگ وسیلی بر صورت زدن به هنگام مصیبت وسخن گفتنی که انسان را از یاد خدا غافل سازد.

واز آشامیدن در ظروف طلا ونقره (وخوردن غذا در آنها) واز فروختن خرما بر روی درخت پیش از آنکه سرخ یا زرد شود نهی کرد.

ونهی فرمود از اینکه مردان لباس ابریشمین بپوشند، ولی برای زنان اشکالی ندارد.

ونهی کرد از اینکه رطب را بر درخت به عنوان خرما وانگور را بر درخت به عنوان مویز بفروشند.

واز فروختن آلت نرد وشطرنج نهی کرد.

ونهی فرمود از خریدن وخورانیدن شراب وفرمود: «شراب وکسی که درخت انگور را به قصد شراب می کارد وآن کس که انگور را برای تهیّه شراب می فشارد وهر که آن را می خورد وآن کس که ساقی می شود وهر که آن را می فروشد، وکسی که آن را می خرد وکسی که پول آن را مصرف می کند وآن کس که آن را حمل ونقل می کند وکسی که برای او حمل ونقل می شود، همه ملعون پروردگارند وفرمود: «هر که شراب بخورد نمازش تا چهل روز قبول نمی شود واگر بمیرد وچیزی از آن در شکمش باشد بر خداوند لازم است که او را مجازات کند».

واز رباخواری وشهادت به ناحق ونوشتن سند ربا نهی کرد. وخداوند

گیرنده، دهنده، نویسنده، وگواه بر رباخواری را نفرین کرده است.

واز مصافحه کردن با کفّار اهل ذمّه وخواندن شعر در مسجد واعلان گمشده در مسجد نهی کرد.

ونهی فرمود از اینکه در مسجد شمشیر را برهنه کنند ونیز چیزی (مانند سنگ) بر صورت جانوران بزنند.

ونهی کرد از نگاه به عورت مسلمان وفرمود: «هر کس عمداً به عورت مسلمانی نگاه کند، هفتاد هزار فرشته او را نفرین کنند».

وحتّی نهی فرمود از اینکه زنی به عورت زنی نگاه کند.

واز فوت کردن بر غذا وآب ومحلّ سجده نهی کرد.

واز نماز خواندن در قبرستان ودر راه وآسیاب ها ورودخانه ها ودر محلّی که شتران را می بندند وبر بام کعبه معظّمه نهی کرد.

واز کشتن زنبور عسل وداغ نهادن بر صورت چهارپایان نهی کرد.

واز اینکه کسی به غیر خدا قسم بخورد نهی کرد وفرمود: «هر کس به غیر خدا قسم بخورد از رحمت خدا بیزار شده است».

واز قسم خوردن به سوره قرآن نهی کرد وفرمود: «هر کس به سوره ای از قرآن قسم یاد کند، باید در مقابل هر آیه آن سوره یک کفّاره بدهد، خواه قسم راست باشد یا دروغ». (علما این کفّاره را حمل بر استحباب کرده اند).

ونهی فرمود از اینکه قسم بخورد وبگوید: به جان تو وجان فلان شخص.

واز نشستن جُنب در مسجد وبرهنه شدن در شب وروز وحجامت کردن در روز چهارشنبه وجمعه نهی کرد.

ونهی فرمود از سخن گفتن در روز جمعه هنگامی که خطیب جمعه خطبه می خوانَد که اگر چنین کند ثواب نماز جمعه اش کامل نیست.

ونهی فرمود از اینکه انگشتر ساخته شده از فلزّ زرد یا آهن در انگشت کند.

ونهی کرد از اینکه تصویر حیوان در نگین انگشتر باشد.

واز خواندن نماز نافله به هنگام غروب آفتاب وبه هنگام ظهر نهی کرد.

واز روزه گرفتن در عید فطر وقربان وسه روز بعد از عید قربان (برای کسانی که در منی هستند) ویوم الشّک به نیّت ماه رمضان، نهی فرمود.

ونهی کرد از اینکه همانند چهارپایان دهان بر آب بگذارد وبنوشد. وفرمود : «با دستان (تمیز وغیر آلوده خود در کنار چشمه وآنجا که ظرفی نباشد) آب بردارید وبیاشامید که بهترین ظرف های شماست».

ونهی کرد از انداختن آب دهان در چاهی که از آن آب می خورند.

واز به کار گرفتن کارگر قبل از تعیین اُجرتش نهی کرد.

ونهی کرد از اینکه دو مسلمان با هم قهر کنند واگر ناچار باشند، بیش از سه روز طول ندهند که هر کس چنین کند سزاوار آتش جهنّم است.

ونهی فرمود از اینکه طلا را به طلا ونقره را به نقره با اضافه وزن بفروشند (که ربا محسوب می شود).

واز مدح وتمجید مردم در پیش روی آنان نهی کرد.

وفرمود: «هر کس قرآن را فرا گیرد واز روی بی اعتنایی فراموش کند، روز قیامت دست هایش در گردنش بسته باشد وخداوند به تعداد هر آیه ای ماری را بر وی مسلّط گرداند، مگر اینکه خداوند او را بیامرزد».

وفرمود: «هر کس قرآن را بیاموزد وپس از آن حرامی بخورد، یا محبّت دنیا وزینت دنیا را بر عمل کردن بر قرآن مقدّم بدارد، مستحقّ غضب الهی گردد، مگر اینکه توبه کند. واگر بدون توبه بمیرد قرآن با او دشمنی کند».

وهر کس با زن مسلمان یا مسیحی یا یهودی یا زرتشتی زنا کند وبی توبه بمیرد، خداوند متعال درهای بسیاری از جهنّم به قبرش می گشاید که

حیوانات موذی از جهنّم وارد قبرش می شود واو تا روز قیامت در آتش می سوزد.

وهنگامی که از قبرش مبعوث می شود مردم از بوی متعفّن وی اذیّت می شوند وهمه او را به این کار زشت می شناسند تا به جهنّم برود.

وفرمود: «هر کس به خانه مؤمنی نگاه کند تا از اسرار درون خانه اش باخبر شود، خداوند وی را با منافقینی که از عیب های مسلمانان جست وجو می کردند محشور می کند ونمیرد تا خدا او را رسوا سازد مگر اینکه توبه کند».

وفرمود: «هر کس به آنچه خداوند روزی وی کرده راضی نباشد واز خدا شکایت کند وصبر نکند، هیچ حسنه ای از او بالا نمی رود (وقبول نمی شود) وخداوند در قیامت از وی خشمگین خواهد بود، مگر اینکه توبه کند».

وفرمود: «هر کس بر زنی ظلم کند ومَهرش را نپردازد، نزد خداوند زناکار محسوب می شود وخداوند در قیامت او را سرزنش می کند که من کنیز خود را به مَهر مخصوص به عقد تو درآوردم وتو بر پیمان خود وفا نکردی وبه آن زن ستم کردی. از حسنات وی بگیرید وبه جای مَهر آن زن به وی بدهید واگر حسناتش تمام شود خداوند دستور می دهد وی را به جهنّم ببرند».

واز کتمان شهادت نهی کرد وفرمود: «هر کس شهادتی نزد او باشد وآن را کتمان کند، خداوند متعال در روز قیامت در حضور مخلوقات، گوشت بدن وی را به خودش می خوراند».

وفرمود: «جبرئیل پیوسته به من در مورد حقّ همسایگان سفارش می کرد تا آنجا که گمان کردم سهمی از ارث برای آنان قرار خواهد داد... .

وپیوسته مرا به مسواک زدن امر می کرد تا آنکه گمان کردم واجب خواهد شد. وپیوسته مرا به نماز شب سفارش می کرد تا آنجا که گمان کردم نیکان امّتم شب ها نخواهند خوابید».

وفرمود: «هر کس مسلمان تهیدستی را سبک بشمارد، حقّ خدا را سبک شمرده است وخداوند متعال او را در قیامت سبک می شمارد، مگر آنکه توبه کند.

وهر کس مسلمان تهیدستی را گرامی بدارد، خداوند در روز قیامت از وی

راضی وخشنود شود.

وهر کس از ترس خدا از گناه وخواهش نفسانی حرامی خودداری کند، خداوند جهنّم را بر او حرام می کند واو را از وحشت هولناک روز قیامت در امان نگاه می دارد ودو باغ بهشتی که در قرآن مجید (1) وعده فرموده به او عطا می کند.

وهر کس دنیا وآخرت بر او عرضه شود ودنیا را بر آخرت ترجیح دهد در قیامت حسنه ای که به وسیله آن از جهنّم نجات پیدا کند نخواهد داشت.

وهر کس آخرت را بر دنیا ترجیح دهد، خداوند از وی خشنود شود وگناهانش را بیامرزد.

وهر کس چشمش را از نگاه به حرام پر کند، خداوند در روز قیامت دیده اش را از آتش پر می کند، مگر آنکه توبه کند.

وهر کس با زن بیگانه ای مصافحه کند، خداوند از وی خشمناک می شود.

وهر کس زنی را به طور نامشروع در بغل گیرد، او را با شیطانی در یک زنجیر کرده وهر دو را به جهنّم می برند.

وهر کس مسلمانی را در خرید وفروش فریب دهد از ما نیست ودر روز قیامت با یهودیان (ستمکار) محشور می شود».

وفرمود: «هر زنی که شوهرش را با زبانش بیازارد، خداوند هیچ حسنه ای از او قبول نمی کند تا آنکه شوهر را از خود راضی سازد، هر چند روزها روزه باشد وشب ها به نماز بایستد وبرده گانی در راه خدا آزاد کرده وبر اسبان جنگی سوار کرده وبه جهاد بفرستد، همچنین اگر مردی به زن خود ستم کند.

وهر که خشمی از کسی فرو برد که توانایی انتقام از وی را دارد، خداوند ثواب شهید به او کرامت می کند».

واز خیانت کردن در اموال مردم نهی کرد وفرمود: «هر کس در امانتی خیانت

1- سوره الرّحمن، آیه 46.

کند وتا قبل از مرگش آن را به اهلش نرساند، مسلمان از دنیا نرفته وخداوند در روز قیامت از او خشمگین باشد.

وهر که در مورد دیگری شهادت به ناحق بدهد، خداوند وی را در پایین ترین نقطه جهنّم با منافقان بر زبانش آویزان کند.

وهر کس مال خیانتی را بخرد، گویی خود خیانت کرده است.

وهر کس حقّ برادر مؤمن خود را حبس کند، خداوند برکت روزی را بر وی حرام می کند، مگر اینکه توبه کند.

وهر کس از گناه دیگران باخبر شود وآن را اشاعه دهد، گویی خود مرتکب آن شده است.

وهر کس برادر مسلمانش در رابطه با وامی به او نیازمند باشد واو قادر بر پرداخت باشد وندهد، خداوند بوی بهشت را بر وی حرام می کند.

وهر کس برای رضای خدا بر اخلاق بد زوجه اش صبر کند، خداوند ثواب شاکران را به وی می دهد.

وهر زنی که با شوهرش مدارا نکند وبا او سازگار نباشد واو را وادار بر کارهایی کند که از قدرتش خارج است، خداوند هیچ حسنه ای از او قبول نمی کند ودر روز قیامت از او خمشگین خواهد بود.

وهر کس برادر مسلمان خود را گرامی دارد، گویی خدا را گرامی داشته است».

ونهی کرد از اینکه شخصی امام جماعت گروهی شود که به امامت وی راضی نباشند وفرمود: «هر کس با رضایت جمعی، امامت جماعت آنها را بر عهده گیرد ودر وقت مناسب حاضر شود ونماز را به خوبی برگزار کند، مانند ثواب آن جمع را می برد، بی آنکه از ثواب آنها کاسته شود.

وهر کس برای صله رحم، یا به منظور کمک مالی به نزد یکی از بستگانش برود، خداوند متعال ثواب صد شهید به وی کرامت می کند ودر مقابل هر قدمی که در این راه برمی دارد، چهل هزار حسنه برای او می نویسد وچهل هزار گناه از

وی محو می کند وچهل هزار درجه بر درجاتش می افزاید وچنان باشد که صد سال از برای خدا عبادت کرده باشد.

وهر کس حاجتی از حوائج دنیوی نابینایی را برآورده سازد وبرای این کار گام بردارد وتلاش کند، خداوند متعال بیزاری از نفاق وآتش جهنّم را روزی اش گرداند وهفتاد حاجت از حاجات دنیوی اش را برآورده کند وپیوسته در رحمت الهی باشد تا بازگردد.

وهر کس بیماری را یک شبانه روز تحمّل کند وبه عیادت کنندگان خود شکایت نکند، خداوند متعال او را با حضرت ابراهیم علیه السلام مبعوث گرداند، تا همچون برقی درخشنده از پل صراط عبور کند.

وهر کس در راه برآورده شدن حاجت بیمار گام بردارد، خواه برآورده شود یا نشود، همانند روزی که از مادر متولّد شده از گناهان پاک می شود.

یکی از انصار پرسید: اگر آن بیمار از اهل خانه اش باشد ثوابش بیشتر است؟ فرمود: «آری». سپس فرمود: «هر کس مشکل وغم واندوهی از غم های دنیوی مؤمنی را برطرف سازد، خداوند متعال هفتاد ودو غم از غم های آخرت وهفتاد ودو بلا از بلاهای دنیا را از او دفع کند که آسان ترین آنها درد شکم باشد».

وفرمود: «هر شخصی که از وی حقّی طلب شود که قادر بر دادن آن باشد وتأخیر کند، هر روز گناه باج گیر (عشّار) برای او نوشته می شود.

وهر کس به برادر مؤمن خود احسان کند ولی بر وی منّت بگذارد، خداوند عملش را حبط ونابود کرده وثوابی به او نمی دهد. خداوند متعال فرماید: «من بهشت را بر منّت گذارنده وبخیل وسخن چین حرام کردم».

وهر کس در راه خدا صدقه ای دهد، در مقابل هر درهمی به وزن کوه احد از نعمت های بهشتی به او داده می شود.

وهر کس واسطه صدقه ای به شخص نیازمندی شود، مانند ثواب کسی که آن صدقه را پرداخته به او می دهند، بی آنکه از ثواب صدقه دهنده کاسته شود.

وهر کس از ترس خدا گریه کند، خداوند به هر قطره اشکی که از چشمانش

جاری شود قصری در بهشت به وی می دهد که با مروارید وسایر جواهرات تزیین شده باشد، به گونه ای که هیچ چشمی ندیده وهیچ گوشی نشنیده وبر قلب هیچ کسی خطور نکرده باشد.

وهر کس برای نماز جماعت به سوی مسجد برود، در مقابل هر گامی که برمی دارد هفتاد هزار حسنه برایش می نویسد وهفتاد هزار درجه بر درجاتش می افزاید واگر در این حال مرگش فرا رسد، خداوند متعال هفتاد هزار فرشته را مأمور می کند که در قبر از وی دیدن کنند ودر تنهایی مونس او باشند وتا هنگام مبعوث شدن از قبر برایش طلب آمرزش کنند.

وهر کس برای رضای خداوند متعال اذان بگوید، خداوند ثواب فوق العاده ای برای او می نویسد. وهنگامی که مؤذّن «اَشهدُ اَن لا اِلهَ اِلاَّ الله» می گوید، هفتاد هزار فرشته صلوات می فرستند وبرایش استغفار می کنند ودر روز قیامت در سایه عرش الهی باشد تا خداوند از حساب مخلوقات فارغ شود. وثواب گفتن «اَشهدُ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ الله» را چهل هزار فرشته می نویسند.

واگر در نماز جماعت بر صف اوّل وتکبیر اوّل محافظت کند وبه مسلمانان آزار نرساند، خداوند متعال همانند ثواب مؤذّنان، در دنیا وآخرت به او کرامت فرماید.

وفرمود: «هیچ بدی را کوچک نشمرید، هر چند در نظر شما کوچک آید...، زیرا گناه کبیره با استغفار باقی نمی مانَد. وگناه صغیره باقی نمی مانَد با اصرار (زیرا هنگامی که بر گناه صغیره اصرار کردی واز آن توبه نکردی کبیره می شود)». (1) (2)

1- امالی شیخ صدوق، مجلس 66، ص 433؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 11؛ مکارم الأخلاق،ص 433.

2- این نوشتار - بحمدالله - در ساعت هفت صبح 29/12/1386 و خواندن آن در محضر حضرت استاد در14/3/1388 و اصلاحات نهایی آن در 3/12/1388 به پایان رسید. والحمد لله ربّ العالمین.

فهرست منابع

1. القرآن الکریم، ترجمه آیه الله العظمی مکارم شیرازی، انتشارات امام علیّ ابن ابی طالب علیه السلام، قم، چاپ دوم، 1389ش.

2. الإحتجاج علی اهل اللجاج، احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی، انتشارات اُسوه، تهران، چاپ سوم، 1422ق.

3. الإختصاص، شیخ مفید، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اوّل، 1413ق.

4. الإستبصار، محمّد بن الحسن الطوسی، دارالکتب الاسلامیّه، تهران، چاپ سوم، 1390ق.

5. الاُصول من الکافی، محمّد بن یعقوب الکلینی، دار صعب ودار التعارف، بیروت، چاپ چهارم، 1401ق.

6. اعلام الدین فی صفات المؤمنین، حسن بن محمد دیلمی، انتشارات مؤسسه آل البیت، قم، چاپ اوّل، 1408ق.

7. اقبال الأعمال، سیّد رضی الدّین علیّ بن موسی بن جعفر بن طاووس، دارالکتب الاسلامیّه، تهران، چاپ اوّل، 1367ش.

8. امالی صدوق، محمّد بن علی بن الحسین بابویه قمّی، انتشارات کتابچی، تهران، چاپ هفتم، 1380ش.

ص:814

9. امالی طوسی، شیخ طوسی، انتشارات دارالثّقافه، قم، چاپ اوّل، 1414ق.

10. امالی مفید، شیخ مفید، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اوّل، 1413ق.

11. امل الآمل، شیخ حرّ عاملی، مکتبه الاندلس، بغداد، چاپ اوّل، 1385ق.

12. الأمان من أخطار الأسفار والأزمان، سیّد بن طاووس، مکتبه المفید، قم، چاپ اوّل.

13. الأنوار اللّامعه فی شرح الزّیاره الجامعه، السیّد عبدالله الشبّر، مؤسّسه الوفاء، بیروت، چاپ اوّل، 1403ق.

14. بحار الأنوار، محمّدباقر مجلسی، موسّسه الوفاء، بیروت، چاپ سوم، 1403ق.

15. برگزیده حلیه المتّقین، حاج شیخ عبّاس قمّی، کانون انتشارات ناصر، قم، چاپ اوّل، 1375ش.

16. البرهان فی تفسیر القرآن، سیّد هاشم بحرانی، مرکز الطباعه والنشر فی مؤسّسه البعثه، قم، چاپ اوّل، 1416ق.

17. بشاره المصطفی، عماد الدّین طبری، چاپ کتابخانه حیدریه، نجف، چاپ اوّل، 1383ق.

18. بصائر الدّرجات، محمّد بن حسن بن فروخ صفّار، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، چاپ اوّل، 1404ق.

19. تاریخ العلامه ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمّد بن خلدون، دارالکتاب اللبنانی ومکتبه المدرسه، بیروت، چاپ اوّل.

20. تحف العقول، حسن بن علی بن الحسین بن شعبه الحرّانی، مؤسّسه النّشر الاسلامی، قم، چاپ هشتم، 1429ق.

21. التفسير المنسوب إلى الإمام أبى محمّد الحسن بن علىّ العسكرى، مؤسّسه الإمام المهدى، چاپ اوّل، 1409ق.

ص:815

22. تفسير عيّاشى، محمّد بن مسعود بن عيّاشى، المكتبه العلميّه الاسلاميّه، تهران، چاپ اوّل، بى تا.

23. تفسير قمّى، علىّ بن ابراهيم القمّى، مؤسّسه دارالكتاب، قم، چاپ اوّل، 1404ق.

24. تفسير نمونه، ناصر مكارم شيرازى وهمكاران، دارالكتب الاسلاميّه، تهران، چاپ سوم، 1367ش.

25. تفسير نورالثّقلين، علّامه حويزى، موسّسه مطبوعاتى اسماعيليان، قم، چاپ چهارم، 1415ق.

26. تنبيه الخواطر (مجموعه ورّام)، ورّام بن ابى فراس، انتشارات مكتبه الفقيه، قم، چاپ اوّل، بى تا.

27. تهذيب الأحكام، محمّد بن الحسن بن على الطوسى، مكتبه الصدوق، تهران، چاپ اوّل، 1417ق.

28. ثواب الأعمال وعقاب الأعمال، شيخ صدوق، مكتبه الصّدوق، تهران، چاپ اوّل، 1391ق.

29. جامع احاديث الشيعه، حسين طباطبائى بروجردى، چاپ مهر، قم، چاپ اوّل، 1410ق.

30. جامع الأخبار، تاج الدّين شعيرى، انتشارات رضى، قم، چاپ اوّل، 1363ش.

31. الجعفريات، (الاشعثيات) محمّد بن محمّد بن اشعث كوفى، مكتبه نينوى الحديث، تهران، چاپ اوّل، بى تا.

32. جواهر الكلام، شيخ محمّد حسن نجفى، دار احياء التّراث العربى، بيروت، چاپ اوّل، 1981م.

33. حلیه المتّقین، علّامه مجلسی، تحقیق عبدالمجید شفقّت، انتشارات جلوه کمال، قم، چاپ اوّل، 1386ش.

34. الخرائج والجرائح، قطب الدّين راوندی، مؤسّسه امام مهدی، قم، چاپ اوّل، 1409ق.

35. الخصائص الفاطميّه، محمّد باقر كجوری، انتشارات شريف رضی، قم، چاپ اوّل، 1380ش.

36. الخصال، محمّد بن علی بن الحسين، انتشارات كتابچی، تهران، چاپ دوازدهم، 1385ش.

37. الخصال، محمد بن علی بن الحسين، با ترجمه: سيد احمد فهری زنجانی، انتشارات علميّه اسلاميّه، تهران، چاپ اوّل، بی تا.

38. الدروس الشّرعيه، محمّد بن مكّی العاملی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرّسين، قم، چاپ دوم، 1417ق.

39. دعائم الإسلام، نعمان بن محمّد تميمی مغربی، دارالمعارف مصر، چاپ اوّل، 1385ق.

40. الدعوات، قطب الدّين راوندی، چاپ مدرسه امام مهدی، قم، چاپ اوّل، 1407ق.

41. رجال كشّی، محمّد بن عمر كشّی، انتشارات دانشگاه مشهد، چاپ اوّل، 1348ش.

42. روضه المتّقين، محمّد تقی مجلسی، بنياد فرهنگ اسلامی حاج محمّد حسين كوشانپور، قم، چاپ اوّل، بی تا.

43. السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی، محمّد بن منصور بن احمد ابن ادريس حلّی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم، 1410ق.

44. سفينه البحار، شيخ عبّاس قمّی، دارالأُسوه للطّباعه والنّشر، ايران، چاپ اوّل، 1414ق.

45. السنن الکبری، احمد بن الحسین بن علی البیهقی، دار صادر، بیروت، چاپ اوّل، 1344ق.

46. شرح نهج البلاغه، میثم بن علی بن میثم البحرانی، مؤسّسه النصر، تهران، چاپ اوّل، 1378ق.

47. صحیفه نور، امام خمینی، انتشارات شرکت سهامی چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اوّل، 1361ش.

48. صحیفه الرّضا، منسوب به امام رضا علیه السلام، کنگره جهانی امام رضا علیه السلام، مشهد، چاپ اوّل، 1406ق.

49. طبّ الائمّه :، عبدالله وحسین ابنا بسطام، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ اوّل، 1411ق.

50. عدّه الدّاعی، ابن فهد حلّی، مکتبه وجدانی، قم، چاپ اوّل، بی تا.

51. العروه الوثقی، سیّد محمّد کاظم طباطبائی یزدی، المکتبه العلمیّه الاسلامیه، تهران، چاپ اوّل، بی تا.

52. علل الشرایع، شیخ صدوق، انتشارات مکتبه داوری، قم، چاپ اوّل، بی تا.

53. عین الحیاه، علّامه محمّد باقر مجلسی، مؤسّسه فرهنگی انتشاراتی گرگان، قم، چاپ اوّل، 1382ش.

54. عیون اخبار الرّضا، شیخ صدوق، انتشارات جهان، چاپ اوّل، 1378ق.

55. الفتوحات المکیّه، ابن العربی، دار صادر، بیروت، چاپ اوّل، بی تا.

56. فرحه الغری، سیّد عبدالکریم بن طاووس، انتشارات رضی، قم، چاپ اوّل، بی تا.

57. الفروع من الکافی، محمّد کلینی، دارصعب ودارالتعارف، بیروت، چاپ سوم، 1401ق.

58. فرهنگ عمید، حسن عمید، سازمان چاپ وانتشارات جاویدان، تهران، چاپ پنجم، 1350ش.

59. فرهنگ فارسی، دکتر محمّد معین، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ چهارم، 1360ش.

ص:818

60. فرهنگ متوسّط دهخدا، علی اکبر دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اوّل، 1385ش.

61. فرهنگ معاصر عربی - فارسی، آذرتاش ؛ آذرنوش، نشر نی، تهران، چاپ هفتم، 1385ش.

62. فقه الرّضا، امام رضا علیه السلام، کنگره امام رضا علیه السلام، مشهد، چاپ اوّل، 1406ق.

63. الفقه، سیّد محمّد حسین شیرازی، دارالعلوم، بیروت، چاپ دوم، 1408ق.

64. فلاح السائل، سیّد بن طاووس، انتشارات دفتر تبلیغات، قم، چاپ اوّل، بی تا.

65. الفوائد الرضویّه، حاج شیخ عبّاس قمّی، تحقیق: ناصر بیدهندی، مؤسّسه بوستان کتاب، قم، چاپ اوّل، 1385ش.

66. قرب الإسناد، عبدالله بن جعفر الحمیری، مؤسّسه الثّقافه الاسلامیه لکوشانپور، قم، چاپ اوّل، 1417ق.

67. قصص الانبیاء، قطب الدّین راوندی، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اوّل، 1409ق.

68. کامل الزّیارات، جعفر بن محمّد بن قولویه قمّی، انتشارات مرتضویه، نجف اشرف، چاپ اوّل، 1356ق.

69. کتاب من لا یحضره الفقیه، محمّد بن علی بن الحسین، دار صعب ودارالتعارف للمطبوعات، بیروت، چاپ اوّل، 1401ق.

70. کشف الغمّه فی معرفه الائمّه، علی بن عیسی بن ابوالفتح اربلی، انتشارات مکتبه الحیدریه، قم، چاپ اوّل، 1427ق.

71. کمال الدّین، شیخ صدوق، دارالکتب الاسلامیه، قم، چاپ اوّل، 1395ق.

72. گلشن ابرار، جمعی از پژوهشگران حوزه علمیّه قم زیر نظر پژوهشکده باقرالعلوم، نشر معروف، قم، چاپ دوم، 1382ش.

ص:819

73. لغت نامه، علی اکبر دهخدا، چاپ سیروس، تهران، چاپ اوّل، 1335ش.

74. مجلّه مبلّغان (دوماهنامه)؛ معاونت تبلیغ وآموزش های کاربردی حوزه علميّه، قم، چاپ اوّل، 1388ش.

75. مجمع البیان، فضل بن الحسن الطبرسی، مؤسّسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ اوّل، 1415ق.

76. مجمع البحرین، شیخ فخرالدین الطریحی، مرکز الطباعه والنشر فی مؤسسه البعثه، قم، چاپ اوّل، 1415ق.

77. المحاسن، احمد بن محمّد بن خالد البرقی، دارالکتب الاسلاميّه، قم، چاپ دوم، بی تا.

78. مختصر البصائر، الحسن بن سلیمان الحلّی، تحقیق مشتاق المظفّر، مؤسّسه النشر الاسلامی، قم، چاپ اوّل، 1379ش.

79. مختصر تاریخ دمشق، محمّد بن مکرم المعروف بابن منظور، دارالفکر، دمشق، چاپ اوّل، 1404ق.

80. مرآه العقول، محمّد باقر مجلسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ دوم، 1404ق.

81. مستدرک الوسائل، میرزا حسین النوری الطبرسی، مؤسّسه آل البیت، قم، چاپ اوّل، 1407ق.

82. مستدرک سفینه البحار، علی نمازی شاهرودی، مؤسّسه البعثه، مشهد، چاپ اوّل، 1409ق.

83. مشکاه الأنوار، علی بن حسن الطبرسی، کتابخانه حیدریه، نجف، چاپ اوّل، 1385ق.

84. المصباح، ابراهيم بن على بن الحسن بن محمّد العاملى الكفعمى، مؤسّسه الأعلمى للمطبوعات، بيروت، چاپ سوم، 1403ق.

85. مصباح الشریعه، منسوب به امام صادق علیه السلام، مؤسّسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ اوّل، 1400ق.

86. مصباح المتهجّد، شیخ طوسی، مؤسّسه فقه الشیعه، بیروت، چاپ اوّل، 1411ق.

87. معارف ومعاریف، سیّد مصطفی حسینی دشتی، مؤسّسه فرهنگی آرایه، تهران، چاپ اوّل، 1385ش.

88. معانی الأخبار، شیخ صدوق، انتشارات جامعه مدرّسین، قم، چاپ اوّل، 1361ش.

89. المغنی والشرح الکبیر، ابنی قدامه، دارالفکر، بیروت، چاپ اوّل، 1404ق.

90. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمّی، انتشارات دارالفکر، قم، چاپ سوم، 1380ش.

91. مفاتیح نوین، آیه الله العظمی مکارم شیرازی، مدرسه الامام علیّ بن ابی طالب علیه السلام، چاپ سوم، 1385ش.

92. مفتاح الکرامه، سیّد محمّد جواد حسینی العاملی، مؤسّسه آل البیت، چاپ اوّل، بی تا.

93. المقنع، شیخ صدوق، مؤسّسه امام هادی علیه السلام، قم، چاپ اوّل، 1415ق.

94. مکارم الأخلاق، رضی الدّین حسن بن فضل الطبرسی، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ اوّل، 1412ق.

95. مناقب آل ابی طالب، محمّد بن علی بن شهر آشوب، مؤسّسه انتشارات علّامه، قم، چاپ اوّل، 1379ق.

96. منیه المرید، شهید ثانی، انتشارات دفتر تبلیغات، قم، چاپ اوّل، 1409ق.

97. مهج الدعوات، سیّد بن طاووس، انتشارات دار الذّخائر، قم، چاپ اوّل، 1411ق.

98. مهذّب الأحکام فی بیان الحلال والحرام، سیّد عبدالأعلی موسوی سبزواری، مؤسّسه المنار، قم، چاپ چهارم، 1413ق.

99. میزان الحکمه، محمّد محمّدی ری شهری، دار احیاء التّراث العربی، بیروت، چاپ اوّل، 1422ق.

100. نهج البلاغه با ترجمه گویا وشرح فشرده، زیر نظر آیه الله مکارم شیرازی، به قلم محمّدرضا آشتیانی ومحمّدجعفر امامی، مدرسه الامام علیّ بن ابی طالب علیه السلام، قم، چاپ دهم، 1375ش.

101. نهج الفصاحه، ابوالقاسم پاینده، سازمان انتشارات جاویدان، ایران، چاپ اوّل، 1374ش.

102. وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، دار احیاء التّراث العربی، بیروت، چاپ چهارم، 1391ق.

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.1
IOS.2
WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109